

فروغ مسجد (۶)

انتشارات ثقلین
- ۵۲ -

فـــروغ مسجـــد

(۶)

مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده

پنجمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

▣ ▣ ▣

(۳۰ مردادماه ۱۳۸۶ ـ ۷ شعبان‌المعظم ۱۴۲۸ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰۷)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

همایش بین‌المللی هفته‌جهانی گرامی‌داشت مساجد (پنجمین: ۱۴۲۸ ق. = ۱۳۸۶ : تهران)
فروغ مسجد (۶): مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده پنجمین همایش‌بین‌المللی‌هفته‌جهانی‌گرامی‌داشت‌مساجد(۳۰مرداد۱۳۸۶،۷شعبان۱۴۲۸،۲۱آگوست۲۰۰۷) مرکز رسیدگی به‌امور مساجد. تهران؛ قم انتشارات ثقلین، ۱۳۸۷ .
964 - 9960 - 18 - X
۶۸۰ ص : مصور. ـ (انتشارات ثقلین ؛ ۵۲)
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه.
۱. مسجدها ـ کنگره‌ها. ۲ . مسجدها ـ ایران ـ کنگره‌ها. ۳ . مسجدها ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۴ . مسجدها ـ ایران ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۵ . مسجدالاقصی، بیت‌المقدس ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف . عنوان. ب . عنوان: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد (مرداد ۱۳۸۶ ـ شعبان ۱۴۲۸ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰۷).
۸ هـ / BP ۲۶۱ ۲۹۷/۷۵
۱۳۸۷

▣ فروغ مسجد (۶) ▣

ناشر: انتشارات ثقلین
دبیر کمیته علمی همایش: علی رضایی‌بیرجندی
صفحه‌بندی و ناظر چاپ: عبّاس رحیمی
لیتوگرافی و چاپ: نینوا
قطع: وزیری ـ ۶۸۰ صفحه
تیراژ: چاپ اوّل ـ ۵۰۰۰ نسخه
تاریخ: مردادماه ۱۳۸۷

▣ ▣ ▣

نشانی :
مرکز انتشارات ثقلین: قم ـ خیابان انقلاب ـ چهارراه سجادیه ـ کوچه شماره ۳۳ ـ پلاک ۱۳
تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ ـ دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴
دفتر مرکزی مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران ـ تهرانپارس ـ بین فلکه دوم و سوم خیابان ۱۸۲ غربی ـ پلاک ۶ ▣ تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ ـ دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

شماره شابک X ـ ۱۸ ـ ۹۹۶۰ـ۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخن ناشر ۹

پیشگفتار ۱۱

رهنمودهای امام خمینی‌ﷺ ۱۵

رهنمودهای مقام معظم رهبری دامت‌برکاته در دیدار با شرکت‌کنندگان داخلی و مهمانان خارجی سومین همایش بین‌المللی هفته گرامی‌داشت مساجد ۱۷

بخش اوّل سخنرانی‌ها

فصل اوّل: رهنمودهای مراجع عظام تقلید دامت‌افاضاتهم در دیدار با ائمه‌جماعات و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

گزیده سخنان حضرت حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد در محضر مراجع معظم تقلید ۲۳

رهنمودهای حضرت آیةالله‌العظمی مکارم شیرازی دامت‌برکاته ۲۷

رهنمودهای حضرت آیةالله‌العظمی صافی‌گلپایگانی دامت‌برکاته ۳۵

رهنمودهای حضرت آیة الله العظمی جوادی آملی دامت‌برکاته ۴۱

رهنمودهای حضرت آیةالله‌العظمی سبحانی‌تبریزی دامت‌برکاته ۵۳

رهنمودهای حضرت آیةالله‌العظمی نوری همدانی دامت‌برکاته ۵۹

فصل دوّم: همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

سخنرانی حضرت آیةالله موحدی کرمانی ۶۹
سخنرانی حضرت آیةالله استادی ۸۵
سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین خاتمی ۹۹
سخنرانی حضرت آیةالله العظمی سبحانی تبریزی دامت‌برکاته ۱۱۱
سخنرانی دکتر محمدباقر قالیباف ۱۱۹
گزارش دبیر علمی همایش جناب حجةالاسلام والمسلمین رضائی بیرجندی ۱۲۷
سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی ۱۳۵
سخنرانی جناب آقای دکتر حداد عادل ۱۴۱
گزارش کمیسیون مسجد مطلوب اسلامی ۱۵۳
گزارش کمیسیون مسجد پایگاه اتحاد و انسجام اسلامی ۱۶۳
سخنرانی حضرت آیةالله هاشمی رفسنجانی دامت‌برکاته ۱۷۳
بیانیه پایانی پنجمین همایش بین‌المللی هفته جهانی مساجد ۱۸۷

فصل سوم: دومین همایش ائمه‌جماعات اهل قلم

سخنرانی جناب حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی ۱۹۳
گزارش حجةالاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی ۱۹۷
رهنمودهای حضرت آیةالله‌العظمی جوادی آملی دامت‌برکاته ۲۰۱

فصل چهارم: اولین همایش محراب و منبر (ائمه‌جماعات و وعاظ)

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی ۲۱۳
سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین شجاعی ۲۱۷
سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین اکرمی ۲۲۱
سخنرانی حضرت آیةالله موحدی کرمانی ۲۲۵

بخش دوّم: مقالات برگزیده پنجمین اجلاس بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

وحدت اسلامی و تقریب مذاهب / آیةالله محمدعلی تسخیری ۲۳۵
اتحاد و انسجام ضرورت جهان اسلام / محمد علی حسینی مقدم ۲۵۱
اتحاد ملّی و انسجام اسلامی رمز پیروزی / عسکری اسلامپور کریمی ۲۹۱
رابطه اخلاق دینی و انسجام در احادیث معصومین علیهم‌السلام / علیجان حسنی ۳۶۹
راهکارهای قرآنی اتحاد امت با نگاهی تاریخی به امت‌سازی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۴۰۹
بازخوانی خاستگاه و ریشه‌های اختلاف امت از نشانه تا معنا و اختلاف تا اتحاد ۴۱۷
اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز پیروزی / محمد آموزگار ۴۲۹
عوامل همگرایی جهان اسلام / علی اکبر گندمکار ۴۴۳
عوامل واگرایی جهان اسلام / نرگس قاسمی ۴۸۱
عوامل همگرایی جهان اسلام / نرگس قاسمی ۵۰۵
وحدت و انسجام در قرآن کریم و سیرهٔ نبوی / زهرا خلفی ۵۳۷
اتحاد و انسجام رمز پیروزی / صالح حسن‌زاده ۵۴۹
اتحاد و انسجام اسلامی در نهج‌البلاغه / محمود حسین‌زاده خراسانی ۵۶۳
اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو قرآن کریم / علی شریعتی ۶۱۱
نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی / جعفر ساسان ۶۲۵
نقش مسجد در نزاع دین و جهانی شدن / مجتبی فرهنگیان ۶۴۹

سخن ناشر

اتحاد و یکپارچگی، وحدت کلمه و همبستگی مسلمانان موضوعی است که همواره مورد توجه و عنایت الهی و سفارش اکید پیامبرﷺ و سایر پیشوایان دین بوده است. قرآن همه پیروان دین حنیف را به وحدت و ثبات قدم در راه حق و اتحاد و اجتماع و اعتصام به ریسمان محکم الهی فرا می‌خواند و از اختلاف و تفرقه نهی و از آثار زیان‌بار و پیامدهای ناگوار آن برحذر می‌دارد.

انتشارات ثقلین که نشر و اشاعه فرهنگ قرآن و اهل‌بیت پیامبرﷺ را هدف اصلی خود می‌داند، بمناسبت سالی که از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی «**سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی**» نامیده شد، اقدام به چاپ ششمین جلد از کتاب ارزشمند فروغ مسجد که حاصل سخنرانی‌های مراجع عالیقدر جهان اسلام و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و نیز مقالات برگزیده ارائه شده به پنجمین همایش بین‌المللی هفته گرامی‌داشت مساجد می‌باشد، نموده است امید است مورد قبول حضرت حق قرارگیرد.

انتشارات ثقلین

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز سال ۱۳۸۶ هجری شمسی، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیة‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی بادرایت وتدبیروالای خوداین سال را، «**سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی**» نامیدند. این رویه یک نوع هدف‌گذاری است که شناسه راهبردی نظام در آن سال را مشخص می‌سازد. با عنایت به تحولات جهانی و حرکات مرموز منطقه‌ای و فتنه‌انگیزی‌ها و تهدیدهای استکبار جهانی این اقدام حکیمانه و یکی از ضروریات جهان اسلام و تنها راهکار برای مقابله با ابزارهای گوناگون تخریبی دشمن، می‌باشد.

رهبر انقلاب با این نام‌گذاری اذهان اندیشمندان جهان اسلام را متوجه حساس بودن موضوع و مسؤولیت بزرگی که قرآن و اولیای الهی روی آن تأکید فراوان داشته‌اند نمود.

اتحاد و همگرایی جهان اسلام وابسته به عوامل متعدد درونی و برونی بوده و هست. اصول مشترک بین مسلمانان همانند اصل بنیادی توحید، نبوت، وجود قرآن کریم، کنگرهٔ عظیم حج، فروعات دین چون نماز، بیت‌المقدس به عنوان قبله اول مسلمین از عوامل همگرایی در جهان اسلام می‌باشند.

از سوی دیگر اتحاد و انسجام از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی است. افزون براین، این‌گونه مقولات در مباحث مربوط به توسعه سیاسی و اقتصادی در کشور نقش اساسی ایفا می‌کند، به‌طوری که اتحاد ملی در شکل‌گیری سامانه نظام سیاسی و اداره آن امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و اساساً بدون اتحاد و همبستگی ملی، امکان رشد و توسعه و تعالی یک کشور میسر نیست و به فرموده مقام معظم رهبری،

همبستگی و اتحاد ملت مشارکت عمومی و اعتصام به ایمان الهی مهم‌ترین سلاح‌های ملت ایران برای خنثی‌سازی توطئه‌ها و تمهیدات دشمن هستند.

امروز وحدت و همبستگی ملی در ایران اسلامی و انسجام در دنیای اسلام بزرگترین مانع در برابر دشمنان آزمند و کینه‌توز است. دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب تمام تلاش‌های خود را برای تفرقه‌افکنی و یأس‌آفرینی در میان مسلمانان متمرکز ساخته‌اند و این دو شعار خنثی‌کننده تمام برنامه‌های دشمنان خارجی و عوامل سرسپرده داخلی آنان است. هرچند ضرورت پایبندی به اصول و مبانی برادری ایمانی و وحدت و انسجام اسلامی از بدیهیات کتاب و سنت و موردنظر شارع مقدس و سفارش مؤکد ائمه معصومین علیهم‌السلام است ولی میراث سنگین و تاریخی صدها سال اختلاف و کینه و کدورت و جنگ و نزاع فرقه‌ای و دسیسه‌های استعماری و استکباری در دهه‌های اخیر که تلاش نمود، آتش تعصب و تکفیر و تفسیق را بین مسلمانان رواج دهد، آنچنان آسمان برادری بین مسلمانان را تیره و غبارآلود کرده که گاهی از بدیهی‌ترین موضوعات غفلت شده است.

تهاجم سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و تبلیغاتی دشمنان قسم خورده مسلمین بویژه امریکا و اسرائیل به اسلام و سرزمین‌های اسلام لزوم اتحاد و همبستگی مسلمانان در برابر دشمن مشترک و اتخاذ موضع واحد در مسائل جهانی را امری انکارناپذیر نموده است.

از سوی دیگر، اتحاد و انسجام اسلامی یک مقوله اجتماعی است و بدون مشارکت عمومی نمی‌توان به این مهم دست یافت برای تحقق این امر می‌توان از مسجد به عنوان یک نهاد دینی و فرهنگی و یکی از مهمترین کانون‌های اجتماعی که از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار است کمک گرفت که با احیاء و تقویت کارکردهای خود نقش بسیار مهمی در فرهنگ‌سازی برای تفاهم و احترام به ارزش‌های مشترک جهان اسلام و دفاع و پاسداری از آنها ایفا کند و در نتیجه بستر مناسبی را برای برقراری اتحاد ملی و انسجام اسلامی فراهم آورد.

مسؤولین مرکز رسیدگی به امور مساجد که همواره پیرو ولایت و رهبری بوده و در این مسیر گام برداشته‌اند در سالی که به سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام‌گذاری

شده است؛ بمناسبت بزرگداشت هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد به محضر مراجع عظیم‌الشأن حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی، وحید خراسانی مشرف شدند و از بیانات آیات و حجج اسلام استادی، موحدی کرمانی و سید احمد خاتمی در همایش‌های مقدماتی هفته جهانی بهره‌مند شدند. و رهنمودهای آنان را در ارتباط با مسجد و راهکارهای ارتقای کیفی و کمی مساجد اخذ نمودند. همچنین مهمانان گرانقدر همایش بین‌المللی هفته گرامی داشت مساجد ریاست محترم مجلس هفتم جناب آقای حداد عادل و نیز ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص ملت نظام حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دامت‌برکاته و نیز شهردار محترم شهر تهران جناب آقای دکتر قالیباف راهنمائی‌های لازم را ارائه نمودند.

در این اجلاس دو کمیسیون ذیل:

۱ ـ مسجد مطلوب اسلامی؛

۲ ـ مسجد پایگاه وحدت، تشکیل شد که گزارشی از آن نیز تقدیم شده است. همچنین بیانیه پایانی این همایش که مورد تأیید شرکت‌کنندگان قرار گرفت تقدیم شده است.

همچنین دومین همایش ائمه جماعات اهل قلم رادر محضر آیة‌الله العظمی جوادی آملی برگزار نموده و از راهنمائی‌های راهگشای معظم‌له استفاده نموده و نیز اولین همایش محراب و منبر با حضور ائمه جماعات اهل قلم و خطبا و وعظا استان تهران برگزار شد که بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

در پایان همایش بین‌المللی به برترین‌های محراب، منبر و اهل قلم و نویسندگان مقالات و نیز فعالان برتر فعالیت‌های فرهنگی مسجد هدایایی تقدیم شد.

در بخش دوّم کتاب، مقالات برتر ارسال شده به کمیته علمی ستاد که بعد ارزش‌یابی و آوردن امتیاز برخی از آنها در اجلاس قرائت گردید، ارائه گردیده است.

به امید ارتباط وثیق و کارآمد شدن مساجد در ایران اسلامی و سراسر جهان.

دبیر کمیته‌ی علمی ستاد گرامی‌داشت هفته‌ی جهانی مساجد

علی رضایی بیرجندی

رهنمودهای امام خمینی قدس سره

۱ ـ من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان ها حفظ مساجد.
۲ ـ حفظ مساجد امروز جزو اموری است که اسلام به او وابسته است.
۳ ـ مسجدها را خالی نکنید تکلیف است امروز.
۴ ـ ای ملت! مسجد های خودتان را حفظ کنید.
۵ ـ نهضت را از راه مساجد ـ که دژهای محکم اسلامند ـ زنده نگه دارید.
۶ ـ این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد.
۷ ـ مسجد مرکز اجتماع سیاسی است.

رهنمودهای مقام معظم رهبری دامت‌برکاته
در دیدار با شرکت‌کنندگان داخلی و مهمانان خارجی
سومین همایش بین‌المللی هفته گرامی‌داشت مساجد

۱ ـ مساجد یکی از امتیازات اسلام و متعلق به مردم است. جایگاه عبادت و ارتباط انسان با خدا مساجد است.

۲ ـ مراسم مسجد منحصر در مراسمی خاص نیست بلکه مکان توجه و ذکر و نماز و شناخت یکدیگر و محل تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی است.

۳ ـ استفاده از مسجد برای دنیای اسلام فرصتی مغتنم است چون محور اجتماع مردم است.

۴ ـ باید کانون مساجد شوق‌آور و شوق‌آفرین باشد تا دل‌ها به آمدن مساجد رغبت و شوق پیدا کند.

۵ ـ جاذبه‌های مساجد عبارت‌اند از استفاده از ابزارهای تبلیغی، کتابخانه‌های مطلوب، روش‌های هنری برای تبلیغ مفاهیم دینی و تولید شوق به عبادت از مواردی است که لازم است در باره آن مطالعه شود.

۶ ـ ارتباط بین مساجد در کشورهای اسلامی بسیار پسندیده و نیکوست.

۷ ـ خیانتی که در آن زمان به مسجدالاقصی شد، نشان دهنده جهت‌گیری دنیای سلطه بر ضد مظاهر اسلامی بود.

۸ ـ جزو کارهای خوب سازمان کنفرانس اسلامی نامگذاری هفته جهانی مسجد بود و باید این دستاویز عقیدتی و سیاسی رها نگردد.

۹ ـ نفس مسئله عمران مساجد و پرداختن به عمران و آبادانی مسجد مهم است، اما مسئله عمران مساجد فقط عمران ظاهری نیست، بلکه عمران معنوی اهمیت بالاتری دارد.

بخش اوّل

سخنرانی‌ها

فصل اوّل

رهنمودهای مراجع عظام تقلید دامت‌افاضاتهم

در دیدار با ائمه جماعات

و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

گزیده سخنان حضرت حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی
ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد
در محضر مراجع معظم تقلید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله و علی آله و قال الله الحکیم:

﴿ وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ أَحَداً ﴾.

جمعی که در محضر حضرت‌عالی حضور پیدا کرده‌اند ائمه محترم جماعات استان تهران و بخش شوراهاست که سنگینی تشکیلات مرکز رسیدگی به امور مساجد بر شانه این عزیزان است، مدیران حوزه‌های هفده‌گانه استان تهران، معاونان مرکز رسیدگی به امور مساجد و بخشی از ائمه جمعه استان تهران می‌باشند و منظور از زیارت حضرت‌عالی این است که ما در آستانه برگزاری هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد هستیم که در مردادماه برگزار می‌شود و از طرفی ما همواره خواسته‌ایم مساجد استقلالش حفظ بشود و حفظ استقلال مساجد قطعاً با ارتباط با مراجع می‌تواند حفظ بشود، برنامه‌هایی که امسال برای هفته جهانی مساجد داریم با عنایت به شعار مقدسی که مقام معظم رهبری مطرح فرمودند: «**سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی**»، ما هم برنامه‌هایمان را با محوریت این شعار تدوین کرده‌ایم

CD شماره ۳

یعنی فراخوان مقاله و برنامه‌ها همه حول محور اتحاد ملی و انسجام اسلامی تدوین شده و ان‌شاءالله انجام خواهد شد و در هفته جهانی مساجد ما در استان تهران هفت اجلاس بزرگ ان‌شاءالله برگزار خواهیم کرد که برنامه‌هایش تدوین شده و یک اجلاس بزرگ‌تر با مشارکت مهمانان خارجی ان‌شاءالله در تهران برگزار خواهد شد. برای اهل قلم پیش‌بینی‌های لازم شده که جلسه بزرگ اهل قلم با حضور حضرت آیةالله جوادی آملی برگزار شد که بسیار برای ما پربار و الهام بخش بود.

این جلسه که ما خدمت شما آمدیم برای بهبود مساجد، ما را ارشاد و راهنمایی بفرمایید و از حضرت‌عالی تقاضای راهنمایی داریم که ما چگونه مساجد را از حالت گذشته به یک حالت تکامل یافته ان‌شاءالله برسانیم، گرچه عزیزان ما ائمه جماعات زحمت کشیده‌اند و مساجد امروز در یک فضای زیبایی قرار گرفته است، یعنی در گذشته کسی به فکر مسجد ـ در بین مسؤولان دولتی ـ نبود اما الآن این مسئله جایگاه خود را پیدا کرده است

هم در مجلس و هم در دولت و هم در جاهای دیگر، و هر کسی به نحوی و هر مسؤولی می‌آید می‌گوید من می‌خواهم فعالیت‌هایم را با محوریت مسجد انجام دهم برای ما افتخار بزرگی است که امروز هر شهرداری که عوض می‌شود می‌گوید من با محوریت مسجد می‌خواهم کار کنم، دولت عوض می‌شود می‌گوید با محوریت مسجد. سال گذشته دولت از ما تقاضا کرد که در استان‌ها برایشان برنامه‌ریزی کنیم، چون برنامه‌ریزی دولت با محوریت مساجد است و ما هم در سرتاسر کشور برایشان برنامه‌ریزی کردیم و اعضای هیأت دولت و معاونان رئیس جمهور در آن مراسم در سرتاسر کشور در ۲۹ استان با پوشش مرکز حضور پیدا کردند و این می‌رساند که بحمدالله مساجد جایگاه خود را پیدا کرده است، اما ما به‌این قانع نیستیم، بلکه می‌خواهیم مثل صدر اسلام که همه چیز در مسجد با محوریت مسجد و با فرهنگ مسجدی اداره می‌شد بر جامعه ما هم این فرهنگ حاکم بشود ان‌شاءالله و برای

CD شماره ۱

اینکه به این قله برسیم ما از مراجع بزرگوار تقاضا داریم ما را حمایت کنند تا ما بتوانیم مسجد

رادر آن جایی که خدا خواسته **فی بیوت اذن الله عن ترفع** که مرحوم شیخ طوسی می‌گوید: مقاماً و علامه طباطبایی رضوان‌الله تعالی‌علیه می‌فرماید: مقاماً و منزلتاً که ما جمع بین نظر دو بزرگوار می‌کنیم و می‌گوئیم هم بنائاً و هم مقاماً و منزلتاً مسجد در جایگاهی قرار بگیرد که خدا می‌خواهد. لذا تقاضای ما از بزرگان این است که در این مسیر ما راکمک و یاری کنند که مساجد شکوفا شوند و جایگاه واقعی خود را پیداکنند. چون هم نظر حضرت امام و هم مقام معظم رهبری این است که مساجد نباید دولتی بشود و مستقلاً مساجد روی پای‌خودش بایستد و برای اینکه روی پای خودش باشد ما تلاش می‌کنیم که ان‌شاءالله بانظر مراجع بزرگوار به این قله رفیع و منیع ان‌شاءالله نائل بشویم. منتظر ارشادات حضرت‌عالی هستیم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

رهنمودهای حضرت آیة‌الله‌العظمی مکارم شیرازی دامت‌برکاته
در دیدار با جمعی از ائمه‌جماعات و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و صلی‌الله علی سیدنا محمّد و علی آله الطیبین الطاهرین و سیما بقیة‌الله المنتظر ارواحنا فداه و لاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم.

عکس شماره ۳۴

از دیدار شما بزرگواران و بیاناتی که برادر عزیزمان در شأن نزول و شأن ورود این جلسه ذکر کردند، که بسیار جامع و وافی و کافی بود، بسیار خوشوقتم. جنایتی بر مسجد الاقصی وارد کردند به امید این‌که این مرکز بزرگ اسلامی را درهم بکوبند، حرکتی وسیع و مداوم پدید آوردند.

حقیقت این است که مسجد در اسلام پایگاه بسیار عظیمی است، ما اگر تاریخ اسلام را ورق بزنیم و به صدر اسلام برگردیم و زمان پیامبر اکرم را ببینیم خواهیم دانست که مسجد پایگاه تمام فعالیت‌های اسلامی بوده است اولاً مسجد پیغمبر خیلی ساده بود، تاریخ و روایات به ما می‌گوید دیوار آن گلی و به اندازه قامت یک انسان بود فرشی هم جز حصیر نداشت، خدمت پیغمبر اکرم آمدند عرض کردند یا رسول‌الله، روزهای گرم آفتاب آزارمان می‌دهد روزهای سرد و بارانی، باران مزاحم است، اجازه بدهید سقفی برای مسجد درست کنیم، پیغمبر اجازه داد سقف درست کنند که عبارت بود از ستون‌هایی از نخل خرما و برگ‌های نخل روی هم قرار دادند و تا سال آخر عمر پیغمبر مسجد به همین صورت بود، ولی همین مسجد دنیا را تکان داد، تمام حقایق را پیغمبر اکرم در آنجا برای مردم بیان می‌کرد آیات قرآن را در آنجا برای مردم می‌خواند دانشگاه عالی اسلام، سپاه و ارتش پیغمبر هم بود، لشکرهای وسیع به سوی میدان‌ها و جنگ‌های اسلامی از همین مسجد شروع می‌شد بیت‌المال اسلام همان جا بود دادگاه اسلام هم همان مسجد بود. بسیاری از دعاوی در همان مسجد حل و فصل می‌شد، یعنی مسجدی به همان سادگی مرکز فعالیت‌های مهم و وسیع، و همان بود که باعث پیشرفت اسلام شد و در مدت کوتاهی حرکاتی که از این مسجد شروع شد تمام جزیرةالعرب را فراگرفت بعد از پیغمبر تداوم یافت و در بخش عظیمی از دنیا را فراگرفت، به قول مورخان صد سال نگذشته بود که اسلام از دیوار چین تا کرانه‌های اقیانوس اطلس گسترش پیدا کرد، این بود مسجد، امروز هم مسجد همان مسجد باید باشد و برنامه همان برنامه، البته جامعه گسترش پیدا کرده، تغییرات پیدا کرده، برای بسیاری از مسائل کانون‌هایی فراهم شده، ولی الهام‌بخش باید همان مسجد باشد. یعنی در ادامه‌اش باز باید مسجد باشد، چه در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن در دوران انقلاب مسجد باعث حرکت

عکس شماره ۵۱

توده‌های عظیم مردم انقلابی شد، مسجد بود که بسیجیان را تربیت کرد و به میدان جنگ تحمیلی فرستاد و ما را از چنگال دشمنی که همه ابرقدرت‌ها به حمایت از او برخاسته بودند نجات داد، مسجد هست و بود که همه حرکات مردمی برای ساختن مدارس، مساجد، حسینیه‌ها، کتابخانه‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و برنامه‌های مردمی، و نظایر این‌ها را سامان می‌دهد مسجد بود و مسجد هست که عاشورای امام حسین را زنده نگه داشت، همه را باید از مساجد بدانیم و مساجد را باید همان‌گونه فعال کرد، و برای فعال کردن مساجد باید جاذبه‌هایی برای مساجد درست کرد که مسجد جمعیت‌ها را به خود جذب کند مخصوصاً نسل جوان، جوانانی که در خطرند، جوان زیر بمباران شبهات سایت‌ها و رسانه‌های بیگانه شب و روز بمباران می‌شوند، جوانانی که زیر بمباران فساد اخلاقی قرار دارند، مسجد باید جاذبه داشته باشد این‌ها را به سوی خودش جذب کند، بیمه کند بسازد به میدان دشمن بفرستد، این مسجد مطابق روایتی که من این روایت را دیده‌ام اما به خاطر ندارم

که منبعش را برای شما عرض کنم، که معصوم می‌فرماید هر کجا مسجدی ساخته شد قبل از آن در آنجا خون شهیدی ریخته شده است، این حدیث خیلی پر معناست، پایه ستون‌های مسجد بر خون‌های شهیدان نهاده شده، تداومش هم ممکن است همین راه باشد مسجد بی‌زحمت به دست نیامد با خون شهید به دست آمد و بدون زحمت تداوم پیدا نمی‌کند ارزان به دست نیاوردیم که از آن ارزان بگذریم این مسجدی که آن روز پیغمبر با آن برنامه ساخت امروز تبدیل شده به مسجد النبی که می‌گویند وسعت مسجد النبی فعلی نزدیک به حدود تمام مدینه زمان پیغمبر می‌رسد، ولی متأسفانه این مسجد با آن عظمت آن کارآیی لازم را ندارد، انسان انتظار دارد در مورد مهم‌ترین مسائل اسلام مبارزه با صهیونیست، مبارزه با ابرجنایتکاران، مبارزه با کسانی که می‌آیند پیغمبر اسلام را مسخره می‌کنند، مبارزه با آنهایی که به پیغمبر اسلام جسارت کرده به سلمان رشدی مرتد جایزه می‌دهند با رذالت تمام، مسجد فعلی که ما می‌گوییم در این جهت گام برنمی‌دارد، گاهی انسان مشرف می‌شود در آن مسجد می‌نشیند من خود دیدم در باره مسئله جن داشت صحبت می‌کرد امام جمعه، یک وقت درباره سحر و جادو صحبت می‌کرد، از این مسائل، گاهی از یک مسئله مهم صحبت می‌کنند ایها الناس شما که به مسجد می‌آیید دهان شما بوی پیاز ندهد مردم ناراحت می‌شوند.

الحمدلله انقلاب اسلامی آمد مسجد را از آن زمان طاغوت درآورد، مساجد عامل حرکت و برنامه حرکت شد، نماز جمعه‌ها، مصلی‌ها، مسجدها فعال شد هر کجا انقلاب اسلامی نفوذ کرد به همین صورت است. کسانی که از عراق آمده‌اند و نماز جمعه‌ها را دیده بودند و تعریف می‌کردند می‌گفتند حال و هوای اول انقلاب ایران است. جوانان زیاد می‌آیند برای نماز جمعه مساجد، همان شور و نشاط را دارند در لبنان که دیدیم چه شور و نشاطی به پا شد مسجد باید از این نمونه باشد، ما سه تا دشمن مهم در دنیای امروز داریم بعضی از آنها تمام اسلام را هدف‌گیری کرده‌اند بعضی پیروان مکتب اهلبیت را، مساجد باید در برابر این سه دشمن خطرناک بایستد، دشمن اول همان مستکبران دنیا هستند، آن‌هایی که می‌خواهند تمام ثروت‌های دنیا به جیب‌شان ریخته شود و جهان سوم مصرف کننده اجناس

آنها و در واقع برده آنها باشند ولو برده‌داری به صورت دیگر باشد، ما یک حرکت علمی می‌کنیم می‌رویم به سمت جلو از راه‌های مختلف می‌خواهند جلوی حرکت علمی ما را بگیرند. ایران نباید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد صلح‌آمیز نیست هرچه می‌گوئیم شما شب و روز می‌آیید می‌بیند بازرس می‌فرستید پشت سر هم هدف آنان جلوی حرکت علمی را گرفتن، تکنولوژی‌ها برای خودشان، علوم دانشگاه و ثروت‌ها مال خودشان، بقیه مصرف‌کننده باشند، تلاش می‌کنید شما اگر ما در مقابل‌تان تسلیم نشویم صبح برق شما را قطع می‌کنند در گرمای تابستان برق از کار می‌افتد داد همه بلند می‌شود مجبور می‌شویم تسلیم بشویم تسلیم فرهنگ‌شان، تسلیم خواسته‌هایشان، تسلیم منافع نامشروع‌شان. این‌ها دشمنان ما هستند، اخیراً خودشان را نشان دادند چه کار می‌کنند این کار زشت و وقیح و بی‌شرمانه‌ای که ملکه انگلستان حتماً با مطالعه سران کشور انگلستان چنین کاری می‌کنند خودسرانه نمی‌کنند، با دست سیاستمداران، سیاستمداران نماینده سرمایه‌داران جهانخوار چنین حرکت زشتی که انجام شد آمدند به سلمان رشدی مرتد لقب پر افتخاری دادند، چرا این کار را کردید؟ ما به خاطر ادبیاتش کار ادبی کرده کتاب‌هایی نوشته، هیچ انسان بی‌مغزی این کار را می‌کند؟ ولو خوب شد این کار را کردند با تمام جهان اسلام طرف شدند، و همه مسلمانان فهمیدند این‌ها دشمنان قدیمی‌اند، انگلستان دشمن قدیمی سرسختی است، آمریکا هم در دامن انگلستان پرورش یافت، نشان دادند، در مسئله کاریکاتورهای ضد پیغمبر اکرم هنگامی که گروهی این کار را کردند ما می‌بینیم سران اروپا تأیید کردند نگفتند کار یک عده روزنامه‌چی بوده است و ما طرفدار آزادی قلمیم نه ما باید به قبل برگردیم، چرا؟ توهین به پیغمبر اکرم کردند این‌ها دشمنان ما هستند شمشیر را از رو بسته‌اند و در مقابل ما هستند، ما مسلمان‌ها باید بیدار باشیم، شیعه و سنی همه و همه دست به دست هم بدهیم حرکت هم از مساجد باید شروع بشود، ما بسیار متأسفیم که اخیراً شنیده‌ایم در مصر بخشنامه‌ای کرده‌اند که برای مساجد گلدسته نسازند و اذان از گلدسته‌ها پخش نشود، اگر برای مساجد گلدسته بسازند هر خارجی وارد شهر بشود می‌گوید گلدسته‌ها سر به آسمان کشیده معلوم می‌شود این‌ها مذهبی هستند موقع ظهر که می‌شود صدای اذان همه جا را می‌گیرد

دست‌هایی در کار هست، مصری که از مراکز مهم اسلام است امیدواریم رابطه ما با آنها قوی بشود، یعنی همه دست به دست هم بدهیم و جهان اسلام را واقعاً زنده کنیم در میان همین مصریان، در کنار دانشجویان و دانشمندان الازهر یک همچنین بیانیه‌ها و دستوراتی هم صادر می‌شود، که همین مسجد هم رنگش را از دست بدهد بشود یک عمارت معمولی. این‌ها دشمنان ما از خارج دارند با هم کار می‌کنند ایادی آنها وابستگان آنها در مطبوعات و غیرمطبوعات در جاهای مختلف افراد نفوذی دارند این یک دشمن بزرگی است کوتاه سخن عرض کنم اینها یقین پیدا کردند که مانع اصلی برسر راه آنان اسلام است و با صراحت هم می‌گویند این را کدام اسلام؟ اسلام جهانی اسلامی که در میدان باشد مثل ایران، نه اسلامی که فقط نماز و روزه داشته باشد و کار به کاری نداشته باشد، اسلام زمان شاه.

دشمن دومی که ما داریم سیل فساد است، منهای کارهای جهانخواران یک سیلی حرکت کرده، سیل جهان مادی است، این سیل را این‌ها راه انداخته‌اند برای خودشان چکار می‌کنند؟ انواع فیلم‌های فاسد، عکس‌های مستهجن، شبهه‌افکنی، دست در دست جهانخواران هم دارند منهای آن هم مفاسد هست، و من امیدوارم بتوانیم در مقابل این‌ها پیروز شویم در تمام خانه‌ها راه پیدا کرده، ما مأیوس نمی‌شویم ما متکی به فرهنگ غنی اسلام هستیم فرهنگ غنی اسلام می‌تواند در مقابل این‌ها بایستد تجربه‌ای در ایران داریم تجربه دیگری که در نسل جدید ما دید تجربه لبنان است نسل جدید تجربه انقلاب اسلامی را در لبنان دید با چشم خودمان دیدیم و تجربه کردیم معلوم شد «**کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله**» معلوم شد تجربه لبنان نشان داد ما با تکیه بر فرهنگ اسلام می‌توانیم در مقابل این سیل بنیانکن فساد مقابله کنیم، این هم همدلی لازم دارد این هم حرکت از مساجد لازم دارد، کلاس‌ها برای جوان‌ها گذاشتن، کتابخانه‌ها سخنرانی‌ها، اردوهای زیارتی، حتی تفریحی که در لابلای این تفریح برنامه‌های فرهنگ اسلامی جاسازی بشود، نشریات، و انواع برنامه‌ها، این هم دشمن دوم است که شما برادران عزیز و آقایان محترم، ائمه جماعات و ائمه جمعه، دانشمندان پژوهشگر، بتوانید در مقابلش بایستید و دشمن سوم هم که مخصوص پیروان اهلبیت است سلفی‌های متعصب خونخوار آدم‌کش جانی که در دنیا

سابقه ندارد حجاج هم این‌طور نبوده است. هیتلر هم این‌جور نبود، هیچ کسی هم این‌طور نبوده آبروی اسلام را در دنیا بردند که خدا آبروی این‌ها را ببرد، چه جنایت‌هایی در عراق دارند انجام می‌دهند، نه بر پیر رحم می‌کنند نه بر جوان، نه بر کودک نه بر زن، نه بر بنا ولو بنای تاریخی منهای بنای مقدسه نه بر مساجد، هر چه دم دست‌شان می‌آید ویران می‌کنند، اصلاً غیر از ویرانی و خونریزی در مکتب آنها چیزی نیست، این‌ها هم یک جمعیت خطرناکی هستند مخصوصاً در برابر جهان تشیع دیدید در سامراء چه جنایتی کردند، یکی از شخصیت‌های عراق به من گفت اصلاً یک کامیون توقیف کردند بارش ده تن مواد منفجره داشت، ده تن شوخی نیست، کجا بارگیری شده، آوردند تقسیم کنند یا یکجا ببرند یک شهر را ویران کنند، ما چنین دشمنانی داریم کسانی هم به این‌ها کمک می‌کنند ولی من بشارتی را در مقابل این به شما عرض کنم که شما آگاه به این بشارت هستید و آن این است همه این‌ها به این خاطر است که پیروان مکتب اهلبیت روز به روز در دنیا قوی‌تر می‌شوند، بعد از پیروزی انقلاب بزرگ ایران این‌ها فعال شدند، چرا؟ برای اینکه در کشورهای اسلامی یک آمار زیادی دارند گرایش به مذهب اهل‌بیت پیدا می‌کنند، همه ما دست به دست هم بدهیم و مذهب اهلبیت را احیاء کنیم نه، انحصارطلبی بسیار جای تأسف است که در مسجد مدینه در کنار خانه خدا کنار قبر پیغمبر به شیعیان بدترین اهانت‌ها را می‌کنند، ما یک نامه‌ای به وزیر محترم خارجه نوشتیم که اقدامات زیادی کردند اخیراً به ما جواب دادند که اقداماتی شده ولی در عمل حاجی‌هایی که آمدند می‌گویند وضعیت بهتر نشده یکی از مراجع اخیراً آمده بود می‌گفت به او هم در آنجا توهین کردند یکی از دیپلمات‌های عالی رتبه رفته بود به او هم توهین کردند من در اینجا عرض می‌کنم نباید به آن قول‌هایی که داده‌اند دولتمردان ما قناعت کنند اگر این وضع ادامه پیدا کند والله چنین عمره‌ای به نفع عالم تشیع نیست و ما اگر ناچار شدیم به سهم خودمان با سایر مراجع عمره را تحریم خواهیم کرد.

مراجع شیعه با این قدرت و قوت آنها چهار نفر افراد را پیدا بکنند و به زبان فارسی آشنا بشوند و توهین بکنند؟ این چه مستحبی است که ما انجام می‌دهیم؟ آنها خیال می‌کنند با این کارها جلوی پیشرفت تشیع گرفته می‌شود، سازمان حج، دولتمردان همه باید برای این

مسئله فکر بکنند، که آیا این وضع ادامه‌اش به نفع جامعه تشیع است یا خیر، برای جوان شبهه‌افکنی می‌کنند. بارها گفته‌ایم حرف حساب دارید سران‌تان بیایند بنشینند در یک مجلس با هم صحبت کنیم منطقی از رسانه‌ها پخش بشود چهار تا بی‌سواد را فرستادند آنجا فحاشی کنند این باعث پیشرفت شماست؟ بررسی کنند.

شما باید در مساجد جواب شبهات آنها را بدهید. خیلی هم جواب شبهات روشن داده شود مخصوصاً جواب‌های نقضی من با هر یک از علمای آنها صحبت کردم که بابا شما می‌گویید باید قبور خراب بشود این گنبد و بارگاه با عظمت پیغمبر در میان شما چه می‌کند؟ هیچ جوابی ندارند، بهانه‌های مختلفی می‌آورند بعضی می‌گویند ما می‌ترسیم از مسلمانان دنیا، و الا این راهم ویران می‌کردیم. چنین جرأتی دارند این حرف را بزنند شما معنی شرک را نفهمیده‌اید، در مساجد معنی شرک باید بیان شود، وقتی می‌گوییم شما قرآن را می‌بوسید می‌گویند بله این سنت است، حجرالاسود را می‌بوسید می‌گویند سنت است، زمین را می‌بوسید، یا حجر الاسود شرک است، پس معلوم می‌شود دو شرک داریم شرک جایز و شرک حرام. شرک جایز که حجرالاسود را جلد قرآن را می‌بوسید شرک حرام این‌ها را باید در مساجد تبیین کرد کتاب‌هایی هم در این زمینه نوشته شده جوانان را باید بیمه کرد در مقابل این شبهات به هر حال فکر می‌کنم زیاد صحبت کردم، ببخشید، بسیار کار خوبی است که در این هفته جهانی مسجد دست به دست هم بدهیم با مراجع تماس می‌گیرید کنار هم می‌نشینید کتاب می‌نویسید، برنامه‌هایتان را هماهنگ می‌کنید با منطق و ادبیات زمان و ان‌شاءالله لطف خدا شامل حال شما می‌شود، قرآن وعده داده ﴿**والذین جاهدوا فینالنهدینهم سبلنا**﴾ خدا ما را تنها نمی‌گذارد خدا وعده داده ﴿**انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیاة الدنیا و یوم یقوم الاشهاد**﴾ وعدهٔ خدا تخلف‌ناپذیر است ما قلبمان محکم است بع یاری خدا هم در دنیا هم در آخرت ان‌شاءالله پیش می‌رویم و عنایات امام زمان شامل حال ما خواهد بود من به سهم خودم در خدمت شما هستم. امیدواریم بتوانیم گام‌هایی که شایسته است برداریم من از حضور همهٔ شما تشکر می‌کنم و امیدوارم موفق و پایدار باشید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

رهنمودهای حضرت آیة‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی دامت‌برکاته در دیدار با جمعی از ائمه‌جماعات و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا ابی‌القاسم محمّد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین سیما مولانا بقیة الله فی الارضین و لعن علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین.

عکس شماره ۳۸

بسیار تشکر می‌کنم از این‌که بنده را بـه زیـارت خـودتان وارد فـرمودید، ثـانیاً ایـام شهادت حضرت فاطمه زهراعلیهاالسلام را تسلیت عرض می‌کنم ارتحال حضرت آیةالله فاضل راکه ضایعه جبران‌ناپذیری برای جامعه روحانیت است، تسلیت عرض می‌کنم، امیدوارم که هـمه با عنایات حضرت بقیةالله ارواحنا فداه موفق باشید و در این زمان احساس مسؤولیت بکنیم و وظایف بزرگی راکه به عهده ما قرار داده شده است ان‌شاءالله به نحو احسن انجام دهـیم تا موجبات شادی وجود مبارک ایشان را فراهـم کـنیم. از جـمله مسـائل بـزرگ و سـنگینی که به دوش ائمه مساجد و جماعات هست و در اسلام هم مورد توجه است، وقتی که انسان تاریخ را مطالعه می‌کند، نقش مساجد هـمیشه در جـامعه اسـلامی عـزت‌آفرین بـوده است و حفاظت حریم دین و احکام اسلام و تبلیغات دین و امر به معروف و نهی از منکر و بیشتر از آن جهاتی که مربوط است به بقای اسلامی و مذهب و شـعائر است هـمه تـوسط مسـاجد و ائمه جماعات مساجد و کسانی که در مساجد اجتماع می‌کنند همه این‌ها از سوی آنها اجرا می‌شده است، یعنی در حیات دین حیات مساجد نقش اساسی داشته است و الآن هم در کل عالم اسلام این نقش را ایفا می‌کند و از همین آیه شریفه ﴿**اِنّ اوّل بیتٍ وُضِعَ للناس**﴾ استفاده می‌شود که مساجد برای مردم است و مردم بـاید مسـاجد را آبـادکـنند و البـته اول جـایی کـه خـداونـد مـتعال بـرای مـردم قـرار داده از هـمین آیـه مـعلوم مـی‌شود کـه کـعبه است. بیوت دیگری که برای عبادت خداوند متعال تأسیس می‌شده و می‌شود همه برای مردم است برای این‌که مردم از این مساجد استفاده بکنند و بهره‌مند بشوند در حیات معنوی خودشان از بعد اخلاقی خودشان امر به معروف نهی از منکر استقلال عزت همه چیز مسجد بسیار اهمیت دارد و جماعاتی که در مساجد تشکیل می‌شود و ائمه جماعاتی که در مسـاجد نـقش ایـفا می‌کنند و مردم را راهنمایی و هدایت می‌کنند و از حدود و ثغور مذهب حـمایت مـی‌کنند و مردم را بیدار و آگاه می‌کنند. این‌ها وظایف بزرگی دارند که اجر و ثواب آن را نمی‌توانیم تصور بکنیم که چقدر است تلاش سنگینی راکه باعث خشنودی خلق و خداوند متعال می‌شود عهده‌دار هستند تأکیداتی که ما در روایات می‌بینیم و راجع به مساجد است، راجع به این‌که مردم با مساجد ارتباط داشته باشند قطع ارتباط نداشته باشند راجع به نماز جماعت در مسجد

این ثواب‌ها و فضیلت‌هایی که مقرر شده است این‌ها گزاف نیست این‌ها براساس این اصل است که مسجد اگر چنانچه برقرار باشد و در جامعه نقش خود را ایفا کند می‌شود گفت همه جهات جامعه بواسطه آن تأمین می‌شود و همه کارها اصلاح می‌شود در اصلاح امور مسجد نقش دارد در کتاب من لایحضره الفقیه صدوق﵀ راجع به ثواب نماز جماعت در مسجد می‌نویسد حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: کسانی که مردم را ترغیب می‌کنند که در مساجد حضور پیدا کنند این‌ها نظر به برکاتی است که مساجد و حضور مردم در مساجد باعث قوت و شوکت اسلام است آنهایی که نقشه‌های بد دارند آنها مرعوب می‌شوند وقتی ببینند که مساجد مسلمان‌ها مملو از جمعیت است و مردم حضور دارند این تأکیداتی که در روایات فرمودند براساس این برکاتی است که در مساجد و اجتماع مردم در مساجد وجود دارد و با حضور مردم در مساجد این برکات حاصل می‌شود می‌فرماید:

«من مشی الی مساجد الله تعالی فله بکل خطوة خطاها حتی یرجع الی منزله عشرحسنات ومحی عنه عشر سیئات و رفع له عشر درجات».

چه مسئله‌ای است که این همه اهمیت دارد این مساجد و نماز جماعت‌هایی که در مساجد برقرار می‌شود کسانی که حضور پیدا نمی‌کنند و محروم هستند این‌ها از چه سعادت‌هایی محروم می‌شوند در آنجا تبلیغ دین می‌شود احکام اسلام را فرا می‌گیرند با مؤمنین ارتباط پیدا می‌کنند این همه برکات مساجد اگر مسلمان‌ها مؤمنین این روایات را ببینند و شاهد باشند به این‌که در درگاه خداوند کسب حسنات بکنند حسنات خودشان را اضافه بکنند گناهان‌شان را از بین ببرند و درجات اخروی را و تقرب‌شان را به خداوند متعال زیاد بکنند روایت دارد به اینکه مسجد و امام جماعت هم همین‌طور است امام جماعت وقتی در مسجد باشد و برای خدا نماز جماعت بخواند ثواب همه این‌ها در نامه عملش هست صددرصد ثواب همهٔ آن‌ها در نامه عمل او بیشتر نوشته می‌شود، حالا این هفتاد هزار گناه برداشته می‌شود هفتاد هزار حسنه نوشته می‌شود هفتاد هزار درجه بلند می‌شود ولی اگر در این حال باشد که با مسجد و نماز جماعت ارتباط داشته باشد. انسانی که مؤمن است انسانی که می‌خواهد در درجات آخرت به مقاماتی نائل باشد این چه برکتی است که در نماز جماعت

و حضور در مساجد است در روایات داریم که اگر حاجتی دارید که می‌خواهید برآورده شود بروید در مسجد حاجت شما برآورده می‌شود در جامعه باید مردم ارتباط با مساجد داشته باشند آن‌جا بروند همدیگر را ببینند با یکدیگر صحبت کنند امر دنیا و آخرت‌شان اصلاح شود و البته همه این‌ها تأثیرات دین است و مشکلات در مسجد حل می‌شود این ارتباط با مسجد اگر برقرار باشد خداوند متعال هفتاد هزار ملائکه را گمارده تا بروند از او در عالم برزخ احوال‌پرسی کنند و عیادت بکنند وقتی در تنهایی عالم برزخ انسان آنجا چقدر محتاج است که کسی بیاید احوالش را بپرسد و سراغش را بگیرد حالا هفتاد هزار ملائکه به امر خداوند متعال آنجا احوالپرسی می‌کنند و انیسش می‌شوند این‌ها «**یستغفرون له**» تا وقتی که در روز قیامت مبعوث می‌شود آنها برایش استغفار می‌کنند. مقصود این است که اهمیت مسجد و نماز جماعت و حضور مردم در مساجد بسیار زیاد است. باید ما کاری بکنیم که ان‌شاءالله تداوم یابد. ولی ما ویژه باید به این مسئله و موضوع عنایت داشته باشیم و برکاتی را که از جهت مساجد و حضور در اجتماع که در مساجد می‌شود برای موارد و مصالح آخرت تلاوت قرآن مجید و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام مسجد مرکز آدم‌سازی است. این وعاظی هم که می‌آیند در مساجد صحبت می‌کنند البته شرایطش باید ملاحظه بشود. ولی در مجموع مسجد را خداوند متعال دارای برکات بزرگی قرار داد که ما داریم، از نعمت‌های بزرگ که براین امت است مسجد است حالا آقایان راجع به مسجد سؤال می‌کنند که مسجد را باید تعمیر کنیم باید اهمیت بدهیم آن‌طور نباشد که در روایات هست که در آخرالزمان مساجدتان از لحاظ بنا و ظاهر آباد است، اما از لحاظ هدایت و از لحاظ اجتماعات و از لحاظ جهت‌های معنوی خراب باشد باید مساجد از همه جهات آباد باشد عزیزان و بزرگوارانی که عهده‌دار مسؤولیت امامت جماعت هستند در این شرایط و در زمان ما وظیفه بزرگی دارند حفظ دین حفظ انقلاب حفظ مملکت این‌ها باید در موقعیتی که امامت جماعت می‌کنند باید متوجه اوضاع و احوال آن منطقه باشند اگر چنانچه می‌بینند که ضعف دینی و اخلاقی در آنجا هست باید این ضعف‌ها را شناسایی کنند برطرف کنند خودشان را مسؤول بدانند احساس مسؤولیت بکنند یعنی اگر ببینند در آنجا کار خلاف شرعی انجام می‌شود منکری انجام می‌شود کسی بخواهد به حق کسی تجاوز کند همان‌طوری که از او

دفاع می‌کند باید در این جهت دفاع از دین و دفاع از حرمت‌های الهی و برای حفظ احکام الهی باید این‌ها آماده باشند و این وظیفه را اداکنند برنامه‌هایی که آقایان انجام می‌دهند همه این‌ها بسیار با اهمیت است و اینکه با همدیگر ارتباط و مشورت داشته باشند در مسائلی که در جامعه هست و مستقل هم باشند مستقل فکر کنند و کار بکنند. اوضاع را زیرنظر داشته باشند و آن‌وقت در این شرایط وظایف سنگینی راکه ما به عهده داریم ان‌شاءالله به نحو احسن انجام بدهیم از این جهت اگر نگاه بکنیم مسؤولیت خیلی بزرگ است. فرصت‌هایی که هست در مساجد برقرار می‌شود این‌ها مردم را راهنمایی می‌کنند و در امور اسلام تا الآن محدود است به این‌ها مساجد این‌ها را نگه می‌دارد تا زمانی که این‌ها در مساجد نقش دارند عمرشان را صرف می‌کنند حیات‌شان را در مسجد صرف می‌کنند چه خدمتی بالاتر که انسان دین خدا را نجات بدهد یک جمعی را هدایت بکند «**خیرٌ مما طلعت علیه الشمس**» آن اشخاص استقلال داشته باشند که برای انجام این وظایف از همدیگر مواظبت داشته باشند کار بسیار بزرگی است. امیدوارم که خداوند متعال توفیقات شما را زیاد کند و توجهات آقا امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف را شامل حال همه ما بکند که ما باید در این زمان مسئله مهمی که هست با مسجد ارتباط داشته باشیم و فراموش نکنیم که باید حفظ بشود باید برای تحقق مطالب و مقاصد امام زمان همه تلاش بکنیم امام زمان این‌طور نیست که الآن نظر نداشته باشد ایشان نظر دارد امام زمان حاجت دارد حوائجش را ما باید برآورده سازیم ما باید مواظب باشیم که مقاصد و مطالب امام زمان و حوائج ایشان از ما باید در جامعه برآورده شود حاکمیت اسلام براین مملکت از مقاصد امام زمان است این که معروف معروف باشد منکر منکر باشد معروف منکر نشود و منکر معروف نشود این‌ها همه هست و حوائج مسلمان‌ها همه این مسائل این‌ها همه ارتباط با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف دارد که دشمن‌ها هر یک هر روزی یک کار جدید برای مسلمان‌ها و مخصوص برای شیعه آل‌محمّد صلوات‌الله علیه و آله دارند برای این‌که در این عرصه موفق باشیم البته این جنگ بین حق و باطل است، در اسلام این مساجد است این مساجد سنگر است محراب محل حرب هم هست در این محراب که هستیم داریم جنگ باکفر و شرک می‌کنیم ما اظهار توحید می‌کنیم الله اکبر می‌گوییم بحول الله و قوته اقوم

و اقعد می‌گوییم آنان به سلمان رشدی جایزه می‌دهند این‌ها برای این‌که تریبون را از دست مسلمان‌ها بگیرند از طرف پادشاه انگلستان همین لقب «سِر» را به سلمان رشدی می‌دهند این‌ها جزو برنامه‌هایی هست که مداوم است. ولی در مقابل این‌ها نتوانستند کاری بکنند در این برنامه‌ها و استقامت مسلمان‌ها قوت دین و مذهب و قوت معارف الحمدلله به برکت اهل‌بیت علیهم‌السلام در اختیار ما هست این‌ها همه توطئه‌ها را خنثی می‌کند و این علماء و بزرگواران و ائمه جماعات حضورشان باعث می‌شود که سنگرهای الهی همه محکم و استوار برقرار بماند. ان‌شاءالله هرچه بنده عرض بکنم شما خودتان از این مساجد آگاه هستید من دعا می‌کنم که خداوند متعال شما را مورد عنایات و توجهات خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بدهد و در این پست و مقام که هستید ان‌شاء الله بتوانید به نحو احسن به اسلام و مذهب خدمات خوبی داشته باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

رهنمودهای حضرت آیة الله العظمی جوادی آملی دامت‌برکاته
در دیدار با جمعی از ائمه‌جماعات و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم.

مقدم شما بزرگواران ائمه محترم جماعات و مسؤولان محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد راگرامی می‌داریم.

عکس شماره ۴۰

گزارش جامع و سودمندی که ارائه فرمودند بسیار سودمند بود از ذات اقدس اله مسئلت می‌کنیم خدماتی که شما بزرگواران و سایر ائمه محترم جماعات ارائه فرمودند با حسن وجه بپذیرد و توفیق ارائه خدمات برتر و بهتر را هم به همه بزرگواران، برادران و خواهران مرحمت کند.

مطلب اول: آن‌چه وظیفه ما معممین و کسانی که در کسوت روحانیت قرار داریم را افزایش می‌دهد این است که در کشوری که ما زندگی می‌کنیم که الآن هفتاد میلیون جمعیت دارد، حداکثر یک میلیون دین‌شان را به‌وسیله قرآن و روایت دارند بقیه که اکثریت قریب به اتفاق‌اند یعنی تقریباً ۶۹ میلیون دین‌شان را به‌وسیلهٔ شما علما دارند، این مردم که مسلمانند به‌وسیلهٔ مسجد و حسینیه مسلمانند، قبلاً اساتید ما، پدران ما، علمای دیگر، دین مردم را حفظ کردند الآن شما آقایان این مهم را عهده‌دار هستید. پس کار کمی نیست الآن شما از این ۶۹ میلیون سؤال بکنید معارف دین، احکام دین، اصول دین، فروع دین و احکام فقهی را می‌گویند علمای ما گفته‌اند این چنین نیست که آنها از قرآن و روایات بخواهند بهره‌برداری کنند، این کار کمی نیست حوزه رسالت شما آقایان بسیار وسیع است.

مطلب دوم آن است که این‌کار بهترین وراثت انبیاست که «**العلماء ورثة الأنبياء**» این وراثت انبیاست حالا در کشورهای دیگر دین‌شان را از علمای آن منطقه دارند و در این کشور مردم ما دین‌شان را از شما آقایان دارند.

پس مهم‌ترین کار را شما آقایان می‌کنید و کاری به عظمت کار شما نیست و اگر برکتی به اسم انقلاب اسلامی، استقرار نظام پیدا شده است این جزو فروعات و ثمرات کار روحانیت است، این مساجد را شما زنده نگه داشتید، حسینیه‌ها را احیا کردید، دین مردم را حفظ کردید، این مردم به برکت مسجد و حسینیه و دین، انقلاب کردند. در جنگ جهانی اوّل ایران خسارت دید، در جنگ جهانی دوم ایران غرامت دید، در کودتای ننگین ۲۸ مرداد ایران خسارت دید، اما وقتی صحبت از مسجد و حسینیه و روحانیت شد ایران تمام خسارت‌ها

و غرامت‌های قبلی را به غنیمت تبدیل کرد و برای اوضاع جهان کنونی هم حرف برای گفتن دارد، مگر این کار را شما نکردید؟ کار کوچکی انجام نمی‌دهید و کار کمی مسجد نمی‌کند.

مطلب سوم این‌که سرانجام دین یک ستون دارد، ستون دین نماز است «**الصلوة عمود الدین**» این‌که خدای سبحان فرمود قرآن کتاب حکیم است شاید در نوبت‌های قبل هم گفته‌ام کتاب حکیم و مکتب حکیم حرف‌هایش حکیمانه است اگر دین می‌گوید نماز ستون دین است اگر همین دین در یک روایت یا در یک آیه به ما بگوید نماز بخوان جای سؤال است و اشکال، آن اشکال این است که ستونی که خواندنی نیست این است که در صدر و ساقهٔ قرآن سخن از اقامهٔ نماز است، این می‌شود حرف حکیم می‌شود کتاب حکیم، چه این‌که اگر عمود است عمود را که نمی‌خوانند عمود را اقامه می‌کنند خاصیت حکمت قرآن که «**یعلمهم الکتاب والحکمه**» این است. **یس و القرآن الحکیم** این است که اگر نماز عمود شده، عمود را اقامه می‌کنند، ستون و اقامه ستون به دست شما آقایان است، مگر هر کس می‌تواند ستون دین را حفظ بکند؟

اگر گفته شد **اقیموا الصلوة** ستون به‌دست امام جماعت‌هاست. سرانجام این آقایانی که به شما اقتدا می‌کنند به ائمه جماعات اقتدا می‌کنند، فقط ساکتند می‌بینند شما چه می‌گوئید تریبون دست شماست، شما نماینده مردمید در سخن گفتن با خدا هستید.

مطلب چهارم: این کسی که اقامه دین و نگهداری ستون دین به دست اوست این خودش باید قائم به قسط باشد و قائم به قسط بودن هم کافی نیست باید قوّام به قسط باشد اینکه ذات اقدس اله در بخشی از آیات دارد که کتاب‌ها را به انبیا داد که «**لیقوم الناس بالقسط**» بر هر کاسبی، بر هر کارگزاری، بر هر کارمندی واجب است. این می‌شود قیام به قسط اما این قیام به قسط که در سورهٔ حدید آمده است این برای امام جماعت کافی نیست، عادل بودن کافی نیست، چرا؟ برای این‌که این می‌خواهد ستون دین را نگه دارد، کسی می‌تواند ستون را نگه دارد که نه تنها قائم باشد، بلکه باید قوّام بالقسط باشد

این‌که در بخشی از آیات مثل سوره مبارکه مائده و مانند آن به قاضی دستور می‌دهد که شما قوام بالقسط شهداء لله این یک آیه قوام بالله شهداء بالقسط آیه دیگر قوام باشید، همین است اگر کسی با اموال مردم، با اعراض با عقاید مردم کار دارد این عادل باشد کافی نیست این قائم به قسط باشد کافی نیست این باید قوّام بالقسط باشد این هم یک آیه غالب شماها این کتاب‌ها را درس گفتید یا بحث کردید، می‌بینید در خیلی از مسائل می‌گویند که عدالت شرط است، عقل شرط است اما نسبت به کارهای مهم مثل قضا مرحوم محقق یا کسان دیگر می‌گویند اگر کسی عاقل بود کافی نیست یُعتبر فیه کمال العقل یک عقل برتری باشد این کمال عقل برای این است که اموال مردم، اعراض مردم دست اوست همان‌طوری‌که در مسئله قضا کمال عقل است در مسئله نماز جماعت و نماز جمعه کمال عدالت است، این کمال عدالت به قوامین بالقسط تعبیر شده است.

بنابراین بر همه واجب نیست که قوامین بالقسط باشند چون همه مسئولیت سنگینی ندارند. اما آن کسی‌که تریبون دست اوست و دارد حرف مردم را به خدا می‌رساند مستحضرید این‌هایی که اقتدا می‌کنند در برخی فتواها هست که قرائت حمد و سوره بر این‌ها (مأمومین) حرام است این‌ها فقط باید گوش بدهند وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید که این آیه ﴿**اذا قُرِءِ القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون**﴾ این‌که امر هست می‌فرماید بله امر هست، واجب است، امّا یخصّ بالصّلوه در نماز جماعت این‌طور است، ولی این‌طور نیست که اگر در مسجد کسی قرآن می‌خواند بر همگان واجب باشد گوش بدهند و حرف زدن حرام باشد بله مستحب است گوش بدهند اما وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید این امری که دارد حتماً باید گوش بدهید این برای نماز جماعت است. حالا یا واجب یا مستحب این‌ها نباید حرف بزنند شما آقایان و سایر ائمه جماعت نماینده مردمند تریبون دست این‌هاست حرف مردم را باید به خدا برساند اگر کسی حواسش جمع نباشد این حرف مردم را به خدا نرسانده است ذات اقدس اله فرمود: بله تو بیا جلو ببینم این‌ها چه می‌گویند پس ما که جلو

ایستاده‌ایم باید حرف مردم را به خدا برسانیم خدا که بکل شیءٍ علیم است اما گفتن، درخواست کردن، درخواست دادن، تضرع کردن، مطلوب اوست. **قل ما یَعبَؤُا بکم ربی لولا دعاؤُکم.**

مطلب دیگر این‌که در این گیر و دار ما باید هم قوّام بالقسط باشیم و هم حرف مردم و خودمان را با هم به پیشگاه ذات اقدس اله برسانیم این‌جا شیطان کاملاً رهزنی می‌کند شیطان سابقهٔ شش هزار ساله داشت، کسی که شش هزار سال عبادت کرده بود و آن‌قدر لج باز و عصبانی است که محصول شش هزار سالهٔ خود را یک‌جا به آتش می‌کشد، این به کسی رحم نمی‌کند، مثل شیطان دومی خلق نشده که نتیجهٔ شش هزار سالهٔ خود را یک‌جا بسوزاند عدو مبین ماست، پس کسی نیست که راه و چاه را نداند و نداند چه خبر است این نمی‌گذارد که ما حرف خودمان را به خدا برسانیم. چکار می‌کند، ممکن است یک کسی گناهان عادی داشته باشد، ولی موقعی که تریبون دستش هست حرف را درست ادا می‌کند و او می‌خواهد (شیطان) که این آدم حرف را درست ادا نکند موجود رهزن آگاهی است و آگاهی شیطان در این است که او همهٔ آیات قرآن را بلد است چون همه را می‌داند، چه خبر است و چه شنیده است تا نداند که نمی‌تواند رهبری کند او می‌داند که راه صحیح چیست و بعد سوگند یاد کرده که «**لأقعدن لهم صراطك المستقیم**» آدرس داده که من سر راه راست و مستقیم می‌نشینم برای اینکه آنهایی که بیراهه و کژ راهه رفتند جزو تیول منند، این‌ها اگر راه راست هم بخواهند بروند من راهشان را می‌بندم **لأقعدن لهم صراطك المستقیم** پس او راه راست را بلد است آنچه مشکل ماست و او کمین کرده که ما را فریب بدهد چیست؟ این است که ما را گرفتار بکند به یک راه و گناه غیرقابل بخشش، در قرآن او می‌داند که خدای سبحان فرمود هر گناهی را که توبه کردند، کردند اگر توبه نکردند امید بخشش آن هست بی‌توبه والّا با توبه حتی شرک را هم می‌بخشد این همه مشرکان بودند که توبه کردند، اسلام آوردند و بخشیده شدند، الیوم هم کمونیست‌ها اگر توبه کنند توبه‌شان پذیرفته است، مسلمان می‌شوند دیگر این‌که فرمود

«**ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر مادون ذلك**» همه مشرکان عالم توبه کردند و خداوند توبه‌شان را قبول کرد اگر مشرکان توبه کنند توبه‌شان پذیرفته است این‌که فرمود «**لا یغفر ان یشرك به و یغفر مادون ذلك**» فرمود لمن یشاء این لمن یشاء دو نکته دارد، اول چقدر؟ دوم نسبت به چه کسی؟ دیگر همیشه ما تا زنده‌ایم بین خوف و رجائیم شاید مشمول مشیت او نباشیم او که به نحو موجبه کلیه وعده نداده این‌که در سوره مبارکه زُمر به‌نحو موجبه کلیه وعده داده توبه است «**قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً**» که جمع مُحلی به الف و لام است با جمیعاً تأکید شده **ان‌الله یغفر الذنوب جمیعاً** امّا به کی فرمود ﴿**و أنیبوا الی ربکم و اسلموا له من قبل ان یأنیکم العذاب**﴾.[1] بله جمیع گناهان با توبه بخشیده می‌شود این موجبه کلیه است، هر کس توبه بکند ذات اقدس اله او را می‌بخشد اگر غیرمسلمان است مسلمان می‌شود اگر یهودی است مسلمان می‌شود البته حق الله و حق الناس را بایستی بدهد اما این‌که در سورهٔ مبارکهٔ نساء فرمود و **یغفر ما دون ذلك لمن یشاء** بی‌توبه است چون بی‌توبه است نفرمود جمیعاً یک وقت کسی است که پدر شهید دارد و خانواده شهید است و پسر شهید دارد یا پدر روحانی دارد و پسر روحانی دارد و خدماتی از اهل‌بیت و خاندان او نصیب می‌شود خوب مشمول رحمت خدا قرار می‌گیرد ولد صالح بوده ما چه می‌دانیم اسرار الهی چیست؟ این را یقین داریم که مشیت او همراه حکمت اوست، این‌که امام سجاد علیه‌السلام در صحیفهٔ سجادیه فرمودند «**یا من لا تبدل حکمته الوسائل**» خدایا تو همهٔ کارهایت حکیمانه است، ما هرچه گریه کنیم، ناله کنیم، توسل بجوئیم که معاذ الله تو کاری برخلاف حکمت بکنی این شدنی نیست، ما این را قبول داریم این طور نیست که حالا اگر کسی گریه کرد خدا معاذالله کاری برخلاف حکمت بکند، این‌طور نیست. اگر کسی را نمی‌آمرزد حکیمانه است حالا منشأ آن چیست؟ خودش می‌داند، شیطان همه این‌ها را بررسی کرده بود، گفت من باید این‌ها را گرفتار گناهی بکنم که بخشش ناپذیر باشد. آن گناهی که غیرقابل بخشش است و در ماها این خطر هست

---

۱. زمر: ۵۴.

مسئله ریاست، جاه‌طلبی است که شرک است ما را که نمی‌گوید یهودی و یا مسیحی شو ریا اگر شرک است که شرک است این بخشوده نمی‌شود ما را با این دام می‌گیرد ببین چند نفر پشت سرت آمدند ببین چه کسانی هستند، ببین اسمت را با چی می‌برند ببین القابت را با چی می‌برند با این بازی‌ها و الاّ معاذ الله بما که نمی‌گوید بیا فلان معصیت را بکن بما می‌گوید چه کسانی پای منبر شما هستند چقدر دنبال تو هستند اسمت را چگونه بردند، کجا نشستی و از این بازی‌ها، او در حوزه مسجد و مسجدی‌ها مسئله ریا و سمعه را مطرح می‌کند که شرک است دیگر حالا آن شرک جلی به هیچ وجه ثمربخش نیست، این هم شرک است دیگر این هم هست که تا کسی را تطهیر نکنند وارد بهشت نمی‌شود، چه کسی طاقت دارد؟ این بیان نورانی امام سجاد علیه‌السلام فرمود به قدری که طاقت دارید آتش را در دست‌تان نگه دارید گناه بکنید، این‌که همیشه باید مواظب باشیم که چه کسی را اطاعت می‌کنیم گذشته‌ها این کارها را کردند دین را حفظ کردند نشانهٔ حفظ دین مردم، همین جریان جنگ است، همین جریان شهدای گمنام است فقط برای احترام عترت رفتند این‌جور بود، خدای ناکرده الآن هم اگر بیگانه‌ای بخواهد طمع خام بکند و حمله بکند مردم همین‌طور هستند مردم حسینیه و مسجد خیلی از علما و بزرگان، مردم را خوب حفظ کردند الآن بعهده ماست ما باید خوب حفظ کنیم. ما باید هر روز مواظب باشیم که این از کجا دارد می‌آید که آیا اسم مرا اول بردند یا نه اسم مرا به چه لقب بردند من بالا نشستم یا نه این بازی سر از آن ریا و آن جاه‌طلبی در می‌آورد و این می‌شود شرک و این شرک قابل بخشش نیست «**ان الله لا یغفر ان یشرك به**» اینکه ذات اقدس اله فرمود شیطان را عدو مبینی اتخاذ کنید **فاتخذوه عدواً** یعنی بشناسید چکار دارد می‌کند ما اگر تحلیل عقلی و تفسیری روایی نکنیم و ندانیم چگونه و چرا می‌خواهد ماها را بگیرد خب نمی‌توانیم پرهیز کنیم.

ما چه کار داریم به این‌که این کسی که در شرق عالم است یا در غرب عالم است شیطان چطور فریبش می‌دهد، ما باید مشکل خودمان را حل کنیم، کسی که امور مالی دستش هست مشکلش چیز دیگر است، آن‌که جوان است مشکلش چیز دیگر است آن کسی مشغله

مسائل سیاسی یا برون مرزی دارد مشکلش چیز دیگری است، اما ما مشکلمان چیست؟ مطلب بعدی آن است که اگر ان‌شاءالله الرحمن ما نجات پیدا کردیم و توانستیم وراثت خودمان را حفظ بکنیم که بشویم وارث انبیاء کاری که از شما آقایان و سایر علماء ساخته است هیچ چیزی به اندازهٔ آن نیست یک مشرکی بر اثر مصاحبت خُلق عظیم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اسلام آورد بعد گفت تو پیامبری کاری که کردی از عیسی مسیح ساخته نیست، چرا؟ برای این‌که ما معتقدیم عیسی علیه السلام مرده را زنده کرد ولی بعد از یک مدت او مُرد اما تو مرا به حیات ابد زنده کردی این برابر سوره مبارکه انفال است که فرمود ﴿**قل یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و لرسول اذا دعاکم لما یحییکم**﴾ تو مرا زنده کردی کار تو به مراتب بالاتر از کار عیسی مسیح علیه السلام است، آب زندگی همین است، البته آب زندگی به این معنی که به انسان زندگی ابدی بدهد که افسانه‌ای بیش نیست، زیرا نه از باران چنین کاری ساخته است و نه از چشمه نوش‌ها که آدم یک قطره از آن بخورد یا یک لیوان بخورد و همیشه زنده باشد، این با قرآن سازگار نیست «**کل نفس ذائقة الموت**»، «**انك میت و انهم میتون**» آیا ممکن است کسی برای ابد زنده باشد این ممکن نیست.

بنابراین مسجدها اگر براساس تقوا ساخته شد به برکت آن مسجدی‌هاست، درست است اما ﴿**لمسجد اسس علی التقوی احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا**﴾ اما چه کسی مسجد مؤسس علی‌التقوی می‌سازد آن کسی که **افمن اسس بنیانه علی تقوی من‌الله و رضوانٍ** او هم‌چنین مسجدی می‌سازد، او یک چنین مسجدی را اقامه می‌کند و الاّ مسجدی که یک چهار دیواری و یک سلسله فرش و رقبات دارد این اسس علی التقوی یعنی چه؟ اگر گفته شد و لمسجدٌ اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه، برای این‌که این مسجد را عده‌ای که **افمن اسس بنیانه علی تقوی من الله و رضوان** ساختند.

شما هم امور مساجد هستید و شما جزو آن دسته هستید، بنابراین، این راه است و این خدمت است و این وراثت انبیاست فکر نمی‌کنم در دنیا کاری بهتر از آن کار باشد که انبیا

کردند و وارثان انبیا می‌کنند. از این جهت هم یک تشکر از دولت و این‌هایی که گزارش فرمودند، باید قدردانی کرد لکن باید مواظب باشیم هر خدمتی که دولتمردان سابق و لاحق درگذشته و حال و آینده به مسجد کرده و می‌کنند وظیفه آنهاست، یعنی مسجد دولتی نشود بگذارید مساجد مستقل باشد حوزه هم همین‌طور است، خدمتی و کمکی قبلاً کردند و دولت خدمتگزار دارد می‌کند دولت مکتبی خدا همه را در پناه ولیّش حفظ کند دولت بعد هم همین‌طور ممکن است انجام بدهند اما این وظیفه‌شان است حوزه وابسته به دولت نیست مسجد دولتی نشود، حسینیه دولتی نشود، دولت مسجدی و حسینی شود. این درست است باید حواس‌مان جمع باشد، دعا می‌کنیم ولی دعا معنی‌اش وابستگی نیست این هم دعاست و هم هدایت است همیشه دعا کردیم، همیشه هم دعا می‌کنیم امّا مسجد مستقل است دولت را باید مسجدی کرد، نه این‌که مسجد را دولتی کنیم.

الآن شما می‌بینید آن قدرتی که روحانیت داشت و به لطف الهی حفظ کرد این همیشه می‌تواند نصیحت بکند و نصیحت او هم اثر دارد هیچ کس گله هم نمی‌کند چون می‌داند غرضی هم ندارند ولی اگر خدائی ناکرده نماز جمعه یا نماز جماعت و یا حسینیه دولتی شد دیگری کاری ساخته نیست در سال ۶۱ یک همایشی در لندن با عنوان این‌که دین از سیاست جدا نیست، تشکیل شد. سخنرانان سخنرانی‌شان راکردند و همایش پر برکتی هم بود، من دیدم بعد از یکی از این جلسات یک روحانی اردنی گفت من یکی از علمای اهل‌سنّت هستم و می‌خواهم کمی صحبت کنم، گفتم بفرمائید گفت که ایران اگر انقلاب کرد، شما اگر انقلاب کردید، براساس این آیه بود که ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ﴾ را درست معنی کردید وجوهات را باید مردم بدهند و روحانیت با وجوهات تأمین می‌شود استقلال اقتصادی دارید خودش هم سنی بود گفت ما که وابسته به دولت هستیم نمی‌توانیم انقلاب کنیم ما حقوق بگیریم. شما انما غنمتم را طوری معنی کردید که روحانیت شما مستقل است ما شدیم حقوق بگیر ما می‌گوئیم غنایم فقط غنایم جنگی است. الآن هم که جنگی

نیست تا غنیمت ببرند. بنابراین ما می‌شویم حقوق بگیر ما هرگز نمی‌توانیم. پس خود مکتب طوری است که مسجد و حسینیه را مستقل کرده است، الآن با بعضی از برادران صدا و سیما هم همین مطلب را داشتیم که شما با برنامه‌های ماه رمضان و غیره و سرانجام جمعیت را از مسجد بردید پای تلویزیون اما قداست را نتوانستید از مسجد به پای تلویزیون ببرید قداست همچنان مال مسجد هست این چهار تا قطره اشک و توبه کردن برای مسجد است. از تلویزیون کار مسجد ساخته نیست. بنابراین فلان کس دارد مداحی می‌کند و این‌ها هیچ‌کدام جای مسجد را نمی‌گیرد. لذا ذات مقدس رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله اولین کاری که کرد قبل از تشکیل سپاه قبل از تشکیل حکومت و غیره مسجد ساخت.

من مجدداً مقدم شما بزرگواران علمای اعلام، ائمه جماعات مرکز رسیدگی به امور مساجد، راگرامی می‌دارم از ذات اقدس اله درخواست می‌کنیم به فرد فرد شما عزّت و عظمت و سیادت دنیا و آخرت مرحمت بفرماید، خدماتی که تاکنون انجام داده‌اید با حسن وجه قبول بفرماید ائمه محترم جماعات سراسر ایران هم از رهنمود شما بهره ببرند ان‌شاءالله شما جزو بهترین وارثان انبیا و اولیای الهی باشید.

توفیق این‌که مسجد را همان‌طوری‌که خدای سبحان فرمود «بیتی» خانه من است خانهٔ او بدانید و خود را هم عائله خانه الهی تلقی کنید این نعمت هم از شما سلب نشود و در دنیا و در برزخ و در قیامت با قرآن و عترت باشید، ان‌شاء الله.

خدایا امر فرج ولیّت را تسریع بفرما.

رهبر ما، نظام ما، دولت و ملت و مملکت ما را حفظ بفرما.

مراجع بزرگوار ما را حوزه‌های فقهی، فرهنگی و دانشگاهی ما را حفظ بفرما.

مشکلات دولت و ملت را در سایه امام زمان «عج» برطرف بفرما.

حوائج دولت و ملت را در سایهٔ امام زمان «عج» برآورده بفرما.

مرضای اسلام را در سایهٔ لطف امام زمان «عج» درمان بفرما.

ارواح مؤمنان عالم امام راحل شهدای انقلاب و جنگ را در سایه رحمت بی‌انتهایت با انبیاء محشور بفرما.

عاقبت ما را ختم بخیر بفرما.

بین ما و قرآن و عترت در دنیا و آخرت جدایی مینداز.

غفرالله لناولکم والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

CD شماره ۱۰

سفید

رهنمودهای حضرت آیة‌الله‌العظمی سبحانی‌تبریزی دامت‌برکاته
در دیدار با جمعی از ائمه جماعات،
مسؤولان و رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی خیر خلقه وآله الطاهرین و لعنةالله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین.

عکس شماره ۳۹

قال الصادق علیه‌الصلاة والسلام:

«**العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس**».

ابتدا از عنایتی که سروران عزیز ائمه جمعه و جماعات کردند و این همه راه را طی کردند و در این هوای گرم زحمت کشیدند و آمدند تشکر می‌کنم. این نشانه علاقهٔ آقایان به مقاصد دینی و مذهبی است.

ثانیاً من تسلیت خود را خدمت دوستان عزیز به خاطر درگذشت آیة‌الله‌العظمی فاضل عرضه می‌دارم خدا ان‌شاء الله مقامش عالی است متعالی بفرماید.

نخستین گامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه برداشت، از نظر تاریخ، دوّم ربیع وارد مدینه شد. یعنی در حقیقت نزدیک مدینه دهکده قبا دوازدهم ربیع که وارد مدینه شد، اولین کاری که کرد یک مسجدی در حدود چهارصد متر تأسیس کرد، زمینی بود که در آن‌جا خرما خشک می‌کردند، پیامبر اکرم این زمین را خرید آنجا را مسجد کرد مسجد آن زمان با وسایل آن زمان برای عالم روشن است که چگونه است، اما همین قدم اول فرهنگی برای ما بس است که باید در کارهای خودمان پیامبر اکرم را اسوه و الگو قرار بدهیم، قدم اول قدم فرهنگی است، اصلاح جامعه از طریق فرهنگ است نه فقط پیامبر آن مسجد را ساخت، مسئله فرهنگی مطرح بود بلکه تمام مسائل در همان مسجد حل و فصل می‌شد، شورای نظامی در همان مسجد برگزار می‌شد. پیامبر اکرم احکام را در آن مسجد برای مردم بازگو می‌کرد و تا پیامبر اکرم زنده بود مسجد پایگاهی برای همه مسلمانان و برای همه مسائل بود، پس در حقیقت مسجد پایگاه عظیمی است که برای نخستین بار پیامبر اکرم ما را به آن توجه داد، ولی خوب معلوم است که مسجد به‌تنهایی نمی‌تواند کارساز و سازنده باشد، عالمی لازم دارد که آن عالم آن مسجد را بگرداند و مسجدی‌ها را از نظر فکری و علمی و عقیدتی تغذیه کند. مسجد مهم است مهمتر از آن عالمی است که در آنجا قدم برمی دارد، عالمی موفق می‌شود که مسجد برای او درجه اول کار باشد، اصل کارش مسجد باشد، نه این‌که چند شغل بپذیرد و فقط موقع ظهر بیاید دو رکعت نماز بخواند و برود این مسجد هرگز مسجد نمی‌شود، خدا رحمت کند یکی از علمای تهران درگذشته نقل می‌کرد که یکی از دوستان ما همیشه

نیم ساعت به غروب به مسجد می‌رفت. گفتیم به این زودی برای چه می‌روی؟ گفت آنجا من یک مشت مریدی دارم پیرمرد باید آنها را کول بگیرم ببرم بالا، کول بگیرم بیاورم پایین، پس آن مسجد می‌شود مسجد، آن امام می‌شود، امام مسجد که در حقیقت تمام فکرش این است که مسجد را اصلاح کند، پایگاه فکری و فرهنگی بشود، همان‌طوری که در زمان پیامبر بود. این روایت در صحیح بخاری هست، شاید در روایات ما هم باشد که پیامبر اکرم گوشه مسجد دو نفر را دید که دارند تدریس می‌کنند و چند نفر را دید آن طرف که عبادت می‌کنند، معلوم می‌شود که مسجد هم آموزشگاه بوده و هم عبادتگاه، همه چیز در مسجد متمرکز بوده است، البته حالا کارها و شرایط عوض شده این یک مسئله است، ولی اهمیت مسجد باید به تمام معنا محفوظ باشد اغلب می‌دانید که مسجد در فقه اسلامی موضوع مستقلی است، هم مسجد و هم احکام مسجد، در کتاب‌های فقهی قدما مسجد واحکام مسجد رابه‌عنوان موضوعی‌مهم‌ومستقل‌مطرح‌کرده‌اند. مسئله مسجد،مسئله مهم‌است، هم در قرآن و هم در روایات احکامی دارد، حتی مسجد می‌تواند مالک بشود، الآن در غرب آمده‌اند یک مالکیتی به نام مالکیت «جهت و عنوان» درست کرده‌اند که «جهت» مالک می‌شود و «عنوان» مالک می‌شود، مالکیت‌های شخصی را تبدیل کرده‌اند کم‌کم به مالکیت‌های جهتی و عنوانی یعنی شرکت‌هایی درست کرده‌اند به همان نام که آن نام مالک است، مبتکر این فکر اسلام است، مسجد مالک می‌شود مالک برقش است مالک فرشش است مالک لوازمش است و هکذا و متولی خدمتگزار این مالک است، خود مسجد به عنوان یک موضوع فقهی و اجتماعی و عبادتی برای خود شأنی دارد تا برسد مسجدالحرام که احکام خاصی دارد، مسجدالنبی که احکام خاصی دارد اما آن عالمی که مسجد را اداره می‌کند آن بسیار مهم است، امام صادق طبق نقل مرحوم کلینی در کافی حتی در تحف العقول هم هست فرمود: «**العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس**» آن کس که آگاه است و شرایط حاکم بر زندگی را می‌داند این غافل‌گیر نمی‌شود، عالم مسجد باید حدود و شرایط را از نزدیک درک کند، جلوتر از جامعه پیش برود فکر کند الآن دیگر نمی‌شود مساجد را با معلومات قدیمی اداره کرد، اطلاعات بالاتر رفته‌اند مستمع آگاه‌تر شده است

قهراً باید قلم‌مان و علم‌مان و دانش خودمان را عوض کنیم و هماهنگ با آنها پیش برویم. البته کسانی که عقب می‌مانند قادر به درک شرایط زمان نیستند، همین مسجدها تحت بمباران رسانه‌های گروهی هستند، خدا می‌داند که این رسانه‌ها از نظر اخلاقی و فکری چقدر برروان و روح جوان‌ها اثر می‌گذارند، ما فقط به رادیو و تلویزیون ایران نگاه می‌کنیم که خیلی هم پاک و مقدس است. حتی گاهی هم اشکال کوچکی می‌کنیم، اما اگر قیاس کنیم

عکس شماره ۵۰

با رسانه‌های دیگر، این اعلم و افقه و اصدق است خوب این همه در بین جوان‌ها شبهه‌افکنی می‌کنند. از نظر فکری و منطقی و اصولاً الان برنامه خارج این است که یک حرکت خزنده‌ای

فرهنگی در کشور اجرا شود، ایمان‌ها را ذوب کنند، چون در جنگ ایمان توانست ما را پیروز کند، جوانان با ایمان کشور را حفظ کردند، اما اگر این ایمان را از ما بگیرند در مقابل دشمن ما مغلوبیم. این‌ها می‌خواهند به طرق گوناگون ایمان را از بین ببرند با ایجاد مذاهب به اصطلاح صوفیه که نه مذهبند و نه مسلک، این‌ها سایت دارند. این‌ها طرح و برنامه دارند. این‌ها مسلماً روی جوانان اثر می‌گذارد. مسجد و مسجدی باید بتواند آنها را جبران کند. حالا ما هم می‌خواهیم در دل مردم نفوذ کنیم نفوذ در درجه اول عمل است به آنچه می‌گوییم، ثانیاً زهد در زندگی خیلی مهم است. روحانی در دل مردم در صورتی نفوذ می‌کند که هماهنگ با زندگی آنان باشد، یکی از علما این آیه را این‌جور معنا می‌کرد که «**و انت حل بهذا البلد**» یا رسول الله تو در این بلد حلول کرده‌ای، یعنی در دل‌ها حلول کرده‌ای، فردی است که با مردم سر و کار دارد حرف می‌زند مریضیش را سؤال می‌کنید احوال خانواده‌اش را سؤال می‌کنید کارکردش را سؤال می‌کنید شریک غم می‌شوید این می‌شود مسجدی، باید ما از نظر زندگی زاهدانه زندگی کنیم هماهنگ با طبقه سوم زندگی کنیم قطعاً خواهید دید که اثرگذار می‌شویم. بنابراین مساجد سنگرند این سنگرها باید حفظ شوند حافظ اول و نگهبان اول، آن عالم و روحانی است که بتواند مردم را جذب کند، در کنار این عالم روحانی یک نیروی دیگری هم هست نیروی لازم منبری آن مسجد است، منبر را از دست ندهید، منبر حسینی در دل‌ها نفوذ می‌کند، در مستمع تحول ایجاد می‌کند، شما بعضی از وعاظ گذشته را دیده‌اید خیلی معلومات خوبی نداشتند، اما زبان مردم را بلد بودند، در دل‌ها نفوذ می‌کردند، گنهکاران را از گناه باز می‌داشتند، من نمی‌خواهم اسم ببرم همه شما می‌دانید منبر باید منبر حسینی باشد بر قرآن تکیه کند. بر احادیث تکیه کند، بد نیست که در این‌جا من اسمی هم ببرم چرا مرحوم آقای فلسفی منبرش در تهران کهنه نشد، پنجاه سال منبر رفت، بلکه شصت سال منبر رفت، متولد ۱۳۲۶ هجری قمری بود چند سال قبل هم وفات کرد تقریباً ۹۷ سال عمر کرد چرا؟ چون قبل از منبر مطالعه می‌کرد من از خودش شنیدم که یک بار به من گفت هر منبری که می‌روم هشت ساعت مطالعه می‌کنم هم آیه داشت، هم روایت داشت، هم تاریخ داشت هم اعتقادات داشت، هم از جهان خارج

فکر و اندیشه می‌گرفت. بنابراین مسجد بنایی است وارسته معظم به تمام معنا با تمام درجاتی که دارد اما ستونش امامی است که در مسجد بتواند مردم را جمع کند آن هم به انواع طرق نیاز به واعظی است که در این مسجد بتواند مردم را جذب و در دل‌ها نفوذ کند، همه شما می‌دانید کلمات ائمه اهلبیت بر دل‌ها اثر می‌گذارد من دیگر عرضم را به اتمام می‌رسانم بسیار تشکر می‌کنم از همه دوستان عزیز که تشریف آوردید امیدوارم ان‌شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته.

رهنمودهای حضرت آیة‌الله‌العظمی نوری همدانی دامت‌برکاته در دیدار با جمعی از ائمه‌جماعات و مسؤولان مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالیمن والصلاة والسلام علی خیر خلقه سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمّد و علی اهل‌بیته الطیبین الطاهرین المعصومین سیّما بقیة الله فی الارضین و اللعن علی اعدائهم اجمعین.

با عرض خیر مقدم محضر محترم علمای معظم و مکرم، سروران عزیز و عرض تسلیت ایام شهادت صدیقه‌کبری حضرت زهرا سلام الله علیهاکه در آن قرار داریم و عرض تسلیت درگذشت فقیه بزرگوار آیة‌الله العظمی آقای فاضل لنکرانی اعلی الله مقامه، برای بنده توفیق است که چند دقیقه‌ای در خدمت شما عزیزان و علمای محترم باشم در میان شغل‌هایی که در دنیا مطرح است براساس فرهنگ اسلام هیچ شغل و سمتی از شغل عالم اسلامی بودن بالاتر و والاتر نیست. از طرفی عظمت و اهمیت و فضیلت این شغل و از طرفی هم مسؤولیت‌های فراوانی که در باره این اشتغال برشمرده‌اند.

طبق روایات، منزلتی بالاتر از این‌که یک نفر عالم اسلامی باشد متصور نیست، اما از جهت مسؤولیتی که ما، (بنده بعنوان طلبه‌ای از حوزه علمیه قم و شما علمای مکرم) داریم مسؤولیت ما بسیار سنگین است، از آغاز علمای بزرگ ما به این مسؤولیت عمل کردند، در کتاب اکمال الدین، صدوق رحمة الله علیه می‌گوید نامه‌ای به دست نایب چهارم از نواب

خاص رسید:

«بسم الله الرحمن الرحیم اعظم الله اجر اخوانك و انك میتٌ بین ستة ایام، اجمع امرك...».

از این تاریخ که زمان غیبت صغری سپری شد در سال **۳۲۹** هجری قمری، و غیبت کبری آغاز شد، مردم مسلمان و شیعیان تردید نداشتند که پناهگاه‌شان علما هستند زیرا:

گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از که جوییم از گلاب

عکس شماره ۳۵

چون علما نایب عام و نایب مناب مقام‌های نبوت و امامت هستند، ولی علما هم تردید نبود که وظیفه بسیار بزرگی بر دوش آنها قرار گرفت، در چند مورد و در چند عرصه

علما لازم دانستند که کار کنند. اول جمع آثار اسلامی و آثار اهل‌بیت، جمع‌آوری این‌ها، و تنظیم این‌ها و مرتب کردنش، این یکی از کارهای بزرگی بود که علما انجام دادند، دوم بیان و تفسیر این کلمات، تصنیف و تعریف و پژوهش این‌ها، این کار دوم بود، کار سوم نشر و تبلیغ این آثار پر بها بین مردم، در ضمن با تألیف و بیان تبلیغ و نشر انجام می‌گرفت، چهارم تعلیم و تربیت مردم براساس این فرهنگ خدمتی بسیار بزرگ بود، یعنی با مردم ارتباط داشتن و آنها را براساس فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام تربیت کردن، برای این‌که این سلسله اندیشه واقعی باشد تأسیس حوزه‌های علمیه تربیت طلاب و علمای بزرگ، از طرفی هم تفرقه‌افکنی‌ها پدید آمد، مناظراتی باید صورت می‌گرفت کتاب‌هایی در مناظره شکل بگیرد، هم در کلام، هم در فقه مقارن در اصول و معارف، هم در اصول، علوم اسلامی را شیعه‌ها پی‌ریزی کردند و پدید آوردند، بهترین منتقدان علوم، علمای شیعه بودند، ... قدس الله اسرارهم و شکر الله سعیهم ... مناظرات مختلفی برحسب زمان که انجام می‌شد این کارها بود که انجام گرفت، رفته رفته وظیفه بر دوش ما قرار گرفت. ما در برابر مسؤولیت بسیار بزرگی قرار داریم، ما نمی‌توانیم از این مسؤولیت شانه خالی کنیم، از اول که به این لباس ملبس شدیم و در این شغل که شغل سربازی امام زمان است شغل بسیار شریفی است، شغلی شریف‌تر و پربرکت‌تر از شغل طلبگی ندیده‌ام، باید خیلی خدا را شکر کنم که این توفیق را عنایت کرد که در این راه دنبال قال الله قال الباقر و قال الصادق باشیم از این شغل پربرکت‌تر و شریف‌تر نیست، این‌ها همه هست، در زمان ما جریانی هم بوقوع پیوست، و وظیفه ما را سنگین‌تر کرد.

در جریانی که در زمان کنونی ما بوقوع پیوست و باید ما عالم به زمان خودمان باشیم که امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«**العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس**».

وظیفه ما را بسیار سنگین کرد، و افتخار هم بکنیم که در چنین زمانی بتوانیم از عهده ادای وظیفه خودمان برآییم، کتابی هست به نام «ثورة الفقیه و دولته»، این کتاب را علمای عرب سوریه و عراق و لبنان و کشورهای عربی نوشته‌اند و همه کتاب

عربی است، پنجاه تن از علمای بسیار بزرگ و سرشناس دنیا کلمات‌شان جمع شده است هر یک از ین علمای بزرگ که اهل‌قلم و آگاه به اوضاع زمان و دارای منصب و مقام هستند هرکدام‌ازیک زاویه کار فقیه فرزانه، مدیر، مدبر، شجاع، بت‌شکن امام خمینی رضوان الله تعالی علیه را مورد بحث داده‌اند، بله واقعاً معظم‌له به‌عنوان یک فقیه و فیلسوف مطرح است. اصلاً ایشان خود یک کتاب و مدرسه‌ای است آن‌قدر کار بزرگ و وسیع و دارای ابعاد متعدد که در زمان ما بوقوع پیوست الان کلمات امام را دسته‌بندی کرده‌اند شده پنجاه جلد بنده همیشه در ملاقات‌ها به عزیزان تأکید می‌کنم سه کتاب را مطالعه کنید کتاب بالینی ما باید باشد یکی صحیفه نور امام، ما باید با آن فکر آشنا باشیم آن برداشتی که ایشان از اسلام دارد ما هم همان برداشت را باید داشته باشیم تا بتوانیم در این راستا گام برداریم ۲۲ جلد چاپ شده و جلد بیست و دوم فهرست است بقیه مطالب بیانات و کلمات اما عده‌ای از فضلا جمع‌بندی و دسته‌بندی کرده‌اند بنام تبیان که این پنجاه جلد شده است، یک جلد دانشگاه و دانشگاهیان، یک جلد شیطان بزرگ و آمریکا، یک جلد شهادت و ایثار، یک جلد قوای مسلح، سپاه پاسداران و قوای نظامی، یک جلد حکومت اسلامی، یک جلد اسلام ناب، یک جلد تاریخ معاصر، یک جلد وحدت و اتحاد، یک جلد استضعاف و استکبار، این پنجاه جلد است. بیت‌القصیده به نظر بنده همین آخری است استضعاف و استکبار امام در این کتاب می‌فرمایند: هدف ما این بوده که مستضعفان جهان و مظلومین و محرومین را که قرن‌ها در سیطره مستکبران زندگی کردند آنها را نجات بدهیم و از تمام مستضعفان جبهه‌ای درست کنیم در برابر مستکبران عالم «**و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض**» همین است و کار ما مقدمه ظهور امام عصر «عج» است این کار امام است ملت‌هایی که قرن‌ها دچار استضعاف فرهنگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی بودند این‌ها همه را نجات و پر و بال دادن، آن خودکم‌بینی را در این‌ها از بین بردن و به این‌ها خودباوری و اعتماد به نفس دادن و اسلام ناب را تکیه‌گاه قرار دادن، اسلامی که پر و بالش قیچی شده بود اسلام بود ولی حکومت اسلامی نداشت اسلام بود ولی جهات فرهنگی و شهادت طلبی نداشت، اسلامی بود بدون ظلم‌ستیزی و بدون استکبارستیزی اسلامی بود منزوی، اسلام ناب را به عرصه زندگی آوردن

کار امام بود، سه تا منصب مهم را از ماگرفته بودند، هرسه مال علمای اسلامی است، افتاء و قضاء و حکومت شما می‌دانید این هر سه کار فقیه است حکومت مال فقیه، برحسب روایات فراوانی که ما داریم از جمله مقبوله عمر بن حنظله.

خلاصه یکی از مناصب علما حکومت بوده که از ماگرفته بودند بنی‌عباس و سلجوقیان و ایلخانان و تیموریان صفویه و افشاریه و زندیه، قاجاریه و پهلوی حکومت داشتند اما علما نه، از علماگرفته بودند، دوم قضاوت را از ماگرفته بودند جای ما شریح قاضی‌ها قضاوت می‌کردند. سوم افتا برای خودشان مجتهدینی درست کرده بودند، راه را برای ما بسته بودند در سال‌های قدیم شما نگاه کنید به کتاب‌ها صحبت از طهارت است تا می‌رسیم به حج و این قبیل چیزها، از امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حدود، دیات، قصاص و امثال این‌ها خبری نبود این‌ها راه را برای امثال ما طلبه‌ها بسته بودند کسی که واقعاً میدان را بازکرد و این احکام و اسلام را احیاءکرد امام بود. بنابراین ما در زمان خودمان سراغ این می‌رویم چون همه این‌جا هستید چند نکته را به نظر خودم خدمت ائمه جمعه و جماعات عرض می‌کنم:

اول این‌که ما قبل از هر چیز باید سعی کنیم که مساجد آن جذابیت را داشته باشند یعنی ما یک برنامه‌هایی تنظیم کنیم مساجد خسته کننده نباشد، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغة می‌فرماید: طاعت و عبادات برخلاف هوای نفس است و لذا سنگین است، اما کارهایی که موافق هوای نفس باشد سبک است، جذاب است، حالا ما باید در مساجد برنامه‌ای داشته باشیم برای جذب جوانان باید فکر کنیم برنامه‌های هنری و امثالهم خسته کننده نباشد.

گام دوم این‌که ائمه جماعات باید سعی کنند در آن محل تحقق رسالت خودشان یک پناهگاه برای مردم باشند. با مردم گرم گرفتن، ساده زیستی، با صفا و صمیمیت برخورد کردن، برای بیکاران سعی در ایجاد کار، برای جوانان‌شان سعی در ایجاد وسایل ازدواج، افراد محروم و فقیر راکمک و مساعدت کردن. خلاصه شما را یک برادر محترم و یک پدر دلسوز و مهربان برای خودشان بدانند مشکلات‌شان را با شما در میان بگذارند، شما هم

با حلم و حوصله گوش کنید گاهی اگر کاری دارید گوش کنید به حرف‌های آنها، با مردم صمیمی بودن در صحنه زندگی مردم حضور داشتن، راهنما بودن، راهنمایی کردن، مهربان بودن، این‌ها خیلی اثر دارد. مثلاً باید امام جماعت بگوید در این محل شما چند نفر فقیر و محروم دارید، چند نفر احتیاج به کمک دارند، به نظر شما چه کمکی باید به این‌ها بکنیم، چند نفر جوانند که باید برایشان وسایل ازدواج فراهم کرد، چند نفر مقروض که سعی در ادای دین آنها باید کرد چند نفر بیکار که باید برایشان کار ایجاد کنیم چند نفر هستند که مخارج بیمارستان ندارند، باید برایشان تأمین کرد. خلاصه این‌گونه خدمات، این‌ها خیلی مؤثر است که مردم بدانند این امام جماعت یک پدر مهربان برادر دلسوز و خیرخواه و پناهگاه، این یک کار بسیار بزرگی است و دیگر آگاه کردن مردم از برکات و مزایای انقلاب، چون قرن‌ها دشمنان اسلام در تخریب اسلام می‌کوشیدند و اسلام را آماج تهمت‌ها قرار دادند، این‌که اسلامِ چهارده قرن پیش از این، نمی‌تواند دنیای امروز را اداره کند، حتی اسلام نسبت به زن‌ها نگرش منفی دارد، اسلام طرفدار اغنیاست، اسلام از سیاست جداست، تا جایی که گفتند اسلام افیون ملت‌هاست. ما باید اسلام را به مردم معرفی کنیم، اسلام سی و چند سال است به این کشور خدمت کرده ببینید کشور چقدر پیشرفت کرده، از لحاظ مادی و معنوی آن مسئله تأسیس انرژی هسته‌ای، بنده خودم چندین بار رفته‌ام ببینم به شما هم توصیه می‌کنم چقدر خوب است این جوانانی که در این مرکز انرژی هسته‌ای در نطنز و اصفهان و اراک ببینند شما پنجاه نفر از ائمه جماعات و جمعه آمده‌اید از آنها قدردانی کنید شما باعث بزرگواری و عزت و افتخار اسلام هستید، این کارها لازم است، چون سابقاً دیوارهای بلندی کشیده بودند ما را از جامعه جداکرده بودند، دانشگاه از حوزه جدا، حوزه از دانشگاه جدا، امام جماعت از مردم جدا، مردم از امام جماعت جدا، امام رضوان الله تعالی علیه این فاصله‌ها را از بین برد، تمام این سدها را شکست، این فاصله‌ها را از بین برد. خلاصه این‌که ما اسلام را باید به مردم معرفی کنیم. اسلام از جهت انرژی هسته‌ای، از جهت صنعت و طب صنایع نظامی و کشاورزی، خلاصه اسلام را این‌طور معرفی کنیم به مردم، به‌علاوه باید ببینیم این راهی که امام پیش پای ما گذاشته اسلام ناب این است و برکات

و ثمرات انقلاب را برای مردم بیان بکنیم خلاصه ما هستیم و این مسؤولیت، فضیلت و برکت بسیار بسیار زیاد ان‌شاءالله تعالی توفیق پیدا کنید، ما هم در خدمت شما هستیم، بنشینیم و مشکلات را مطرح کنیم، بعضی از مشکلات از جانب بنده است با هم باشیم بتوانیم در دولت و حکومت هر کجا برویم و حرف‌مان را بزنیم. خلاصه با تشریک مساعی برای خدمت به مردم و گام برداشتن در راه انقلاب تلاش کنیم. خدا را شکر می‌کنیم که برای ما چنین وسیله‌ای پدید آورد، امسال هم سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است و رهبر بزرگوارمان دامت‌ربرکاته این سال را به این نام نامگذاری کردند کار و فعالیت خواهیم کرد، ملکه انگلستان آن سلمان رشدی مرتدکوبیده شده و مرده را روی خط می‌آورد، ما باید متوجه باشیم این‌ها از هیچ کاری در هیچ فرصتی برضدّ ما فروگذار نمی‌کنند همیشه باید بیدار باشیم و غرب را به دنیا بشناسانیم و در برابر این کینه‌ها وکدورت‌ها و نقشه‌های غرب بیدار باشیم و مردم را از مزایای انقلابمان آگاه کنیم که بفهمند انقلاب چه کرده است.

اللهم سلم الاسلام والمسلمین اللهم اید علماء الدین.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

فصل دوّم

همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

سخنرانی حضرت آیةالله موحدی کرمانی دامت‌برکاته
در همایش هفته گرامی‌داشت مساجد در جمع ائمه‌جماعات

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا حبیب اله العالمین ابوالقاسم محمّد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین لاسیما علی بقیةاللّه فی الارضین.

﴿ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنْ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنْ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾.[1]

جلسه به منظور تجلیل از مساجد، مدیران توحید و نیز آشنایی با مسائل مربوط به مسجد است. آن بعد معنوی را قرار است من در خدمت‌تان مطرح کنم.

ان شاءاللّه عرایضم مورد رضای ذات مقدس الهی باشد. فکر می‌کنم که اگر تمام سخن را روی همین آیهٔ شریفه که تلاوت کرده‌ام قرار بدهم، بجاست و وافی خواهد بود. هرچند که موضوعات دیگری را هم خدمت شما عرض می‌کنم.

در این آیهٔ شریفه چند چیز مورد توجه قرارگرفته که از جملهٔ خانهٔ خداست. «**عند بیتك المحرم**» اصلی‌ترین خانه خدا، کعبهٔ مکرمه است که حضرت ابراهیم مأمور شدند

---

۱. ابراهیم: ۳۷.

CD شماره ۳۷

که اسماعیل را با مادرش هاجر، از شامات بیاورند به مکه. مکه آن روز فقط مشتی کوه بود. نه انسانی در آنجا بود و نه درختی، نه گیاهی و نه آبی، حضرت ابراهیم با هدایت حضرت جبرئیل با طی مسافت، معجزه‌آسا این مسیر را طی کردند و رسیدند به کوه‌های داغ و سوزان، نقل شده که هر جایی که یک آبادی بود، ابراهیم می‌گفت برادر جبرئیل این‌جا باید ساکن بشویم و بچه و مادرش را ساکن کنیم، باز همین‌طور تا رسید حضرت ابراهیم به کوه‌های متصل به هم و فضای داغ و سوزان مکه فعلی. جبرئیل عرض کرد که این‌جا باید اسماعیل و مادرش را ساکن کنی. این‌جا یعنی وسط یک مشت کوه؟ نه آبی، نه درختی، نه سایبانی، نه انسانی. عجیب بود. اصلاً داستان‌های حضرت ابراهیم همه عجیب است. جبرئیل گفت: فرمان خداست و فرمان هم باید بدون چون و چرا اجرا بشود. مکان عبودیت همین است. وقتی مأمور می‌شود به ذبح فرزندش خود را آماده می‌کند، به فرزندش می‌گوید این مأموریت را دارم. نظر تو چیست؟ آن هم نمی‌گوید بابا نظر من این است من هم موافقم.

من هم حرفی ندارم. اصلاً من را مطرح نمی‌کند. می‌گوید: «**یا ابت، افعل ما تؤمر**». پدر فرمان را اجرا کن. دستور را اجرا کن. این است عبودیت. اسماعیل را با هاجر می‌آورد وسط کوه‌ها می‌گذارد به فرمان خدا هم باید برگردد و آنها تک و تنها در این‌جا باشند. وقتی خواست از آنها جدا بشود گفت: «**ربنا انی اسکنت من ذریتی بوادٍ غیرِ ذی زرعٍ عند بیتك المحرم**». خدایا من شماری از ذریه‌ام را در این نقطه ساکن کردم. نقطه‌ای که غیر ذی زرع است. اصولاً چیزی در اینجا نمی‌روید. درختی، گیاهی، سبزه‌ای، چیزی نیست. اما این‌جا حریم خانهٔ توست. «**عند بیتك المحرم**» تازه یک قطعه‌ای زمین بود آن وقت. شاید هیچ اثری هم از بنا نبود. شاید هم اثری جزئی بود. این روشن نیست. در هر حال، خدایا من بچه‌ها را این‌جا آوردم کنار خانهٔ تو آوردم. وادی لم یزرع آوردم. هدف من آن است که این‌ها بتوانند این‌جا یک پایگاه توحید درست کنند. نقطه‌ای که مردم بتوانند با تو مرتبط باشند. در اینجا «**ربنا لیقیموا الصلوة**» برپا بدارند نماز را، نماز را بخوانند. این‌جا یک پایگاه بسازند برای توحید، برای ارتباط انسان‌ها با خدا. آن‌قدر این حرکت پر برکت بود که می‌بینید که در طی قرون این قطعه با جاذبه‌های معنوی که دارد، چقدر انسان‌ساز است. خدایا دل‌های عده‌ای از مردم را نسبت به این‌ها متمایل کن. عجیب است. هیچ کس نیست اما ابراهیم دل‌های مردم را می‌طلبد و می‌خواهد که دل‌ها با ذریه‌اش باشد... در این آیه شریفه چند مسئله به‌صورت یک مجموعه مطرح شده است.

۱ ـ خانهٔ خدا. هرجایی شایستگی سازندگی انسان‌ها را ندارد.

۲ ـ خانه‌ای که در وادی لم یزرع است، یعنی یک خانه آن زمان می‌تواند جاذبه داشته باشد و دل‌ها را جذب کند و موجب اقامهٔ نماز و ارتباط با خدا باشد که هیچ شائبه‌ای غیر از خدا پدیدار نباشد.

به همین علت در بارهٔ مساجد سفارش شده که ظاهر مساجد را خیلی زینت ندهید. هرچه ساده‌تر اما معنویت مسجد زیاد باشد. خلوص در این مسجد به چشم بخورد و هیچ هدفی جز خدا نباشد. این یک و دیگر این‌که توجه به مسائل فرهنگی مسجد با توجه به این جملهٔ «**ربنا لیقیموا الصلوة**» هدف از این آوردن این ذریه و اسکان در این‌جا در کنار خانهٔ تو این است که این‌ها بتوانند پایگاهی پدید بیاورند که انسان‌ها ساخته شوند و این انسان‌ها هم در محور ارتباط با خدا ساخته شوند.

و بعداً مسئلهٔ عاطفی را مطرح می‌کند از جمله حضرت ابراهیم را «**واجعل افئدة من الناس تهوی الیهم**» دل‌ها را می‌خواهد آن چیزی عامل موفقیت این ذریه می‌شود در این نقطه، هدف لیقیموا الصلوة را می‌رساند عواطف است. خدمت شما عرض کنم این دل‌ها، همان چیزی است که در قرآن عنوان فطرت الهی آمده «**فطرت اللّه التی فطرالناس علیها لاتبدیل لخلق اللّه ذلك الدّین القیّم**» فطرت خدایی، خداوند انسان‌ها را زیبا آفریده و در وجود ایشان عشق خود را به‌صورت یک امر فطری عجین کرده است. در حیوانات غریزه هست. در انسان‌ها فطرت است. فطرت، ببینید طفل وقتی به دنیا می‌آید بدون این‌که خودش بداند دنبال پستان مادر است. وقتی به او نمی‌رسد، اشک می‌ریزد، گریه می‌کند، خودش نمی‌فهمد که به سوی کجا می‌رود. هیچ چیز روشن نیست. اما یک امر غریزی است. همین‌طور هزار برابر بکنید به عنوان فطرت. انسان‌ها در فطرت خدایی خلق شده‌اند. اگر به خدا نرسند ناراحتند شاید ناراحتی را نمی‌فهمند. خودشان احساس نمی‌کنند اما ناراحتند. «**و من اعرض عن ذکری فان له معیشةً ضنکا**» وقتی که به خدا می‌رسند به همه چیز می‌رسند «**ماذا وجد من فقدك و ماذا فقد من وجدك**» و آن وقت احساس هم می‌کنند که به همه چیز رسیده‌اند. ابوذر در آستانهٔ حرکت با ربذه به آن حالتی وحشتناک بعد از آن دلداری‌هایی که حضرت امیر و حسنین دادند، گفت: «**ما عنداللّه وحشة**» من اصلاً احساس وحشت نمی‌کنم. به آن نقطهٔ خطرناک می‌رفت می‌گفت من به آن فضا کاملاً مأنوسم. آنجا را دوست می‌دارم چون با خدا هستم. «**ما عنداللّه وحشة**» انسان‌ها صفت الهی‌شان اشباع می‌شود احساس می‌کنند که بهترین لذت را می‌برند. در دعای خود در پایان که سجده می‌کنیم می‌گوییم: خدایا تو را شکر می‌کنم که همه چیز به من دادی. شناخت خودت را به من دادی. این‌که من تو را می‌شناسم، تو به من دادی. این هدیهٔ بزرگی است از طرف تو. دیگر آنکه مرا اهل ولایت قرار دادی. و روی زمین خیلی‌ها هستند اصلاً تو را نشناختند خیلی‌ها هستند اهل ولایت نیستند. ولایت تو را نفهمیدند ولایت اولیائت را نچشیدند. اما تو به من دادی. یک سجده انجام می‌دهم تو را شکر می‌کنم. این توفیق را تو به من دادی. این طراوت است. این عزت است. این همه چیز است. همه چیز، برای این جوان فطرت که در من است

کاملاً اشباع شده. بعضی چیزها جنبی است. این اصل است. این در خانهٔ خدا مطرح شده و درکنار خانهٔ خدا.

«**واجعل افئدةً من الناس تهوی الیهم**» یعنی مساجد با عشق به خدا زنده می‌شود و با عشق به خداگره می‌خورد و اگر انسانی عاشق خدا باشد و مرتبط با مسجد نباشد این آدم خلأ دارد. کما این‌که اگر با ظاهر مسجد مرتبط باشد و به عشق به خدا آراسته نباشد آن هم خلأ دارد. ببینید دو آیه ما داریم:

﴿لولا دفع اللّه الناس بعضهم به بعضٍ لفسدت الارض﴾.

یک آیهٔ دیگر داریم:

﴿لولا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم اللّه کثیرا...﴾.

در آیهٔ اول می‌فرماید اگر دفاع مردمی نباشد به کلی فسادکرهٔ زمین را فرا می‌گیرد. این دفاع‌هاست که جلوی مفسدان را می‌گیرد و آیهٔ دوم که خواندم می‌گوید اگر دفاع نباشد معابد ویران می‌شود جایگاه‌های عبادت خدا ویران می‌شود. این یعنی چه اگر این دو راکنار هم بگذاریم؟ یعنی ویران شدن معابد همان، وگسترش فساد روی زمین همان. این دو باهم است یکی است. این مسئله یعنی ویرانی معبد و مسجد، حتی معبد یهود و مسیحیت محترم است و حالا نکتهٔ مهم این است. این چیزی که جلوی چشم شماست. قضیهٔ امنیت مطرح شده و چه بسا آن بحث کلمهٔ وحدت را هم با آن قضیه مطرح می‌شود. خیلی بحث می‌شود در نظام ما. بحث از وحدت می‌شود. مقام معظم رهبری، سال را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی دانستند باید بدانید عامل وحدت فقط یک چیز است و آن همین فطرت الهی است. اگر توانستیم انسان‌ها را براساس فطرت الهی سوق دهیم. بیاییم به بهترین جاها که مسجد باشد دعوت کنیم مسجد را هم خالی کنیم از همهٔ امراض غیر از رسیدن به خدا. از تمام امراض تهی کنیم. از تمام شائبه‌ها خالی کنیم. یک تجمع به امنیت گروه خاصی در مسجد نباشد. حرکت سیاسی دو نوع است. یک بار همان سیاستی است که امام می‌فرماید.

شهید مدرس می‌فرماید:

«سیاست ما عین دیانت ماست».

اگر آن سیاست در مساجد بیاید خیلی خوب است. سیاستی که عین دیانت است. اما سیاستی که یک تجمع باشد و به نفع یک گروه خاصی باشد و آن گروه هم هدف الهی نداشته باشد، دنبال منافع شخصی‌اش است. این مسجد را ضایع می‌کند. مسجد را تباه می‌کند. مسجد را از معنویت می‌اندازد. اگر مسجد خالصانه براساس همان فطرتی که عرض کردم. انسان‌ها را به سوی خود بکشاند بسیار نیکوست. کما این‌که ببینید افراد با هر تفکری که باشند، مسلمان که باشند جذب حمزه می‌شوند. جذب کمیل می‌شوند. یعنی آن تفکرات و خط و خطوط و این‌ها را همه را بریزید دور. این جاذبه دارد. این می‌تواند وحدت ایجاد بکند. خداوند می‌فرماید که:

﴿ولو انفقت ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم ولکن اللّه الف بین قلوبهم﴾.

این‌که می‌بینید امت اسلامی یک‌پارچه متحد «**کانهم بنیان مرصوص**» قوی، نسبت به هم ایثارگر، آن‌قدر ایثارگر که در جریانی که عده‌ای از مسلمین اسیر می‌شوند به آنان می‌گویند سرنوشت‌تان مشخص است. یکی محکوم به اعدام، یکی به شلاق، یکی قطع دست و پا، دیگری یکی حکم را باز می‌کند، می‌بیند محکوم به اعدام شده است. متأسف می‌شود، ناراحت می‌شود، دوستانش می‌گویند که چرا ناراحت شدی؟ می‌گوید برگهٔ من اعدام است. می‌گویند ناراحتی. می‌گوید من که شهادت آرزویم است. یاد مادرم افتادم. مادرم فقط مرا دارد و اگر مرا از بین ببرند برای او خیلی سخت می‌شود. دلم برای او سوخت. آن دیگری می‌گوید مشکل نیست. ورقهٔ من تازیانه است. بیا ورقه‌مان را عوض می‌کنیم تو ورقهٔ مرا بگیر. من مال تو را. تو برو تازیانه بخور و مرخص و من می‌روم به جای تو اعدام می‌شوم. «**کانّهم بنیان مرصوص**»، «**انّ اللّه الّف بینهم**» این‌ها همان‌هایی بودند که بر دخترهای‌شان هم رحم نمی‌کردند و آنها را زنده به گور می‌کردند. هیچ عاطفه‌ای نداشتند. هیچ احساسی از

انسانیت نداشتند. به برکت همان فطرت الهی اصلاح شدند. این را یادمان باشد. عامل وحدت این است. با انگیزه‌های الهی می‌توانیم همه را جذب کنیم که همه هم شیفته‌اند. ببینید در موسم ایام‌البیض رجب چه شوری و هیجانی و چه عشقی در همه، بویژه در جوانان و نوجوانان پدید می‌آید. به مسجد عشق می‌ورزند، لذت می‌برند، این همان فطرت الهی است. این را تقویت کنیم. اگر این را تقویت کردیم وحدت تقویت می‌شود. صاحبان خطوط را اگر کشاندیم به این‌طور چیزها این‌ها می‌فهمند این اصل است. خطوط اگر در مسیر خدا نباشد غلط است. مردم از آنها بیزار می‌شوند. مشی واحد، سیاست واحد. کما اینکه سیاست ما عین دیانت ماست. پس اگر بخواهیم وحدت و حتی امنیت را هم در جامعه برقرار کنیم باید به این مسئله فطرت الهی و این عشق انسان به خدا توجه کنیم. متأسفانه از این امر غفلت شده است. الآن می‌بینم که وضعی پدید آمده که اِمریکا بین شیعه و سنی اختلافات می‌اندازد. در حالی‌که می‌توانند هر دو دو محور بیت‌اللّه و رسول‌اللّه دست مایهٔ اتحاد قرار دهند و می‌توانند همه یک ید واحد باشند در مقابل آمریکا اما متأسفانه گول خورده‌اند.

یک روایتی در وسائل هست که از پیغمبر اکرم نقل شده است «**سبعة یظلّهم اللّه ظله یوم لا ظلّ الا ظلّه**» هفت گروه هستند که در روز قیامت احساس ناراحتی نمی‌کنند، احساس حرارت نمی‌کنند، آن فضای داغ برای آنها خیلی دلنواز است، خیلی دلچسب و زیباست. آنها در سایهٔ وحدت الهی به سر می‌برند و این هفت گروه عبارت است از کسی که «**قلبه متعلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه**» یکی از آن هفت گروه آن آدمی است که دلش با مسجد باشد. ببینید قلب مطرح شده، «**وقلبه متعلق بالمسجد**» شما دو دوست را درنظر بگیرید که شدیداً به هم علاقه‌مندند این‌ها دل‌هاشان با هم است. پیش هم است، جداکردنشون خیلی سخت است. می‌فرمایند آن آدمی که در برابر مسجد همین حالت را دارد عاشق مسجد است. فرمود مؤمن در مسجد مثل ماهی است در آب و منافق مثل پرنده در قفس است. یعنی قلبش با مسجد است. عشقش مسجد است. نشاطش مسجد است. حیاتش مسجد است. این‌طور انسان وقتی که از مسجد بیرون می‌خواهد بیاید، از فراق مسجد ناراحت است. به خودش وعده می‌دهد باز می‌آیم پیش تو ای خانهٔ خدا. می‌آیم پیش تو. می‌فرماید خداوند اراده فرموده که مؤمنان و مسلمانان

مرتب به مسجد بیایند در مسجد جمع شوند. در ۲۴ ساعت ۳ یا ۵ دفعه. جمع شوند. این تجمع مکرر در یک ۲۴ ساعت و بعد در روز جمعه همه از اطراف، اکناف بریزند، یک نقطه و جمع شوند و هم تجمع عظیم حج و بعد عمره. مخصوصاً حج، سالی یک دفعه باز همهٔ مسلمان‌های مستطیع و متمکن جمع شوند این برنامه دیگر نگذاریم که دشمن ضربه به این تجمع عظیم بزند با بصیرتی که این‌ها دارند. ببینید سفارش شده که نمازتان را در مسجد بخوانید، حالا طرف مسافر است. دارد می‌رود. مخصوصاً آن سفرهای گذشته‌ای که، ماه‌ها در راه‌ها و بیابان‌ها بودند. حالا آیا این آدم می‌خواهد نماز بخواند از مسجد می‌خواهد محروم شود؟ نه. فرمود هر وقت می‌خواهی نماز بخوانی وسط بیابان هم که هستی ۴ ، ۵ سنگ بچین و وقف کن آنجا را به عنوان مسجد و بعد چند ساعتی که آنجا هستی نماز را در آن مسجد بخوان. سفارش شده حتماً مسجد بسازید، هر قدر مردم نیاز به مسجد دارند. البته در جایی که نیازی نباشد. نه فقط لازم نیست، بلکه خوب هم نیست. ولی وقتی نیاز بود، فاصله زیاد بود مسجد بسازید. راجع به ارزش ساختن مسجد و این‌که نماز را در مسجد بخوان حالا دو تا روایت به‌نظرم می‌آید بگویم که شما دقت بفرمایید: حضرت صادق می‌فرماید: آن کسی که تو خانه‌اش نماز می‌خواند به جماعت هم می‌خواند، اما مسجد را فراموش کرده، می‌فرماید که این نمازش را خدا به رسمیت نمی‌شناسد. منظور این نیست که نمازش باطل است. نماز است اما چه نمازی. نمازی که خداوند می‌فرماید من این را نماز نمی‌دانم. «فلا صلاة» ولی تو قالب جماعت هم خوانده، اما چون از مسجد اعراض کرده «لا صلاة» نه خود امام «ولا لمن صلی معه» و آنهایی که با او از مسجد اعراض کردند همین‌طور، مگر واقعاً یک مشکلی داشته باشد که نتواند مسجد برود آن یک حرفی. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «**الجلسه بالجامع خیر فیه من الجلسة فی الجنة**» نشستی که در یک مسجد جامع داشته باشیم برای من بهتر است از نشستی که در بهشت دارم. «**لِاَنَّ الجنَّة فیها رضا نفسی**» زیرا در نشستن در بهشت خوشحالی مرا در پی دارد امّا «**والجامع فیها رضا ربی**» ما وقتی در مسجد جامع هستیم خدا راضی است. سلام و صلوات خداوند بر امیرالمؤمنین که این‌جور دنبال رضای خداست.

روایت دیگری است که گاهی مردم تجمع می‌کنند بر گناه و عصیان و طغیان و مستحق عذاب الهی می‌شوند، خداوند وقتی نگاه می‌کند به انسان‌هایی که «**ناقلی اقدامهم الی الصلوات**» و می‌بیند که این‌ها گام برمی‌دارند به‌سوی نماز، یعنی مسجد، چون خود نماز خواندن که گام برداشتن ندارد. گام برمی‌دارد به سوی نماز خداوند می‌بیند که در بین این جمع عظیم گناهکار عده‌ای هم هستند که به مساجد می‌روند نماز بخوانند.

۱ ـ می‌بینید بچه‌ها دارند قرآن یاد می‌گیرند.

به برکت این دو برنامه خداوند عذاب را از آنها برمی‌دارد.

در روایت دیگری است که حضرت صادق از آبا و پدرانشان نقل می‌کند که می‌فرماید: هر وقت خداوند مردم را مستحق عذاب ببیند که این‌ها شایستگی عذاب به دلیل معاصی و گناهان فراوان‌شان دارند، می‌فرماید: سه گروه هستند که جلوی عذاب را می‌گیرند. یکی آن‌هایی که صحبت‌هاشان بر محور خداست. یکدیگر را دوست می‌دارند. باهم ارتباط دارند. به هم انس دارند. به دلیل این‌که برنامه‌های الهی و خدایی را زنده می‌کنند.

۲ ـ مساجد مرا آباد می‌کنند و آبادی هم آبادی معنوی است با نمازشان با گفتارها و امثال آن.

۳ ـ **یستغفرون بالاسحار**، آنهایی که در سحرها استغفار می‌کنند. این سه گروه هستند که جلوی عذاب را می‌گیرند. و من به شما بگویم گاهی ممکن است یک پیش‌بینی‌هایی می‌کنند زلزله در تهران چنین می‌شود، چنان می‌شود، اما همانهایی که در تهران زندگی می‌کنند باعث می‌شوند که خداوند این شهر را از اینطور گرفتاری‌ها حفظ کند.

حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«کسی که به سوی مسجد حرکت می‌کند پایش را روی هیچ تر و خشکی نمی‌گذارد، مگر این‌که هفت طبقهٔ زمین تسبیح خدا را به سود او می‌کنند».

حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«هیچ عبادتی بهتر از سکوت و رفتن به سوی خانهٔ خودش نیست».

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«هرکس به سوی مسجدی حرکت کند هر گامی که برمی‌دارد تا برود، هر گامی ۱۰ حسنه ثبت می‌شود. ۱۰ سیئه محو می‌شود و ۱۰ درجه بالا می‌رود».

این‌ها همه عظمت مسجد را برای ما بیان می‌کند.

در مورد این‌که گره بخورد خود نماز به مسجد خب یک روایتی داریم که سفارش کرده که اصلاً بنای مسجد چقدر ارزنده است. ابوعبیدهٔ حداد می‌گوید که من می‌رفتم مسجد، حضرت صادق عبورشان به من افتاد. من یک چند تا سنگ گذاشته بودم به عنوان مسجد آن را مسجد کرده بودم و نماز می‌خواندم به حضرت صادق عرض کردم «**نرجوا ان یکون هذا من ذاك**» گفتم امید دارم این هم مسجد باشد. حضرت فرمود: «نعم». چرا این هم مسجد است. الان تو داری در مسجد نماز می‌خوانی.

عجیب این است که راوی می‌گوید: با ابوالصلاة خدمت حضرت‌صادق رسیدم. ابوالصلاة گفت آقا حاجیان در راه مکه زمین‌های کوچکی مثل یک متر در دو متر این‌طورها، این‌ها تعبیری است از من یک جاهایی کوچکی را به عنوان مسجد نماز می‌خوانند. حضرت فرمود: بارك اللّه احسنت. این‌ها بهترین مساجد است. همین چیزهای کوچک.

مسجد الزهراء، مسجد علی و این‌ها ظاهراً جاهایی بوده که این‌ها فرصت کوتاهی که آنجا بوده‌اند، آنجا را به عنوان مسجد وقف می‌کردند و نماز می‌خواندند. بعداً فرمود: هرکس خانه‌ای را به عنوان مسجد وقف کند، بسازد، خانه‌ای را و خوب این را بسازد ولو به اندازهٔ آن‌جایی است که کبوتر می‌خواهد تخم بگذارد. یک جایی را برایش گود می‌کند. آنجا تخم می‌گذارد ولو این‌قدر باشد این‌قدر کوچک باشد. این هم مسجد است ثواب و ارزش را دارد.

این را عرض کنم که مساجد از نظر فضیلت مختلف هست. عرض کنم که مسجد بازار هر نماز برابر ۱۲ نماز است. مسجد محله ۲۵ نماز است. مسجد جامع ۱۰۰ نماز و مسجد کوفه و مسجدالاقصی ۱۰۰۰ نماز و مسجد النبی ۱۰۰۰۰ نماز است و مسجدالحرام ۱۰۰۰۰۰ نماز است. «و عند قوی» و نماز در کنار قبر مطهر امیرمؤمنان نماز خواندن ۲۰۰۰۰۰ نماز است. بالاترین نجف که خداوند ان‌شاءاللّه نصیب همهٔ ما بگرداند.

عرض کنم که حالا مسائل مهم در مساجد توجه به آن معنویت و آن فرهنگ است. باید سعی کرد مسجد از هر نوع صحبت دنیایی خالی باشد. جای صحبت دنیایی نیست. جای این‌که تا هم‌دیگر را دیدند درد دل می‌کنند و حرف می‌زنند خب تو چه خبر من چه خبر؟ جای این‌ها مسجد نیست. تو مسجد قرآن بخوانید. نمازتان را بخوانید. نافله‌تان را بخوانید. فریضه را بخوانید. بعداً اگر خواستید این کارها را بکنید بروید بیرون. این‌کارها معنویت مسجد را آسیب می‌رساند این را دقت کنید.

روایتی است که می‌فرماید: گویا در آخرالزمان به مسجد می‌آیند اما دور هم می‌نشینند و صحبت دنیا، حب دنیا، دارند. مسائل و مشکلات دنیا به‌جای خودش باید گفته شود ولی این‌ها جایش در مسجد نیست. فرمود این‌هایی که این چنین هستند و مسجد می‌آیند و این برنامه‌ها را دارند. «لا تجالسوهم» اصلاً با این‌ها ننشینید اگر دیدید دارد این بحث‌ها می‌کند منعش کنید و الا بلند شوید و مجالست با این‌ها نکنید. این‌ها در برنامهٔ الهی نیست.

عرض کنم که حتی شعر دو نوع روایت داریم. یک نوع روایت منعش می‌کند و بعضی روایات می‌گوید اشکال ندارد اصلاً.

اگر شعرها، شعرهای عرفانی باشد معنوی باشد، عرض کنم در صلاح تربیت انسان‌ها باشد عیبی ندارد خوب است. مداحی اهل‌بیت، حمد خدا باشد خوب است. اما شعرهایی که در این وادی و مسیر نیست منع شد.

«**المساجد للقرآن**».

«مساجد برای قرآن هست نه چیزهای دیگر».

حالا این‌جا مسئلهٔ مهمی که باید عرض کنم خدمت‌تان، عبارت است از آن برنامه‌های معنوی مساجد هست که باید همه همت کنند مخصوصاً در این نظام مقدس که شرایط رشد انسان‌ها فراهم شده از معنویت مسجد به همان شکلی که اول عرض کردم. استفاده شود و برنامه‌های مسجد احیا شود، همه و همه سعی کنند حتی آن کسی که می‌تواند یک تبلیغ سیاسی خوبی داشته باشد یا برنامه خوبی داشته باشد آن تحلیل سیاسی‌اش را ارائه بدهد باید برود ما باید به زمان‌مان مطلع باشیم. آگاه باشیم، چه خبر است. چه توطئه‌ای در راه است. این‌ها را باید بدانند و عرض می‌کنم هرکس تخصصی دارد در تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، احکام دینی، مسائل اخلاقی، روانی، هرچی متخصص باشد البته بیاید و برنامه‌ریزی کنند. برادران و خواهران و الحمدللّه حضور خواهران در مساجد الان خیلی چشمگیر است. و اقبالی که خواهران به مسائل معنوی و دینی دارند کمتر از مردان نیست. بلکه بیشتر هم هست. بیایند شرکت کنند. این‌ها عامرین مساجد این‌ها هستند. این عمرانی که خداوند می‌فرماید بیایید مساجد را آباد کنید این است وقتی که خدمات ظاهری مسجد مطرح می‌شود خداوند می‌فرمایداین خدمات قابل مقایسه با خدمات معنوی نیست. ولی خوب آب می‌دهیم به حاجی ایستاده دم در، خیلی هم ثواب دارد.

در یک روایت هست که جبرئیل آرزو می‌کند که کاش انسان بودم به حاجی‌ها آب می‌دادم. اما با تمام این ارزشی که دارد می‌فرماید این قابل مقایسه با خدمات معنوی نیست. من تبریک می‌گویم به انسان‌هایی که برنامه‌های خوبی در مساجد دارند و رشد می‌دهند انسان‌ها را و البته آنچه که مهم است که باید آن روی قضیه را هم باید دقت کنند. مسجد باید جاذبه خیلی زیاد داشته باشد. حالا من در یک بخشی این قسمت‌ها را احتمالاً اشاره می‌کنم.

می‌فرماید: «**خذوا زینتکم عند کل مسجد**» زینت خودتان را با خودتان داشته باشید. خود را مزین کنید. بهترین لباس، برترین لباس در مسجد باشد. معطر کنید خودتان را البته زن‌ها در معطر کردنشان باعث می‌شود که عطر آنها به مشام نامحرم برسد. آن نه. نمازگزاران خودشان را معطر کنند. فضای مسجد را معطر کنند. گلاب‌پاشی کنند. می‌خواهند با این

چیزهایی که به دست می‌گیرند و با آن گلاب می‌پاشند اگر به سر و صورت یکی بریزند بعضی‌ها اجازه می‌گیرند.

عرض کنم که صفوف را منظم باید کرد. امام مسجد مستحب است قبل از نماز به مؤمنین بگوید که صفوف را منظم کنند که صفوف جلو را پر کنید. شانه‌هایتان چسبیده به هم باشد و این‌ها را بگویند. امام جماعت که می‌آید تأخیر نداشته باشد. معطل نکنند به امام جماعت خیلی سلامی می‌دهند. در یک روایت هست به اندازه‌ای که خدا به همهٔ مأمومین ثواب می‌دهد به امام جماعت ثواب می‌دهد. بدون اینکه از آنها چیزی کم شود. این هم به تقوا و علم تشویق می‌کند که این‌جوری در راه تقوا و علم قوی شوند تا بتوانند تحکمی در امامت داشته باشند. این ثواب عظیم را که می‌دهند می‌فرماید مشروط به این است که این امام منظم بیاید. باید منظم بیاید. اگر با تأخیر بیاید و مردم را معطل کند نه. می‌فرماید نماز را وقتی امام جماعت در مسجد می‌خواند، نه این‌قدر سریع بخواند که این‌ها نتوانند درست رکوع و سجده را بخوانند نه آنقدر طول بدهد که آنها خسته شوند. پیامبر به امیر مؤمنان فرمودند: نه مضیع باش نه منفر باش. نه تند بخوان که نتوانند رکوع و سجده را درست انجام دهند و نه طول بده که این‌ها بگویند که بابا دیگه خسته شدیم. امامی نماز اولش را سورهٔ بقره را خواند بیچاره کرد. مأمومین را و در نماز دوم شروع کرد سورهٔ فیل را خواندن یکی از مأمومین فرادا خواند. گفت وامصیبتا آنکه بقره بود آن جوری عمل کرده و ای که می‌خواهد سورهٔ فیل را بخواند.

عرض کنم که جاذبه‌های مسجد را می‌گفتم. نه منفر باشد امام جماعت نه مضیع باشد. وقتی به هم می‌رسند احوالپرسی بکنند گرم باشند، صحیحی باشند. این‌جور نباشد که وارد شود سرش را بگذارد پایین و اخمی و مشغول نافله باشد. نه از همان لحظه ورود با هرکس برخورد می‌کند. خواهران باهم، برادران باهم، احوالپرسی بکنند. دست به هم بدهند. برادران دست به هم بدهند. خواهران به هم دست بدهند. احوالپرسی بکند. پیغمبر اکرم دست می‌دادند. وقتی وارد می‌شوند به همهٔ مأمومین دست می‌دادند. احوال می‌پرسیدند. وقتی امام جماعت نماز می‌خواند نمازهای یومیه و بطور کلی در رکوع و سجده مستحب

است که صدا را بلند بکند که بشنوند مأمومین که حالا میکروفن و این‌ها هست. یک چیز خوبی است و عکس این‌که مأموم صدایش به گوش امام برسد کراهت دارد. آن یواش بخواند و بالعکس امام صدا را بلند بکند.

شما نمی‌دانید که چقدر این خوش اخلاقی و خوش برخوردی نقش دارد. من خودم در زندگی یادم می‌آید که من مجذوب جلسات قرآن و مسجد و جماعت و این‌ها شدم و این مجذوبیت از یک حسن برخورد شروع شد. ما کشانده شدیم به جلسات قرائت قرآن که در مسجد بود که آنجا دیدم محبت به من می‌کنند. همین احوالپرسی و اینجور چیزها و کم‌کم ما را تشویق کردند که ما تفسیر رو آنجا می‌گفتیم. این برخورد موجب شد که من اصلاً جذب این جلسات شدم. جذب قرآن، نماز و جماعت و دعا و این‌ها شدم. مسیر زندگی مرا مشخص و معین کرد. این خیلی مهم است و بالعکس ممکن است جوانی و نوجوانی بیاید در این مسیر یک برخورد بدی با او شود و از مسجد برود. مسجد را ترک کند و رها کند. این را خیلی دقت بفرمایید.

عرض کردم فضای مسجد باید معطر باشد. مخصوصاً در فصل تابستان آنهایی که جوراب به پایشان است اگر این جوراب بویی می‌دهد آن را بشویند این اذیت می‌کند.

روایتی است مردی می‌آید مدینه و سراغ می‌گیرد و می‌خواهد بیاید خدمت حضرت صادق علیه‌السلام. حضرت بیرون مدینه یک آبادی دارد. آنجا رفتند. بلند می‌شود می‌آید بیرون. حالا فاصله‌اش چقدر بود، معلوم نیست. می‌آید خدمت حضرت می‌رسد. حضرت می‌فرماید: این همه راه آمدی تا مرا ببینی. می‌گوید: بله آقا. آمدم زیارتم را بکنم. بعداً حضرت اشاره کردند به سیری که آنجا بود به حلقهٔ سیر من از این سیر خورده بودم. دوست نمی‌داشتم که مسجد پیغمبر بیایم چون وقتی حضرت در مدینه باشند مقیدند وقت نماز به مسجد بروند. وقتی مسجد بیایند خوب حضرت صادقند. مردم علاقه‌مندند می‌آیند خدمت حضرت. حضرت فرمودند چون من سیر خورده بودم از مدینه آمدم بیرون و این‌جا تا بوی سیر اهل مدینه و مسجد را اذیت نکند. ببینید تا این حد مراقب بوده‌اند.

نکته دیگر این‌که باید دقت کرد مأمومین زود صفوف را منظم کنند که وقتی اذان گفته می‌شود فضای مسجد ساکت باشد. این در حالیست که متأسفانه در حال حاضر اذان می‌گویند مؤمنین دارند صحبت می‌کنند. اقامه می‌گویند حرف می‌زنند. نماز را بسته اما هنوز این‌ها صف‌شان را منظم نکرده‌اند. این بسیار غلط است. از قبل از اذان صفوف باید منظم شود فضا آرام باشد. وقتی مؤذن اذان می‌گوید، کلمات اذان را آنها تکرار کنند و وقتی که امام اقامه می‌گوید بلند شوند و صفوف منظم باشد و به محض اینکه گفت اللّه اکبر آنهاکه در صف دهم و بیستم هستند بتوانند نماز را بخوانند و به ثواب نماز نائل شوند.

راجع به مسائل سیاسی مسجد گفتم. آن سیاستی که عین دیانت است حتماً باید در مسجد باشد آن سیاست‌هایی که جنبهٔ حزبی و منافع گروهی دارد آنها جایش مسجد نیست. عرض کنم که همسایه‌های مسجد خیلی سفارش شده بخصوص به همسایه‌های مسجد سفارش شده «**لاصلوة لجار المسجد الا فی المسجد**». همسایه که فاصلهٔ ۴۰ خانه همسایه است. از چهار طرف و پیغمبر اکرم ﷺ در روایت است که حضرت شرط کردند که باید شما که همسایه هستید باید بیایید و به امیرالمؤمنین گفته شد که عده‌ای نمی‌آیند از همسایگان مسجد به نماز فرمود که حتماً باید آنها حاضر باشند و اگر نمی‌آیند باید از ما دور شوند. شماها هم اجازه ندارید با آنها معاشرت کنید و به حرف حضرت هم مردم عمل کردند و آنها مجبور شدند که به مسجد بیایند.

و اینک هرکس شکر این نعمت را نکند در قیامت گرفتار یک مصیبت بزرگ می‌شود. و مصیبت بزرگ این‌که مسجد در برابر خدا از ما شکایت می‌کند و وقتی شکایت کرد روایت هست که خود ذات مقدس الهی به عنوان وکیل مدافع دفاع از خانه‌های خودش می‌کند و آن‌وقت چه مجازاتی برای آن انسان‌هاست خدا می‌داند.

ان شاءاللّه که خداوند توفیق بندگی کامل را به همهٔ ما عنایت کند و آنچه که در ذهنم هست راجع به ۳۰ مرداد روز مسجد هست که روز زنده نگه داشتن خاطرهٔ آتش زدن مسجد الاقصی است. خدایا به حرمت قرآن این جنایتکاران را از روی زمین محو بفرما. ریشهٔ آنها را بسوزان. هیچ عرضی را برای هیچ انسانی و برای هیچ معبدی و برای هیچ مکان

مقدسی مراعات نکردند و بالاخره در این روز باید نفرین کنیم بر این رژیم سفاک و جنایتکار اما تمام این تلاش‌ها مذبوحانه است همانطور که در مورد حضرت سیدالشهدا شاعر می‌گوید: ولو ای حسین عزیز بدن تو را قطعه قطعه کردند که اثری از تو باقی نماند اما قبر تو در قلب ماست.

به قدم نازنینت به جنازهٔ مقدست اهانت کردند. اما به فضائل تو نمی‌توانند آسیب برسانند. خصایل تو روز به روز شفاف‌تر و روشن‌تر می‌شود. این جنایتکاران مسجدالاقصی را در یک زمانی آتش زدند اما دل‌ها را نمی‌توانند هیچ کاری بکنند دل‌ها با خداست در فطرت خداست در عشق به خداست و عشق به خانه‌های خداست. خوشا به حال آنهایی که وضو می‌گیرند و سوی مسجد به عنوان خانهٔ خدا می‌آیند و دم در می‌ایستند و از میزبان مهربانشان تقاضای کرم و لطف هبه و بخشش و هدیه و غفران و عفو و آمرزش می‌کنند. رحمت خدا بر آنها باد.

خدایا ما را در زمرهٔ آنها قرار بده.

پروردگارا قلوب ما را به محبتت نورانی بگردان.

ارتباط ما را با خانه‌های خودت روز به روز زیادتر بفرما.

لذت انس با خودت را و انس با مساجدت را و انس با خانه‌هایت را در وجود ما لحظه به لحظه بیشتر بفرما.

پروردگارا ما را به صفات اولیائت متصل گردان.

از رذائل و زشتی‌ها دور بدار.

دستمان را از دامن قرآن از دامن پیغمبر از دامن عترت از دامن مساجد جدا نفرما.

دشمنانت را نابود بفرما.

روح مطهر امام راحل و همهٔ شهدا را با صلحا محشور بفرما.

ما را از زمرهٔ یاران حضرت مهدی قرار بده.

والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

سخنرانی حضرت آیةالله استادی دامت‌برکاته
در همایش هفته جهانی مساجد و در جمع ائمه جماعات

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی اللّه علی سیدنا محمد و آله اجمعین واللعن علی اعدائهم الی قیام یوم الدین.

توفیقی بود که نصیب ما شد هم به زیارت حضرت عبدالعظیم موفق شویم و هم به زیارت عزیزان. قبل از اینکه وقتی از شما بگیرم عذرخواهی می‌کنم پیداست که در این قبیل مجالس که از قبیل بنده دعوت می‌شود بنابر تذکر یادآوری و موعظه است که هم برای گوینده ان‌شاءاللّه مفید باشد و هم برای شنوندگان.

من حدیثی راکه شاید مکرر خود عزیزان هم دیده باشند، خوانده باشند، نوشته باشند، می‌خواهم خدمت‌تان عرض کنم با یک برداشت نسبتاً جدیدی از این حدیث. قبل از این‌که حدیث را بخوانم یک دو سه جمله‌ای عرض می‌کنم نسبت به این‌که عزیزان نسبت به مسجدشان بیشتر اهمیت بدهند. یعنی به مردم نشان بدهند که خودشان بیش از مردم به مسجد علاقه دارند. مردم ببینند که سخن‌هایی که راجع به مسجد گفته می‌شود بیش از همه و بیش از همه خود ما به آن حرف‌ها معتقدیم ما از از ائمه جماعت گذشته چیزهایی دیدیم، شنیدیم بنده در دوران جوانی و قبل از ۲۰ سالگی در تهران مسجد آقا میرزا ابوالفضل

تهرانی می‌رفتم. پیرمردی بود کل کسانی که صبح نماز می‌آمدند شاید ۱۰ نفر ۱۵ نفر بودند دقیقاً یادم نیست جمعیت همین‌قدر بود. ولی خود ایشان مقید بود که در تمام طول سال نماز صبح را در مسجد بخواند و هر روز هم بعد از نماز صبح برمی‌گشت به طرف همین چند نفر که آن چند نفر هم بعضی می‌نشستند و بعضی می‌رفتند ولی هر روز ایشان باید یک قطعه‌ای از نهج‌البلاغه، از همین نهج‌البلاغه ثقةالاسلام عربیش را می‌خواند بعد هم ترجمه‌اش را می‌خواند اصرار داشت که این کار انجام شود. خوب اگر مردم ببینند که یک نفر این مقدار به نماز صبح که در مسجد بخواند مقید است با کهولت سن، بعد هم نه اینکه نماز تمام بشود، ماشین بیاورند نه باید پیاده بیاید و پیاده هم برگردد ولی باز عجله نمی‌کند. می‌نشیند و تا اول آفتاب نهج‌البلاغه می‌خواند و همین که مردم او را ببینند اول که او وظیفهٔ خودش را انجام داد. او همان ثواب‌هایی که برای اهمیت دادن مسجد و نماز در مسجد نماز جماعت در مسجد برای خودش هست و برای مردم هم اقبال بکنند یا نه اتمام حجت است. آن روزها خیلی اقبال نمی‌شد. سابق مسجدها، نماز جماعت‌ها خیلی شلوغ نبود. خیلی فراگیر نبود. همه جا این‌طور بود. آیت اللّه خوانساری که از مراجع تقلید بودند نماز جماعت‌شان در مسجد عزیزاللّه وسط بازار بود. ایشان هر روز سحر باید پیاده از گذر لوتی صالح بیاید مسجد عزیزاللّه، مسجد هم تو بازار بود. به یک معنا محلیت نداشت. کل نمازخانه‌ای که می‌آمدند از روی علاقه به ایشان شاید ۲۰ نفر ۳۰ نفر بودند. یک مرجع تقلید برای ۲۰ نفر ۳۰ نفر هر روز می‌آمد وقتی این اخلاق را ببینند، این اهمیت به نماز را ببینند این اهمیت به مسجد را ببینند عرض کردم هم برای خود آن کسی که این کار را انجام می‌دهد، دارای فضل و فضیلت است و هم اتمام حجت می‌شود خدا رحمت کند. مرحوم آقای برهان که در همین حضرت عبدالعظیم ایشان مدرسه‌ای داشتند. برای من نقل شد که ایشان در مسجد لرزاده که از مسجدهای بسیار موفق بود از مسجدهایی بود که هم برنامه‌های خوبی داشت هم طلاب خوبی را آنجا تربیت کرد. نقل شده که ایشان خودش دامن قبا را بالا می‌زد ظرف آب را دست می‌گرفت جارو را دست

می‌گرفت. حتی پاشویه‌های حوض را خودش تمیز می‌کرد. یعنی کاری که باید خادم بکند کاری که باید مردم بکنند. چرا؟ چون خانه خداست. یعنی دارد به مردم نشان می‌دهد که من معتقدم که خانه خداست. من معتقدم که خدمت به خانهٔ خدا خدمت به دین است. اگر مردم ببینند که امیداورم شما عزیزان همه‌تان اینطور باشید. ببینند که ما می‌گوییم از همه زودتر بیایید از همه دیرتر بروید. می‌بینند خود امام جماعت سر موقع می‌آید ۵ دقیقه ۱۰ دقیقه زودتر می‌آید. بعد هم چند دقیقه می‌نشیند خیلی با عجله نمی‌آید با عجله نمی‌رود شما می‌گویید که خب بهترینش این است که مردم زودتر بیایند مسجد و دیرتر هم بروند. خودمان عمل کنیم. البته اگر مسئولیت‌های دیگر داریم. کارهای دیگر داریم. پیداست که منظورم چیه. یعنی مردم باید ببینند که ما اهمیت می‌دهیم تا جمعیت کم می‌شود. شل بشوند. تا مردم ۱۰۰ نفر هستند. خیلی جدی هستند. مثلاً ده نفر که شدند می‌گویند که تلفن بزنید که امروز نمی‌آیم. مردم احساس می‌کنند که خود من به نماز آن‌طور که باید اهمیت نمی‌دهم. آن‌طور که باید به مسجد اهمیت نمی‌دهم. «**کونوا دعاة للناس بغیر السنتکم**» ما باید در عمل به مردم نشان بدهیم امروز هم برخلاف زمان‌های سابق مکرر من این را عرض کرده‌ام در خدمت یکی از اساتیدمان مرحوم آیت‌اللّه سلطانی (خدایش رحمت کند) بودم چیزی را نقل کردم از بی‌احترامی که به بعضی از اهل علم ناخواسته شده بود. فرمود فرق این زمان با زمان‌های سابق این است که سابق به هر کسی که عمامه سرش بود احترام می‌گذاشتند ولی الآن باید بشناسند باید در عمل ببینند این آدم متدین است باید ببینند دلسوز است. علاقه پیدا می‌کنند. بی‌احترامی هم نمی‌کنند. هرکسی هم که بی‌احترامی می‌کند آدم نادانی است و الا چه کسی را ما می‌شناسیم که مردم شناختی نسبت به آن داشته باشند خدمتی از او دیده باشند. توی یک روستا، توی یک شهر، تو یک بخش، داخل یک محل، شناخته باشند و بی‌احترامی کنند؟ امکان ندارد. گاهی هم که می‌شود نمی‌شناسند. ما در عمل باید در هر صورت نشان بدهیم هم به مسجد اهمیت می‌دهیم هم به نماز اهمیت بدهیم هم به جماعت اهمیت بدهیم. هم به نماز صبح اهمیت بدهیم.

هم به صحبت کردن بعد از نماز اهمیت بدهیم که باز من از جوانی‌هایم یادم است که حضرت عبدالعظیم که مشرف می‌شدیم برج مانند بود. خدمت آیت اللّه مجتهدی می آمدیم ایشان می‌رفتند امامزاده عبدالحسن و تا عصری آنجا بودند و برنامه‌ای داشتند و ایشان می‌فرمودند عصر که شد نزدیک غروب برویم زیارت و بعد نماز آقای اثنی‌عشری سید بزرگواری بود صاحب همین تفسیر اثنی‌عشری که مکرر چاپ شده، در صحن امامزاده حمزه که سابق صحن جدایی داشت. ایشان امام جماعت بود. نماز می‌خواند بعد از نماز منبر می‌رفت و با چه سوزی صحبت می‌کرد. من شاید هنوز آن وضع در خاطرم هست که روایت نقل می‌کرد که راوی آن حضرت عبدالعظیم بود. با دست اشاره می‌کرد به حرم حضرت عبدالعظیم می‌گفت این بزرگوار از امام نقل کرده، اصلاً حس می‌کردی که اصلاً خود این یکی از راویان است. خودش دارد حضرت عبدالعظیم را می‌بیند. دارد امام را می‌بیند و اهل امر به معروف بود. در حضرت عبدالعظیم که در آن دوره کسی نمی‌توانست چنین حرف‌هایی بزند در مسیر ایشان همین‌طور خلاف می‌دید. تذکر می‌داد. هر جاگناهی بود تذکر می‌داد. چقدر مردم هم بهش علاقه‌مند بودند. در هر صورت، خیلی عذر می‌خواهم که مزاحم شدم. یک روایتی هست که زیاد خوانده‌ایم. ولی روایت بسیار مهمی است. روایت از بس مهم است در کتاب محاسن برقی نقل شده، در قرب الاسناد نقل شده، در من لایحضره الفقیه نقل شده، در ثواب الاعمال نقل شده، در خصال صدوق، در امالی شیخ صدوق، در تحف العقول، در تهذیب شیخ طوسی، در نهایة شیخ طوسی، در امالی شیخ طوسی، در فلاح الظاهر ابن‌طاووس، در اعلام الدین دیلمی و در تذکره‌ای شهید اول، روایت بسیار بسیار مهمی است. در این کتاب‌های اصیل ما نقل شده به بحار رسیده، بحار دارد، وافی دارد، وسایل دارد، کتاب‌های بعدی هم از همین کتاب‌ها نقل کردند.

روایت با عین سند نقل شده که سند اولش، قطعاً سندی است موثق که اگر بنای فتوایی هم باشد می‌شود به این روایت استناد کرد و سند چهارمش هم باز مثل سند اول معتبر است،

دو سند هم تقریباً سلسله سندش از عامه است. در روایات شیعه شناخته نشده‌اند. روایات از امـام بـاقر علیه‌السلام نـقل شـده، از امـام صـادق علیه‌السلام نـقل شـده، از امـام حسـن علیه‌السلام نـقل شـده از امـام حسـین علیه‌السلام نـقل شـده، از امـیرمؤمنان علیه‌السلام نـقل شـده، از رسـول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نـقل شـد. یعنی از شش معصوم این روایت، با یک قدری کم و زیاد نقل شده و مصادرش بسیار خوب است، همان روایت معروف است که:

«من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان. اخاً مستفاداً فی الله اوعلماً مستطرفاً او آیة محکمة او یسمع کلمة تدل علی هدی او رحمة منتظره او کلمة تردہ عن ردیٍ او یترك ذنباً خشیةً او حیاءً».

(اختلاف یعنی رفت و آمد) هرکس رفت و آمد را به مساجد داشته باشد یکی از این چند چیز را استفاده می‌کند. یا هرکس رفت و آمد بـه مسـجد را ادامـه بـدهد تکـرار کـند، یکی از این چند چیز را استفاده می‌کند. ائمهٔ بزرگوار و رسول خدا فرمودند: هرکسی به مسجد برود و مسجد رفتن را ادامه بدهد این چند چیز را استفاده می‌کند. اول: «**اخاً مستفاداً فی الله**» خاصیت مسجد رفتن این است که انسان برادر دینی الهی پیدا می‌کند. دوم: «**او علماً مستطرفاً**» مسـجد کـه بـرود عـلم تـازه پـیدا مـی‌کند. عـلم جـدید، عـلمی کـه بـراش تـازگی دارد. لااقل نمی‌دانستنه الآن متوجه می‌شود.

«**او آیة محکمة**» اگر مسجد رفت و آمد داشته باشد یک آیه‌ای محکم از آیات قرآن مجید، اگر آیه‌ای محکم در مقابل آیه‌ای متشابه باشد یعنی مسجد که برود و بیاید یک آیه‌ای محکم یاد می‌گیرد. یا اگر «آیة محکم» طبق آن روایت اصول دین مراد باشد یعنی مسجد که رفت و آمد داشته باشد. اصول دین یاد می‌گیرد. «**او رحمة منتظره**» مسجد رفت و آمد داشته باشد. حتماً رحمت خدا شامل حالش می‌شود. «**او یسمع کلمة تدل علی هدی**» مسجد رفت و آمد داشته باشد، قـطعاً چـیزی مـی‌شنود کـه او را روشـن مـی‌کند. او را هـدایت مـی‌کند. به او بصیرت می‌دهد. به او بینش می‌دهد. «**او کلمة تردہ عن ردیٍ**» یعنی چـیزی مـی‌شنود

که اگر آلودگی دارد، اگر مشکل اخلاقی دارد، یک جمله‌ای می‌شنود که آن جمله ممکن است در او تحول ایجاد کند. «**او یترك ذنباً خشیة**» مسجد رفت و آمد کند. خشیت پیدا می‌کند. با خدا آشنا می‌شود. به خاطر خوف از خدای بزرگ گناه نمی‌کند. «اوحیاً» یا وقتی مسجد می‌رود لااقل آن زمانی که در مسجد هست یک جمعیتی در مسجد هستند دعا می‌کنند دارند نماز می‌خوانند. دارند عبادت می‌کنند، دیگر حیا می‌کند که آن موقع گناه بکند. واجبی انجام می‌دهد. این‌ها چیزهایی است که در این روایت نقل شده به عنوان ۸ تا یا به عنوان ۷ تا تو بعضی یکیش هست. تو بعضی آن یکی هست. اگر مایل باشید به یکی از همین کتاب‌هایی که عرض کردم مراجعه کنید.

برداشت ما از این روایت این است که درست است که پیغمبر دارد خبر می‌دهد که اگر بنده به مسجد شما رفت و آمد کردم یکی دو تا سه تا پنج تا ۸ تا از این مطالب استفاده می‌کنم. این یک خبری است از پیغمبر اکرم. اما آیا لازمه‌اش این نیست که مسجد یک برنامه‌هایی داشته باشد که من استفاده بکنم؟ اگر هیچ برنامه ندارد چی استفاده بکنم؟

برداشت ما این است که این روایت دارد به مدیران مساجدمان می‌گوید که مساجدتان باید برنامه‌های متنوع داشته باشد که هرکسی می‌آید و می‌رود از آن استفاده بکند. اگر در مسجدی موعظه نباشد، مدام آقا نماز می‌خواند و می‌رود منزل خوب تو این مسجد ما ۱۰۰ بار هم بیاییم و برویم موعظه نمی‌شنویم. ۱۰۰ بار بیاییم و برویم چیزی که ما را هدایت کند نمی‌شنویم. اگر بنا نیست که در مسجد کلاس اصول عقاید باشد یا خودتان اگر توان دارید یا وقتش را دارید یا کسی را خودتان تعیین کنید اگر در مسجد برنامه اصول عقاید نباشد چطور پیغمبر می‌فرماید هرکسی برود استفاده می‌کند «آیةً محکمة» اصول عقاید یاد می‌گیرد یا یک آیهٔ محکمی از قرآن مجید تفسیرش را یاد می‌گیرد. برداشت ما از این روایت این است که این روایت مفادش این است یا به قول امروزی‌ها برداشت از روایت این است که مساجد باید برنامه داشته باشد. برنامه‌های متنوع داشته باشد که اگر مردم استفاده نکردند

آنها کوتاهی کرده باشند و الا مسجد باید این خاصیت‌ها را داشته باشد. هر مسجدی یکی دوتا سه تا از این‌ها را داشته باشد. زمان ما زمانی است که اگر امام جماعت جاذبه لازم را داشته باشد حتماً یک تعدادی را دور محور خودش جمع می‌کند. باز من از جوانی‌هایم عرض کنم. مسجد جامع تهران در بازار تهران شبستان آیت‌اللّه العظمی شاه‌آبادی، آقایی بود به‌نام آقای بروجردی که پیش از ظهرها که می‌آمد مسجد بلااستثنا مقداری کشمش همراهش بود. روایت می‌گوید مسجد شما باید جوری باشد که اگر یک جوانی آمد دو سه بار که آمد یک رفیق پیدا کند آن هم یک رفیق الهی. خوب اگر رفیق پیدا کرد اگر ۴ تا رفیق شدند مسجد شما ۳ نفر جوان داشت. ۲۰ نفر جوان داشت. خود این‌ها حافظ همدیگرند. یکی از بهترین دیانت‌ها یکی از بهترین چیزهایی که می‌تواند جوان را حفظ کند این است که توی یک دایرهٔ جوانی خوب قرار بگیرد. یعنی اگر پسر من با ۱۰ تا جوان متدین مسجدی رفیق باشد یا با ۱۰ تا فاسد، خوب این اثر خودش را می‌گذارد. خوب کی تو مسجد جوان‌ها جمع می‌شوند؟ وقتی شما عزیزان، که به حمداللّه داریم عرض کردم اول بحث ما بنای ما در این مجالس یادآوری و تذکر و تنبه است و الا هیچ‌وقت گفته نمی‌شود که مطلبی که گفته شد خدای متعال به پیغمبرش هم چیزهایی می‌فرماید. اگر خدای متعال به پیغمبرش فرمود «اتق اللّه» معنی‌اش این نیست که پیغمبر تقوا ندارد. برای یادآوری است. برای حضرت برای دیگران، اگر بخواهیم که جملهٔ اول عمل شود که بخواهیم که یک جوان مسجدی شود باید شما عزیزان جاذبه داشته باشید. باید جاذبه‌هایی برای مسجدتان فراهم کنید. باید برای خدا، باز تکرار می‌کنم. این تشکیلات بسیار بسیار خوب، بسیار نافذ، سودمند، حساب و کتاب داشتن تو هر کاری هم لازم است. هم سودمند است هم آثار خیر و برکت برای همه دارد. تشویق‌ها همه به جا، اگر کمک‌های مادی هست همه به جا. مردم کمک مادی می‌کنند. ولی این‌ها باید همه کنار کار ما باشد کار ما کار خدایی است. من که امام جماعت می‌شوم این‌ها همه باید کنار کار من باشد. هیچ کدام نباید برای من انگیزه درست کند که یکی که کم

شد کار من هم کم شود. آن کارهای دیگر است که این‌طوری است. کارهای دیگر آقا اگر ۱۰ ساعت کارکند، ۹ تومان بدهند باید ۱۰ ساعت کار کند، هیچی هم ندهند باید ۱۰ ساعت کار کند. چون خودش می‌گوید که من روحانی هستم. لباسش می‌گوید که من روحانی هستم دیگر مادی نیستم. اگر مادی نیستیم که نباید مادی باشیم که اگر مادی نباشیم مردم علاقه پیدا می‌کنند و در سایهٔ علاقهٔ مردم می‌توانیم خدمات داشته باشیم. واقعاً آن مقدار که می‌توانیم به این کار ارزش بدهیم. اهمیت براش قائل باشیم. از روی دلسوزی برنامه‌های خوبی برایش قائل باشیم. حالا که اقبال هم می‌کنند صحیح است که ما در جمهوری اسلامی هستیم. الآن می‌بینید که دولت عزیز ما، دولت مذهبی، دینی اهل قرآن، اهل دعا، اهل توسل به امام زمان، این‌ها همه درست است. در رأس حکومت یک مجتهد است. مجتهد واجد شرایط. کسانی که در مسئولیت‌ها هستند تعداد بسیار زیادی افراد متدین واقعی، همهٔ این‌ها درست است ولی مفاسد را هم می‌بینیم هست. از مفاسد که نمی‌شود چشم پوشید که همهٔ آن حرف‌ها درست است. مفاسد هم هست. آیت اللّه مصباح می‌فرمودند: همانطور که قبل از پیروزی انقلاب یک نفر که مسجد داشت می‌گفت شده ۲ نفر، شده ۳ نفر. ۴ نفر را من باید حفظ کنم. امروز مساجد ما، ائمه جماعت ما، مدیران مسجد ما همین وظیفه را دارند. امروز شما اگر بتوانید ۱۰ تا جوان را حفظ کنید، دلت را خوش نکن به این‌که تلویزیون چنین گفت، برنامهٔ قرآنی چنان گفت، مسابقات قرآن چنان بود، همهٔ اینها جای خودش ولی شما هم باید ۵ تا جوان را حفظ کنید. ۱۰ تا جوان را حفظ کنید و باید واقعاً با برنامه‌ریزی با هر مقدار که می‌توانی باید کار کنی که مسجد شما مجمع جوانهای متدین باشد که هر کسی رفت و آمد کرد، یک جوانی ۲ شب آمد، ۳ شب آمد، ۴ شب آمد، من تو پرانتز عرض کنم که نمی‌دانم حال خوب است عرض کنم یا نه چون بالاخره همهٔ شما عزیزان اهل علم هستید. هیأت ما جای مساجد را نمی‌گیرد. هیأت‌ها بسیار خوب است و بسیار مفید است ولی متأسفانه، متأسفانه، متأسفانه، اخیراً شنیده می‌شود بعضی نقاط ضعف تو بعضی از هیأتها شنیده شده

که قابل گفتن هم نیست. مسجد است که شفاف است. مسجد که معلوم است چکار می‌کند. مسجد است که، یک هیئتی ۱۰ نفر، ۲۰ نفر جمع می‌شوند چه کسی صحبت می‌کند، چه کسی عزاداری می‌کند، چه کسی می‌گویند، چه جور صحبت می‌کند؟ این‌ها خیلی خوب است. ولی این‌ها جای مسجد را نمی‌گیرد. اینکه امام فرمودند. مسجد یک سنگر است. امروز دیگر ما خیلی خوب هم می‌توانیم تشخیص بدهیم که مسجد چقدر می‌تواند منشأ خیرات باشد. هم امام یک معیار را به ما داده هم خودمان تا اندازه‌ای عقل داریم، هرچی که دشمن رویش دست می‌گذارد، حتماً بدانید مؤثر است که دست می‌گذارد. امروز می‌گویند که مسجدها را خراب می‌کند. می‌گویند که در تعدادی از کشورهای غربی اجازهٔ ساختن مسجد نمی‌دهند. اگر مسجد مؤثر نبود چرا این‌طوری می‌کنند اگر مسجد مؤثر نبود چرا خراب می‌کردند؟ ببینید این‌قدر مؤثر است وقتی دشمن می‌گوید که مؤثر است. پس ما هم باید قبول کنیم که مسجد مؤثر است و قبول کنیم که اگر ما تو مسجد ۱۰ نفر را، ۲۰ نفر را، ۵۰ نفر را. از خواهرها، از برادرها بتوانیم علاقه‌مند به دین کنیم، علاقه‌مند به احکام کنیم، علاقه‌مند به حلال و حرام کنیم خود متصدیان رادیو و تلویزیون خودشون هم اقرار دارند که رسانه‌ها جای مساجد را نمی‌گیرد مسجد حساب دیگری دارد. نماز در مسجد حساب دیگری دارد، صحبت در مسجد حساب دیگری دارد، مردم دل می‌دهند شما برایشان صحبت می‌کنید غیر از این است که مردم گوش می‌دهند یک دو دقیقه گوش می‌دهند باز می‌چرخانند و متأسفانه دیدید که برنامه‌های تلویزیون که مکرر ما گفتیم که اگر بگوییم همهٔ برنامه‌هایمان هم خوب است خب خودتان هم قبول دارید که خوب و خوب‌تر دارد. آن خوب‌ترها را چیزهایی کنار قرار ندهید که مردم بروند سراغ آنها. ما که خیلی‌هایش را بد می‌دانیم اما شما می‌گویید خوب است. خب فرض کنید که یک خطبهٔ نماز جمعه‌ای را یک آقایی خوانده که خیلی می‌تواند تأثیرگذار باشد. آیا اگر در همان موقع شما فرصت بگذارید کنارش همان موقع یک برنامه‌ای به قول شما خوب ولی برنامه‌ای

خنده‌دار بگذارید کمی آن را گوش می‌دهد همه می‌گذارند آن طرف. ما بالاخره هرچه می‌توانیم به مسجدمان به برنامه‌های مسجدمان فقط و فقط برای خدای متعال نه برای جهات دیگر باید بپردازیم به روایت هم توجه کنیم که حتماً زیاد هم شنیدیم.

در کتاب ارشاد دیلمی هست: دو نفر پیش پیغمبر یاد شدند که یکی‌شان نماز می‌خواند و بعد از نماز می‌نشیند و به مردم خیر یاد می‌دهد. که اگر منظور امام جماعت باشد، نماز را می‌خواند نمی‌آید به منزل حتماً برنامه دارد که ۵ دقیقه، ۱۰ دقیقه، ۱۵ دقیقه برای همان چند نفری که می‌نشینند صحبت بکنند.

ولی آن یکی آن نماز می‌خواند روزه هم می‌گیرد ولی به مردم چیزی یاد نمی‌دهد. حلال و حرام را یاد نمی‌دهد. خیلی از مردم ما با توضیح المسائل آشنا نیستند ولی بالاخره باید هفته‌ای یک شب، دو شب همین توضیح را برایشان بخوانیم خیلی از چیزها را ممکن است حلال بودن و حرام بودنشان را توجه نداشته باشند حالا پیغمبر می‌فرماید: «**فضل الاول علی الثانی، کفضلی علی الانام**» کار اولی بر دومی فضیلت دارد چرا؟ چون دارد کار پیغمبری می‌کند. همان کاری که پیغمبر انجام می‌داد، انجام می‌دهد. نمازش را خوانده، به فکر این است که دین یاد مردم بدهد. عقاید یاد مردم بدهد، کارش کار پیغمبری است و کاری هم که برای خدا باشد، باید هم خیلی فضیلت داشته باشد. باید ما این‌ها را کم نگیریم. واقعاً بنده که عرض می‌کنم و شما که می‌شنوید این حرف‌ها را باور داشته باشیم که اگر یک ربع، نیم ساعت برای مردم که اطلاعات دینی‌شان زیاد نیست، بالاخره باسوادند امروز هر روحانی با مطالعات دو سال پیش و سه سال پیش و پنج سال پیش نمی‌تواند مردم را اداره کند، واقعاً هر شب قبل از اینکه در مورد چیزی صحبت کنیم یک ساعت، دو ساعت مطالعه کنیم. همین اواخر در یک جلسه‌ای یکی به خدمت رهبر معظم انقلاب عرض کرد، شما این نزدیکی‌ها یک وعده نماز جمعه شرکت کنید. حالا اگر من اشتباه نکنم، ایشان کارشان خیلی زیاد است. گفت من نماز جمعه شرکت می‌کنم. چند ساعت مطالعه می‌کنم تا یک خطبه

بخوانم. بعضی‌ها عادت کردند یک چیزهایی در حافظه دارند و همان چیزها را هر شب هر سال همان‌ها را بگویند و مردم هم اقبال کنند خب مردم هم اقبال نمی‌کنند تو این روایت چی بود؟ تو این مسجد یک آیهٔ محکم یاد بگیرد اگر آیهٔ محکم و متشابه نباشد عذر می‌خواهم من از منبر آقایان استفاده نکردم ولی از خیلی از منبرها راگوش دادیم یک سلسله متشابهات درست می‌شود و چهار تا پنج تا سؤال درست می‌کنند و باز من از رهبر معظم انقلاب نقل می‌کنم ایشان فرمودند در منزل ما کسی منبر رفت ایشان آمد پایین من جمع‌بندی کردم دیدم دو ، سه تا سؤال درست کرد و بی‌جواب از منبر آمد پایین. اگر سؤالی هست جواب می‌خواهد. اگر ما مطلب داریم آن‌قدر ما مطلب محکم و متقن داریم که دیگر نوبت به متشابهات نمی‌رسد. نوبت به چیزهای دیگر نمی‌رسد. روایت می‌گوید کسی که به مسجد می‌رود باید از محکمات استفاده بشود یعنی با یک آیه از آیات قرآن مجید، آن آیه که شبهه‌ای درش نباشد باید «**قد افلح المؤمنون**» با آیات بعدش «**الذینهم فی صلاتهم خاشعون والذینهم عن اللغو معرضون**» این‌ها را باید به مردم یاد بدهیم. این‌ها محکم است. برای دیندار که هیچی برای بی‌دین‌ها هم جاذبه دارد آنها هم که بشنوند جاذبه دارد. اگر برای مردم صحبت می‌کنیم سعی‌مان این باشد که مطالب محکم به مردم بگوییم بخصوص اگر مستمع جوان داریم. شاید به طرف خوبی می‌خواهد برود یا روایت خوبی می‌خواهد بخواند باید ۵ صفحه، ۱۰ صفحه، ۲۰ صفحه همین‌طور از کتاب کافی را ورق بزند بخواند تا یک روایتی را که محکم باشد بخواند، آموزنده‌تر باشد، اثرگذار باشد بتواند برای مردم بگوید ما که با هر اهل دلی روبرو شدیم که برنامهٔ درستی داشته و مطالعه می‌کرده خودش از مسجدش راضی بوده و می‌گفت من از مسجد راضی‌ام. من در یک سفری مشهد می‌رفتم تو هواپیما یکی از دوستان سابقم می‌گفت تو مسجد ما پر از جمعیت است. اصلاً جا کم می‌آوریم اصلاً در شبستان جا کم می‌آوریم گفت برنامه دارند برایشان. گفت برنامه قرآنی دارند. برنامه‌های دیگر جاذبه دارد. جوان‌ها می‌آیند. غیر از جوان‌ها می‌آیند. امروز روزی

است که اگر ما درست عمل کنیم که امیدوارم همهٔ شما این‌طور باشید مردم استقبال می‌کنند. نکردند. نکردند. چون کار ما بستگی به استقبال مردم ندارد. امام یاد ما داد ما باید انجام وظیفه کنیم. ما وظیفهٔ خودمان را انجام بدهیم. ما نماز صبح مسجد بخوانیم. ما نماز را به موقع مسجد برویم. برنامه‌ها را تنظیم بکنیم، با جوان‌ها که مسجد می‌آیند اگر نقاط ضعفی دارند اگر کمبودهایی دارند بد اخلاقی نکنیم. باهاشون بتوانیم برخورد خوب داشته باشیم. حتماً استقبال می‌کنند، استقبال هم نکردند وظیفهٔ خودمان را انجام دادیم. برای خدا باید کارمان را انجام بدهیم و کار اگر با اخلاص انجام شد اثر هم دارد. خودتان هم حتماً تجربه کردید هرجا کار با اخلاص انجام می‌دهید خدای متعال کار با اخلاص را مؤثر قرار می‌دهد اگر کلام باشد، کلام نافذ می‌شود. اگر نوشته باشد، نوشته نافذ می‌شود. جملهٔ آخری که عرض می‌کنم چقدر ما شنیدیم که کتابهای مرحوم آقا شیخ عباس چرا این‌قدر چاپ می‌شود بحث مفاتیح تنها نیست. هر کتابی که دست می‌گذاریم منتهی الآمال ایشان چاپ‌هایی متعدد، ویراستاری‌های متعدد، تألیف شده، عربی شده. چاپ شده، خلاصه شده، تقسیم شده، تقسیم بندی، یک ناشر، دو ناشر، سه ناشر، مرتب چاپ می‌کنند. مگر این کتاب چی است. چرا کتاب‌های ایشان. همه می‌گویند برای اخلاصش است. این داستان را ما شنیدیم همین الآن هم برای تنبه خودم و شما عزیزان عرض می‌کنم. می‌گویند وقتی مفاتیح چاپ شد مورد استقبال قرار گرفت. ولی متأسفانه تعدادی غلط داشت. یک ناشری خدمت آقا شیخ عباس رسید. گفت کتاب مورد استقبال قرار گرفته، مصلحت نیست این‌طوری چاپ شود. خوب است که هم شکیل‌تر و هم صحیح چاپ شود. ایشان استقبال کرد. گفت کار بسیار خوبی است و آن کتابی که مردم می‌خواهند استفاده کنند آن هم دعا. گفت ضمناً معلوم می‌شود که تیراژ چقدر داشته، چقدر چاپ کردند. حق شما معلوم می‌شود. چقدر می‌شود. الان هرچی می‌خواهند چاپ می‌کنند. معلوم هم نیست. می‌گویند تا این جمله را شنید گفت نه. نه من نمی‌خواهم بگذار همانجوری که هست هر کی می‌خواهد چاپ کند. هرطوری که

می‌خواهد. ببینید حق التألیف گرفتن کار درستی است. کار حرامی که نیست. کار جائزی است. این یک حقی است ولی خب اخلاص این‌جوری که کسی یک عمری حدیث بنویسد، عربی بنویسد، فارسی بنویسد، هیچ توقعی نداشته باشد، فقط برای خدا یک کسی واقعاً مسجد می‌رود می‌رود و می‌آید واقعاً برای مردم خدمت می‌کند. صندوق قرض‌الحسنه، و... درست می‌کند فقط و فقط نظرش خداست. زندگی‌اش اداره می‌شود. زندگی آقا شیخ عباس اداره شد مگر ایشان از گرسنگی مرده، بالاخره ایشان هم زندگی‌اش را داشته ولی می‌گویند اگر اخلاص داشته باشی خداوند متعال به کارتان اثر می‌گذارد. امیدوارم همه‌ما این‌طور باشیم، از همهٔ شما عزیزان عذرخواهی می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین خاتمی
در همایش ائمه جماعات شهرستان کرج

السلام علیکم و رحمة الله. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین. والصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد. صلی اللّه علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و لعنةاللّه علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین.

تسلیت عرض می‌کنم شهادت جانگداز هفتمین خورشید پر فروغ امامت حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام را محضر شما سفیران نور شما عالمان دین که هرکجا که حاضرید آنجا دین حاضر است. بحثی که مناسب دیدم در این جمع به مناسبت این ایام محضرتان تقدیم کنم آسیب‌شناسی دینی از نگاه امام کاظم علیه‌السلام است. ندیدم این بحث جایی مطرح شده باشد مسجد کانون دین است و عالمان دینی سخن‌گویان دین. جا دارد که در این عرصه بیندیشیم که چه چیزی به دین آسیب می‌رساند. که حفظ هرکالای نفیسی بخشی از آن مربوط به آسیب‌زدایی است. هرکالای نفیس اگر آسیب‌زدایی نشود. همان آسیب‌ها از بینش خواهد برد. بحث را با مقدماتی مطرح کنم تا برسم به آسیب‌شناسی.

۱ ـ جایگاه دین چیست؟ نفیس‌ترین و ارزشمندترین سرمایهٔ انسان دین است. با دین آدم معنا پیدا می‌کند منهای دین پوچ و پوک است. لذا خداوند نعمت بعثت را بالاترین نعمت می‌داند: ﴿**لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً**﴾. خداوند نعمت عظیمی به مردم داد. با دین آدم هویت پیدا می‌کند سلام خدا بر مولا علی که هرچه می‌گوید

اعطای در کلام است در غرر هست که فرمود **الدین اشرف النسبین**. یعنی آدم دو هویت دارد یکی هویت شناسنامه‌ای، هویت شناسنامه‌ای را آدم می‌داند چی قلم می‌زند پدر، مادر اما هویت اصلی آدم دین اوست. و آن اشرف النسبین است. در کلامی که علامه مجلسی در بحار صفحه ۴۱۸ نقل کرده مولا فرمود:

«**لا حیاة الا بالدین**».

اصلاً زندگی با دین معنا پیدا می‌کند.

﴿ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیکُمْ﴾.

در کلام دیگر مولا فرمود: دین بستر عزت انسان را فراهم می‌کند. خدا وقتی بخواهد فردی را عزیزش کند، خیر برساند. جامعه‌ای را به عزت برساند، آن فرد و جامعه را به سمت دین سوق می‌کند. توفیق دین و دین‌مداری را فراهم می‌کند. فرمود: خداوند وقتی کسی را بخواهد برگزیند دیانت را به او الهام می‌کند. بنابراین دین نعمت است و بالاترین نعمت.

۲ ـ باید از این نعمت از این کالای عزیز: ـ خلاف است که تعبیر به کالا می‌کنیم ـ از این کالای نفیس باید با عمق جان پاسداری کرد. روایت زیبایی است از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در کتاب شریف اصول کافی جلد ۲ ، صفحه ۲۱۶ فرمود:

«وقتی گرفتاری پیش آمد مال‌تان را فدای جانتان کنید».

طبیعی است و **واذا حضرت نازلة فاجعلوا انفسکم دون دینکم**. اگر حادثه‌ای پیش آمد که یا باید جان بدهی یا دین. جان بده دین نده. جانتان را فدای دین‌تان کنید. و نابود شده آن کسی است که دینش از بین رفته باشد و غارت زده آن کس است که دینش به غارت برود. پس پاسداری از دین وظیفهٔ تمام کسانی است که عشق به دین دارند.

۳ ـ پاسداری از هر چیزی دو بخش دارد. بخشی از آن اقدامات ایجابی است. بذر را باید بیفشاند، آبیاری مناسب صورت بگیرد تا این بذر به بار بنشیند. بخشی از اقدامات هم اقدامات سلبی است. باید سمپاشی کنند درخت را باید حرس کنند. باید آفات را بزدایند،

علف‌های هرزه را بزدایند تا این درخت، این بذر، این نهال به بار بنشیند. بنابراین نمی‌توان به صرف تبیین دین قانع بود.

باید آسیب‌ها را هم شناخت. با آسیب‌ها مقابله کرد تا دین بصورت شفاف و آن چنان که هست مطرح شود و ما بر این باور هستیم اگر دین بصورت شفاف و آن چنان که هست مطرح شود با شفافیتی که وجود مقدس خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله عرضه کرده‌اند به گونه‌ای که اهل‌بیت مطرح کرده‌اند اگر مطرح شود تمام دل‌ها را عین آدم ربابه طرف خودش می‌کشد.

«ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا».

«اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بفهمند مطیع ما خواهند شد».

با این دو مقدمه. می‌خواهم وارد سومین مقدمه بشوم.

آسیب‌ها چیست؟

اولین آسیب از نگاه آقا امام کاظم صلوات اللّه و سلامه علیه. ورود جاهلانه در دین است. ورود جاهلانه در دین یعنی ۱ ـ عمل به غیر علم.

عمل به غیر علم یعنی این‌که انسان نمی‌داند دین چه می‌گوید با سلیقهٔ خودش یک چیزی را دین تلقی کند وجود مقدس نبی اکرم فرمود کسی که ورود غیرعالمانه در کار داشته باشد فسادش بیش از صلاحش است.[۱]

در یک روایت دیگر مولا علی می‌فرماید:

«ایاکم و الجهال من المتعبدین».

«بپرهیزید از عبادت گران جاهل».

---

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۸.

آنهایی که پیش خودشان برای چیزی فضیلت خلق می‌کنند و دیگران را هم به این سمت و سو می‌کشانند. والفجار من العلماء بترسید از عالم بی‌دین.

امام راحل عظیم‌الشأن در سخنی فرمود:

«من عالم فاسد را از هر ساواکی بدتر می‌دانم. چون به نام دین به کام شیطان».

خوب عمل به غیر علم مصداق ورود جاهلانه در دین است. عرض می‌کنم محضر شما بدتر از این ۲ ـ قول به غیر علم است. چرا؟ چون قول به غیر علم اغواگری هم هست.

توش اضلال و گمراهی هم هست. وجود مقدس امام کاظم از پدران بزرگوارش از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

«**من افتی به غیر علم لعنته ملائکة السماء و ملائکة الارض**».

«آن کس که فتوای غیرعالمانه بدهد ملائکه آسمان و ملائکه زمین لعنتش می‌کنند».

این‌گونه تعابیر معنایش این است بطور کلی از رحمت خدا دور می‌شود.

به خاطر این‌که ملائکه واسطهٔ فیضند. والمدبرات امراً. از کانال آنهاست که رحمت الهی می‌رسد. کسی که با دین بازی می‌کند در حقیقت این از رحمت خدا دور می‌شود عاقبت بدی هم دارد. عاقبت بد. آن کس که حریم دین را نگه نمی‌دارد. بحارالانوار جلد ۲ ، صفحه ۱۲۲. یک روایت زیبای دیگری از امام کاظم دیدم خیلی تازه بود برای من امام کاظم علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که **اتقوا تکذیب اللّه** بپرهیزید از این‌که خدا به شما بگوید دروغ می‌گویی.

«**قیل یا رسول اللّه و کیف ذاك**».

«چطور می‌شود که خدا آدم را تکذیب می‌کند».

«**قال یقول احدکم قال اللّه فیقول اللّه عزوجل کذبت**».

می‌گوید خدا فرموده خدا می‌گوید من کی گفتم. من نگفتم. «**و یقول لم یقل اللّـه**» یک جـایی هـم تکـذیب مـی‌کند مـی‌گوید خـدا نگـفته. فـیقول عـزوجل کـذبت قـلته. از کجا می‌دانی من نگفتم دروغ می‌گویی من گفتمش.

این قول به غیر علم آفت دین است.

بیشترین آفت‌هایی که ما امروز در عرصهٔ ورود خرافات به حوزهٔ دین داریم از کانال همین کسانی است که قول به غیرعلم دارند. جاهلانه یک مطلب ضـعیفی را از یک جـایی دیده. بی‌مهابا نقل می‌کند بدتر از آن می‌سازد و می‌گوید. حالا گاهی وقت‌ها یکی یک چیز ضـعیفی را تـوی یک کـتاب ضـعیفی دیـده. بـدتر از ایـن است کـه خـودش مـی‌سازد. این از مصادیق بسیار بارز قول بـه غـیرعلم و مشـمول لعـنت مـلائکه سـماء و زمـین است. لذا شما افاضل، بـزرگان، سـفیران نـور و بـنده‌ای کـه افـتخار مـی‌کنم در ایـن لبـاس هسـتم و همراه شما عزیزان باید سخت مراقب باشیم. نه تنها در ماه رمضان. که دروغ بستن بر خدا و پیغمبر حرام است. همیشه مراقب باشیم گفتار عالمانه باشد. این نیاز به تفقه در دین دارد. تفقه در دین اما اجتهاداً و اما تقلیداً تاچیزی برای ما روشن و ثابت نشده که جزو دین است نگوییم. سورهٔ توبه آیه ۱۲۲ آیه نفر.

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾.

اول تفقه است. اول دین‌پژوه بشوند دین آشنا بشوند بـعد **لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم**. سورهٔ یوسف آیه ۱۰۸ **قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بصیرة انا و من اتبعنی**.

با بصیرت مردم را به سوی ذات مقدس ربوبی می‌خوانم خـودم را و هـمراهـانم را. ولی علی علیه‌السلام در غرر فرمود: پاسداران دین آنها هستند که دین خدا را اقامه می‌کنند و احاطه بر مجموع دین دارند. احاطه بر مجموع دین بـا خـوانـدن کـتاب فـارسی بـدست نـمی‌آید. با خواندن عربی آسان و صرف ساده تنها بدست نمی‌آید. احاطهٔ در مجموع دین حداقـل، اقل ۲۰ سال مدام تحصیل حوزه‌ای لازم دارد که یک دوره فقه را ببیند یک دوره اصول را ببیند یک دوره فلسفه را ببیند. یک دوره رجال را ببیند یک دوره حدیث را ببیند تا احاطه از جمیع جوانب داشته باشد. وجود مقدس خاتم الانبیاء محمد مصطفی فرمود:

«ان دین اللّه لم یرسله الامن احاطه من جمیع الجوانب».

«کسانی می‌توانند حامی دین باشند که احاطهٔ بر دین داشته باشند از جمیع جوانب».

بنده به سهم خودم به عنوان طلبه‌ای که کار اصلی‌ام را تدریس می‌دانم خطابه در حاشیهٔ کار بنده است. این‌که مداح یا سخنران بشود. این رشد است مداحان عزیز محترمند نمک مجالس دینی هستند قدرشان را ما می‌دانیم اما باید هر چیزی در جای خودش باشد. عالم دینی، خطیب باید عهده‌دار تبیین دین باشد. مداح اهل‌بیت مدح اهل‌بیت را بخواند. روضهٔ اهل‌بیت را بخواند. روضهٔ درست اهل‌بیت را بخواند. هر چیزی در جای خودش. چند بار گفتم این را باز هم می‌گویم چون خطر را همچنان احساس می‌کنم در حوزهٔ تبلیغ بانوان، خانم‌های تحصیل کردهٔ حوزه می‌توانند سخنران خوبی باشند چون آنها هم مثل آقایان فقه دیدند اصول دیدند تفسیر دیدند اما خانم جلسه‌ای بی‌سواد که یک روز بحث‌های طلبگی را نخوانده نمی‌تواند سخنگوی دین باشد. قدم به قدمش قول به غیر علم است. رفتم دیدن یکی از مراجع بزرگ. اون مرجع بزرگوار گفت خانمم شرکت کرده در یکی از این مجالس روضه‌های زنانه آن خانم جلسه‌ای گفته است که بعد از شهادت سیدالشهداء دیگر ما حق نداریم لباس روشن بپوشیم حتی برای شوهرهایمان. خوب این دروغ فقط از فکر یک خانم جلسه‌ای بی‌سواد در می‌آید. و الا اگر سوادی باشد این حرف‌ها نیست. اگر فضل علمی باشد در دین مطالب سست و بی‌مایه نیست. این حرف که شب اول ربیع یا شب اول ماه شوال کسی برود درب چند تا مسجد را بزند آب بپاشد شمع روشن کند حاجاتش مستجاب می‌شود این جز در چرتهٔ بی‌سوادهای خانم جلسه‌ای‌ها نیست. بنده عرضم این است که دین گوهر قیمتی است در این عرصه باید افرادی وارد شوند که قول به علم داشته باشند به خودم سفارش کردم و بارها هم سفارش می‌کنم یکی از بزرگان می‌گفت من اگر سوره قل هو اللّه را هم اگر بخواهم بخوانم باید مطالعه کنم. بدون مطالعه من حرف نمی‌زنم. چرا بی‌مطالعه حرف می‌زنیم. کوثر قرآن را داریم کوثر روایات عترت صلوات اللّه علیهم اجمعین را داریم. مردم ما مردم فهیمی هستند. ببینید خطیبی مطالعه کرده حرف می‌زند استقبال می‌کنند

از خطابه‌اش. گاهی وقت‌ها برخی از ماها انتظار داریم بی‌محتوا سخن بگوییم. بی‌مایه سخن بگوییم بدون مطالعه سخن بگوییم مردم هم استقبال کنند. این نمی‌شود این اجتماع نقیضین است. تمرین خطابه خوب است. ما طلبه‌ایم. طلبه‌ای رفت پیش آقای فلسفی برای تمرین خطابهٔ برنامه ایشان هم این بود که ۱۰ دقیقه کسی صحبت می‌کرد و توی این ۱۰ دقیقه هم باید خطبه می‌خواند هم حدیث می‌خواند هم ذکر مصیبت می‌کرد می‌آمد پایین. بنده ۲ سال افتخار شاگردی این درس خطابهٔ آقای فلسفی مرحوم را دارم. طلبه‌ای رفت منبر اولش یک حرف نامربوطی گفت. آقای فلسفی بهش گفت بیا پایین معلوم می‌شود تو به درد خطابه نمی‌خوری. آن آقای طلبه برگشت گفت آقای فلسفی من یک چیزی می‌خواهم بگویم خواهش می‌کنم شما مرا دعوا نکنید. گفت بگو. گفت آقای فلسفی راز اینکه من این‌طوری وارد شدم دلیلش این است ۱۰ سال است لای کتاب را باز نکردم. آقای فلسفی آمپرش رفت بالا. گفت واللّه تو به خدا خیانت کردی. تو به پیغمبر خیانت کردی. تو به امیرالمؤمنین خیانت کردی. تو به عالم خطابه خیانت می‌کنی. ۱۰ سال است که لای کتاب را باز نکردی خوب معلوم است منبر می‌شود بی‌محتوا. جوان‌ها استقبال نمی‌کنند بعد هم می‌گوید استقبال جوان‌ها کم شده. استقبال جوان‌ها و مردم هیچ کم نشده. اگر ما آگاهی به علم الهی داشته باشیم، استقبال همچنان هست. پس اولین آسیب قول به غیر علم، عمل به غیر علم. یا ورود جاهلانه در عرصهٔ دین است.

۲ ـ تحمیل سلیقهٔ خود بر دین. دین یک واقعیتی است که اصول و فروعش را وجود مقدس خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و فرزندان معصومش آوردند.

دین را باید آن‌گونه که آنها ترسیم کردند ترسیم کنیم. نه آن‌گونه که خود می‌خواهیم یا دیگران می‌خواهند این هردو آفت است اگر دین را آن‌گونه ترسیم کنیم که خود می‌خواهیم دین سر از قیاس درمی‌آورد سر از استحسان در می‌آورد. سر از قول به رای در می‌آورد. سر از بدعت درمی‌آورد. و سر از آفات دیگری که اهل‌بیت فرمودند.

و یا بخواهیم سلیقه‌های دیگران را تحمیل کنیم. آیاتی که در قرآن کریم این مضمون را دارد. که اتباع هوا نداشته باشید. من معتقدم بخشی از اتباع هوا همین است که ما در تبیین

دین سلیقهٔ خودمان را و یا سلیقهٔ دیگران را برای اینکه منبر ما بگیرد بیائیم سلیقهٔ دیگران را ولو غلط هم هست بر دین تحمیل کنیم. سوره قصص آیه ۵۰:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنْ اللهِ﴾.

به اعتبار هوی سوره ص آیه ۲۶:

﴿وَلَا تَتَّبِعْ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ﴾.

این یعنی همین تحمیل سلیقه. از مصادیقش همین است نمی‌گویم تنها مصداق.

﴿وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾.

استقامت در دین داشته باشد اونها هر روز یک پیشنهاد برای شما می‌آورند یک قرآنی غیر از این بیار این قرآن شما به بتها بدگفته ما یک قرآنی می‌خواهیم که خیلی به بتها بد نگوید. تبدیل کن این قرآن را.

پیامبر ما گوش به این حرف‌ها نده. اتباع هوای اسمش قیاس است. که حضرت امام کاظم علیه‌السلام در چند روایت به شدت نکوهش می‌کند راوی می‌گوید که به امام کاظم گفتم آقا کسانی هستند از اصحابتان شرفیاب حضور پدرتان شدند یا حضور جدتان شدند. مطالب و معارفی از آنها گرفتند و گاهی یک مسئله پیش می‌آید این‌ها نمی‌دانند نظر باباتون چیه؟ نظر جدتان چیه؟ نظر شما چیه؟ آیا شما اجازه می‌دهید که «**ان یاخذوا بالقیاس**» یعنی با سلیقهٔ خودشان جواب بدهند.

قال **لا** بدبختی پیشینیان همین بود که قیاس کردند. «**و قلت لکم لم تقول ذلك**». چطور می‌فرمایید بدبختی پیشینیان این بود «**فقال انه لیس شی الا و قد جاء بالکتاب و السنة**». در کتاب و سنت هرچی بخواهید هست تا روز قیامت این کتاب میل‌های جان بشریت را سیر می‌کند منتها گفت:

چو بشنوی سخن اهل دل نگو که خطاست سخن‌شناس نئی جان من خطا اینجاست

اسلام را نمی‌فهمد می‌گوید اسلام نظام سیاسی ندارد. اسلام را نمی‌فهمد می‌گوید من و حزب من می‌گوید که اسلام نظام اقتصادی ندارد. اسلام را نمی‌فهمد می‌گوید به نظر ما اسلام با لیبرالیسم سازگار است. لیبرالیستی که مبنایش الحاد است. مبناش ضدیت با ذات

مقدس ربوبی و آزادی و ولنگاری است کسی که نمی‌داند اسلام چیست؟ این‌چنین قضاوت‌های جاهلانه می‌کند. فرمود هرچی بخواهی در این کتاب و سنت است. این استنتاجش، استنباطش با مجتهدین است. با فقها است. بنابراین قیاس نوعی تحمیل سلیقه بر دین است. بدتر از آن این است که آدم دین را بخاطر سلیقهٔ دیگران تحریف کند. فرمود بدبخت کسی است که جهنمی بشود و بدبخت‌تر از آن کسی است که بخاطر دنیای دیگران خودش را جهنمی کند. قرار نیست که هر پیشنهادی که شد بگوییم پیشنهاد درستی است. هر حرفی که زده شد بگوییم حرف درستی است. همهٔ پیشنهادها را باید عرضه برقرآن کنیم عرضه بر روایات عترت سلام اللّه علیهم اجمعین کنیم. برای ما روشن‌گری مهم است. برای ما مهم نباشد که منبر ما بگیرد. حالا می‌خواهد منبر بگیرد می‌خواهد نگیرد. بنده باید این مبنای همراهی دین و سیاست را بدانم. مثال فرض می‌کنم شما احساس کردی کسانی دارند دم از سکولاریسم می‌زنند تشخیص دادی برای مقابله با این باید بطور مبنایی همراهی دین و سیاست را داشته باشی خوب ممکن است یک عده بگویند بابا این دین همش سیاسی است. بگویند قرار نیست که با هر نقدی ما میدان را خالی کنیم. به عبارت دیگر خیلی فرق است بین این‌که مردم چه می‌خواهند و بین این‌که چه باید بخواهند. اما در عرصهٔ چه می‌خواهند آنچه که حلال است مشروع است با آغوش باز استقبال می‌کنند اما ما نباید فقط توی این محدوده باشیم. برای اینکه دنبال چه باید بخواهند هستیم. طبیعی است شما اگر منبر بروید صدای خوبی هم داشته باشید اول منبر با صدا وارد شوی بعد هم چند تا قصه بگویی چند تا خواب نقل کنی و خواب‌های عجیب و غریب نقل کنی. اگر سلیقه هم داشته باشی بتوانی جک بگویی مردم را هم بخندانی دوبله و سوبله می‌گیرد. اما واقعاً آیا وظیفه ما اینست؟ یک کاری کنیم که منبر ما بگیرد. وظیفهٔ ما تبیین دین است. اگرچه استقبال کمی بشود. پای منبر شهید آیةاللّه مطهری قبل از انقلاب چند نفر استقبال می‌شد. حتی اول انقلاب یادم هست یک طلبه‌ای آمد گفت فلانی کار روحانیت تمام است. گفتم چی شده؟ گفت رفتم پای سخنرانی آقای مطهری دیدم که ۲۰۰ نفر بیشتر نیامدند اما بیا ببین پای سخنرانی بنی‌صدر سر و کله می‌شکنند. انبوه جمعیت همان روز به او گفتم مطهری می‌ماند. بنی‌صدر می‌رود. مطهری می‌ماند چرا؟ چون خمیرمایه فرمایشات آقای مطهری قرآن بود. سنت بود و مبانی

دینی بود و سال به سال هم الآن هم که حدود ۲۷ سال از ارتحالشان گذشته سال به سال هنوز کتاب جدید هنوز نوشته جدید از آثار مطهری منتشر می‌شود.

این روایت قشنگ را از امام صادق علیه السلام بشنوید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«**من دخل فی الدین بالرجال اخرجه منه الرجال کما ادخله فیه**».

خیلی روایت جالبی است. کسی که سست وارد دین بشود با حرف این و آن وارد دین بشود از دین بیرونش می‌برند آنچنان که وارد دینش کردند.

«**و من دخل فیه بالکتاب و السنة زالت الجبال قبل ان تزول**».

فرمود اما کسی که با مبنا وارد شد. معیار بدستش دادیم. کوه‌ها اگر از جا کنده شود اما دینش آسیب نخواهد دید. بنابراین نه سلیقهٔ خودمان را بر دین تحمیل کنیم و نه حامل سلیقهٔ دیگران باشیم. قرآن و سنت، دین آن چنان که هست مطرح بشود جذابیت خودش را خواهد داشت.

۳ـ سومین آسیب از نگاه امام کاظم علیه السلام جسورانه وارد دین شدن است و بی‌تقوا عمل کردن. در روایاتی که در باب احتیاط رسائل و کفایه هم دیدیم راوی سئوال می‌کند دو نفر با همدیگر در حج صیدی را زدند کفاره بر کدام‌شان واجب است بر یکی؟ فرمود: هر دو باید کفاره بدهند. بعد گفتم آقا: از من پرسیدند من نمی‌دانستم چی باید جواب بدهم. فرمود: هر وقت مسئله‌ای را ندانستی جسورانه وارد نشو. احتیاط کنید تا بعد بپرسید و مسئله را بفهمید.

در یک روایت دیگری امام کاظم علیه السلام فرمود: ما دو احتیاط داریم. یکی احتیاط منفی، آن احتیاطی است که سبب اختلال نظام زندگی است. اگر در یک جایی سبب اختلال در نظام زندگی شد این احتیاط مطلوب نیست. اما یک احتیاطی هم داریم مطلوب. احتیاط مطلوب کدام است.

«**علم عند الشرع**» مسئله‌ای را که نمی‌دانیم چه در عرصهٔ فقهی چه در عرصهٔ اعتقادی بیان نکنیم. حرفی را که نمی‌دانیم آیا واقعیت دارد یا ندارد نقل نکنیم. بعضی‌ها این‌طوری نقل می‌کنند که واللّه ما شنیدیم فلان کس گفت فلان را دیو نقل کرد. این را نمی‌دانم راست

بود، دروغ بود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: در دروغ‌گویی آدم همین بس که هرچه شنیده بیاید بگوید. خود این نوعی دروغ‌گویی. نوعی شایعه‌پراکنی است که دروغ است عندالشبه را محدود نکنیم به لقمه حرام. لقمه مشتبه گفتار مشتبه شرکت در جلسه مشتبه گاهی وقت‌ها نمی‌دانیم که این مجلس با چه انگیزه‌ای برپا شده حتی مجلس فاتحه.

یک فاسق فاجری از دنیا رفته برای این‌که اطرافیانش آدم رو تحویل بگیرند آدم برود آبروی روحانیش را خرج کند این غلط است. این عندالشبه است. احتیاط مطلوب است. پس جسورانه و بی‌پروا وارد شدن یکی از آسیب‌ها است.

۴ ـ ورود افراد غیرصالح در عرصهٔ دفاع از دین. ببین آقا جون همه عقیده دارند همهٔ متدینین‌اند می‌خواهند به زعم خودشان دفاع از دین بکنند این انگیزه انگیزهٔ مقدسی است. منتها ما دو جور دفاع داریم. یکی دفاع خوب دفاع منطقی دفاع استدلالی از دین. این دفاع خوب است. اما نوع دوم دفاع دفاع بد است. بد دفاع کردن بهترین شیوه خراب کردن است. می‌گویند اگر شما می‌خواهی کسی را خراب کنی لازم نیست ازش بد بگویی بد دفاع کن. تفسیر به رأی چرا حرام است. چون چهرهٔ قرآن را بد جلوه می‌دهد. چرا امامان غلات را لعنت کردند. غلات را منزوی کنید چرا چون غلات می‌گفتند امام صادق خداست. امام کاظم، امام رضا خدا هستند. این چهرهٔ امام صادق خراب می‌شد لذا است که در کلمات معصومین تندترین هجمه‌ها مربوط به غلات است. آمدند گفتند یا علی السلام علیک یا ربنا. امیرالمؤمنین فرمود: من رب شما نیستم توبه کنید دوباره گفتند السلام علیک یا ربنا. دفعه سوم فرمود. دفعه چهارم بگویید اعدام‌تان می‌کنم و گفتند و مولا اعدام‌شان کرد. به اشد اعدامات سوزاندان مرحوم مجلسی در بحار جلد ۲۸ ، این را نقل کرده. بنابراین حوزه دفاع از دین کار هرکسی نیست.

ابوسالم کابلی می‌گوید که آمدم وارد مسجد پیغمبر شدم دیدم محمد بن علی که تخصص ویژه‌ای در مناظره داشت مسیانداری می‌کند. سئوال می‌کند جواب می‌دهد. مردم اطرافش راگرفتند. آمدم توی گوشش گفتم بابا جون **ان اباعبداللّه نهانا عن ذلك** امام صادق به ماگفته بحث نکنید به من گفت **اَوَ اَمَرَك ان تقول لی**.

پیغام آوردی. گفتم: نه. به من گفت بحث نکن. آمدم پیش امام صادق گفتم آقا به من شما می‌گویی بحث نکن. بیا ببین مؤمن طاق چه معرکه‌ای گرفته. فرمود فرق است بین تو و مؤمن الطاق.

مؤمن الطاق از عهدهٔ بحث برمی‌آید اما اگر بال و پر تو روی بحث بنشیند نمی‌توانی پرواز کنی نمی‌توانی از پس جواب بر بیایی. او باید بحث کند. تو بحث نکن. امام به حمزة بن طیار اجازه فرمود که بحث کند. به هشام بن حکم اجازهٔ بحث داد. در روایتی از آقا امام کاظم علیه‌السلام هست که آقا امام کاظم به محمد بن حکیم که اهل بحث بود دستور داد: بنشیند و مناظره کند. بحث کند به دیگران چنین اجازه‌ای را نفرمود.

شما عزیزان باید به نماز جماعت برسید. بیشتر از این وقت شما را نمی‌گیرم. عرض می‌کنم که روز شهادت امام کاظم علیه‌السلام بهترین کسانی که باید مجلس عزای فرزند فاطمه‌این زندانی مظلوم رابرپاکند این‌شما علماهستید. **السلام علی المعذب فی قعر السجون.**

من در این کنج قفس غوغای محشر می‌کنم — پیروی از مکتب زهرای اطهر می‌کنم
کاخ استبداد را بر فرق هارون زمان — واژگون با نعرهٔ اللّه اکبر می‌کنم
گرچه در قید غل و زنجیر می‌باشم ولی — استقامت در بر دشمن چو حیدر می‌کنم
تا زند سیلی به رویم سیلی از راه ستم — یاد سیلی خوردن خاتون محشر می‌کنم
گر ز پا و گردن مجروح من خون می‌چکد — یاد میخ و سینهٔ مجروح مادر می‌کنم

ولی یک تفاوت بین میخ و سینهٔ مجروح مادر و گردن و پای مجروح امام کاظم علیه‌السلام هست. اونجا دیگه بچه‌ها نبودند ببینند دختر نبود پسر نبود. اما فاطمه جان فدای مظلومیت. مجلس مجلس اهل فضل است. اجازه بدهید به همین یک بیت اکتفاکنم. نگویید فاطمه رابین در و دیوار قرار ندادیم. شاهد می‌خواهید. از در بپرسید و الجدار از دیوار بپرسید. والدماء از خون‌های بر زمین ریخته بپرسید. شهود صدق ما به ختام. السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرسالة و مختلف الملائکه و رحمةاللّه و برکاته.

سخنرانی حضرت آیةالله العظمی سبحانی تبریزی دامت‌برکاته در همایش هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد در جمع ائمه جماعات

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و علی آله الطیبین الطاهرین الهداة المهدیین لاسیما ناموس الدهر الحجة ابن الحسن العسکری عجل اللّه تعالی فرجه.

قال الحکیم فی محکم کتابه الکریم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللهَ فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ الْمُهْتَدِينَ﴾.

برای من مایهٔ خوشبختی و سرفرازی است که در این مجلس اولاً دوستان قدیمی خود را می‌بینم. عزیزان را زیارت می‌کنم. شخصیت‌های علمی، شخصیت‌های که خدمتگزار به اسلامند. و در این مجمع خدمتگزارند و سالیان درازی بود که این چهره‌ها را زیارت نمی‌کردم ولی حالا در این مجمع می‌بینم. آن هم در جهت یک هدف مقدس به نام مساجد.

این همایش و اجتماع به عنوان هفتهٔ جهانی مساجد است. تبعاً باید موضوع مسجد و مسجدی باشد. در قرآن مجید کلمهٔ مسجد با اختلاف در اعراب ۲۱ بار آمده است. به صورت جمع مساجد ۶ بار آمده است. از اینکه این کلمه تکرار شده پیداست که اهمیت دارد. موضوع مهمی است و قرآن به آن عنایت دارد.

مسجد در قرآن احکامی دارد و من دو حکمش را بیان می‌کنم. بعداً می‌رسیم به مسائل اجتماعی مساجد. اولین حکمی که از قرآن دربارهٔ مسجد استفاده می‌کنیم بانیان مسجد، تعمیرگران مسجد حتماً باید نیت پاکی داشته باشند. تنها عمل پاک کافی نیست. باید سرچشمهٔ عمل که نیت است پاکتر باشد. در جهان غرب اگر بخواهند یک نفر را تعریف کنند به عملش می‌نگرند فقط. فلانی مثلاً کلیسا ساخته، بیمارستان ساخته، مثلاً یتیم‌خانه‌ای را اداره می‌کند، فقط به عمل می‌نگرند وعده می‌دهند که بسا در انتخابات هم برنده باشد. ولی در مکتب اسلام، عمل کافی نیست که یک عمل اگر زیباست کافی نیست. باید روح عمل هم سرچشمهٔ عمل هم که نیت است آن هم پاک باشد. اگر نیت الهی شد، این عمل به ظاهر زیبا این ارزش دارد. در سورهٔ مبارکه توبه دو آیه است که نشان می‌دهد سرچشمهٔ عمل هم باید پاک باشد.

﴿ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾.

افراد مشرک ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها حق ندارند مسجدالحرام را تعمیر کنند و در میان عرب وجهه ایجاد کنند. چرا عمل این‌ها ولو از نظر ظاهر زیباست اما نیت آلوده است. این‌ها مشرکند و برای صاحب این خانه احترام قائل نیستند. به جای پرستش حق، مخلوق را می‌پرستند. سلب حق می‌کنند.

قرآن از جمعیت ناپاکی که بخواهند با نیت‌های ناپاک عمل خوبی انجام بدهند و ثمره‌های دنیوی بگیرند این حق را سلب می‌کنند چنین حقی برای آنان نیست. «**ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجداللّه**». شأنشان نیست. حق ندارند. چرا این‌ها **شاهدین علی انفسهم بالکفر**، از این طرف بت‌پرستند، خدا را فراموش کرده‌اند. از این طرف برای خدای فراموش شده خانه می‌سازند. این عمل بی‌ارزش است.

بعد این حق را به گروه دوم می‌دهد. برای حصر است از گروه اول که نیت ناپاک است سلب حق کرد. حق را به گروه دوم می‌دهد. **انما یعمر مساجد اللّه** چه کسانی **من ءامن باللّه والیوم الاخر**.

عقیدهٔ آنها پاک باشد. از نظر عمل هم محقق عقیده باشد. **اقام الصلاة، اتوالزکوة**. بر این هم اکتفا نمی‌کند «**ولم یخش الا اللّه**» فقط از خدای منان بترسد غیرخدا در نظر او هیچ باشد. مع الوصف. «**فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین**». چه بسا ممکن است این افراد در نسب بلغزند، گرفتار آلودگی‌ها بشوند. صددرصد هم آیندهٔ این‌ها ارثی نیست. این مهم است. این یک حق در قرآن برای مساجد.

حق دیگری که قرآن دربارهٔ مساجد مطرح می‌کند مسئله مسجد قباست:

﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ﴾.[1]

از این استفاده می‌شود که مسجد در تمام دوران حتی در عصر پیغمبر اکرم، شمشیر دولبه بوده است. ممکن بود از همین مسجد دشمنان مسجد سوء استفاده کنند. مسجد ضرار بنای مسجد و بنای خانهٔ خدا بر ضد خدا اتفاق بیفتد و لذا دو مسجد هست. مسجد ضرار است:

﴿ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾.

مسجد دیگر هم «**لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم**». نباید که به مسجد نگریست. باید به محتوای مسجد هم نگریست. کما این‌که یک مسجد محتوایش توحید است، عدل است، معاد است، تحقیق است، احکام است، کتاب است. مسجد اسس علی التقوی.

---

۱. توبه: ۱۰۸.

یا خیر نامش مسجد اما ممکن است گلوگاه باشد برای دشمنان.

درکشوری که به نام دین معروف است گاهی از ابزار دین علیه دین استفاده می‌شود. قرآن این تذکرها را درباره مسجد به ما می‌دهد و می‌گوید دو نوع مسجد داریم. کوشش کنید محتوای مسجد محتوای الهی باشد. **اسس علی التقوی** باشد. تنها به این گنبد و بارگاه منگرید. محتوا را هم ببینید. دو نوع برای ما ارادهٔ مسجد را بیان کرده‌اند. اولی مربوط است به والی. دومی مربوط است به امام و مؤمنین و مریدان مسجد که محتوای مسجد را می‌سازند.

و ما خوشحالیم که به حمدالله در این کشور تحت یک نظارتی که الان هست ان‌شاءالله مساجد ما در همان راه مسجد قبا است. **لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم.**

این دو حکم از نظر قرآن. باز احکام دیگر از نظر قرآن هست باشد برای بعد.

برگردیم به روایات. در وسایل الشیعه در جلد ۳ ، احکام مساجد ۷۰ باب دارد. این اگر امر کوچکی بود، ۷۰ باب پیدا نمی‌کرد. ۷۰ جمع روایت معلوم می‌شود امر مهمی است اساسی است. تمام ساختمان یک جامعه از همین مسجد است. ۷۰ باب دارد و هر بابی روایاتی فراوان.

و لذا اولین قدمی که پیغمبر اکرم در مدینه برداشت مسجدسازی بود. یک مسجد کوچکی در قبیله بنی عمروبن عوف در آنجا ساخت قبل از مسجد قبا. اولین نماز جمعه را هم در آنجا خواند. مسجد دوم مسجد قباست که در ۱۲کیلومتری مدینه سابق الآن هم به شهر متصل شده است.

این مسجد را ساخت این مسجد در آن زمان که قدرت مالی کم پیغمبر اکرم همهٔ کارها را در مسجد متمرکز می‌کرد. اگر با من کار داشتی بیایند مسجد همه متمرکز بشویم شرایط زمان و مکان فرق کرده اما. اول قدمی که برداشت در مدینه همین بود و اجازه هم نمی‌داد در جایی دیگر مسجد بسازند. وقتی مسجد ضرار را ساختند ویرانش کردند. تا همهٔ مسلمانان در یک مسجد جمع شوند و حقیقت را بشنوند. اردوی نظامی در مسجد.

مکان بیان احکام و احادیث در مسجد. نامه‌نگاری‌ها به افراد در مسجد همه و همه در مسجد متمرکز بود. یک دانشگاهی بود. در آن زمان.

حالا که نمی‌شود در این شرایط آن کارها را انجام داد ولی باید اهمیت مسجد را حفظ کنیم گاهی ام‌القری تشیع ام‌القری اسلام باید تمام مساجدش موقع نماز صبح باز باشند امام جماعتی باشد یا نباشد عذر هم نیست. اهمیت مسجد باز بودن است. خادمش مهم است. امامش مهم است. جاذبهٔ کامل مهم‌تر از همه تربیت امام مهم است. امام مسجد شرایط دارد. حقوقی دارد. آدابی دارد. احکامی دارد. با خواندن رسائل و مکاسب درست نمی‌شود. پس حالا چه کنیم؟ چندی قبل شورای مدیریت یک همایشی تشکیل داد از من خواستند سخنرانی کنم من فرصت را مغتنم شمردم. دیدم وزیر آموزش و پرورش همانجاست و موضوع را همانجا مطرح کردم. گفتم شما برای تربیت معلم، زیست، شیمی، جغرافیا، دانشکده دارید. اما برای تربیت معلم قرآن خیر. معلم قرآن هم باید مانند دیگر معلمان تربیت ببیند. والا مانند دیگر معلم‌ها نمی‌تواند در کلاس اشباع کند. این‌ها هم کلاس می‌خواهند. ادبیات عرب بدانند، قرآن را بفهمند، تشبیه قرآن را بفهمند. لحن قرآنی را داشته باشند. از تفسیر قرآن آگاه باشند، مسلط براین کتاب بر کلاس هم.

نامه‌ای نوشتم چند روز قبل جوابش آمد. تا حدی موافقت کرده‌اند.

من همین پیشنهاد را در این‌جا مطرح می‌کنم. این پیشنهاد تازگی نداشته. یعنی حتماً در بین آقایان در محضر آقایان مطرح شد من هم تأکید می‌کنم. باید برای تربیت امام مسجد کلاس گذاشت. در ترکیه هم برای امام مسجد کلاس دارند که یک امام مسجد چه شرایطی را داشته باشد. اولاً اقرا باشد قرائت بسیار صحیح، لحن بسیار زیبا و دلنشین، بدن و لباس از هر نظر تمیز و آراسته. از نظر دیگر اخلاق داشته باشد. یعنی امروز جهان، جهان جاذبه است.

جذب باید بکنیم برای کلیسا از اساتید دانشگاه بهره می‌گیرند که مقام علمی دارند در جوان‌ها نفوذ کنند. ما هم یک سری افراد را تربیت کنیم. کاستی‌ها را کم کنیم. سابقاً این

برنامه‌ها نبود. خوب سابقاً این نیازها نبود. این همه جاذبه مادی نبود. درکنار این جاذبه‌ها باید جاذبهٔ مسجد بسیار باشد جاذبهٔ مهم از امامش معلمش، هیأت گزیده‌اش، کسی که خادم مسجد است به قدری باید از نظر اخلاق بالا باشد جذب کند همه را و شرایط امام بالاتر.

من یک حقیقت تلخی را می‌خواهم بگویم و این حقیقت تلخ است اولاً امام مسجد باید یک کار داشته باشد اون همان مسجد است. مسجد برای او کار باشد. درکتاب‌های قدیم ما می‌خواندیم یک مرد است و یک کار.

امام مسجد باید یک ساعت قبل از نماز برود در مسجد بنشیند آرام‌آرام مردم بیایند، بعد از همه هم مسجد را ترک کند. در هر سه وقت، این مسجد آباد می‌شود. و اما امام مسجد اگر شاغل باشد خسته هنگام نماز بیاید، نماز بخواند و خداحافظی کند و برود عمل به وظیفه کرده اما آن اثر مطلوب از مسجد خارج نمی‌شود.

و این نمی‌شود، مگر اینکه امام در اختیار مردم باشد و امام مسجد باید خانه‌اش در نزدیکی‌های مسجد باشد. خانه‌اش در شرق و غرب نماز بخواند. انجام وظیفه کرده اما خسته آمده و خسته رفته این حقیقت تلخ است. اما بهترین شیوه را بگویم. حقاً باید این افرادی که شاغلند زندگی این‌ها تأمین بشود و این‌ها فقط امامت مسجد را داشته باشند مسجد را دست کم نگیرید. همین مسجد بود که انقلاب را ساخت. اگر مساجد نباشد، انقلاب نبود. در مساجد همه کارها و سخن‌ها بود. بنابراین نیاز ما به مساجد کم نشده. همیشه هست. اما برای دنیا نیست. برای خداست.

برگردیم به اوقات سه گانه. اولاً از ظهر تا مغرب مسجد باید باز باشد. اگر مسجد بازار است، اگر مسجد محله است یا جاهای دیگر است نباید فقط وقت نماز باز باشد. می‌گوید خادم پول می‌خواهد مسجد باید همیشه درش باز باشد. از قبل از ظهر تا غروب و بعد از مغرب. صبح هم باید بین الطلوعین باز باشد. امام مسجد ولو لله باشد باید در مسجد را باز کند. اللّه اکبر نماز صبح را بخواند. من خودستایی نمی‌کنم. پدری داشتم پیرمرد این گاهی

می‌رفت تنها در مسجد را باز می‌کرد. شمع روشن می‌کرد. آن وقت برق نبود. یا برق کم و گاهی برق را روشن می‌کرد. شروع می‌کرد نماز خواندن و یکی دو نفر بیایند اقتدا کنند. مبادا مسجد تعطیل شود.

مسجد حصیر بود و بروی حصیر با چنگ و دندان این مساجد را حفظ کرده‌اند در اختیار ما گذاشته‌اند بحمدلله امروز آبادانی است. از هرنظر شرایط آماده شده حرکت در آن باشند. حالا برم مسجد کسی نمی‌آید. یک بار، دو بار، ده بار، ۳۰ بار کم‌کم می‌آیند. دیگر عرضم به آخر رسید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

سخنرانی دکتر محمّدباقر قالیباف
شهردار محترم تهران

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

به حضور یکایک شما عزیزان و سروران خیر مقدم می‌گویم و ماه عزیز رجب و پیشاپیش آن آغاز ماه شعبان را به یکایک شما عزیزان تبریک و تهنیت می‌گویم. مخصوصاً ۲۷ رجب راکه اگر بگوییم بزرگ‌ترین و بدیع‌ترین حادثه خلقت است حرف اضافه نگفته‌ایم ـ به یکایک شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. عذر خواهی می‌کنم از این‌که عزیزان اشاره کردند و قرار بود من در آخر این مجلس خدمت شما باشم چون یک جلسه برای من پیش آمده که الزاماً این جلسه را باید شرکت کنم، لذا من ضمن عذرخواهی سعی می‌کنم که فشرده‌تر و در واقع زودتر از وقت مطالب را خدمت شما عزیزان عرضه دارم طبیعتاً بنده در این جایگاه نیستم که بخواهم در بحث اهمیت مسجد از دیدگاه اسلام در جمع علمای بزرگوار سخن بگویم چنین جرأتی هم ندارم به خود چنین اجازه‌ای نمی‌دهم من بیشتر از همان‌نظر مدیریت شهری و به عنوان یک خدمت‌گزار در مجموعه کلان شهر و نگاهی که از این منظر به مساجد هست در هفته بزرگداشت امور مساجد مطالبی را خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم. از یک منظر مساجد بدون شک تجلی گاه و حدانیت و تجلی گاه رستگاری مردم است جا و مکانی است که صاحب بیت خداست و بندگان او در این مکان گردهم می آیند که بتوانند

با خدا ارتباط معنوی برقرار کنند قطره‌های هم چون اقیانوس در این نـقاط جـمع مـی‌شود. اسلام هم بر جمع تأکیدات زیادی کرده تا بتوانند ارتباط معنوی خود را با حضرت حق برقرار کنند در تأکید به جماعات با آقای قرائتی صحبت می‌کردم و بحث اهمیت نماز جماعت بود. ایشان می‌گفت چنان چه جمعی ده نفر باشند و همه این‌ها از مراجع و علما باشد. و اما یک جمع دیگر یازده نفر باشند و حتی آنهاکارگر ساده عادی باشند و سواد هم نداشته باشند، اگر با یازده نفر نمازتان را بخوانید بهتر از این است که با ده نفر بخوانید، پس این اهمیت جمع را بیشتر می‌رساند. درکانونی که تجلی گاه وحدانیت و رستگاری است و مشخص و روشن است که از نظر اسلام که یک دین اجتماعی است اهمیت جماعت چه میزان است. امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی بر آرمان‌های بلند حضرت امام که برخاسته از فقه پویای تشیع است، دین را حتی در عصر غیبت در حاکمیت و بر مسند حکومت قرار داده، پس وقتی اسلام چنین دینی است و دینی اجتماعی به‌شمار می‌رود و مساجد مراکز چنین اجتماعی است، پـی خـواهـیم بـرد که جماعت در مساجد چه نقش عمده و اساسی در زندگی مادی و معنوی مردم ایفا می‌کنند. بدون شک از این منظر وقتی نگاه می‌کنیم در نظام مقدس جمهوری اسلامی مساجد هم پاسخ گوی نیازهای معنوی مردم هست و هم حاکمیت، مسجد باید کاملاً پاسخ‌گوی مسائل مادی جامعه باشد. من در اول صحبت گفتم که نمی‌خواهم از اهمیت مساجد بگویم. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در هرجاکه وارد شدند بر اهمیت مسجد و ساخت مسجد و محوریت دادن به مسجد تأکید کردند، نمی‌خواهم وارد آن بحث شوم و اجازه به خودم نمی‌دهم در جمع شما عزیزان اشاره بکنم ولی به هر حال مسجد محل تعامل و همکاری مردم است، برای اداره زندگی خودشان، مسجد محل اخوت ایمانی است و این نقش را در مسجد ما می‌توانیم به درستی ایفاکنیم. مسجد حتماً مرکز تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر حرکت‌ها و جریان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه است مسجد حتماً محل عده و وعده نظام ماست، حضرت امام رضوان الله تعالی علیه فرمودند به این مضمون که از دشمن نهراسید از هواپیماهای دشمن نهراسید، ولی از خالی بودن مساجد بهراسید، مسجد سنگر اصلی در همه ابـعاد اجـتماعی، فـرهنگی، دفـاعی و مـعنوی مـردم است و مـا کـاملاً در انـقلاب ایـن کـانون جـوشان را بـا هـمه وجـود حس کـردیم،

انصافاً انقلاب از مساجد شروع شد جنگ را مساجد اداره کردند، من هر یک از فرماندهان دوران دفاع مقدس را در جبهه دیدم، وقتی نشستیم با هم صحبت کردیم دیدم همه این‌ها بدون استثناء تربیت شدهٔ مساجدند، خیلی‌ها مکّبر مساجد بودند، امورات مسجد را حل و فصل می‌کردند، از همان دوران کودکی که با پدرشان به مسجد می‌آمدند تا دوران نوجوانی و جوانی در مسجد ایفای نقش کردند، شهید بابایی رضوان الله تعالی علیه عزیزی که در نیروی هوایی ارتش خوش درخشید و یک فرد تحصیل کرده در غرب بود، در آمریکا آموزش دید و یکی از بهترین و شجاع‌ترین خلبانان کشورمان بود، وقتی ما با ایشان صحبت می‌کردیم همه افتخارش این بود که در مسجد چایی ریز مسجد بوده و قهوه خانه مسجد را اداره می‌کرده یعنی آبدارخانه مسجد را اداره می‌کرده است. شهید باکری همین‌طور و شهید همت همین طور و شهید کاظمی همین طور، پس مسجد محل تربیت چنین انسان‌هایی بوده است. از مساجد به جهاد سازندگی رفتیم برای جهاد و دفاع مقدس از مساجد رفتیم، انقلاب را از مساجد آغاز کردیم امروز هر حادثه و اتفاقی بیفتد همه اول در مسجد جمع می‌شوند، مسجد کانون جوشانی است که در شادی و در غم در خدمت مردم است. در مسائل فردی و اجتماعی در خدمت مردم است در مسائل مادی و معنوی در خدمت مردم است مسجد از گذشته دور تا به امروز محل حل اختلافات و دعواهای مردم بوده است. من زمانی ناظر بودم که حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی در قوه قضاتیه که بحث می‌شد یعنی وقتی شوراهای حل اختلاف می‌خواست درست بشود و بحث جا و مکان بود ـ ایشان به جد و انصافاً یکی از تصمیمات اساسی و جدی‌شان تشکیل همین شورای حل اختلاف بود که ریشه در مذهب ما و فرهنگ اسلامی ما دارد، آن زمان من پلیس بودم و پی‌گیر این موضوع بودم. ایشان انصافاً پایه‌گذار این کار شدند هنوز من معتقدم حتی به جهت انتخاب مکانی این شورا را ما در مساجد قرار بدهیم. اصلاً خود مسجد و این چند وجهی بودنش ضرورت است. یک نیاز جامعه امروز ما و گذشته بوده و واقعاً مسجد کانون فرهنگی هر محله و هر مکانی به شمار می‌رود. مسجد محل وابستگی انسان هاست از هر کسی با هر مسئولیتی با هر مقامی با هر جایگاهی با هر منزلت مادی و اجتماعی همه می‌آیند به صورت برادر دینی کنارهم

می‌ایستند و ایفای نقش می‌کنند و همین کنار هم قرارگرفتن یکی از مهم‌ترین نقش‌ها و ثمرات و برکات مساجد است مساجد باید مرکز خدمات عام‌المنفعه باشد، من اگر بخواهم این‌جا بحثم را جمع بکنم می‌خواهم بگویم مساجد مرکز سرمایه اجتماعی و فرهنگی ماست. تمام سرمایه‌های اجتماعی را در جامعه اسلامی ما از مسجد می‌توانیم رونق و تداوم بدهیم، افزایش بدهیم و این سرمایه‌های اجتماعی را حفظ کنیم. غفلت از این موضوع یعنی از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی، البته بنده بر این اعتقادم در دورانی که سپری کردیم آن چنان‌که می‌باید به مساجد توجه می‌کردیم، نکردیم، حالا یک وقتی در شوخی و جدی گفته می‌شود این بحث‌ها به هر حال در قبل از انقلاب خصوصاً در رژیم فاسد و منحوس پهلوی در تضاد با اسلام و روحانیت بوده انصافاً مردم به مسجد و روحانیت با یک تعصب دیگری نگاه می‌کردند، یعنی احساس می‌کردند در مقابل این‌ها یک دشمن قداره بندی است که برای ریشه کن کردن اسلام دارد تلاش می‌کند، من خودم شاهدش بودم که ضعیف‌ترین مردم که به حداقل امکانات مادی نیاز داشت. برای زندگی خودشان، مسجد را بر آن ترجیح می‌دادند احساس می‌کردند که وظیفه دارند مساجد را پر رونق نگاه دارند چون این خطر را حس می‌کردند، ولی انصافاً بعد از انقلاب همه گفتند به هر حال دیگر حکومت اسلامی مال خودمان است، اگر امروز حکومت به مسجد نرسد ما برسیم، این باعث شد که به نظر من یک مقدار هم مردم آن چنان که باید به مسجد توجه نکردند در بعد مادی‌اش و هم مجموعه دستگاه‌های دولتی غفلت کردند شهرداری یکی از آن‌جاهاست من اول خود شهرداری را بگویم شهرداری یکی از آن‌جاست، البته من نمی‌خواهم بگویم مسجد باید پایگاه حکومتی بشود آن را قبول نداریم، به هر حال حوزهٔ علمیه و مساجد باید هم‌چنان به عنوان نهادهای مردمی باقی بمانند ولی به این معنا نیست که مجموعه دستگاه‌های دولتی و مجموعه نهادهای عمومی غیر دولتی مثل شهرداری به مساجد در واقع بی توجهی بکنند که حتماً بی‌توجهی نمی‌کنند، ولی کم توجهی نباید بکنند، باید مسجد را مورد توجه قرار بدهند، لذا ما با همه مشکلات و مسائلی که در مجموعه شهرداری داریم عزیزان می‌دانند که بر اساس کاملاً تجربه گذشته تاریخ مان بر اساس فرهنگ اسلامی مان با استفاده از علم و نظریات امروز بدون شک

برای اداره شهرها و کلان شهرهایی مثل تهران نیازمند هستیم که روی کرد محله محوری را اساس کارمان قرار بدهیم و در محله در نظام اسلامی باید مساجد کانون این محلات باشد در این بخش اقدامات خوبی در شهرداری انجام شده این که من می‌گویم اقدامات خوب نه به این منظور که دیگر شهرداری همه مشکلات مربوط به مساجد را حل کرده الحمدلله مساجد و حسینیه‌ها و فاطمیه‌ها و مهدیه‌ها به حول و قوه الهی ـ خدا را صد هزار بار شکر ـ آن‌قدر زیاد هستند که ما هر چقدر هم تلاش بکنیم خلاصه یک طوری می‌توانیم بخش کوچکی از مشکلات آن‌ها را حل و فصل کنیم، ما سال ۸۶ نسبت به سال ۸۵ اعتبارات را دو برابر کردیم ولی قطعاً در تأثیر گذاری خیلی نقش ایفا نمی‌توانیم بکنیم، چون گستردگی کار زیاد است و به نظر من مهم این است که مجموعه‌ای مثل شهرداری‌ها در مجموعه وظایفشان خودش را مکلف بداند که به مساجد توجه بکند مکلف بداند که فعالیت فرهنگی و اوقات فراغت خودش را با مرکزیت مساجد پیش ببرند خودش را مکلف بداند شوراهای عالی و مجموعه مساجد را به یکدیگر نزدیک بکند، نگاه مسجدی و تفکر مسجدی را بر همه حرکت‌های خودش اعم از حرکت‌های خدماتی، عمرانی و فرهنگی خودش این نگاه را در اولویت قرار بدهد و این‌گونه حرکت بکند این‌ها از موضوعاتی است که در شهرداری مورد توجه است به اضافه این که ما معتقدیم در مورد توجه به کاربرد مسجد هم مهم است به هر حال توجه به خود ائمه جماعات هم مهم است، امروز نقشی که علمای بزرگوار در این مساجد ایفا می‌کنند واقعاً نقش استثنایی است، هم این قابلیت‌ها باید در همه ابعاد خودش شکل بگیرد و هم این امکانات به سمت مساجد بیاید. در این زمینه هم ما در شهرداری اقدامات خوبی انجام داده‌ایم تا در طرح جامعی که در شورای عالی شهرسازی الان سیرش را طی کرده و در مجموعه شهرداری در شورای شهر تصویب شده است و شورای عالی شهر سازی بخش عمده‌ای تصویب شده و مسائل و مشکلات حل شده توجه به مساجد و ساخت مساجد را در شهر تهران با الویت در این طرح پیش‌بینی کرده و کاملاً مدنظر گرفتیم که بر آن معماری ایرانی و اسلامی حداقل‌هایی که ما در ساخت مسجد و مساجد باید رعایت کنیم این‌ها را پیش بینی کردیم، امروز در بخش مربوط به شرکت

فرهنگی و ساخت مراکز فرهنگی و مذهبی و ورزشی که در شهرداری است، انواع مختلف برنامه‌ریزی کردیم تا یک مقدار انسجام و انضباط در ساخت و ساز مساجد داشته باشیم و حداقل‌ها را رعایت کنیم، به هر حال خلاصه شرایطی راکه زیبنده یک مسجد و یک مکان است رعایت کنیم، نه آن‌که خدایی نکرده مسجدی را سرپاکنیم، بر اساس یک ضرورت، ولی در ابتدایی‌ترین موضوعات آن در بخش‌های رفاهی و بخش‌های نظافت و پاکیزگی در بخش‌های بهداشتی و تجهیزات و امکانات آن بی توجهی کنیم. در استحکام ساختمان بی‌توجهی کنیم، اینها الحمدلله در این جا پیش‌بینی و طراحی شده است. واقعاً باکمک شورای شهر برای مساجد فعالیت‌های فرهنگی در کنار او که به عنوان یک مرکز وقتی می‌گوییم مسجد یک مرکز خدمات عام‌المنفعه باشد این امکان را در آن جا فراهم کردیم که از این امکان مساجد بتوانند بدون پرداخت هزینه استفاده بکنند و یک متراژی برای کاربری‌های جانبی در اختیار مساجد قرار بگیرد، این‌ها مصوباتی است که امروز در شورای شهر تصویب شده و می‌تواند کمک هایی باشد. واقعاً گام‌هایی جدی و اساسی احتیاج به یک مقدار زمان تشکیلات منسجم‌تر دارد تا حرکت کنیم. خوب الحمدلله مرکز امور مساجد امروز گام‌هایی جدی و اساسی در این انسجام برداشته ما هم به عنوان شهرداری تهران در خدمت امور مساجد هستیم که بتوانیم با هماهنگی و هم‌دلی بیشتر، این نقش‌هایی راکه در ابعاد مختلف باید فراهم بشود ان‌شاء الله فراهم کنیم. من واقعاً خودم را مکلف دانستم سال به سال در این بخش به کار خودم رسیدگی کنم. به هر حال در سال ۸۵ سعی کردیم گام‌هایی برداریم و یک مقدار این حرکت‌های تقویت مساجد را هم در شهرداری نهادینه‌اش کنیم نه سلیقه‌ای، شاید فردا قالیباف نبود، ولی این سیستم باید به‌گونه‌ای در شهرداری پایه‌گذاری بشود که هر کسی در مجموعه شهرداری قرار گرفت در نظام مقدس جمهوری اسلامی توجه به مسجد را به عنوان یک اصل در برنامه‌های خود در ساختار شهرداری نهادینه بشود این اتفاق امروز در شهرداری افتاده است. مساجد ردیف پیدا کردند جا پیدا کردند. در سال ۸۶ نسبت به سال ۸۵ دو برابر این امکان را فراهم کردیم مطمئناً سال بعد نسبت به سال ۸۶ افزایش بیشتری خواهیم داشت شهرداری در برنامه‌های خودش مناطقی از شهر

و محله‌هایی از شهر را که واقعاً آدم مسافت‌های زیادی را طی می‌کند، یک مسجد آن‌جا وجود ندارد، امروز بیش از ۳۰ مسجد در مجموعه شهر تهران مشخص شده که شهرداری در زمین و احداث مسجد نقش اول را در آن جا ایفا می‌کند البته ما معتقد نیستیم که شهرداری صفر تا صد یک مسجد را خودش باید انجام بدهد مسجد باید به دست مردم ساخته شود ما نقش پشتیبانی باید داشته باشیم، حتی اگر به جهت مادی هم ما بیشتر داریم کمک می‌کنیم ولی به جهت گفتاری و روانی باید حواسمان باشد که مردم محل باید احساس کنند این مسجد را خودشان دارند می‌سازند با این نگاه این کار امروز در مجموعه دارد انجام می‌شود و دارد پیش می‌رود در کنار این معتقد هستم که ان شاء الله همکاری‌های جدی‌تر از این هم حتماً بین شهرداری و مرکز رسیدگی به امور مساجد باشد و خیلی بیشتر و عمیق‌تر می‌توانند به هم نزدیک بشویم هنوز آغاز کاریم برای یک فعالیت جدی و اساسی امیدواریم که با کمک شما بزرگواران و عزیزان این توفیق را داشته باشیم که انصافاً مساجد ما بتوانند این رسالت و نقش جدی و اساسی را که در ابعاد معنوی و مادی مردم دارند ان‌شاءالله با کمک شما بزرگواران تحقق بخشیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

گزارش دبیر علمی همایش
جناب حجةالاسلام والمسلمین رضائی بیرجندی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدللّه ربّ العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا محمّد و آله الطیبین الطاهرین سیّما بقیة الله فی الارضین قال الحکیم:

﴿وَاَنَّ المَسٰجِدَ لِلّٰهِ فَلا تَدعوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدا﴾.

من هم به سهم خودم اعیاد شعبانیه را خدمت همه سروران، خواهران و برادران، عالمان، فرهیختگان و مهمان‌های عزیز داخلی و خارجی تبریک عرض می‌کنم و همچنین فرا رسیدن هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد را، تبریک می‌گویم. امیدواریم که بتوانیم از این اجلاس عظیم بهره‌های کافی برای هرچه کار آمدتر کردن مساجد و قرار دادن مساجد به عنوان محور شهرهای اسلامی استفاده ببریم.

من گزارشی مختصر از کمیته علمی ستاد گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد را خدمت شما عرض می‌کنم.

همان‌طور که مستحضر هستید برای این همایش بزرگ که مصوبه سازمان کنفرانس اسلامی است و ایران اسلامی پیشنهاد دهنده این حرکت خداپسندانه بوده و بهترین عمل کننده هم جمهوری اسلامی بوده، یعنی این هفته را به بهترین شکل در طی پنج سال گذشته برگزار کرده و سعی کرده که استفاده ببرد. اولاً به اهداف این اجلاس اشاره

می‌کنم:

CD شماره ۱۴

۱ ـ گرامی‌داشت مساجد به عنوان کانون‌های علم و آگاهی و انسان‌ساز و حرکت آفرین؛

۲ ـ شناساندن اهمیت و نقش مساجد در حیات اجتماعی و سیاسی مسلمین؛

۳ ـ احیاء و تقویت وحدت اسلامی به عنوان این که مساجد تعیین‌کننده جغرافیای جهان اسلام است یعنی هرجا ما بخواهیم جهان اسلام را تعریف کنیم نگاه می‌کنیم به مساجدشان به این پایگاه‌های نور و معنویت؛

۴ ـ بیان مهم‌ترین مشکلات و چالش‌ها وارائه راه‌کارها جهت حل آنها. ماانتظار داریم همه اندیشمندان فکرشان و اندیشه‌شان را ارائه کنند و ما بتوانیم مشکلات را شناسایی کنیم و برای حل آن‌ها اقدام کنیم؛

۵ ـ افزایش کارآمدی و احیای نقش تربیتی مساجد این خانه‌هایی که از یک چهار دیواری کوچک شروع شد و جهانی را متحول کرد و امروز آنچه نور در عالم می‌بینید.

به برکت آن چهار دیواری کوچک که در مدینة النبی وجود مقدس رسول الله ﷺ بنیان گذاشت؛ می‌باشد.

۶ ـ جلب مشارکت دولت‌ها و ملت‌ها در احیای مساجد؛

۷ ـ پیدا کردن راه کارهای جذب اقشار گوناگون به ویژه جوانان به مساجد؛

۸ ـ عمل به فرمان قائد و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در اول هر سال رهبر فرزانه انقلاب اولویت تلاش اندیشمندان مسلمان را مشخص می‌کنند و امسال را که سال وحدت و انسجام اسلامی نامیدند و مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه وحدت و انسجام اسلامی هست در این راستا تلاش خواهیم کرد.

شایان ذکر است طبق سنوات گذشته ما در کمیته علمی فراخوان مقاله به زبان‌های گوناگون داده‌ایم و اندیشمندان را به تفکر و اراء مقاله دعوت کرده‌ایم. علاوه خود کمیته علمی سفارش مقاله می‌دهد که امسال حدود سی‌مقاله سفارش داده‌ایم مجموعه‌ای بسیار غنی به عنایت خدا به دست ما رسیده است که امیدواریم با کاربردی کردن این اندیشه‌ها و این فکرهای نابی که از قلب‌های ایمانی ناشی شده بتوانیم ان‌شاء الله مساجد را به جایگاه واقعی خودشان برسانیم. چاپ خلاصه مقالات تشکیل کمیسیون‌های تخصصی در سال‌های گذشته ما چهار تا کمیسیون تخصصی تشکیل دادیم که نتایج آنها بعد از اجلاس منتشر می‌شود:

۱ ـ کمیسیون چشم‌انداز بیست ساله مساجد؛

۲ ـ کمیسیون جذب جوانان به مساجد؛

۳ ـ کمیسیون کارکردها چالش‌ها و راهکارها؛

۴ ـ کمیسیون مدیریت مسجد.

تاکنون پنج جلد کتاب فروغ مسجد چاپ کرده‌ایم که پنجمین کتاب در این اجلاس به محضر شما تقدیم شده است. این کتاب محصول مقالات سال گذشته است که محورهای اصلی آن مساجد و پیامبر اعظم، مساجد و استکبارستیزی مساجد و توسعه شهر اسلامی می‌باشد و آنچه که اندیشمندان بر محور فرا خوان مقاله ارائه داده‌اند به صورت موضوعی و تخصصی کار شده و به چاپ کتاب‌های عوامل جذب جوانان به مسجد، و احکام مسجد انجامید و مدیریت مسجد و نیز مسجد مطلوب اسلامی، آماده چاپ شده است.

ستاد عالی همایش‌های گوناگون قبل از این همایش که در خدمت شما هستیم برگزار نموده است. همایش‌های گوناگون منطقه‌ای در محضر ائمه‌جماعات فاضل و اندیشمند داشته‌ایم دیدار با مراجع عظام استوانه‌های علم و تقوا و دیدبان‌های جهان اسلام ما با اکثر مراجع ملاقات داشتیم رهنمودهای آنان راگرفته‌ایم و امیدواریم هرچه زودتر بتوانیم این اندیشه‌ها راکاربردی بکنیم. این نکته را من عرض بکنم به عنوان یکی از افتخارات مرکز رسیدگی به امور مساجد است که تاکنون از همین مجموعه اندیشه‌ها حدود صد تا طرح کاربردی استخراج کرده‌ایم البته ما از دولت خدمتگزار و انقلابی انتظار داریم که در ایران اسلامی که به عنوان پایگاه و قلب جهان اسلام مطرح است یک عنایت ویژه بکند تا مساجد ما از ابعاد گوناگون بدرخشند. طرح ائمه جماعات اهل‌قلم را به عنوان یک مجموعه فرهیخته که هم اهل بیان هم اهل بنان هستند و بتوانند ان شاءالله یک حرکت جدید در روحانیت ایجادکنند طراحی شده که جلد اول کتاب ائمه جماعات اهل قلم الان به محضرتان تقدیم شده و امیدواریم ان‌شاءالله جلدهای بعدی هم تقدیم شود. اساسنامه شورای اهل قلم مشخص شده، هشت نفر از فرهیختگان به عنوان اعضای شورای مرکزی مشخص شده‌اند ان‌شاء الله بتوانیم این حرکت را به یک حرکت بزرگ تبدیل کنیم تشکیل دفتر مطالعات و پژوهش‌های مساجد باگرایش‌های گوناگون که در مرحله اول دوگرایش:

۱ ـ تحقیقات بنیادی؛

۲ ـ تحقیقات کاربردی در قم راه اندازی شده است.

تحقیقات بنیادی به مجموعه مسجد در فرهنگ اسلامی و در متون اسلامی پرداخته و در تحقیقات کاربردی پنجاه سرفصل تعریف شده و برخی از آن سرفصل‌ها کار شده است. جمع زیادی از محققان گران‌قدر را مرکز جمع کرده و امیدواریم بتواند برای آینده مسجد از ابعاد مختلف فکری و نظری ارائه بهترین الگوها را داشته باشد آموزش در مساجد پیشنهاداتی بوده که محصول این همایش‌ها است در سطح مساجد کلاس‌های آموزشی ائمه جماعات، هیئات امنا و خدام را راه‌اندازی شد و تبلیغ در مساجد کار بعدی بوده که ما الان چند سال هست تعدادی از مبلغان قم را دعوت می‌کنیم و در مساجد گوناگون از محضر آنان استفاده می‌کنیم.

طرح دانشگاه مساجد، ـ در ضمن توجه داشته باشید این‌ها را می‌گوییم برای اینکه اندیشمندان که نظر می‌دهند بدانند که از انظار آنان استفاده می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود که کاربردی شود و وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در اولین روزهای بنیان مسجدالنبی در مدینةالنبی آموزش علم را جزء برنامه‌های مسجد قرار دادند و وقتی آن حضرت وارد مسجد می‌شود جمعی سرگرم علم‌آموزی و دانش‌آموزی و جمعی سرگرم عبادت و پرستش حق حضرت ترجیح می‌دهد با آنان که علم می‌آموزند هم‌نشین شود علی علیه السلام می‌فرماید: علم و پرچم اسلام و علم قرآن علم معنویت جزء با آگاهی و بصیرت به پا داشته نمی‌شوند آنهایی که خودشان را آماده کرده‌اند در پایگاه مساجد استکبار را به زانو در بیاورند باید مساجد را کانون‌های علم، کانون‌های توان‌مندی، و کانون‌های قدرت قرار بدهند و این جزء با آگاهی و علم‌آموزی میسر نمی‌شوند. لذا مساجد باید پایگاه‌های قوی علم‌آموزی شود و طرح دانشگاه، مسجد در همین راستا ارائه گردیده است.

ما قرآن را در نمازهای جماعت می‌خوانیم اما چگونه می‌خوانیم تلاش زیادی صورت گرفته طرح تحسین قرائت و حفظ جزء سی‌ام قرآن در مساجد اجرا شود چرا در مساجد ما به صورت مرتب سوره خاصی خوانده بشود که در بعضی از مساجد که گاهی سور گوناگون خوانده می‌شود با تعجب و استبعاد روبرو می‌شویم سور کوتاه جزء آخر قرآن به عنوان یک طرح و زیبا قرائت کردن و جالب قرائت کردن طرح دیگری است این‌ها برخی

از طرح‌هایی بود که اشاره شد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد امسال فراخوان مقاله با محوریت مسجد پایگاه اتحاد و انسجام اسلامی داده شد. بعد از این فراخوان ۱۶۰ اثر به دست ما رسیده این ۱۶۰ اثر مشتمل بر مقاله شعر و فیلم‌نامه و داستان‌های کوتاه و داستان‌های بلند و خطاطی بسیار زیبا و جالب و عکس‌های بسیار نفیس که من همین‌جا از همه فرهیختگانی که فکرشان را به‌کار گرفته و این زحمات را تحمل کردند از آنان تشکر می‌کنیم و امیدواریم عنایت خدا ان‌شاءالله شامل حال این عزیزان گردد. این ۱۶۰ اثر ارزیابی شده ۲۴ اثر به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد.

این نکته را من عرض بکنم در این همایش‌ها یکی از مشکلاتی که برای کمیته‌های علمی وجود دارد وقتی مقاله را انتخاب می‌کند با آن محتوای غنی کسی که می‌خواهد مقاله را ارائه بدهد می‌آید و در ظرف پنج دقیقه می‌خواهیم مقاله را ارائه بدهد نه آن فرد می‌تواند مکتوب خودش را ارائه بدهد و گاهی هم فضای جلسه و حال و هوای جلسه آمادگی ندارد ولی در عین حال من امیدوارم این مقالات که چاپ شده مورد استفاده واقع شود بعد از ظهر امروز ان‌شاء الله دو کمیسیون خواهیم داشت من همین‌جا از محضر خواهران و برادران صاحب‌نظران دعوت می‌کنم آنهایی که واقعاً نسبت به سرنوشت مساجد حساس‌اند که همه این جمع یقیناً حساس‌اند دعوت ما را اجابت کنند در این کمیسیون‌ها شرکت کنند نظرات خود را به صورت مکتوب و به صورت شفاهی ارائه دهند. یکی کمیسیون مسجد مطلوب اسلامی که من عرض کردم زحمات زیادی کشیده شده کار شده، مسجد مطلوب اسلامی آنچه اسلام می‌خواهد محققان تلاش کردند خود کسانی که سال‌های قبل ارائه مقاله داشتند، تلاش کردند مسجد مطلوب اسلامی را ارائه داده‌اند، ولی یقیناً نیاز به تکمیل شدن و کامل شدن داریم و ان‌شاء الله از دیدگاه‌های شما در این کمیسیون استفاده می‌کنیم و بتوانیم مسجد مطلوب اسلامی را مسجدی که خانه خدا است و هیچ چیز در کنار خدا نباید قرار بگیرد ترسیم نمائیم اگر کسی شما را نشناسد وقتی به اتاق مطالعه شما بیاید به خانه شما بیاید تمام هویت‌تان را با نگاه به اتاق مطالعه شما می‌تواند بشناسد اگر ما این مساجد را خانه خدا می‌دانیم باید این خانه نمایانگر صاحب خانه باشد خانه اخلاص خانه نور خانه توانمندی خانه آگاهی

و بصیرت ما بگوییم مسجد ولی جهل در مسجد حاکم باشد نگاه به خادم مسجد بکنیم نگاه به هیئت امنا مسجد بکنیم ببینیم آن آگاهی و بصیرت لازم را ندارند این‌ها در شأن مسجد نیست همچنین کمیسیون مسجد پایگاه اتحاد و انسجام اسلامی که ما تعداد زیادی مقاله بسیار نفیس در ارتباط با مسجد پایگاه اتحاد داشته‌ایم همین جا از محققان گران‌قدر دفتر مطالعات و تحقیقات قم تشکر می‌کنم مجموعه مقالات در سیره نبوی در کلام معصومین در اخلاق اسلامی و مجموعه بسیار نفیس ارائه داده‌اند که ان‌شاءالله در کمیسیون‌ها از محضر این دوستان هم استفاده خواهیم کرد و امیدواریم که بتوانیم مساجد را به پایگاه اتحاد و انسجام اسلامی تبدیل نمائیم یعنی هم استوانه الوفود هم استوانه‌الحرس داشته باشد همه استوانه‌های دیگری که پیامبر در مسجد خود داشت ان‌شاءالله در مساجد داشته باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی
رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
در همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله و السلام علی رسول الله و علی آله آل اللّه قال الله تبارك و تعالی فی کتابه:

﴿و اَنَّ المَسـٰجِدَ لِلّٰهِ فَلا تَدعوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدا﴾.

ابتداایام شعبانیه واعیاد باعظمت آن رابه‌محضرهمه‌سروران عزیز و هفته گرامی‌داشت جهانی مسجد را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و تشکر می‌کنم از حضور همه سروران عزیز چه‌ائمه محترم جماعت‌ایران و چه عزیزان و مهمان‌های گرامی و بزرگوارمان که از کشورهای دیگر حضور پیداکرده‌اند و از ریاست محترم مجلس جناب آقای دکتر حداد عادل که به حق نیروی ارزنده و شخصیتی دانشمند هستند و لطف فرمودند در این محفل ما را از بیانات‌شان بهره‌مند می‌کنند تشکر می‌کنم. من خیلی کوتاه گزارشی را به محضر عزیزان عرض می‌کنم هفته گرامی‌داشت مساجد که بعد از آتش زدن مسجدالاقصی به وسیله صهیونیست‌ها مسلمان‌ها واکنش از خود نشان دادند و این عکس‌العمل موجب تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی شد و تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی بعد از بیش از سی سال که گذشت از تشکیل آن در اجلاس تهران بعد از انقلاب در سال ۱۳۸۲ در مرداد ماه مصادف با همان روز که مسجدالاقصی آتش‌زده شده بود به‌وسیله صهیونیست‌ها مصوبه گذراندند با عنوان

CD شماره ۲۹

هفته گرامی‌داشت مساجد از ۲۱ تا ۲۸ آگوست که مصادف است با ۳۰ مرداد ماه تا ۵ شهریور ماه این هفته، هفته جهانی مساجد نام‌گذاری شد و از همان سال ما این برنامه را اجرا کردیم امسال پنجمین سال است اهدافی را که ما داشتیم از این برگزاری همچنان که در مصوبه مشخص است روی چند محور یکی مسجد مرکز هویت‌بخشی به مسلمان‌ها است این از متن مصوبه برمی‌آید. دوم هم مرکز اخوت و برادری مسلمان‌هاست. سوم در مسجد سری وجود دارد که بین انسان‌ها ایجاد محبت می‌کند که جای دیگر وجود ندارد که این از متون اسلامی استفاده می‌شود این هدف بوده. لذا ما همین اهداف را تعقیب کردیم ما بررسی کردیم مسجد پایگاه عبادت و یاد خداوند و معنویت و آرامش دهنده مسجد پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تربیت و فراگیری معارف اسلامی مسجد پایگاه وحدت مسلمانان و نمایش یکپارچگی در مقابل کفار و منافقان و مستکبران مسجد پایگاه تجمع و گرده‌همایی رزمندگان اسلام و بسیج آنها بر ضد دشمنان اسلام مسجد پایگاه فعالیت‌های فرهنگی

و اجتماعی مسجد پایگاه رفع نزاع‌ها و اصلاح ذات البین مسجد پایگاه و پناهگاه بلایا که روایت‌های زیادی در این قسمت رسیده در نهایت مسجد پایگاه اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی که در انقلاب اسلامی تجربه شد و امام رضوان الله علیه ابتکارشان این بود که انقلاب را از مسجد آغاز کرد و از این پایگاه عظیم حداکثر استفاده را برای نشر معارف اسلام و رساندن پیام خودشان داشتند و بهره لازم را از این پایگاه گرفتند و ما با تلاشی که کردیم امروز می‌خواهم عرض کنم در مرکز رسیدگی به امور مساجد به برکت اندیشمندان، صاحب‌نظران در طول این پنج سال که هفته جهانی برگزار شد ما از تئوری و نظریه‌پردازی چیزی کم نداریم در مورد مسجد همه ابعاد مسجد مورد بررسی قرار گرفته و تبدیل به پنج جلد کتاب شده که هرکدامش را انسان بخواند بعدی یا ابعادی از مساجد را بیان کرده که حقیقتاً راه‌گشا است کارهایی که انجام شده در تقویت و حمایت ائمه جماعات به نحوی بوده است که ائمه جماعات ما احساس بی‌پناهی در مساجد نمی‌کنند و امروز حضور فعال خانم‌ها در مساجد که به حق یک حضور تأثیرگذار است را ما شاهدیم ما تنها در تهران بیش از ۶۰۰ تا مربی خانم در مساجد داریم و هزار و خورده‌ای مسجد الآن در تهران تحت پوشش فعالیت فرهنگی خانم‌هاست که این یک کار نوع و بدیع است که در مساجد انجام شده، تشکیل شوراهای جوانان در مساجد که کار ارزنده‌ای است برای جذب جوانان مدیریت مسجد امروز ما کتابی را در حال چاپ داریم که تقریباً پاسخ‌گو است می‌تواند مدیریت مسجد را به نحو مطلوبی ارائه نماید در مورد جوانان کتاب خوبی تهیه شده هم وضعیت فعلی هم آسیب‌ها هم راه‌های برون رفت از این آسیب‌ها و هم عوامل جذب جوان در این کتاب تألیف شده و آماده شده، کتاب اهل قلم که نوشته شده به حق این تشکل اهل قلم یک تشکل مبارک و میمون است از ائمه جماعات که ان‌شاءالله با حمایت این عزیزان خواهیم توانست یک تحولی را در حوزه قلم داشته باشیم. شهدای از ائمه جماعات مورد شناسایی قرار گرفته جلد اول زندگی‌نامه آن‌ها چاپ شده که ان‌شاء الله امیدواریم ما بتوانیم همه را به طور کامل شناسایی و زندگی‌نامه آن‌ها به‌عنوان الگوهای عملی ائمه‌جماعات را چاپ بکنیم. فرهنگ مسجد یک کتاب بدیع و ارزنده‌ای است که در

دفتر مطالعات تحقیقات قم نوشته شده و کتاب دیگر نبی‌اعظم که باز به وسیله تعدادی از محققین با نظارت حقیر به رشته تحریر درآمده است و چاپ شده در اختیار بخشی از دانشمندان قرار گرفته کار بسیار خوبی که امسال ما انجام داده‌ایم. ارتباط با دولت از سال گذشته که یک کار میمون و مبارکی است یعنی دولت در سال گذشته تصویب کرد که هفته دولت را با محوریت مسجد آغاز بکند و از ما خواستند بستر لازم را فراهم کنیم تا در مساجد حضور پیداکنند وزرا و خود ریاست جمهور که این کار سال گذشته در سطح کشور با کمک شورای سیاست‌گذاری ائمه محترم جمعه انجام شد امسال هم باز دوم شهریور این کار انجام می‌شود و هماهنگی لازم شده و این کار صورت خواهد گرفت و دیگر ارتباط با مراجع که این کار ابتکار ارزنده‌ای بود ما نظرات اکثر مراجع درباره مساجد را داریم یعنی خدمت مراجع رسیدیم صحبت کردند و برای ما سخنان آنها راه‌گشا بود و همچنین ارتباط با علمای برجسته و ائمه جماعات با سابقه که ما سراغ‌شان رفتیم تا تجربیات آنها را منتقل کنیم به سایر ائمه جماعات و هم یک دلجویی از خود آنها بشود که این کار انجام شد بحمدالله تأثیر بسیار خوبی داشت خود ما درس‌های تازه‌ای گرفتیم از بزرگان و ائمه محترم جماعات که خدمت‌شان رسیدیم انصافاً سخنان‌شان هر کدام برای ما کلیدی بود برای باز کردن قفل‌ها و درهای بسته که خیلی برای ما ارزنده بود در مجموع می‌خواهم عرض کنم خدمت همه حضار به ویژه جناب آقای دکتر حداد که وضعیت ما از نظر تئوری و بخشی هم عملی بلطف خداوند مطلوب است و امسال که ما تعدادی از جلسات تمهیدیه که اسمش را جلسه منطقه‌ای می‌گذاریم برگزار کردیم در این جلسات آیة‌الله استادی، آیة‌الله جعفر سبحانی و آیة‌الله جوادی آملی و همچنین سایر بزرگان صحبت کردند که به حق سخنان این بزرگان راه‌های تازه‌ای را پیش روی ما گذاشت و من معتقدم با عمل به این رهنمودها و به ویژه آنچه از حضرت امام (رضوان الله علیه) در رابطه با مسجد داریم و توصیه مقام معظم رهبری که همواره راه‌گشا و مدنظر ما بوده و خط‌مشی ما همواره اینها بود ان‌شاءالله ما خواهیم توانست گام‌های بهتری را برداریم و علاوه براین ما خوش‌بختانه شورای سیاست‌گذاری ائمه جماعت که به فرمان مقام معظم رهبری تشکیل شده ما در زیر سایه این

CD شماره ۱۵

شورا انجام وظیفه می‌کنیم که برای ما میمون و مبارک است و راه را به ما نشان می دهد در مجموع می‌خواهیم عرض کنیم گرچه در ابتدا راه هستیم اما گام‌ها محکم و استوار است و تقاضای ما حمایت است تا بتوانیم این گام‌ها را استوارتر و قدم‌های محکم‌تری به ویژه در راستای توصیه مقام معظم رهبری در دیدار با ایشان که فرمودند ارتباط بین مساجد جهان اسلام را پی‌گیری کنید و این مسئله مهمی است اگر روزی مسلمانان با هم متحد بشوند جهان اسلام قطعاً یک تحول نوی را در خودش مشاهده خواهد کرد و خواهد توانست جلوی این افراط گری‌ها را و کارهای زشت جاهلانه که از سوی بعضی از جریانات صورت می‌گیرد این‌ها را بگیرد و مجدداً تشکر و امتناع دارم و از اینکه سخن به دراز کشید عذرخواهی می‌کنم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سخنرانی جناب آقای دکتر حداد عادل
رئیس هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی
در همایش بین‌المللی هفته گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارك و تعالی:

﴿فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه﴾.

حضور خانم‌ها و آقایان، استادان محترم، روحانیان ارجمند سلام عرض می‌کنم. بسیارخوش وقتم که در محلی که سال‌ها مجلس شورای اسلامی در آن جا جلسه برگزار کرده و اکنون هم در اختیار مجلس شورای اسلامی است این همایش برگزار شده است و ما به یک معنا میزبان و به یک معنا مهمان روحانیان ارجمندی هستیم که عمر خود را در راه دین خدا و خدمت به مردم سپری می‌کنند، سپاس‌گزاری می‌کنم به ویژه از ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد و همکاران‌شان که این فرصت را در اختیار بنده قرار دادند و تبریک می‌گویم اعیاد ماه‌های رجب و شعبان را. البته حسن انتخاب مناسبی بوده است تقارن برگزاری این جلسه با این هفته. در حقیقت با اغتنام فرصت از مناسبت‌های ماه‌های رجب و شعبان ائمه جماعات هم به استقبال ماه رمضان که بهار حضور مردم در مساجد است می‌روند، بی‌شک مرکز رسیدگی به امور مساجد از مؤسسات بسیار مهم و ضروری در کشور است که پس از وقوع انقلاب اسلامی تأسیس شده و باید سپاسگزار رهبر انقلاب اسلامی

CD شماره ۱۷

باشیم که این نیاز و این ضرورت را در این نهاد برآورده کردند، در باب نقش مسجد در اسلام حتماً سخنان بسیار شنیده و گفته‌اید و در این جلسات هم خواهند گفت و خواهید شنید و بنده فکر نمی‌کنم که نیازی باشد که من مطلبی که خدمت شما عرض کنم همین قدر می‌توانم بگویم که مسجد نماد اسلام و پرچم اسلام در کرهٔ زمین است، یعنی هرگوشه‌ای از دنیا که چشم شما به یک مسجدی بیفتد به یاد اسلام و قرآن و پیامبر می‌افتید و ما نمادی گسترده‌تر و دیرینه‌تر و اجتماعی‌تر از مسجد در معرفی اسلام سراغ نداریم و همان‌طور که اشاره کردند ما صاحب انقلابی هستیم، اسلامی و دینی، که رهبر این انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران این انقلاب را از مسجد آغاز کردند و با سازمان‌دهی در مساجد بود که این انقلاب عمدتاً به پیروزی رسید و این نقش باید هم چنان ادامه پیدا بکند. علت محدثه علت مبقیه هم باید باشد، خوش‌بختانه مساجد در ایران در نیم قرن اخیر تحولات مثبت خوبی پیدا کرده، هر یک از ما اگر به گذشته برگردیم و وضع مساجد و نقش مسجد را به طور کلی در جامعه،

از پنجاه سال پیش به این طرف بررسی کنیم، می‌بینیم که مسجد در جهان اسلام و در کشور ما گویی از یک خوابی بیدار شده و این دقیقاً همان بیداری اسلامی است که در جوامع مسلمان رخ داده است. یعنی ما می‌توانیم بگوییم که این بیداری اسلامی ـ که خصوصیت اسلام در این قرن است ـ در مساجد، با تحول نقش مساجد به ظهور رسید. مسجدی که مثلاً پنجاه سال پیش در محله‌های تهران بود چه اندازه نقش داشت و چه کارهای می‌کرد معمولاً مسجدهای نیم‌قرن پیش غیر از نماز جماعت و برگزاری مراسم در ایام خاص کار دیگری نداشتند و رابطهٔ جوانان با مساجد کم بود، حضور تودهٔ مردم در مساجد کمتر از امروز بود و سر و سامان نداشت، بسیاری از مساجد چه از حیث نظافت و چه از حیث امکانات مشکل داشت و بوی کهنگی از مساجد به مشام می‌رسید، منتها از همان سال‌های بعد از انقلاب، آرام‌آرام مردم با فرهنگ دینی و تربیتی ـ که پیدا کرده بودند ـ خصوصاً در دههٔ چهل و بعد از آغاز نهضت اسلامی به دست امام مساجد رفته‌رفته فعال شدند و مثلاً از اولین اقدامات در مساجد تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه بود که ما در تهران شاهد بودیم که مساجد در این زمینه تعریف تازه‌ای از خود به دست دادند. مردم مستمندی که مراجعه می‌کردند و گاهی ممکن بود افراد غیرمستمند خودشان را جا بزنند و مشکلات ایجاد بکنند، در مساجد این نهاد قرض‌الحسنه اسلامی پا گرفت یکی شروع کرد و دیگری از آن تقلید کرد و ما حالا چندین هزار صندوق قرض الحسنه در مساجد کشور داریم، این پدیده‌ای است که پنجاه سال پیش وجود نداشت، سپس مساجد به فکر تأسیس درمانگاه افتادند و بسیاری از مساجد با کمک مردم در کنار صندوق‌های قرض الحسنه، درمانگاه هم ساختند، قبل از این دو تا نهاد کتاب‌خانه در مساجد گسترش پیدا کرد و در کتاب‌خانه مساجد به روی مردم محله باز شد و کم‌کم کلاس‌های درس‌های گوناگون برای جوانان محله در مساجد شروع به کار کرد، این حرکت که قبل از انقلاب به صورت محدود آغاز شده بود هم زمینه‌ساز پیروزی انقلاب بود و هم با پیروزی انقلاب به اضعاف مضاعف تقویت شد، امروزه شما وارد بسیاری از مساجد که می‌شوید می‌بینید که مسجد ده کارکرد دارد، بسیج در آن‌جا مراقب انقلاب و خدمت

به مردم است، امام جماعت وظیفه تبلیغ و تعلیم و روشن‌گری و هدایت اخلاقی را برعهده دارد و نماز برپا می‌دارد و ارشاد می‌کند، کلاس‌های مختلف از نیروی جوانان و دانشجویان تشکیل می‌شود محصلان می‌آیند و در تابستان کلاس گذاشته می‌شود، صندوق قرض‌الحسنه خیریه در بسیاری از مساجد تهران برپاست. مؤسسات خیریه رسمی به ثبت رسیده که مستمندان محل را به طرق مختلف یاری می‌کند و کارهای دیگر، این تحول، تحولی مبارک است. در واقع می‌توان این حرکت جامعه اسلامی به سوی اسلام حقیقی را که اسلام اجتماعی و سیاسی است، در آیین تحول مساجد مشاهده کرد. این دو ازهم دیگر جدا نیستند. به هرحال اگر دین جدی است که برای ما هست، و اگر انقلاب ما و نظام ما نظام دینی و اسلامی است، نقش مساجد هم در کشور ما باید جدی گرفته شود. دیگر نمی‌توان مثل دهه‌های قبل از انقلاب مساجد را به امان خدا رها کرد که اگر خیّری پیدا شد و جایی مسجدی ساخته بشود و امام جماعت شایسته‌ای آن‌جا بود، چه بهتر کسی مسئول نیست و به هرحال کارها بدون برنامه و تقدیر رها شود. حالا یک جایی برحسب بخت و اقبال ممکن است خوب از آب دربیاید یک جاهایی هم بد، بنده اول انقلاب به یکی از مراکز استان‌ها سفر کردم دوست عزیزی از روحانیون خادم خدمتگزار به آن‌جا مأمور شده بود. ایشان به بنده می‌گفت فلانی در این شهر (مرکز استان) چهارده مسجد احداث شده که یکی از آنها امام جماعت ندارد. وضع مساجد در بعضی از مراکز استان‌ها این‌طور بوده است که امام جماعت راتبی که به هرحال آنجا مدیریت بکند نداشته، این نتیجه رها بودن مساجد بوده است. الحمدلله ما با قدم‌های خوبی که برداشته‌ایم به تدریج به سمت سامان‌دهی مساجد حرکت می‌کنیم، تا مسجد جایگاه حقیقی خود را پیداکند و البته الگوی ما همان مسجدالنبی مسجد پیامبر که پیامبر روزی که از مکه به مدینه هجرت فرمود در واقع آغاز تاریخ اسلام شد این هجرت از آن جهت آغاز تاریخ ما مسلمانان شده که با ورود پیامبر به مدینه تمدن اسلامی آغاز شده و این تمدن با حکومت اسلامی آغاز شده و حکومت در مسجد تأسیس شده است. این الگوی دائمی مساجد باید باشد در طول تاریخ اسلام و در واقع ما می‌توانیم بگوییم

که فرق مهم میان اسلام و مسیحیت تحریف شده امروزی در فرق میان مسجد و کلیساست، شما کلیسا را ملاحظه بکنید، کلیسا نقشی محدود دارد در جامعه مسیحیت امروز، اولاً روز معینی به کلیسا می‌روند که همان روز یکشنبه باشد فقط هم در همان محیط کلیسا اعمال عبادی انجام می‌دهند یعنی دین را در این مسیحیت تحریف شده امروزی و زمان را محدود کرده‌اند به روز یکشنبه و مکاناً در کلیسا و رابطهٔ قلبی و فردی میان انسان و خدا و دیگر اجازه داده نمی‌شود به نهاد مسیحیت، که از کلیسا در کار حکومت مداخله کند، شما ملاحظه کنید، دستگاه پاپ با همه عظمت ظاهری خود یکی از جاذبه‌های جهانگردان در شهر روم است و همین واتیکان از نظر هنری و ساختمانی از نظر ثروت و تشریفات فوق‌العاده است، ولی این دستگاه با این عظمت در قلب شهر روم اجازه و قدرت و امکان ندارد که اگر پارلمان ایتالیا قانونی برخلاف نص مسیحیت تصویب و تثبیت کرد، دستگاه مرکزی کلیسا مانع از آن مصوبه و قانون بشود. این سرنوشت دین در جامعه غربی امروزی است که این معنا همان سکولاریسم معنای لائیک بودن است. این معنای جدایی دین از سیاست است. این معنای جدایی دین از مسائل اجتماعی و اقتصادی جنگ و صلح و غذا و تعلیم و تربیت است، یعنی کلیسا هست آداب دارد، جمعیت زیاد میلیونی هم می‌آیند پای سخنرانی پاپ، ولی پاپ غیر از نصیحت کار دیگری نمی‌تواند بکند، نتیجه را هم می‌بینید که امریکا لشکر می‌کشد دنیا را به آتش می‌کشد، آدم‌کشی می‌کند انگلستان هم همین طور، دیگران هم همین طور، در همه جا کلیسا وجود دارد اما هیچ اثری ندارد، سیاست از دین و اخلاق و ارزش‌های معنوی جدا و برای تسلط بر جان و مال مردم هر جنایتی می‌کنند و کلیسا جز تماشا کار دیگر نمی‌تواند بکند، باید تأسف خورد از این که دین خدا به هر شکلی این‌طور دست و پا بسته و تشریفاتی بشود، فرق میان اسلام و مسیحیت باید در همین نقش مسجد باشد. مسجد در شؤون مختلف اجتماعی و سیاسی باید حضور داشته باشد و انقلاب اسلامی ما حدوثاً و بقاءً مدیون این واقعیت است، شما می‌دانید که امروزه امریکا شیوه تازه‌ای برای گسترش نفوذ خود و تسلط بر کشورها پیدا کرده‌اند، آن هم این روش

انقلاب‌های رنگی و مخملی است. آنان در کشورهای که می‌خواهند تسلط پیدا بکنند سازمان‌هایی درست می‌کنند که به فارسی می‌گویند سازمان مردم نهاد و مخفف فرنگی آن Engo است. این سازمان‌های غیردولتی را غربی‌ها خیلی تقویت می‌کنند. امریکایی‌ها پول می‌دهند و پشتیبانی می‌کنند، و ناراضی‌ها را توی این سازمان‌ها سازمان می‌دهند، جمع می‌کنند و به دست آنها کارهایی را راه می‌اندازند. این فرمول کار امریکایی‌هاست و در سال‌های اخیر در کشور ما هم از این برنامه‌ها داشتند و دارند. شما مطلع‌اید. عاملی که می‌تواند به عنوان سازمان مردم نهاد اسلامی در پشتیبانی از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در برابر این توطئه‌ها و نقش‌ها بایستد و این نقش‌ها را خنثی بکند عمدتاً مسجد است، یعنی هیچ نهادگسترده دیگری مانند مسجد همه جا حضور ندارد و مردم متعهد و متدین به انقلاب و دین و اسلام در آن‌جا حضور ندارند، این است که ما باید نقش مساجد را در حفظ انقلاب و وحدت مردم در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی بسیار مهم بدانیم، بنده از همین فرصت استفاده می‌کنم و بحثی هم مختصراً مطرح می‌کنم در باب دولتی شدن مسجد. این یک بحثی است، ما می‌دانیم که در کشور ما قبل از انقلاب، روحانیت، مرجعیت، حوزهٔ علمیه و مساجد، مستقل از دولت بودند. این‌طور نبود که امام جماعت مساجد را مثلاً وزارت اوقاف معین کند، یا مثلاً یک متنی بنویسند از جانب دولت و دست خطیب‌ها بدهند در مساجد که امروز شما باید حتماً این را بگویید، هم‌چنین رابطه‌ای قبل از انقلاب میان روحانیت وجود نداشته الآن هم وجود ندارد و بزرگان ما این را نقطه مثبت می‌دانستند و می‌دانند و اصل هم همین است که مساجد باید استقلال خود را حفظ بکنند، روحانیت هم باید استقلال خود را حفظ بکند، ولی این حفظ استقلال قبل از انقلاب معنای دیگری داشته و بعد از انقلاب هم معنایی دیگر دارد، وقتی مرجع بزرگ تقلید این کشور یک روحانی والا مقام مثل امام رهبری یک انقلاب را به دست می‌گیرد و از حوزهٔ علمیه پرچم دخالت در سیاست و تشکیل حکومت اسلامی بلند می‌شود و مراجع همراهی می‌کنند و شاگردان امام در اقصی نقاط در مساجد قدم به مبارزه می‌گذارند مردم را بسیج می‌کنند و مساجد می‌شوند

مبدأ راهپیمایی و تمشیت امور و به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی در یک چنین فضایی دیگر استقلال مساجد نباید به معنای قبل از انقلاب تفسیر شود. باید مساجد به یک معنا غیردولتی باقی بماند و اصولاً دولت باید مسجدی بشود، به جای این‌که مسجد دولتی شود، یعنی باید دولت و نظام به مسائل مسجد توجه داشته باشند، زمانی در مسجد، در آن کمیسیون که بنده عضو بوده‌ام صحبت از اختصاص بودجه، مثلاً برای خانه عالم در روستا که آقای روحانی به روستاها می‌رود لذا باید فکر بکنیم که آن بی‌سر پناه نباشد، یک بودجه اختصاص بدهیم یک کسی در آن دوره شعار می‌داد که خیر مسجد نباید دولتی باشد، ما نباید بودجه بگذاریم، برای این که خود مردم باید این کارها را بکنند حالا من نیت ایشان را نمی‌دانم چه بود، ولی نتیجه کار این بود که نظام جمهوری اسلامی برای هرکاری بودجه بگذارد، حتی برای تعمیر کلیسا و معابد غیرمسلمان‌ها بودجه بگذارد و من مخالف آن نیستم چون آنها در پناه ما هستند، آن وقت صحبت از مسجد و خانه عالم و بودجه‌گذاری برای امور دینی که می‌شود خوش‌بختانه در مجلس هفتم، این نگاه عوض شده و برای اولین بار ظاهراً ردیفی برای بودجهٔ مساجد اختصاص داده و تصویب شده است و بنده البته تصدیق می‌کنم که مبلغی که اختصاص داده شده بسیار کم‌تر از نیاز این نهاد بزرگ است، ولی مهم این است که این جاده کشیده شده، حالا می‌شود آن را عریض و آسفالت کرد، گردنه‌هایش را برطرف نمود، اما راه ایجاد شده، این نگاه مجلس هفتم به مساجد است و ما حتی قانون بیمه خدام مساجد را به تصویب رسانیدیم و کم‌کم باید فکر کنیم و ببینیم خلاءهای قانونی مطرح درباره مساجد کجاست. مخصوصاً من از مرکز رسیدگی به امور مساجد خواهش می‌کنم که با نظر ائمه جماعت کارکارشناسی بکنند و لایحه را شما به ما پیشنهاد بکنید که باید از بطن و متن مجموعه خود شما به ما داده شود، در حد امکان ما هم تلاش می‌کنیم و دولت هم خوش‌بختانه همراه و هماهنگ است و مساجد بدون آن‌که استقلال خود را از دست بدهند باید کمک بشوند، باید برای مساجد تدبیر شود و اصولاً خیلی جاهاست که اگر دولت تدبیر نکند کسی دیگر حضور ندارد که آنجا مسجد درست کند، بنده چند ماه پیش از جاده بزرگراه ساوه

به تهران می‌آمدم پیش خودم فکر کردم که نماز را ما بین راه ساوه و تهران بخوانیم هرچه پیش آمدیم دیدیم مسجدی دیده نمی‌شود چندصد میلیون تومان صرف شده یک بزرگراه ساخته شده چند ده میلیون تومان خرج نشده در دو طرف جاده برای مسافران مسجد درست شود. این خیلی جای تأسف دارد، آمدم به وزیر راه تلفن کردم، گفتم آقا چطور غفلت شده از چنین امر مهمی ایشان قول دادند و حالا شما فکر کنید اگر بزرگراهی و جاده‌ای ساخته می‌شود آنجا که اهالی محل ندارد اما مسجد ساخته می‌شود چه کسی باید متولی شود خادم شود. فرش کهنه می‌شود و شیر آب احتیاج به تعویض دارد کسی نیست آنجا باید سازمان‌دهی شود تدبیر شود و به هرحال خلاصه عرضم در این قسمت این است باید استقلال مساجد باز تعریف شود یعنی تعریف مجدد باید بکنیم از استقلال مسجد در جمهوری اسلامی و باید در عین تأکید بر استقلال مساجد تأکید کنیم بر ارتباط مساجد با حکومت و وظیفه حکومت نسبت به مساجد و وظیفه مساجد بالنسبة به حکومت این‌ها را کاملاً باید شفاف و مشخص تعریف کنیم و قدم به قدم باید لوازم قانونی و اجرایی آن را تأمین کنیم.

یک مطلب دیگر هم عرض می‌کنم و آن این است که مسجد اگر مهم است، که مهم است، باید مانند زنجیری تمام حلقه‌های آن مرتبط و به هم متصل باشد یعنی مسجد نهادی الهی اجتماعی است که باید کاملاً برای آن برنامه‌ریزی کرد، بنده مثالی می‌زنم برای تقریب به ذهن شما در جامعه محتاج بهداشت و درمان هستید، نهاد بهداشت و درمان در هر جامعه‌ای هست. برای تأمین بهداشت و درمان چه کارهای باید کرد، اول باید نیروی انسانی تربیت کرد، پزشک، پرستار، بهیار و انواع و اقسام خدماتی که این شغل احتیاج دارد، خوب حالا شما ببینید که در کل کشور ما چند دانشگاه علوم پزشکی داریم و چند تا دانشکده پرستاری داریم و چقدر دوره‌های تخصصی داریم، همه این‌ها برای این است که برای جامعه نیروی انسانی مشمول خدمت در بخش بهداشت و درمان احداث درمانگاه و بیمارستان به تناسب اوضاع و احوال با ظرفیت‌های مختلف و با امکانات مناسب، بعد استخدام افراد برای اداره آنها و تأمین نیاز آینده آنها باید فکر بکند و هزار کار دیگر که من اگر بخواهم جزئیات را بگویم

وزارت بهداشت و درمان ما و دولت ما برای تأمین بهداشت و درمان مردم چقدر کار می‌کند، مثلاً بازآموزی پزشکان، شما می‌بینید در هر تخصصی فرض کنید چشم پزشکی، هر سال، آخرین دست آوردهای جهانی در بازآموزی‌ها به متخصصان این رشته منتقل می‌شود و لازم هم هست که این کار بشود یا مثلاً ایجاد تخصصی به نام پزشک خانواده برای بیماری‌های عمومی یا مثلاً خانه بهداشت در روستاها و فواصل آنها و این‌که کجاها چه بیمارستانی باشد و چه دستگاهی در کجا باشد بنده می‌خواهم بگویم این مجموعه را در نظر بگیرید که چه ابعادی دارد، عین این برنامه‌ریزی متناسب با کار شما باید در زمینهٔ مساجد باشد، اولین سؤال این است که ما در کشور چند مساجد احتیاج داریم هر چند هزار نفر یک مسجد می‌خواهند الآن مثلاً استانداری وجود دارد می‌گویند که هر پنج هزار نفر یک داروخانه باید داشته باشد، مسجد هم همین‌طور است، ما یک وقت می‌بینیم که در یک کوچه چهارتا مسجد از اول تا آخر کوچه بعد رو به آن طرف می‌کنیم می‌بینیم یک بخش وسیعی از شهر توسعه پیداکرده یک میلیون جمعیت در آن جاست اما مسجدی متناسب با آنان ساخته نشده که حکایت از بی‌برنامه‌ای ما می‌کند. باید در توسعه شهری ـ همان‌طور که مدرسه لازم است ـ مسجد هم حتماً پیش‌بینی شود، الآن روی کاغذ ممکن است پیش‌بینی شود حتی در مورد مدرسه هم خیلی وقت‌ها غفلت می‌شود، مساجد که اصولاً متولی ندارد، اما مدرسه را مردم داد و فریاد می‌کنند که بچه راکجا بفرستیم، اما مسجد اگر نبود آن که نماز می‌خواند در خانه‌اش نماز می‌خواند، یعنی مدعی ندارد و نوع نگاه به مسجد این نیست و بعد شهرها و روستاهایی که مسجد نداشته باشند یا متناسب با نیاز نداشته باشند و درکنار این ما باید ببینیم سالی چند تا امام‌جماعت می‌خواهیم، مثل این که الآن می‌گوییم سالی این‌قدر پزشک می‌خواهیم و آن وقت باید کسی که می‌خواهد امام جماعت بشود آموزش مخصوص این وظیفه را ببیند. یعنی قطعاً برای آینده بنده پیش‌بینی می‌کنم که با این تحول مبارک و مثبت و با شیب آرام حرکتی در حوزهٔ علمیه آغاز شده یعنی در آینده عده‌ای از طلاب بعد از این‌که دوره‌های مقدماتی راگذرانده‌اند انتخاب می‌شوند تا به عنوان امام جماعت منصوب شوند

و دوره‌های آموزش معینی متناسب با اداره مسجد ببینید این‌طور باید حرکت کنیم کیفاً هم باید معلوم بشود که چه می‌خواهیم و هم کماً مثل تربیت معلم، ما در آموزش و پرورش چه کار می‌کنیم، می‌گوییم سال دیگر این‌قدر بازنشسته می‌شوند از این دوره این‌قدر دانش‌آموز وارد می‌شود، رشد دانش‌آموزان مدرسه جدید این است، در این رشته به این عده معلم احتیاج داریم، فلان مرکز تربیت معلم امسال می‌گیرد دو سال دیگر فوق دیپلم می‌دهد لیسانس آموزش می‌دهد. عین همین کار باید برای مساجد شود و بعد پشتیبانی بشود امکانات، بازآموزی، بازرسی، سرکشی آن اتفاق که در مسجد ارگ افتاد چقدر باعث تأسف بود به چه علت برای این‌که ما مسئله ایمنی در مساجد را جدی نگرفته‌ایم اگر مسئله ایمنی جدی گرفته شود این اتفاقات کمتر می‌افتد و خیلی ابعاد دارد و واقعاً باید مرکز رسیدگی به امور مساجد با آن مرکز پژوهشی به وجود آمده و بنده ملاحظه کردم خیلی خوشحال شدم با این نگاه برود به سمت آینده و سرانجام عرض آخرم تمسک به این آیه مبارک قرآن کریم است که می‌فرماید:

﴿و ما ارسلنا من رسول الاّ بلسان قومه﴾.

بنده می‌خواهم عرض کنم که امام جماعت هر مسجد باید با لسان اهل آن منطقه با آنها صحبت بکند، منظور از لسان آن نیست که فارسی زبان باشد، بنده از باب جری این لسان را توسعه می‌دهم و می‌گویم این یک اشاره به فرهنگ دارد یعنی امام جماعت هر شهر و هر محله‌ای باید سنخیت فرهنگی با مردم آن منطقه داشته باشد، کسی ممکن است برای یک شهرک در جنوب شهر امام جماعت خوبی باشد ولی اگر همان فرد منتقل شود به یک منطقه در شمال شهر تهران این فرد ممکن است فرهنگ آن منطقه را نشناسد و موفق نباشد، این یک نکته است، من از مفصل این نکته مجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از آن مجمل، دیگر وقت نیست که این را باز بکنم ولی تقاضا می‌کنم دوستان محترم به این نکته توجه داشته باشند و سرانجام این‌که هرجا دیدم یک روحانی خدایی هوا کشته، خوش ذوق، خدمتگزاری بود آن محله روشن معطر و آرام است واقعاً همین‌طور است،

یعنی نقشی که شما دوستان و امثال شما می‌توانید در بهبود جامعه ایفا کنید نقشی بی‌بدیل است، یعنی نه معلم و نه پلیس نمی‌تواند آن آرامش را که یک روحانی از نظر اخلاق اسلامی صفایی معنوی می‌تواند در مردم ایجاد بکند ایجاد کند. شما مقام بسیار والا دارید هم نزد مردم و هم ان‌شاءالله نزد خدا، ما و همکاران، در این جلسه شماری از نمایندگان مجلس حضور دارند افتخار می‌کنیم که خدمتگزار اسلام و خادم مسجد باشیم. ان‌شاءالله.

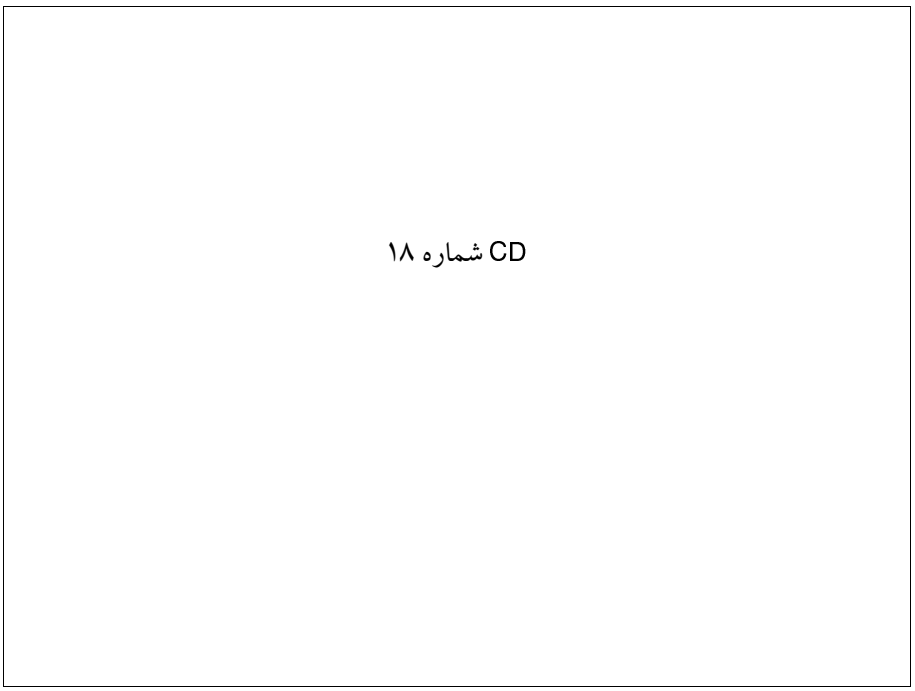
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

CD شماره ۱۳

گزارش کمیسیون مسجد مطلوب اسلامی

حجةالاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی دبیر کمیسیون:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. در ابتدا ضمن تشکر از حضور عزیزان برای استفاده از انظار دوستان من مسئله مسجد مطلوب راکه موضوع کمیسیون است با طرح چند سؤال آغاز می‌کنم:



ـ مسجد مطلوب در شهر اسلامی از نظر موقعیت، جایگاه ساخت، مهندسی چگونه باید باشد؟

ـ آیا مسجد باید مناره داشته باشد؟ آیا کاشی‌کاری‌ها به شکل‌های فعلی مطلوب است یا خیر؟

ـ آیا نقش‌ها و نوشته‌های نقش‌گونه در مساجد مطلوب است؟

ـ آیا نصب علم‌ها وکتل‌ها در مسجد جایز و مطلوب است؟

ـ آیاکارکردهای فعلی مساجد مورد تأیید است یعنی خواندن نماز آنهم در برخی مساجد تنها یک وعده یا مساجد باید کارکردهای گوناگون داشته باشند؟

ـ آیاکارکرد اقتصادی نظیر صندوق قرض‌الحسنه برای مسجد مطلوب است؟

ـ آیا مسجد کارکرد آموزشی دارد یا نه؟

ـ آیا مساجد کارکرد سیاسی باید داشته باشد؟

ـ آیا مساجد باید موضع سیاسی اتخاذ کنند یا نه؟

ـ آیا امام جماعت از نظر لباس و پوشش از نظر معاشرت و آداب از نظر جایگاه و موقعیت در وضع مطلوبی قرار دارد؟

ـ آیا اکنون نوع امام جماعت‌ها به‌طرف خدا می‌ایستند و بلافاصله روی به خلق برمی‌گردانند آن‌گونه که پیامبر عمل می‌کرد یعنی بلافاصله بعد از نماز به طرف مردم روی برمی‌گرداند و یا اصلاً منبر و محراب یعنی یک روی به سوی خدا و بلافاصله روی به سوی مردم فلسفه خود را از دست داده‌اند؟

ـ آیا مساجد باید کارکرد دفاعی و نظامی داشته باشد یا خیر؟

ـ آیا مساجد از نظر نظافت وضع مطلوبی دارند یا نه؟

ـ آیا سکوت و آرامش موجود امروز در مساجد مطلوب است یا باید تغییر کند؟

حجةالاسلام والمسلمین عباسی:

عده‌ای با زنده کردن قومیت و تحقیر ملیت‌ها باعث اختلاف می‌شوند در حالی‌که مساجد کارکرد ایجاد اتحاد در جامعه دارند از سوی دیگر مساجد باید مستقل باشد و در جهت حاکمیت ارزش‌های اسلامی حرکت کنند. مسجد مطلوب باید از نیروی انسانی کارآمد و نیز امکانات لازم برخوردار باشد.

حجةالاسلام والمسلمین آقای مبین:

با تأکید بر لزوم داشتن نیروی انسانی کارآمد و نیز امکانات و ساختار مدیریت مطلوب فقدان این‌ها در مساجد خیلی مشکلات ایجاد کرده، حتی جایگاه مساجد برای خود ائمه‌جماعات و نیز حتی شهرداری‌ها مشخص نیست.

امام جماعت تربیت نکرده‌اند در خود مسجد از امام جماعت حمایت نشده است. امام‌جماعت طبق شرح وظایف مرکز مساجد ناظر بر بسیج است، ولی هیچ‌گاه مسؤول بسیج گزارش کار به روحانی و امام جماعت نمی‌دهد. باید مدیریت مسجد به صورت قانونی مشخص شود تا مسجد مطلوب حاصل شود.

خانم اشراقی:

در مساجد بعد از سخنرانی فقراء و محرومان به ما مراجعه می‌کنند و ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم فقط می‌توانیم بگوئیم ما برای شما دعا می‌کنیم. پس باید کاری بشود که هر مسجدی فراخوان بدهد که در محله هرکس می‌تواند در ارتباط با مسجد کار کند بیاید و کار کند، پزشک دو روز در مسجد طبابت کند، معلم بیاید تدریس کند، پس مسجد مطلوب در صورتی است که پاسخگوی نیاز محرومان باشد. کمیته امداد اسلامی یک رابطه نظامند با مساجد برقرارکند تا افرادی راکه مساجد معرفی می‌کنند مشکلات‌شان حل شود. با توجه به مشکلات سر و صدای بچه‌ها، خانم‌ها نمی‌توانند تمرکز داشته باشند، مهد کودک برای بچه‌ها حداقل در روزهای شلوغ درکنار مسجد باشد تا مطلوبیت حاصل شود.

حجةالاسلام والمسلمین اصغری:

در ساخت مسجد باید افراد متدین و متقی اقدام کنند. «**لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه**» بانی مسجد باید متدین و متقی باشد و اهداف غیرالهی نداشته باشند. امام جماعت بایدگزینش شود و نیز آموزش داده شود. به مأمومین هم باید آموزش داده شود. مسؤولین مسجد باید جاذبه داشته باشند. پس کارگزاران و مأمومین مسجد باید مطلوب باشند. بسیج مطلوب، نظم در مساجد و امکانات سرمایشی و گرمایشی و نیز مرتب بودن مساجد در رسیدن به مسجد مطلوب اسلامی نقش دارند.

خانم غفوری:

امام جماعت باید جاذبه داشته باشد و جوان باشد و مسائل اجتماعی و اطلاعات جامعه‌شناسی و روانشناسی خوبی داشته باشد. امام جماعت باید بداند برخوردهای قبلی دیگر در شرایط فعلی کارآئی ندارد. تضادها را باید حل کنند. مردمی بودن مساجد یکی از عوامل مطلوبیت مسجد می‌باشد.

حجةالاسلام والمسلمین ربانی:

تسلط امام جماعت براحکام فقهی در مطلوب بودن مساجد نقش دارد. همچنین سکوت و نظم از معیارهای مسجد مطلوب می‌باشد.

حجةالاسلام والمسلمین کرباسی:

برای رسیدن به مساجد مطلوب در جامعهٔ اسلامی باید مرکز مساجد جنبه ولایی داشته باشد که بتواند سیستمی تعریف کند اهداف را مشخص کند برنامه بدهد مثلاً هدف نماز **تنهی عن الفحشا والمنکر** است. معاونت‌های گوناگون تحقیق کنند و الگوهای عملی برای مسجد مطلوب ارائه دهند معیارها و ملاک‌های پدید آورند تا مسجد مطلوب را تدوین کنند

و رقابت سالم هم بین مساجد قرار شود. همچنین مرکز مساجد می‌تواند با مشاوره دادن به ائمه جماعات و مسؤولین مسجد جهت حل مشکلات به ایجاد مسجد مطلوب کمک کند. همچنین با طرح یک پرسش‌نامه تجربیات ائمه جماعات اخذ و به سایرین داده شود.

مهندس سیفیان:

معمولاً می‌گویند اگر محصولات را می‌خواهید بسنجید یک مقدار از نظر مصرف‌کننده بپرسید ما به عنوان نمازگذار مسجد می‌خواهیم نظر بدهیم در مسجد مطلوب سه مؤلفه وجود دارد:

قسمت سخت افزاری مسجد و قسمت نرم‌افزای مسجد و نیروی انسانی مثل اسلحه‌ای که اگر بهترین اسلحه را به یک فردی بدهیم ولی نتواند استفاده کند یعنی شرایط احراز یک رزمنده را نداشته باشد تمام این عوامل معطل می‌ماند الان من مسجدی سراغ دارم در تهران بهترین ساختمان و بهترین سیستم صوتی و همه چیز دارد نتوانسته نمازگذار جدید جذب بکند بلکه نمازگذاران سنتی خود را هم از دست داده و حتی بلند می‌شوند می‌روند در جایی دیگری فقط بخاطر امام جماعت. من عرضم خدمت حضرت عالی این است که این صحبت‌ها واقعاًکاربردی بشود چون فرمایش حضرت‌عالی هم بود و در صحبت‌های آقای حداد عادل هم بود و اگر صرفاً تبدیل به‌گزارش بشود و سال دیگر درکتاب مسجد بیاید هیچ اثری ندارد ولی در رابطه با این سه مؤلفه من خودم چون یک مقدار تخصصم توی مسائل نیروی انسانی هست مسئله شرایط احراز پست شما اگر یک وزارت خانه یا یک سازمانی را به دست یک مدیر که فاقد شرایط احراز باشد بدهید تمام منابع را از بین می‌برد ما در رابطه با مسجد و شخصیت امام جماعت می‌گویم امام جماعت در نفس کلمه امامت مسئله رهبری است بالاتر از مدیر مسجد است مدیریت مسجد یک جزءای از وظایف امام جماعت است امام جماعت به قول مدیریت امروز بحث کاریزما را مطرح می‌کند یعنی نفوذ معنوی ببینید اگر یک امام جماعت شخصیت آن چنان باشدکه زیر یک چادر نماز بخواند ساختمان به وجود می‌آید و نمازگزار به وجود می‌آید حضرت امام در اوّل انقلاب

می‌فرماید بریزید توی خیابان و مرحوم میرزای شیرازی می‌گوید نکشید قلیان اینها شخصیت‌ها هستند بینید حاج آقا آن موقع زمان شاه که بی‌حجابی بود ایشان توی محله راه می‌رود بی‌حجاب‌ها حساب می‌برند حالا شخصیت چقدر تأثیر داشت روی مؤلفه‌ها عرض کردم شاخص شود مخصوصاً به نظر من عامل تعیین کننده عامل امام جماعت است. امام جماعت را اگر با یک مکانیسم خوب انتخاب بشود از یک طرف گفتیم دولتی نباشد مثل عربستان و کشورهای دیگر از این طرف نمی‌توانیم رها کنیم مسجد را، من از حضور حضرت‌عالی خواهشم این است چون دارید در این مسئله کار می‌کنید روی اینها اولاً شاخص تهیه بشود و در ثانی کاربردی شود و اگر این آقایان اعضای کمیته هستند مجدداً در طول سال تشکیل بشود و ارزیابی عمل کرد بشود ما یک تحقیق میدانی بکنیم بین مساجد من الان مسجدی سراغ دارم بسیجی‌ها مثل پروانه دور امام جماعت می‌گردند خود حضرت‌عالی اشاره کردید جلوی مقام معظم رهبری یکی از آقایان صحبت بسیج کرد آقا فرمودند حرفش را نزنید بسیج باید حمایت بشود واقعاً روحانیون اینجا بحث جناحی نکنند شاخص بدهند توی خود ریاست جمهوری متأسفانه حالا من اسم نمی‌برم آمدند از یک شخصیتی اسم بردند اینجا تقابل پیش آمد این‌ها شاخص بدهند امام جماعت تقوا داشته باشد مدیریت داشته باشد و خودشان را آلوده مسائل جزئی نکنند قسمت عرض اصلی‌ام این است که راجع به شرایط احراز امام جماعت کار بشود.

حاج آقای مغیثه:

من می‌خواهم مشکلات مساجد را بیان کنم. بلکه مساجد مطلوب از آن مشخص شود اولین مشکل من می‌بینم در اداره مساجد هست شما نگاهی بکنید وزارت ارشاد کانون فرهنگی هنری دارد. سازمان تبلیغات امور مساجد دارد بسیج و سپاه برنامه توی مسجد دارند. سازمان اوقاف برنامه توی مسجد دارد. شهرداری برنامه توی مسجد دارد. می‌خواهم بگویم هشت تا نه سازمان توی مسجد نقش دارند مسجد شده جگر ذلیخا این را من احساس می‌کنم که من سابقه چهار و پنج ساله در مرکز دارم درد مسجد را می‌دانم وقتی من بدانم یک نفر

دارد با من کار می‌کند نه اینکه از اینکه امور مساجد بیایند بگویند آقا من کتاب می‌دهم و اوقاف فلان موضوع بعدی بحث امام جماعت که سه وعده در مسجد چرا نیست چرا امام‌جماعت نمی‌تواند در مسجد سه وعده نماز بخواند چرا درِ مسجد سه وعده باز نیست چرا در مسجد ما سه وعده نماز نداریم عرض کنم از ظهر تا بعد از مغرب باید باز باشد نه نماز تمام می‌شود مردم را بیرون‌کنند و در را ببندند خادم راحت باشد هیئت امنا چه نگاهی به مدیریت مسجد دارد عرض کنم به خدمت شما که هیئت‌های مذهبی که از خود مسجد متولد شده‌اند این‌ها پر و بال‌گرفته‌اند و از خود مسجد متولد شده‌اند و تمام مناسبت‌ها مراسم دارند مسجد می‌ماند و حوضش من نمی‌دانم این یک مشکلی است باید ریشه‌یابی کنیم چرا این هیئت‌ها به اینجا رسیده‌اند عذر می‌خواهم از خانم‌ها چون حضور دارند و بزرگواری می‌کنند یکی از مبارزین خود حقیر بودم از آقا فتواگرفته بودم که این عمل حرام است وقتی ایستاده بودم در مسجد تا سحر بخدا قسم خانم جلسه‌ای گفته اگر هفت تا مسجد نری فلان می‌شود عرض کردم البته خواهرانی هستند که برنامه‌های خوبی دارند یکی از نمونه‌هایش این است که یکی از خواهران در مسجد خود من یکی از شاگردانش خانم خود من است افتخار می‌کنم یعنی برای کلاسش تمام برنامه‌های ما را به هم ریخته است پس معلوم است که کارکرده.

توجه به مکان مخصوص خواهران یکی از مهمترین موضوعات است که ائمه‌جماعات کمتر توجه می‌کنند فرش‌های کهنه و پشتی‌های کهنه عرض کنم در شبستان خانم‌ها ما خیلی بی‌توجه هستیم این حقیقت‌های تلخ بررسی شود که چرا در این جلسات مهم که خود ما اجتماع می‌کنیم اهمیتی به نماز جماعت داده نمی‌شود متأسفانه همش نماز ما توی حاشیه است با این که خودمان امام جماعت‌ایم نه امام جماعت راتبی و مرتبی داریم برای این جلسات بدانیم آقاکی نماز می‌خواند برایش سر بشکنیم عذر می‌خواهم به شخص کار ندارم هر که برسد بدون عبا و قبا معذرت می‌خواهم استاد بود بزرگ بود ولی فیلمبردار گفت به آقا بگوید یک عبا بیندازد ماگفتیم آقا ناراحت شد.

حاج آقا رضایی:

من جمع‌بندی کنم. سروران که خودشان امام جمع‌اند و با مسجد مرطبتند ۳۳ نکته فرمودند در مجموع شاید در مواردی تداخل داشته باشد ولی تداخل آن چنانی ندارد این به صورت یک کتاب در آینده بسیار نزدیک خدمت‌تان داده می‌شود این نکات که الان فرمودند که نکات بسیار زیبا و مناسبی بود و تجربیات و بالاخره یافته‌های آقایان است غیر از این است که بنشینند فکر کنند و بنویسند یافته‌های که براساس واقعیت‌های موجود توی مساجد این جمع الان فرمودند ۳۳ نکته شد تلاش می‌کنیم مستندسازی کنیم ادله‌شان را نگاه می‌کنیم و ارائه دهیم.

یکی از آقایان:

اولین نکته بحث سه وعده بودن نماز است که در جایگاه اول باید قرار بگیرد این بحث اُسس علی التقوی که ایشان فرمودند این عده‌ای را در مساجد پیر می‌کند این نکته‌ای که باید بررسی بشود با پول چه کسانی این مساجد ساخته می‌شود دور شدن خانوده‌های معاصر از مساجد باید بررسی شود چرا خانواده‌های اخیر ما که الان در فضای محله هستند از مساجد دور هستند عمدتاً روابط اختلافی در مساجد نباید کشیده بشود به مردم، برخی از مردم برای اینکه سوء استفاده بکنند از موقعیت‌شان گاهي روابط برقرار می‌کنند.

ساعات فراغت امام جماعت باید مشخص بشود امام جماعت مجبور است هرجا که می‌رود ظهر مسجد باشد و هر جا که می‌رود شب مسجد باشد این فرسودگی جسمی ایجاد می‌کند و بعلاوه فرسودگی ذهنی ایجاد می‌شود و از جامعه جدا و کنده می‌شود بحث روابط پویای امام جماعت با ساختارهایی مختلف است جوان و نوجوان و کودک و کهن سال اینها باید از ابتداً تعریف بشود و ابلاغ بشود به امام جماعت، نباید امام جماعت خودش را تافته جدا بافته از مردم بداند بعد مهم‌ترین نکته و آخرین مطلب این است که اصلاً تعریف مسجد باید در زمان ما تغییر کند یک تعریف جدیدی باید ما از مسجد داشته باشیم.

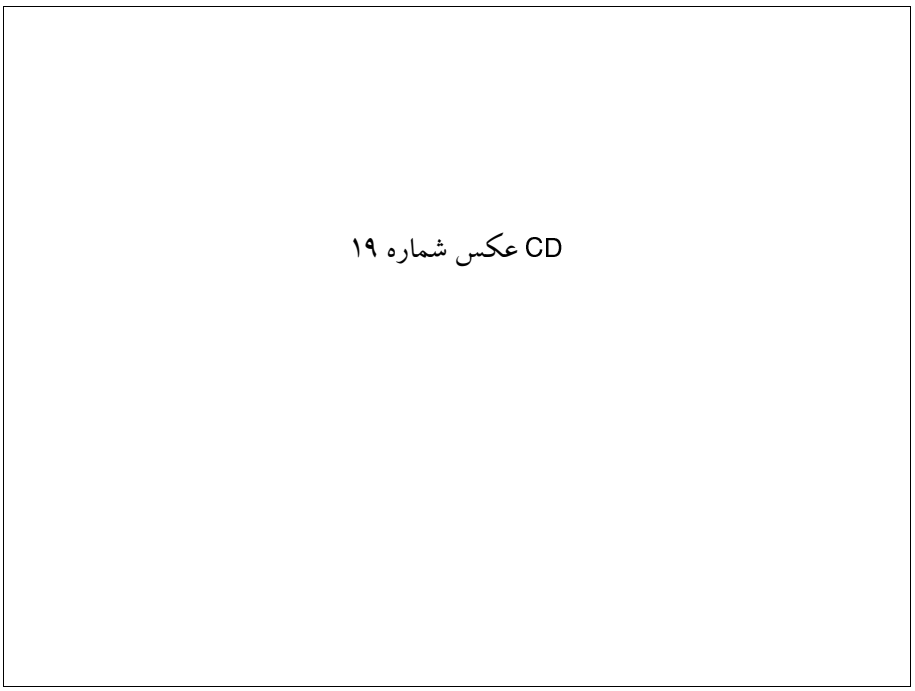
دبیر کمیسیون:

در انتها این بحث تعریف جدید از مسجد صرفاً نباید از سوي دولت انجام بگیرد چون این امر، امر ولایی است باید به دستور و تأیید خود مقام معظم رهبری باشد من از همه سروران تشکر می‌کنم خدا ان‌شاء الله خودش به شما خیر بدهد و ان‌شاء الله بتوانیم از این اندیشه‌های شما استفاده کنیم.

گزارش کمیسیون مسجد پایگاه اتحاد و انسجام اسلامی

حجةالاسلام والمسلمین غرویان دبیر کمیسیون:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. همان‌طور که دین ریشه در فطرت انسان دارد نمادهای دینی و پایگاه‌های دینی مثل مسجد ریشه در فطرت دارد به این راحتی مسجد و سایر نمادهای



دینی و مذهبی را نمی‌شود از دست بشر گرفت. مسجد در واقع ریشه در فطرت انسان دارد برای این‌که دین ریشه در فطرت دارد «**فطرت الله التی فطر الناس علیها**» بنابراین ما می‌توانیم بگوییم محکم‌ترین پایگاه دینی مسجد است و اگر بخواهیم این اندیشه وحدت را پیش ببریم باز باید از مسجد آغاز کنیم مسجد قداست و فضایی که ایجاد می‌کند فضایی معنوی که دارد بهترین مسیر پیاده‌کردن اندیشه وحدت بین مسلمانان بین شیعه و سنی بخصوص این بعد بسیار شاخصی است که مسجد چه کار می‌تواند برای تحقق وحدت ملی و انسجام اسلامی داشته باشد در این زمینه‌ها ما می‌خواهیم اگر نقطه نظراتی سروران عزیز دارند مطرح بفرمایند و با توجه به این خیلی هم نمی‌خواهیم وقت عزیزان گرفته شود در ظرف پنج دقیقه ارائه بفرمایند.

مسجد می‌تواند به عنوان یک مرجع مردم برای وحدت روشنگری برای مردم و به عنوان افشاگر توطئه‌ها قرار بگیرد. مسجد می‌تواند به عنوان خانه خدا مردم را آگاه بکند مردم را از جهالت و نادانی نجات دهند و این مسئله خیلی مهم در مورد سیاست است که دشمن ما اصولاً سعی می‌کند تمام راه‌کارها را بررسی می‌کند از دشمن ما تمام راه‌کارها را شناسایی و از تمام راهکارهایی موجود استفاده می‌کند. لذا ما همیشه کارهای خوب می‌کنیم راهکارهای مفید شناسایی و اگر به بمب بست بخورد نتیجه نمی‌گیریم یا عقب می‌افتاد ولی دشمن تمام راه‌کارها را استفاده می‌کند هم مسئله بمب هسته‌ای هم جنگ‌روانی و هم ویدئو و هم ماهواره و هم اینترنت یعنی از تمام راه‌کارها که احتمال دارد به هدف دسترسی پیدا کند استفاده می‌کند.

یکی از شرکت‌کنندگان:

اگر مقام معظم رهبری فرموده‌اند وحدت ملی و انسجام اسلامی این دو مقوله جداگانه است و هرکدام نتایج خاص خود را دارد وحدت ملی درون مرزی است در این چارچوب هست و یکپارچگی مراد است که با اختلاف زبان و اختلاف ملیت و اختلاف سلایق سروکار دارد ولی انسجام اسلامی یک بحث برون مرزی است گاهی وحدت صوری است و ما اگر

بخواهیم وحدت حقیقی ایجاد شود باید جایگاه مؤلفه‌های دین و اصول اساسی اسلام شخص شود نظیر بحث توحید بحث امامت اینها بحث‌های اختلافی نیستند این‌ها باید درست و صحیح تبیین شوند اگر این‌ها دقیق تبیین و روشن شوند جلوی توهمات و افراط گری‌ها را می‌گیرند.

اختلاف هم در فرقه‌های گوناگون دینی وجود دارد این‌طور نیست که فقط بین سنی و شیعه باشد در بین اهل‌سنت هم اختلاف وجود دارد.

حجةالاسلام والمسلمین رضازاده:

مقام معظم رهبری با توجه به اشرافی که دارند دست می‌گذارند روی مشکلات باید چاره‌ای اندیشیده شود.

در مساجد مسؤولان مساجد بویژه مدیران مساجد یعنی ائمه جماعات باید تلاش کنند اختلافات را کم کنند مثلاً خیلی از موارد سوء تفاهم است گاهی سؤال درست تبیین نمی‌شود وگاهی تبیین نشده اقدام به جواب می‌شود و این سوء تفاهم را بالا می‌برد.

اتحاد در هر مسجد متوقف بر تبیین جایگاه هر فرد در مسجد است باید جایگاه امام جماعت، هیئت امنا، خادم و سایر فعالان فرهنگی مساجد مشخص شود. مسؤولان کشور نیز باید با هماهنگی در مساجد حضور یابند و مشکلات را تبیین کنند و این بر وحدت ملی هم می‌افزاد و وحدت ملی را ایجاد می‌کند دست در اندرکاران مساجد نقش اساسی در وحدت ملی و انسجام اسلامی دارند ولی گاهی برخی نقش تفرقه‌ای ایجاد می‌کنند براساس ناآگاهی کارهایی می‌کنند که تقابل فرق دیگر را برمی‌انگیزند پس روحانیون و ائمه جماعات باید تلاش کنند در جامعه اسلامی وحدت ایجاد شود.

روحانی حاضر:

من با توجه به تجربه‌ای که دارم در ایران و خارج ایران حضور ائمه جماعات در مساجد اهل‌سنت می‌تواند زمینه‌ساز وحدت باشد و ارتباط مشکلات را کم می‌کند.

آقای فرهنگیان:

همان‌طور که استاد فرموده‌اند اینجا بحث اتحاد ملی و انسجام اسلامی یک استراتژی است نه یک تاکتیک جزءنگری و خودنگری مشکل این دغدغه بزرگ جهان اسلام را حل نمی‌کند ظاهراً چون هفته مساجد است تب و تاب مساجد ما راگرفته و همه قضایا را ربط می‌دهیم به مساجد و سیر می‌کنیم از زاویه بسته مساجد به قضیه اتحاد ملی و انسجام اسلامی نگاه می‌کنیم و مشکل را می‌خواهیم حل کنیم بعید می‌دانم با این قضیه بشود مشکل اتحاد و انسجام را حل کرد در مورد اتحاد ملی و انسجام اسلامی به نظر من ابتدا باید رویکرد خودمان را روشن کنیم مثلاً یک موقع است از منظر جامعه‌شناسی به اتحاد و انسجام نگاه می‌کنیم توده مردم را عامل قضیه می‌دانیم می‌گویم اگر توده مردم به سمت اتحاد بیایند مشکل حل می‌شود اگر توده مسلمانان به سمت انسجام بیایند مشکل جهان اسلام حل می‌شود این یک قضیه است قضیه دوم این است که یک موقع ما از منظر سیاسی به قضیه نگاه می‌کنیم می‌گویم اگر صاحبان قدرت در تمام کشورهای اسلامی رویکردشان یک رویکرد اتحادی باشد نسبت به کنش‌هایی که علیه جهان اسلام اتفاق می‌افتد متفقاً و متحداً واکنش نشان بدهند آن وقت در جهان اسلام شاهد اتحاد و انسجام خواهیم بود و در مورد خوب‌تر اگر در واحد جغرافیای ایران تصمیم سازان صاحب قدرت و کسانی که در قدرت نقش دارند اگر نقش قومیت‌ها را به رسمیت بشناسند و تنوع قومیت‌ها را بپذیرند نقش قدرت و قومیت را به رسمیت بشناسند و بهش امتیاز دهند در این صورت شاهد یک جغرافیای واحدی خواهیم بود که در آن اتحاد ملی وجود دارد هم فرهنگ قومیت در واقع به یک فرهنگ هم‌گرا تبدیل می‌شود و هم روند سیاسی یک روند خواهد بود در آن شاهد تجزیه‌طلبی قومی نخواهد بود یک موقع رویکرد ما رویکرد معرفتی است بحث ما این است که اگر تمام ورودی‌ها و عقیده‌ها و خرده عقیدها در جهان اسلام و درون یک واحد جغرافیای مثل ایران وجود دارد این‌ها متحد بشوند و به جایی اینکه به دنبال هم‌گرایی باشیم آنها را همگن کنیم و هم ایده و هم عقیده کنیم این مشکل حل بشود آن وقت ما نه در جهان اسلام و نه در موقعیت جغرافیایی ایران مشکل نخواهیم داشت باید روشن کنیم در ابتدای از چه منظری نگاه

می‌کنیم. از منظر جامعه‌شناسی به قضیه نگاه می‌کنیم از منظر قدرت و سیاست نگاه می‌کنیم یا از نظر معرفت و عقیده نگاه می‌کنیم هرکدام از این‌ها برای خودش یک فراز خاصی دارد یک روایت خاصی دارد من به دو بعد در واقع اشاره می‌کنم یکی بعد سیاسی و یک بعد معرفتی وقتی استراتژی شد شما باید کلان را نگاه کنید یعنی اگر من بگویم در این نقطه اگر من فلان کار را بکنم این اتفاق در کل جهان اسلام خواهد افتاد نه این قضیه اتفاق نمی‌افتد شما باید کلان نگاه کنید پدیده‌ها را اگر به صورت کلان دیدید و آنها را تحلیل و تجزیه کردید و روابط و مناسبت‌های قدرت و عقیده درهم تنیدید آن وقت احتمال دارد ما به یک فراسوی روزنه برسیم یک امیدی باشد ولی این که از جای خودمان نگاه کنیم و به یک قله نگاه کنیم به خواهیم به آن برسیم بعید می دانم که راه امیدی باشد لذا دوستان توجه بفرمایید مشکل جهان اسلام به نظر من دو بعد است: یکی بعد معرفتی و عقیدتی هست که توسط علما بیشتر توسط نخبگان صاحب دانش به جامعه تزریق می‌شود یکی بعد سیاسی و بعد قدرت است که توسط امرا و صاحبان قدرت در جامعه تولید می‌شود امرا و صاحبان قدرت ناشی از دو مؤلفه هستند در کشورهای اسلامی یا کسانی هستند که میراث استعمار را بر تن دارند و هنوز روایتی از استعمار در رگ و جان آنها وجود دارد و قدرت‌زده هستند یا کسانی هستند که خودشان در واقع گرایش‌های استبدادی دارند اینها به هیچ وجه نه دنبال اتحاد هستند و نه دنبال انسجام هستند حفظ قدرت برای این‌ها یک اصل است و اتحاد و انسجام معنا ندارد وقتی شما همش به دنبال حفظ قدرتی ضرورت و اهمیت کار اصلاً معنا پیدا نمی‌کند و ببینید که فقط جمهوری اسلامی ایران است و آن هم بنابر روایت خاصی که در انقلاب اسلامی و روایتی که انقلاب اسلامی از قدرت دارند این را به عنوان یک ایده ملت و یک ایده شیرین به جهان می‌گسترانند که در آن طرف قضیه بعد دیگر قضیه بعد عقیدتی یعنی آن نظام دانایی است که کشورهای مسلمان و جهان اسلام تولید می کند ما با دو نظام دانایی معتبر و معروف روبرور هستیم یکی سنی‌ها هستند و یکی دستگاه تولید فکر شیعی است به‌خاطر گذر زمان و گذر تاریخی ما دچار چالش و دچار یک غفلت تمدنی شدیم که باگذشته خودمان دچار یک نوع فراموشی شدیم حالا یا به خاطر استعمار برون‌مرزی بوده که این را ایجاد کرده

یا به خاطر تنبلی و سستی ذهنی خودمان صاحبان اندیشه این اتفاق افتاده و به جای تـولید به حاشیه‌نویسی حاشیه‌سازی و ترجمه‌بافی رو آورده‌ایم بیابیم از هر دو بعد به قضیه نگاه کنیم یعنی مادامی که این دو مشکل حل نشود در واقع قدرت پاسخ‌گو نباشد به جامعه و به مردم و نتواند حساسیت‌های بین‌المللی را درک کند من بعید می‌دانم که شاهد زندگی باشیم در اکثر کشورهای عربی در خاورمیانه ما شاهد همین انسداد در حوزهٔ علم و قدرت هستیم هم انسداد در حوزه علم وجود دارد هم انسداد در حوزه خدا وجود دارد ایـن را بـاید تسـلی بـدهیم این را شما فرض بفرمایید که اگر من در این مسجد این کار را بکنم این مشکل حل شـود این یک راهبرد و یک تاکتیک خوب شاید اگر این‌ها با هم باشند بشود تبدیل به یک موج بشود ولی شما زمانی که راهبرد کلام ندارید و زمانی نمی‌تواند استراتژی خودت را تکمیل کنید منظور خودت را از اتحاد و انسجام تحلیل کنی و نمی‌توانی هنوز اتـحاد و انسـجام را به عنوان قضیه طولی و در طول هم دیگر ببینید و یکی دو قضیه جزیره‌ای و فرقه‌ای هستند که یکی از کدام ملت چگونه می‌خواهیم برای جهان اسلامی استراتژی صادر کنیم و چگونه می‌خواهیم برای جهان اسلام راهبردی بدهیم که راهبرد جهان اسلام همین است پس به‌نظر می‌رسد باید به عنوان یک قضیه کلان‌تر نگاه کرد بعضی ایده‌سازان معتقدند که اگر ما از دین گذر کنیم یعنی مشکل ما بخش عقیده است و کانون عقیده هم دین است معتقدند اگر ما مثلاً از دین گذر کنیم مثلاً آقای سـورکان مـی‌گوید اگـر مـا تـقسیم کـار را جـایگزین دیـن بکـنیم مشکل حل می‌شود دیگر چیزی به نام ایدئولوژی اصلاً وجود ندارد هر کس در واقع حرفه خودش را انجام می‌دهد بعضی از اندیشمندان جهان اسلام در واقع چون رگ غرب‌زدگی دارند بعضی از روشن‌فکران ایران هم دنبال همین هستند و می‌گویند اگر می‌خواهید تنش‌های ما تنش‌های عقیدتی دیگر نباشد و این خودکشی‌ها و دیگرکشی‌ها را نداشته باشیم پس باید از دین گذر کنیم لایه‌های در واقع ایدلوژیک دین را رها کنیم به سمت تقسیم کار و صنعتی شدن برویم مشکل ما حل می‌شود این باید یک پاسخ برایش بگوییم می‌دانیم که بخشی از جامعه به این سمت حرکت می‌کند چرا کار کنیم که جامعه به این سمت حرکت نکند و اگر جامعه‌ای دچار

خلاء شد دچار خلاء ارزش‌ها شد فردا چه طور می‌خواهد با برهان اخلاقی مبارزه کند این یک بخش قضیه است و بخش دیگر قضیه می‌گوید اگر ما ایدئولوژی را رها کنیم و به سمت فرهنگ حرکت کنیم یعنی تسامح و تساهل را در جوامع نهادینه کنیم و اینها را به عنوان تولورانس به خورد جامعه بدهیم و به خورد فرزندان خود بدهیم مشکل جامعه اسلام باز حل نمی‌شود و آن وقت هیچ کسی حساسیت دینی ندارد اساساً چیزی به اسم حساسیت دینی برنمی‌دارد این هم یک مدل است یعنی یک راه‌برد که ارائه داده‌اند در مقابل این چه چیزی می‌خواهیم بگوییم یک بعد قضیه قرائت ادغام‌گریانه است ما بر دین خودمان هستیم و خواهیم بود و دیگران هم باید به ما بپیوندند قرائت ادغام‌گرایانه است یعنی تمام فرهنگ‌ها و تمام ایدئولوژی‌ها باید در ما حل شوند و خوب این معلوم است که نمی‌شود این اتفاق نمی‌افتد تنها راهی که می‌ماند راه مفاهمه و تعاون یعنی ما به یک مفاهمه عقلانی و نسل محور برسیم اگر همه ما اعتقاد داریم که گزاره‌های وحدانیت یعنی قرآن کریم، کتاب، قبله این‌ها مؤلفه‌ها و عناصر مشترک ما هستند برای تولید نظام معنایی و تولید نظام رهبری همگن حرکت کنیم پس چرا این اتفاق نمی‌افتد چه چیزی باعث شده که قرائت‌های مختلف و متضاد از قرآن داشته باشیم چه چیزی باعث شده که آن آقای وهابی قرآن را یک طوری تفسیر می‌کند که به بهشت می‌رود و من شیعه یک طوری تفسیر کنم اگر این کار را بکنم برضد برادر مسلمانم تمام بشود در این صورت من نجات‌بخشی را امضا کرده‌ام پس مشکل به این آسانی نیست اگر تمسک کنیم به قرآن و تمسک کنیم به قبله مشکل ما حل می‌شود. آیا یکی از گروه‌های اسلامی می‌گوید من از این مسیر خارج شده‌ام یعنی به قرآن متمسک نمی‌شوم به قبله متمسک نمی‌شوم و نبی را قبول نداریم نزاع ما صرفاً نزاع امامت نیست نزاع مؤلفه‌های بنیادی است این برگشت می‌کند این پیش داوری‌ها را به پیش ذهنیتی‌هایی که در ذهن تک‌تک اندیشمندان و امرای ما وجود دارد مادامی که این پیش ذهن‌ها درست نشود مشکل ما حل نمی‌شود به این که اگر فکر کنیم که در این جای کوچک مشکل جهان اسلام حل می‌شود خیر حل نمی‌شود.

لذا من تصور می‌کنم اگر برداشت از مسجد یک مقدار درست‌تر کنیم به‌نظر مشکل ما حل می‌شود مسجد را ما یا خیلی کوچک می‌گیریم و یا آن قدر بزرگ می‌گیریم که نمی‌توانیم هیچ کاری بکنیم مسجد در طول تاریخ یک واقعیتی است که وجود داشته تمام تحولات اجتماعی که در جهان اسلامی اتفاق افتاده کانونش مسجد بوده اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نقطه که به‌عنوان فضای مذهبی در جهان اسلام مورد مطالعه اندیشمندان غرب است همان مسجد است و اساسی‌ترین تحولات سیاسی در جهان اسلام شکل گرفته مال ماست ولی ساده‌انگاری روایت مسجد و کارکرد مسجد و بزرگ‌انگاری به‌طوری که نتوانیم سنگ بزرگ را بزنیم هر دو به نظر من به خطا رفتن است مسجد به نظر من دو واقعیت است.

۱ ـ مسجد یک رسانه است یک رسانه یعنی تمام جهان اسلام و تک، تک مخاطبین و مردمی که در مسجد حرکت می‌کنند اگر به خود آگاهی برسند اگر بتواند از طریق مفاهیم و خود آگاهی و رسالت تاریخی یک انسان مسلمان و مسلمان معاصر در عصر حاضر را زنده کنیم به نظر من مشکل حل شده این خود آگاهی میکرو فیزیک‌های قدرت را در جهان اسلام پرورش می‌دهند و نهایتاً دیگر معضلی به نام صاحبان قدرت نمی‌ماند که در مقابل اگر تمام توده به آگاهی برسند صاحب قدرت نمی‌تواند جلوی خیزش مردم را بگیرند و مشکل ما در واقع خواب است نه خیزش و بیداری.

قضیه دوم مسجد کارکرد نهادی است این که مسجد بیایم بگویم مشکل مثلاً این مسجد فرش این است در مورد آموزش پرورش نمی‌گوید مشکل آموزش و پرورش صندلی و گچ و تخته است در مورد آموزش و پروش می‌گویند یک نهاد است چه طور شده که مسجد که کارکرده‌ترین و اصلی‌ترین نهاد در جهان اسلام بوده و سابقه از تمام نهادهای آموزشی و عبادی دیرینه‌تر است ما می‌آیم بحث می‌کنیم که مشکل ما این است حقیقتاً این است که ما پول نداریم مشکل ما این است که سنگ فرش چی شده و مسجد تا زمانی که به‌عنوان یک نهاد مورد مطالعه قرار ندهیم و کارکردهای نهادی آن را مورد ارزیابی قرار ندهیم و از آن به عنوان یک نهاد باز خواست نکنیم مشکل ما حل نخواهد شد امیدوارم با این دو

مقدمه یکی این که همه ما جهان اسلام را به سمت خودآگاهی و ملت آگاهی پیش ببریم تا از دست ارابه قدرت کسانی که در انسداد فکری و انسداد قدرت نقش دارند رهایی یابند و دوم این که کارکرد مسجد را یک جان تازه بدهیم از مسجد همان چیزی بخواهیم که در زمان انقلاب خواستیم و امام‌ﷺ خواست و مسجد دروازه به روی جوانان که امروز با یک زاویه دیگر و با یک زاویه نگرش دیگر نگاه می‌کنند با اتکاء به روان‌شناسی نسل نو مورد مطالعه قرار بدهیم بلکه انشاء به اتحاد ملی و انسجام اسلامی برسیم عذر می‌خواهم.

سخنرانی حضرت آیةالله هاشمی رفسنجانی دامت‌برکاته
رئیس محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام
در همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله و السلام علی رسوله الله و آله.

CD عکس شماره ۲۲

تشکر می‌کنم از مرکز رسیدگی به امور مساجد که این هفته کارهای متمرکز خوبی برای اهدافی که تنظیم شده انجام داده‌اند و بنده برای این جلسه شما اهمیت بسیاربسیار والایی قائلم و آن را یکی از مهم‌ترین اجتماعات پایه‌ای می‌بینم و می‌دانم که مطلبی که با شما در میان گذاشته می‌شود اگر قابل قبول بیفتد به تدریج تأثیرش در جامعه‌مان آشکار می‌شود وچیزی هدرنمی‌رود.لذابه چندموضوع می‌پردازم:به مسجد؛ وبه‌مرکزرسیدگی‌به‌امورمسجد؛ و نیز به صاحب مهم مسجد که امام جماعت مسجد است که این جا بحث‌مان مربوط به روحانیت می‌شود؛ همچنین انتظاراتی که از مساجد داریم در داخل و خارج و انتظاراتی که خداوند از ما خواسته است، قرآن از ما خواسته و شرایطی که مساجد ما در دنیا دارد؛ نقشی که مساجد در انسجام اسلامی که شعار محوری امسال که از طرف مقام معظم رهبری اعلام شد، دارند.

البته در این بحث یک مقدار هم به مسائل مهم روز می‌پردازیم. خوشبختانه برادر ارجمند حجةالاسلام والمسلمین جناب آقای ابراهیمی در این جلسه فهرستی از کارهایی که برای مساجد شده یا باید بشود گفتند و قبلاً بنده در جریان بودم فکر می‌کنم با همین رویه می‌شود ما مساجد را و نقش اساسی و اصلی که خداوند برای خانه‌های خودش در نظرگرفته و با تصویب قوانین به سامان برسانیم البته احتیاج به مساعدت، علما، مراجع، دولت‌ها و مردم هست مرکز می‌تواند برنامه‌ریزی کند و دنبال اجرا باشد دیگران باید حمایت کنند به‌عنوان این که همه کار خودشان را بکنند مخصوص یک عده نیست و مساجد خانه خدا، خانه خدا یعنی خانه مردم در خیلی از جاهای قرآن می‌شود جای خدا و مردم را عوض کرد این قدر نزدیک است مسائل قرآن بین خدا و مردم.

من با یک مرور کوتاهی که کردم امروز در فرهنگ قرآن دربارهٔ احکام مساجد دیده‌ام حدود چهل حکم قرآن درباره مساجد دارد نیمی دربارهٔ کل مساجد و نیمی دربارهٔ مسجدالحرام است بخصوص و همه این احکام به قدری ارزشمند و ریشه دارند که اگر مراعات کنیم مسجد می‌شود همانی که در طراحی اسلام است و در طراحی افراد گذشته هم معابد چنین نقشی داشته در مورد نقش کمال یافته در مسجد امروز از بنای مسجد گرفته

تا عمران مسجد و متولی مسجد و مراجعان به مسجد و احکام ورود به مسجد و محتوایی که در مسجد باید باشد و از صفاتی که برای مسجد خوب و مورد نظر خداوند هست و صفاتی که برای مساجد مضر و تفرقه‌افکن است و وظیفه‌ای که مردم دارند وظیفه‌ای که علما دارند و لطفی که خداوند خواهد کرد و خطرهایی که در تضعیف مساجد نهفته است و جنایاتی که خداوند نخواهد بخشید از سوی کسانی که باعث تضعیف مسجد می‌شوند و مانع ورود نمازگزارن و عاشقان مسجد به مسجد می‌شوند نکاتی از احکام دیگر که برای شماها مخفی نیست.

اما فکر می‌کنم این نیاز است که با توجه به روایات ائمه و عمل ائمه ما درباره مسجد بیشتر حرف بزنیم چیزی که الآن جایش خالی است شما تلاش می‌کنید در این هفته جهانی مساجد به آن برسید این نقش محوری مسجد در وحدت جهانی است که متأسفانه تا آنجایی که من در گزارش‌ها می‌بینم در این چهار سال هم ما در این بخش توفیق درستی نداشتیم چون این یک طرفه است در داخل موفق بوده‌ایم مساجد را به هم نزدیک کردیم و ائمه جماعات را به هم نزدیک‌تر کردیم و برای مشکلات جاری مساجد اقداماتی کردیم اما درباره روابط بین‌المللی چون یک طرفه است باید یک حرکت جهانی شروع بشود و بعد از آتش گرفتن مسجدالاقصی که هیجانی ایجاد کرد که دنیای اسلام را تکان داد علما وارد شدند کنفرانس اسلامی وارد شد اتحادیه عرب وارد شد مصوبات داشتند اقداماتی کرده‌اند ما تغییر مهمی نمی‌بینیم حتی در مسجد الاقصی.

مسجد الاقصی امروز بیش از گذشته در خطر است و اسرائیلی‌ها همان کارهای که می‌کردند به عنوان کشف آثار باستانی دوران حضرت سلیمان بن داوود هنوز با سیاست شوم خودشان که نقب زدن هست زیر مسجدالاقصی ادامه می‌دهند و برنامه‌های منهدم کردن و منعزل کردن مسجدالاقصی را ادامه می‌دهند البته جهاد مردم فلسطین کار آنها را کند کرده ولی تضمینی نیست با این شرایطی که ما می‌بینیم واقعاً یک حرکت اساسی‌تری لازم است آن چه که آن روزها تصویب شد با آنچه که به دست آمد تناسبی ندارد شما تلاش کردید زحمت کشیدید اما دست ما کوتاه است خرما هم بر نخیل و دور از دست ما است.

CD عکس شماره ۲۴

کارهای اساسی که باید انجام شود درباره مسجد عرض کردیم مهم‌ترین عنصر امام مسجد است و ما الحمدالله از این جهت دستمان پر است امروز روحانیت حقیقتاً در سراسر کشور از حوزه‌ها پر از انسان‌های تحصیل کرده و متقی و آگاه به زمان که می‌تواند هریک در سنگر مسجد یک نگهبان مورد اعتمادی برای دروازه‌های ورودی و خروجی جهان اسلام باشند و نمی‌دانیم چرا با همه تأکیداتی که می‌شود امروز هزاران بلکه ده‌ها هزار مسجد در سراسر کشور از امام جماعت راتب و مرتب و منظم دست‌شان کوتاه است خوب‌شماها خودتان هریک تجربه خودتان در مساجد را دارید می‌دانید که یک امام‌جماعت چقدر کمک می‌کند به حل مشکلات مردم و به آموزش‌های مردم و به رفع معضلات که در محیط هست و آرامش می‌دهد به مردم و پناه برای مردم و برای اسرار مردم و برای حل کردن مشکلات مردم و برای رسیدگی به نیازهای منطقه و هر روستایی یک امام جماعت می‌تواند آن روستا را حفاظت کند خیلی بیشتر از پاسدار نیروی انتظامی و خیلی بیشتر از هر قدرت

دیگر حیف که ما نتوانستیم و نمی‌دانیم چرا ما بارها تأکید کردیم رهبر انقلاب تأکید دارند طرح هجرت را مصوب کرده‌اند و باز این حسرت به دل مردم مانده است که یکی از کارهای بزرگ البته کار شما تنهایی نیست حوزه قم و حوزه‌های دیگر باید خیلی همراهی بکنند و مردم هر محلی و مسئولان باید کمک کنند و ما در میان خودمان باید شرمنده باشیم که نتوانستیم این خلاء را پر کنیم.

شما صحبت از حدود ۵۰ نفر امام جماعت شهید می‌کنید که در کشور در سال‌های اخیر شناسایی شده‌اند به‌نظر من بیش از این است چون من هم لیست شما را خوانده‌ام دیده‌ام آدم‌های دیگر را من می‌شناسم که در این لیست نیامده است و خیلی‌ها هم ما نمی‌شناسیم در دفاع مقدس عده زیادی از روحانیت شهید شدند و از طلبه‌ها و علما که بسیار در جبهه‌ها شرکت می‌کردند و شهید می‌شدند و هنوز ما یک آمار کاملی حتی از آن‌ها را نداریم بخاطر این که مایل بودند گمنام بمانند و بدون کوچک‌ترین شبهه‌ی ریا این جهاد مخلصانه را با اخلاص انجام بدهند که دادند و رفتند این سرمایه عظیمی که ما خوب نسبت عدد پنجاه را با مجموعه انسان‌های دیگر مقایسه کنید ببینید که نسبت بالایی است ۵۰ شهید که فعلاً شما نوشته‌ای در بین شهدا از همه صنوف و حتی از حوزه‌ها این دلیل خوبی است بر ویژگی‌های ائمه جماعات که ما داریم خوب این انسان‌ها که در جامعه هستند سنگرهای بسیار بسیار ارزشمندی هستند و اصولاً روحانیت به عنوان قوی‌ترین پایگاه مردمی و اسلامی و اجتماعی در جامعه می‌تواند عمل بکند و در طول تاریخ مساجد و علما پناهگاه مردم بودند در مقابل همه زورگویان که در مقاطع مختلف در تاریخ هستند ایستاده‌اند. البته زمان ما زمان قانون است و شفافیت است و پاسخ‌گویی هست و خیلی چیزهایی دیگر در زمان‌های گذشته که این جوری نبوده و یک حاکم در یک ولایت خدایی می‌کرده بر مردم و هر کسی را می‌خواست به هر نحوی می‌آورده و به شلاق می‌بسته و اموال را مصادره می‌کرد و شما تاریخ را می‌دانید در آن زمان‌ها علما بودند یعنی مساجد وقتی مردم مضطر می‌شدند به آن جا پناه می‌برند پای بحث می‌نشستند و خیلی چیزهای دیگر از لحاظ آموزش و ارشاد این‌ها مهم‌ترین نقطه

آموزش مردم و آگاهی مردم بودند ما از دوره‌های گذشته حرف نزنیم از دوره خودمان حرف بزنیم اگر حوزه نبود و اگر روحانیت نبود اگر شخصیتی مثل امام راحل این پدیده خداوند در عصر ما و بشریت نبودند چه کسی می‌توانست طلسم دیکتاتوری رژیم پهلوی را بشکند چه کسی می‌توانست هماهنگی استبداد و استعمار که مثل دو لبه یک قیچی منافع ملت را می‌بریدند چه کسی می‌توانست این هماهنگی را قطع بکند استعمار، استبداد را تقویت می‌کند و استبداد در خدمت منافع استعمار بود و هر دو به هم نیاز داشتند و دست ملت خالی بود انسان‌هایی هم حرکت کردند تلاش کردند زندان رفتند احزاب کوچک و بزرگی در طول این پنجاه سال دوران حکومت پهلوی درست کردند ولی همیشه شکست خوردند و سرکوب شدند و در تاریخ گمشان کرده‌اند اما این روحانیت بود که یک دفعه با حضوری که در سراسر کشور داشت و با نفوذی که در مردم داشت با اعتمادی که مردم به روحانیت داشتند و با موقعیت بی‌نظیری که مراجع در بین مردم داشتند یعنی موقعیت متمرکز شد و امام راحل با همه این امکانات و مردم به صحنه آمدند و کاری کردند که هیچ کس باور نمی‌کرد و ما خودمان هم باور نمی‌کردیم و ماها که آن روز در صف مقدم در صحنه بودیم کاملاً آماده بودیم که خودمان را فداکنیم برای این که حرفی زده بشود و برای این که ظلمت و تاریکی به روشنایی تبدیل شود برای این که راهی باز بشود و خیلی کم به پیروزی و نظام اسلامی و شکستن نظام پهلوی فکر می‌کردند واقعاً کم بود البته حضور خداوند را نمی‌شود نادیده گرفت و در تحلیل‌هایمان فکر نمی‌کردیم این جوری بشود حال شد کار بزرگی شد و کار عظیمی شد با کم‌ترین خونریزی و کم‌ترین خرابی آن چنان رژیمی که ریشه کرده بود در اعماق کشور و آمریکایی که با ده‌ها هزار نیروی مشاور و استعمارگر همه جا راگرفته بود درگیر شدند و آن‌ها را بیرون کردند و کشور را تحویل گرفتند و بعد مهم بود و اگر روحانیت در سراسر کشور در میان مردم نبود معلوم نبود بعد از پیروزی انقلاب چه بر سر ما می‌آورند چه بر سر انقلاب می‌آورند روحانیت در یک نقطه‌ای حاضر شد در لباس نیروی انتظامی کمیته‌های انقلاب آماده کرد در مسجدها در سراسر کشور مرکز امنیت کشور شد ما در مرکز

بـودیم و مـا تـوی هـمین سـاختمان شـورای انـقلاب تشکـیل داده بـودیم و اینجا بـودیم وگزارش‌هایی که می‌دیدم یک طلبه و روحانی ساده توی یک شهر یک روستا یا یک جلگه به دست خودش حتی بدون کمک گرفتن از کسی توانسته امنیت را حفظ کند جلوی شرارت‌ها را بگیرد و از حقوق مردم دفاع بکند و جلوی تجاوز به اموال و نفوس را بگیرد این اتفاقات در انقلاب‌ها طبیعی است همه جا اتفاق می‌افتد هیچ وقت پلیسی که آن روز قبل در اختیار شاه بود ارتشی که در اختیار شاه بود شهربانی، ژاندارمری و ساواک این‌ها دیگر کـارآیـی نداشتند و اگر آدم‌های خوبی در میانشان بودند که خیلی آدم خوب آنجا بود ولی روحیه کار نداشتند واقعاً روحانیت برای حـفاظت از انـقلاب و جـلوگیری از شـرارات‌هـا سـنگ تـمام گذاشت علما، طلبه‌ها و خود مردم اگر مردم نبودند ما کاری نمی‌توانستیم بکنیم و این تاریخ بهترین گواه است به خصوص شما الآن نگاه کنید اطراف خـودمان را عـراق و افـغانستان را و بعضی از جاهای دیگر را خوب آن‌ها هـم انـقلاب کـردند البـته در عـراق انـقلاب نشـد اشغال شد ولی به هر حال سد اصلی شکست خورد و مردم عراق آزاد شدند این مقدار که تداوم پیدا کرده دموکراسی و حضور مردم مربوط به روحانیت در عراق و آن مقدار که شما می‌بینید آشوب و تخریب این‌ها مال عوامل اشغالگران است اگر این‌ها نـبودند واقـعاً کـار به دست خود مردم عراق بود مطمئناً کشور را آبـاد مـی‌کردند هـمان کـاری کـه مـا کـردیم این‌ها مردم با استعداد و با هوش و پتانسیل بالای هوشی هستند ولی خوب بـنده‌های خـدا دست‌شان بسته است و به هر حال هم پیروزی و هم تداوم انقلاب و هم گذراندن دوران سخت جنگ و هم شورش‌های قبل از جنگ و هم جهاد سازندگی که همه امید فراریان انقلاب این بود که روحانیت عاجز است از ساختن کشور وقتی وارد عمل شود مردم پشیمان مـی‌شوند بعد از انقلاب خودشان که کارها هـمه بـه دست روحـانیت و نـیروی اسـلامی اتـفاق افـتاد خوب این سرمایه بزرگ بدون چشم داشت به هیچ چیز و طمعی تلاش کرد حالا بعضی‌ها ممکنه نامی اسمی ریاستی یک چیزی داشتند اما عموم روحانیت این طـوری نـبودند آنـها غیر از فشار درخواست‌های مردم که از آن‌ها همه چیزی را مطالبه مـی‌کردند چـیز دیگـری

نداشتند با این حالت راه را هموار کردند و در دوران جنگ من خیلی چیزها دیده‌ام واقعاً گاهی همان منظره‌ها من را میخ‌کوب می‌کردند در منطقه جنگی می‌دیدم که طلبه‌ها و علما خودشان را وارد کردند در صفوف بسیجی‌ها و رزمنده‌ها و چگونه روحیه می‌دهند و چگونه این‌ها را در میدان تقویت روحی می‌کنند روحیه مهم‌ترین سرمایه جهاد است که روحانیت نقش زیادی داشتند در دفاع مقدس و قربانی‌هایی که روحانیت داده هم خود روحانیون و هم فرزندانشان به نسبت خیلی بیشتر از بقیه اصناف است باید همین‌طور باشد چون در جلوی صف هستند و جلوی صف همیشه خطرناک است و منتی که بر کسی نیست واقعاً این مساجد که خانه خدا است و این متولیان مساجد مدیریت مسجد علمای برجسته و قابل قبول و قابل اقتدا بسیار ارزشمند بسیار برای تداوم انقلاب و برای آرامش کشور و برای وحدت کشور در شرایط صلح و شرایط جنگ اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند به کسانی که امروز کمر بسته‌اند که مساجد را از مشکلاتی که دارد نجات بدهند و راه بهتر خدمت کردن به مردم را ارائه بدهند کار بسیار بزرگی در پیش دارند و باید این‌کار خودشان را بسیار مقدس بداند و می‌دانند که زحمت دارد و می‌دانم که درد سر دارد و می‌دانم گاهی جنگ اعصاب دارد و بالاخره یک کار مهم و یک کار خوب و کار عمیق و آینده‌ساز همیشه همین طور است و ارزش به مقدار رنجی که انسان می‌برد و سرمایه‌ای که می‌گذارد بالا می‌رود ما هم به عنوان روحانی باید عازم این میدان‌ها باشیم می‌رویم سراغ مسئله روز شما که به دنبال انسجام ملی در سایه سالگرد جهانی هفته مسجد هستید و هفته جهانی مساجد الآن نقش بزرگی است در امت اسلامی، امت اسلامی ذاتاً یک قدرت است و اسلام یک قدرت است و به خاطر اسلام این امت اسلامی تشکیل شده و مهم هم هست از لحاظ تاریخی که در این ۱۴۰۰ سال ما شاهدیم که همیشه فوق تصور بوده هیچ وقت اسلام به‌عنوان اسلام و امت اسلامی به عنوان امت اسلامی در کلّیت تنزل نکرده ممکنه از لحاظ جغرافیایی کوچک و بزرگ شده ممکن است جایی را مثلاً در اروپا و اسپانیا و جاهای دیگر در محدود قلمرو جغرافیایی مسلمانان بوده و از دست‌شان گرفته‌اند و ممکن است دولت‌های بزرگ

تجزیه و دولت‌های کوچک تشکیل شده باشند ولی امت اسلامی همیشه در همین دوره خودمان و در عمر خودمان یعنی ۷۰ سالی که عمر کرده‌ایم از موقعی که به آمار آشنا شده‌ایم یک روزی امت اسلامی را زیر یک میلیارد نفوس می‌دیدم و امروز بالای یک میلیارد و نیم مسلمان در دنیا هست و آن روزها امت اسلامی دچار افسردگی بود و احساس شکست می‌کرد و معمولاً کشورهای اسلامی تحت سلطه استعمار بودند من نمی‌شناسم در آن زمان در جوار خودمان یک کشوری که آزاد باشد و راحت باشد از شر استعمار کجا این مسائل بود ولی امروز من می‌بینم که امت اسلامی تشکیل شده که عمیق‌ترین دشمنان اسلام نمی‌توانند منکر بشوند و بالاخره یک چهارم جمعیت دنیا با حدود ۶۰ کشور مستقل و بعلاوه حضور مؤثر مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی خیلی می‌تواند بازدارنده باشد و با دانشگاه‌های فراوان و با دانشمندان فراوان و با نزدیک ۲۰ درصد تولید جهانی با این که تولید در دوران استعمارهمه چیز به کشورهای غربی واستعمارگر رفته‌این آمارکه من عرض کردم چیزی نیست که ما خلق کردیم دو سه سال پیش یک گروه محقق تشکیل دادند دانشگاه و مسجد و این آمار راگرفتند و این مکتوب آنها است و دو سه سال هم توسعه پیدا کرده ۶۰ درصد امکانات اساسی و استراژیک دنیا در حوزه مسلمانان است آب راه‌های مهم و اقیانوس‌های مهم، معادن مهم، مسیرهای هوایی مهم و مسیرهای انرژی مهم و منابع انژری و خیلی چیزهای دیگر ۶۰ رأی مستقل اسلامی در سازمان ملل داریم و هیچ بلوکی در سازمان ملل نیست که ۶۰ رأی داشته باشد و اروپایی‌ها تعدادی دارند آسیایی‌ها تعدادی دارند کشورهای سابق سوسیالیسم تعدادی دارند و امریکای‌ها هم تعدادی دارند و خیلی دیگر تعدادی دارند و جزء مسلمانان جهان سوم هستند و خیلی از آرای جهان سومی درکنار مسلمانان خواهد بود چون اسلام برای جهان سومی‌ها است و آن قدرت سیاسی و آن قدرت اقتصادی و آن قدرت انسانی و این جغرافیای ارزشمند و این بازار بسیار بسیار پر جاذبه و این مغزهای متفکر امروزه در دنیا هستند و به مسلمانان به سرعت دارند اضافه می‌شوند و الآن اوج پیش رفت دنیای اسلامی است و خوش بختانه انقلاب اسلامی جهت داد به امت اسلامی درگذشته هم

بود و ما در جهاتی خودمان نهضت فلسطینی‌ها و نهضت‌اندونزی را دیدیم و نهضت مسلمانان در شبه قاره هند را دیدیم و نهضت‌های الجزایر را می‌دیدیم و خیلی جاهای دیگر بودند نهضت‌هایی بودند توی کار ولی این جوری نبود این که ما موفق شدیم یک دولتی بر یکی از کشورهای بسیار مهم دنیا از لحاظ جغرافیایی و منابع طبیعی استعداد انسانی و پیرومکتب اهل‌بیت چیزی به نام حکومت اسلامی درست بکنیم و از قانون اساسی و قوانین دیگر و سازمان‌ها و سازوکارها در دنیای اسلام و دولت‌های اسلامی تشکیل شده در طول تاریخ در موارد زیادی ما هیچ وقت با محوریت اسلام نتوانستیم شکل بگیریم و ساختار بگیریم مسلمانان بودند و علویان بودند و ارتش مسلمانان بودند از این اتفاق‌ها می‌افتاد اما این یک ساختار است و جای خودش را در دنیا باز کرده و بی‌دلیل نیست که استکبار این همه به ایران فشار می‌آورد تا اگر بتواند ایران را به زانو در بیاورد ولی این آرزو را به گور خواهند برد چون این انقلاب متکی به افراد معینی نیست و این یک جریانی از دل مردم با پیشوایی روحانیت و مرجعیت رویده و ادامه دارد و مردم ممکن است انتقاد کنند اما می‌دانند چی تحویل گرفتند و چی دارند آن‌هایی که مسلمان هستند با اسلام آشنا هستند می‌دانند اهل تحقیق آنها را می‌داند به هر حال شکستن طلسم استبداد و پنجه در پنجه قدرت جهنمی مثل امریکا انداختن و به زمین زدن و بیرون کردن و همه توطئه‌هایی که هر سال علیه ما کرده را شکستند و این‌ها همه صحنه‌هایی است که مردم مطلع‌اند و این حرکت عظیمی است که دارد اتفاق می‌افتد به شما آقایان علما و فرد فرد روحانیت و نیروهای مردمی فراوانی که لشکر امام زمان و لشکر اسلام هستند و بالاخره پیشتازان این مرحله هستند و به جلو می‌آیند و اما بالاخره جهاد است و بالاخره مبارزه است و یک مهمانی نیست یک موج زودگذر نیست هیچ وقت بی‌دشمن نمی‌شود و هیچ وقت بی‌نزاع و بی‌جهاد نمی‌شود و هیچ وقت بنا نیست با الگوی اسلامی که زندگی انسان ریشه در شجاعتش دارد و خداوند اگر اراده می‌کرد بدون جهاد ما همه دنیا را مثل بهشت نگاه بدارد و همه را مؤمن و مخلص می‌آفرید. لذا مؤمنین می‌دانند هر وقت در این موج وارد شدند باید موج جدید را

انتخاب کنند و به عنوان روحانی و آشنا به قرآن و اسلام و به هر حال مدعی پیمودن راه انبیاء در یک شرایط خاصی از انقلاب قرار گرفته‌ایم و دشمنان ما خیز برداشتند که نگذارند و الا همه اسلام که ما نیستیم امروز برای این حرکت جهان اسلامی انسجام یک نیاز واقعی است و خیلی مهم است و ما اگر انسجام را از دست بدهیم البته به دست نتوانیم بیاوریم الآن انسجام واقعی نیست ولی تا حدودی هست آسیب‌پذیریم همان‌طور که عراق است و جنگ شیعه وسنی این طور شقاوتمندانه ادامه دارد و افرادی ظاهراً جندالله سر بریده جمع می‌کنند چه‌طور می‌شود که مردم فقیری که با دست‌فروشی نانی برای بچه‌هایش تهیه می‌کند این خانواده را مثل برگ خزان بریزند روی زمین این چطور می‌شود تجربه چیز عجیبی است و شما آیه قرآن معروف به مسجد ضرار را ببینید دو سه نکته اینجا است آدم‌هایی هستند که نقش مضر را دارند ایفا می‌کنند و امروز که امت اسلامی بیش از همیشه نیاز به وحدت و انسجام دارد برای ایفای حق خودش همدیگر را می‌کشند و بعضی جاهلانه و خیال می‌کنند کار خوبی می‌کند و بعضی مغرضانه و نیروهای استکباری و فلسطین امروز به غیر از جهاد هیچ چیزی تویش نیست و آدمی که امروز در غزه یا کرانه باختری یا اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند به چی دل‌خوش می‌کند چی دارد و از آن روزی که سوخت نیروگاه غزه را ندادند غزه خاموش است تاریک است و مردم در تابستان برق ندارند و چی اینجا است که آدم زندگی کند جز جهاد و نجات یک نظام مظلوم و آواره اگر چیزی باشد که انسان را دعوت می‌کند اینجا باشد این‌هاست ولی مسلمانان همدیگر را می‌کشند و اسرائیل چی می‌خواهد بهتر از این برای خودش این جا بنشیند و نظاره‌گر باشد افرادی به دست برادران عمداً کشته شوند خوب این با هوشیاری و آگاهی یک مسلمان نمی‌تواند سازگار باشد. مساجد باید نقش انسجام را ایجاد بکند و مساجد باید همیشه مردم را دعوت به وحدت بکند و ما در داخل مشکلی از این جهت نداریم حتی با سنی‌ها مشکلی نداریم بالاخره در خیلی چیزها با هم هماهنگی می‌کنیم اما در خارج و دنیای اسلام به اسم اسلام دارند همدیگر را می‌کشند در سومالی چقدر آدم کشته می‌شود به اسم اسلام

و در افغانستان چقدر آدم کشته می‌شود به اسم اسلام و در پاکستان و خیلی جاهای دیگر اگر جایی برای نجات مسلمانان بخواهیم پیدا بکنیم همین مساجد است به خانه خدا وارد شویم و خیلی از آلودگی‌ها را بیرون از مسجد بریزید وارد مسجد بشوید اگر این اتفاق می‌افتاد خیلی از مشکلات حل می‌شد. و بعد از پیروزی الجزایری‌ها که واقعاً یک نسلی شهید شده‌اند با استعمار فرانسه جنگیده‌اند و بالاخره پیروز شده‌اند و ما آن وقت جوان بودیم و الهام می‌گرفتیم از جهاد مردم الجزایر نماینده الجزایر آمده بود ایران برای این که برای ما توضیح بدهد که چه گذشته در الجزایر در مسجد هدایت مسجد مرحوم آیةالله طالقانی رفتم پای صحبت او خیلی حرف زد و آن چیز که به دل نشست این بود که می‌گفت در این زمینه فرانسویان همه چیز را از ما گرفته بودند ما هیچ جایی را نداشتیم نه مدرسه علمیه نه اداره و نه دانشگاهی و نه جایی که جمع بشویم جزء مساجد به مساجد نتوانستند مسلط بشوند آنهایی که در مسجد بودند و ائمه مساجد موقعیت مسجد را حفظ کردند و ما از مسجد پیروز شده‌ایم این خیلی حرف مهمی است این چکیده یک سخنرانی انقلابی موفقی بود که آمده بود ما ایرانیان را از نتیجه مبارزه خودشان آگاه کند ما خودمان این را در میان خودمان دیده‌ایم در دوران پهلوی دیدیم قبل از پهلوی دیده‌ایم و در دوران مغول دیده‌ایم مغول وقتی به ایران آمدند مساجد را تخریب کردند و خیلی جاهایی دیگر و امروز هم ما با مسجد مبارزه را آغاز کردیم و با مسجد بحمدالله پیروز شده با مسجد داریم ادامه می‌دهیم و ان‌شاءالله مسجد هم چنان نیروی محرک باشد برای بردن ما به نقطه‌ای که اهداف اصلی انقلاب را تشکیل می‌دهد یک ایران آزاد و آباد و مسلمان و انقلابی و الگو برای جهان اسلام و ما سند چشم‌انداز را بیست ساله دیده‌ایم و رهبر معظم انقلاب آن را تصویب کردند و ابلاغ کردند شما هم سند چشم‌اندازتان را برای بیست سال آماده کرده‌اید و ما امیدورایم که ۱۸ سال دیگری که وقت داریم در آنجایی که سند چشم‌انداز دیده شده برسید و به خصوص شما به عنوان پیشتاز برسید و اعیاد مبارک شعبانیه را خدمت‌تان تبریک عرض می‌کنیم و از شما التماس دعا داریم و شما را به خدای بزرگ می‌سپاریم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

CD عکس شماره ۲۱

CD عکس شماره ۲۰

بیانیه پایانی پنجمین همایش بین‌المللی هفته گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین.

مسجد خانه خدا نیایش‌گاه انبیا اولیاء و عرفا مرکز اجتماع مسلمانان پایگاه جهاد کانون رفع مشکلات فردی و اجتماعی مرکز تعلیم و تربیت مهد شکوفایی و پرورش استعدادهای فکری انسان پناگاه مظلومان و مستضعفان ضیافت‌گاه مؤمنون و میعادگاه پارسایان، مشعل هدایت، بوستان معنویت، نشان هدایت اسلامی، مرکز تشکیلات سیاسی ستاد فرماندهی، محل ارائه آموزش‌های اخلاقی، تجلی‌گاه وحدت برادری انسجام امت اسلامی، جلوه‌گاه هنر ناب و معطر اسلامی، دانشگاه عمومی آموزه‌های دینی، مهمان‌سرای حضرت حق و معدن انتشار قداست و فریادگر پیرایش و جایگاه آزادی و رهایی از قید و بند اسارت‌های درون و گسستن قیود برون برای پرواز به ملکوت نمود مرکزیت و قبله‌گاه دل‌های خداجو کهف حصین مردم و محل معراج سالکان وادی عشق مرکز آموزش، قرائت تفسیر و تدبر در قرآن کریم محل نظم و وقت‌شناسی و جایگاه همایش گردهمایی روزانه مسلمین، مجمع عواطف پاک انسانی چشمه زلال معارف، سنگر مبارزه علیه کفر و شرک و نفاق، مرکز تنظیم و ارتباط انسان با خداوند، تجلی خروش امت سکوی عروج طور سینای ارباب معرفت، محل انس با خدا، نقطه تجدید قوا و بازیابی آرامش خاطر و محل بازگشت به خویش

و پیراستگی از وابستگی شجرهٔ طیبه توحید نردبان صعود به ملکوت دریای غواصان بحر حقیقت و منظومه بلند ادبستان انسانیت و جایگاه پیوند زمین و آسمان، جایگاه والای مساجد در سطح جهان اسلام و نقش‌آفرینی بی‌بدیل آن در عرصه‌های گوناگون حیات امت اسلامی از یک سو و نیاز مهم کنونی همه جوامع بشری به معنویت و اخلاق از سوی دیگر از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان برای مرتفع ساختن چالش‌ها و احیای مساجد ضرورتی اساسی ساخته است هفته بزرگداشت جهانی مساجد به پیشنهاد جمهوری اسلامی و تصویب وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در روز ۲۱ آگوست روز به آتش کشاندن مسجد الاقصی اولین قبله مسلمین که در سال ۱۹۶۹ از سوی اشغالگران قدس شریف، فرصتی را فراهم ساخت که در آن اندیشمندان، فرهیختگان، عالمان دینی ائمه جماعات کارگزاران دردآشنای مساجد با هم‌اندیشی و بررسی چالش‌های موجود و ارائه راه حل‌ها برای آن‌ها در جهت احیای مساجد گام بردارند و بر نکات زیر تأکید ورزند:

۱ ـ عصر ما عصر بازنگری و بازگذشت به دین می‌باشد دو قائمه بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری یعنی ماتریالیسم در زمینه اندیشه و علم مارکسیست و کمونیست و نیز نظام سرمایه‌داری در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی شکست خوردند برای بشریت امروز مجال تأمل در معنویت و بازگشت به دین و پایگاه‌های آن یعنی مساجد فراهم آمده است از طرفی در طراحی و برنامه‌ریزی بنیادگذار مکتب اسلام برای برپایی حکومت اسلامی مسجد نخستین پروژه است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یثرب به اجراگذاشت به این ترتیب برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد باید گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صبغة الله است به خود گرفت و آن‌گاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی و مدیریتی تشکیل داد و دین و آیین و سیاست و مدیریت را آموخت و یاد داد. مساجد در ایران اسلامی در همه مراحل انقلاب همواره ملجأ و مأمن و مرجع مردم و مسئولان بوده است و خدمات مساجد قبل و بعد از انقلاب بر احدی پوشیده نیست سؤال این است که آیا انقلاب و مسئولان

بر خواسته از مساجد چه میزان به مساجد خدمت کردند آیا پس از ربع قرن از پیروزی انقلاب احساس نمی‌شود که پایگاه‌های اصلی انقلاب یعنی مساجد مورد غفلت قرار گرفته است راستی نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در مقابل مساجد و مسجدی‌ها و تأمین باورهای دینی و تربیت کارگزاران مساجد و تأمین سخت افراز مساجد وظیفه‌شان چیست برخورداری از حدود شصد هزار مسجد از جمله سرمایه‌های ملی و اسلامی که متأسفانه استفاده مطلوب از آنها صورت نمی‌گیرد و مورد توجه قرار نگرفته‌اند و ایران اسلامی به عنوان ام‌القراء اسلام علاوه بر سامان‌دهی مساجد در داخل از وجود بالقوه سازمان‌دهی مساجد جهان اسلام به عنوان ساختار امت اسلامی باید استفاده بکند و با بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلام برای ایجاد شبکه جهانی ارتباطی و در نتیجه برای وحدت هرچه بیشتر مسلمین کوشش نمایند.

۲ ـ در سطح بین‌المللی در سالی که از سوی رهبر فرزانه امت اسلامی حضرت آیة‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سال وحدت ملی و انسجام اسلامی نام گرفته است از ملت‌ها و دولت‌های اسلامی و نیز اقلیت‌های مسلمان در سایر کشورهای اسلامی و بویژه از سازمان کنفرانس اسلامی می‌خواهیم با تشکیل شورای‌عالی مساجد برکار آمدی هرچه بیشتر مساجد بیفزایند و با گفت‌وگو، تعارف و تبادل تجربیات از این شبکه جهانی و پایگاه الهی به عنوان بهترین پایگاه‌های اتحاد و انسجام امت اسلامی و حلقه وصل امت اسلامی استفاده نمایند و از آن به عنوان سکویی برای رشد و شکوفایی جهان اسلام و نیز نفی هرگونه شرک و الحاد و استعمار و استثمار و رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها جهل و ناآگاهی استفاده نمایند و توحید و عدالت را گسترش دهند و زمینه را برای حاکمیت آرمانی جهان اسلام فراهم سازند.

۳ ـ از ملت‌ها و دولت‌های اسلامی می‌خواهیم با تأسیس صندوق بین‌المللی اسلامی به عمران و آبادانی مساجد جهان کمک نمایند و گامی بلند در راستای اعتلای اسلام بردارند.

در پایان با درود به روح ملکوتی معمار حاکمیت اسلام در عصر حاضر حضرت امام خمینی رحمة الله علیه و شهیدان راه حق و عدالت و با آرزوی سلامتی و طول عمر برای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیةالله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) تشکر و قدردانی خود را از همه مسئولین محترم نظام مهمان‌های داخلی و خارجی شخصیت‌های علمی و فرهنگی و نیز از همه کسانی که در جهت برپایی هرچه باشکوه‌تر این اجلاس تلاش نمودند از اعضای محترم ستادعالی مساجد، مسئولین محترم کمیته‌های هفت‌گانه ستاد به‌ویژه صاحبان آثار و هیئت داوران آثار اعلام می‌داریم و برای تعجیل در فرج حضرت بقیةالله دعا می‌کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فصل سوم

دومین همایش ائمه جماعات اهل قلم

سخنرانی جناب حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی
ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمدلله والصلاه والسلام علی رسول الله و علی آله آل الله.

CD عکس شماره ۳۴

در ابتدا تشکر و احترام دارم از همهٔ عزیزان، سروران بزرگوار، ائمه محترم جماعات اهل‌قلم، هیأت امنا تعدادی از خدام عزیز مساجد که در این محفل حضور پیداکرده‌اند.

از عالم و فقیه عالیقدر و عارف و اصل و انسان شایسته و لایق و فردی که همهٔ ما به عنوان الگو به ایشان می‌نگریم و روحانیت و حوزه‌های علمیه به وجود مبارکشان افتخار می‌کنند حضرت آیةاللّه جوادی آملی تشکر می‌کنیم که امسال این دومین زحمتی است که ما برای ایشان فراهم کرده‌ایم و با بزرگواری ایشان پذیرفتند و جای خیلی تشکر و قدردانی دارد.

من چند نکته عرض می‌کنم. ما در رابطه با مساجد خدا را شکر می‌کنیم. ابتدا که خدا خادمی مسجد را نصیب ما کرد. سپاسگزاریم که سمتی را که خدا به حضرت ابراهیم و اسماعیل عنایت کرده بود ما را هم مفتخر کرد که به دنبال تأسی به حضرت ابراهیم و اسماعیل و زکریا و مریم خادمی مسجد را داشته باشیم.

مساجد بیوت اللّه است. این‌ها عباراتی است که از معصومین صلوات اللّه علیهم اجمعین رسیده که هیچ مکانی بالاتر، زیباتر، ارزشمندتر، تأثیرگذارتر از مسجد در روی زمین وجود ندارد. فی بیوت اذن اللّه ان ترفع... که مرحوم شیخ طوسی رضوان اللّه تعالی علیه می‌فرماید: «بناء» یعنی بنای مسجد باید دارای رفعت باشد. و هیچ بنایی در اطراف مسجد از مسجد بلندتر نباشد. و مرحوم علامه طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه می‌فرماید: مقاماً و منزلتاً. که جمع بین این دو سخن از دو بزرگوار آن است که بناء و منزلتاً و مقاماً مسجد محلی است که اذن اللّه ان ترفع. خدا خواسته اینجا رفیع باشد و تهدیدی که اخیراً آمریکا کرد می‌رساند که مساجد آنها را متأثر کرده ناراحت کرده گفت اگر بدین صورت ادامه پیدا کند ما مکه را مدینه را مورد حمله قرار خواهیم داد. این‌ها مثل این‌که نمی‌دانند که للکعبه رب. پروردگاری است که نمی‌گذارد کسی بالاتر پرواز کند. اما می‌رساند که از مساجد و مکان مقدسی به نام معبد مسلمین خیلی ضربه خورده‌اند. لذا عزیزانی که توی مسجد خادمند عزیزانی که عضو هیأت امنا هستند. عزیزانی که امام جماعتند ائمه جماعات اهل قلم که اهل بیان و بنانند باید قدر خودمان را بدانیم این لطف و عنایت ذات حضرت احدیت است

که هرجا مسجد ستوده شده افراد فعال در مسجد هم مورد ستایش قرارگرفتند توی همین آیهٔ شریف **فی بیوت اذن اللّه ان ترفع** بلافاصله می‌گوید: «**رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع ان ذکراللّه**» این‌ها هستند. یا تا می‌گوید **لمسجد اسس علی التقوی** بلافاصله می‌گوید: «**فیه رجال یحبون ان یتطهروا**».

لذا مسجد مقدس است شما عزیزان هم قدر قداست‌هایتان را بدانید و یک فرصتی گیر ما کرد به نام هفتهٔ گرامیداشت مساجد. ما می‌گوییم بهانه‌ای بود لطفی بود عنایتی بود به هر حال همهٔ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تصویب کردند این هفته را به‌نام مسجد در سرتاسر جهان اسلام. و باید مسجدی‌ها از این فرصت استفاده کنند. ارتباط بین مساجد را محکم کنند که توصیهٔ مقام معظم رهبری در دو سال پیش که به محضرشان مشرف شدیم. ایشان فرمودند: ارتباط بین مساجد جهان اسلام را برقرار کنید. این چیز مهمی است اگر مساجد با هم مرتبط بشوند و از این مصوبهٔ سازمان کنفرانس اسلامی استفاده کنند یک تحول عظیمی می‌شود در جهان اسلام بوجود آورد. ما خوشبختانه به شهادت نمایندگان جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف بهترین مراسم هفته جهانی را تا این لحظه در ایران اسلامی برگزار کرده‌ایم. الحمدلله. مساجد مطرح شد. یک فضای خوبی به نفع مساجد ایجاد شد. سال گذشته جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد فردی را فرستاد نزد من که ما هفتهٔ دولت را با مسجد محوری می‌خواهیم آغاز کنیم. شما کمک کنید که نمایندگان دولت در مساجد حضور پیدا کنند که سال گذشته این کار را کردیم. وزراء، معاونین، رئیس جمهور اعزام شدند به استان‌ها در مراکز استان‌ها. در مصلاهای نماز جمعه با کمک شورای سیاستگزاری ائمه جمعه سخنرانی کردند هدایایی داده شد. امسال هم این برنامه ادامه دارد. و الآن برنامه یک جوری شده که هرکس بیاید بخواهد کار بکند فضا جوری است که می‌گوید با مسجد محوری می‌خواهم کار کنم.

این خیلی برای ما فرصت مغتنمی است که چنین فضایی در جامعه به حمداللّه و المنة ایجاد شده و همهٔ این‌ها از برکت آن روح بلند و رفیع و مسیحا نفس امام والا مقام رضوان خدا بر او باد که او حرکت و نهضت این انقلاب را از مساجد آغاز کرد همانطور که دین را احیا کرد

مساجد را هم امام احیا کرد. پیروزی ما برای مساجد است. این فرمایش حضرت امام است. پیروزی ما برای ادارهٔ مساجد است. و یا فرمود: از هیچ چیز نترسید اما اگر مسجدهاتون خالی شد بترسید. این توصیه‌های حضرت امام را در رابطه با مسجد عزیزان بخوانند. خدا می‌داند آدم خودش احساس می‌کند کم آورده در مقابل کاری که بایستی در مسجد انجام می‌داد. لذا فضا امروز به نفع مساجد است.

فعالیت‌های خوبی هم بحمداللّه در این چند سال انجام شد که هر کدام در جای خودش قابل ارزش است. بخش کتبی که در این دوره نوشته شده واقعاً کتب ارزشمندی است همین جا باید تشکر کنم از دوستان اهل قلمان که تلاش کردند کوشش کردند در مرکز و به رشتهٔ تحریر درآوردند. آنچه انجام شده در هفته جهانی و چاپ شد که ما امسال ۸ تا کتاب را ان‌شاءاللّه خواهیم داشت که ۳ تا از آنها چاپ شده ۵ تای دیگر را هم متعهدند که تا ماه مبارک رمضان تحویل بدهند که ما بتوانیم با پشتوانهٔ علمی مسائل‌مان را ان‌شاءاللّه اداکنیم. لذا فضا فضای خوبی است. در قم هم مرکز آموزش پیش‌بینی شده برای دوره‌های فشردهٔ تخصصی که ائمه جماعات مدتی را در قم تشریف داشته باشند پذیرایی بشوند که با مراجع و بزرگان از علماء ارتباط برقرار کنند و هم یک دورهٔ فشردهٔ تخصصی ببینند چون امروز بدون داشتن علم و آگاهی و اشراف به شرایط زمان ادارهٔ مسجد کار آسانی نیست. حتماً باید این کارها صورت بگیرد و ان‌شاءاللّه از امسال آغاز خواهد شد. یک نهضت قرآنی هم امسال در مساجد راه‌اندازی می‌شود که ان شاءاللّه عزیزان کمک کنند تشکل اهل قلم به معنی واقعی باید شکل بگیرد ان شاءاللّه و کار بکنند اهل قلم. تعدادشان هم زیاد است کلام‌شان هم روان و خوب هم می‌نویسند اگر مورد تشویق قرار بگیرند می‌توانند در آینده ائمه جماعات جایگاه خوبی در سطح کشور ان‌شاءاللّه داشته باشند. ما برای این‌که عرصه را تنگ نکنیم و بتوانیم از محضر استادمان بهره‌برداری کنیم من بیش از این مصدع نمی‌شم. مجدداً هم تشکر می‌کنم. واقعاً من متواضعانه عرض می‌کنم ارادتمندم به محضر حضرت آیةاللّه جوادی آملی که بر ما منت گذاشتند و دو مرتبه امسال به ما اجازه دادند در محضرشان باشیم. لذا همین جا من عرضم را ختم می‌کنم که بتوانیم بیشتر از محضرشان استفاده کنیم و السلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

گزارش حجةالاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی
دبیر همایش ائمه جماعات اهل قلم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمدلله المنعم المنان الظاهر فی کل شی بالبینة و البرهان. والصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین سیما بقیةاللّه فی الارضین.

CD شماره ۸

من هم به سهم خودم مبعث رسول گرامی اسلام و اعیاد شعبانیه را خدمت همهٔ سروران به ویژه حضرت آیةاللّه جوادی آملی حفظه اللّه و روحی له الفدا تبریک عرض می‌نمایم. استادی که شیخ سند فلاسفهٔ قائم شیخ سند فقیهان مجاهد شیخ سند ائمه جماعات هوشیار و در صحنه است زیباترین مسجد به معنای واقعی کلمه را ایجادکرده است. مسجدی که وقتی وارد می‌شویم باکتاب با علم روبرو می‌شویم و در فضایی بسیار علمی و معنوی خودمان را می‌یابیم. شیخ سند ائمه جماعات شیخ سند حقانیت راه امام. شیخ سند حقانیت زیارتنامهٔ امام. هرچه بگویم حتی شیخ سند مربیان زمان. به محضر این شخصیت بزرگ هفته گرامی‌داشت مساجد را نیز تبریک عرض می‌کنیم واقعاً برما منت گذاشتند و توفیقی است در محضر شخصیتی باشیم که مصداق این جملهٔ علی علیه‌السلام:

«و انی لمن قوم لا تأخذهم فی اللّه لومة لائم. سیما هم سیما الصدیقین عمار اللیل و منار النهار. متمسکون بحبل القرآن یحیون سنن اللّه و سنن رسوله. لا یعلون، لایغلون لایفسدون. قلوبهم فی الجنان و اجسادهم فی العمل» می‌باشد.

و به تعبیر دیگر:

«بهم علم الکتاب و به علموا بهم قام الکتاب و به قاموا».

چه افتخاری حال من به عنوان بخش علمی ستادگزارشی عرض می‌کنم در ستاد عالی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد کمیته‌هایی تشکیل شد یکی از آنها کمیته علمی است من به عنوان دبیر کمیتهٔ علمی عرض می‌کنم کمیته کمیسیون‌های تخصصی تشکیل داد که محصولش امروز پانزده جلد کتاب که فروغ مسجد جلد پنجم هم اکنون تقدیم شد، از جمله آثاری است که در این کمیته طراحی شده و مجموعهٔ اندیشه‌های صاحب‌دلان، دلسوختگان. کسانی که واقعاً مساجد را دوست دارند در این مجموعه‌ها گردآوری شده. همچنین کتاب ائمه جماعات شهید. مجموعه‌ای است که تقدیم شده، شخصیت‌هایی که بهترین و بیشترین خدمات راکرده‌اند و جانشان را فدای اسلام و مساجد کرده‌اند، ولی متأسفانه حتی اسمی هم از آنان تاکنون به میان نیامده. کتاب ائمه‌جماعات اهل‌قلم تقدیم

شد که در میان ائمه جماعات اهل‌قلم افرادی هستند مثلاً ما امام جماعتی داشتم که چهل اثر به زیباترین شکل درگوشهٔ مسجد نوشته و کسی احوالش را هم نپرسیده و یا امام جماعتی را ما در تهران داشتیم که چهارصد فرد اهل کتاب را به اسلام به قرآن و به دین و تشیع علوی دعوت کرده و آنها ایمان آوردند ما در سال گذشته حدود ششصد اثر ائمه جماعات اهل قلم را ارزش‌یابی کردیم ـ درگرایش‌های گوناگون، تفسیر، فقه، اخلاق، و سایرگرایش‌ها ـ و از میان آنها برترین‌ها انتخاب شدند و بعد تشکیلاتی به عنوان ائمه جماعات اهل قلم در همان همایش سال گذشته که در محضر آیةاللّه نوری همدانی بودیم، تشکیل شد و جمعی هفت نفری را به عنوان شورای ائمه جماعات اهل قلم انتخاب کردند و آن جمع به عنایت خدا جلسات متعددی داشتند برای اینکه ان‌شاءاللّه بتوانند اهل قلم، اهل بیان و اهل بلاغ را ان‌شاءاللّه تشویق، ترغیب و زمینه‌سازی کنند، ارتباط‌شان را با هم برقرار سازند و به‌عنوان یک مجموعه‌ای که در خدمت اسلام و نظام اسلامی و راه امام و شهدا ان‌شاءاللّه قرار بگیرد. خوب در این مجموعه فراز و فرود داریم، شخصیت‌هایی داریم که الآن در محضرشان هستیم حدود یکصد اثر وزین تفسیر قرآن و امثال آن را پدید آورده‌اند و دوستانی را هم داریم که می‌دانند باید تلاش کنند و زحمت بکشند که ان شاءاللّه راه بزرگان را ادامه بدهند.

گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل ای بسا در که به نوک مژه‌ات باید سفت
تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد آن که خاک در میخانه به رخساره نرفت

از اطاله سخن عذرخواهی می‌کنم، می‌خواهیم استفاده کنیم و ان‌شاءاللّه بیانات استاد فرزانهٔمان چراغ راهمان شود تا ان‌شاءاللّه بتوانیم مساجد، این پایگاه‌های اسلام را فعال کنیم و الگویی برای جهان اسلام و همه جهان ان‌شاءاللّه بشویم.

والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

رهنمودهای حضرت آیةالله العظمی جوادی آملی دامت‌برکاته

السلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین. والصلاة والسلام علی جمیع الانبیاء والمرسلین. سیما خاتمهم محمّد و اهل بیته الا طیبین الانجبین. سیما بقیةاللّه فی العالمین.

«**بهم نتولی و من اعداءهم نتبرءُ الی الله**».

مقدم شما علمای بزرگوار، آیات، حجج، اساتید مدرسان اهل قلم. مسئولان محترم. مرکز امور مساجد، ریاست محترم مرکز راگرامی می‌داریم.

در ایام پر برکت رجب و شعبان که مقدمهٔ شهراللّه است قرار داریم برخی گذشت، برخی هم در پیش است. اعیاد با برکت این ایام را به پیشگاه بقیةاللّه ارواح العالمین له الفداء تهنیت عرض می‌کنیم. مطالبی راکه این بزرگواران فرمودند بسیار امیدبخش بود. جامع بود و نافع. از ذات اقدس اله مسئلت می‌کنیم همهٔ خدماتی که شما بزرگواران ارائه فرموده‌اید به احسن وجه بپذیرد و توفیق ارائه خدمات برتر بهتر را برای همهٔ شما بزرگواران از ذات اقدس اله مسئلت می‌نمائیم. جریان مسجد اهتمامش آن وقتی روشن می‌شود که معلوم بشود دل مردم رسیدهٔ همین مراکز مذهبی است. شاید بارها به عرض‌تان رسیده در سطح جهان که این هفته هفتهٔ جهانی مساجد است مسائل فراوان است. اما در سطح کشورمان که تقریباً ۷۰ میلیون جمعیت دارد. حداکثر این ۷۰ میلیون یک میلیون دین‌شان را مستقیم از قرآن و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام تشخیص داده باشند اکثریت قاطع یعنی ۶۹ میلیون این کشور دین‌شان

را از شـما آقـایان دارنـد و **کـفی بـذلک فـخراً**. کـاری کـه مسـاجد و حـوزه‌ها مـی‌کنند؟ مردم دین‌شان را از مسجد و حسینیه و منبر و علما دارند. قبلاً ایـن چـنین بـود. ایـمان هـم همین‌طور است. قبلاً علمای ما اساتید ما معلمان ما مؤلفان ما این را به مردم منتقل کرده‌اند. امروز شما آقایان دین را منتقل می‌کنید. کاری که مساجد کاری که علما، کاری که حوزه کرد هیچ کس نکرد و نمی‌کند. بنابراین دین ۶۹ میلیون که یک اکثریت قـریب بـه اتـفاق است به عهده همین امور مساجد است. مردم که توفیق آن را ندارند که به حوزه‌های علمیه بروند به کتب علمی مراجعه کنند.

CD عکس شماره ۹

مطلب سوم بازدهی این مراکز است که مادامی که این مراکز فعال نباشد یا حـضور نداشته باشد یا احساس وظیفه نکند این کشور در امان نیست. به دلیـل جـنگ جـهانی اول که هرچه خواستند گرفتند. در جنگ جهانی دوم هرچه خواستند گرفتند. در کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هجری شمسی قبل از ظـهر مـردم تـهران مـی‌گفتند مـرگ بـر شـاه. بـه فـاصله

۱۴ ساعت که کودتا شد و مصدق به زندان رفت و داماد شاه رئیس دولت شد کابینه تشکیل شد مردم همین شهر گفتند جاوید شاه. هیچ آب از آب تکان نخورد. در ظرف ۱۴ ساعت. اما وقتی انقلاب اسلامی شد روحانیت به میدان آمد، مساجد مطرح شده، علما بودند برخلاف جنگ جهانی اول، برخلاف جنگ جهانی دوم، برخلاف کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در ۱۶ شهریور گفتند مرگ بر شاه. ۱۷ شهریور هزارها شهید دادند و گفتند مرگ بر شاه. ۱۸ شهریور هم گفتند مرگ بر شاه تا نظام اسلامی به ثمر رسید. این کاری است که مسجد کرد. این کاری است که روحانیت کرد. این کاری است که دین کرد. بنابراین شرف این کشور به همین مساجد است. به حسینیه است. به دین مردم است. استقلال مملکت، آزادی مملکت، ما مستقلیم یعنی هر تصمیمی که دولت بخواهد بگیرد، متوقف به رضای غیر نیست. ما آزادیم یعنی هر تصمیمی که دیگران دربارهٔ ما بگیرند ملغی است. استقلال یعنی ما در تصمیم‌گیری‌ها آزادیم یعنی خط قرمزی داریم این دو تا اصل است. یعنی دلیل عقلی دارند. عقل همانطوری که اصل عملی دارد اماره دارد. این‌ها اماره است. حاکم بر غیرند، اصولند. گرچه شعار است ولی این شعار را مسجد آورد. گرچه از مسجد آمده ولی محققان مسجد پژوه این شعار را داده‌اند گرچه محققان دادند ولی حوزویان ترسیم کردند. استقلال اصل است. اصل آزادی اصل است. این نظیر اصل برائت نیست که جزو اصول عملیه باشد یک. اماره است. و بر بسیاری از اصول حاکم است. خوب این حرف‌ها از مراکز علمی درآمده و به مردم رسیده. مردم پذیرفتند و سند استقلال و آزادی مملکت را تدوین کردند و بهره‌هاش هم همین است.

بنابراین هم دین مردم بوسیله مسجد است که **کفی بذلك فخراً و بشارةً...**؟ هم استقلال این مملکت از مسجد است. اما آن تحلیل علمی که چرا مساجد به این جایگاه رسیدند و وظیفهٔ ما از این به بعد چیست. آیاتی که ریاست محترم مرکز قرائت فرمودند و این دوست عزیز ما که اهل قلم است اشاره کردند که مساجد جزو خانه‌هایی است که خدا می‌خواهد که این‌ها رفیع بشوند البته تشریعاً خدا همه جا را؟ رفعت داده کسی را تشریعاً جلویش را نگرفته شرعاً ما هم مجازیم هم مأموریم که بالا برویم اما تکویناً به فیض خاص الهی که مربوط به مراکز دینی است نظیر مساجد نظیر مشاهده مشرفه: «**فی بیوت اذن اللّه ان ترفع**» این تحلیل علمی می‌خواهد. چه خصوصیتی دارد که مسجد را خدا بالا می‌برد

کجا می‌برد. این رفعت مکانت است. خوب کجا دارد می‌برد. وسیلهٔ بالا بری چیست؟ آن وسیله بالابر بدست کیست؟ این‌ها همه را قرآن کریم تبیین کرده. فرمود آنجا که سخن از علم باشد وسیله بالابر هست. آن‌جا که سواد نباشد خرابات باشد اونجا وسیله نیست. آن‌جا که علم باشد و تحقیق باشد و فضیلت علمی باشد آن‌جا وسیله بالابر هست در درجهٔ اول این را علم با ایمان:

﴿یرفع الله الذین ءامنوا منکم والذین اوتوالعلم درجات﴾.

این وسیله بالابر ایمان واقعی است.

این درجات تمییز است. برای فعل دوم. تمییز جمله دوم مظروف است. یعنی **﴿یرفع اللّه الذین ءامنوا منکم درجةً والذین اوتوالعلم درجات﴾**.

مؤمن یک درجه مومن عالم چندین درجه. پس معیار بالا رفتن ایمان است و علم این یک بحث است. خوب این وسیله بالابر دست کیست؟ فرمود این وسیله بالابر قرآن کریم است. چون قرآن است که انسان را بالا می‌برد. این طنابی که وسیلهٔ بالابر است بدست خداست. فرمود مگر طنابی را نازل کرده است دو جور انزال در قرآن کریم آمده که بارها شاید به عرضتان رسیده. یکی انزال به معنای انداختن یک انزال به معنای آویختن خدا هم باران را نازل کرد هم قرآن را نازل کرد. باران نازل کرد یعنی انداخت. قرآن را نازل کرد یعنی آویخت. اگر انزال باران به معنای انداختن است ما را نگفته که به باران چنگ بزنید برای اینکه باران به جایی بسته نیست. گفته از باران مدد برای کشاورزی بگیرید و مانند آن. اما گفته است به قرآن چنگ بزنید اتصال کنید این حبل است. یعنی مثل باران نیست آن را نینداختیم. آن را آویختیم. این حبل است. یک طرف بدست من است. این را بگیر و بالا بیا. خوب اگر قرآن حبل است این حبل مثل باران انداخته می‌شد خوب طنابی که این گوشه انداخته است مشکل خودش را حل نمی‌شود چه برسد به مشکل متوسلان به آن را. ما به طناب انداخته اعتصام بکنیم که چی؟ اما طناب اگر آویخته باشد اتصال به آن درست است. مسئله این است که آن را نینداختند آن را آویختند حدیث معروف ثقلین با این جمله همراه است که فرمود: این ثقلین یکی کتاب است یکی عترت احدهما بیده سبحانه و تعالی. آقا این طناب را که نینداختید شما. این را آویختید. به عرش رسیده است یک طرف بدست من است این را بگیر و بالا برو. پس اگر در سوره مجادله فرمود: ایمان و ایمان با علم آدم را

بالا می‌برد آن ابزار بالابر را هم ذکر کرده که قرآن است و رمزش را هم ذکر کرده فرمود این ابزار به عرش رسیده است و رازش این است که بدست من است. اگر **یداللّه فوق ایدیهم** اگر دست خدا روی این قرآن است. بعد به ماگفتند به این قرآن اعتصام کنید برای این‌که قرآن بالا می‌برد. و اگر در قیامت گفته می‌شود که اقراء و ارقع: بخوان و بالا برو. این مثل دنیا نیست که هر کسی بتواند بخواند و بالا برود. تا در دنیا قرآن را نخوانده باشد یک، نفهمیده باشد. دو، باور نکرده باشد. سه، متخلق نشده باشد. چهار، عمل نکرده باشد. پنج، منتشر نکرده باشد. شش، توان خواندن قیامت را ندارد. آن روز می‌گویند اقرا به مقداری که در دنیا قرائت به مقداری که در دنیا خواندی امروز می‌توانی بخوانی و بالا بروی. و اگر آدم بخواهد در آخرت بخواند و در آنجا ثواب ببرد که دنیا می‌شود دار عمل. در حالی که وجود مبارک رسول گرامی علیه و علی اله الاف التحیة و الثناء این بیان نورانی را فرمود که حضرت امیر در نهج البلاغه دارد که **الیوم عمل و لاحساب و غداً حساب ولاعمل** در قیامت اگر گفته می‌شود **اقرا وارقع**: یعنی به همان اندازه که در دنیا خواندی و عمل کردی امروز همان‌ها را بخوان و بالا برو. این ترقی برای آن است که این به عرش وصل است. اگر تو مناجات شعبانیه آمده است که قلوب ما را معلقهٔ به عزّ قدست قرار بده به استناد همین معارف قرآن است این هم یک مطلب.

مسجد این جمله‌های خبریه که معمولاً در قرآن کریم آمده است به داعی انشاء القاء شده است. یعنی اگر گفته شده:

﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ﴾.

یعنی **اسس المساجد علی التقوی**. اما این‌که می‌بینیم همین‌ها که به بهانه‌های واهی دموکراسی به همسایه‌های شرق گاهی به غرب حمله کردند و مشاهد مشرفه راکه به تعبیر مرحوم صاحب جواهر ملحق به مساجد است تخریب کردند. حرم مطهر عسکریین را تخریب کردند این‌ها در حقیقت همان قصد سدّ در مساجد را داشتند. چرا چون قرآن کریم می‌فرماید اینکه بیگانه اول به مراکز فرهنگی، فکری، اعتقادی مردم حمله می‌کند بعد به جامعه. زیرا مادامی که مراکز فرهنگی، فکری، دینی آباد است و فعال است. جامعه متدین مصونند. این دو تا آیه راکه شما در قرآن کریم ملاحظه می‌فرمایید این را در طول هم نه در عرض هم قرار داده است. یک آیه دارد که «**لولا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض**»

اگر دفاع نباشد اگر جهاد فرهنگی نباشد بوسیله اهل قلم، جهاد نظامی نباشد به‌وسیله نیروی فعال نظامی. فساد عالم‌گیر می‌شود زمین را می‌گیرد. خوب سئوال چطور می‌شود که فساد در زمین گستردش پیدا می‌کند؟ جواب فرمود اول این‌ها مراکز فرهنگی، فکری را ویران می‌کنند. بعد جامعه را.

﴿لولا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و مساجد﴾.

این‌ها سنگرند. «**لولا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض**» یعنی اول بیگانه مراکز دینی مردم را ویران می‌کند. وقتی مراکز دینی خلوت شد، خالی شد آن وقت جامعه را آلوده می‌کند. بنابراین رهبری جوامع بشری به عهده مراکز مذهب است و اگر اسلام نبود یهودیت هم نبود مسیحیت هم نبود. یک بیان لطیفی مرحوم کاشف الغطاء رضوان اللّه تعالی علیه در کتاب قیم کشف الغطاء دارد مرحوم کاشف الغطاء که صاحب جواهر می‌فرماید: فقیهی به حدت ذهن او نبود. برای اینکه این یهودیت و این مسیحیت تحریف شده که با افسانه آمیخته است و بسیاری از سیئات را به انبیای الهی معاذاللّه استناد می‌دهد. این دین با پیشرفت علم قابل ماندن نبود. اینکه مریم سلام اللّه علیه را متهم بکند. اینکه عیسی را متهم کند اینکه موسی را متهم کند این دین ماندنی نبود. اما وقتی قرآن آمده به عصمت این‌ها به طهارت این‌ها به حجیت این‌ها به عذرا بودن مریم به قداست مریم به طهارت مریم فتوا داد. مسیحیت را زنده کرد عیسویت را زنده کرد، یهودیت را زنده کرد. تورات را زنده کرد، انجیل را زنده کرد و این دینها را نگه داشت این بیان لطیف مرحوم کاشف الغطاء که اسلام هم خودش را نگه داشت هم انبیاء قبلی را حفظ کرد. هم ادیان قبلی را.

الآن هم اگر خدایی ناکرده اسلام نباشد یهودیت و مسیحیت هم رخت بر می‌بندد. چون این مسیحیت دینی نیست که عقل او را بپذیرد. علم او را بپذیرد. با این آلودگی که دارد. الان اگر مسیحیت مانده است، یهودیت مانده است به برکت همین مساجد است و دین است و قرآن. در این آیه فرمود درست است که در آیه قبل آمده «**لو لا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض**». اما منشاءش این است که «**لو لا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و مساجد یذکر فیها اسم اللّه**» در ضمن این آیه لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم آنجا چند نظر هست. بعضی‌ها گفتند این اختصاص به مسجد قبا و مدینه ندارد و این شأن

نزول است مورد نزول مخصص یا مقید امور یا اطلاق آیه نیست. هر مسجدی که پایگاه تقوی باشد بنابر تقوا داشته باشد این شایسته است که رهبران الهی در آنجا اقامه کنند البته مسجد قبا یا مسجد مدینه اینها مورد قطعی آیه است. مساجد دیگر به شرط؟ می‌توانند مورد شمول اطلاق یا عمومات باشد. بنابراین معیار رفعت همان علم و عمل صالح است که ذات اقدس اله این‌ها را بالا می‌برد. که اگر فرمود **و رفعناه مکاناً علیا** باز از همین قبیل است.

پس «**فی بیوت اذن اللّه ان ترفع**» که درباره مساجد و مشاهد مشرفه است معیار رفعتش علم و ایمان است و معیار وسیله بالابرش هم مشخص است. اما حالا وظیفه ما دربارهٔ این مساجد چیست؟ و چگونه جامعه را احیا کنیم. مردم یک سرمایه‌ای دارند به نام فطرت. این سرمایه است. از کسی که برابر با آن سرمایه اینها سخن بگوید حرف‌پذیر است. حرف انبیاء حرف اولیاء از همین قبیل است. یعنی حرفی است دلپذیر. مطابق با فطرت. بخشی از کارها ما تا گوش مردم می‌توانیم برسانیم بوسیله سخن یا تا چشم مردم می‌توانیم برسانیم بوسیله قلم. اما از گوش تا جان، از چشم تا جان را با بیان با سخن نمی‌شود منتقل کرد. آن را با نوشتن نمی‌شود منتقل کرد آن را با عمل صالح باید منتقل کرد. ذات اقدس اله فرمود: این کار را تا گوش و چشم تو برسان از گوش تا دل. از چشم تا دل با عمل صالح من می‌رسانم. من در دل‌های این‌ها که مقلب القلوبم می‌رسانم. اگر ذات اقدس اله به نوشته‌های اهل قلم قسم خورد در حقیقت به سخنرانی‌های سخنرانان دینی هم قسم خورده. او به علم صالح و عمل صالح قسم می‌خورد. اگر فرمود «**ن والقلم و ما یسطرون**». این ما چه مصدریه باشد چه موصوله بالاخره مکتوبات مورد قسم خدا بوده. الان سر ماندگاری شرح لمعه و مکاسب و این‌ها برای این است که خدا قسم خورده. قسم به شرح لمعه قسم به مکاسب این کتاب می‌ماند. ببینید روزی هزار بار بیش از هزار بار می‌گویند شهید رضوان اللّه تعالی چنین گفته. فرمود من به مسطورها قسم می‌خورم. قسم به قلم هرآنچه راکه علما می‌نویسند. خوب اگر چیزی را ذات اقدس اله قسم خورد یعنی گرامی داشت دیگر. این محو شدنی نیست خوب ما می‌توانیم طرزی حرف بزنیم که جزو مقسم به خدا باشد چیزی بنویسم که مورد قسم خدا باشد این «**ن والقلم و مایسطرون**» تاریخ نیست که گذشته باشد هر صاحب قلمی که حرف علمی مخلصانه بنگارد مورد قسم خداست. بیان لطیفی سیدنا الاستاد مرحوم علامه طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه دارد که قسم خدا در قبال بینه نیست. به بینه است. در محاکم شرعی قسم در مقابل بینه است

یعنی یکی مدعی است یکی منکر آن مدعی بینه را ارائه می‌کند منکر سوگند یاد می‌کند که قسم در مقابل بینه. بینه در مقابل قسم این مال محاکم است. اما قسم ذات اقدس اله به بینه است نه در مقابل بینه. مثل این‌که اگر کسی ادعاکند الآن روز است. بعد بخواهد دلیل ارائه کند بله قسم به این آفتاب که الآن روز است این بهترین قسم خوردن است نه در قبال دلیل. اگر گفته شد «**البینة علی المدعی و الیمین علی من انکر**». آن مال محاکم قضایی است. کسی که دلیل ندارد قسم یاد می‌کند اما قسم خدا به دلیل است اگر فرمود قسم به این آفتاب الآن روز است. یعنی دلیل اقامه می‌کند. نه اینکه یعنی من چون دلیل ندارم سوگند یاد می‌کنم. قسم ذات اقدس اله در قبال بینه نیست بلکه به بینه است. قسم خدا در مسائل هدایت به نوشتار نویسنده‌هاست بله این راهنما است. قسم به‌این حرف‌های علمی قسم به‌این حرف‌های حق قسم به این مطالب حق راه این است.

خوب چرا نوشته ما این‌گونه نباشد. اینکه نه عصمت شرط است نه امامت. این از سنخ **الله اعلم حیث یجعل رسالَته** نیست ما می‌توانیم تلاش و کوشش کنیم. (آثارکم یا زیاد) یک مقاله علمی، یک کتاب علمی بنویسیم که خدا به نوشتهٔ ما قسم خورده باشد.

توی ادبیات همه مستحضرید که این «کان» که به خدا استناد دارد منسلخ از زمان است. این نه متضمن است نه متمکن. چون زمان و مکان ندارد و متضمن و متمکن نیست. این کان کان ماضی نیست. آن یکون یکون مضارع نیست. اینکه گفتند **کان الله علی کل شی قدیراً** یعنی در گذشته بود الآن هم هست آینده هست اصلاً این فصل از کون خبر می‌دهد نه از ماضویه. کان که مال خداست فعل ماضی نیست.

اگر گفتیم **کان اللّه علیماً** نه یعنی گذشته اگر ذات اقدس اله قسم یاد کرد. مربوط به گذشته و حال و آینده نیست. این از سنت الهی خبر می‌دهد. سنت خدا این است که ذات اقدس اله بر نوشتار علمی ارج و ارزش نازل می‌کند و سوگند یاد می‌کند. و در این‌ها هم عصمت و امامت و ولایت شرط نیست. بنابراین شما بزرگان هم می‌توانید که تا بحال به لطف خدا موفق شدید آثار علمی داشته باشید که ذات اقدس اله به نوشته‌های شما قسم یاد کند این «**ن والقلم و ما یسطرون**» آن قدر روایاتش ریشه‌دار است که در ذیل همین تفسیر شریف نورالثقلین هست که روایات است که یکی از صوفیان خدمت امام صادق صلوات اللّه علیه شرفیاب می‌شود که نون چیست؟ قلم چیست؟ حضرت مشخص کرد دو تا نهر است در بهشت بعد فرمودند دو فرشته الهی است. بعد فرمودند نور الهی. بعد به صوفیان فرمودند

من دیگر بیش از این نمی‌توانم در این جمع بگویم. این معنای آن است که قرآن از عرش تا فرش قرآن است.

یعنی که اینجا که هستیم «**انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون**»، «**و انه فی ام الکتاب لدینا لعلّی حکیم**». آنجا دیگر عربی نیست. آنجا علی حکیم است. از علی حکیم تا عربی مبین از عربی مبین تا علی حکیم قرآن است. اینکه در آغاز سوره زخرف دارد ﴿**انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون و انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلیٌّ حکیم**﴾. یعنی قرآن هم عربی مبین است که می‌خوانیم هم علی حکیم است که ریشه هر اندازه توانستید همراه دارید راهنما دارید این اهل بیتند این‌ها قدم به قدم شما را جلو می‌برند. حالا کسی توقع ندارد کسی نیست که مثل آنها باشد. بالاخره می‌تواند شاگرد آنها باشد. در ردیف آنها که شدنی است. بالاخره بدنبال آنها می‌توانید خیلی از چیزها را ببینید. اینکه فرمود من به نوشته‌ها قسم یاد می‌کنم چیزی را که ذات اقدس اله به آنها قسم یاد می‌کند چرا آثار ما مصداق **مایسطرون** نباشد. و چرا ما این کار را نکنیم. چرا ما اهل قلم نباشیم. طهارت روح شرط است. و ذات اقدس اله در همه موارد علم را با عمل صالح تجویز کرده.

ان‌شاءاللّه امیدواریم هم علمش را داشته باشیم هم عمل صالح را. در عین حال که به ما فرمود «**هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون**». قبل از اینکه به ما بفرماید عالم و غیر عالم یکسان نیست این آیه ذیل یک آیه‌ای است در سوره مبارکه زمر صدرش آن است که وارسته و غیروارسته یکسان نیست. بعد دارد عالم و غیر عالم یکسان نیست. اول نماز شب بعد علم. این مربوط به نماز شب است دیگر. این چنین نیست که یک آیه مستقل در قرآن داشته باشیم که بگوییم عالم و غیر عالم یکسان نیست. چنین عالمی با دیگران یکسان نیست. خوب ما می‌توانیم باشیم این امر شدنی است. این چنین نیست که مقدور نباشد. اگر مقدور نبود که ذات اقدس اله نمی‌فرمود که این کار آسان است. سخت نیست آسان است سست نیست وزین است. سختی در مقابل آسانی است. سستی در مقابل وزین است. فرمود کتاب ما سخت نیست. آسان است. سست نیست وزین است. **انا سنلقی الیك قولا ثقیلاً**. حرف‌های علمی ثقیل و وزین است یک. دلپذیر است دو. هم وزین است هم آسان. سخت نیست. سست هم نیست. بنابراین هم بالاست هم بالابر. و این همانطور که قبلاً فرمودند: بدست شما آقایان به عنوان امانت داده

شده. امیدواریم همان‌طوری که تاکنون حفظ فرمودید. از این به بعد هم حفظ کنید و همانطوری که تاکنون اهل قلم بودید مشمول «**ن والقلم و ما یسطرون**» بودید از این به بعد هم اینچنین باشد. من مجدداً مقدم آیات، علما، اساتید، ریاست محترم مرکز امور مساجد و همهٔ عزیزان، مسئولان اهل قلم راگرامی می‌دارم. این بیاناتی که بزرگواران فرمودند چون خودشان را در آیینهٔ برادری ایمانی‌شان دیدند از خودشان تعریف کردند همهٔ این فرمایشاتی که فرمود در حقیقت درباره خودشان است. امیدواریم ذات اقدس اله به همهٔ شما سعادت و سیادت دنیا و آخرت مرحمت بفرماید. پروردگارا تو را به اسمای حسنایت قسم. تو را به انبیاء و اولیاءت قسم. تو را به دماء شهدایت قسم. تو را به اهل بیت عصمت و طهارت قسم نظام ما مقام معظم رهبری مراجع بزرگوار، حوزه‌های علمی فرهنگی و دانشگاهی ما همه را در سایه امام زمان حفظ بفرما.

دولت ما، ملت ما، مملکت ما، تمامیت ارضی ما، مسئولان ما، همه را در سایه امام زمان حفظ بفرما.

خدمتگزاران به دین، مسئولان محترم امور مساجد، ائمه محترم جمعه و جماعات و این عزیزان همه را در سایه لطف امام زمان حمایت بفرما.

حوایج مشروعهٔ همه را در سایه لطف امام زمان برآورده بفرما.

مریضای مسلمین بالاخص منظورین را در سایه لطف امام زمان درمان بفرما.

مشکلات دولت و ملت را در سایه لطف امام زمان حل بفرما.

ارواح مؤمنان عالم، مراجع ماضی، آیات گذشته، آیات تازه گذشته، آیةاللّه مشکینی، سایر آیات و حج همه را درکنار سفرهٔ امام راحل و شهداء انقلاب و این جمع مهمان انبیاء و اولیاء بگردان.

بین ما و قرآن و عترت در دنیا و برزخ و قیامت جدایی مینداز.

خدماتی که این عزیزان انجام داده‌اند به برکت امام زمان به احسن وجه بپذیر.

عزت و سعادت و سیادت همه عزیزان را در سایه لطف الهی تحویل بفرما.

والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

فصل چهارم

اولین همایش محراب و منبر

(ائمه‌جماعات و وعاظ)

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی
رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
در همایش محراب و منبر در هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله آل الله.

CD عکس شماره ۳۱

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه:

﴿الذین یبلغون رسالات الله و یخشونهُ و لایخشون احداً الاّ الله و کفي بالله حسیباً﴾.

تشکر و امتنان از این که عزیزان دعوت مرکز رسیدگی به امور مساجد را پذیرفته‌اند و حضور پیدا کرده‌اند و تبریک و تهنیت عرض می‌کنم ایام و اعیاد شعبانیه را. ولادت با سعادت اباعبدالحسین، ابوالفضل العباس، سیدالساجدین و در آستانه ولادت با سعادت بقیةالله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه. تبریک عرض می‌کنم خدمت همه عزیزان من براین توفیق خدا را سپاس گذارم خدا به ما لطف و عنایت کرد خادمی مسجد را و هر وقت من یاد می‌کنم این عنایت خدا را جز اینکه سپاس‌گذاری کنم کار دیگری از عهده حقیر برنمی آید و امسال خدا به ما لطف دیگر عنایت کرد که خادمی وعاظ و مبلغین عزیز را هم مرحمت کرد که در این محفل خدمت‌گذار باشیم. مرکز رسیدگی به امور مساجد الحمدلله و المنّة تشکلی تا حدودی پاسخ‌گو و منسجم و هماهنگ و با برنامه انجام وظیفه می‌کند خدا را سپاس گذاریم که ما امروز هم مرکز آموزش داریم و هم مرکز مطالعات و تحقیقات داریم هم همکاران مخلص خدومی داریم و هم کتب ارزنده‌ای در طی این چند سال چاپ شده در اختیار عزیزان قرار گرفت و قرار خواهد گرفت و برنامه ما به نحوی تنظیم شده که براساس سند چشم‌انداز بیست ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی که به تأیید و تصویب مقام معظم رهبری رسیده و به دستور ایشان ابلاغ شد به سردمداران نظام ما براین اساس برنامه‌های مرکز را تنظیم کردیم و برهمین اساس انجام وظیفه می‌کنیم و خدا را سپاس گذاریم.

هفته گرامی‌داشت مساجد که الآن پنج سال ما برگزارکننده آن هستیم یک سوژه خوبی شده برای بیان آنچه را که لازم است درخصوص مساجد انجام بشود یعنی این مصوبه، مصوبه ارزشمندی است که در مقابل توهین به مسجد الاقصی به وسیله صهیونیست‌ها که مسجد الاقصی را آتش زدند و آن وقت امام رضوان الله علیه عکس‌العمل نشان دادند فرمودند

مسجد الاقصی را تعمیر نکنید و بگذارید بماند به همین حال تا مردم به جنایت صهیونیست‌ها پی‌ببرند چون دویست متر از سقف مسجد بخشی فرو ریخت در این حادثه‌ای که برای مسجدالاقصی پیش آمد و یک ماه بعد از این حادثه سازمان کنفرانس اسلامی به وجود آمد و برای این که جلو حرکت مسلمان‌ها را بگیرند شاه آن اجلاس را در مراکش افتتاح کرد و شاه ایران را بردند که باز عکس‌العمل قضیه راکم رنگ کنند بعد از گذشت سی و چند سال که از این حادثه گذشت هفته گرامی‌داشت جهانی مسجد در تهران به تصویب وزرای سازمان کنفرانس اسلامی رسید در سال ۱۳۸۲ در تهران تصویب شده و ما از همان سال این برنامه را اجرا می‌کنیم که فضای خوبی را برای مساجد ایجاد کرد و امسال در اوج خودش بود برگزاری برنامه‌های هفته جهانی مساجد که قبل از برگزاری این هفته ما خدمت مراجع بزرگوار در قم مشرف شده‌ایم و دیدگاه‌های آن بزرگان راگرفتیم به محضر بخشی از علمای برجسته تهران رسیدیم حدود سی نفر از شخصیت‌های ممتاز تهران که امام جماعت بودند و یا قبلاً بوده‌اند و تجربیات آنها را هم اخذ کردیم هفت جلسه قبل از هفته جهانی به عنوان جلسات مناطق برگزار شد که در یکی از جلسات جناب آقای خاتمی تشریف آوردند و در جلسه دیگر جناب آقای استادی تشریف آورده‌اند و جلسه دیگر آیة‌الله سبحانی جلسه دیگری آیة‌الله جوادی امسال به ما لطف کردند و دو مرتبه صحبت کردند در رابطه با مساجد و اهل‌قلم و هفته جهانی رهنمود دادند که برای ما بسیار تأثیرگذار بود در مجموع من می‌خواهم عرض کنم از نظرات بزرگان به نحو مطلوبی استفاده شد تا جلسات اصلی که امروز سومین جلسه است و جلسه اول جناب آقای دکتر حداد عادل ریاست محترم مجلس تشریف آورده‌اند و جلسه بسیار با عظمت و با شکوهی بود و از همه بالاتر این که جناب آقای دکتر حداد مطالعه کرده بودند چالش‌ها و آسیب‌های مساجد را درست شناسایی کرده بودند و تا حدود زیادی کلیدهای باز شدن این قفل‌ها و درهای بسته را ارائه کردند و آخرین فرمایش ایشان این بود که شما خودتان قانون راکه مورد نیازتان است را بیاورید به مجلس که ما تصویب کنیم این بهترین روشی بود که جناب آقای دکتر حداد پیشنهاد کردند و حقیقتاً راه‌گشا بود

فرمایشات ریاست محترم مجلس و دیروز هم ما در محضر حضرت آیةالله هاشمی رفسنجانی بودیم که به حق حمایت خوب، راهنمایی خوب، ارشاد خوب و چون کاملاً واقفند ایشان به وضعیت مساجد و مرکز، ایشان هم راهنمایی‌های خوبی داشتند و امروز من بدون اینکه وارد بحث شوم، جلسه وعاظ و مبلغین است من می‌خواهم عرض کنم پایگاه تبلیغ و وعظ مسجد است و مسجد محوری اگر برای همگان شعار باشد برای وعاظ و مبلغین شعور و جایگاه‌شان محل و جایگاه خیزش وعاظ و مبلغین مساجد بوده و هست و خواهد بود و اگر همه چیز را در طول تاریخ از روحانیت و وعاظ و مبلغین گرفته‌اند و جایی که نتوانستند هیچ وقت بگیرند آن پایگاه وجایگاه مساجداست واین چیزی است که خدا خودش تضمین‌کرده **فی بیوت اذن الله ان ترفع** آیةالله جوادی می‌فرمودند که اصلاً مساجد رفعتش تکویناً است یعنی خدای تبارک و تعالی تشریعاً و تکویناً این محل را خواسته دارای رفعت و منزلت و قدر باشد و استدلال هم به‌این آیه شریفه است ﴿**و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل**﴾ بعد می‌فرماید: **ربنا تقبل منا انك انت السمیع العلیم** به این آیه شریفه استناد فرمودند لذا مي خواهم عرض کنم که مسجد رفیع قدراً و منزلتاً و بناءً پایگاه و جایگاه ائمه جماعات مبلغین و وعاظ عزیز است و ما براین باوریم که خود ائمه جماعات ما و مبلغین وعاظ برنامه‌ریزی کنند کیفیت حضور در مساجد را مشخص کنند چون یک وقتی در مساجد ما بعضی از افراد مساجد راگرفته بودند و جایی برای وعاظ و مبلغین کم پیدا می‌شد که جلویش گرفته شد اما هنوز هم وجود دارد و لازمه این کار این است که وعاظ و مبلغین هماهنگی دقیقی داشته باشند که من خدمت آقای شجاعی و اکرمی عرض می‌کنم عزیزان باکمک سایر وعاظ هر برنامه‌ای ریختند و ما را به عنوان خادم مسجد و مبلغ قبول داشته باشند خدمت‌گذار خواهیم بود تا برنامه‌ها به نحو مطلوبی اجرا بشود.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین شجاعی
در همایش محراب و منبر در هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین والعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین آمین رب العالمین.

قال رسول الله ﷺ :

«**للانسان فضیلتان عقل ومنطق فبالعقل یستفید و بالمنطق یفید**».

ضمن سپاس‌گذاری از این مجلس با عظمت که متشکل از ائمه جماعت اهل قلم و مبلغین و وعاظ محترم تهران هستند که به ابتکار حضرت آیةالله آقای ابراهیمی این همایش تشکیل شده و باید بگویم این اولین باری است که صاحبان محراب و منبر و ائمه‌جماعات و مبلغین در همایش خاص شرکت می‌کنند در چند روز قبل در مجلسی که به مناسبت صدمین سال تولد استاد آقای فلسفی شخصیت بزرگ جهان سخن تشکیل شده بود من در آنجا این مطلب را عرض کردم که بسیاری از همایش‌هایی که تشکیل می‌شود از وعاظ و مبلغین دعوت نمی‌شود در حالی که همین منبر همین مبلغین هستند که در حقیقت با بیان و سخن و تبلیغ جهان اسلام را اداره کرده و می‌کنند و باید به حضور آقایان عرض کنم عالی‌ترین فضیلتی که خدا به انسان داده یکی مسئله فراگیری و یکی مسئله آموختن است و این مخصوص انسان است و بس. ناطقیت و دستگاه عقل این قدرت ما به الامتیاز انسان

CD عکس شماره ۲۶

با مادون می‌باشد که در کلیات شمس فصل از برای شخصیت انسان مسئله ناطقیت است که با قدرت عقل فرا می‌گیرد ولی با قدرت بیان می‌آموزد این فقط مخصوص انسان است ولی در موجودات دیگر تربیت اثر دارد ولی نه این که یک تربیت شده‌ای بتواند دیگری را تربیت کند ولی این انسان است که با نیروی بیان می‌تواند جامعه را هدایت کند ارشاد کند و مردم را به تمام فضایل عالی اخلاقی و انسانی سوق بدهد و این مسئله‌ای است که پیغمبر ما در ورود به شهر مدینه اولین جایگاهی که خودشان اقدام کردند چه در مسجد قبا نزدیک مدینه و چه در ورود به مدینه اول جایگاه نشر معارف عالی اسلامی را ساختند با دو ویژگی محراب و منبر یعنی محراب در آن روز برای ایستادن رو به مردم و یک شخصیت مانند پیغمبر به سوی خدا ولی بلافاصله منبر درست شد برای این‌که رو به مردم بایستد و پیغمبر تکیه می‌داد به ستون حنانه بعد از مدتی منبر سه پله ساخته شد که همین جمعه آخر ماه شعبان پیغمبر وقتی

خواستند این پله‌ها را صعود کنند. پله اول آمین و پله دوم آمین و پله سوم آمین گفت. بنابراین محراب و منبر یک حقیقت خاصی برای نشر معارف عالی اسلامی هستند و اهمیت خاص دارند و نوع کسانی که در محراب امام جماعت هستند آن قدر موفق هستند که از منبر مسجد هم استفاده کنند یعنی این توفیق ارائه سخن را در اختیار داشته باشند و بتوانند مردم را به پاکی و حق و عدل دعوت کنند اگر کعبه در حقیقت این جمعیت فراوان را دارد از تبلیغ مبلغین است اگر یک زن با عفت و با عصمت و فضیلت در مقام همسری و مادری در کنار سفره خانواده‌ها نشسته است در پرتو تبلیغ دین است اگر یک تاجر شایسته و اگر یک انسان موفق در هر حال مسئله سخن و منبر نقش اساسی را در تأمین سعادت یک اجتماع داشته و خواهد داشت آنهایی که توانستند این خاک ایران را حفظ کنند و خوزستان در کنار سرزمین ایران باقی بماند همان بچه‌هایی هستند که تربیت شده دانشگاه منبر هستند یعنی مسئول هیئات‌اند مسئول مساجد هستند آن افرادی که به دین معتقد نیستند و بعضی‌ها بچه‌هایشان را از میان گوسفندان دولا دولا از مرزها ردکردند و زیر بار ننگ پناهندگی بردند آنها به ایران و به کشور به دین و قیامت توجهی ندارد همین بچه‌های پای منبرها بودند که آن جوان وقتی تیر سینه‌اش اصابت کرد افتاد روی زمین از شهدای عین‌الدوله یکی از دوستان دوید آن را بغل کرد پا شد روی دو پا گفت آب به دهانش گذاشتم ردکرد گفت من می‌خواهم مثل یاران سید الشهداء (سلام الله علیه) جان بدهم و همین کار را کرد سلام کرد افتاد روی زمین و یا در شب حمله وقتی مبلغی ایستاد صحبت کرد و منافعی را مربوط به بهشت بیان کرد یک جوان پا شد و گفت آقا بهشت و تمام محتوای بهشت ارزانی شما فقط به من بگو آن لحظه که من در میدان شهادت چشم از این عالم می‌پوشیدم ارباب سیدالشهدا از من دیدار می‌کند یا نه اینها بودند که پرورش یافته منبر بودند منبر را اهمیت دهید واعظ را در اجتماع معرفی کنید آنها واقعاً پایه اول و اساس اول هستند. دوستانم و واعظ محترم به من اجازه دادند که من قدری مزاحم شوم از شما پوزش می‌خواهم به چند دعا سخنم را خاتمه بدهم.

پروردگار روح بلند حضرت امام و شهدای اسلام را سر سفره با برکت صاحب شریعت مهمان بفرما.

پروردگار مقام معظم رهبری این فرزند رشید و ارزشمند پیغمبر را به آبروی حضرت زهرا روز به روز بر تأییدات شان بیفزا.

آنچه خیر و برکت است به ما ملت و مملکت مرحمت بفرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین اکرمی
در همایش محراب و منبر در هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله العظیم فی کتابه:

﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾.

CD عکس شماره ۲۸

ابتدا سپاس‌گذاری می‌کنم از انعقاد این نشست سپس تشکر می‌کنم از مرکز رسیدگی به امور مساجد، و مسئول محترم آن حضرت حجةالاسلام والمسلمین جناب آقای ابراهیمی و عزیزان همکار ایشان برای تشکیل این جلسه و جلسات گذشته و پوزش می‌طلبم از این‌که چند دقیقه‌ای مزاحم هستم چند تا نکته را یادداشت کردم به اختصار عرض می‌کنم.

دنیای امروز ما دنیایی ویژه است از منظر ارتباطات و رسانه‌ها از منظر اطلاعات و آگاهی‌رسانی و از نظر ترافیک و ازدحام در پیام‌سازی و پیام‌رسانی انصافاً دنیای عجیبی و غریبی است به ساده‌ترین وضع می‌شود با دنیا در ارتباط قرار گرفت به زبان‌های مختلف مطالب را گرفت آن مطالبی که محکمات دارد متشبهات هم دارد و امثال این‌ها.

نکته دوم ایران اسلامی ما هم در شرایط ویژگی‌ای قرار گرفته است یک روز ایران را یک کشور نفتی و تخت جمشیدی یک کشور آریایی می‌شناختند ولی امروز ایران اسلامی را کانون انقلاب کانون زلزله کانون الهام و انقلاب می‌شناسند الان هر حادثه‌ای در جهان رخ بدهد که منافع استکبار را متزلزل کند بلافاصله به ایران نسبت می‌دهند و می‌گویند، از ایران الهام گرفته شده است یک نمونه بسیار ساده‌ای را عرض کنم یک وقتی یک بنده خدا مدیر کل مخابرات در یکی از روستاهای ایتالیا شده بود در یک دفتر در یک روستا شب‌ها گاهی خانم‌ها و گاهی آقایان کشیک می‌ایستادند این بنده خدا که مدیر کل مخابرات شد گفت دیگر کشیک برای خانم‌ها نباشد شب‌ها خانم بروند خانه به زندگی خودشان برسند کشیک شب برای مردها باشد بلافاصله گفتند این از ایران الهام گرفته است معلوم می‌شود که ایران روی اینجا نفوذ دارد این خیلی ساده است و الله در دانشگاه‌های دنیا غوغا است از توجه به مطالب دینی مطالب عرفانی فقه اسلامی فقه جواهری تفسیر قرآن این اسرائیل یک دانشگاهی دارد به‌نام اورشلیم تمام چهل جلد جواهر مرحوم صاحب جواهر را آمدند باب باب دارند رویش کار می‌کنند کار تحقیقی می‌کنند تا شاید به خیال به این نتیجه برسند چی شد یک مرتبه ایران شد کانون انقلاب کانون نهضت کانون زلزله که همهٔ دنیا را متوجه خود کرده و الآن ایران بیست و چهار ساعت روی آنتن است و دارند روی ایران تحلیل می‌دهند و می‌گویند با ایران چه کنیم.

اما نکته سوم بنده واعظ حضرت عالی مبلغ و مساجد ما هم در یک چنین شرایطی قطعاً مسئولیت ویژه‌ای داریم امروز برادران من سروران من خواهران من پای منبر ما معمولاً دیپلم به بالا نشسته‌اند غیر از افراد کهن سال که آنها هم مخصوصاً در تهران با سوادند و بعضی خیلی با سوادند ما باید مطابق فکر آنها و سواد آنها و معلومات آنها توجه بکنیم.

یک یادی از مرحوم آیةالله فلسفی (رضوان الله تعالی علیه) داشته باشم که مرحوم آقای فلسفی می‌فرمود طلبه و مبلغ باید چند نوع مطالعه داشته باشد:

۱ ـ مطالعه مستمر اصلاً کارش باید مطالعه باشد حالا تفسیر و تاریخ حدیث هرچه است یک مطالعه مستمر.

۲ ـ مطالعه برای آن منبری که می‌خواهد برود نقل کردند مرحوم آقای فلسفی در این اواخر فرمود یک پیامی می‌دهم به دوستان منبری، من توی این سن و سال باز وقتی می‌خواهم جایی سخنرانی کنم هشت ساعت و به نقلی دیگر سه و نیم ساعت می‌نشینیم برای منبر مطالعه می‌کنم واقعاً ما باید برای وقت مردم فکر مردم زمانی که صرف می‌کنند بهاء قائل بشویم و مطالعه ویژه داشته باشیم برای آن منبر که می‌خواهیم برویم. هم تمرین در ذهن داشته باشیم که چه آیه‌ای شروع کنم و چه حدیثی باید نقل کنیم چه قصه‌ای را باید بگویم و کجا باید بگویم مرحوم آقای فلسفی می‌فرمود کجا عصبانی بشود و چند دقیقه هم عصبانی بشود تمرین توی ذهن و حتی تمرین مکتوب مرحوم آقای فلسفی جزء گویندگان نخستی بود که همیشه یادداشت حدیث را در جعبه عینک داشت و در می‌آورد حدیث را از رو می‌خواند انسان وقتی از روی می‌خواند به اعراب توجه دارد به مبتدا توجه دارد به خبر توجه دارد به تمیز و حال توجه دارد همین الآن در تلویزیون ماگاهی می‌بینیم آیات قرآن درست خوانده نمی‌شود چه رسد به روایت و این نقطه ضعف است که آنهایی که اهل دقّت هستند به ما اشکال می‌کنند فصاحت و بلاغت مثال‌هایی که آدم می‌زند واقعاً باید دقت بکند که مرحوم آقای فلسفی استاد در مثال زدن بود و حتماً محتوای منبر باید از ثقلین باشد زیرا پیامبر مکرم اسلام ما را به این دو سپرده و بیمه کرده است.

توجه به نیاز مخاطب، به نیاز مخاطب در بیان مطلب توجه داشته باشید چاشنی کردن مسائل روز ما نمی‌توانیم در منبر از ابتدا تا انتها تحلیل سیاسی بگذاریم و نه کاملاً منبر از تحلیلی

سیاسی جدا باشد بلکه می‌شود مطالب سیاسی را چاشنی کرد و مختصر اشاره‌ای بکنیم و به نظرم می‌آید این بیان معصوم «**العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس**» فقط بهره‌برداری شخصی ندارد من اگر آگاه باشم نه اضافه براین به مصداق زکات العلم نشره باید به دیگران آگاهی بدهم مجالس فاتحه ما امروز بهترین مکان برای پیام‌رسانی می‌باشد. برادران نمی‌توانیم از این انقلاب و از این شهدا گذشت ما سه تا شهید داریم برخی هرچه داشته‌اند داده‌اند من یک شبی وارد خانه پدر زنم شدم مادر خانم به من گفت یک شبی از خواب بیدار شدم دیدم شوهرم عکس بچه شهیدش راگرفته روی سینه‌اش گذاشته تا خوابش ببرد ما نمی‌توانیم از این مسائل در هیچ زمانی وا بمانیم من تجربه کردم این ملموس من است هرکس در هر لباسی و در هر مقامی در هر شرایطی از روی علم و عمد به خون شهدای ما خیانت روا بدارد همین جا چوب می‌خورد.

ما باید به مسائل روز توجه کنیم به شهدا بها دهیم به خانواده شهدا احترام بگذاریم به جانبازان آزادگان توجه ویژه داشته باشیم اخیراً توی مجله سبز خواندم خلبانی را ده سال بعد از پایان جنگ نگه داشته بودند و بعد آزادکردند هنوز سرنوشت عدهٔ فراوانی مشخص نیست ما مدیون این‌ها هستیم ما وارث آنها هستیم باید ان‌شاء الله حق را اداکنیم تا فردای قیامت از شفاعت آنان ان‌شاءالله بهره‌مند شویم معذرت می‌خواهم برایتان دعا می‌کنم.

در این ماه شعبان خدایا ما را مشمول رحمت ویژه‌ات قرار بده.

ما را پاسدار خون شهدا و ادامه دهنده راه شهدا قرار بده.

ما را از شفاعت این بزرگواران بهره‌مند بگردان.

هرکس به ملت و مملکت و نظام و انقلاب خدمت می‌کند بر توفیقات و تأییداتش بیفزا و هرکس خیانت روا می‌دارد شرش را به خودش برگردان.

امریکا و انگلیس و اسرائیل و استکبار جهانی و القاعده و طالبان شرشان به خودشان برگردان مسلمانان عراق و فلسطین و لبنان و افغانستان نجات مرحمت بفرما.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سخنرانی حضرت آیةالله موحدی کرمانی دامت‌برکاته
در همایش محراب و منبر در هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و حبیب قلوبنا ابوالقاسم محمد و علی اهل‌بیته الطیبین طاهرین المعصومین لاسیما بقیة اللّه.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾.

جلسه با شکوه و ارزنده‌ای است و من خیلی خوشحال هستم از این که این توفیق نصیبم شده چهره نورانی شما عزیزان را زیارت کنم استفاده فراوان برده‌ایم از بیاناتی که بزرگان قبلاً ایراد کردند من تشکر می‌کنم از بردار بزرگوار و ارزشمند حجةالاسلام‌والمسلمین جناب آقای ابراهیمی که این توفیق را نصیب بنده کردند من به دیدار شما عزیزان نائل شوم فکر می‌کردم که چه موضوعی را در این مجلس با شکوه مجلس بزرگان اعزه، علما و خطبا صاحبان قلم مطرح کنم فکر کردم که با توجه به نقش مؤثری که مساجد دارد در رشد انسان‌ها و کمال انسان‌ها و همین نقش را خطبا، وعاظ، گویندگان هم دارند و صاحبان قلم آن شیوه‌ای که قرآن به عنوان پیاده کردن برنامه انبیاء مطرح کرده آنها را اجمالاً عرض کنم و یا به عبارت دیگر خودمان احساس کنیم چه وظیفه‌ای داریم و چه‌کار باید بکنیم اساساً جایگاه یک روحانی چیست و خدا از یک روحانی که عهده‌دار انجام وظیفه

CD عکس شماره ۳۳

و یا وظایف خاصی شده چی هست ما اگر بخواهیم در قیامت سرافزار باشیم در نزد رسول خدا پیامبر از ما چه مطالباتی می‌کنند و ما چی جواب باید بدهیم لابد به ما خواهد فرمود که مثلاً شما می‌خواستید این کارها را بکنید کردید یا نکردید ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ما را جامعه ادامه دهنده راه انبیاء می‌داند و تحقیقاً این لباس هم درنظر بینندگان همین پیام را دارد که شما مربی ما هستید شما مهذب ما هستید شما بیانگر نشانه‌های خدا هستید همین که قرآن می‌گوید:

﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.

ما در حد توان‌مان باید این‌ها را تحقق ببخشیم من سخن را بعد از خواندن این آیه شریفه از از امیرالمؤمنین علیه‌السلام شروع می‌کنم حضرت ـ دیگر نیازی هم به ترجمه نیست ـ می‌فرماید:

«**فبعث فیهم رسله و واتر علیهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته**».

توالی پی‌درپی آمدن انبیاء برای چند هدف آمده‌اند یکی ادای میثاق فطرت، انبیاء از

مردم خواستند که اداکنند پیمان فطرت‌شان را آن فطرتی که با آن فطرت میثاق بستند با خدا ولی غافل شدند مردم غافل شدند از این پیمان غفلت کردند حالا انبیاء آمدند به آنها بگویند این میثاق را اداکنید ما پیمان بستیم به این پیمان عمل کنید و احترام بگذارید ما در این جمله اول این را می‌فهمیم که باید مردم را تشویق کنیم به این مسئله مردم میثاق فطرت را اداکنند مهم‌ترین پایگاه برای یک روحانی مبلغ و واعظ که به آن تکیه کند و مردم را حرکت بدهد و استارت بزند فطرت است فطرت بسیار سرمایه مهمی است خداوند در انسان قرار داده است اگر جوان منحرف دیدیم ما باید او را به فطرت برگردانیم به فطرت که برگشت دیگر آماده می‌شود برای انجام کار در انسان فطرت در حیوان غریزه و دیگر لازم نیست چیز دیگری را ما به کار بگیریم **و یذکروهم منسی نعمته** انبیاء آمدند به مردم یادآوری کنند این نعمت‌هایی را که مردم فراموش کردند نعم الهی را ما باید برای مردم باز کنیم وقتی نعم را شناختند آنها فراموش کرده‌اند که غرق نعمت، غرق لطف، غرق عنایت خدا هستند، ولی حالیش نیست احوالش را می‌پرسیم لب به شکایت برمی‌دارد و واقعاً انسان خیلی ناراحت می‌شود میلیاردها نعمت را دارد اما آنها را نمی‌بیند یک دانه خلاء که شاید یا محصول اشتباه خودش باشد مربوط به خدا نیست و یا اینکه مربوط به خدا باشد شاید مصلحت باشد به این دلیل وقتی نعمت‌های فراموش شده را برای مردم توضیح دادیم عاشق خدا می‌شوند خود ما هم راه عشق به خدا را از همین راه نعم الهی، نعم مادی و نعم معنوی یافته‌ایم در آن دعا در روز مبعث درحال سجده می‌فرماید:

«**الحمدلله الذي اکرمنابمعرفته و اخصنا بولایته ووفقنا بطاعته**».

خیلی آدم‌ها هستند اصلاً در این زمین راه می‌روند با خدا آشنا نیستند خداوند معرفت به ما داد ولایت الهی را ولایت پیغمبر اکرم و ائمه معصومین را خدا به ما داد خیلی‌ها هستند بی‌بهره‌اند نعمت بزرگی است و یک سجده که می‌کنید می‌گویم الحمدلله یک گامی برمی‌داریم در راه خیر الحمدلله او بود که ما را در این راه وارد کرد و کشید و نعم معنوی و نعم مادی را به ما داد **ان تعدوا نعمت الله لاتحصوها** این راه انسان‌ها را می‌آورد توی مسیر دین می‌آورد در مسیر عشق به خدا این هم کاری است که ما باید حتماً داشته باشیم.

سوم «**ان یحتجوا علیهم بالتبلیغ**» ما بتوانیم در قیامت احتجاج کنیم به آنها بگوییم که ما تبلیغ کردیم ما حرف‌مان را زدیم حالا گوش نکردید ما وظیفه‌مان را انجام دادیم شما کوتاهی کردید.

چهارم «**ان یثیروا لهم دفائن العقول**» سلام خدا بر پیغمبر چه کلمات بلند و جامع و پر متن این عقل‌های دفن شده و عقل‌هایی که زیر شهوات و هوای نفس، طمع‌ها، حب دنیا و امثال آنها دفن شده و این‌ها مغلوب شده این دفینه‌ها را بیرون بیاوریم این چهار وظیفه است که انبیا دارند. ما هم به آنها معتقدیم و باید ادامه دهنده راه ایشان باشیم این چهار راه را باید ادامه دهیم باز از امیرالمؤمنین نقل شده که پیامبرﷺ «**طبیبٌ دوار بطبه قداحکم مراهه و احمی مواسمه**» دنبال تشنه است که سیرابش کند دنبال می‌کند مریض کجاست من بدبخت چقدر توانستم جوانان گمراه را دنبال کنم پیدا کنم آنها را توی راه بیاورم اصلاً یک جوان آمد به مسجد توانستم جذب بکنم یا آن را فراری دادم دو برنامه باید داشته باشیم. برنامه اول مرحم‌های محکم دارد مرحم را می‌گذارند روی زخم خوب می‌شود داروهای معالج و داروهای مفید داروهایی که ریشه گناه را می‌سوزاند پیغمبر همراه خودش دارد و دنبال بیمار می‌گردد که مرحم بگذارد روی زخمش و اگر خوب نشد باز داغ می‌کند برای معالجه «**طبیبٌ دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه**» چاره‌ای نیست جز سوزاندن چاره‌ای نیست جز داغ کردن آنجا هم که باید داغ کند حسابی میله داغ و آتشین را آماده کرده برای سوزاندن طرف، نگویید عجب بی‌مهری، نه بی‌رحمی نیست نه خیلی مهربان است با هردو برنامه انبیا وارد می‌شوند می‌گویند کجا نیاز به دارو است. کجا نیاز به داغ کردن هر دو را در نظر می‌گیرد و درست به‌کار می‌بریم حالا آنجایی که نیاز است به معالجه این‌ها را بیان می‌کند «**من قلوب عمی**» دل‌های کور را رسول الله بینا می‌کند چه بینایی عجیب از دخترکش عاشق با شهامت می‌سازد، غارتگر را می‌کند ایثارگر **و یؤثرون علی انفسهم ولوکان بهم خصاصه** نتوانسته زیبایی‌ها را ببیند نتوانسته فضیلت‌ها را ببیند نتوانسته ارزش‌ها را درک کند این دل را نبی‌اکرم و انبیاء و ان‌شاءالله به دست شما عزیزان باید بینا بشود بینایی خیلی مهم است می‌گوید من ببینم گوش‌های کر کجاست آنها را معالجه کنم حالا این نمی‌شنود پنبه کرده توی

گوش باشد من باید دنبال کنم و بالاخره این گوش را باید شنوا کنم و خسته نشوم نوح در این حال ۹۵۰ سال هی دعوت می‌کرد «**لبث فیهم الف سنة الا خمسین عاما**» هی دعوت دنبالش هی فحش هی سنگ خوردن و امثال این‌ها «**رب انّی دعوتهم لیلاً و نهاراً فلم یزدهم دعائی الاّ فرارا**» حالا چقدر جاده برای ما هموار است برای خدمات دینی و وای بر من بدبخت با این هموار بودن باز هم غافل باشم باز کارهایی که باید بکنم نکنم زبان‌های لال را دنبال می‌کنم کجاست می‌خواهم گویا بکنم خیلی از انسان‌ها می‌فهمیدند نمی‌گفتند کتمان می‌کردند این زبان‌ها را گویا بکنم امام حسین در آن سال‌های قبل از کربلا جمع کرد مردم را فرمود بگویید حقایق را، بگویید آنچه می‌دانید، بگویید آنچه از قدیم می‌دانید، بگویید چرا لال شده‌اید دارو را بدست گرفته می‌رود ببیند کجا بی‌خبری است کجا تحیّر و سرگردانی هست او را نجات دهد اینها کارهایی است که باید ما انجام بدهیم امیرالمؤمنین فرمود که باز «**انّ الله تعالی بعث محمداً صلی الله علیه و آله یخرج العباد**» چهار اخراج پیغمبر داشت **من عبادت العباد الی عبادته** پرستش فقط برای خدا **و من عهوده العباد الی عهوده** پیمان فقط عهد و پیمان الهی ارزشمند است **و من طاعت العباد الی طاعته** فقط اطاعت خدا **و من ولایت عباده الی ولایته** و اگر بتوانیم با بیان و با قلم و با تقویت انسان‌هایی که گرفتار این آلودگی‌ها هستند آنها را بکشیم به نور همان که رسول الله انجام داد و حالا تازه رسول الله در چه شرایطی بود و چه کرد ما که یک شرایط فراهم و آماده داریم اظهار ارادت می‌کنند امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«سلام خدا بر تو یا رسول الله جزاك الله عن الاسلام احسن الجزاء».

من فقط راجع به این دل‌های کور انسان‌های غافل که انبیاء آمدند آنها را از غفلت نجات دادند و جدا کردند و خارج کردند دو سه جمله عرض کنم اگر هدف ما و همت ما فقط بیناکردن باشد:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنْ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾.

از ظلمت‌ها بیا بیرون دوباره به نور بیاورد و در این راه نقش مؤثر هم داشته باشد در این آیه عرضی دارم. نور را از ظلمت‌ها بیرون بیاورید. امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«**لیستنقذ عبادك من الجهالة و حیرة الضلالة**».

این زمانه انبیاء است امام حسین علیه‌السلام این را ادامه داد **حتی سفك دمه** تا شهید شد. دنیا نمی‌داند در این سرزمین چه خبر است چی است چه گوهرها است چه تعرض‌ها است که به ایران می‌شود تبلیغ می‌شود که ایران یک نقطه سیاه نقطه وحشت نقطه ترور نقطه نبود آزادی و تبلیغات این‌ها به این‌جا رسیده ولی ماها برای حفظ این حکومت اسلامی تلاش کنیم یک آن غفلت جرم است جهالت به سر آدم خیلی مشکل می‌آورد:

﴿**قُل اَعوذُ بِرَبِّ الفَلَق؛ مِن شَرِّ ما خَلَق؛ ومِن شَرِّ غاسِقٍ اِذا وقَب**﴾.

غاسق هم نکره آمده یعنی از شر هر ظلمتی اذا وقب وقتی که ظلمت پر کند آن فضا را ظلمت و تاریکی پر می‌کند وجود یک جوان را از شهوت پر می‌کند هر جنایتی انجام می‌دهد باید انسان‌ها را از این ظلمت‌ها نجات داد و این وظیفه ما است. در میدان جنگ اگر مبارز با آن همه ارزش که مبارزه دارد اگر توطئه دشمن را نشناسد هیچ‌گاه نمی‌تواند کاری بکند یعنی برایش تاریک است وقتی نداند دشمن کجا را هدف قرار داده و این حربه شیطان تزیین است در مقابل ذات مقدس الهی حرفی زد که گفت تزیین می‌کنم یعنی چه یعنی زشتی‌ها را می‌پوشاند و زیبا می‌کند طرف نبیند که این زشت است، زنا زشت است، غیبت زشت است، ما نمی‌بیند غیبت می‌کند پس همه برمی‌گردد اکثراً به همان ظلمت و تاریکی ندانستن و جهالت من شر الوسواس خناس شیطان وسوسه می‌کند اما خناس است کارش این است که تا بخواهیم بفهمیم این کی بود پنهان می‌شود که باز نفهمد انسان زیبایی‌هایی مستقر پنهان در دشواری‌ها خیلی‌ها دشواری‌ها را می‌بینند ولی امام می‌فرمود: مرگ مصطفی از الطاف خفیه بود زیبایی را امام می‌بیند در مرگ مصطفی این باید جامعه را متوجه کرد که بابا همش نگاه نکند چیزهای سخت را ببینند در درون این سختی زیبایی‌ها است زینب فرمود: **ما رأیت من الله الاّ جمیلا** این جمیلی را ما باید به مردم نشان بدهیم در انقلاب چقدر زیبایی چقدر تحول چقدر عزت چقدر شرف به تعبیر برادر عزیزم هر حرکت انقلابی که علیه سلطه می‌شود فوراً می‌گویند زیر سر ایران است و این عزت ایران است که این جور با ظلم و ظالم در ستیز و نبرد است این زیبایی‌ها را باید نشان داد باید به مردم گفت بابا بعضی از سختی‌ها شما این را عسر تلقی نکنید

یسر است در ضمن آیه روزه می‌فرماید:

﴿یریدالله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر﴾.

خدا نمی‌خواهد سختی را برای شما این طور شما را به طرف یُسر می‌برد تشنگی سخت است کار کنید نه این یسر است از این طریق می‌خواهد شما را پیش ببرد و راه عبور به سوی کمال را خدا می‌خواهد برای شما آسان می‌کند. لذا آیات جهاد و روزه وارد می‌شود این یسر است آسان می‌کند این‌ها را باید مردم بدانند و مردمی که گاه گاهی ناله می‌زنند ما حالا نمی‌خواهیم بگوییم تمام ناله‌هایشان ناصحیح آنجایی که بر می‌گردد به عدم تدبیر مسئولین ناله‌هایشان به حق ولی در این حال خیلی یسرها بعد از انقلاب آمده خیلی ارزش‌ها آمده خیلی زیبایی‌ها آمده مردم باید این را توجه پیدا بکند و من آخرین جمله‌ای که در این زمینه عرض می‌کنم همین که در مردم باید ایجاد امید کرد در مردم باید مقاومت را ایجاد کرد ما نمی‌دانیم چه حوادثی در پیش است ممکن است سختی‌هایی باشد ممکن است دشواری‌هایی باشد ما نمی‌دانیم مردم را باید آماده کرد که باید مقاوم باشید اگر عزتان را می‌خواهید اگر دین‌تان را می‌خواهید اگر سعادت دنیا و آخرتان را می‌خواهید این درگرو مقاومت است باید بایستید و سست نشوید نلرزید ببینید پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«فَلِذلِكَ فَادعُ واستَقِم کَما اُمِرتَ ولا تَتَّبع اَهواءَهم».

این آیه در دو جا آمده در سوره هود آمده و سوره شوری هم آمده ولی پیغمبر اکرم خصوص سوره هود را بیان می‌کند چون در سوره شوری دارد **﴿فَلِذلِكَ فَادعُ واستَقِم کَما اُمِرتَ ولاتَتَّبع اَهواءَهم﴾** ولی در سورهٔ هود آمده **«فاستقم کما امرت و من تاب معك»** این پیغمبر را پیر می‌کند که باید هم خود مقاوم باشد و هم امت مقاوم بسازد این سخت است این که می‌فرماید **شیبتی سورة هود** و ما اگر پیرو پیامبریم **و لکم اسوة حسنةٌ فی رسول الله** ﷺ باید جلوی چشم ما باشد مردم را مقاوم کنیم بایستند، نترسند مقاومت کنند ارزش عاشورا را برایشان مطرح کنید ارزش بلاهایی که در مسیر کمال به سراغ انسان می‌آید بلا انواع و اقسام دارد از بعضی از پدیده‌ها اولیاء خدا استقبال می‌کنند این‌ها را باید به مردم بگوییم رسول الله در مکه انسان‌ها را ساخت و می‌فرمود فعلاً درگیر نشوید فعلاً خودتان را بسازید فعلاً نماز بخوانید

خودتان را بسازید قوی بشوید در مدینه وارد می‌شوید به هرحال مقاوم‌سازی مرحله بسیار مهمی است و باید به مردم امید داد این آیات که بیشتر مربوط به ظهور است **و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض** این‌ها نقش ایجاد امید دارد امیدوار باشید بابا زمین مال شماست این‌ها تمام ایجاد امید می‌کند شما به وظیفه عمل بکنید بایستید مقاوم باشید و ما با شما هستیم و همین‌طور این جهان بر پایه حق است امید ایجاد می‌کند من عرایض را خاتمه می‌دهم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

CD عکس شماره ۳۲

بخش دوّم

مقالات برگزیده

پنجمین همایش بین‌المللی

هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

وحدت اسلامی و تقریب مذاهب

آیة‌الله محمدعلی تسخیری

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر چند ضرورت پایبندی به اصول و مبانی برادری ایمانی و وحدت و انسجام اسلامی از بدیهیات کتاب و سنت و مورد نظر شارع مقدس و سفارش مؤکد ائمه معصومین علیهم‌السلام است ولی میراث سنگین و تاریخی صدها سال اختلاف و کینه و کدورت و جنگ و نزاع فرقه‌ای و دسیسه‌های استعماری و استکباری در دهه‌های اخیر که تلاش نموده آتش تعصب و لعن و تکفیر و تفسیق را بین مسلمانان رواج دهد آن‌چنان آسمان برداری بین مسلمانان را تیره و غبار آلود کرده که گاهی لازم است به توضیح واضحات و تشریح و تبیین بدیهیات بپردازیم.

تهاجم سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و تبلیغاتی دشمنان قسم خورده مسلمین مخصوصاً آمریکا و اسرائیل به اسلام و سرزمین‌های اسلام و لزوم اتحاد و همبستگی مسلمانان در برابر دشمن مشترک و اتخاذ موضوع واحد در مسائل جهاتی ضرورت طرح این بحث را دو چندان می‌کند.

در ابتدا لازم است تعاریف مورد نظر خود را از دو اصطلاح «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب» به اختصار شرح دهم تا حد و مرز آن با «ادغام مذاهب» یا «الغای مذاهب»

یاگذشت از مواضع اصلی و اصول مسلم دینی و مذهبی به منظور شیعه‌کردن اهل‌سنت و سنی نمودن شیعیان معلوم‌گردد:

الف) وحدت اسلامی

«وحدت اسلامی» عبارت است از: همکاری و تعاون پیرامون مذاهب اسلامی براساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضوع عملی واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هریک از مسلمانان به مذهب خود.

ب) تقریب مذاهب

تقریب مذاهب به معنای نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت مشترکات یکدیگر و توسعه مشترکات به منظور دستیابی به تآلف و اخوت دینی براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی و نیز معذور نمودن همدیگر در نقاط مورد اختلاف است.

البته منظور از مذاهب اسلامی، آن دسته از مکاتب فقهی معروف و معتبری هستند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به‌کتاب و سنت‌اند که از نظر ما عبارت‌اند از مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی از اهل‌سنت و مذهب اثنی‌عشری، زیدی و بهره اسماعیلی از شیعه و مذهب اباضی که مذهب باقیمانده از خوارج است با تعدیل زیاد.

تاریخ تقریب

مطالعه در تاریخ اسلام در زمان ائمهٔ معصومین و شاگردان آنها نشان از آن دارد که آن بزرگواران با همه اختلافات فکری که با فقهای مسلمین و ائمه مذاهب داشتند، لیکن مراوده و مباحثه علمی و رابطه استاد شاگردی همواره بین آنان برقرار بوده است.

جمع کثیری از شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام از اهل سنت بوده‌اند و بسیاری از آنان از این دو امام بزرگوار نقل حدیث کرده‌اند. از جمله آنها ابوحنیفه و مالک هستند که با وجود اختلافات فقهی، مقام شاگردی آن حضرت را داشته و به آن افتخار می‌کرده‌اند. براین اساس ما با افراد زیادی روبرو هستیم که از جمله راویان مشترک بین شیعه و سنی هستند و بیش از ده هزار روایت در عمده‌ترین کتب اهل‌سنت از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است.

در عصر بعد از ائمه نیز علمای بزرگ ما امثال شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه طبرسی صاحب مجمع البیان حتی شهید اول و شهید ثانی از جمله کسانی بوده‌اند که صاحب کرسی تدریس در فقه مذاهب مختلف اسلامی بوده در آثار و کتاب‌های خویش هم شیوه ارائه مقارن فقه و کلام را رعایت کرده‌اند. آنان ضمن پایبندی به مذهب اهل‌بیت هیچ‌گونه تعصبی در عرضه مطالب نداشته نقل همه اقوال را شیوه خود ساخته و با استدلال متین و عملی از آرای خود دفاع می‌کرده‌اند. کتاب الخلاف شیخ طوسی و «المؤتلف من المختلف» علامه طبرسی نمونه‌ای از این شیوه پسندیده است.

اصولاً کتاب‌های استدلالی فقهی ما درگذشته همین سبک و سیاق راکم و بیش حفظ می‌کرده‌اند.

علمای اهل‌سنت هم با ابراز علاقه و احترام به اهل‌بیت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نشان داده‌اند که هیچ‌گونه کینه و تعصبی نسبت به آن بزرگواران نداشته‌اند. اشعار شافعی از ائمه اربعه و اشعار شعرای فارسی که اکثریت آنان سنی مذهب بوده‌اند گواه براین مطلب است.

به گونه‌ای که برخی از بزرگان آنها را «سنیان دوازده امامی» لقب داده‌اند. این مسئله تا آنجا پیش رفته که شیخ محمد ابو زهره از شیوخ معاصر الازهر درباره ابو حنیفه گفته است:

«نتنهی من الکلام السابق الی ان اباحنیفه شیعی فی میوله و آراءه فی حکام عصره‌ای انه یری الخلافة فی اولاد علی من فاطمة و ان الخلفاة الذین عاصروه قد اغتصبوا الامر منهم و کانوا لهم ظالمین».[1]

---

۱. ابوحنیفه، نوشته ابو زهره، ص ۱۴۷.

هم او بعد از مناظره‌ای که در حضور منصور دوانیقی با امام صادق انجام داد اظهار داشت: «**ما رأیت افقه من جعفر ابن محمد**» و این جمله‌اش نیز معروف است که «**لو لا السنتان لهلك النعمان**» و نیز نقل کرده‌اند که او پیوسته امام صادق را با احترام صدا می‌زد و می‌گفت: «**جعلت فداك یا بن رسول الله**».

مرحوم صدوق هم در کتاب الخصال از قول مالک نقل می‌کند که گفت:

«**کنت ادخل علی الصادق جعفر ابن محمد**علیهما السلام**: فیقدم لی مخدة و یعرف لی قدراً و یقول یا مالك انی احبك فکنت اسر بذلك و احمد الله علیه و کان لایخلو من احدی ثلاث خصال: اما صائما و اما قائما و اما ذاکرا و کان من عظماء العباد و اکابر الزهاد الذین یخشون الله عزوجل و کان کثیر الحدیث، طیب المحاسبة، کثیر الفوائد فاذا قال: قال رسول اللّه**صلی الله علیه و آله و سلم **اخضر مرة و اصفر اخری حتی ینکره من یعرفه...**».

می‌توان دقیقاً گفت که همهٔ ائمه مذاهب متهم به تشیع شدند بلکه مورد خشم و أذیت دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته‌اند. مطالعهٔ تاریخ زندگی ابو حنیفه، مالک و شافعی گواه براین مطلب است.

تأسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در قاهره

در زمان معاصر «مسئله تقریب مذاهب» وارد دوره جدیدی شد. حضور مرحوم شیخ محمدتقی قمی در قاهره و تأسیس دارالتقریب و پیوستن علمای بزرگ شیعه امثال مرحوم کاشف الغطاء، مرحوم شرف الدین، ملا صالح مازندرانی، آیت الله العظمی حکیم، علامه هبة الدین شهرستانی، علامه سید محسن امن عاملی و... به آن و حمایت عظیم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی از این طرح و همکاری وی با شیوخ الازهر امثال شیخ محمود شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ سلیم البشری شیخ الباقوری و دیگران

روابط حوزهٔ علمیه قم و جامع الازهر را به پیش راند تا جایی که الازهر کتب شیعه امثال مجمع البیان طبرسی و المختصر النافع محقق حلی را به طبع رساند و فتوای معروف به رسمیت شناختن شیعه از سوی شیخ محمود شلتوت شیخ بزرگ الازهر صادر شد ولی پس از دو دهه این حرکت به علت فوت برخی از رهبران آن خاموش شد و مجله خوب آن یعنی رسالة الاسلام پس از چاپ شصتمین شماره متوقف شد.

تأسیس مجمع جهانی تقریبی مذاهب اسلامی در تهران

در ادامه فعالیت‌های دارالتقریب، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و در ابتدای رهبری معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای معظم‌له امر به تأسیس مجمع التقریب نمودند، این مجمع از ابتدای تأسیس گام‌های بلندی را در راه تقرب برداشته و فعالیت‌های زیادی نموده است که در ادامه شرح خواهم داد و از آنجاکه دعوت به تقریب، دعوتی منطقی، هماهنگ با روح کتاب و سنت و منسجم با تعالیم پیامبر اکرم و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام بوده و هست با موفقیت‌های بسیاری قرین بوده است.

پایه‌های فکری تقریب

دعوت به تقریب مذاهب بر پایه‌ها و اصول فکری متعددی مبتنی است که همه ریشه در کتاب و سنت دارد و یا از پشتوانه رعایت مصالح امت که امری مورد پذیرش عقلا است برخوردار می‌باشد، برخی از این مبانی عبارت‌اند از:

۱ـ اصول مشترک

تعدد مذاهب به طور طبیعی نشان از اختلاف مسلمانان در پاره‌ای از باورهای کلامی و فقهی دارد. که نتیجه طبیعی آزادی اجتهاد و اختلاف انسان‌ها در برداشت‌های فکری تحت تأثیر ظروف و شرایط تربیتی است. ولی نباید فراموش کرد که اصول اعتقادی، کلامی، فقهی و اخلاقی ما وجه

اشتراک بسیار دارد. برخی از علما مشترکات را تا ۹۵ درصد در امور فقهی و حتی اعتقادی برآورد می‌کنند. این امر در مورد امور اخلاقی تقریباً به صددرصد می‌رسد.

در اصول و پایه‌های عقیدتی، ایمان به خداوند متعال، صفات الهی، ارسال رسل، انزال کتب، بهشت، جهنم، جزای اعمال و... و نیز ضروریات شریعت از نماز و روزه و قبله، حج و زکات و امر به معروف و نهی از منکر همه یک نوع می‌اندیشیم و باور داریم. اختلاف، در فروع و شاخه‌های این مسائل است: مثل توحید صفات، حدود عصمت، اجرای وضو و... تکیه بر اصول و عناصر مشترک در عقیده و عمل از ارکان وحدت اسلامی و تقریب مذاهب است.

۲ ـ اصل وحدت

اصل وحدت مسلمانان و امت واحده بودن آنان ریشه در قرآن و سنت نبوی و سیره ائمه مسلمین دارد. گذشته از آیات فراوان و روایات بسیار که ضرورتی برای ذکر و تکرار آن نمی‌بینیم سیرهٔ امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم‌السلام الگوی عملی و لازم الاتباع ما است.

امیرالمؤمنین با این‌که بطور قطع خلافت را حق خود می‌دانست اما می‌فرمود:

«فلما مضی علیه السلام تنازع المسلمون الامر من بعده. فواللّه ما کان یلقی فی روعی و لایخطر ببالی ان العرب تزعج هذا الامر من بعده ـ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ـ عن اهل بیته و لا انهم منحوه عنی من بعده. فما راعنی الا انثیال الناس علی فلان یبایعونه فامسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام یدعون الی محق دین محمد ـ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ـ فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله ان اری فیه ثلما او هدما تکون المصیبة به علی اعظم من فوت و لایتکم التی انما هی متاع ایام قلائل، یزول منها ما کان، کما یزول السراب، او کما یتقشع السحاب فنهضت فی تلك الاحداث حتی زاح الباطل و زهق و اطمأن الدین و تنهنه».

و البته که آن حضرت در تمامی مدت خلافت خلفا بر بیعتش وفادار بود. خیرخواهی جامعهٔ اسلامی، نصیحت خلفا، ارائه مشورت صادقانه به آنها، اجازه به اصحاب و یارانش برای تصدی منصب‌های حکومتی و کمک به خلفا و... همه نشان از تقدم مصالح عامه بر منافع شخصی بود.

این شیوه در سیرهٔ فرزندان آن حضرت امام مجتبی و امام حسین و نیز امام چهارم زین‌العابدین و امام باقر علیهم‌السلام ادامه یافت. دعای امام چهارم برای اهل ثغور در صحیفه طیبه‌اش و نیز کمک امام باقر به دولت اموی در امر ایجاد سکه رایج اسلامی گواه این امر است.

۳ ـ اصل اخوت و برادری بین مسلمانان

شیوه رفتار ائمهٔ معصومین با مخالفین و سفارش‌هایشان به شیعیان برای حسن همزیستی و حفظ روابط برادرانه بیشتر از آن است که در این مختصر بگنجد ولی از باب نمونه به چند حدیث شریف این گفتار را متبرک می‌سازم.

«عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام انه قال: من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله فی الصف الاول».(۱)

«و عنه علیه‌السلام: اوصیکم بتقوی الله عزوجل و لاتحملوا الناس علیس اکتافکم فتذلوا ان الله تبارك و تعالی یقول فی کتابه ﴿و قولوا اللناس حسنا﴾، ثم قال: عودوا مرضاهم و اشهدوا جنائزهم و اشهدوا لهم و علیهم، و صلوا معهم فی مساجدهم».(۲)

«و عن معاویه ابن وهب قال: قلت له: کف ینبغی لنلا ان نصنع فیما بیننا و بین قومنا بین خطائنا من الناس ممن لیسوا علی امرنا؟ قال تنظرون الی ائمتکم الذین تقتدون بهم فتصنعون ما یصنعون،

---

۱. وسائل، ج ۸، باب ۵، ص ۲۹۹.

۲. وسائل، ج ۸، باب ۵، ح ۸، ص ۳۰۱.

فواللّه انهم لیعودون مرضاهم و یشهدون جنائزهم و یقیمون الشهادة لهم و علیهم و یؤدون الامانة الیهم».

۴ ـ مصالح عالیه امت اسلامی

شکی نیست که شیوه امیرمؤمنان با خلفای هم عصر خویش و نیز سفارشات ائمه معصومین علیهم‌السلام به شیعیان علاوه بر همه ریشه‌های قرآنی مبتنی بر یک اصل اساسی بوده و آن تقدم مصالح امت اسلام بر مصالح و منافع شخصی، گروهی و حتی مذهبی. امروزه نیز که تهاجم و تکالب استکبار بر امت اسلام سراسر جهان اسلام از شرق آسیا تا غرب افریقا و در خود امریکا و اروپا اقلیت‌های اسلامی را فراگرفته و به اصطلاح دشمن بیخ گوش ما در کمین نشسته قطعاً مصلحت ما در ائتلاف، ترک منارعه، همکاری و تعاون است نه در اختلاف و تنازع و خرده‌گیری از یکدیگر. این شیوه‌ای است که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس اللّه نفسه الزکیهٔ پیوسته به آن سفارش می‌فرمودند و در فتاوای ایشان مخصوصاً پیرامون احکام حج، نماز جماعت و... پایبندی به آن کاملاً آشکار و روشن است.

اهداف و برنامه‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مجمع جهاتی تقریب مذاهب اسلامی براساس مبانی فوق و به امر رهبر معظم انقلاب تأسیس شده و شورای عالی و مجمع عمومی آن متشکل از ده‌ها عالم سنی و شیعه ایرانی و غیرایرانی می‌باشد.

اهداف اصلی از تشکیل مجمع عبارت است از:

الف) کمک به امر احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و دفاع از حریم قرآن کریم و سنت پیامبر.

ب) کوشش در راه ایجاد آشنایی و تفاهم بیشتر بین علما، متفکران و پیشوایان مذهبی جهان اسلام در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اجتماعی و سیاسی.

ج) گسترش اندیشهٔ تقریب بین اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمان و آگاه کردن آنان از توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان.

د) کوشش در راه تحکیم و اشاعه‌ی اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی.

هـ) سعی در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه واحد مقابل توطئه‌های تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام براساس اصول مسلم اسلامی.

و) رفع بدبینی‌ها و شبهات بین پیروان مذاهب اسلامی.

برنامه‌های مجمع نیز در محورهای زیر سازمان داده شده است:

الف) برنامه‌های تحقیقاتی

این قسمت از برنامه‌ها در شهر مقدس قم متمرکز است و با همکاری جمعی از فضلای بزرگوار انجام می‌پذیرد. کارهای تحقیقاتی که تا به حال انجام شده است عبارت است از: تحقیقات در زمینه فقه و اصول مقارن، تشخیص وجوه و عناصر مشترک و نیز موارد اختلافی، احادیث مشترک مذهب اهل‌بیت با محدثان اهل سنت که تا به حال مجلدات فراوانی از آن به طبع رسیده است، تفسیر مقارن، راویان مشترک و زمینه‌های تاریخی که تا به حال کتب بسیاری از علمای اهل‌سنت در ذکر فضائل اهل‌بیت و زندگی نامه آنان تحقیق و منتشر شده است.

ب) برنامه‌های آموزشی

این قسمت از برنامه‌ها در تهران در دانشگاه مذاهب اسلامی اجرا می‌شود. تربیت نسلی از جوانان شیعه و سنی از داخل و خارج کشور که علاوه بر مذهب خود، سایر مذاهب اسلامی را نیز به صورت مقایسه‌ای مطالعه کرده با آن آشنا شوند در این دانشگاه مورد نظر است. تا به حال مذهب امامی، شافعی و حنفی در این دانشگاه تدریس شده و تدریس سایر مذاهب هم از برنامه‌های آینده ما است.

علاوه بـرایـن دوره‌هـای رسـمی کـه طـبق ضـوابـط وزارت عـلوم، انـجام مـی‌شود. برخی دوره‌هـای کـوتاه مـدت هـم تـحت عـنوان سـفیران تـقریب آمـوزش داده مـی‌شود. در این برنامه‌ها فضلای اهل سنت که به عنوان روحانیون حج العزام می‌شدند احکام حج را طبق مذاهب مختلف اسلامی آموزش می‌بینند.

ج) برنامه‌های مطبوعاتی و انتشاراتی

مجمع جهانی تقریب اسلامی تاکنون علاوه بر ده‌ها جلدکتاب در زمینه مختلف فقهی، اصولی، تاریخی، تفسیری، و حدیث و رجال سه مجله را نیز به زبان عربی و فارسی منتشر کرده است کـه عـبارتند از: فـصلنامه عـربی رسـالة التـقریب، دو مـاهنامهٔ فـارسی انـدیشه تـقریب و ماهنامه خبری پیک تقریب.

د) برنامه‌های بین‌المللی

این برنامه‌ها شامل امور زیر می‌شود:

برگزاری سالانه کنفرانس بزرگ وحدت در تهران، برگزاری سمینارهای وحـدت در داخل و خارج کشور، سمینار بزرگداشت سید جمال الدین اسد آبادی، کنگره بزرگداشت آیت اللّه العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت در تهران و قم، همکاری در برگزاری کنگره علامه سـید شـرف الدیـن هـمچنین شـرکت مستمر در کـنفرانس‌هـای بـین المـللی در خـارج و داخل کشور، که آمار نشان می‌دهد که تا به حال در یکصد و پنجاه اجلاس اسلامی بین‌المللی شرکت کردیم.

اعزام هیأت‌های علمایی برای دیدار از مجامع علمی و شخصیت‌ها در خارج از کشور ونیز دعوت از علمای بزرگ اهل‌سنت برای دیدار ازجمهوری اسلامی و حمایت از جماعت‌های تقریب از دیگر برنامه‌های بین‌المللی ما بوده است.

تا به حال هزاران تن از عـلمای شـیعه و اهـل‌سنت در بـرنامه‌های مـجمع در داخـل و خارج شرکت نموده‌اند و ده‌ها جلدکتاب حاصل مقالات و مذاکرات آنها به زیور طبع آراسته شده است.

هـ) ارتباط با مراکز علمی مهم جهان اسلام

ارتباط مستمر و برنامه ریزی شده با مراکز مهم علمی، فرهنگی و تبلیغاتی اسلامی جهان اسلام محور دیگر فعالیت‌های مجمع بوده است. در این راستا مراکز و مجامع مهم زیر قابل ذکر است.

مجمع بین‌المللی فقه اسلامی (جده)، اتحادیه جهانی علمای اسلامی (بیروت)، رابطة العالم الاسلامی (مکه)، جمیعة الدعوة الاسلامیة (لیبی) مؤسسهٔ آل‌البیت (اردن) مؤسسهٔ آیسیسکو (مغرب) حرکت بانکداری اسلامی اعم از بانک توسعه اسلامی و سایر بانک‌ها.

آثار فعالیت‌های و برنامه‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

پانزده سال تلاش و فعالیت مجمع و مؤسسات همسو در داخل و خارج از کشور در زمینه‌های مختلف آثار و برکات زیادی را در بر داشته است که به اختصار به ذکر آنها می‌پردازیم.

۱ ـ رسمیت یافتن اجتهاد در مجامع علمی معاصر. امروزه دیگر باب اجتهاد بسته نیست و اکثریت قاطع علمای بزرگ جهان اسلام به لزوم فتح باب اجتهاد پی برده به آن عمل می‌کنند تشکیل مجمع بین‌المللی فقه اسلامی و حضور سالانه بیش از یکصد و بیست تن از مجتهدان جهان اسلام جهت ارائه فتاوای جدید در مسائل فقهی مخصوصاً در مسائل مستحدثه و رسمیت داشتن این مجمع از نظر سازمان کنفرانس اسلامی گواهی براین مطلب است.

۲ ـ پذیرش اندیشهٔ «تقریب مذاهب» از سوی علما و متفکران جهان اسلام و تشکیل مراکز و مجامع تقریبی متعدد در کشورهای مختلف.

۳ ـ برگزاری کنفرانس‌های وحدت در کشورهای مختلف.

۴ ـ مطرح شدن مکتب اهل‌بیت در مجامع علمی جهان اسلام و ترویج مرجعیت علمی آنان.

۵ ـ تدوین استراتژی‌های تقریب مذاهب از سوی شخصیت و سازمان‌های مختلف اسلامی از جمله مؤسسه آیسیسکو (به تصویب سران کشورهای اسلامی هم رسیده است) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۶ ـ استقبال روشنفکران، دانشگاهیان، اهالی مطبوعات و اهل قلم از اندیشهٔ تقریب.

۷ ـ انزوی افراطیون و کسانی که دیگران را به هر بهانه‌ای تکفیر می‌کنند و قدرت یافتن خط اعتدال و میانه روی.

۸ ـ صدور فتوای حرمت تکفیر مسلمانان از سوی علمای جهان اسلام. از جمله آخرین فتوایی که جدیداً صادر شده متن فتوایی است که در کنفرانس بین‌المللی اسلامی در کشور اردن از سوی جمع کثیری از علمای شیعه و سنی صادر شده است.

۹ ـ فتوای بسیاری از علمای جهان اسلام مبنی بر جواز اقتدای پیروان مذاهب اسلامی به یکدیگر.

۱۰ ـ تقویت روح وحدت و همبستگی در جوامع اسلامی و آگاهی علما و اندیشمندان و نیز توده‌های مردم بر ضرورت پیروی از این خط اصیل اسلامی و قرآنی.

موانع تقریب

علی رغم همهٔ موفقیت‌ها و آثار مثبت حرکت تقریب در جهان امروز، این اندیشه مصلحان و وحدت بخش با موانعی هم در داخل و خارج کشور روبرو بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنم.

۱ ـ جهل و تعصب عوام، که باید توسط علما و بزرگان راهنمایی و هدایت شوند تا از تحریک احساسات سایر مسلمانان دوری نمایند.

۲ ـ عدم توجه برخی از بزرگان به شرایط جهانی و خطراتی که در تفرقه‌افکنی نهفته است. باید توجه داشت که استکبار جهانی مترصد شکار کردن حرکات و سخنان ما حتی در مجامع محدود و خصوصی است تا با بزرگ نمایی آن و نشر در روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به آتش خاموش کدورتهای تاریخی بنزین بپاشد و آن را شعله ور سازد.

۳ ـ افراطی‌گری برخی گروه‌های تکفیری مثل وهابیت که نه تنها تشیع بلکه اعتزال و تصوف و حتی اشاعره را هم تکفیر می‌کنند.

۴ ـ توطئه‌های استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار که نمونه‌هایی از آن را در پاکستان، افغانستان، عراق و لبنان شاهد هستیم.

۵ ـ سر سپردگی برخی از حکام و سیاستمداران به ظاهر مسلمانان و تفرقه‌افکنی آنها بین مسلمانان جهت تحکیم حکومت‌های خویش.

۶ ـ وجود برخی روایات ضعیف در منابع حدیثی فریقین.

پیشنهادات

در این‌جا مناسب می‌بینم پیشنهاداتی خیرخواهانه جهت تألیف قلوب و وحدت صفوف امت اسلامی ارائه نمایم:

۱ ـ وزارت محترم ارشاد نسبت به امر نشر کتاب‌های مذهبی شیعه و سنی مراقبت بیشتری به عمل آورد تا مطالب تفرقه‌افکنانه برخی از کتاب‌ها باعث فتنه‌انگیزی بین مسلمانان نشود.

۲ ـ صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در پخش فیلم‌ها، سریال‌ها و مصاحبه‌های مذهبی و تاریخی در شبکه‌های داخلی و برون مرزی به امر تقریب مذاهب و دوری از آثار منفی برخی برنامه‌ها توجه بیشتری مبذول دارد.

۳ ـ حضرات آقایان علما و مجتهدان بزرگوار مخصوصاً اعضای محترم مجلس خبرگان با صدور فتاوای علمی و مستند مسلمانان را از تکفیر و تفسیق یکدیگر برحذر داشته هرگونه سب و لعن و ناسزاگویی را منع نمایند.

۴ ـ حضرات آقایان علمای بلاد و روحانیون معظم مردم را از برخی افراط و تفریط‌هایی که در عزاداری‌ها و مراسم مذاهبی گاهی در گوشه و کنار دیده می‌شود منع نمایند. در این راستا لازم است کسانی را که به امر مداحی و مرثیه خوانی برای ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌پردازند بیشتر راهنمایی و ارشاد نمایند.

۵ ـ اجلاس مجلس خبرگان قطعنامه‌ای دربارهٔ وحدت اسلامی و تقریب مذاهب صادر نماید. (در این زمینه قطعنامه‌ای را تهیه و پیشنهاد کرده‌ام تا در صورت پذیرش سروران گرامی منتشر گردد).

۶ـ در حوزه‌های علمیه شیعه تدریس و تحقیق فقه مقارن و فرهنگ تقریب گسترش یابد و در حوزه‌های علمیه اهل‌سنت نیز این امر رایج گردد.

۷ ـ برادران اهل‌سنت توجه کنند که بر طبق آیات شریفهٔ قرآن و احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از جمله حدیث ثقلین اهل بیت پیامبر مرجعیت علمی امت را برعهده دارند. سیره علمی خلفا و ائمه مذاهب هم نشان می‌دهد که آنان هم این امر را قبول داشته‌اند. و به آن عمل می‌کرده‌اند.

بنابراین لازم است که منابع حدیثی اهل‌سنت توسعه یافته و احادیث وارده از سوی ائمه اهل‌بیت هم مورد استناد قرار گیرد. همچنان که شیعیان به احادیث اهل‌سنت رجوع می‌کنند.

۸ـ علمای محترم و محققین شیعه و اهل‌سنت تلاش نمایند منابع حدیثی خود را از نظر میزان درجه صحت و ضعف برخی از روایات مورد بازنگری قرار دهند.

۹ ـ دیدارهای متقابل علمای شیعه و سنی در داخل و خارج کشور در ایجاد آشنایی و تفاهم بیشترین آنها آثار پربرکتی دارد. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در فراهم آوردن بستر این اقدام و گسترش آن آمادگی لازم را اعلام می‌نماید.

نصیحتی برادرانه

در پایان این گفتار لازم می‌دانم نصیحتی برادرانه به همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی داشته باشم.

برادارن عزیز! قرآن مجید، سنت پیامبر اکرم، سیرهٔ معصومین و ائمه مذاهب و نیز مصالح عالیه اسلام بر ما حکم می‌کنند که از افراط و تندوری پرهیز کرده، از لعنت و تکفیر و تفسیق یکدیگر دوری نمائیم. استکبار جهانی و صهیونیسم امروزه نقاط بسیاری از سرزمین‌های اسلامی را در تصرف خویش دارند و نقاط بسیار دیگری را نیز محاصره کرده در معرض خطر قرار داده‌اند از راه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی ما را مورد تهاجم قرار داده تلاش می‌کنند همه راه‌ها را بر روی ما ببندند. ایجاد تفرقه و برادرکشی بین

مسلمانان در جای جای دنیا اسلام به منظور تضعیف امت اسلام و سلطه بر منابع، سرزمین‌ها و ثروت‌های خداد ما از برنامه‌های آنان است. بر همهٔ ما مخصوصاً علما، اندیشمندان، اهل قلم و منبر و همه صاحبان نفوذ، احزاب، گروه‌ها و دستجات است که در این دریای پر تلاطم و امواج هولناک توطئه و دشمنی، کینه‌های تاریخی را فراموش کرده، یا موقتاً کنار بگذاریم، شرایط ما شرایط مسلمانان صدر اسلام در جنگ احزاب است، بیایید با یکدیگر در ساختن سنگرهای دفاعی همکاری کنیم .و از دشمنان مشترک غافل نشویم. بدانیم هر کس دعوت به تفرقه و تنازع کرد دانسته یا ندانسته آب به آسیای دشمن ریخته و جبهه مسلمین را تضعیف نموده است. دعوت کنندگان به تفرقه و دشمن بین شیعه و سنی، نه شیعه هستند و نه سنی. بیایید ضمن حفظ وفاداری و پایبندی به مذهب خویش نسبت به سایر مسلمانان ادب و احترام را رعایت کرده دست در دست یکدیگر در برابر دشمنان مشترک متحد باشیم.

اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخذل الکفار والمنافقین.

اللهم انصر ولی امر المسلمین و حماة الدین و عساکر الموحدین بحق محمد و آله الطاهرین.

اتحاد و انسجام ضرورت جهان اسلام

محمد علی حسینی مقدم

چکیده مقاله

در این مقاله پس ار بررسی واژه‌شناسی و بیان واژگان اتحاد به پیشینهٔ تاریخی اتحاد پرداخته شده است و سپس ضرورت فرا زمانی آن مطرح و این سه مطلب مقدمه بحث اصلی مقاله «انسجام اسلامی ضرورت کنونی دنیای اسلامی» قرارگرفته است.

واژه‌شناسی اتحاد: اتحاد به معنای ترکیب دو یا چند چیز به‌نحوی که بعد از ترکیب، جدایی آنها غیر ممکن و یا سخت باشد و نتیجه‌گرفته شده است که چنین اتحادی باید در جهان اسلام بوجود آید.

پیشینه تاریخی اتحاد: از قرآن و تاریخ به خوبی استفاده می‌شود که در جوامع انسانیت یک اتحاد و انسجام همه جانبه‌ای برقرار بوده، و این برای تصویب و استحکام آن آمده است.

ضرورت فرازمانی اتحاد: در این فصل با یادآوری ۵ عامل فرازمانی بودن اتحاد اثبات شده است که آن عوامل به این شرح می‌باشد:

۱ ـ فطری بودن اتحاد؛

۲ ـ قرآن و فرازمانی بودن اتحاد؛

۳ ـ مطلومیت اجتماع و تجمع؛

۴ ـ هماهنگی با نظام آفرینش؛

۵ ـ شباهت جامعه متحد به بهشت.

ضرورت کنونی اتحاد و انسجام اسلامی: با توجه به واژه‌شناسی اتحاد و پیشینه شفاف اتحاد در جوامع ابتدایی و ضرورت فرازمانی بودن آن، در این فصل به عوامل ضرورت اتحاد و انسجام اسلامی در دنیای کنونی پرداخته شده است که به این ترتیب می‌باشد:

۱ ـ پاسخ به فراخوانی الهی؛

۲ ـ تحقق امت واحده اسلامی و امت اجابت؛

۳ ـ احیاء هویت اسلامی؛

۴ ـ در آستانه تحول جهانی؛

۵ ـ رشد و بالندگی؛

۶ ـ جهانی شدن؛

۷ ـ علاج واقعی مشکلات؛

۸ ـ گرایش روز افزون جهان اسلام؛

۹ ـ اقتدار همه جانبه؛

۱۰ ـ عزت اسلامی؛

۱۱ ـ مطلوبیت ذاتی اتحاد و انسجام.

که امید است مورد قبول حق قرار گرفته و گامی هر چند کوتاه در مسیر وحدت دنیای اسلام باشد.

پیش گفتار

با توجه به آثار و پیامدهای مثبت و ارزشمند همگرایی، و ضرورت اجتناب از واگرایی در جهان اسلام، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیة‌الله خامنه‌ای سال جاری «۱۳۸۶» را به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند. و به حق که این نامگذاری مناسب وبه موقع انجام گرفت، که رهبری معظم انقلاب همانند طبیب حاذق پس از تشخیص دردها راه درمان را شناسایی و ارائه می‌نماید، و از همگان می‌خواهد برای سلامت و بهبود بیمار، گام‌های لازم را بردارند، اگر جهان اسلام در این مقطع حساس نیازمند انسجام است و از سوی رهبر فرزانه فراخوان عمومی صادر شده است، افراد حقیقی و حقوقی به فراخور حال خود باید پاسخ گفته و ایفاء وظیفه نمایند، مرکز رسیدگی به امور مساجد که همواره پیرو ولایت و رهبری بوده و در این مسیر گام برداشته است به مناسبت بزرگداشت هفته جهانی مساجد، محققین و مراکز تحقیقی را در این راستا به تحقیق و پژوهش فراخوانده است و موضوعاتی را برای این تحقیق و مقاله ارائه نموده است، که ضمن سپاسگزاری از این عزیزان و دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد در شهر مقدس قم، موضوعی را این حقیر تحت عنوان: «انسجام اسلامی ضرورت کنونی جهان اسلام» انتخاب، و مقاله‌ای هر چند ناچیز تهیه و تقدیم می‌نمایم و امیدوارم پاسخی باشد به ندای منادی وحید وحدت در دنیای امروز که می‌سوزد و با خون دل به مشکلات عالم اسلام می‌نگرد. و همگی را به اتحاد و انسجام همانند سلیمان پیامبر فرا می‌خواند.

هم سلیمان است اندر دور ما — که دهد صبح و نماند جور ما
مرغ جانها را چنان یکدل کند — که صفاشان بی غش و بی غل کند

به امید روزی که جهان اسلام با تجاد و انسجام همه جانبه، سربلند و سرافراز مقتدرترین امت دنیا را بوجود آورده و حاکمیت خدایی را رقم زنند خود را به قله جهانی شدن اسلام نزدیک نموده و از فراز قله، به هدایت انسانیت پرداخته و کاروان بشریت را به مقصد نهایی رهنمون شوند.

فصل اوّل: واژه‌شناسی اتحاد

در آغاز سخن به پژوهش واژهٔ «اتحاد» به طور فشرده می‌پردازیم.

در عرف واژه‌شناسان

واژه اتحاد مصدر افتعال در عرف واژه‌شناسان به معنای:

«نتیجه ترکیب دو یا چند جسم مرکب بعد از ترکیب، کاملاً از اجزای خود متمایز و متفاوت باشد، مانند آب که از ترکیب اکسیژن و هیدروژن بدست می‌آید و کاملاً از آن متمایز و متفاوت است، می‌باشد».(۱)

اتحد الشیئان: یعنی آن دو چیز یک چیز شد.

اتحد الشیء بالشیء: یعنی آن چیز به چیز دیگر پیوست.

اتحد القوم: یعنی آن قوم متحد شدند و به هم پیوستند.(۲)

راغب در مفردات می‌گوید: وحدت و اتحاد به معنی چیزی است که دارای جزء نباشد.(۳)

صاحب التعریفات می‌گوید:

«اتحاد مصدر افتعال در اصل اوتحاد بوده است و در لغت به معنای یکی شدن، یگانگی داشتن و یگانگی کردن و همدستی است».

---

۱. المنجد، وحد، ج ۲، ص ۱۲۵۶.

۲. همان.

۳. مفردات راغب، ص ۵۱۴، وحد.

در عرف فیلسوفان

در عرف فیلسوفان یکی شدن دو یا چند ذات متغایر در خارج را گویند، یکی شدن افراد و مصادیق در نوع را «مماثلت» و در جنس را «مجانست» و در خواص را «مشاکلت» و در کم را «مساوات» و در اطراف را «مطابقت» و در نسبت را «مناسبت» و در وضع را «موازات» گویند.(۱)

در عروف جامعه‌شناسی و سیاسی

واژه اتحاد از دید اجتماعی به معنای هم سویی عقاید، آراء و کارهاست.

و در عرف سیاسی واژهٔ اتحاد و ائتلاف به معنای همکاری یا اتحاد چند حزب و گروه سیاسی برای نیل به هدف واحدی است مثل ائتلاف چند حزب در انتخابات که برای جلوگیری از تشتت آراء طرفداران خود در انتخابات، فقط به منظور پیروزی در انتخابات لیست واحدی می‌دهند مثل ائتلاف احزاب سوسیالیست و کمونیست در فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور که به پیروزی فرانسوامتیران انجامید، یا مثل دولت‌های ائتلافی ایتالیا از پایان جنگ جهانی دوم به این طرف که غالباً عمر کوتاهی داشته‌اند.(۲)

واژگان اتحاد

در قرآن کریم لفظ اتحاد بکار نرفته است بلکه از واژه‌های واحده، جمع، حزب، عقبه، کافه، لا تنازعوا، لا تفرقوا و لا تتفرقوا استفاده شده است.(۳)

و در کتاب ارزشمند نهج البلاغه نیز از واژه‌های، امت، وحدت، سواد اعظم، و جماعت بهره گرفته شده است.(۴)

---

۱. التعریفات، ص ۲ ـ ۳.

۲. فرهنگ جامع سیاسی، محمد طلوعی، نشر علم، ص ۸۵.

۳. فرهنگ قرآن، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. خطبه‌های ۱۹۲ ـ ۱۸ ـ ۱۲۷.

نتیجه‌گیری: اتحاد با واژه‌های مرادف خود در عرف واژه‌شناسان، جامعه‌شناسان و سیاسیون عبارت است از یک همبستگی و هم سویی که هیچ‌گونه بوی دوگانگی احساس نشود، و به تمامت، یکدیگر را واحد ببینند.

فصل دوم: پیشینهٔ تاریخی اتحاد

مراجعه به منابع دینی، تاریخی و جامعه‌شناسی، ما را به حقیقتی انکارناپذیر رهنمون می‌کند، و آن پیشینهٔ شفاف، روشن اتحاد انسان‌ها و زیست اجتماعی آنان با یکدیگر است، که به مواردی اشاره می‌شود.

الف) قرآن و یادآوری پیشینه اتحاد

در این منبع غنی، و چشمه جوشان معارف الهی، از اتحاد پیروان ادیان، اتحاد کافران، اتحاد مسلمانان، اتحاد منافقان، اهمیت اتحاد، عوامل اتحاد، محورهای اتحاد و به‌ویژه پیشینهٔ تاریخی اتحاد، یاد شده است، که در خصوص موضوع به دو آیه بسنده می‌شود.

آیه اوّل

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْياً بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾.[1]

---

۱ . بقره: ۲۱۳ . «مردم قبل از بعثت انبیاء همه یک امت بودند، بخاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد انبیایی را به بشارت و انذار برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند، این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند و این اختلاف در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون شد و خدا هر که را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند».

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:کلمهٔ ناس معنایش معروف است، و آن عبارت است از افرادی انسان که دورهم جمع شده باشند، و امت هم به همین معناست، و اصل کلمهٔ امت از ماده «ام یأم» گرفته شده که به معنای قصد است، و اگر بر جماعت اطلاق شود بر هر جماعتی اطلاق نشده، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که افراد آن دارای یک مقصد یک هدف باشند، و این مقصد واحد، رابطه‌ای واحد میان افراد ایجاد نموده است.(۱)

و گفته‌اند: امت از ام به ضم همزه گرفته شده است که به معنای قصد کردن است، بنابراین امت گروهی بود که در قصد کردن چیزی یکدل باشد.(۲)

و در مجمع البحرین آمده است:

«و الامه کل جماعه یجمعهم امر من دین واحد، او دعوه واحده، او طریقه واحده، او زمان واحد، او مکان واحد...».

یعنی امت همه گردهمایی‌هاست که آنان را یک کیش یا یک فراخوان، یا یک راه و روش، یا یکی بودن زمان، یا یک مکان به دور هم گرد آورده است.

با توجه به واژهٔ ناس و امت و تعریف هر دو بکارگیری آن دو در این آیه شریفه چنین بر می‌آید که روزگاری بر نوع بشر گذشته که اتحاد و اتفاق داشته‌اند، و امتی واحده بوده‌اند، و هیچ اختلافی بین آنان نبوده و مشاجره و مدافعه‌ای در امور زندگی و نیز اختلافی در مذهب و عقیده نداشته‌اند و اختلاف در امور زندگی بعد از اتحاد پیدا شده است، پس پایهٔ اساسی زندگی بشر بر وحدت و همبستگی بوده است، ولی بعداً اختلافاتی در زندگی و در امور دینی پدیدار گشته که انبیاء برای از بین بردن اختلافات بعدی آمده‌اند.

---

۱ . تفسیرالمیزان در ذیل آیه مورد بحث.

۲ . السیاسه المدینه ابونصر فارابی، ترجمه ملکشاهی، ص ۱۵۷ .

آیه دوّم

﴿ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾.[۱]

این آیه کریمه نیز همانند آیهٔ یاد شده حکایت از اتحاد ابتدایی و اولی انسان‌ها دارد، بعداً بین آنها اختلاف پدید آمد.

با توجه به این‌که اختلافات انسان‌ها غالباً از برخورد منافع آنان با یکدیگر برمی‌خیزد از وحدت جوامع نخستین استفاده می‌شود که آنان تضادی از نظر منافع نداشتند.

و لازمهٔ امت واحده بودن اینست که از لحاظ فکری افرادی همگون، و دارای گرایش‌هایی یکسان باشند البته برخی بر این عقیده‌اند که بساطت و سادگی زندگی انسان‌های نخستین حکایت از عدم بلوغ فکری و پایین بودن سطح اندیشه و آگاهی آنان دارد.

اما در عین حال، امت واحده بودن و اتحاد و یکپارچگی انسان‌های نخستین امری است بدیهی که به جز دو آیهٔ یاد شده، آیات دیگری نیز براین حقیقت دلالت دارد.[۲]

از منابع دینی استفاده می‌شود که این اتحاد بدوی، و امت واحده بودن همچنان ادامه داشت تا زمان حضرت نوح علیه‌السلام مسیر هدایت و ضلالت آشکار شد.

قال الباقر علیه‌السلام:

«کانوا قبل نوح امة واحدة علی فطرة الله، لا مهتدین و لا ضلالاً فبعث الله النبیین».[۳]

---

۱. یونس: ۱۹. «مردم در آغاز امتی واحد بودند، سپس اختلاف کردند و اگر فرمانی از طرف پروردگار تو نبود در آنچه اختلاف داشتند میان آنها داوری می‌کرد».

۲. شوری: ۱۴.

۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۳، امام باقر علیه‌السلام فرمود: «مردم قبل از نوح امت واحده‌ای بودند که بر فطرت الهی می‌زیستند نه در مسیر هدایت و نه ضلالت تا اینکه خداوند پیامبران الهی را فرستاد و مسیر هدایت و ضلالت آشکار شد».

بیان مطلب آنست که انسان به حسب فطرت اجتماعی و تعاونی است، لذا در اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود، آنگاه همان فطرتش او را وادار بـه اخـتلاف کـرد، لذا نیاز به وضع قوانین برای برطرف ساختن اختلافات پدید آمده بود، و این قوانین لباس دین به خود گرفت و مستلزم بشارت، انذار، ثواب و عقاب گردید، بدین منظور پیامبرانی مبعوث شدند و رفته رفته اختلافاتی در دین پدید آمد، یعنی بر سر دین، مبدأ و معاد اختلاف کردند و در نتیجه به وحدت دینی نیز خلل وارد شد، شعبه‌ها و حزب‌ها پدید آمد، و به تبع اختلاف در دین اختلاف‌هایی دیگر نیز درگرفت. و این اختلاف‌ها بعد از تشریع دین به جز دشمنی از خود مردم دیندار هیچ علت دیگری نـداشت، چـون دیـن بـرای حـل اخـتلاف آمـده بـود ولی یک عـده از در ظـلم و طـغیان خـود دیـن را هـم مـایهٔ اخـتلاف کـردند، و در نـتیجه دو اختلاف پدید آمد، یک اختلاف در دین، و دیگری اختلافی که در منشأش فطرت و غریزهٔ بشری بود و این اختلاف دومی باعث تشریع دین شد، بنابراین دین الهی تنها وسیله سعادت برای نوع بشر است، و یگانه عاملی است که حیات بشری را اصـلاح مـی‌کند و راه مـادیت و معنویت را هموار می‌سازد.(۱)

ب) تاریخ و اتحاد جوامع ابتدایی

گرچه از دو آیه یاد شده اتحاد جوامع ابتدایی آشکار شد و نیازی به توضیح بیشتر نیست، ولی به طور فشرده به این موضوع پرداخته می‌شود.

برخی از دانشمندان حدس می‌زنند که بشر اولیه تنها زندگی می‌کرده، وکم‌کم اجتماعی شده است ولی تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که بشر ذاتاً اجتماعی است، و هرگز مانند بسیاری از حیوانات منفرد و به تنهایی زندگی نمی‌کرده است. فقط تعداد افراد دسته‌های انسانی و رابطهٔ آنها در ابتدا بسیار کم بوده و به تدریج افزایش یافته است.

---

۱. تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۶۸.

پروفسور کورت شلبنگ فیلسوف و محقق آلمانی می‌نویسد:

«بشر موجودی است اجتماعی، و شاید هرگز به صورت تنها و مجزا زندگی نکرده است، انسان‌های اولیه با هم به شکار می‌رفته و یا از خود دفاع می‌کرده‌اند، آنها به صورت گله‌ها و دسته‌هایی که ابتدا بسیار کوچک بودند می‌زیسته و رفته‌رفته بر تعدادشان افزون شده است».

جمعی از محققین گروه‌های اولیه انسان‌ها را به صورت خانواده‌های مجزا از یکدیگر تصور نموده‌اند و برخی دیگر به شکل گله‌هایی که از یک سر گله و یا پدر دسته... تشکیل شده‌اند.

در بین این مردم شخصیت آنها وابسته به اجتماع آنهاست، فردیت در آنها بسیار نامشخص بود و علت وابستگی به جامعه اصول اخلاقی و نظایر آن نبود، بلکه اهمیت جامعه در نهادشان نقش بسته بود.

پروفسور لوی برول دربارهٔ قبایل بدوی اخیر به تحقیق پرداخته و مثال‌های متعددی که چگونه فردیت در بین این قبایل وجود نداشته است و حتی در مکالمات و زبان آنها می‌توان اثر این وابستگی به «عشیره» و «کلان» را مشاهده کرد، را ذکر نموده است.

مونتی دانشمند بلژیکی این نظریه را تأیید نموده و برای نمونه به قبایل آزاندا درکنگوی بلژیک اشاره می‌کند که هرگز کلمهٔ «من می‌خواهم» یا «او می‌خواهد» و نظایر آنها را در مکالمات خود بکار نبرده و پیوسته کلمهٔ «ما» را استعمال می‌کنند.

اینجاست که اتحاد در جوامع ابتدایی به اوج رسیده و برای حفظ آن فقط از کلمهٔ «ما» استفاده می‌کنند.

نکتهٔ مهم‌تر اینکه این دانشمند بلژیکی می‌گوید:

«آنچه این گروه‌ها را به هم نزدیک می‌کند مذهب است نه رابطهٔ خونی».

کولین ترن بول که سال‌ها در بین قبایل بدوی بامبوتی در جنگل‌های ایتوری آفریقا بسر برده است ارتباط مذهبی آنان را توجیه کرده و ستوده است.[۱]

در بسیاری از قبایل و عشایر بدوی به صورت توتمیک[۲] به هم مربوط می‌شوند و نسبت آنها با هم جنبهٔ اعتقادی دارد.

با بررسی دقیق در جوامع بدوی عصر جدید در می‌یابیم که اغلب آنها بدور از اختلافات طبقاتی زندگی می‌کنند، و اتحاد بین افراد جامعه حاکم است.

بسیاری از محققین که دربارهٔ جوامع بدوی نظیر شوشونها، بیکمن‌ها، بدویان آفریقا، بومیان استرالیا، سرخپوستان و... مطالعه نموده‌اند متفق‌القولند که یک نوع دموکراسی بدوی مستقیم و بلاواسطه در جامعه آنها حاکم است.[۳]

در کتاب تاریخ تمدن آمده است:

«انسان‌های اولیه در چهار دره ساکن شدند. یکی از این‌ها درهٔ نیل در شمال شرقی آفریقاست، دیگری درهٔ دجله و فرات است این دو رودخانه بزرگ به قدری نزدیک هم جریان دارد که یک دره را تشکیل می‌دهد. سویم درهٔ سند در هندوستان، و چهارمی هوانگ هو در چین است. روستاییان در مزارع با هم کار می‌کردند، و برای کندن کانال‌های آبیاری نیز که آب را به همهٔ مزارع می‌رساند همکاری می‌کردند، کم‌کم تعدادی از شهرهای نخستین در درهٔ پایین فرات بوجود آمد که چون سومری‌ها ساختند به سومر نامیده شد و روح

---

۱. مدیریت نه حکومت، مهندس جلال الدین آشتیانی، ص ۱۵ ـ ۲۱.

۲. در زبان سرخپوستان آجیبوآ به معنی قرابت و برادر خواهری ترجمه گردیده و در تاریخ مذهب بدوی به معنی گروه اجتماعی است که یک ارتباط سحرآمیزی بین افراد این گروه از یک طرف و یک حیوان و به ندرت یک گیاه و فنومن‌های طبیعی مانند خورشید، باد و... از سوی دیگر وجود دارد.

۳. همان، ص ۵۹.

خداگرایی در بین آنها حاکم بوده است، سومری‌ها در هر شهری که بنا می‌کردند بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز شهر ساختمان معبد بود».[۱]

نتیجه گیری: از آنچه گفته شد می توان به اتحاد جوامع ابتدایی، و ضرورت آن به منظور زیست بشری، پی‌برد. و به شهادت تاریخ خمیر مایه اتحاد جوامع یاد شده مذهب و اعتقادات مذهبی است، و عوامل مؤثری همانند رابطهٔ خونی نیز تحت الشعاع مذهب و دین است.

بنابراین شایسته است امت اسلامی به ضرورت موضوع واقف شده، و دست اتحاد و برادری به یکدیگر داده و در راه تقویت و تحکیم پایه‌های دین و مذهب همت کنند و بنیانی مرصوص در قبال اجانب و بیگانگان ایجاد کرده و بر اقتدار امت اسلامی بیافزایند و این است فلسفهٔ نامگذاری سال ۱۳۸۶ هـ ش به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» که توسط منادی وحید وحدت در دنیای کنونی، رقم خورده، و تأثیر شگرف آن را تاکنون شاهد بوده و در حال حاضر عطر روح افزای آن را استشمام نموده و نظاره گر:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.[۲]

در سایهٔ همدلی، یک‌پارچگی و اتحاد و انسجام امت اسلامی، در آینده‌ای نه چندان دور خواهیم بود.

فصل سوم: اتحاد ضرورت فرازمانی

پس از آن‌که با واژه اتحاد آشنا شدیم، و پیام‌های مثبت آن را برداشت نمودیم، و با مراجعه به قرآن و تاریخ به اتحاد جوامع ابتدایی پی‌بردیم، اینک وقت آن رسیده است که ضرورت فرازمانی اتحاد را مورد بحث و بررسی قرار داده تا مقدمه‌ای برای موضوع اصلی مقاله یعنی «انسجام ضرورت کنونی جهان اسلام» می‌باشد، و به اهداف نامگذاری سال ۱۳۸۶ به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نزدیکتر شویم. لذا به بیان ضرورت فرازمانی اتحاد می‌پردازیم.

---

۱. تاریخ تمدن، محمود حکیمی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. توبه: ۳۳.

۱ـ فطری بودن اتحاد

بدیهی است که هر امر فطری فرا زمانی است، یعنی اگر فطری بود محدود به زمان خاصی نخواهد بود، بلکه آن امر فطری در تمام زمان‌ها جریان خواهد داشت، مگر آنکه موانع فطرت پرده براین حقیقت کشیده باشند و روی این چراغ نوربخش را پوشانده باشند، وگر نه بارزترین ویژگی فطرت مرز ناشناسی زمانی است لذا خداوند فرموده است:

﴿فِطْرَةَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ﴾.[۱]

یعنی فطرتی خدایی که خداوند انسان‌ها را برآن فطرت آفریده است، و این فطرت تغییرناپذیر است و به گونه‌ای است که دوام و استمرار دارد، چنین نیست که در زمانی باشد و در زمانی دیگر نباشد در فردی باشد و در فردی دیگر وجود نداشته باشد، در مکانی باشد و در مکان دیگری نباشد اتحاد انسان‌ها با یکدیگر یکی از امور فطری است، چون امری فطری است لذا فرازمانی است، و باید در تمام زمان‌ها حاکم باشد.

ریشهٔ فطری بودن اتحاد، اجتماعی بودن انسان است، که گفته‌اند انسان به حسب طبع و فطرت اجتماعی و تعاونی است، لذا اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود، پس فطرت آدمی او را وادار به اجتماع و تعاون در اجتماع و در نتیجه یکپارچگی و یگانگی می‌کند، امروز نیز این ندای درونی، آدمیان، بویژه مسلمانان را در یک فراخوان عمومی به اتحاد و انسجام می‌خواند و او را از اختلاف و جدایی و شکاف، منع می‌کند.

فارابی گفته است: انسان به حکم طبیعت، حیوان اجتماعی است، و آن کس که چنین نباشد به همان مردمی می‌ماند که «هومر» در نکوهش او گفته است:

«بی‌قوم و بی‌قانون و بی‌خانمان» یعنی کسی که طبعش چنین باشد همواره در پی جنگ و ستیز است.[۲]

---

۱. روم: ۳۰.

۲. السیاسیه المدنیه، ترجمه ملکشاهی، ص ۱۴۸.

و باز گفته است:

«از آن سو که آدمی به سرشت با تمدن و مدنیت و یاری کردن و یاری رساندن آفریده گشته است در بایست آدمی است تا شهر برتر و مدینهٔ فاضله را برای اقامت و جایگاه همیشگی برای زیستن برگزینند».(۱)

علامه طباطبایی می‌فرماید:

«این وضع انسان است که هیچ وقتی از اوقات بی‌نیاز از زندگی دسته جمعی نبوده تاریخ هم تا آنجا که در دست است این معنا را تأیید می‌کند، برای این‌که می‌فهماند تشکیل اجتماع یک امر تحمیلی نبوده، بلکه به مقتضای فطرت بشر بوده است».(۲)

و در جای دیگر می‌فرماید: این است معنای آن عبارت معروف که می‌گوید: «الانسان مدنی بالطبع».(۳)

البته مرحوم علامه طباطبایی در جایی دیگر می‌فرماید:

«فطرت آدمی او را به اجتماع و مدنیت فرا می‌خواند همین فطرت نیز او را به اختلاف وا می‌دارد و آنگاه سؤالی مطرح می‌کند که مگر ممکنست فطرت دو حکم متضاد داشته باشد؟ در پاسخ می‌گوید: در صورتی‌که ما فوق آن دو حکم، حاکمی بوده باشد تا آن دو را تعدیل کند هیچ مانعی ندارد، و خدای تعالی این تنافی را به وسیله بعثت انبیاء بشارت و تهدید آن حضرات، و نیز به وسیله فرستادن

---

۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. تفسیر المیزان، مترجم، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۷۶.

کتاب‌هایی در بین مردم و داوری در آنچه با هم بر سر آن اختلاف می‌کنند برداشته است».[۱]

۲ ـ قرآن و فرازمانی بودن اتحاد

فرازمانی بودن اتحاد از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود، یکی از آیاتی که دلالت بر فرازمانی بودن اتحاد می‌کند آیه ۲۱۳ سوره بقره است که فرمود:

﴿کان الناس امه واحده﴾.

و آیه شریفه دیگر:

﴿و ما کان الناس الا امه واحده...﴾.[۲]

برخی از مفسرین گفته‌اند: «کان» در دو آیهٔ یاد شده اصلاً معنای زمان را نمی‌دهد بلکه منسلخ از زمان است و معنای آیه این است که مردم همه از این جهت که مدنی بالطبعند یک امتند، چون مدنیت بالطبع اختصاص به یک نسل و دو نسل ندارد، بلکه هر جا و در هر زمانی انسانی یافت شود بالطبع مدنی است، چون زندگیش بدون اجتماع با افراد دیگر تأمین نمی‌شود، حوائجش آنقدر زیاد است که خودش به تنهایی نمی‌تواند آنها را برآورد و دایرهٔ لوازم زندگیش آنقدر وسیعست که جز به اجتماع و تعاون با افراد دیگر و مبادله در مساعی تأمین نگشته به حد کمال نمی‌رسد.

آری او باید از دسترنج خود آنچه خودش احتیاج دارد به خود اختصاص داده، مازاد آن را به دیگران که کارهایی دیگر دارند بدهد، و در مقابل آنچه از دستاورد دیگران احتیاج دارد بگیرد تا همهٔ جوائج زندگیش تأمین گردد.[۳]

---

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. یونس: ۱۹.

۳. همان، ص ۱۸۹.

لفظ «کان» اگر منسلخ از زمان نباشد به معنای بودن درگذشته است، در مقابل «یکون» که به معنای بود در آینده می‌باشد، اما اگر منسلخ از زمان باشد هر دو کلمه یعنی «کان» و «یکون» معنای هست را می‌دهد و دیگر حکایت از گذشته و آینده نخواهد داشت، پس آیه شریفه وضعی راکه بشر به حسب طبع داشته و دارد حکایت می‌کند.(۱)

۳ ـ مطلوبیت تجمع و اجتماع

تجمع و اجتماع انسان‌ها امری است مطلوب و پسندیده، و دین و خرد نیز آن را ستوده است، و به تمام انسان‌ها توصیه تجمع و اجتماع نموده است.

خود انسان می‌گوید: بدون اجتماع و تعاون نمی‌توان به اهداف نایل آمد، بله در حل مشکلات نیاز به اجتماع و تعاون است. تجمع و اجتماع مایهٔ اقتدار و مظهر قدرت، و تفرقه وسیلهٔ خواری و ذلت است البته یک نکته باید مورد توجه قرارگیرد و آن اینکه: تجمع و اجتماعی مطلوب اسلام است که به اتحاد بیانجامد و همه نیروهای اجتماعی نوعی وحدت و تمرکز پیدا کنند تا به اهداف شایستهٔ مورد نظر دین اسلام نایل آیند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه».(۲)

به راستی چرا فاصله گرفتن از صفوف و اجتماع مسلمین مایهٔ گسستن شدن ریسمان ارتباط با اسلام است؟ این نیست مگر بخاطر مطلوبیت تجمع و اجتماع و ارزش فراوان و انبوه آن.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«یا ایها الناس علیکم بالجماعه و یاکم و الفرقه».(۳)

---

۱. همان، ج ۱۰، ص ۴۳.

۲. الجوة، ج ۱، باب ۲، ص ۵۰. «هر کس از جمع و اجتماع مسلمانان فاصله بگیرد ریسمان اصلی ارتباط با اسلام را از گردن خود گسسته است».

۳. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶. «ای مردم برشماست که با جماعت باشید و از تفرقه و پراکندگی اجتناب کنید».

و باز هم فرموده است:

«یدالله مع الجماعه والشیطان مع من خالف الجماعه یرکض».[۱]

اجتماع از چنان مطلوبیت و ارزشی برخوردار است که سایهٔ لطف و عنایت الهی را نصیب انسان‌ها می‌کند و افتراق و جدایی آن‌چنان نکوهیده است که شیطان را همراه می‌کند و چه بد همراهی.

و قال علی علیه‌السلام:

«و الزموا السواء الاعظم فان یدالله مع الجماعه و ایاکم و الفرقه فان الشاذ من الناس للشیطان، کما ان الشاذ من الغنم للذئب».[۲]

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام از اجتماع تعبیر به سیاهی بزرگ می‌کند چون سایه‌ای بر اجتماع طنین می‌افکند که پس گسترده است، و آن گستردگی مایه عظمت و اقتدار مسلمین شده، و دشمنان را به خاک مذلت و خواری می‌افکند و همراهی خدا را با اجتماع و اتحاد می‌داند و جدایی و افتراق را دام شیطان دانسته و از افتادن در دام شیطان منع می‌کند.

خواجه نصیر طوسی می‌گوید:

«نوع انسان را که اشرف موجودات عالم است به معاونت دیگر انواع و معاونت نوع خود حاجت است هم در بقای شخص و هم در بقای نوع، و چون وجود نوع بی معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی‌اجتماع محال است، پس نوع‌انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع».[۳]

---

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶. «دست خدا با جماعت است و شیطان با کسی‌که مخالف جماعت است قدم برمی‌دارد».

۲. نهج‌البلاغه، خ ۱۲۷. «ملتزم باشید به همراهی با سپاهی بزر (اجتماع مسلمین) زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه اجتناب کنید زیرا انسان تک رو طعمه شیطان می‌شود همان‌گونه که گوسفند جدا مانده طعمه گر می‌شود».

۳. اخلاق ناصری، ص ۲۵۲.

در این فراز از سخنان خواجه نصیر می‌بینیم که وی انسان را محتاج اجتماع می‌داند یعنی بالاتر از مطلوبیت اجتماع.

و چه زیبا سروده است حافظ شیرازی:

بیا تا کل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم
یکی از عقل می‌لافد یکی طاعت می‌بافد
بیا کاین داوری‌ها را به پیش داور اندازیم[۱]

با توجه به آنچه تحت عنوان مطلوبیت اجتماع گفته شد، به خوبی دریافت می‌شود که اجتماع و تجمع به منظور دستیابی به برتری‌ها و حل مشکلات جامعه، امری است مطلوب، و فرازمانی، و شایسته است انسان‌ها بویژه مسلمین در همه زمان‌ها اهل تجمع و اجتماع باشند، البته اجتماعی که به اتحاد بیانجامد و همسو در مسیر نیل به اهداف والای اجتماعی گام بردارند.

۴ ـ اتحاد و هماهنگی با نظام آفرینش

اگر به مجموعه نظام آفرینش نظری هر چند سطحی بیافکنیم همبستگی و یک‌پارچگی ویژه‌ای بین موجودات خواهیم دید، آفرینندهٔ دانا و توانا هماهنگی، رفاقت و همبستگی خاصی را در موجودات عالم ایجاد کرده است، و اگر این همبستگی و رفاقت بین موجودات عالم نبود خیمهٔ حیات به این صورت بر پا نبود و نظام هستی به این شکل زیبا و منظم رخ نشان نمی‌داد.

تمام موجودات هستی با یکدیگر ارتباط وجودی دارند، به این معناکه وجود هریک به وجود دیگری بستگی دارد و به عبارت دیگر وجود هرکدام مکمل وجود دیگری است.

---

۱. دیوان حافظ، ص ۳۷۱.

گویی تمام موجودات این جهان اجزاء و سلول‌های یک پیکر هستند و ارتباط حیاتی در میان آنها برقرار است به طوری که اگر نقص کوچکی در این جهان رخ دهد و موجودی از میان برود موجودات دیگر در خطر نابودی قرار خواهند گرفت.

آب‌های روی زمین براثر حرارت خورشید بخار می‌شود، بخار بالا می‌رود و به طبقات سردسیر می‌رسد ابر می‌شود، ابر هم باران می‌شود، همه می‌دانند اگر باران بر زمین نبارد چه می‌شود؟!

اگر حرارت خورشید به اندازهٔ کافی به آب‌های روی زمین نرسد بارانی نخواهد بود، اگر آب‌ها به‌گونه بودند که برای تبخیر احتیاج به حرارت شدیدتری داشتند بارانی نبود، اگر بخاری که بالا می‌رود نتواند خود را به طبقات سرد برساند بارانی نمی‌بارید و اگر بخاری که به طبقات سرد می‌رسید به‌گونه‌ای بود که بسته نمی‌شد ابر نمی‌گردید و بارانی نبود، اگر ابرها ناقص می‌ماندند و نمی‌رسیدند بارانی نبود، اگر جاذبهٔ زمین قطره‌های باران را جذب نمی‌کرد و به سوی خود نمی‌کشید بارانی نبود و اگر صدها علل دیگر که در وجود باران دخیل هستند نمی‌بودند بارانی نبود.[۱]

آری تمام موجودات نظام آفرینش از بدو خلقت تا پایان خلقت با همبستگی و رفاقت مسیر هدفمندی را می‌پیمایند و لحظه‌ای غفلت باعث اختلال جهان آفرینش خواهد شد.

اتحاد یعنی هماهنگی با نظام آفرینش، و چون همبستگی در نظام آفرینش فرازمانی است اتحاد نیز فرازمانی است و باید چنین باشد.

بنی‌آدم اعضاء یک پیکرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی — نشاید که نامت نهند آدمی[۲]

---

۱. نشانه‌هایی از او، ص ۴۱ ـ ۴۹.

۲. سعدی شیرازی.

آری در سایه ارتباط و هماهنگی انسان‌ها در تمامی زمان‌ها است که جامعه انسانی طبیعی و خیمه حیات اجتماعی برپا خواهد بود، و صفا و محبت رخ خواهد نمایاند، به عبارت دیگر انسان‌ها هرکدام باید مکمل یکدیگر باشند و همگی اجزاء سلول‌های یک پیکر، وگرنه در نظام اجتماعی اختلال پدیدار خواهد گشت.

خداوند متعال نیز به حقیقت همبستگی و اتحاد عالم طبیعت در سورهٔ ملک اشاره کرده و فرموده است:

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾.[1]

این آیه شریفه هرگونه بی‌نظمی و از هم پاشیدگی در نظام آفرینش را نفی می‌کند و فرمان به دقت و تیزبینی در آن می‌دهد و سپس در آیه بعد تأکید می‌کند که باز هم چشم خود را با دقت به جهان هستی باز کن و ببین که هماهنگی، رفاقت و همبستگی بر سراسر جهان حاکم است.

بنابراین اتحاد و انسجام انسان‌ها بویژه مسلمین یک‌نوع هماهنگی با نظام آفرینش است که مایه استحکام حیات اجتماعی و تداوم آن خواهد بود.

۵ ـ جامعهٔ متحد و شباهت به بهشت

یکی از ویژگی‌های بهشت جاودانگی است، و ویژگی دیگر بهشت نبود اختلاف و شقاق میان بهشتیان است، یعنی ساکنان بهشت در کمال صفا و صمیمیت با یکدیگر زندگی می‌کنند برخلاف جهنم که اولاً برای تمام اهل جهنم جاوید و همیشگی نیست، و اهل جهنم تمامی با یکدیگر دشمن می‌باشند، زیرا هرکدام گناه خود را به دیگری نسبت داده و دیگری را مقصر می‌دانند.

---

۱ . ملک: ۳ . «خداوند کسی است که هفت آسمان را روی هم آفرید، و شما در آفرینش الهی اختلافی نمی‌بینی، چشم را باز کن ببین آیا در نظام آفرینش شکاف و از هم پاشیدگی می‌بینی؟».

اگر بهشت جاودانه است، اتحاد نیز همان‌گونه که امری است فرازمانی باید فرازمانی باشد و اگر در بهشت صفا، صمیمیت و محبت و مهرورزی است، جامعه‌ای نسیم بهشتی خواهد داشت که از اتحاد و مهرورزی برخوردار باشد، و چه شباهتی زیبا بین جامعه متحد و بهشت برین، و چه زیباست که این شباهت حفاظت گردد، و همیشه اتحاد حاکم باشد.(۱)

فصل چهارم: اتحاد ضرورت کنونی جهان اسلام

اساسی‌ترین فصل این مقاله، فصل چهارم است که فصل نهایی است، و سه فصل پیشین مقدمه‌ای است بر این فصل، یعنی پس از تحقیق واژه اتحاد، و پیشینهٔ شفاف و روشن آن و فرازمانی بودن همگرایی، وقت آن رسیده است تا به ضرورت کنونی اتحاد جهان اسلام پرداخته و مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم.

بدین منظور، هر چند کوتاه و فشرده علل و رموز ضرورت کنونی اتحاد جهان اسلام را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

۱ ـ پاسخ به فراخوان الهی

اولین ندایی که گوش نوع بشر را در مسئلهٔ همبستگی و اتحاد نواخت، و او را دعوت نمود که به موضوع اجتماع توجه داشته باشند، و از کنج عزلت بیرون آورد، نداء اسلام بود که پیامبرش طبق آیات و دستورات نازله بر آن حضرت، بشر را به طور اجتماعی و جمعی به زندگی سعادتمندانه دعوت نمود و اساس دعوت به سعادت در اجتماع و اتحاد قرار داد.(۲) و این فراخوان همچنان جاری است، و امروزه جهان اسلام را مورد نداء خویش قرار داده و فرا می‌خواند اگر روزی اوس و خزرج را دعوت به همدلی و همبستگی نمود، امروز دنیای اسلام را به انسجام دعوت می‌کند و می‌گوید:

---

۱. آیات و روایات فراوانی در این خصوص موجود است که به منظور اختصار صرف‌نظر می‌شود.

۲. امام و احیاء ارزش‌های اجتماعی، حجةالاسلام اختری، ص ۱۱.

﴿وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.(۱)

براساس این آیه شریفه راهی که به خدا منتهی می‌شود عبارت است از اجتماع و اتحاد در حرکت به سوی او. یعنی جهان اسلام باید به این حقیقت آشنا شود، و آن را درک کند که با اجتماع و اتحاد می‌توان راه الهی را پیمود و به سوی او حرکت کرد.

و در جای دیگر فرموده است:

﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا﴾.(۲)

کلمهٔ «جمیعاً» یعنی «همگی» تمامی جهان اسلام را مورد خطاب قرار داده و دعوت به جمع و اتحاد می‌کند و تأکید با عبارت «لاتفرقوا» اصرار مجدد به اتحاد و انسجام تمام مسلمانان دنیا دارد.

و در آیه دیگر فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾.(۳)

خداوند تمامی اهل ایمان را خطاب کرده و از آنان می‌خواهد تا با اجتماع و اتحاد خود به مرز صلح و سلامتی نزدیک شوند، و با پرهیز از اختلاف و جدایی از گام‌های شیطان پیروی نکنند، که اختلاف و تفرقه دام شیطان و مسیر بی‌چون و چرای ابلیس است.

و در آیه کریمه‌ای دیگر فرموده است:

---

۱. انعام: ۱۵۳. «به راستی که راه مستقیم من همین است، پس از آن بیرون کنید و از راه‌ها و روش‌های دیگر تبعیت نکنید که شما را از راه خدا جدا می‌سازد».

۲. آل‌عمران: ۱۰۳ ـ ۱۰۵. «همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید...».

۳. بقره: ۲۰۸. «ای اهل ایمان همگی وارد صلح و سلامت شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید».

﴿و لاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البینات﴾.[۱]

در این آیه شریفه ضمن اشاره به سرنوشت ذلت بار افرادی که دچار تفرقه شدند، جهان اسلام را از تفرقه برحذر می‌دارد و می‌فرماید راه رفته را دوباره نروید، که دیگران پیمودند و نه تنها سودی نبردند که دچار نابودی شدند.

آیات فراوان دیگری نیز در قرآن به چشم می‌خورد که همه مردم بویژه مسلمین را به اجتماع و اتحاد دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که پایه اجتماع اسلامی را براتفاق و اتحاد قرار دهند تا از منافع فراوان آن بهرمند شوند.[۲] با توجه به آیات پیش گفته، و آیات دیگر، یک سؤال مطرح است و آن اینکه: مگر این آیات قرآن خطاب به مسلمین نیست؟ اگر جواب مثبت است، پس چرا امروز با توجه به ضرورتی که احساس می‌شود مسلمین امت واحده‌ای نیستند؟ حرمت امامزاده را در درجه اوّل باید متولی امامزاده بداند، مگر مسلمین متولیان اسلام نیستند؟ آیا وظیفه آحاد مسلمین نیست که گوش جان به آیات روح بخش و راهگشای قرآن سپرده ولبیک گویان به ندای الهی، دست در دست هم نهاده و پاسخگوی فراخوان الهی باشند.

امروزه می‌طلبد که مسلمانان جهان به جای آنکه گوش به زنگ استکبار و ایادی او باشند، گوش به فرمان خداوند بود و قدردان تلاش‌های پیامبر، و با این پاسخ‌گویی، به دنیا ثابت کنند که در ادعای اسلام صداقت دارند، و پیرو واقعی قرآن هستند، و حاضرند با اجتماع و اتحاد خود بر قدرت و اقتدار اسلام بیافزایند و با این پاسخ‌گویی بر تثبیت و تقویت اسلام پای فشرده،

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳. «همانند کسانی‌که تفرقه را پیشه خود ساختند و بعد از آنکه آیات روشن آمد دچار اختلاف شدند نباشید».

۲. آل‌عمران: ۶۴؛ انعام: ۶۵ ـ ۱۵۹؛ روم: ۳۲. «در آیه سوره انعام اختلاف را در ردیف بلاهای آسمانی شمرده است».

و بر مسلمان بودن خود افتخار کنند.[۱]

۲ ـ تحقق «امت واحدهٔ اسلامی و امت اجابت»

از قرآن کریم استفاده می‌شود که مسلمین باید به «امت واحده اسلامی» تبدیل شده، و یک قدرت فوق‌العاده‌ای را تشکیل دهند، که در این صورت به اهداف والای توحیدی نایل خواهند شد.

در سورهٔ انبیاء می‌خوانیم:

﴿ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون﴾.[۲]

و در سورهٔ مؤمنون می‌خوانیم:

﴿ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون﴾.[۳]

و در سورهٔ آل‌عمران به امت اسلام، برترین و نیکوترین امت لقب داده شده است، و فرموده:

﴿کنتم خیر امة اخرجت للناس...﴾.[۴]

سؤالی که در اینجا مطرح است و آن این‌که تحقق امت اسلامی، آن هم بصورت امت

---

۱ . رابرت کاهلان سیاست شناس آمریکایی می‌گوید: گستراندن چتر دموکراسی رسالتی بود که ما بعد از جنگ سرد برای خودمان مشخص کرده بودیم. مسئله‌ای که هست در مصر و عربستان سعودی که متحدان اصلی آمریکا در جهان اسلام هستند برگزاری انتخابات آزاد می‌تواند کابوس وحشتناکی برای ما باشد. ما درباره فضیلت‌های دموکراسی باد در غبغب می‌اندازیم و در عین حال از خود کامه‌ای مانند ملک حسین ستایش می‌کنیم و از نظامیان ترکیه و پاکستان که آنها را نیروهای واقعی خود می‌خوانیم سپاسگزاریم. نقد دموکراسی سال ۷۵ ش ۵۷ .

۲ . انبیاء: ۹۲ .

۳ . مؤمنون: ۵۲ .

۴ . آل‌عمران: ۱۱۰. «شما برترین و نیکوترنی گروهی بودید که برای مردم پدیدار گشتند».

واحده که ارادهٔ حق بر آن تعلق گرفته است چگونه امکان‌پذیر خواهد شد؟ جواب روشن است، اگر جهان اسلام با هم متحد شدند، و دست برادری به هم دادند «امت واحده» محقق خواهد شد. همان‌طور که قبلاً گفته شد: امت به معنای قصد کردن است، و منظور از گروهی از انسان‌هاست که در قصد کردن چیزی همدل و یکدل باشند، امت واحدهٔ اسلامی یعنی همدلی و یکدلی تمام جهان اسلام در پیمودن مسیر دین و عبودیت خدا، و در نتیجه یکدلی و هماهنگی تمام جهان اسلام برای تحقق اهداف اسلام اگر امت اسلامی بهترین و نیکوترین امت معرفی شده‌اند، و خداوند آنان را به عنوان «خیر امة» برگزیده است وظیفه مسلمانان در سراسر جهان ایجاب می‌کند که این «امت واحده» را تحقق بخشند.

چه خوب است که امت اسلامی به «امت اجابت» دست یابند، و دنیای کنونی ضرورت «امت اجابت» را احساس می‌کند.

در کشاف اصلاحات الفنون آمده است:

«و تطلق تاره علی کل من بعث الیهم نبی و یقسمون امة الدعوة و اخری علی المؤمنین به و هم امة اجابه».[1]

امت دوگونه است: امت دعوت، و امت اجابت، امت دعوت یعنی امتی که پیامبر آنان همه را به کیش خود دعوت کرده باشد. این گونه امت در ابتدای تشکیل ادیان و کیشهاست اما گونه دوم امت اجابت است، یعنی امتی که دستورات پیامبر خود را پذیرفته و گردن نهاده‌اند و همهٔ آنها را باور دارند و در راه حاکمیت آنها تلاش می‌کنند.

در دنیای کنونی اتحاد ضرورت است، زیرا امت اجابت در سایهٔ اتحاد و انسجام اسلامی امکان‌پذیر است.

---

۱. کشاف اصلاحات الفنون، ص ۹۱. «امت گاهی به همه کسانی گفته می‌شود که پیامبری به سوی آنان مبعوص شده است و نامم آن گروه امت دعوت است، و بار دیگر امت به کسانی گفته خواهد شد که فرامین او را گردن نهاده‌اند و باور کرده‌اند و نام این گروه امت اجابت است».

سخن پایانی آنکه از جهات اجتماعی و سیاسی هم که صرف‌نظر کنیم، در دنیای امروز که تمام ادیان یک‌پارچه و هماهنگ وارد عرصهٔ بین‌الملل شده و رخ می‌نمایانند، جهان اسلام هم برای آنکه ثابت کند امت اسلام امت واحدهٔ اجابت است، ضرورت ایجاب می‌کند پا به عرضه گذارده و خود را نشان دهد و در سایهٔ این پیوند مبارک، بر حاکمیت جهانی دین اسلام رقم زند و با افتخار شاهد تحقق آن باشد.

۳ ـ احیاء «هویت اسلامی»

گرچه در دنیای کنونی، گفتگوی تمدن‌ها مطرح است، اما اگر به دقت بنگریم، پوسته‌ای بیشتر نیست که در واقع برخورد تمدن‌هاست، زیرا تحت لوای همین گفتگوی تمدن‌ها ناجوانمردانه به برخی ادیان تاخته می‌شود، نسبت خشونت، دوری از منطق و استدلال، ناتوانی اداره جوامع به آنها داده می‌شود.

از بعد نظری، نظریه‌پردازان بی‌انصاف برخی از ادیان و مذاهب را به نقد کشیده و متهم به اتهاماتی نموده، و در این جهت هزینه‌های کلان نجومی را صرف می‌کنند.

و در بعد عملی افرادی همانند طالبان، سپاه صحابه و... را می‌سازند و می‌پردازند و به جوامع اسلامی تزریق می‌کنند تا هویت اسلامی را مخدوش نمایند. و اسلام را وارونه جلوه دهند. در رسانه‌ها با تصویر کاریکاتورهای موهن، چهرهٔ پدید آورنده دین اسلام را آن‌گونه که خود شایسته آن هستند نشان می‌دهند و اخیراً با دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و تقسیم اسلام به اسلام شیعی و سنی، تخریب و آتش زدن اماکن متعلق به اهل تسنن و تشیع بمنظور خشن معرفی کردن دین اسلام در صدد اجراء مقاصد شوم خود هستند.

آیا هویت اسلامی آن چیزی است که امروز در دنیای کنونی ارائه می‌شود؟ بدیهی است که هویت اسلامی بسیار زیبا، جذاب و منطقی است، اما نیازمند احیاء و تجدید حیات است.

برخی از نظریه پردازان با مطرح ساختن «راسیونالیسم»[۱] دین اسلام را در تضاد با خود معرفی نموده و به نفی آن پرداخته‌اند.

عده‌ای دیگر با طرح لیبرالیسم و آزادی‌های فردی، دین اسلام را مزاحم آزادی‌های فردی دانسته و محدودکنندهٔ خواسته‌های بشر معرفی کرده‌اند.

در یکی دو قرن اخیر دنیای غرب با ارائهٔ «اومانیسم»[۲] اصالت انسان و انسان محوری، خدا را از زندگی انسان‌ها گرفت و انسان را جایگزین خدا کرد، چنان‌که گفته‌اند:

«آنچه روزگاری بر محور وجود خدا می‌گشت امروزه بر محور وجود انسان می‌چرخد».[۳]

برای دورکردن وحی و معارف دینی از صحنه زندگی انسان‌ها، برخی «ساینتیسم»[۴] و سپس «آمپریسم»[۵] را وارد عرصهٔ زندگی نمودند.[۶]

و هر آنچه گفته شد نقشه‌های هماهنگ استعمار برای بیرون‌کردن دین و بویژه دین اسلام ناب محمدی از صحنه بوده و هست، که باید به غیرت مسلمین برخورد کند، و به مصاف این دسیسه‌ها رفته و خنثی کند.

طرح سه سؤال: در اینجا سه سؤال باید مطرح و پاسخ گفته شود.

سؤال اول: آیا هویت اسلامی آن چیزی است که امروز در دنیای کنونی ارائه می‌شود؟ آیا واقعاً اسلام بی‌منطق و خشونت‌طلب است؟ آیا اسلام با خرد در تضاد است؟ آیا اسلام توان ادارهٔ جوامع را ندارد؟ آیا اسلام طالبانی مورد تأیید جهان اسلام است؟ آیا اسلام را به دو قسم تقسیم کردن اسلام شیعی و سنی صحیح است؟

---

۱. عمل گرایی.

۲. بشرگرایی و انسان محوری.

۳. مدارا و مدیریت، ص ۱۴۷.

۴. علم‌گرایی.

۵. اصالت تجربه.

۶. نقد و بررسی اندیشه، سید محمد امینی، ص ۲۸.

جواب: بدیهی است آنچه گفته شده و می‌شود دست ساخته استعمار و استکبار جهانی و در یک کلام دشمنان قسم خوردهٔ این اسلام است وگرنه هویت اسلامی بسیار زیبا، جذاب، منطقی و توانمند در اداره زندگی انسان‌هاست ولی نیازمند احیاء و تجدید حیات‌است.

سؤال دوم: چه کسی و یا چه کسانی باید هویت اسلامی را احیاء و معرفی کنند؟ و چهرهٔ حقیقی اسلام را به دنیا ارائه نمایند؟

جواب: متولیان اسلام باید پرده‌ها و غبارها را از چهره اسلام بزدایند یعنی باید جهان اسلام کمر همت بندد و سیمای اسلام راستین را به تشنگان معارف ناب آن ارائه دهد.

سؤال سوم: چگونه می‌توان به مصاف نقشه‌های دشمن رفت و چهرهٔ ناب اسلام را معرفی نمود؟

جواب: اینجاست که ضرورت اتحاد و انسجام اسلامی رخ می‌نماید و احساس می‌شود، و این جهان اسلام است که با اتحاد و انسجام خود باید از نو اسلام را آن‌گونه که هست معرفی کند و شاهد تجدید حیات آن باشد.

و این است ضرورت اتحاد و انسجام کنونی جهان اسلام که در کلام رهبر فرزانه انقلاب در آغاز سال ۸۶ بدان پرداخته شد و با دلسوزی تمام حرف دل پیروان واقعی اسلام را بر زبان جاری ساخت آری اگر افرادی ناجوانمردانه به هویت اسلامی یورش برده و آن را وارونه جلوه داده‌اند و دستیابی تشنگان این چشمهٔ زلال و ناب را با مشکل مواجه ساخته‌اند امروز انسجام اسلامی داروی درمان کنندهٔ دردهاست.

۴ ـ ضرورت اتحاد در آستانهٔ تحول جهانی

رئیس جمهور چک آقای فیلسوف هاول معتقد است:

«غرب زمانی که خدا را از صحنه جامعه و حیات اجتماعی خود عقب راند و دموکراسی را بر یک الگوی انسانی مدار قرار داد، همه چیز را در پای مصرف و مادی گری قربانی کرد».[۱]

---

۱ . اندیشه حوزه، تابستان ۱۳۷۸ ، ص ۲۷۹ .

هاول معتقد است که راه حل خروج از این بن بست، آفریدن تمدن جدید است که بر ارزش‌هایی متکی باشد که در سرتاسر جهان پذیرفته شده‌اند.

و این تمدن چیزی نیست جز ارزش‌های برخاسته از فطرت پاک انسانی که اولین ندای آن سر تعظیم و تمکین فرود آوردن در مقابل آفریدگار عالم، و عمل به دستورات اوست. این تمدن جز تمدن اسلامی نیست که خداوند در قرآن به آن اشاره فرموده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلَّا اللهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾.[۱]

آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود پاسخ‌گویی همه جانبه به بشر امروز است که از قدرت‌طلبی و افزون خواهی نوع خود خسته شده و به دنبال سروری مطمئن و پناهندگی امن می‌گرددتان جز خدا نیست.

کارل گوستاویونگ فیلسوف و روانشناس سوئیسی می‌گوید:

«در زمان جای خدا خالی است».[۲]

وی می‌گوید:

«اگر آدمی جانوری است که نیازمند استاد و سرور است از آن روست که آزادی خود را در نسبت با دیگر همنوعانش ناروا به کار می‌برد، او با آنکه می‌خواهد قانونی در کار باشد میل دارد هرگاه بتواند خود را از پیروی آن برکنار دارد. از این روست که یک آموزگار و فرمانده باید ارادهٔ او را به فرمان آورد و به اطاعت از

---

۱. آل‌عمران: ۶۴. «بگو ای اهل کتاب بیائید از آن کلمه‌ای که ما و شما هر دو پذیرفته‌ایم پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و یکدیگر را به جای خدای خو به پروردگاری نگیریم اگر آنان روی گردان شدند بگو شاهد باشید که ما مسلمانیم».

۲. همان، ص ۲۷۸.

ارادهٔ عـمومی وادار سـازد ولی از سـوی دیگـر خـود فـرمانده هـم یک انسان است و از ایـن رو او نـیز اگـر فـرماندهی نـداشـته بـاشد چه بسا آزادی خود را به ناروا بکار خواهد برد. برترین فرمانروا باید دادگر باشد، ولی او نیز انسانی بیش نیست، گشودن این مشکل ناممکن است».[۱]

اما امروز دنیای اسلام با اتحاد و انسجام کامل خود می تواند این فرماندهٔ دادگر مهربان را به صحنه آورده و تحولی عظیم در دنیا بوجود آورد، و این کار گرچه راهی طولانی بدنبال دارد اما اکسیر انسجام جهانی، سحرآمیز است و اعجاز آفرین، که اگر سران اسلام به خود آمده و بیدار شوند در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تحول عظیم جهانی خواهند بود و اینجاست که ضرورت انسجام اسلامی احساس می‌شود و همگان را فرا می‌خواند تا دست در دست هم «حاکمیت خدا» را رقم زنند.

نـدانـی کـه چـون بـا هـم آیـند مـور — ز شـــیران جـنگی بـرآرنـد شـور
نـــظر کـن بـر آن مـوی بـاریک سـر — کـــه بـــاریک نـیستند اهـل نـظر
چو تنهاست از رشـته‌ای کـمتر است — چو بر شد ز زنجیر محکم‌تر است[۲]

۵ ـ رشد و بالندگی در سایه انسجام اسلامی

امروزه جهان اسلام باید در زمرهٔ جوامع توسعه یافته باشد که چه زیباست تمثیلی که خداوند در سوره فتح به منظور ترسیم جامعه اسلامی آورده است، و در آن ضمن بیان ویژگی‌های جامعهٔ نبوی و محمدی، وضعیت جامعه اسلامی را به تصویر کشیده، و اقتدار روز افـزون و رشـد و بالندگی و توسعه یافتگی آن را به رخ دنیا نمایانده است و اینک کوتاه و فشرده به حقایق آن اشاره می‌شود.

---

۱. همان، ص ۲۷۸.

۲. سعدی.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنْ اللهِ وَرِضْوَاناً سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمْ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً﴾.[1]

در این آیه جامعه نبوی به دانه‌ای تشبیه شده است که در زمین کاشته شود، ابتدا به صورت برگ نازکی از زمین بروید، سپس خود را نیرومند سازد، سپس روی ساقه خویش می‌ایستد، آن چنان با سرعت و قوت این مراحل را طی می‌کند که کشاورزان را به شگفت می‌آورد.

آری این نموداری است از جامعه نبوی و قرآنی، که قرآن اجتماعی را پی‌ریزی می‌کند که دائماً در حال رشد و توسعه و انبساط و گسترش باشد.

جامعه اسلامی روز به روز باید رشد و توسعه یابد، که دنیا را با اعجاب و شگفتی وا دارد و چرا چنین نباشد؟ که اسلام در زمین دل‌هایی آماده کاشته شده، و عوامل رشد آن فراهم است، آنچه مهم است آنست که این دل‌ها به هم نزدیک‌تر شده و یک‌پارچه‌سازی کنند و با عمل یک‌پارچه‌سازی که امروزه در دنیای کشاورزی مدرن مطرح است، بر تأثیر شگرف اسلام در دنیا بیافزایند، اسلام یک‌پارچه محصول متناسب، و میوهٔ شیرین خواهد داد.

---

۱ . فتح: ۲۹ . «حضرت محمد فرستاده خداست، یاران و همراهانش بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجود بنگری که فضل خدا و خشنودی او را می‌طلبند نشانه‌های آنان بر اثر سجده در چهره‌هاشان معلوم است، این وصف حال آنان در تورات است و مثل حال‌شان در انجیل به دانه‌ای ماند که جوانه‌اش کافران را به خشم آورد، خدا به مؤمنین، نیکوکاران آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است».

مرغ جانها را در این آخر زمان — نیستشان از همدگر یکدم امان
هم سلیمان هست اندر دور ما — که دهد صلح و نماند جور ما
قول اِنْ مِنْ اُمة را یادگیر — تا به الا و خلا فیها نذیر[۱]
گفت خود خالی نبوده است امتی — از خلیفه حق و صاحب همتی
مرغ جانها را چنان یکدل کند — که صفاشان بی غش و بی غل کند
مشفقان گردند همچون والده — مسلمون را گفت نفس واحده
نفس واحد از رسول حق شدند — ور نه هر یک دشمن مطلق بدند
اتحادی خالی از شرک و دوئی — باشد از توحید نی ما و توئی[۲]

گفته شده است سلیمان علیه‌السلام میان جانداران اتحادی برقرار ساخته بود که همه درکنار هم بی‌جنگ و جدال در صلح و آرامش بسر می‌بردند و امروز افرادی همانند رهبر فرزانه انقلاب سلیمان‌های عصر ما هستند که به دنبال چنین اتحاد و یکپارچگی به منظور تحقق اهداف والای اسلام در جامعه و به اعجاب واداشتن دنیا، دل می‌سوزند.[۳]

۶ ـ انسجام اسلامی و جهانی شدن

یکی‌ازموضوعاتی‌که امروزه ذهن بشر رابه‌خود مشغول‌کرده «جهانی‌شدن» ویا «جهانی‌سازی» است. جهانی شدن امری لازم و ضروری ست که به معنای «گسترش پیوندها بین جوامع» می‌باشد. یعنی مردم از لحاظ فرهنگی و روانی به مرحله‌ای برسند که محدودیت‌های ملی و منطقه‌ای را پشت سرگذاشته و عرصهٔ‌گسترده‌تری بوجود آورند، البته این مسئله در عین حال که آثار و منافع فراوانی در پی دراد با چالش‌های زیادی نیز روبروست. که مجال پرداختن

---

۱. یونس: ۱۹.
۲. مثنوی مولوی.
۳. اسلام آئین همبستگی، بی‌آزار شیرازی، ص ۱۳.

به آن در این مقال کوتاه نیست.[۱]

و «جهانی‌سازی» ترکیبی است که از سوی موج سواران دنیا تزریق و القاء می‌شود چون قصد دارند به نفع خود مصادره کنند و بگویند: دنیا یک دهکده است و کدخدایی آن برعهدهٔ ماست لذا این پدیده را به معنای مرکزیت یافتن شرکت‌های چند ملیتی در شکل دادن به جغرافیای تحول جهانی تعریف کرده‌اند و معتقدند که دولت‌ها توان چانه‌زنی خود را نسبت به چند ملیت‌ها از دست داده‌اند و نزدیک به چهل هزار شرکت در سراسر جهان و یکصد و هشتاد هزار شرکت اقماری وابسته به خود دارند که نبض جهان را در اختیار گرفته‌اند.[۲]

کارشناسان مربوطه می‌گویند:

«با ظهور دهکده جهانی و گسترش مبادلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بازیگران غیردولتی و غیررسمی همچون شرکت‌های فراملی و چند ملیتی، و بالاخره با گسترش نظام اقتصادی و سیاسی، دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین بازیگر با محدودیت‌های بسیار گسترده و جدی روبرو شده‌اند و جایگاه بلامنازع خود را در این زمینه با دیگر بازیگران ملی و بین‌المللی تقسیم می‌کنند».[۳]

جان‌گفتار این است که در رابطه با پدیده جهانی شدن اگر چه موجب شکل‌گیری تنوع افزون‌تری خواهد شد اما باید جهان اسلام را که بیش از یک میلیارد می‌باشد به این اندیشه وا دارد که اثرگذار باشد، و به هدایت این موج عظیم و متلاطم بپردازد.

عوامل تأثیرگذاری جهان اسلام در جهانی شدن

اثرگذاری و میزان آن توسط جهان اسلام به چند چیز بستگی دارد:

---

۱. مجله راهبردی، شماره ۳۶، ص ۱۷۲.

۲. همان.

۳. همان، مصاحبه با دکتر داریوش زنجانی.

۱ـ اعتقاد به ارزش‌ها و توانمندی جهان اسلام؛ که بحمدالله بالغ بر یک میلیارد انسان معتقد به ارزش‌ها و معتقد به توانمندی بخاطر وابستگی به نیروی لایزال الهی که «**ان الله علی کل شیء قدیر**»[۱] در جهان وجود دارد.

۲ـ انگیزه قوی و نیرومند در فراگیر شدن اسلام؛ که چنین انگیزه‌ای نیز بخاطر باور به این حقیقت که در قرآن و سنت وعده جهانی شدن اسلام داده شده است.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللهِ شَهِيداً﴾.[۲]

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«لایبقی علی ظهر الارض بیت مدر و لا دبر الا و ادخله الله کلمه الاسلام اما بعز عزیز و اما بذیل ذلیل».[۳]

در میان مسلمین وجود دارد.

۳ـ اتحاد و انسجام جهانی: که یک میلیارد و اندی مسلمان معتقد به ارزش‌ها و تصور به توانمندی و باورمند به تحقق وعده الهی در کنار یکدیگر. متحد و منسجم می‌توانند کل جهان را تحت الشعاع قرار داده و بالاترین تأثیر را درخصوص این پدیده داشته باشند و شاهد تحقق فراگیر شدن جهان اسلام در آینده‌ای نه چندان دور باشند که پیام این مقاله است و با توجه به سخن کارشناسان مربوطه زمینه اتحاد فراهم است و اینجاست که این ضرورت به روشنی احساس می‌شود.

حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت آری به اتفاق، جهان می‌توان گرفت[۴]

---

۱ . بقره: ۲۸۴ . «خداوند بر همه چیز تواناست».

۲ . فتح: ۲۸ . «خداوند کسی است که فرستاده‌اش را بمنظور هدایت گسیل داشت تا آن را بروز سازد و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافی است».

۳ . مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۵ ؛ المیزان، ج ۹، ص ۳۴۱ ؛ الدرالمنثور، ج ۳، ص ۲۳۲ .

۴ . حافظ شیرازی.

۷ ـ علاج واقعی مشکلات جهان اسلام

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار مسئولان، سفرای کشورهای اسلامی در ایران و جمعی از میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی فرمودند:

«امروز مهم‌ترین نیاز دنیای اسلام و علاج واقعی همه مشکلات مسلمانان، اتحاد و انسجام اسلامی است».

اگر نگاهی هر چندگذرا به پیرامون خود در جهان اسلام بیافکنیم مشکلات فراوانی را به چشم خود مشاهده خواهیم کرد.

آیا بدبین بودن بسیاری از مذاهب و فرق اسلامی نسبت به یکدیگر، مشکل جهان اسلام نیست؟

آیا وضعیت پیش آمده برای فلسطین اشغالی و سلطهٔ سفاکان و خون آشامان صهیونیست بر آنان مشکل جهان اسلام نیست؟

آیاکشتارهای انبوه مردم عراق بدست نیروهای مهاجم اشغالگر در عراق مشکل جهان اسلام نیست؟

آیا آوارگی ملت مظلوم افغانستان و عراق، مشکل دنیای اسلام نیست؟

آیا محاصرهٔ مسجدالاقصی قبله اول مسلمین بدست یهودیان سیاسی، مشکل عالم اسلام نیست؟

آیا اهانت به بنیانگذار مکتب اسلام در حد بسیار گسترده، مشکل جهان اسلام نیست؟

آیا محروم‌کردن مسلمانان از حق مسلم خود در صحنه‌های مختلفی همانند بهره‌وری از انرژی هسته‌ای مشکل عالم اسلام نیست؟

و ده‌ها و صدها مشکل دیگرکه پیش روی تمام مسلمین خود را بوضوح نشان می‌دهد و رخ می‌نمایاند علاج این مشکلات، و داروی درمان دردهای یاد شده دو چیز است. نخست بیداری اسلامی و دیگر انسجام جهان اسلام، که در سایه بیداری اسلامی و اتحاد و انسجام تمام مسلمین دردها درمان و مشکلات به سامان خواهد رسید.

و رسول گرامی اسلام فرموده است:

«من اصبح و لا یهتم بامور المسلمین فلیس منهم، و من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم».[۱]

دو دل یک شود بشکند کوه را　　پـــراکـــندگی آرد انـــبوه را
دو دل یک شود بشکند کوه را　　پـراکـندگی آرد انـدوه را[۲]

در ایـن گـفتار راهگشـای پـیامبر گـرامـی اسـلام بـه دو کـلمه «اهـتمام» و «اجـابت» برمی‌خوریم که هر کدام به دو صورت محقق می‌شود، اهتمام و اجابت فردی، اهتمام و اجابت گروهی بدیهی است اهتمام و اجابت گروهی از تأثیر و ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود، وگرنه اگر فردی از افراد مسلمان با مشکلات جـهان اسـلام و فـراخـوان آنـان آشـنا بـاشد و بخواهد تنهایی اقدام کند نتیجه‌ای نخواهد گرفت، زمانی نتیجه حاصل خواهد شد که تمام مسلمین متحد و یکپارچه برای حل مشکلات جامعه اسلامی دست در دست هم نهاده و اقدام کنند که در این صورت با تشکیل همایش‌ها، و برنامه‌ریزی و تدبیر مناسب خواهند توانست به علاج تمام مشکلات بپردازند و به امید آن روز.

۸ ـ گرایش روز افزون جهان اسلام

امروز فرصت بسیار ارزشمندی پیش روی جهان اسلام قرار گرفته است و آن گرایش روزافزون دنیا به اسلام است.

اخبار و اطلاعات فراوانی حکایت از چنین گرایشی در سطح جهان دارد، در قلب غرب و اروپا انسان‌هایی از دموکراسی غربی و اروپایی به ستوه آمده و راه حقیقی خود را یافته‌اند.[۳]

---

۱. کافی، ج ۱، باب اهتمام به امور مسلمین.

۲. نظامی گنجوی.

۳. در نشـریه‌های مـختلفی مـثل صـحیفه، جـامعه مـدرسین و... بـه آمـار گـرایش دنـیا بـه اسـلام اشـاره نموده است.

اگر جهان اسلام از این فرصت استفاده صحیح نکند و همچنان مشغول جنگ و ستیزهای درونی و فرقه‌ای باشد فرصت‌ها تبدیل به تهدید و آسیب خواه شد و جوامع اسلامی را از درون استحاله خواهد کرد.

راه چاره چیست؟ چگونه می‌شود از فرصت‌ها استفاده کرد؟ راه چاره و درمان دردها اتحاد و انسجام اسلامی است، اگر مسلمانان اختلافات جزئی و نقاط افتراق بین خود را کنار بگذارند و بر نقاط مشترک تکیه کنند و آنها را اصل بدانند و تازه ره یافتگان را در آغوش پر مهر و عطوفت انسجام اسلامی پناه دهند روز به روز این گرایش‌ها بیشتر و افزون‌تر خواهد شد و آمار جمعیت اسلامی انبوه‌تر و آنان را برای رسیدن به اوج اقتدار نزدیک‌تر خواهد نمود که:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجاً * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً﴾.[1]

سپاسگزاری از گرایش مردم به اسلام یک فرمان الهی است و استغفار و طلب آمرزش بخاطر کوتاهی‌های احتمالی فرمانی دیگر است.

۹ ـ انسجام اسلامی و اقتدار همه جانبه

جهان اسلام با داشتن بخشش عظیمی از ثروت‌های جهان و نیروی انسانی کافی می‌تواند به اقتدار همه جانبه دست یابد، اما این اقتدار در سایه انسجام و اتحاد بدست خواهد آمد.

مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی عبارت است از سرمایه، تکنولوژی، بازرا مصرف، نیروی کار و انرژی، و امروز بیشترین سرمایه‌ها و نیروی کار و بویژه انرژی در اختیار جهان اسلام است. ۶۳ درصد انرژی دنیا در قلب کشورهای اسلامی و خاورمیانه است.

آمریکا اخیراً شعاری را مطرح ساخته است تحت عنوان «حکومت بر دنیا و رهبری دنیا باکنترل بر انرژی دنیا».

---

۱ . سوره نصر. «آن هنگام که یاری و گشایش خدایی آورد، دیدی که مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند پس به سپاس خدا یت مشغول شو و از او طلب آرمزش کن که او بسیار توبه‌پذیر است».

کسانی همچون فرید من و کارشناسان نفتی هشدار می‌دهند که آمریکا باید مسلمانان را در زمینه‌های نفت و انرژی خلع سلاح نماید.

بوش امیدوار است با تکیه بر مخازن دست نخوردهٔ عراق که کارشناسان، آن را دارای توان رقابت با نفت عربستان می‌دانند قدرت نفت مسلمانان را برای آینده کاهش دهد.

چرا باید استکبار جهانی منافع غنی اسلامی در کشورهایی مثل عراق را در اختیار بگیرد؟ چرا باید استکبار در مناط جغرافیایی سوق الجیشی اسلامی مثل فلسطین، لبنان و... تسلط داشته باشد؟ فلسفهٔ عمدهٔ آن نبود یک انسجام همه جانبه در میان جهان اسلام و امت اسلامی است که امید است به خود آمده و منابع انبوه و غنی خود را ببینند، و به جای مشت و لگد زدن به سر و جان یکدیگر و مطرح ساختن نقاط نه چندان مهم افتراق، به استخراج و بهره وری ثروت‌های طبیعی خدادادی که در اختیار آنهاست بپردازند و دست استکبار را کوتاه نمایند و مقتدرترین امت جهانی را پی‌ریزی کنند.

۱۰ ـ اتحاد و انسجام اسلامی و عزت

بدیهی است عزت خواهی یکی از خواسته‌های تمام انسان‌هاست. هر فردی از افراد انسان‌ها می‌خواهد در جامعه از عزت و سرافرازی برخوردار باشد. این قانون در ملت‌ها و گروه‌ها نیز جریان دارد که: ﴿**و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین**﴾[1] عزت حقیقی از آن خدا، پیامبر و اهل ایمان است نکته این جاست که این عزت را چگونه باید تحصیل کرد؟ راه‌های زیادی برای بدست آوردن عزت نام برده‌اند که یکی از آنها اتحاد و انسجام است و امروز ضرورت اتحاد بمنظور کسب عزت دنیای اسلام بر همگان روشن و قطعی است.

امیر مؤمنان علیه السلام به این مطلب اشاره کرده و فرموده است:

---

۱ . منافقون: ۸ . «همانا عزت و سربلندی مخصوص خدا، پیامبر و هل ایمان است».

«والعرب اليوم و ان كانوا قليلاً فهم كثيرون بالاسلام، عزيزون بالاجتماع».[۱]

آری امت اسلام هرچند کم باشند بخاطر اسلام زیادند و اگر اتحاد را پیشه کنند از عزت جهانی برخوردار خواهند شد. تاریخ عزت امت اسلامی در صدر اسلام را بخاطر گرایش به اسلام و عقد اخوت و برادری ثبت نموده است بنحوی که بی مانند است و نمونه‌اش ثبت نشده است.

۱۱ ـ مطلوبیت نفسی اتحاد و انسجام اسلامی

با توجه به آنچه گفته شد به عوامل ضرورت اتحاد و انسجام پرداختیم و به قطره‌ای از دریای بیکران اشاره نمودیم. اما در پایان مقاله می‌خواهم به مطلوبیت نفسی اتحاد و انسجام اشاره کوتاهی داشته باشم یعنی با صرف نظر از آثار و پیامدهای مثبت وگران سنگ اتحاد «و به تعبیر دیگر طریقت اتحاد و انسجام» ارزش والای اتحاد دارای موضوعیت است، یعنی نفس اتحاد مطلوب و پسندیده است. هم خرد و هم شرع به مطلوبیت نفس اتحاد و انسجام اذعان دارند. لذا امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

«قد امتن على جماعه هذه الامة فيما عقد بينهم من حبل هذه الألفه... و يأمرون الى كنفها بنعمه لاتعرف احد من المخلوقين لها قيمه، لانها ارجح من كل ثمن و اجل من كل خطر...».[۲]

---

۱ . نهج البلاغه، خ ۱۴۶ . «جامعه عرب امروز گرچه اندکند ولی به کمک اسلام زیادند و بواسطه وحدتی که دارند عزیزند».

۲ . نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲ . «خداوند براین امت اسلامی منت‌گذارده که پیمان برادری و وحدت بین آنان برقرار ساخت که در سایه آن زندگی کنند نعمتی بود که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصور کرد زیرا از هر ارزشی گرانقدرتر و از کرامتی بالاتر بود».

آری اتحاد یک نعمت الهی و خدادادی است که فی نفسه مطلوب و از هر ارزشی و کرامتی برتر است و شایسته است مسلمین به دنبال این ارزش مطلوب و ذاتی باشند و در میان خود تقویت و مستحکم نمایند و بویژه در دنیای کنونی ضرورت بیشتری به خود گرفته است.

اتحاد ملّی و انسجام اسلامی
رمز پیروزی

عسکری اسلامپور کریمی

مقدمه

سال جاری از سوی مقام معظم رهبری به نام سال «اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی» نام‌گذاری گردید. اتّحاد و انسجام، از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی است. افزون بر این، این‌گونه مقولات در مباحث مربوط به توسعه سیاسی و اقتصادی هر کشور نقش اساسی ایفا می‌کند؛ به طوری که اتّحاد ملّی در شکل‌گیری سامانه نظام سیاسی و اداره آن امری مسلّم و اجتناب‌ناپذیر است. اساساً بدون اتّحاد و همبستگی ملّی، امکان توسعه، رشد و تعالی یک کشور میّسر نیست.

از دیدگاه سیاسی، اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی نقش به سزایی در تثبیت هر نظام سیاسی دارد. به فرموده مقام معظم رهبری، همبستگی و اتّحاد ملّت، مشارکت عمومی و اعتصام به ایمان الهی، مهم‌ترین سلاح‌های ملّت ایران برای خنثی‌سازی توطئه‌ها و تمهیدات دشمن هستند.

امروزه، وحدت و همبستگی ملّی در ایران اسلامی و دنیای اسلام، بزرگ‌ترین مانع در برابر دشمنان آزمند و کینه‌توز است. دشمنان قسم‌خورده اسلام و انقلاب تمام تلاش‌های خود را بر تفرقه‌افکنی و یأس‌آفرینی در میان مسلمانان متمرکز ساخته‌اند و این دو شعار، خنثی‌کننده تمام برنامه‌های دشمنان خارجی و عوامل سر سپرده داخلی آنان است.

بدین مناسبت، در این نوشتار برآنیم مفهوم اتّحاد و انسجام اسلامی و مبنا و اساس قرآنی و روایی و عوامل و آثار و برکات آن و فلسفه اختلاف و راهکارهای تحقق اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی را در آموزه‌های اصیل اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

فلسفه نام‌گذاری سال ۱۳۸۶

مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۶ را بنا به رویه سال‌های گذشته سال «اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی» نام‌گذاری نمودند. از نظر معظم‌له این رویّه یک نوع هدف‌گذاری است که شناسه راهبردی نظام را در آن سال مشخص می‌سازد و دستگاه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی با تدارک طرح‌ها، لوایح، آئین نامه‌ها و مقّررات اداری و رسانه‌های کشور در مسیر نهادنیه شدن آن الگوها باید با تبیین و تشریح ضرورت‌ها. نیازهای استراژیک کشور، بستر مناسب را جهت تدوین الگویی جامع همراه با ضمانت‌های لازم فراهم سازند. از سوی دیگر، پایان هر سال به معنای پایان فلسفه وجودی آن نام‌گذاری نبوده و نخواهد بود بلکه پایان هر سال و آغاز سال دیگر باید به عنوان زیر بنای شکل‌گیری زنجیره‌ای مستحکم از مطالبات رهبری باشد که با گذشت زمان، هر سال بر حلقه‌های آن مطالبات افزوده شده و حجم و ضرورت بر آورده شدن آن مطالبات نیز دو چندان شود.

در هر ملّتی وحدت و همبستگی مردم موجد تلاش مشترک برای دستیابی به اهداف ملّی و مانع بروز طغیان‌ها و کینه‌توزی‌ها می‌شود. این مهم راه رسیدن به سعادت را که غایت و نهایت محسوب می‌شود، فراهم می‌کند.

سال گذشته، شاهد اجرای پروژه جدید آمریکائی‌ها در گسترش سفره بحران و فشار بر کمربند امنیتی ایران بودیم. براساس داده‌های این پروژه که حاصل مطالعات و نشست‌های متعدّد مؤسسات پژوهشی ایلات متّحده هم چون آمریکن اینتر پرایز، شورای روابط خارجی، کارنگی، هریتیج و چند دانشگاه دیگر آمریکایی است، از ایران به عنوان یک هدف سخت نام برده شده که حمله نظامی و اشغال آن با هدف تغییر رژیم، امری ناممکن می‌باشد؛

از این‌رو ایالات متحده برای مهار و تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران، چاره‌ای جز روی آوردن به سیاست مهار و جنگ سرد ندارد. این سیاست مبتنی بر تعامل همراه با درگیری، بحران آفرینی، ناامن‌سازی، تماس محتاطانه وگزینشی، حمایت از اپوزیسیون داخلی و خارجی، دامن زدن به نافرمانی مدنی و... می‌باشد؛ براین اساس، اتّخاذ شعار «اتّحاد ملّی» که بیشتر با اوضاع و احوال داخلی کشور مرتبط است می‌تواند در راستای توجّه جدّی به موارد ذیل باشد:

۱ ـ ورود به مرحله سرنوشت ساز مسئله هسته‌ای ایران؛

۲ ـ در پیش بودن انتخابات مهم هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛

۳ ـ وجود برخی ناامنی‌ها در کشور، از قبیل حوادثی چون تاسوکی زابل، بمب‌گذاری زاهدان، انفجارهای خوزستان، آشوب‌های آذربایجان، تجمّعات معلمان، اعتراض‌های صنفی رانندگان اتوبوس‌های شهری و... که همگی در راستای سیاست بحران‌آفرینی آمریکا در ایران است؛

۴ ـ تلاش گسترده دولت و ملّت برای تحقّق برنامه‌های چشم‌انداز بیست ساله.

از سوی دیگر فلسفه انتخاب شعار «انسجام اسلامی» نیز می‌تواند به دلائل ذیل اتّخاذ شده باشد:

۱ ـ درکنار پروژه برهم زدن یک‌پارچگی عمومی در داخل، غرب طرح انزوای سیاسی ایران در منطقه جهان اسلام و فضای بین‌المللی را هم دنبال می‌کند؛

۲ ـ رشد روز افزون درگیری شیعه و سنّی در عراق و منطقه و تحریک دولت‌ها و علمای اهل‌تسنّن از طریق بزرگنمایی در موازنه قدرت شیعیان؛

۳ ـ بن‌بست حاصله در اعمال فشار بر دولت حماس جهت رسمیّت شناختن رژیم صهیونیستی؛

۴ ـ تلاش آمریکا برای تشکیل ائتلاف منطقه‌ای بر ضدّ جمهوری اسلامی ایران؛

۵ ـ ناکامی غرب در حذف مقاومت لبنان از طریق عمّال داخلی این کشور.

با توجّه به موارد یاد شده، مقام معظم رهبری در کنار «اتّحاد ملّی» بر موضوع «انسجام اسلامی» نیز تأکید فرمودند. در واقع سکاندار نظام اسلامی، راهبرد اداره نظام را معطوف به مرزهای سیاسی و جغرافیایی ایران نکرده و دایره آن را به کشورهای منطقه و جهان اسلام نیز گسترش داده است.

مفهوم اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی

اتّحاد به معنای یکی شدن، در اصل ریشه «وحد» به مفهوم یکتایی و یگانگی است[۱] که در فرهنگ اسلامی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرارگرفته و در اصطلاح هریک از اندیشمندان علوم گوناگون، معنای ویژه‌ای دارد. مثلاً فلاسفه، وحدت و اتّحاد را مقابل کثرت دانسته و گفته‌اند: وحدت از اموری است که قابل تمدید و تعریف نمی‌باشد، مگر به مقابله باکثرت؛ البتّه از بحث در جنس و وحدت در نوع وحدت درکیف و وحدت کمّ و وحدت در وضع و در اضافه، صرف‌نظر می‌شود و نیز از وحدت وجود و تفاوت میان عقیده الهیّون و طبیعیّون در این باره، می‌گذریم و در مقام بیان این که وجود، دریای بیکران است و موجودات همه امواج اویند و امواج عین دریا هستند، نیستیم، امّا در عین حال، امواج، خود موجودند و امواج عین دریا اند و در عین حال دریا هستند.

علامه شیخ محمد نجّار، در مجلّه الازهر، شماره رمضان ۱۳۷۷ هجری، گفته است: وحدت در لغت به معنای یگانه بودن، یکی بودن است؛ ولی هم‌اکنون، این کلمه به معنای اتّحاد و یکی شدن دو چیز و بیش از دو چیز بکار می‌رود و مثلاً می‌گویند: وحدت دولت‌ها، وحدت قوانین تجارت. و به قول ابوالبقاء درکلیات:

«الوحدةُ کونُ الشیء بحیثُ لاینقسمُ و تُطلِقُ و یُراد بها عدمُ التجزِئة و الا نقسام».[۲]

---

۱ . ترتیب العین، ص ۸۴۲ .

۲ . به نقل از دکتر محمد محمود حجازی، الوحدة الموضوعیة فی القرآن الکریم، ص ۳۲ .

گاهی وحدت مرام گویند، یعنی گروهی در یک مرام و مقصد اشتراک داشته باشند، گاهی وحدت ملّی گویند، یعنی اشتراک همه افراد یک ملّت در آمال و مقاصد، چنان‌که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند.

با توجه به این تعریف، می‌توان وحدت ملّی را اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد خویش دانست؛ به گونه‌ای که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند اندیشمندان علوم سیاسی وحدت ملّی را از ارکان قدرت سیاسی دانسته‌اند که از چگونگی واکنش مردم در دفاع از منافع ملّی و مصالح کشور حکایت می‌کند.

«اتّحاد ملّی» و «انسجام اسلامی»، دو اصل مهم از اصول بنیادی جوامع اسلامی و دو حلقه اتّصال از حلقه های زنجیره ثبات نظام اسلامی و جهان اسلام وارد می‌شود، اصل اتّحاد ملّی به داخل مرزهای کشورمان محدود شده و اصل انسجام اسلامی فراتر از مرزهای کشورمان بوده که در صورت عدم التفات کافی، ممکن است کلّ جهان اسلام را تحت الشعاع خویش قرار داده و در مواجهه با دیگر مکاتب آسمانی بزرگ، آن چنان‌که شایسته نام و شخصیّت این دین جاوید است، نتواند از حقّانیت و اکمال خویش دفاع نماید.

«انسجام اسلامی»، یعنی ملّت‌های مسلمان جهان با هم با تکیه بر مشترکات دینی، متّحد و همگام باشند. بنابراین، واژه انسجام، کلمه‌ای است که بالاتر از مسئله وحدت است؛ زیرا اگر وحدت در اندیشه، فکر، نیّت و قلب است، انسجام یک وحدت رویّه‌ای را در عمل و عکس‌العمل بیرونی تداعی می‌کند. از این رو، انسجام اسلامی نه تنها در عرصه داخلی، بلکه با تأکید بیشتر در عرصه منطقه و بین‌المللی جهان اسلام مطرح نظر می‌باشد.

اگر مجموعه گروه‌ها و احزاب در کشور و مجموعه مذاهب، ارتباط خود را بر مبنای مشترکات یکدیگر تنظیم کنند، شاهد بلوغ سیاسی و رشد اخلاقی و معنوی در کشور و کلّ بلاد اسلامی خواهیم بود. مسئولان جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی، متفکّران جهان اسلام، به ویژه علمای اهل سنت و شیعه باید با طراحی متعدّد و هم فکری در جهت حفظ انسجام اسلامی که عامل مهم اقتدار هر چه بیشتر امّت اسلامی، بکوشند و در جهت خنثی سازی توطئه‌ها علیه جهان اسلامی طراحی‌های لازم را انجام دهند.

اتّحاد در آینه آیات و روایات

وحدت و همبستگی، قانون حاکم بر تمام هستی است. قطرات باران با هم‌گرایی دریاها را تشکیل می‌دهند. مولکول بدن انسان با همسویی، سلامت بدن را تأمین می‌کنند. حیوانات مانند مورچه‌ها.... با همگرایی از آسیب‌های دشمن خودشان را حفظ می‌کنند براین اساس، نظام آفرینش نظام توحید و وحدت‌گرایی است.

در عالم تشریع نیز، جامعه بشری باید از قانون وحدت پیروی کند، تا همسو با نظام هستی شود. فردگرایی و اختلافات غیراصولی سبب می‌شود که مصالح فردی و عمومی تهدید شود و افراد جامعه طعمه تفرقه‌انگیزان شوند.

وحدت و یک‌پارچگی مسلمانان و لزوم اتّحاد و اتّفاق کلمه میان آنان، بلکه ضروروت توحید کلمه بر محور کلمه توحید برای همه موحّدان و خداپرستان، از تعالیم و آموزش‌های اساسی آیین اسلام و از اصول فرهنگ قرآنی است.

قرآن کریم در آیات متعددی به ضرورت وحدت و همبستگی در بین امّت اسلامی با واژگان مختلف توصیّه و تأکید نموده است. این صحیفه بزرگ آسمانی امّت را به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند و تعابیر زیادی در این باره به‌کار می‌گیرد که جملگی بیانگر اهتمام ویژه اسلام به این مهم است؛ از جمله: «**وسطاً**»،[۱] «**واعتصموا**»،[۲] «**رابطوا**»،[۳] «**الّف بین قلوبکم**»،[۴] «**اصلاح بین الناس**»،[۵] «**مودّة**»،[۶] «**تعاونوا**»،[۷] «**امت واحده**»،[۸] «**اخوه**»[۹]

---

۱. بقره: ۱۴۳.

۲. آل‌عمران: ۱۰۳.

۳. همان: ۲۰۰.

۴. همان: ۱۰۳.

۵. نساء: ۱۱۴.

۶. همان: ۷۳.

۷. مائده: ۲.

و... افزون براین، قرآن کریم نه تنها امّت اسلامی، که اهل کتاب را به اتّحاد و همبستگی حول محور توحید فراخوانده، آنان را توصیّه به اجتناب از تفرقه می‌کند.

قرآن کریم در باب دعوت اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان و زرتشت بنابرقول عده‌ای) به وحدت و همبستگی، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب! بیایید به یک مشترک میان ما و شما اتفاق داشته باشیم و آن این است که نپرستیم جز خدا را و چیزی را شریک او قرار ندهیم...».(۱۰)

این آیه شریفه «ندای وحدت و همبستگی» در برابر اهل کتاب است، قرآن به آنان می‌فرماید: شما ادعا می‌کنید، و حتّی معتقدید مسئله «تثلیث» (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با «توحید» ندارد، و از این‌رو قائل به «وحدت در تثلیث» می‌باشید، و همچنین «یهود» در عین سخنان شرک آمیز و «عزیر» را فرزند خدا دانستن، مدّعی توحیدند. قرآن به آنان اعلان می‌نماید که همه شما در اصل «توحید» خود را مشترک می‌دانید؛ پس بیائید تا با اتّحاد خود، این اصل مشترک را پاس بداریم و آن را بدون هیچ‌گونه پیرایه‌ای زنده کنیم، و تفسیرهای نارواکه ثمره آن شرک و دوری از توحید ناب است، خودداری کنیم.

ناگفته پیداست که در این آیه شریفه، هدف مشترک از قبیل آزادی از سلطه همنوعان و پذیرفتن سلطنت خداوند و بندگی او، محور وحدت و همبستگی ادیان الهی شمرده شده و کاملاً روشن است که این اهداف مشترک، همان اصول عقائد است.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد:

﴿قُل اِنَّما اَعِظُکُم بِوٰحِدَةٍ اَن تَقوموا لِلّٰهِ مَثنیٰ وفُرٰدیٰ...﴾.(۱۱)

---

۸. یونس: ۱۹.

۹. حجرات: ۱۰.

۱۰. آل‌عمران: ۶۴.

۱۱. سبأ: ۴۶.

این آیه هدف اصلی اسلام را در این جمله خلاصه می‌کند که: همه اعمال و افکار باید برای خدا باشد و نه غیر او.

برای یافتن اهمیّت اتّحاد از دو زاویه می‌توان به مسئله نگاه کرد. یکی این که منافع اتّحاد مورد توجّه قرار گیرد و دیگر این که ضررها و خسارات ناشی از اختلاف مورد توجه واقع شود. امّا در مورد اوّل (منافع و برکات اتّحاد)، این است که در پرتو آن، چه مشکلاتی، حل می‌گردد و چه بسیار، ناشدنی‌ها، که به واقعیّت می‌پیوندد، مسئله‌ای بدیهی است.

حفظ وحدت و همبستگی در صدر اسلام، موجب انسجام و فشردگی مسلمانان شد، آنان در پرتو همین همدلی و هماهنگی توانستند بر خیل عظیم دشمنان مختلف فائق آیند و به امتیازات فوق‌العاده دست یازند؛ بر همین اساس، قرآن کریم یکی از عمده‌ترین و سازنده‌ترین اهداف رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تألیف قلوب و ایجاد انس و تفاهم به جای خصومت و دشمنی بیان می‌دارد. این صحیفه آسمانی در ضمن آن که همگان را به هم‌گرایی و همبستگی فرا می‌خواند، از وحدت امت اسلامی به عنوان نعمت یاد نموده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی معرفی می‌نماید.[1]

آری؛ یکی از بزرگ‌ترین عوامل پیروزی مسلمانان صدر اسلام بر جهان کفر و شرک و الحاد، اتّحاد و همبستگی امّت اسلامی بود و امّت نوپای اسلام در اثر ایمان و وحدت به آن عظمت و قدرت رسید. چنان که ضعف و انحطاط مسلمانان در اختلاف و تشتت و فراموش شدن ارزش‌های اصیل اسلامی به وجود آمد.

علاوه بر تأکیدات قرآن کریم به اتّحاد امّت اسلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم وی که ناطق و مفسّر قرآن بودند نیز در دستیابی امّت به وحدت و یک‌پارچگی از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پیشبرد دین مقدس اسلام نخستین ندایی که سر داد، آوای دلنشین وحدت بود، وحدت بر مبنای وحدت معبود: «**قولوا لا اله الاّ اللّه تفلحوا**»؛ این ندای آسمانی

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

اولاً موجب طرد خدایانی که هر قوم برای خود ساخته بودند و با تعلّق به آن، خود را از دیگران جدا و گاه برتر می‌دانستند، می‌گردید و ثانیاً وحدت عقیده، وحدت هدف و عمل را نیز در پی داشت؛ زیرا «**الایمان قول و عمل**».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دانست، مهم‌ترین عاملی که موجب اختلاف و چنددستگی آنان است، تعصبات نژادی و قومی است که در هدم آن فرمود:

«**ایها الناس کلکم لآدم و آدم من تراب لافضل لعربی علی عجمی الاّ بالتقوی**».(۱)

همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده، عرب نمی‌تواند بر غیرعرب برتری داشته باشد، مگر به پرهیزگاری.

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

«آنان که به قومیت خود افتخار می‌کنند، آن را رها کنند؛ زیرا آن جز ذغالی از ذغال‌های جهنم نیست و اگر از این کار دوری نکنند، نزد خداوند از سوسک‌هایی که کثافات را با بینی خود حمل می‌کنند، پست‌تر هستند».(۲)

همچنین از قول خداوند، ابلاغ فرمود که نژاد و تشعبات قبیله‌ای، تنها برای شناسائی و معرفی مخلوقات است، نه این که خود موجب امتیاز باشد:

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است».(۳)

این آیه شریفه بعد از آن که بزرگ‌ترین مایه مباهات و مفاخره عصر جاهلی، یعنی نسب

---

۱. تحف العقول، ص ۳۴، طبع مکتبة الصدوق.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۶۲۴، چاپ اول، سال ۱۳۷۱، ناشر مصطفی البانی.

۳. حجرات: ۱۳.

و قبیله را مردود می‌شمرد، به سراغ معیار واقعی ارزشی رفته می‌افراید:

«گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

بدین ترتیب، قرآن بر تمام امتیازات ظاهری و مادی که اعراب جاهلی برای خود می‌پنداشتند، خطّ بطلان کشیده و اصالت و واقعیّت را به مسئله تقوا و پرهیزکاری و خداترسی می‌دهد، و می‌فرماید برای تقرّب به خدا و نزدیکی به ساحت قدسی او هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست.

از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، هیچ عاملی نباید وحدت و انسجام امّت اسلامی را خدشه‌دار کند و با هر آنچه که این اتّحاد و همبستگی را خدشه‌دار می‌کند، باید مبارزه کرد؛ حتّی به قیمت تخریب مسجد ضرار. این حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشان از اهتمام جدّی آن حضرت به وحدت امّت اسلام دارد.

درگفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام با تعابیری جالب و عمیق به مسئله اتّحاد و برادری ترغیب شده و از هرگونه پراکندگی و اختلاف نهی کردیده است، و در بعضی از این موارد به دلیل آن نیز اشاره شده است، به عنوان نمونه، به برخی از سخنان گوهربار آن بزرگواران اشاره می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین پیروان خود عملاً اتّحاد و برادری را برقرار نمود و قولاً آن را در مواطن عدیده تأکید نمود؛ چنان‌که در هنگام عقد اخوّت مهاجر و انصار فرمود:

«المسلم اخ المسلم لایظلمه و لا یسلمه».[۱]

مسلمان برادر مسلمان است که نه به او ظلم می‌کند و نه وی تسلیم ستمکار می‌نماید.

و نیز فرمود:

«المؤمن للمؤمن کالبنیان یشدّ بعضه بعضاً، ثمّ شبّك بین اصابعه».[۲]

---

۱ . صحیح بخاری، کتاب المظالم، باب لایظلم المسلمُ المسلمَ.

۲ . همان، کتاب الادب، باب فضل تعاون المؤمنین.

مؤمن برای مؤمن چون بنایی است که هر خشتی موجب محکمی خشت دیگر آن است؛ آن‌گاه برای تأکید سخن، انگشتان مبارکش را میان هم نمود. همچنین فرمود:

«**المسلمون یَدُ علی مَن سَواهُم**».[۱]

مسلمانان، هماهنگ (یکپارچه، همچون یک دست نیرومند) نسبت به بیگانگان‌اند.

امام علی علیه‌السلام نیز همبستگی را زمینه ریزش فیض الهی دانسته[۲] و آن را یکی از ارمغان‌های بعثت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌فرماید.[۳] همچنین آن حضرت خود را شیفته و حریص‌ترین انسان نسبت به وحدت امّت اسلامی دانسته و می‌فرماید:

«**بسم الله الرحمن الرحیم و لیس رجل ـ فاعلم ـ أحرص علی جماعة أمة محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ألفتها منّی، ابتغی بذلك حسن الثواب و کرم المأب...**».[۴]

این نکته را بدان هیچ‌کس از من بر اتّحاد و همبستگی امّت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله حریص‌تر نیست که بدان ثواب می‌جویم و فرجام نیک می‌طلبم... .

همچنین آن حضرت درباره اهمیّت و ارزش اتّحاد امّت اسلامی فرمود:

«بی‌گمان خداوند سبحان بر جماعت متّحد این امّت، با این رشته همبستگی پیوندشان داد، تا در سایه‌اش آرام گیرند و بدو پناه برند، با نعمت وحدتی منّت نهاد که هیچ آفریده‌ای بهایش را درنمی‌یابد؛ زیرا از هر بهایی افزون‌تر و گران‌قدرتر است».[۵]

---

۱. کنز العمال، حدیث ۴۴۱.

۲. ر.ک: فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۸۵.

۳. ر.ک: نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱، ص ۴۴؛ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۹۳.

۴. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۸۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۸۷.

از این سخنان گوهر بار امام علیه‌السلام استفاده می‌شود که رعایت حفظ وحدت و همبستگی، ارزش بسیار عمیق و مهمی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام، همگان را به آن دعوت کرده‌اند، و برعکس گناه اختلاف و پراکندگی به قدری بزرگ است که به مناديان آن به شدّت هشدار داده شده، تا مسلمانان با اظهار تنفّر از آنها تفرقه‌افکنی، عوامل مختلف را از جامعه خود طرد کرده و برای حفظ اتّحاد خویش، از هیچ‌گونه کوششی فروگذار نکنند.

عوامل اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی

آن‌گونه که در متن قرآن کریم آمده است، «**... و لایزالون مختلفین**...؛ همواره انسان‌ها با هم اختلاف دارند»[1] و این امری است که همیشگی خواهد بود. در واقع، برابری مردم در عقول و افهام، ناممکن است و این‌گونه اختلاف، طبیعی و فطری بشر است و گاه هم بسیار مفید است. اختلاف سلیقه و افکار امری گریزناپذیر است؛ به‌طوری که هیچ دو دو نفری پیدا نمی‌شوند که در تمامی زمینه‌ها یک‌نواخت فکر کنند و هرکسی برای نیل به هدف مشترک، راهی را برمی‌گزینند. اینجاست که باید وجود اختلاف در عقائد را به عنوان یک واقعیت پذیرفت، ولی اختلاف در اهداف دینی را نمی‌شود به آن قیاس کرد. اهداف «انسانی» و «ارزش‌های اسلامی» بین تمامی انسان‌ها و بین تمامی فرق مسلمان مشترک است.

دانشمندان برای ایجاد اتّحاد و هماهنگی در یک جامعه عواملی را مانند زبان، ملیّت، جغرافیا... مطرح کرده‌اند؛ والی در اسلام گرچه این عناصر نادیده گرفته نشده امّا این عوامل عناصر اصلی وحدت نیستند، زیرا این عوامل ظاهری و صوری اند. گواه متقن بر آن، همانا جنگ‌های داخلی و قومی در یک جامعه است. به قول مولوی:

همدلی از همزبانی بهتر است پس زبان محرمی خود دیگر است

شهید مطهری رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: ... مسلمانان مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتّحاد محکم گردد. مسلمانان همه خدای یگانه را می‌پرستند

---

۱. هود: ۱۱۸.

و همه به نبوّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه، قرآن و قبله همه، کعبه است... مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدّن عظیم و با شکوه و سابقه‌دار، شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدّن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی به خوبی می‌تواند از آنها ملّت واحد بسازد و قدرتی عظیم به‌وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نصّ صریح قرآن و روایات می‌توان عوامل و محورهای اتّحاد در بین امّت اسلامی را این‌گونه بیان نمود:

۱ ـ توحید

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل همبستگی در جوامع اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیّت و یگانگی خداوند است. توحید و توجه به پروردگار یگانه، شرک دینی را که پرستش غیر خداست از بین می‌برد، چنان که شرک اجتماعی که حکومت غیرخدا و تبعیّت از غیرخداست نیز به وسیله یکتاپرستی از بین می‌رود.

طبق جهان‌بینی شریعت اسلام، جهان بر اساس توحید و وحدت است و خدا آفریدگار همه و نسبت همه موجودات به او یکسان است.[۱] فقط او باید پرستش شود[۲] و اوست که فرمانروا و مولای علی الاطلاق تمام مخلوقات است. او آفریدگار همگی است، هیچ گروه و فردی به جز او حق ندارد که بر دیگران سیادت و حکمرانی داشته باشد، «کسانی که غیراین روش را برگزینند تجاوزگرند».[۳]

---

۱. آل‌عمران: ۶۴ و ۸۰؛ توبه: ۳۱.

۲. اسراء: ۳۳؛ بقره: ۱۸۶؛ مائده: ۴۸.

۳. مؤمنون: ۷.

همه مسلمانان بـه اصـل تـوحید عـقیده دارنـد و اصـل تـوحید امـری فـطری است. ایمان به خداوند است که قلب‌های مؤمنان را باهم مهربان و همسو می‌کند که گویا همه آنان روح واحد دارند.

قرآن کریم از اصل توحید به عنوان عامل مهم وحدت همه ادیان یاد نموده است.(۱) و نیز در این صحیفه بزرگ آسمانی توحید به عنوان عامل وحدت «امّت واحده» ذکر شده است.(۲)

همچنین قرآن مرزهای جغرافیایی، نژادی و... را لغو نموده و تنها ایمان به خداوند را به عنوان مرز عقیدتی بیان نموده است:

﴿انّما المؤمنون اخوه﴾.(۳)

در برخی روایات، مؤمنان همانند نفس و جسم واحد بیان شده‌اند که ایمان به خدا جان و روح همه آنان است. چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«مؤمنان هم چون یک روحند».(۴)

امام علی علیه السلام از اصل توحید به عنوان محوری‌ترین عامل وحـدت یـاد نـموده و در نکوهش آن عده از دانشمندانی که خدای واحد، کتاب واحد و پیامبر واحد دارند و با وجود آن اختلاف دارند، می‌فرماید:

«الههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد...».(۵)

و این در حالی است که خدا و پیامبر و کتاب‌شان یکی است...؛ بنابراین، یکتاپرستی، تمام یکتاپرستان را در یک رابطه، متّحد می‌کند به طوری که همه افراد به واسطه آن رابطه که قبول

---

۱. ر.ک: آل‌عمران: ۶۳.

۲. ر.ک: انبیاء: ۹۲. «انّ هذه امتکم امّة واحدة و انا ربکم فاعبدون».

۳. حجرات: ۱۰.

۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۳: «المؤمنون کالنفس الواحدة».

۵. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۹۰.

بندگی خدای واحد است، در جمیع حقوق و تعهّدات با هم برابرند و نیز تنها در مقابل فرمان خداوند تسلیم می‌شوند و او را حاکم علی الاطلاق می‌دانند و او وسیله‌ای است که همگی را به هم پیوند می‌دهد.

امام خمینی‌ﷺ، منادی وحدت امّت اسلامی، همواره همه اقشار جامعه اعم از شیعه و سنّی، از کرد، لر، ترک، بلوچ و فارس و عشایر با قومیّت‌های مختلف را به وحدت کلمه زیر پرچم توحید فرا می‌خواندند، و همین یکی از عوامل و راز و رمز بزرگ پیروزی انقلاب، و عبور از موانع و دست‌اندازها در مسیر تداوم انقلاب بود، و موجب حلّ بسیاری از مشکلات سیاسی، نظامی و فرهنگی شده، و نتایج درخشانی از آن عاید گردید. امام خمینی، این مطلب را چنین تبیین می‌کردند که:

«مسلمانان در مذاهب گوناگون، دشمنان مشترک دارند، آنان در عین آزادی عقیده و بیان و آزادی انتخاب مذهب براساس عقل و منطق، همه در زیر پرچم توحید و رسالت محمّدﷺ هم عقیده‌اند، و آیین مقدّس السلام در جهان دشمنان بسیار دارد، مسلمانان باید برای حفظ اسلام و دست‌آوردهای آن، در برابر دشمنان، در یک صف باشند و با اتّحاد و انسجام مکتبی، از کیان و عظمت خود نگهبانی کنند، پر واضح است که اگر آنها در داخل جمعیّت خود به صورت گروه‌های پراکنده در آیند، دشمن استعمارگر از تفرقه آنها سوء استفاده کرده، و به آنها آسیب شدید می‌رساند، به عنوان مثال اگر مسلمانان در برابر اسرائیل که دشمن شناخته شده و خونخوار اسلام و مسلمین است، یک پارچه و متّحد باشند، هرگز این مولود نامشروع امریکا نمی‌تواند به غصب و تجاوز خود ادامه دهد».[1]

---

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲ و ۴۶.

۲ ـ ابعاد جهانی دین اسلام

جهانی مشمول دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم و نژاد یا منطقه خاصّی، از ضروریّات این آیین الهی است و حتّی کسانی هم که ایمان به آن ندارند می‌دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده و محدود به منطقه جغرافیایی خاصّی نبوده است. افزون براین، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبائل مختلف عرب و... نامه نوشتند و پیک ویژه بسوی آنان گسیل داشتند و همگان را به اسلام دعوت کرده از پیامدهای وخیم کفر و استنکاف از پذیرفتن اسلام، برحذر داشتند. اگر دین اسلام، جهانی نبود چنین دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت و سائر اقوام و امّت‌ها نیز عذری برای عدم پذیرش ارائه می‌کردند.

قرآن کریم نیز در آیات زیادی همه انسان‌ها را به عنوان «**یا ایها الناس**»[۱] و «**یا بنی آدم**»[۲] موردخطاب قرار داده وهدایت خود را شامل همه انسان‌ها (**الناس**[۳] **و العالمین**[۴])؛ بنابراین، شریعت اسلام به عنوان مجموعه قوانین الهی که برای هدایت بشریّت از سوی خداوند بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نازل شده، یکی از عوامل مهم وحدت امّت اسلامی است. پرسش که در این‌جا مطرح می‌شود این است که اصولاً دین اسلام چگونه مایه وحدت و همبستگی است؟ سه احتمال قابل بررسی است:

الف) آن که دین همه را به همگرایی فراخوانده و بهره‌گیری از دستورات دین عامل وحدت جامعه است.

---

۱ . ر.ک: بقره: ۲۱ ؛ نساء: ۱۷۴ ؛ فاطر: ۱۵ .

۲ . ر.ک: اعراف: ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۵ ؛ یس: ۶۰ .

۳ . ر.ک: بقره: ۱۸۵ و ۱۸۷ ؛ آل‌عمران: ۱۳۸ ؛ ابراهیم: ۱ و ۵۲ ؛ جاثیه: ۲۰ ؛ زمر: ۴۱ ؛ کهف: ۵۴ ؛ حشر: ۲۱ .

۴ . ر.ک: انعام: ۹۰ ؛ یوسف: ۱۰۴ ؛ ص: ۸۷ ؛ تکویر: ۲۷ ؛ قلم: ۵۲ .

ب) آن‌که هرگاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدّسات آن را زیر سؤال بردند، مسلمانان متّحد شده و از آن دفاع و پاسداری می‌کنند.

ج) آن‌که دین واحد عامل وحدت است. بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت است. اسلام همگان را برادر خوانده است. امام علی علیه‌السلام فرمود:

«واقعیت جز این نیست که همگی شما براساس دین خدا برادرید».[۱]

از سوی دیگر هرگاه دشمنان اسلام در برابر اسلام ایستادند، مسلمانان در برابر تمام دنیای آنها ایستادند. گرچه مسلمانان از برخی احکام اسلام برداشت‌های متفاوت کرده و می‌کنند، ولی اصل دین به عنوان اصل مشترک بین همه مسلمانان بوده و محور اصلی وحدت جامعه اسلامی است.

در قرآن کریم نیز دین به عنوان عاملی اصلی وحدت بیان شده است:

﴿**واعتصموا بحبل اللّه...**﴾.

در این آیه شریفه، خداوند مسلمانان را با جوهره عقیده اسلام که یگانگی در راه خداست فرا می‌خواند و اعتصام به «**حبل اللّه**» و چنگ زدن به ریسمان خدا را وسیله این یگانگی دانسته است.

به سخن نویسنده تفسیر «**المنار**»،[۲] «**واعتصموا بحبل اللّه...**» استعاره تمثیلی است؛ زیرا حالت و موقعیّت مسلمانان در تمسّک به کتاب اللّه و یا در متّحد بودنشان نسبت به یکدیگر، تشبیه به حالت چنگ زدن کسی که از مکان بلند، به ریسمان محکم که در آن امنیّت است واز سقوط وی جلوگیری می‌کند، چنگ زده‌است. درواقع کسی که به «**کتاب اللّه**» چنگ بزند، «**کان آخذاً بالاسلام**» است. در تفسیر این آیه شریفه مراد از حبل اللّه چیست؟ در برخی از

---

۱ . همان.

۲ . شیخ محمد عبده، تفسیر المنار، گردآورنده: سید محمد رشید رضا، ج ۴ ، ص ۲۰ ، دارالمعرفة، بیروت.

تفاسیر، مانند مجمع البیان،[۱] التبیان[۲] و روح البیان[۳] آمده است که همانا مقصود از «**حبل اللّه**» دین اسلام است. همچنین جلال الدین سیوطی، نوشته است[۴] منظور از «**حبل اللّه**» اسلام است و در ذیل «**...اذکنتم اعداء...**» نوشته است که شما به طوری دشمن هم بودید که «**یقتل بعضکم بعضاً و یأکل شدیدکم ضعیفکم**»، تا که خدای بزرگ، اسلام را برای شما آورد و به وسیله آن «**الّف بینکم**» و شما برادر یکدیگر قرار داد.

همچنین در قرآن کریم آمده است که شما مسلمانان مانند مشرکان نباشید که آنها در دین‌شان اختلاف کردند.[۵]

در تفسیر نمونه آمده است:

«مذهب همیشه عامل وحدت و یک‌پارچگی در محیط خود بوده و همان‌گونه که در مورد اسلام و قبائل حجازی و حتی اقوام خارج از جزیرة العرب تحقّق یافت و به اختلافات پایان داده و امّت واحد ساخت».[۶]

امام علی علیه‌السلام نیز یکی از عوامل همبستگی را دین می‌دانست: «**أدین یجمعکم**»؛[۷] آیا دینی ندارید تا محور اتحاد شود؟

نقش دین اسلام در ایجاد وحدت و برادری، و نقش وحدت و برادری در پیشبرد اهداف به قدری برای دشمنان و استعمارگران، مهم و گران بود، که برای نفوذ خود به کشورهای اسلامی

---

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲. ر.ک: التبیان، ج ۲، ص ۵۴۵ ـ ۵۴۶.

۳. روح البیان، ج ۲، ص ۷۲.

۴. جلال الدین سیوطی، در المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت، ج ۲، ص ۶۱.

۵. روم: ۳۲ «و لاتکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم و کانواد شیعاً».

۶. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۸۲.

۷. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۹۰.

بیشترین سعی خود را برای ایجاد تفرقه نمودند، و با تز «تفرقه بینداز و حکومت کن» وارد میدان شدند، و در این راستا خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اسلام و مسلمانان وارد ساختند؛ زیرا آنها راز و رمز پیروزی‌های چشم‌گیر مسلمانان در ابعاد گوناگون را همان فشردگی و انضباط و همبستگی آنها می‌دانستند.

به گفته «جان دیون پورت»، دانشمند معروف انگلیسی:

«... محمّد یک نفر ساده، در پرتو اتّحاد قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه، کشور خودش را به یک جامعه فشرده و با انضباط تبدیل نمود، و در میان ملل روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرّفی کرد، و در کمتر از سی سال با این روش، امپراطور قسطنطنیّه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد. سوریّه و بین‌النهرین و مصر را تسخیر کرد، و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود جیحون گسترش داد...».[1]

بنابراین، اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم قادر است حجابها و مرزهای اقلیمی، علایق ملّی، منافع فردی و وابستگی‌های فکری و فرهنگی را به کنار بنهد و بدون تعلّق به فرهنگ، نژاد و زبان ویژه‌ای، «امّت» را در کانون واحدی گرد آورد.

آری؛ نعمت دین اسلام به عنوان بزرگ‌ترین نعمت خداوند متعال برای همه مسلمانان بوده و این نعمت الهی از آن یک فرقه نیست و هیچ فرقه‌ای این حق رات ندارد که بگوید اسلام فقط از آن ماست و دیگر فرق، مسلمان نیستند! اهل سنت و اهل تشیّع که بزرگ‌ترین فرق اسلامی در جهان است، هیچ‌گاه نباید ادعا کنند که اسلام از آن ماست و دیگر فرق مسلمان نیستند. اسلام دین همه کسانی است که خود را مسلمان می‌دانند، ضروریّات دینی را قبول دارند و معتقدات اجماعی، اتفّاقی و منصوص را انکار نمی‌کنند. گستره اسلام وسیع و همه فرق اسلامی را در بر می‌گیرند.

---

۱. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمّد و قرآن، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، ص ۷۷.

۳ ـ قرآن کریم

قرآن کریم، نور هدایت، مایه نجات آدمی و معجزه جاوید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، یکی از عوامل مهم همبستگی و وحدت اسلامی است. گرچه برخی از مسلمانان در تفسیر برخی از آیات اختلاف نظر داشته و برداشت‌های متفاوت دارند؛ امّا، اصل وجود قرآن به عنوان کتاب واحد، مورد قبول و اتّفاق همگان بوده و عامل مهم همبستگی آنان است. هرگاه قرآن و معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، همه مسلمانان با جان و مال از آن دفاع و پاسداری می‌کنند. از سوی دیگر قرآن همه مسلمانان را به همگرایی فرا خوانده است که این دعوت نقش بنیادی در همبستگی و وحدت‌گرایی دارد. در قرآن نیز از این کتاب الهی به عنوان عامل وحدت یاد شده است. چنان که در برخی از تفاسیر، مانند «روح المعانی»[۱]، «تفسیر ابن‌کثیر»[۲]، «المیزان»[۳] و «تفسیر الکبیر»[۴]، مقصود ار «**حبل اللّه**» در آیه «**واعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لاتفرّقوا**» به قرآن تفسیر شده است که این آیه صریحاً چنگ زدن به قرآن را عامل وحدت دانسته است. بر همین اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از قرآن و عترت به عنوان دو امانت گرانسنگ یاد کرد.[۵] بنابراین، کتاب خدا، که بیان خالق انسان‌هاست، می‌تواند محکم‌ترین ریسمان وحدت در جوامع بشری به شمار آید.

۴ ـ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

یکی از عوامل اتّحاد امّت اسلامی، وجود مقدّس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. نقش پیامبر در ایجاد وحدت از این جهت قابل بررسی است: نخست آن که آن حضرت فرستاده خداوند بوده

---

۱ . ر.ک: تفسیر روح المعانی، ج ۴ ، ص ۱۸ .

۲ . تفسیر ابن‌کثیر، ج ۸ ، ص ۳۹۷ .

۳ . تفسیر المیزان، ج ۳ ، ص ۱۲۷ .

۴ . ر.ک: تفسیر الکبیر، ج ۸ ، ص ۱۶۷ .

۵ . ر.ک: مسند احمد، ج ۱ ، ص ۱۴ و ۱۷؛ الجامع الصغیر، ص ۱۷ ؛ فضائل قرآن دارمی، ص ۴۳۱ .

و تا قیامت پیامبر همه انسان‌هاست.[۱] همچنین قرآن در آیات دیگر رسالت آن حضرت را برای همه انسان‌ها (**الناس**[۲] **و العالمین**[۳]) ثابت کرده، و در آیه‌ای شمول دعوت وی را نسبت به هر کسی که از آن، آگاه شود مورد تأکید قرار داده است.[۴] از این جهت او به عنوان پیامبر واحد، مورد قبول همگان است. در صدر اسلام مسلمانان مانند پروانه دور شمع وجودی آن حضرت می‌گشتند و وجود پیامبرﷺ مسلمانان را مانند دانه‌های تسبیح به هم پیوند می‌داد. مسلمانان صدر اسلام آن چنان پیامبر را دوست می‌داشتند که در جنگ‌ها برای حفظ جان آن حضرت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

دشمنان اسلام از وجود پیامبرﷺ به عنوان مهره اتّحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند؛ از این‌رو در جنگ اُحد برای ایجاد اختلاف، شایعه کردند که پیامبرﷺ کشته شده است. در عصر حاضر نیز اهانت سلمان رشدی مرتّد به ساحت مقدّس پیامبر اسلامﷺ، نشان داد که مسلمانان نمی‌توانند اهانت به او را تحمل کنند.

دوم آن که پیامبر اسلامﷺ علاوه برآن که رسول خداست، رهبر جهان اسلام نیز می‌باشد. بی‌گمان رهبر نقش بنیادی در وحدت دارد.

علامه طبرسیؒ در ذیل آیه: «**واعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرقوا...**» می‌نویسد: مقصود از «**حبل اللّه**» پیامبر اسلام است.[۵] امام علیؑ در هنگام درگیری با اهل شام، از اختلافات بین مسلمانان اظهار نگرانی نموده و از پیامبر واحد و خداوند واحد به‌عنوان محورهای همبستگی یاد نموده است:

---

۱. احزاب: ۴.

۲. ر.ک: نساء: ۷۹؛ حج: ۴۹؛ سبأ: ۲۸.

۳. ر.ک: انبیاء: ۱۰۷؛ فرقان: ۱.

۴. ر.ک: انعام: ۱۹.

۵. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۷۵.

«و کان بدء امرنا أنا التقینا و القوم من اهل الشام و الظاهر ان ربنا واحد و نبیّنا واحد و دعوتنا فی الاسلام واحد».[۱]

جریان کار ما با درگیری با گروهی از اهل شام آغاز شد، در حالی که به ظاهر پروردگار ما، پیامبر ما و دعوت اسلامی ما یکی بود. و نیز آن حضرت فرمود:

«امّا همین که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رحلت نمود، مسلمانان به کشمکش پرداختند».[۲]

از سخنان گوهربار آن حضرت این نکته استفاده می‌شود که مسلمانان با داشتن محورهای اتّحاد مانند وجود پیامبر و دین واحد نباید اختلاف داشته باشند. از سوی دیگر مسلمانان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اختلاف پیدا کردند و در زمان حیات او مسلمانان متّحد بودند.

۵ ـ مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه

یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی، همبستگی نیروهای مسلمان بر محور دستورهای الهی است. اسلام برای رسیدن به این عنصر حیاتی، در جوهر خود همه امتیازهای موهوم را نفی کرده و یگانه ملاک برتری در این شریعت، کرامتی است که به تقوا[۳] به دست می‌آید. با این حال، وحدت، از یک سو به اسباب و عواملی نیاز دارد تا هرچه بیشتر پایدار شود و از سوی دیگر، نیازمند آن است که در مکانی ظهور یابد. تا از این راه، دسیسه‌های دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی به ناامیدی گراید. برای رسیدن به این هدف، «مسجد» در جامعه اسلامی نقش اساسی دارد. در هر جامعه‌ای امتیازهای موهوم و فخر فروشی‌های پوچ به گونه‌ای مطرح است. چنان چه با این گرایش‌ها از ریشه مبارزه نشود، بیم آن می‌رود که ارزش‌های واهی و غیرالهی در چهره ارزش‌های پسندیده جلوه گر شوند و نظام ارزشی جامعه را دگرگون کنند. مسجد، از این

---

۱. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۹.

۲. همان.

۳. حجرات: ۱۳.

نظر،کانونی است بس مهم برای اجتماع مسلمانان و اتّحاد و یک‌پارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی. بر پایه چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از نمازگزازان و حتّی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیب کند، نهی می‌نماید.(۱) آن حضرت نیز نه تنها در چنین مسجدی حضور نیافتند، بلکه جمعی را فرمان دادند تا آن را به آتش کشند و حتّی بنابر نقلی، زمین آن مسجد به مزبله دان تبدیل شد.(۲) شواهدی نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقرّرات نماز جماعت، هم چون تأکید بر منظّم بودن صف‌ها و اتّصال شانه‌های نمازگزاران، نهی از این‌که نمازگزار تنها در یک صفّ بایستد(۳) و... بدین منظور تشریع شده تا هم وحدت و هماهنگی مسلمانان بیشتر شود و هم بهتر به نمایش گذاشته شود.

بناء مسجد در اسلام برای اوّلین بار در محلّه «قباء» در نزدیکی مدینه برپا شد. بنایی که بسیار ساده بود و در مدتی اندک، جایگاه عبادت مسلمانان به امامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شده بود. آن حضرت بعد از آن به طرف مدینه حرکت نمودند و جایی راکه شتر نشست و سپس برخاست و در مرحله دوم به آنجا برگشت و آرام گرفت، با اذن صاحبش، محلّ ساختمان مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم قرار دادند.

در مقابل مسجدی که حقیقتاً خانه خدا بوده و معیارهای خدائی بر آن حاکم بوده است، مسجد دیگری ساخته شد که انگیزه آن خدائی نبود. حسادت‌های قومی و برتری‌جوئی‌های خانوادگی، زمینه رشد افکار ضدّ اسلامی را فراهم ساخته و نمادی به عنوان «مسجد ضرار» را در دارالاسلام پدید آورد.

دوازده منافق حسود با انگیزه زیان رساندن به مسلمانان وگسستن وحدت آنان مسجدی را برای مقابله با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بناء نهادند که بیشتر به کانون توطئه و فساد شباهت داشت،

---

۱. توبه: ۱۰۸.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۱۰.

۳. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۳، باب ۳۵ از ابواب احکام المساجد، روایات ۱ و ۳ و ج ۵، ص ۴۶۰ و ۴۷۱، باب ۵۸ و ۷۰ از ابواب صلاة الجماعة.

آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستند تا با خواندن نماز، مسجد را افتتاح کند. پیامبر صلی الله علیه و آله درصدد اجابت خواسته آنان برآمد. قرآن کریم تمام مقاصد تشکیل‌دهندگان و بانیان مسجد ضرار را در سوره توبه بیان می‌فرماید:

«گروهی دیگر از آنها کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می‌کنند که ما جز نیکی (و خدمت) قصدی نداریم، امّا خداوند بر دروغگویی ایشان گواهی می‌دهد».(۱)

به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد ضرار سوزانده، خراب و به زباله‌دانی تبدیل شد. چهار مقصد بهم پیوسته و بنیان کن، مسجد ضرار، کفر، تفرقه و ستیزه‌جویی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام جوان را تهدید می‌نمود و سنگر مبارزه با اسلام «مسجد» قرار گرفت؛ یعنی مسجد علیه مسجد، اسلام علیه اسلام. مذهب علیه مذهب، با نام اسلام و مسجد به جنگ اسلام رفتن از اینجا آغاز گردید.

خطر را زمانی می‌توان درک کرد که به این نکته توجّه شود؛ اسلام، تازه جوانه زده بود و کمتر مسلمانی از حقیقت آن، آن طور که باید آگاهی داشت، یعنی جهل نهفته و خفته در دارالاسلام که با این درگیری‌ها می‌توانست بیدار شود و هستی مسلمانان را بسوزاند، خطر عمده‌ای بوده است. اینجاست که وحی خداوندی، ناجی امّت اسلام گردید. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«در مسجد ضرار هرگز نمازی اقامه نکن؛ زیرا، در آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوی بناء شده، شایسته‌تر است که در آن قیام (و عبادت) کنی، در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد».(۲)

---

۱. توبه: ۱۰۷.

۲. توبه: ۱۰۹.

مسجد، میدان بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمان است. مسلمانان در هر شهری که به وسیله سپاهیان فتح می‌شد، مسجدی می‌ساختند. هدف این نبود که مساجد فقط مکان عبادت باشد، بلکه منظور این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدّن و تکوین افکار اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم هم به‌شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکان جدیدی مهاجرت می‌کردند، مسجدی بنا می‌نهادند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد.

مارسل بوازار اسلام‌شناس سویسی درباره نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد:

«مسجد، عامل نیرومندی در اتّحاد مسلمانان جهان است و اهمیّت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت، به‌ویژه در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگر بار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امّت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه جویان در آمده است، به تدریج مساجد موقعیت سالهای نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».[۱]

حضور در مساجد از هر حیث قابل توجّه است و اثر فراوانی در وحدت مسلمانان دارد. اصولاً شخص در میان جمعیّتی که هدف مشترک دارند، قدرتی احساس می‌کند که در حال انفراد فاقد آن است. گذشته از این، اجتماع در مکان مقدّسی همچون مسجد، اضطراب و نگرانی را از بین می‌برد و افراد را در جهت رسیدن به اهداف خویش برای مبادرت به هر اقدامی آماده می‌سازد و نیز چون هدف مشترک دارند بر اثر این که دوست و برادر یکدیگرند این احساس در آنان به وجود می‌آید که شکست ناپذیرند. این احساس به سرعت سایر افراد اجتماع را نیز فرا می‌گیرد و در نتیجه تمام افراد اجتماع به جانب هدف خویش گام بر می‌دارند این احساس به سرعت سایر افراد اجتماع را نیز فرا می‌گیرد و در نتیجه تمام افراد اجتماع به جانب هدف

---

۱. اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

خویش گام بر می‌دارند و به مقصد می‌رسند و از این رو، در شریعت اسلام دستور داده شده که مردم به مسجد بروند و نمازهای خود را در مسجد بجای آورند.

حضور همه روزه مؤمنان از گروه‌های گوناگون جامعه با پست‌ها و موقعیّت‌های اجتماعی متفاوت در مسجد، زنده نگه داشتن شعائر الهی است؛ چنان که ائمّه اطهار علیهم‌السلام تأکید و تشویق فوق‌العاده‌ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده‌اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرامی داشتن آیین دینی، نشانه دینداری و پای‌بندی به مقدّسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می‌شود که از آن دسته است مسجد و روزه‌داری و روزهای ویژه‌ای مانند عیدها و جز آن که امام خمینی قدس‌سره آنها را «**یوم الله**» می‌خواندند: امام خمینی قدس‌سره کرامت و برتری این اماکن را این‌گونه بیان می‌نمودند:

«در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت‌المقدس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن، مسجد محلّه و بعد مسجد بازار است».[۱]

مسجد به فرموده پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله خانه خدا،[۲] انوار الهی،[۳] جایگاه پیامبران[۴] و نیز بوستان بهشتی شمرده شده است، بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم نشان دهنده پرهیزگاری است:

﴿و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب﴾.[۵]

---

۱. امام خمینی، رسالة توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۴. همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۵. حج: ۳۲.

و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست. بر همین اساس، در قرآن کریم از جلوگیری کردن از یاد خدا در مسجد، تعبیر به ظلم شده است:

﴿ومَن اَظلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَن یُذکَرَ فیهَا اسمُهُ وسَعیٰ فی خَرابِها...﴾.(۱)

چه کسی ظالم‌تر و ستم‌کارتر از آن که از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن تلاش کند.

«در قرون اخیر، تخریب مسجد و ساختمان‌های توحیدی بنا شده بر قبور ائمّه اطهار علیهم‌السلام در «بقیع» توسط وهّابیان و تخریب مسجد «بابری» در هند، [جنایات درد منشانه اسرائیل غاصب در تخریب قبله اوّل مسلمانان (مسجد الاقصی)]، نمونه هایی از ظلم به مسجد بوده‌اند. ظلم به مسجد، هم شامل ظلم به خود مسجد و هم مؤمنان نمازگزار در آن است که جلوگیری از ورود به مسجد برای برپایی شعائر اسلامی و گفتن ذکر و یاد خدا، از مصادیق بارز ظلم به مسجد و مؤمنان است».(۲)

علاوه براین که احترام به مسجد نشان از تقواست و باز داشتن از ذکر خدا ستم‌گری شمرده شده اگر کسی به مسجد احترام هم نکند، یعنی عملی که حاکی از سبک شمردن مسجد باشد، از او صادر شود، ملعون است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«**ملعون، ملعون، من لم یوقّر المسجد**».(۳)

مورد نفرین خداست کسی که به مسجد احترام نگذارد. به همین دلیل، فقهای عظام در فقه، قاعده‌ای تحت عنوان «**حرمة اهانة المحّرمات فی الدین**» مطرح کرده‌اند. براساس این

---

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. فرهنگ مسجد، ص ۱۸۳ ـ ۱۸۴.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲.

قاعده،که مفاد آن مورد اتّفاق همگان است، هتک، اهانت و تحقیر آن چه در دین اسلام دارای حرمت است، جائز نیست و مسجد مسلمانان از مواردی است که رعایت احترام آن لازم شمرده شده است.

و نیز برخی از علما اهانت به مسجد و هتک احترام آن را از گناهان کبیره دانسته‌اند؛ زیرا مکانی که شعائر الهی و از محرّمات دینی محسوب می‌شود، احترام و حرمت آن واجب است.

درکتاب «گناهان کبیره» تحت عنوان «هتک مساجد» آمده است: هر مکانی که به وسیله مسلمانان و به نام مسجد بنا شود، شیعه باشد یا از سایر فرق اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن یا آلوده ساختن آن به نجاست، گناه کبیره است. مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد. «**و ان المساجد للّه**»[۱] و اهانت به آن اهانت به خداست. علاوه براین، بزرگی هتک مسجد نزد هر دینداری بدیهی و ارتکازی است[۲] براین اساس، حضور مؤمنان در مساجد برای انجام فرایض دینی، مانند اقامه نماز جماعت و جمعه از مصادیق تعظیم و بزرگداشت مساجد است؛ زیرا مؤمنان با نیّت‌های پاک فقط برای عبادت و اجرای دستورات الهی در آن مکان مقدس گرد هم می‌آیند؛ مؤمنان در آنجا جز تزکیّه نفوس و جلب رضایت خداوند و وحدت کلمه منظور دیگری ندارد.

نماز خواندن، به ویژه اقامه نماز جماعت در مسجد بسیار فضیلت دارد و بر آن تأکید بیشتری شده است. در آیات متعددی سفارش به اقامه نماز جماعت، به خصوص در مسجد، شده است:

﴿وآقیموا الصَّلوٰةَ وءاتوا الزَّکوٰةَ وارکَعوا مَعَ الرّٰکِعین﴾.[۳]

نماز را بپا دارید زکات را اداکنید، و (عبادت دست جمعی را فراموش ننمائید) با رکوع کنندگان، رکوع نمائید.

---

۱. جن: ۱۸.

۲. شهید محراب آیت الله شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. بقره: ۴۳.

﴿...واسجُدی وارکَعی مَعَ الرّ ٰکِعینَ﴾.[۱]

«... و سجده بجا آور؛ و با رکوع کنندگان، رکوع کن».

﴿...واَقیموا وُجوهَکُم عِندَ کُلِّ مَسجِدٍ...﴾.[۲]

«... و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید...».

مفسران در تفسیر این آیات، نظرات گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ از جمله آن‌که این آیات به اقامه نماز جماعت، به ویژه در مسجد، اشاره دارد.[۳] در منابع روایی نیز تأکید فراوانی بر اقامه نماز جماعت در مسجد شده است. از اوّلین کارهای تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از ظهور اسلام، اقامه نماز جماعت در مسجد الحرام بود.

امام صادق علیه السلام درباره اولین نماز جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه علی علیه السلام مشغول اقامه نماز جماعت بودند. در این هنگام، حضرت ابوطالب همراه فرزندش جعفر از آنجا عبور می‌کردند. ابوطالب به جعفر فرمود: در کنار پسر عمویت نماز بخوان. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجّه شد که آن دو مسلمان شده‌اند و ابوطالب از این قضیه خوشحال شد».[۴]

اقامه نمار جماعت به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش در مسجد الحرام، نوعی اعلان ظهور و نزول دین مبین اسلام بود و همین عمل موجب می‌شد که مردم مکّه و یا مسافران به‌اسلام راغب گشته، مسلمان شوند.[۵]

---

۱. آل‌عمران: ۴۳.

۲. اعراف: ۲۹.

۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۹۰ و ج ۲، ص ۲۹۱ و ج ۴، ص ۲۴۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۳.

۴. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳.

۵. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۹۷ ـ ۹۸.

امام رضاعليه‌السلام درباره فلسفه تشریع نماز جماعت می‌فرمایند:

«اگر از شما سؤال شود چرا نماز جماعت در اسلام قرار داده شده است، بگویید؛ برای این که اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند، ظاهر و مشهود باشد. در این اظهار کردن، حجّت و دلیل خداوند بر شرق و غرب عالم تمام می‌شود، و موجب می‌گردد که منافق و کسی که عبادات را خفیف می‌شمارد از دیگر مؤمنان شناسایی گردد، و مؤمنان بتوانند بر اسلام یکدیگر شهادت دهند و موجب می‌شود که نمازگزاران در کارهای نیک و کسب تقوا، همدیگر را یاری کنند و از ارتکاب بسیاری از گناهان، رویگردان شوند».[۱]

در روایات متعددی سفارش شده است: نمازهای یومیّه، به ویژه نماز مغرب و عشاء و صبح را به جماعت در مسجد اقامه کنید و بر آنها محافظت نمایید و نمی‌توان بدون عذر آنها را ترک کرد.[۲] تأکید بیشتر بر کسانی است که همسایه مسجدند و یا صدای اذان مسجد را می‌شنوند. در روایتی از امام علی‌عليه‌السلام نقل شده که فرمودند:

«...لَیَحضُرَنَّ مَعَنا صَلاتَنا جَماعَة أو لَتِحوِلنَّ عَنّا وَ لایُجاورنُا وَ لانُجاورُهِم».[۳]

امام در جواب عدّه‌ای که گفتند: عدّه‌ای از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، فرمود: باید در نماز جماعت ما حضور یابند، یا این که از ما دوری گزینند و همسایه ما نشوند و ما هم همسایه آنها نشویم.

---

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴، باب فضل الجماعة؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۷۰، ابواب صلاة الجماعة ؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۱۳۸، باب ما جاء فی فضل الجماعة.

۲. همان.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۷۹.

در برخی از روایات آمده است:

«هر کس مسجدی در نزدیک خانه‌اش باشد و در آنجا نمازش را بجا نیاورد، نماز کامل بجا نیاورده است».[۱]

در روایتی آمده است:

«**اذا سئلت عمن لا یشهد الجماعه، فقل: لا اعرفه**».[۲]

اگر درباره کسی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کند، سؤال کردند در پاسخ بگو که او را نمی‌شناسم.

در روایتی به این مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«نزدیک است دستور دهم خانه‌های افرادی که به مسجد نمی‌آیند، آتش زده شود».[۳]

در برخی روایات کسانی که بعد از شنیدن اذان بدون عذر از مسجد خارج می‌شوند «منافق» خوانده شده‌اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله جهت حفظ انسجام و همبستگی و اجتناب از هرگونه تفرقه و پراکندگی فرمود:

«**مَنْ سَمِعَ النّداءَ فِی المَسْجِدِ فَخَرجَ مِنْ غَیرِ عِلّة فَهُوَ مُنافِق الاّ أنْ یُریدَ الرُّجوع الَیْهِ**».[۴]

کسی که در مسجد صدای اذان را بشنود و بدون علت از مسجد خارج شود منافق است، جز این که قصد برگشت به مسجد را داشته باشد.

نماز خواندن در مسجد و آن هم به جماعت بسیار فضیلت دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۳، ابواب احکام المساجد.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴. همان، ص ۴۸۱.

فرمودند:

«اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، برای هر رکعت از نماز آنها ثواب ۱۵۰ نماز و اگر دو نفر به امام جماعت اقتدا کنند برای هر رکعت از نماز آنها، ثواب ۶۰۰ نماز است و همین طور فرمودند تا رسیدند به این که اگر تعداد مأمومین از ۱۰ نفر بگذرد، اگر تمام هفت آسمان، صفحه کاغذ شوند و تمام درختان قلم و دریاها مرکّب و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند».(۱)

در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده است:

«هفت گروه هستند که خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه رحمت او وجود ندارد، آنان را زیر سایه رحمت خویش قرار می‌دهد که از جمله آنان است شخصی که از مسجد خارج شود و دلش به مسجد وابسته باشد تا وقتی که دو مرتبه به آنجا برگردد».(۲)

کسانی که در نماز جماعت شرکت می‌کنند در یک اجتماع الهی در صفوف منظّم به نماز می‌ایستند و یک نفر از ایشان به عنوان امام در مقابل آنان به نیابت از همه حمد و سوره را قرائت می‌کند و سایر مأمومین سکوت می‌کنند، گویی همگی یک روح هستند که به کالبدهای متعدّد تعلّق گرفته است. امام جماعت از جانب همه مأمومین با خدا راز و نیاز می‌کند و با الفاظ جمع، یعنی با الفاظی که مربوط به همه مسلمانان است، خدا را پرستش می‌کند.

در هر شبانه روز چند نوبت مؤمنان هر محل در خانه خدا اجتماع می‌کنند و در صفوف نماز جماعت متشکّل به نیایش خدای یکتا می‌پردازند. مستحب است که صفوف نماز جماعت منظم باشد و اتصال داشته باشد. اَنس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

---

۱ . توضیح المسائل حضرت امام قدس سره، م ۱۴۰۰ .

۲ . وسائل الشیعة، کتاب الصلاة، مکان المصلی و ابواب المساجد، ص ۳۰۳ .

«صفهای نمازتان را مرتب کنید که به آن، نماز کامل می‌شود».[۱]

و نیز از آن حضرت روایت شده است:

«خدا و فرشتگان درود می‌فرستند بر کسانی که بدن‌هایشان در صفوف به یکدیگر متّصل است و کسی که فاصله را پر کند، به‌طوری که بدنش به بدن دیگری اتصال یابد، خداوند مقامش را در یک درجه بالا می‌برد».[۲]

این دستورات برای آن است که وحدت و همبستگی در بین اقشار مختلف اجتماع به وجود آید و تشتّت و تفرقه از بین مسلمانان رخت بربندد. همچنین این مقرّرات بدان جهت است که همگی یک هدف و یک خواسته دارند و در غم و شادی یکدیگر شریکند و تمام طبقات از غنی، فقیر، فرمانروا، فرمانبر، کارگر، کار فرما، عالی مقام و افراد عادی یکسان و درکنار یکدیگرند و در آن فضای روحانی یک نوع وحدت و یکپارچگی به وجود می‌آید که با وحدت‌های بشری که بر پایه مادیّت استوار گردیده، هیچ گونه شباهتی ندارد؛ این اتّحاد بر مبنای برادری دینی و معنویت بنا شده که با شوائب مادیّت آلوده نگشته است، از این‌رو هیچ خللی در آن راه نمی‌یابد.

ائمه معصوم شیعه علیهم‌السلام، آن قدر به وحدت مسلمانان اهمیت می‌دادند که به پیروانشان دستور می‌دادند که با اهل‌سنت نماز جماعت بجا آورند. ابن سنان از امام صادق علیه‌السلام در حدیثی چنین روایت کرده است:

«از بیماران اهل‌سنت عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید، چه به نفع و چه به ضررشان گواهی دهید و با ایشان در مساجدشان نماز بخوانید...».[۳]

---

۱. سنن ابن‌ماجه، جزء اول، ص ۳۱۷.

۲. همان، ص ۳۱۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۸۲.

براین اساس، بزرگ معمار انقلاب که خود از منادیان وحدت مسلمانان بودند در اقدامی عملی از حجاج ایران می‌خواستند که برای از بین بردن هرگونه اختلاف پیش قدم باشند و از هرگونه عملی که بوی تفرقه از آن بیاید در مراسم حج خود داری نمایند و حتّی خواندن نماز در پشت سر امام غیر شیعی را بدون مُهر صحیح می‌دانستند و ترک مسجدالحرام را در هنگام بر پایی نماز جماعت ناپسند می‌شمردند.(۱)

نماز جمعه نیز در اسلام، فریضه‌ای مهم و عبادتی بزرگ به شمار می‌آید برای آن فضائل و آثار متعددی بیان شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اوّلین نماز جمعه را در محلّی نزدیک «قبا» به نام «وادی رانوناء» بجا آوردند و این اوّلین نماز جمعه‌ای بود که اقامه شد. محل نماز جمعه را مسجدی قرار دادند که در این محلّ واقع است و پس از ساخت مسجد در مدینه (مسجد النبی)، از آن پس نماز جمعه را در آن جا اقامه می‌کردند.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضیلت اقامه نماز جمعه در مسجد فرموده‌اند: زمانی که روز جمعه فرا می‌رسد، خداوند ملائکه را به مساجدی که در آن نماز جمعه اقامه می‌شود می‌فرستد، در حالی که با آنها قلم‌هایی از طلا و دفترهایی از نقره است و آنها بر در مساجد می‌ایستند و اسامی کسانی را که به مسجد می‌آیند، به ترتیب می‌نویسند. زمانی که تعداد آنها به هفتاد نفر برسد، می‌گویند: این افراد به اندازه آن هفتاد نفری اند که حضرت موسی علیه السلام از بین امّتش اختیار کرد. سپس در بین صفوف می‌گردند و از حال کسانی که در نمازهای قبل شرکت کرده و اکنون غایبند سؤال می‌کنند و می‌گویند: فلانی کجاست؟ گفته می‌شود: او مریض است. پس برایش دعا کرده، می‌گویند: خداوندا! او را شفا بده تا نماز جمعه را بپا دارد. دوباره می‌پرسند: فلانی کجاست ؟ گفته می‌شود: او به مسافرت رفته است. پس برایش دعا کرده، می‌گویند: خداوندا! او را سالم برگردان. او دوست و همراه نماز جمعه است. دوباره می‌پرسند: فلانی کجاست؟ او مرده است.

---

۱ . ر.ک: مناسک حج امام خمینی قدس سره.

۲ . سیرة النبی ابن‌کثیر دمشقی، ج ۲ ، ص ۳۴۳ .

پس برایش دعا می‌کنند و می‌گویند: خداوند! او را ببخش. او برپاکننده نماز جمعه بود.[۱]

فضیلت نماز جمعه تا بدان حدّ است که در روایات اسلامی از آن به حجّ «تهیدستان» تعبیر شده است؛ چنان‌که در روایت آمده است: بادیه نشینی به نام «قلیب»، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و اظهار داشت:

«**یا رسول‌الله! انّی تهیأت الی الحج کذا و کذا و مرة فما قدرّ لی**».

«ای پیامبر خدا! چند بار مهیّای تشرف به حجّ شدم؛ ولی توفیق نیافتم!».

حضرت فرمود:

«**یا قلیب! علیك بالجمعه، فانها حجّ المساکین**».[۲]

«ای قلیب! بر تو باد به شرکت در مراسم نماز جمعه، که آن حج تهیدستان است».

نماز جمعه افزون براین‌که تمام مزایای نماز جماعت را در بر دارد در هر هفته یک بار در سطح وسیع‌تری منعقد می‌شود که مثلاً اهالی یک شهر در یک مکان اجتماع می‌کنند و بدین وسیله در یک مرحله کامل‌تر اتّحاد و همبستگی‌شان را تقویت نموده، از اوضاع و اخبار جهان و مسلمانان در آن چه به نفع و ضررشان ارتباط دارد، آگاه می‌گردند.[۳]

اقامه نماز جمعه وسیله‌ای است برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفتگو درباره مسائل بهداشت، مسکن و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و غیره. در حقیقت برپایی نماز جمعه به‌کارگرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امّت. گردهمایی جمعه، به ویژه در سالهای اخیر و در ممالک استقلال یافته اسلام، تأثیر و کارآیی بسیار داشته است. مسلمانان با اجتماع خود در مساجد طرح مبارزه علیه ستمگران را ریخته

---

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۸، ح ۶۳۶۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۰ ـ ۳۹.

و تزلزلی در فرمانروایی استعمار غرب پدید آورده‌اند. کاری که احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف در ممالک اروپایی، از انجام آن هنوز ناتوانند.(۱)

نماز جمعه که خطیب آن در خطبه‌هایش باید به امور جاری مسلمانان بپردازد، مکان خوبی برای سیاسی شدن توده مردم و مساجد فراهم می‌آورد. در نمازهای جمعه نوعی احساس هویّت فرهنگی و دینی جمعی تولید می‌شود که زمینه‌ساز فعالیت‌های جمعی (اجتماعی و سیاسی) است.

امام خمینی‌ﷺ درباره اهمیّت برپایی اجتماعی، همچون نماز جمعه می‌فرمودند:

«اگر مسلمانان هر روز جمعه مجتمع می‌شدند و مشکلات عمومی خود را به یاد می‌آوردند و رفع می‌کردند و یا تصمیم به رفع آن می‌گرفتند کار به اینجا نمی‌کشید. امروز باید با جدیّت این اجتماعات را ترتیب دهیم و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم، به این ترتیب نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام وسعت پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد».(۲)

از مطالب یاد شده در می‌یابیم که مسجد و نماز جماعت و جمعه در دستیابی مسلمانان به وحدت و همبستگی نقش به سزایی دارد؛ مسجدها، اثری روشن در توجیه عمومی مسلمانان دارد. اجتماعات اسلامی است که مسلمانان را در سایه شعار «**انما المؤمنون اخوه**» گردهم آورده و مظهر وحدت و برادری مسلمانان می‌گردد. مسلمانان در مساجد، کنار هم در یک جا می‌نشینند و به نصایح اسلامی امام در نماز جماعت و در خطبه‌های نماز جمعه و نماز عید گوش فرار می‌دهند و یکدیگر را می‌شناسند. چه بسا که مسلمانی برادر دینی خود را جز در مسجد، جای دیگر نمی‌بیند. اجتماع مسجد، سبب محبّت و الفت دل‌ها و تحکیم پیوندها و روابط و آگاه شدن از حال یکدیگر و تبادل افکار در مسائل دینی و دنیایی و همدردی در غم و شادی یکدیگر

---

۱. اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. کتاب ولایت فقیه، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۱.

است. احکام اسلام و شرایع دین را در مسجد می‌آموزند. پایگاه علم و عبادت و امر به معروف و نهی از منکر و دمیدن روح اخوّت بین مسلمانان است.[۱]

۶ ـ منافع مشترک

یکی از عوامل مهم و ایجاد وحدت، منافع مشترک است. در جامعه‌ای که اقلیّت‌های مذهبی، جناح‌های سیاسی و... وجود دارند، حقّ فردی و گروهی نیز وجود دارد که ممکن است این حقوق در تعارض قرار گرفته، تنش ایجاد کنند. برای جلوگیری از اختلافات نیاز به محور اتّحاد است که حلقه اتّصال همه افراد و گروه‌ها می‌باشد. براین اساس، هرگاه منافع مشترک یک جامعه در معرض تهدید قرار گیرد، منافع فردی و گروهی نادیده گرفته می‌شود و همه افراد متحد شده از آن دفاع می‌کنند.

در جامعه اسلامی نیز جناح‌های سیاسی و افرادی با سلیقه‌های مختلف وجود دارند که گاهی تعارض در رعایت حقوق آن‌ها به وجود آمده و تضار افکار زمینه برخی از اختلافات را به وجود آورد.

برای ایجاد همبستگی و وحدت نیاز به محور وحدت است که همانا «منافع مشترک» است.

امام علی علیه‌السلام با وجود این که ولایت را حق مسلّم خویش می‌دانست[۲] و بارها از آن دفاع کرده است، ولی در برابر خلفای سه گانه قیام نکرده، ۲۵ سال سکوت اختیار کرد. سکوت آن حضرت این پرسش را نیز به وجود می‌آورد که چه عامل یا عواملی سبب شدند که آن حضرت قیام نکرده و حتی با خلفا بیعت نموده و با آنان همکاری کند[۳] واقعیّت این است که سکوت امام و همکاری او با خلفا در راستای «منافع عمومی» صورت گرفت.

---

۱ . المساجد و احکامها، محمد ابراهیم جناتی، ص ۳۳ ـ ۳۲ ، با اندکی دخل و تصرف.

۲. ر.ک: نهج‌البلاغه صبحی صالح، خ ۱۷۰ ، ص ۲۴۴ .

۳. ر.ک: ابراهیم ثقفی کوفی، الغارات، ص ۳۰۲ ؛ تاریخ طبری، ج ۴ ، ص ۱۲۳ ـ ۱۲۴ .

اوضاع سیاسی و اجتماعی صدر اسلام نشان می‌دهد که بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اسلام و مسلمانان دچار مشکلات و بحران‌های خطرساز فراوان شده که هرکدام آنها برای اسلام و مسلمانان خطرات جدّی بودند. ظهور پیامبران دروغین، ارتداد و اختلافات شدید بین مسلمانان را می‌توان از جمله آنها ذکر کرد.(۱) ابن‌هشام در این باره می‌نویسد:

«چون پیامبر وفات نمود، بلا و مصیبت بر مسلمانان بزرگ شد، یهودیان سر بر افراشته و مسیحیان خوشحالی کردند. اهل نفاق از دین برگشته و اعراب می‌خواستند مرتد شوند. اهل مکّه می‌خواستند مجدداً بت‌پرستی کرده و دین پیامبر را منسوخ نمایند».(۲)

هنگامی که دین در خطر است و دشمنان منافع عمومی مسلمانان را به خطر انداخته و هرگونه اختلاف ضربه بر پیکر امّت اسلامی است، باید همه افراد جامعه متحد شوند.

امام علی علیه السلام که خود یکی از سنگربانان شریعت اسلام و منادی وحدت است، در چنین فضایی یکی از علل سکوت خود را رعایت مصالح و منافع عمومی و حفظ وحدت اسلامی بیان می‌فرماید:

«و ایم اللّه لولا مخافة الفرقة بین المسلمین و ان یعود الکفر و یبور الدین لکنا غیر ماکنا لهم علیه».(۳)

«به خدا سوگند! اگر ترس وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنها به‌گونه‌ای دیگر بود».

و نیز آن حضرت در جواب «ابوسفیان» بعد از تشکیل سقیفه ـ که به عنوان حمایت از علی علیه السلام می‌خواست فتنه به پاکند ـ همگان را به وحدت فرا خواند:

---

۱. ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. سیره ابن‌هشام، ج ۴، ص ۳۱۶.

۳. سیری در نهج‌البلاغه، ص ۱۷۹ ـ ۱۸۰.

«ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة و عرجوا عن طـریق المنافرة وضعوا تیجان المفاخرة».[۱]

امواج کوه پیکر فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات (علم، ایمان و اتّحاد) در هـم شکـنید؛ از راه اختلاف و پراکندگی کنار آیید، تاج تفاخر و برتری جویی از سر بنهید.

۷ ـ ارزش‌ها

هر جامعه‌ای وارث سنّت و اصول پذیرفته‌ای شده است که مردم آن جامعه به آنها علاقه‌مند بوده و حفظ آن اصول، عامل وحدت است. جامعه اسلامی نیز سنّت‌ها و اصولی دارد که می‌توان از آنها به عنوان ارزش‌ها اسلامی یادکرد. هویّت و استقلال جامعه اسلامی بستکی به پاسداری آنها داشته و حفظ آنها یکی از مؤلفه‌های وحدت و همبستگی اسلامی است که هرگاه دشمنان، آن ارزش‌ها را تهدید کردند، با هم متحّد شده و از آنها پاسداری و دفاع کنند.

قرآن کریم پیوند میان مسلمانان را پیوند دل‌هایی می‌داند که از استحکام و استواری خاصّی برخوردار باشد. این نعمت و موهبتی الهی است که خداوند با تصرّف در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌کند، براین اساس خدای متعال خطاب به پـیامبرش مـی‌فرماید: اگـر تـمام گـنج‌ها و ثروت‌های زمین را انفاق می‌کردی، نـمی‌توانسـتی ایـن انسـجام، یگـانگی و هـمرنگی را پدیدآوری؛ زیرا این‌گونه یگانگی و تألیف قلوب با پول و مسـائل مـادّی فـراهـم نـمی‌آید. وحدت و انسجام میان دل‌های مسلمانان و مؤمنین، همگرایی روحی و روانی است که به عنایت پروردگار ایجاد می‌شود و این مهم در صورتی تحقّق می‌یابد که ملّت‌های مسلمان بر دین خدا و ارزش‌های الهی تأکید ورزند و اصول آن را مورد توجّه قرار دهند.

امام علی ﷺ به مالک اشتر دستور مـی‌دهد کـه سـنّت‌های دیگـر ایـجاد نکـرده، پاسدار ارزش‌های اسلامی باشد، که آن ارزش‌ها سبب وحدت اسلامی است:

---

۱. نهج‌البلاغه صبحی صالح، خطبه ۵، ص ۵۲.

«هیچ سنّت شایسته‌ای را مشکن که معیار عمل بزرگان این امّت بوده است و همبستگی و کار ملّت بر محورش سامان می‌یافته است و هیچ راه و رسم جدیدی ایجاد مکن که به سنّتی از این سنتّ‌ها آسیب برساند».(۱)

۸ ـ حکومت و رهبری

حکومت و رهبری آن، مؤثرترین عامل همبستکی و وحدت است. در این‌جا این پرسش قابل طرح است که اصولاً چگونه حکومت عامل وحدت است؟ در جواب باید گفت: حکومت نقش بنیادی در برقراری امنیّت، نظم و اجرای قوانین دارد. از این رو هیچ جامعه‌ای خالی از حکومت نبوده و همگان بر ضرورت آن اتّفاق دارند و بر همین اساس، هرگاه حکومت مورد قبول آنان تهدید شود، از آن دفاع نموده و همه مردم متّحد می‌شوند. در جامعه اسلامی، به ویژه در فرهنگ شیعی حکومت جایگاه الهی داشته و امامت ادامه رسالت است. بنابراین، حفظ نظام از مهم‌ترین واجبات بوده و رهبر، محور و قطب حکومت می‌باشد؛ چنان‌که امام علی علیه‌السلام از خود به عنوان محور جامعه و از امامت به عنوان نظم‌دهنده امّت اسلامی یاد می‌فرماید:

«واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم، و چرخ‌های کشور باید بر محورم همواره بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم. اگر لحظه‌ای من جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می‌شود و سنگ‌زیرین آن به لرزش می‌گراید...».(۲)

امام خمینی رحمه‌الله حکومت را به عنوان عامل وحدت و همبستگی بیان کرد:

«تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنان‌که حضرت زهرا علیهاالسلام در خطبه‌ای فرمود: امامت برای حفظ نظام

---

۱. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۸۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۹۱.

و تبدیل افتراق مسلمین به اتّحاد است».(۱)

بی‌گمان حکومت الهی و رهبری آن ریسمانی است که همه مهره‌ها را در نظام اسلامی به هم پیوند می‌دهد. چنان‌که امام علی علیه‌السلام فرمود:

«موقعیت زمامدار، همچون ریسمانی است که مهره‌ها را در نظام می‌کشد و آنها را جمع کرده و ارتباط می‌بخشد. اگر ریسمانی از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هرکدام به جایی فرو خواهد افتاد؛ پس هرگز نتوان همه را جمع آوری نمود و از نو نظام بخشید».(۲)

آثار و نتایج اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی

اندیشه وحدت و آرمان اتّحاد مسلمانان جهان ثمرات گوارایی در پی داشته و در صورت تحقّق عمیق‌تر وحدت آثار بیشتری نیز خواهد داشت، در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) آثار فردی

یکی از ثمرات وحدت و همدلی، رشد فکری و زنده شدن روح تحقیق در میان مسلمانان است. بدون شکّ در جوّ تفاهم و همدلی و انسجام، بدون ترس از تهمت‌ها و انگل‌های مختلف، زمینه حق‌جویی و جستجو برای یافتن نظریه کامل در ابواب فکری اجتماعی، فراهم می‌شود و این، سر آغازی بر غنای مجدّد فرهنگ و تمدّن کهن اسلامی خواهد شد. بیشتر اختلافات موجود بین گروه‌های اسلامی، ناشی از دوری آنان از یکدیگر و یا برداشت‌های غلط از اندیشه‌های یکدیگر است و اتّحاد و یکپارچگی آنها، سبب رفع ابهامات و سوء تفاهم‌ها و پی‌بردن به حقیقت اندیشه‌های دیگر برادران و همنوعان خواهد شد.

---

۱. ولایت فقیه، ص ۴۲؛ رساله نوین، ج ۴، ص ۱۳۹.

۲. نهج‌البلاغه صبحی صالح، خ ۱۴۶، ص ۲۰۳.

روح وحدت و همدلی سبب می‌شود که امنیّت روحی و روانی بر افراد جوامع اسلامی حاکم شده و دغدغه‌های موجود ـ به ویژه در این برهه از زمان که استکبار جهانی و صهیونیست غاصب با تمام نیرو و حربه‌های مختلف در برابر اسلام و اسلامیان قد علم کرده و هدفش نابودی اسلام و... ـ در صحنه زندگی افراد برطرف گردد؛ اعتماد به نفس و فکر کردن به توانایی‌ها، بجای یأس و دلمردگی و اضطراب در افراد مسلمان تجلّی یابد و شادابی و سلامت جسمی ناشی از سلامت و شادابی روح، چهره تابان خویش را آشکار سازد. در روایتی از امام علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«برادران برطرف‌کننده اندوه و نگرانی‌ها هستند».(۱)

اتّحاد و برادری، سبب می‌شود که ما و تلاش و خدمت برای قبول مسئولیت‌های بیشتر، در قبال برادران و رفع مشکلات آنها، در زندگی مسئولان به خصوص و به‌طور عموم در بین مسلمانان، شایع گردد و توجّه به ارزش‌ها و معنویّات و عالم آخرت، محرّک زندگی دنیوی آنان گردد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«برادران، به‌گاه آسایش، زینت و گاه سختی، یاوران یکدیگرند».

و در یک جمله: تعادل روحی و روانی ناشی از اتّحاد و اخوّت و انسجام اجتماعی، در تمام زوایای زندگی انسان، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد.

ب) آثار اجتماعی

۱ ـ اتّحاد، رمز پیروزی در صحنه‌های مختلف

پیروزی و گسترش اسلام در سال‌های آغازین بعثت به برکت وحدت و همدلی مسلمانان بود. این ایمان و اتّحاد امّت اسلام بود که آنان را چنان تربیت کرده بود که فارغ از هر نوع دسته‌بندی

---

۱. مصطفی درایتی، تصنیف غرر الحکم، حدیث شماره ۹۴۴۶.

و قوم سالاری، تحت لوای نبوی ﷺ، برای اعتلای کلمه «**لااله الاالله**» جانفشانی می‌نمودند و به برکت همین وحدت و انسجام اسلامی بود که خداوند پیروزی‌های روزافزون را بر مسلمانان عنایت می‌داشت.

این که اتّحاد و همبستگی ملّی و اسلامی موجب پیروزی می‌شود، یک قانون عام و قطعی است؛ به‌طوری که اگر در جبهه حق «اختلاف» و در جبهه باطل «اتّحاد» حکمفرما باشد، به یقین، پیروزی از آن اهل باطل خواهد بود؛ از این‌رو، امام علی علیه‌السلام خطاب به لشکریانش می‌فرماید:

«و اللّه لاظن ان هؤلاء القوم سید الون منکم باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم».[1]

به خدا سوگند، به زودی آنان (ارتش معاویه) بر شما چیره شوند؛ زیرا آنان در باطل خویش اتّحاد و هماهنگی دارند و شما در «حقّ» خود دچار تفرقه و اختلاف هستید.

جامعه‌ای که دارای وحدت، انسجام اجتماعی است و با وحدت و همدلی به همنوعان خویش کمک کرده و همواره حضوری فعّال در صحنه‌های فردی و اجتماعی دارد، دشمن جرئت نفوذ در چنین جامعه‌ای را ندارد؛ زیرا نه با یک حکومت که با یک ملّت باید مبارزه کند. بنابراین، ثبات سیاسی بر آمده از این اتّحاد و انسجام اسلامی، حربه بسیار کارایی در صحنه‌های بین المللی شده و دشمنان پیدا و پنهان از طمع ورزی‌ها، باز داشته می‌شوند. افزون بر این‌ها، قدرت نفوذ اسلام در تغییرات سیاسی و فرهنگی و حتّی اقتصادی دنیا بیشتر شده و اعتبار جهانی شریعت اسلام روز افزون می‌شود و جاذبه این دین مبین، مشتاقان حقیقت را به خود فرا خواهد خواند و وعده الهی که علّو اسلام بر سائر ادیان است، عملاً به ظهور می‌انجامد.

با اندک توجهی می‌توان فهمید که قدرت بیش از یک میلیاردی مسلمانان؛ یعنی یک پنجم ساکنان کره زمین، کمتر از چند دولت مثل امریکا و انگلستان و یا فرانسه و... نیست. اگر حقّ «وتو» در شورای امنیّت به این کشورها اختصاص یافته و جامعه ملل متحد آن را

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

می‌پذیرد، مسلمانان نیر می‌توانند به عنوان یک پنجم مردم دنیا خواستار این حق باشند و یا حدّاقل باعث رفع این گونه تبعیض‌های ناروا شوند.

اگر جوامع اسلامی در پرتو اتّحاد و انسجام اسلامی با تصمیمی هماهنگ در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنیا وارد عمل می‌شدند، هر روز در گوشه و کنار دنیا، ـ مانند جنایات و کشتار وحشیانه آمریکا در... افغانستان و عراق... و کشتار مظلومان بی‌دفاع فلسطین به دست غدّه سرطانی، (اسرائیل غاصب)، ـ مسلمانان مظلوم مورد هجوم درد منشانه این و آن قرار نمی‌گرفتند. اگر آمار شهدای مسلمانان در پنجاه یا صد سال اخیر (و آوارگان و معلولان آنان) در یک جا محاسبه گردد، روشن خواهد شد که چه میزان، خسارت انسانی ـ گذشته از زیان‌های اقتصادی و فرهنگی که از محاسبه بیرون است ـ به‌خاطر عدم وحدت مسلمانان و عدم تصمیم‌گیری واحد به جامعه اسلامی تحمیل شده است!

غصب بیش از ده‌ها ساله فلسطین، چه اعتباری سیاسی‌ای را برای جامعه اسلامی در پی‌داشته است! نداشتن جایگاه سیاسی مناسب در دنیایی که جز با اتکاء به قدرت اقتصادی و نظامی نمی‌توان انتظار رسیدن به خواسته‌ها را، عملی شمرد، ثمره دوری از دستورات قرآن کریم و معصومان علیهم‌السلام، درباره اتّحاد امّت اسلامی است.

آری؛ وحدت و همدلی اکسیری است که دشمن را در توطئه‌های خویش علیه یک ملّت ناکام می‌گذارد. همواره دشمن از اختلافات، تردیدها، درگیری‌ها و چند دستگی‌ها سود می‌برد.

۲ ـ اتّحاد، پشتوانه اجرای حق و عدالت

فقدان اتّحاد و وحدت در هر جامعه‌ای باعث هرج و مرج در آن نظام می‌گردد و هنگامی که هرج و مرج و نا امنی در کشور حاکم گشت، اجرای حق و عدالت میسر نخواهد بود.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«فقلنا: تعالوا نداوی، لایدرك الیوم باطفاء النائره و تسکین العامه حتی یشتد الامر و یستجمع، فتقوی علی وضع الحق فی مواضعه».[1]

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۸.

ماگفتیم که بیایید با خاموشی آتش جنگ و آرام کردن انبوه مردم، به چاره‌جویی و درمان بنشینیم تا کار مسلمانان قوام و انسجام یابد و ما برای اجرای حق و عدالت نیرومند شویم.

۳ ـ اتّحاد، تضمین‌کننده استقلال و عزّت اسلامی

در پرتو اتّحاد، استقلال و عزّت برای امّت اسلامی به ارمغان خواهد آمد. جامعه اسلامی در پرتو اتّحاد، انسجام و وفاق و پایبندی کامل به اصول و ارزش‌های دینی و تحمل مشکلات، موانع را یکی پس از دیگری از سر راه برداشته، به عزّت اسلامی که همانا مخصوص مؤمنان و اولیای الهی است، نایل خواهد آمد. «عزّت مخصوص خدا و رسولش و مؤمنان است».(۱)

به تعبیر قرآن کریم، حدّاقل اثر و نتیجه انسجام و همبستگی ملّی، حلّ معضلات جامعه اسلامی، استقامت و صبر و تحمّل در برابر مشکلالت فردی و اجتماعی، سربلندی و عزّت جامعه اسلامی است:

> «سستی نکنید و اندوهناک نباشید؛ زیرا شما بلند مرتبه‌ترین مردم‌اید، به شرط آن که در ایمان ثابت و استوار باشید».(۲)

آری؛ استقلال و عزت اسلامی در سایه شجره طیّبه اتّحاد و همبستگی امکان‌پذیر است. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

> «هیچ ملّتی درباره انجام کاری با هم متّحد نشد، جزاین که نیرو و قدرت پیدا کرد و هیچ ملّتی از این قدرت بهره نگرفت، مگر این‌که خداوند گرفتاری آنان را بر طرف کرد و آنها را از بلای ذلّت نجات داد».(۳)

همچنین آن حضرت عزّت اسلامی و موفقیّت. ذلّت امّت‌های گذشته را مبنی

---

۱. منافقون: ۸.

۲. آل‌عمران: ۱۳۹.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۸۵.

برهمبستگی و همگرایی و اختلاف دانسته، و می‌فرماید:

«اگر بیندیشید در تفاوت احوال آنها در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی، آن‌گاه لازم می‌شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزّت و اقتدار آنان شد و دشمنان‌شان را از آنها دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبّت و توصیّه و تشویق بر همگامی و همبستگی... .

بنگرید آنها چگونه بودند هنگامی که جمعیت‌های‌شان متّحد، خواسته‌ها متّفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و هدف‌ها همه یکی بود؛ آیا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟ از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آنها واقع شد، الفت‌شان به تشتّت گرایید، اهداف و دل‌ها اختلاف پیدا کردند، به گروه‌های متعدّدی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، با هم به نبرد برخاستند. (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزّت و استقلال از تن‌شان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب گردید و تنها سرگذشت آنان در میان شما باقی مانده که مایه عبرت برای عبرت گیرندگان است...».[۱]

۴ ـ تقویت روحیه تعاون و همکاری

هریک از مسلمانان در جامعه اسلامی، هم چون اعضای یک خانواده‌اند[۲] که خانواده به وی

---

۱ . نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲ .

۲ . تفسیر صافی، سوره حجرات: «المؤمن اخ المؤمن لأبیه و امّه».

نیازمند و او هم به خانواده نیازمند است و این‌گونه نیست که فردیّت مطلق داشته باشد. او موظّف است که عدالت را وجهه همّتش قرار داده و مصالح عمومی و شؤون دیگران را نیز مراعات نماید. حبّ و بغض، منافع شخصی او را نسبت به حقوق دیگران بی‌اعتنا نکند و برای دستیابی به خواسته‌های خویش به دیگران ستم ننماید، بلکه تا سر حدّ توان برای بهبود وضع شخصی و اجتماعی بکشد و پیوسته درصدد حلّ مشکلات خود و دیگران باشد.

اصولاً فعالیّت متقابل و مهر و عطوفت و اظهار محبّت و صمیمیت و تعاون در غم و شادی یکدیگر شرکت جستن و صله رحم و گذشت و دوری از کینه و دشمنی موجب ارتباط متقابل و وحدت و همبستگی می‌گردد؛ از این‌رو، در آیات و روایات فراوانی براین مهم تأکید شده است؛ زیرا، اساس زندگی اجتماعی بر تعاون و همیاری و پایه‌ریزی شده است و نظام بنیادین اسلام، قوانین اقتصادی و اجتماعی خود را بر اصل تعاون استوار کرده است. قرآن کریم برای تقویت و تثبیت روحیه تعاون، همکاری و همیاری اجتماعی می‌فرماید:

﴿وتَعاونوا عَلَی البِرِّ والتَّقویٰ ولا تَعاونوا عَلَی الاِثمِ والعُدوٰنِ...﴾.[1]

و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم همکاری کنید و [هرگز] در راه گناه و تجاوز همکاری ننمائید. این آیه شریفه بیانگریم اصل کلی اسلامی (تعاون) است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در برمی‌گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم، به طور مطلق ممنوع است؛ گرچه مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد.

این قانون اسلامی، درست بر ضد قانونی است که عصر جاهلیّت ـ و حتی جاهلیّت امروز ـ نیز حاکم است که «**انصر اخاك ظالماً او مظلوماً**»؛ برادر (یا دوست و هم پیمان) را حمایت کن، خواه ظالم باشد یا مظلوم!

در آن روز اگر افرادی از یک قبیله به افراد قبیله دیگر حمله می‌کردند، بقیّه افراد قبیله

---

۱. مائده: ۲.

به حمایت آنها برمی‌خواستند، بدون این که تحقیق کنند حمله عادلانه بوده یا ظالمانه؛ این اصل در مناسبات بین‌المللی امروز نیز وجود دارد. به‌طوری که اغلب کشورهای هم‌پیمان، و یا آنها که منافع مشترکی دارند، در مسائل مهم جهانی به حمایت یکدیگر برمی‌خیزند، بدون این که اصل عدالت را رعایت کنند و ظالم و مظلوم را از هم تفکیک نمایند! اما شریعت اسلام، براین قانون جاهلی خطّ بطلان کشیده و دستور داده که مسلمانان با یکدیگر باید (تنها) در کارهای نیک و برنامه‌های مفید و سازنده تعاون و همکاری داشته باشند، نه در گناه و ظلم و نه تعدی.[۱]

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ﴾.[۲]

«مؤمنان، مؤمنان دیگر را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند نیازمند باشند و کسانی که از امساک ورزیدن خویشتن محفوظ باشند، رستگارند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را هم چون عضوی می‌داند که اگر دردی بر آن عارض شود، اعضای دیگر را آرام و قراری نیست؛

«مؤمنان در دوستی و رحمت و عطوفت نسبت به یکدیگر، مانند اعضای یک پیکرند که وقتی یکی از اعضایش رنجور و دردمند گردد، سائر اعضا هم از بی خوابی و سوزش تب متأثّر می‌گردند».[۳]

سعدی شیرازی، همین روایت را در اشعار معروف خود چنین بیان می‌کند:

بنی‌آدم اعضای یک پیکردند — که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲. حشر: ۹.

۳. نهج‌الفصاحه، گردآوری و ترجمه: ابوالقاسم پاینده، کلام ۱۳۹؛ صحیح بخاری، ص ۳۷.

نظیر این سخن با اندکی تفاوت از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده آنجا که فرمود:

«اَلْمؤمِن اَخُو المُـؤمِن کَـالجَسَدِ الواحِـدِ، اِنْ اِشـتَکی شَـیئاً مِـنْهُ وَجَدَ آلمَ ذلِكَ فی سائرِ جَسَدِه...».[۱]

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد کند».

مؤمن، برادر مؤمن است، همه یک پیکرند، ارواح مؤمنان از یک روح نشأت گرفته، همگان از سرچشمه فیّاض روح اللّه که منشأ هستی است و نیرو دهنده وجود است، نیروگرفته‌اند؛ از این‌رو، باید در تمام موارد به یکدیگر مدد رسانند، روح وحدت و همبستگی را حفظ نمایند؛ زیرا:

﴿والمُؤمِنونَ والمُؤمِنـتُ بَعضُهُم اَولِیاءُ بَعضٍ...﴾.[۲]

نخستین وصف مؤمن در این آیه شریفه، تعاون و همیاری نسبت به یکدیگر است؛ یعنی مسلمانان نباید نیروهای خود را بیهوده هدر دهند بلکه همگان باید به صورت نیروی واحد باشند و به شکل اندام واحدی، احساس همبستگی کنند.

به بیان سید قطب،[۳] در طبیعت فرد مؤمن یگانگی و همکاری وجود دارد، همه با هم پشت و کمک کارند همپشتی آنها در کار نیک است و جلوگیری از کار ناپسند.

امام صادق علیه السلام در وصف شیعیان می‌فرماید:

«هم البررة بالاخوان فی حال العسر و الیسر المؤثرون علی انفسهم فی حال العُسر».[۴]

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲. توبه: ۷۱.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۵۳: «ان طبیعة المؤمن هی طبیعة الامة المؤمنة، طبیعة الواحدة طبیعة التکافل، طبیعة التضامن».

۴. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۳۵۰.

آنان کسانی هستند که در روزگار سختی و آسایش به برادران نیکی می‌کنند و در سختی و تنگدستی دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند.

امام علی علیه‌السلام همه مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و هم‌چون نیاز انسان به اعضا و جوارح خویش معرفی نموده و می‌فرماید:

«لاتدع اللّه ان یغنیك عن الناس فان حاجات الناس بعضهم الی بعض متصله کاتّصال الاعضا فمتی یستغنی المرء عن یده او رجله».(۱)

از خداوند مخواه که تو را از مردم بی‌نیاز کند؛ زیرا انسان‌ها، همچون اعضای بدن به یکدیگر وابسته‌اند، چه وقت انسان از دستش یا پایش بی‌نیاز می‌شود؟

اگر در جامعه‌ای روحیّه تعاون و همیاری و همکاری تقویت شود و به اصطلاح، در لایه‌های زیرین جامعه این همکاری و همیاری به همنوعان خویش نهادینه شود، در این صورت، جامعه یکدست، یکرنگ، منسجم شده و کمتر افراد جامعه احساس رنج، درد و گرفتاری فردی و اجتماعی می‌کنند؛ زیرا بی‌تردید کسی که در سطح خانواده و اجتماع به رفع گرفتاری‌های مردم، خدمت به ایشان و همنوعان اقدام می‌نماید، علاوه بر زندگی مسالمت‌آمیز و تقویت روحیّه تعاون و همکاری، کمتر شاهد تنگدستی و فقر و گفتاری فردی و اجتماعی خواهد بود.

۵ ـ آبادانی و امنیّت اجتماعی

یکی دیگر از آثار اتّحاد و انسجام اسلامی، وجود امکانات بالقوه و بالفعل و منابع انسانی و مادّی فراوان و آماده برای آبادانی و توسعه کشور، و نیز حضور فعّال مردم در صحنه‌های اجتماعی و عرصه‌های فرهنگی و امنیت پایدار اجتماعی است. این مهم نیز مورد تأکید منابع

---

۱ . شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰ ، ص ۳۲۲ .

دینی و آیات و روایات می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که خدمت‌رسانی مسئولان به مردم و کمک و همیاری و صرف مال در راه اصلاح جامعه و رفاه عمومی و دستگیری از نیازمندان و رسیدگی به امور عامّ‌المنفعه و رسیدگی به خویشان، محرومان و بیچارگان علاوه براین‌که موجب آبادانی کشور و بهبود وضع عمومی جامعه می‌شود، نزول برکات و عنایات الهی را در بر خواهد داشت.(۱)

قرآن کریم نیز وعده فرموده کسانی که به همنوعان خویش کمک می‌کنند، آینده‌ای پر قدرت و همراه با امنیّت برایشان آماده سازد.(۲)

۶ ـ انقلاب اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش جهان

در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، وحدت دارای نقش مهم و اساسی بود؛ وحدتی که چنان در بین اقشار جامعه اعم از روحانی و دانشجو، کارگر و کارمند و... الفت و صمیمیّت ایجاد کرد که به تعبیر امام خمینی رحمه‌الله:

«بی‌آن‌که دارای ادوات نظامی باشیم فقط به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه، بر قوای طاغوتی غلبه کردیم».(۳)

در این انقلاب «ملّت ایران با جان و خون خود اسلام را زنده کرد، تجدید حیات کرد برای اسلام و مسلمین، کوششهای قریب سیصد ساله استعمار و اجانب را خنثی کرد»؛(۴) بنابراین کوتاه کردن شر سلطه‌گران جهانی و بازیافتن عظمت از دست رفته از دیگر ثمرات وحدت اسلامی است.

---

۱. نهج‌الفصاحه، ص ۶۱۴.

۲. نور: ۵۵.

۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۱۲۱.

ثمره دیگر وحدت، سیادت و آقایی سران اسلامی است و تا هنگامی که در میان رؤسای دولت‌های اسلامی «وحدت کلمه»[۱] وجود نداشته باشد، سیادت نمی‌توانند بکنند و باید فکر کنند عمل کنند تا سیادت کنند و اگر این مطلب را انجام بدهند، سیّد دنیا خواهند شد. اگر اسلام را آن‌طوری که هست به دنیا معرفی کنند و آن طوری که هست عمل بکنند سیادت با شماست. بزرگی با شماست. «**انّ العزة للّه و لرسوله و للمومنین**».[۲]

ثمره بعدی وحدت، وحشت دشمنان اسلام و قدرت‌های جهان‌خوار شرق و غرب است؛ زیرا آنها از وحدت چند میلیاردی مسلمانان وحشت دارند و با تمام قوا مستقیماً و یا به دست عمّال منحرف خود، به این اختلافات دامن می‌زنند تا بر مقدّرات مسلمانان جهان مسلط و بر آنها حکومت نموده و ذخایر بی‌پایان آنها را چپاول نمایند؛[۳] اما با وحدت کلمه ملت مسلمان ایران و وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه‌الله:

«... یک کار بزرگ محیّر العقول دیگر واقع شد و آن این که دست آمریکا و دست انگلستان و شوروی (سابق) و همه این‌ها از خزائن ما کوتاه شد».[۴]

از نتایج بسیار مهم وحدت این است «که یک ملّتی اگر یک چیزی را خواست، نمی‌شود تحمیلش کرد... به یک ملت نمی‌شود یک چیزی را تحمیل کرد»؛ زیرا در سایه وحدت، ملت از هرگزندی در امان است.

دیگر ثمره وحدت، پیروزی بر دشمنان است و بر این اساس بود که رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌فرمودند:

«باید جوانان غیوراسلامی، بدانند که تا دست اتّحاد به هم ندهند

---

۱. همان، ج ۶، ص ۲۲۶.
۲. همان، ج ۲، ص ۱۵.
۳. همان، ج ۱۱، ص ۲۷۲.
۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۲.

و هدف خود را اسلام که تنها مکتب نجات‌بخش بشر است. یگانه کفیل آزادی و استقلال ملّت‌های مستضعف است قرار ندهند، امید پیروزی را نباید داشته باشند».(۱)

بالاخره نتیجه مهم وحدت ایجاد صلح و آرامش در بین کشورها و ملل متّحد اسلامی و سازش آنها برای غلبه بر دشمن مشترک است:

«... تأسف در این است که کشورهای دیگر چرا از ایران الگو نمی‌گیرند؟... و وحدت کلمه پیدا نمی‌کنند و با ملت‌های خودشان سازش نمی‌کنند و هر یک با دیگری سازش نمی‌کند تا اسرائیل بر آنها غلبه کند؟».(۲)

جنبش‌های آزادی‌بخش جهان به‌طور کلی و جهان اسلام به طور خاص، از مصادیق و نتایج وحدت ملّت‌های در بند و آزادی خواهان این ملّت‌ها می‌باشد که امام﵀ عنایت ویژه‌ای به همه آنها داشت و به‌طور صریح می‌فرمود که:

«من بار دیگر از تمام جنبش‌هایی آزادی‌بخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقّق جامعه آزاد خویش پیروز شوند... ودولت اسلامی درمواقع مقتضی به آنان کمک نماید».

بنابراین، می‌توان انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، جنبش‌های آزادی بخش جهان، وحشت دشمنان اسلامی و ابرقدرت‌ها از مسلمانان و مستضعفین و سیادت و آقایی مسلمانان را از نتایج وحدت به‌شمار آورد که موجب گردید دشمنان اسلام و ابرقدرت‌ها از مسلمانان و مستضعفین و سیادت و آقایی مسلمانان را از نتایج وحدت به‌شمار آورد که موجب گردید دشمنان نتوانند هر چیزی را به آنها تحمیل نمایند و مسلمانان با وحدت کلمه به پیروزی نایل آیند که این مسئله به وسیله تجارب تاریخی اتّحاد مسلمانان و کشورهای مسلمان مانند عثمانی و قضایای فلسطین به تأیید رسیده است.

---

۱. همان، ج ۱، ص ۸۷.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۶.

و در دفاع مقدّس (جنگ تحمیلی) نیز ایمان، اتّحاد و انسجام ملّت شجاع ایران و وحدت کلمه، پیروزی رزمندگان اسلام را به همراه داشت.

فلسفه اختلافات

واژه «اختلاف» و «اتّحاد» از معدود کلماتی است که همواره تکیه کلام زمامداران و حاکمان بوده، از این‌رو مفهوم کلی این دو واژه بسیار روشن است؛ اما نکته‌ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که: آیا واژه اتحاد و اختلاف چون دو واژه عدل و ظلم‌اند که یکی به‌طور مطلق مذموم و دیگری ممدوح است و صدق مفهوم دادگری یا ستمگری در موردی، آن عمل شایسته یا ناشایست می‌نماید؟

در پاسخ باید گفت: به رغم ذهنیت افکار عمومی، چنین نیست و اختلافات و اتحاد هیچ یک ارزش ذاتی ندارند: بلکه ارزش یا ضد ارزش بودن هر کدام، متغیری از موضوع، هدف و کیفیت رسیدن به آن است؛ به تعبیر دیگر موضوع وحدت ـ با توجه به آیات روح بخش قرآن کریم[۱] ـ می‌تواند رعایت و التزام به قوانین الهی باشد، و یا رعایت قوانینی که با نظرخواهی و جمع‌بندی آرای اندیشمندان، کارشناسان و نخبگان ملّتی یا ملل جهان، با هدف حصول نظم و امنیت همگانی با رأی اکثریت تصویب شود و بیشترین منافع را برای عموم دارا باشد و در سایه آن، رشد و شکوفایی و توسعه همه جانبه ملّت با تجاوزات جهانی و ترقّی و تعالی بشری به دست آید. چنین وحدتی که ریشه در تفاهم و وفاق دارد بی‌تردید مطلوب است و ایجاد اختلاف در آن ناروا ست ولی اگر موضوع وحدت، اطاعت فرمان‌های ستمگر و دیکتاتوری باشد که به منافع و برتری‌طلبی‌های خویش و اطرافیان یا قوم و نژاد خود می‌نگرد و افکار عمومی و دیدگاه‌های دیگران را در آن نادیده گرفته می‌شود، چنین وحدتی ارزش محسوب نمی‌شود و دفاع‌پذیر نیست. همچنین اگر موضوع وحدت استراتژی ابرقدرتی است که با هدف تک قطبی نمودن جهان و سلطه بر همه ملل از طریق باج‌خواهی و باج دادن و تهدید و تطمیع شکل گیرد و منافع

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

ملّت‌های مستضعف نایده گرفته شود، هیچ منصفی حفظ چنین وحدتی را که با ظلم و ستم به اقشار ضعیف توأم است، روا نمی‌داند؛ بلکه در این موارد اختلاف و شکستن این‌گونه وحدت برای جایگزین نمودن وفاقی دیگر سزاوار است.

با توجه به مطالب یاد شده درمی‌یابیم که وحدتی ارزشمند و مطلوب خواهد بود که در سایه اختلاف آرا پدید آید. چنین وحدتی همان وفاق عملی یا التزام به قانون است. در این صورت اگرچه فرد در اعتقاد و نظر، مخالف فلان اصل یا قانون است؛ ولی چون مورد وفاق اکثر افراد است در عمل به آن ملتزم است.

نکته مهمی که در فهم این دو واژه «اختلاف و اتّحاد» نباید از آن غفلت شود این است که اصولاً، واژه «وحدت و اتّحاد» در مسائل اجتماعی در مواردی استفاده می‌شود که نوعی «اختلاف» وجود داشته باشد، تا همبستگی و وفاق ملّی به وجود آید و بدون هیچ‌گونه اختلافات، اتّحاد و همبستگی موجود بوده و نیاز به وحدت و همبستگی ندارد، و حال آن‌که در اسلام دعوت به همبستگی شده است.[۱] از سوی دیگر برخی از اختلافات، معقول و منطقی است. چنان‌که اختلافات طبیعی، مانند اختلاف رنگها و قبیله‌ها لازمه آفرینش و خلقت انسان به حساب آمده است؛[۲] براین اساس، معنای وحدت و همبستگی در جامعه آن نیست که در جامعه اختلاف رنگ‌ها، زبان‌ها و سلیقه‌ها، تضارب اندیشه و جناح‌بندی‌های سیاسی و... وجود نداشته باشد؛ زیرا در اسلام به انتقادهای سازنده، تضارب اندیشه و رقابت‌های سیاسی منطقی، توصیه شده و آنها از اصول پذیرفته شده هستند که این عناصر معمولاً اختلاف آورند. همین‌طور معنای همبستگی و وحدت آن نیست که اقلیّت‌های مذهبی از عقاید خویش دست برداشته و عقیده‌ای واحد داشته باشند و یا برادران سنّی، شیعه و شیعیان سنّی شوند؛ بلکه مقصود از وحدت و همبستگی آن است که همه افراد و گروه‌های یک جامعه با بهره گیری

---

۱. ر.ک: انعام: ۱۵۹.

۲. روم: ۲۲ «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و الوانکم ان فی ذلك لآیات للعالمین».

از عوامل وحدت و با اتخاذ سیاست‌های اصولی و منطقی در قبال سیاست‌های خصمانه دشمن مشترک خود، متّحد بوده و از اختلافات غیرمعقول پرهیز کرده و اختلافات خود را با تبادل اندیشه حل نموده و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند.

قرآن کریم، گروه‌گرایی و پراکندگی را از برنامه‌های مشرکان دانسته، و مسلمانان را به شدّت از آن نهی کرده و به انسجام تحت پوشش توحید دعوت فرموده و با صراحت می‌فرماید:

«از مشرکین نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌ها و گروه‌های تقسیم شدند».(۱)

قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذاب‌های آسمانی عنوان کرده و می‌فرماید:

«بگو خداوند قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد، و طعم جنگ [و اختلاف] را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند».(۲)

قرآن به تفرقه‌افکنان هشدار داده و آنها را جدای از اسلام و دشمن مسلمانان معرفی کرده و با قاطعیّت می‌فرماید:

«همانا کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به گروه‌های گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه با آنها نداری، سر و کار آنها تنها با خدا است».(۳)

عوامل و زمینه‌های فراوانی برای تفرقه و تشتّت وجود دارد و همه انسان‌ها مسیر حق را برنمی‌گزینند و گذشته تاریخ نیز به روشنی بر این مدعا گواهی می‌دهد، که در این رهگذر وظیفه جوامع مسلمانان به ویژه علما و اندیشمندان سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا عوامل اختلاف‌زا در بین

---

۱. روم: ۳۱ و ۳۲.

۲. انعام: ۶۴.

۳. انعام: ۱۵۹.

امّت اسلامی با توجّه به ترفندهای دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان در این برهه از زمان (عصر ارتباطات و تکنولوژی) بسیار زیاد است.

همگی باید به هوش باشند و بدانند که این نعمت خدادای (وحدت) آفاتی نیز دارد که باید به دقّت شناسایی شده و از سر راه برطرف گردند. در حقیقت پاسداری از حریم اخوّت و وحدت و دوری از تفرقه و تشتّت، پاسداری از حریم شریعت اسلام است؛ و حکم نگهبانی از دین خدا هم معلوم است. در این قسمت از بحث به جهت اختصار تنها به مهم‌ترین «عوامل اختلاف‌زا» اشاره می‌کنیم:

۱ـ تعصبات مذهبی و قومی

«تعصّب»، از «عَصَب» به معنی جمع و گروه است. تعصّب همان عاملی است که فرد را به گروه انسانی پیوند می‌دهد تا به حمایت و جانبداری از آن گروه برخیزد. تعصّب شاخص انسان و فصل واقعی و حقیقی او در برابر حیوان است؛ زیرا حیوان تعصّب ندارد. شخص دارای تعصّب را متعصّب گویند. متعصّب خود را یک من تنهای مستقل احساس نمی‌کند، بلکه خود و سرنوشت و احساس و اعتقاد خویش را با دیگرانی که همدرد و هم سرنوشت و هم اندیش او هستند، مشترک احساس می‌کند و این بزرگترین فضیلت انسانی و فاصل بین نوع انسان و حیوان است. متعصّب کسی است که از خویشاوندان خود، حمایت کند. این خصلت روانی عامل همبستگی اجتماع بوده و ملاک و معیار انتخاب ارزشها و شیوه تفکر است.

تعصّب بر دو قسم است: مذموم و ممدوح.

تعصّب مذموم، آن است که انسان از مرام و مسلک و حزبی، به‌طور مطلق، حتّی پس از دانستن بطلان آن، حمایت نماید، همان طور که مشرکان می‌گفتند:

﴿انّا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثار هم مقتدون﴾.[1]

---

۱. زخرف: ۲۱.

اما تعصّب ممدوح، آن است که در راه حقّ، تعصّب و غیرت به خرج دهد و مسامحه روا ندارد. حق باید چنین حامیانی سرسخت داشته باشد، وگرنه از بین می‌رود، هیچ اجتماعی نباید از این متمسّکان به حق، خالی باشد؛ زیرا هیچ دعوت به حقّی رشد نکرده جز با مقاومت و دفاع پیروانش از آن. چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿یُجٰهِدونَ فی سَبیلِ اللّٰهِ ولا یَخافونَ لَومَةَ لائِمٍ﴾.(۱)

بنابراین، تعصّب نسبت به اصل حقیقت و اهداف الهی و پای بندی به آن و پاسداری آن از هجوم جاهلان و تأویل منحرفان، امری پسندیده است. اما تعصّب نسبت به مرام و مسلک و حزبی، به طور مطلق، حتّی پس از دانستن بطلان آن، امری ناپسند و صاحبش گناهکار شمرده می‌شود.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«آن تعصّبی که صاحبش گناهکار شمرده می‌شود این است که فردی، انسان‌های بدکردار وابسته به خویش را از افراد نیکوکار و وابسته به قوم دیگر، بهتر بداند و با ارزش‌تر شمارد، ولی دوست داشتن وابستگان، از تعصّب‌های مذموم نیست؛ بلکه یاری کردن بستگان، برای ظلم به دیگران، از نوع تعصّب باطل و مذموم است».(۲)

و این نوع تعصّب (مذموم) است که خروج از ایمان شمرده می‌شود؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید:

«کسی که خودش تعصّب بورزد یا دیگری برای وی تعصّب ورزد، حقیقتاً طوق (گردن بند) ایمان را از گردن خارج کرده است».(۳)

تعصّب در وهله نخست در روان کسی شکل می‌گیرد که توان و حال فکر کردن را ندارد.

---

۱. مائده: ۵۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳. همان.

برای راحتی خود و شانه خالی کردن از زیربار این عمل سخت، نظر کسانی را می‌پذیرد که به آنها تعلّق دینی، یا ملّی دارد. در فرایند رشد تعصّب آراء و اندیشه‌های گوناگون یکی پس از دیگری ایجاد بدان گردن نهاده می‌شود و سپس نسبت به آن تعصّب ورزیده می‌گردد. اما تعصّب نسبتا به عقیده‌ای، دلیل استحکام آن عقیده در روان متعصّب نیست، بلکه دلیلی است بر انحراف روان و داشتن نظری سطحی و تقلیدی. به مرو زمان این روحیّه فردی به ورحیّه‌ای جمعی دگرگون می‌شود که پیامدهای اجتماعی خاصّی را نیز به همراه دارد. البتّه افراد نادری را می‌توان یافت که روانشان تهی از تعصّب باشد، یا تعصّب در درون آنها از بین برود. از این‌رو، اسلام در جهت دهی تعصّب کوشید، نه حذف و از بین بردن آن؛ زیرا حذف یک خصیصه روانی در مدّت زمانی کوتاه، عملی مشکل و شاید غیرممکن باشد. سفارش اسلام به فرموده امام علی علیه‌السلام ـ این بود که «عصبیّت را در جهت کسب صفات عالی، انجام کارهای شایسته و امور نیکو، حفظ حقوق همسایگان، وفای به عهد و پیمان و عصیان در مقابل اعمالی که موجب تکبّر است، به کار برید».

شاید بتوان گفت تعصّب نوعی «وضع رفتار» است. تعصّب یا وضع رفتار، آمادگی عصبی و روانی برای فعالیّت نفسانی و جسمانی است. یعنی وجود تعصّب فرد را برای واکنش معینی آماده می‌کند. عقاید با تعصّب پیوند نزدیک دارد؛ زیرا آن چه را فرد درباره شیئی یا گروهی راست می‌پندارند، به یقین در تعیین آمادکی او برای واکنش در برابر آن به شیوه‌ای بیش از شیوه دیگر کمک می‌کند. در شکل‌گیری تعصّب، «تقلید» بیش از هر چیزی نقش دارد؛ یعنی ممکن است فرد بر اثر تقلید از پدر و مادر یا استاد خود و یا دیگران تعصّب پیداکند. تعصّب بیشتر به میل به قبول نظر رایج جامعه بستگی دارد تا به تجربه فردی.[1] تعصّب نقشی اساسی در تاریخ صدر اسلام داشته است. حضرت ابوطالب در مقاطع مختلفی از تعصّب قبیله‌ای بهره برد. حتّی بنی‌هاشم، چه مسلمان و چه کافر، به علّت تعصّب و دفاع از فرد خود سختی‌های محاصره اقتصادی در شعب ابی‌طالب را تحمّل کردند. همین ویژگی و خصلت روانی عرب‌ها نقش

---

۱. اتو گلانبر ، روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، اندیشه، سال ۱۳۴۶ ، ج ۲ ، ص ۵۳۷ ـ ۵۳۹ .

بسیاری در حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت.[۱] بعد از اسلام این خصلت روانی در جهت تثبیت هدف‌های اسلام به‌کارگرفته است شد، ولی بعد از رحلت پیامبر و به ویژه در زمان حکومت امویان به حالت اولیه برگشت. بنابراین تعصّب در تاریخ اسلام، هم دارای نقش مثبت است، آنجاکه در پیشبرد هدف‌های اسلام مؤثّر بوده است، و هم دارای نقش منفی است: آن‌جاکه یا از موانع گسترش اسلام بوده است، یا از عوامل انحراف آن.

۲ ـ خودپرستی یا کبر و غرور

خودپرستی و خودمحوری: انسان خودپرست یا خود محور، کسی است که هوس‌های او بت و محور او گشته است؛ به‌طوری که جز سود و منافع خویش، به چیز دیگری نمی‌اندیشد و همه چیز را فدای مصالح مادّی خود می‌نماید و این خصلت شیطان است؛ زیرا اوّلین تفرقه و ناهماهنگی از هنگام استکبار «ابلیس» از سجده آدم آغاز شد. ریشه خودپرستی را می‌توان در مقوله‌هایی، چون «کبر»، «عجب»، «حسادت»، «ترس» و... جستجو نمود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«برادری با سرمداران و قدرتمندان و دوستی با متکبّران امری پسندیده نیست».[۲]

آن کس که خود را از دیگران برتر می‌داند و هیچ ارزشی برا غیر خود قائل نیست، ضمن تحقیر مستمر دیگران، اسباب کینه‌جویی و دشمنی را فراهم می‌سازد. شرط پایداری دوستی و همبستگی و اخوّت، عکس این را طلب می‌کند؛ یعنی باید خود را فدای دوست و همنوع کرد.

---

۱ . الصحیح من السیرة النبی الاعظم، ج ۱ ، ص ۱۸۲ .

۲ . تحف العقول، ص ۳۷۶ .

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«به‌خاطر برادرت، مال و جان خود را بذل کن (فداکن)».[۱]

به‌نظر آن حضرت، مبدأ تمامن عقده‌هایی که منجر به اختلافات می‌گردد، خودپرستی و خودمحوری است و این لازم به اندازه‌ای است که آن حضرت از اختلاف نیروها به اختلاف هوس‌ها تعبیر می‌فرماید و خودمحوری و خودپرستی را بزرگترین خطری می‌داند که هویّت جامعه اسلامی و پیشرفت آن را تهدید می‌کند.[۲] از این‌رو، برای مقابله با این آفت و ریشه‌های اختلاف‌سازان، همه مسلمانان لازم است که به مقابله و پیکار علیه خودپرستی به پا خیزند؛ زیرا جهاد و مبارزه با دشمنان بیرونی فقط سبب پیروزی یک انقلاب یا نظام می‌گردد و آن‌چه باعث تداوم و ماندگاری این یک نظام می‌شود، چیزی جز مبارزه با دشمن درونی نیست. بر همین اساس پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به‌گروهی از مسلمانان که پیروزمندانه از میدان جنگ برگشته بودند، فرمودند:

«آفرین برگروهی که جهادکوچک‌تر راانجام داده وجهاد بزرگ‌تر هنوز بر آنان باقی است».

و هنگامی که از ایشان سؤال شد که جهاد بزرگ‌تر کدام است؟ فرمودند:

«جهاد با نفس».[۳]

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«اعملوا ان جهاد الاکبر، جهاد النفس فاشتغلوا بجهاد انفسکم تسعدوا».[۴]

بدانید که بزرگ‌ترین جهاد، مبارزه با نفس است، پس به جهاد خویش اشتغال ورزید تا سعادتمند شوید.

---

۱. همان، ص ۲۱۲.

۲. رمز تداوم انقلاب در نهج‌البلاغه، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۷.

۳. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۲.

۴. غرر الحکم.

۳ ـ جهل و کج فهمی معارف عالیه اسلام

یکی از بزرگ‌ترین عوامل اختلاف، و علة‌العلل دشمنی‌ها و تفرقه‌ها، جهل مسلمانان نسبت با هم معارف عالیه اسلام راستین است؛ جهل به عقائد و احکام مذاهب اسلامی و جهل به تاریخ اسلام، سنّت معمول هنگام نزول وحی را از خاطرها محو نموده است و منشأ فتنه‌ها و بدعت‌ها را در ابهام نگه داشته است.

جهل پیروان مذاهب از مذاهب دیگر، جهل جناح‌های سیاسی و اقلیّت‌های مذهبی از ایده و مسلک یکدیگر، باعث بدگمانی‌ها و تهمت‌های زیادی نسبت به هم، دشمنی و صف‌آرایی در مقابل یکدیگر و پندارهای نادرست در پیدایش مذاهب یکدیگر گردیده است.

آری؛ کج فهمی‌ها و دور شدن مسلمانان از معارف اسلامی، بلای عمده و ریشه همه بدبختی‌های آنان است. متفکر شهید، استاد مطهری﵀ تحت عنوان «انحطاط مسلمین در عصر حاضر» می‌فرماید:

«در میان کشورهای دنیا به استثنای بعضی کشورها، کشورهای اسلامی، عقب مانده‌ترین و منحط‌ترین کشورها هستند. نه تنها در صنعت عقب هستند، در علم... در اخلاق در انسانیت و معنویت [نیز] عقب هستند. چرا؟... باید اعتراف کنیم که حقیقت اسلام به صورت اصلی در مغز و روح ما، موجود نیست، بلکه این فکر، اغلب در مغزهای ما به صورت مسخ شده موجود است... فکر دینی ما باید اصلاح شود. تفکر ما درباره غلط است... .

ما قبل از این که بخواهیم درباره دیگران فکر کنیم که آنها مسلمان شوند، باید درباره خود فکر کنیم. چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام...؛ البته این را نمی‌خواهم بگویم و شما را به غلط بیندارم که استعمار و استثمار، ما را به این حالت در آورده است. نه، ما قبلاً

به این حالت درآمدیم، آنها امروز، ما را به این حالت نگه می‌دارند و علّت مبقیّه ما هستند. وگرنه ما، قبل از این که استعمار و استثماری بیاید، افکاری... تدریجاً در ما پیدا شد و ما را به این حالت در آورد... .

حدیث معروفی است «**اذا ظهرت البدع، فعلی العالم ان یظهر علمه و الّا فعلیه لعنة اللّه**»، اگر بدعت‌ها پیدا شود (بدعت، یعنی آن چیزی که جزء دین نیست ولی نام دین به خودش گرفته است و مردم خیال می‌کنند، از دین است)... در میان مردم، بر داناست که اظهار بکند و بگوید. این حدیث شریف، وظیفه احیاء دین را، که در درجه اوّل برعهده علما است بیان می‌کند، از راه مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌ها. امیدورایم از مجموع آن‌چه گفته شد، بتوانم نتیجه بگیریم که ما اکنون بیش از هر چیزی، نیازمند به یک رستاخیز دینی و اسلامی، به یک احیاء تفکّر دینی، به یک نهضت روشنگر اسلامی...».[۱]

مخاطب سخن استاد شهید رحمه‌الله، همه مسلمانان علماء و فرق مختلف اسلامی است. با توجه با این سخنان، احیاء فکر دینی در تمام مجامع دینی و اسلامی ضروری است. البتّه تذکر این نکته لازم است که این نقل قول به معنای انکار تلاش رهبران و دردمندان نیست. امّا باید پذیرفت که علی رغم همه تلاش وکوشش‌های در خور ستایش، هنوز هم بنای فکر دینی، تحوّل لازم را تجربه نکرده است.

۴ ـ کینه‌ورزی و عقده‌های شخصی

یکی از عواملی که موجب ایجاد اختلاف در جوامع اسلامی می‌شود، کینه‌ورزی‌های شخصی و عقده‌ها می‌باشد که نمونه افرادی که به این دلیل از صفوف مسلمانان جداگشته و در مقابل حق

---

۱ . ده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۱۴۴ ـ ۱۵۱ .

ایستاده‌اند در تاریخ اسلام فراوان است. از جمله: هنگامی که رسول اکرمﷺ آن‌چه بدان مأمور بود در «غدیر خم» اعلام نمود و این امر در بلاد شایع گشت. «نصر بن حارث کاده عبدی»، از این موضوع آگاه شد؛ از این‌رو، به محضر رسول خداﷺ آمد و گفت: از سوی خدا امر کردی که گواهی به خدا و رسالت تو بدهیم، و نماز و روزه و حجّ و زکات را بجا آوریم، همه را از تو پذیرفتیم و قبول نمودیم. حال به این‌ها اکتفا ننمودی و باز دست پسر عمّت را گرفته، و بلند نمودی و بر ما برتری دادی و گفتی: «**من کنت مولاه، فعلی مولاه**» آیا این امر توست یا از جانب خدا می‌باشد؟! حضرت فرمود: قسم به خدایی که جز او معبودی نیست. این امر از جانب خداوند است.» وی پس از شنیدن این سخن به طرف شتر خویش رفت، در حالی که می‌گفت: «خدایا! اگر آنچه محمدﷺ می‌گوید، راست و حق است، بر ما سنگی ببار و یا عذابی دردناک به ما برسان.» هنوز به شتر خویش نرسیده بود که سنگی از آسمان فرود آمد و او را به هلاکت رساند و خداوند متعال این آیه را نازل نمود: ﴿**سأل سائل بعذاب واقع**﴾ که به اعتقاد علمای شیعه و جمعی از علمای اهل‌سنّت این آیه از قضیه غدیر و در این خصوص نازل شده است».(۱)

همچنین در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام نیز نمونه‌های بسیار می‌توان یافت که وجود عقده‌ها و کینه‌های شخصی در افراد سبب جبهه‌گیری آنها در مقابل حضرت شده بود. کسانی که دل‌هایشان مالامال از حقد و کینه نسبت به امام علی علیه‌السلام به خاطر جنگ‌های بدر، خیبر، حنین و غیره بود. آنها به بهانه‌های مختلف از حق جداگشته و در مقابل آن حضرت جبهه‌گیری نمودند. چنان‌که در دعای ندبه می‌خوانیم:

«فاودع قلوبهم احقادا بدریة و خیبریة و حنبینیة و غیر هن فاضبت علی عداوته و اکبّت علی منابذته».

از این‌رو، وجود حقد و کینه سبب می‌شود که افراد حق را نادیده گرفته و در مقابل آن جبهه‌گیری نمایند.

---

۱. الغدیر، ترجمه: محمد تقی واحدی، ج ۲، ص ۱۲۷ ـ ۱۲۸.

ناگفته نماند در نظام انقلاب اسلامی ما نیز این امر محسوس است؛ زیرا شاهدیم افرادی را که از انقلاب زخمی خورده و یا کینه‌ای در دل داشته و یا خواهان مسئولیتی بوده ولی بدان نرسیده‌اند، چگونه با اعمال و رفتار و قلم‌های زهرآگین خویش خواسته و یا ناخواسته به اتّحاد و همبستگی ملّی صدمه می‌رسانند و باعث ایجاد اختلاف در جامعه اسلامی می‌گردند؛ به‌طوری که حتّی رادیوهای بیگانه از آنان تمجید می‌نمایند. مقام معظم رهبری (ادام‌الله‌ظله العالی) در این باره می‌فرمایند:

«این افراد مختلفند. برخی‌ها عقده‌هایی دارند، بعضی‌ها کینه‌ای دارند، بعضی‌ها گله‌ای از کسی دارند. برای خاطر دستمالی قیصریه را آتش می‌زنند، برای خاطر دشمنی و یک کینه شخصی و یک محرومیّت از فلان مسئولیّت که مایل بود به او بدهند، و مثلاً دادن نشده، برای خاطر یک اشتباه در فهم می‌بینند حرفی می‌زنند اقدامی می‌کنند که در خدمت دشمن قرار می‌گیرند».(۱)

۵ ـ ریاست‌طلبی و دنیاگرایی

دنیاگرایی یکی از آفات اساسی است که به ویژه خواصّ یک جامعه را در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ به طوری که به خاطر منافع شخصی، از قبیل مال‌پرستی، ریاست‌طلبی و... افراد، خود را در مقابل حق داده و حتّی با جمع‌آوری عدّه و عُدّه برای نیل به امیال شیطانی خویش تلاش می‌نمایند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بزرگ‌ترین نگرانی امّت خویش را دنیاپرستی عنوان نموده و می‌فرماید:

«ان اکثر ما اخاف علیکم ما یخرج الله لکم من برکات الارض».(۲)

---

۱ . روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸/۹/۲۷ .

۲ . محجة البیضاء، ص ۳۵۸ .

بیشترین نگرانی من بر شما، از برکاتی است که خداوند از زمین بر شما عنایت می‌دارد. از حضرت پرسیدند که منظورتان از برکات چیست؟ فرمود: «زهرة الدنیا» زیبایی دنیا. همچنین امام علی علیه‌السلام، دنیاگرایی را اساس و ریشه همه مشکلات معرفی می‌نمایند:

«**حب الدنیا رأس الفتن و اصل المحن**».(۱)

با مراجعه به تاریخ اسلام به روشنی می‌توان دریافت که چگونه گرایش خواصّ جامعه اسلامی به دنیا باعث اختلاف و تضییع حقوق گردید. به عنوان مثال می‌توان به ریاست‌طلبی طلحه و زبیر اشاره نمود، هنگامی که به انگیزه رسیدن به ریاست با حضرت علی علیه‌السلام بیعت نمودند، ولی از آن حضرت جواب منفی شنیدند. از این‌رو، سر به شورش برآورده و با ایجاد جنگ جمل، در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد نمودند.

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد:

«طلحه و زبیر به هوس کوفه با علی علیه‌السلام بیعت کردند، ولی آن‌گاه که پایداری حضرت را در این تصمیم، محکم و سازش‌ناپذیری وی را مشاهده کردند که آن حضرت مصمّم است خطّ اصلی حکومتی‌اش را بر مبنای کتاب و سنّت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار دهد، سر به شورش برداشتند».(۲)

در واقعه کربلا نیز دنیاپرستی کوفیان جلوه‌گر است؛ به‌طوری که عدّه‌ای به جهت عشق به دنیا، مال و مقام و... در مقابل عطایا و پست‌ها و مناصب پیشنهادی از سوی دستگاه یزیدی، از حق روی گرداندند و بیعت با امام حسین علیه‌السلام را شکستند و به جنگ با او برخاستند.

آری؛ «حبّ دنیا منشأ همه بدی‌هاست» آفتی که انقلاب اسلامی ما را نیز در معرض تهدید خویش قرار داده است؛ به طوری که مقام معظم رهبری بارها و با ذکر موارد تاریخی همه اقشار و به ویژه مسئولیت را به آن توجّه داده‌اند؛ زیرا این دنیاگرایی‌ها و ریاست‌طلبی‌ها است

---

۱. غرر الحکم.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۰.

که باعث می‌شود افراد بجز منافع شخصی، به چیزی ننگرند و هنگامی که افراد فقط در پی کسب ریاست، جناح‌بازی، مال و... باشند و برای دستیابی به آن به هر عملی اقدام نمایند، بدون آن‌که به مسائلی، چون «دین»، «قانون» و «رهبری» ـ که محورهای وحدت در جامعه اسلامی هستند توجّه نمایند، بی‌تردید اتّحاد و انسجام ملّی و اسلامی در جامعه دچار بحران شده و «اختلاف» در کشور حاکم می‌گردد که ثمرّه آن جز از هم پاشیدگی نظام و... نمی‌باشد.

۶ ـ سست عهدی و پیمان‌شکنی

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«**لاتعتمد علی مودّة من لایوفی بعهده**».(۱)

«به دوستی کسی که به پیمانش وفا نکند، اعتماد مکن».

و همچنین می‌فرماید:

«**غش الصدیق و الغدر بالمواثیق، من خیانة العهد**».(۲)

«دغلبازی با دوست و خیانت در قرار دادها، از خیانت در پیمان‌هاست».(۳)

معلوم است که مقصود از پیمان‌شکنی، نقص آن، بدون مجوّز عقلی است. در اینجاست که دغلبازی هم، نقض عهد شمرده می‌شود و عاملی است برای جدایی و اختلاف.

---

۱. تصنیف غرر الحکم، حدیث ۹۵۶۲.

۲. همان، حدیث ۹۵۹۹.

۳. همان، حدیث ۹۵۹۹.

۷ ـ تمسخر و تخاطب به القاب و اسمی زشت

دشنام دادن و ریشخند کردن، یکی از خوهای زشت است که در طبیعت آدمی نهفته است و اگر تربیت اخلاقی آن را مهار نکند، موجب آزار دیگران خواهد گردید؛ استهزاء و ریشخند کردن و گذشته زشت را به یادکسی آوردن، موجب تحقیر او، و از عوامل جدایی مسلمانان از یکدیگر است و از این‌رو، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿یـاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا لا یَسخَر قَومٌ مِن قَومٍ عَسیٰ اَن یَکونوا خَیرًا مِنهُم ولا نِساءٌ مِن نِساءٍ عَسیٰ اَن یَکُنَّ خَیرًا مِنهُنَّ...﴾.[۱]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از این‌ها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر شاید آنان بهتر از اینان باشند...».

از ابن‌عباس نقل شده که این آیه شریفه درباره «ثابت بن قیس» نازل شده است که گوش‌هایش سنگین بود، و هنگامی که وارد مسجد می‌شد کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای او جائی باز می‌کردند، تا سخن حضرت را بشنود.

روزی دیر رسید و مردم انبوه شده بودند؛ ثابت پا بر گردن مردم می‌نهاد و می‌گفت: «تفسَّحوا»، راه بدهید! راه بدهید! تا به یکی از مسلمانان رسید، و او گفت همین جا بنشین! چرا نمی‌شینی؟ ثابت در خشم شد و گفت تو پسر فلانه نیستی؟ و آن زن در جاهلیّت بدنام بود. آن مرد شرمگین شد و سر خود را بزیر انداخت، و این آیه شریفه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید[۲] و مسلمانان را از این‌گونه کارهای زشت که باعث قطع همبستگی و اختلاف است، نهی کرد.

این آیه شریفه همه مؤمنان، اعم از مردان و زنان را مورد خطاب قرار داده و به آنها هشدار می‌دهد که از این عمل زشت (تمسخر) بپرهیزند؛ زیرا سرچشمه استهزاء و سخریه همان حس

---

۱. حجرات: ۱۱.

۲. کشف الاسرار، ج ۹، ص ۲۵۹.

خود برتربینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از اختلافات و جنگ‌های خونین در طول تاریخ بوده است. قرآن کریم در ادامه این توصیه‌های اخلاقی می‌فرماید:

﴿ولا تَلمِزُوا اَنفُسَکُم ولا تَنابَزُوا بِالاَلقـٰبِ بِئسَ الِاسمُ الفُسوقُ بَعدَ الایمـٰنِ﴾.(۱)

«یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان، نام کفر بگذارید».

بسیاری از افراد بی‌بند و بار درگذشته و حال اصرار داشته و دارند که بر دیگران القاب زشتی بگذارند، و از این طریق آنها را تحقیر کنند، شخصیت‌شان را بکوبند، و یا احیاناً از آن انتقام گیرند، و یا اگر کسی سوء سابقه داشته است، سپس توبه کرده و کاملاً پاک شده باز هم لقبی که بازگو کننده وضع سابق‌اش باشد را بر او بگذارند. اسلام صریحاً از این عمل زشت نهی می‌کند، و هر اسم و لقبی راکه کوچک‌ترین مفهوم نامطلوبی دارد و مایه تحقیر مسلمانی است، نهی نموده است؛ زیرا موجب درگیری و اختلاف مسلمین است. البته عوامل اختلاف وتفرقه بیش‌ازاین‌هاست. عواملی، همچون‌خصلت‌های سرکش وتمایل‌به‌تجاوزگری‌انسان(۲)، دسائس استعمارگران و... که در این نوشتار سعی شده به مهم‌ترین عوامل اختلاف اشاره شود.

پیامدهای ناگوار اختلافات

در قرآن کریم و روایات اسلامی، مطالب فراوانی در مورد زیان‌های اختلاف وجود دارد. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید:

﴿... ولا تَنـٰزَعوا فَتَفشَلوا وتَذهَبَ ریحُکُم واصبِروا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّـٰبِرین﴾.(۳)

---

۱. حجرات: ۱۱.

۲. آل‌عمران: ۱۹؛ شوری: ۱۴.

۳. انفال: ۴۶.

«... نزاع [و کشمکش] نکنید تا سست نشوید و قدرت [و شوکت و هیبت] شما از بین نرود و استقامت نمائید که خداوند با استقامت‌کنندگان است».

در آیات پیشین این سوره، قرآن کریم ثبات و به یاد خدا بودن را دو سبب از اسباب معنوی پیروزی برشمرده است و بلا فاصله دستور «**اطیعوا اللّه و رسوله...**» را صادر کرده و در واقع، اطاعت از خدا و فرمانبرداری از دستورات او را در جنگ و غیرجنگ و نیز اطاعت رسولش[۱] در اوامر و نواحی را، از ارکان اساسی پیروزی دانسته است. خداوند بلافاصله در این آیه شریفه فرمود: «**و لاتنازعوا فتفشلوا...**» فعل را به صیغه نهی بیان فرمود تا به اهمیّت مطلب (اختلاف و نزاع و کشمکش) در میان مسلمانان که سبب ضعف آنان می‌شود و عزّت و شوکت آنان را از میان می‌برد... به خوبی تأکید نموده باشد.

واژه «تنازع» از «نزع» است و نزع به معنای براندازی و برکندن است. چنان که در تفسیر المنار آمده است: تنازع، هم چون «منازعه»، مشارکت در نزع است؛ یعنی جذب و اخذ شئی به شدّت یا نرمی، مانند نزع روح از جسد. در واقع هر یک از متنازعین می‌خواهد آن‌چه را که دیگری، دارد از او بگیرد.[۲] تنازع بدین معناست که دو نفر که از نظر فکر و سلیقه و... اختلاف دارند، در مقابل هم موضع‌گیری کرده و یکدیگر را بکوبند تا این که یکی از آن دو بر دیگری پیروز گردد و معلوم است که ثمره‌اش جز پراکندگی و سستی و ضعف چیز دیگری نیست؛ از این‌رو، خداوند دستور داده که از پراکندگی و نزاع اجتناب کنید؛ زیرا در غیر این صورت، سست و ضعیف و ناتوان می‌شوید (فتفشلوا) و در نتیجه، قدرت و عظمت شما از میان می‌رود.

جمله «**و تذهب ریحکم**» یعنی «**تذهب قوّتکم**»؛ زیرا وقتی نیرو کم شد، دشمن غلبه

---

۱. نویسنده تفسیر المنار، ج ۸، ص ۲۴ نوشته است: عدم اطاعت از دستور رسول اکرمﷺ را در میدان جنگ احد، مسلمانان دیدند و «نالوا ما نالوا منهم...».

۲. ر.ک: تفسیر المنار، ج ۸، ص ۲۵.

می‌کند.و در واقع «ریح» که در این جا استعاره است برای قوت و نیرو از بین می‌رود.[۱]

در تفسیر نمونه آمده است:

«ریح، به معنای باد است و این که می‌فرماید: اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می‌شوید و در پی آن، باد شما را از میان خواهد برد، اشاره لطیفی به این معناست که «قوّت و عظمت» و جریان امور بر وفق مرادتان از میان خواهد رفت».[۲]

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام به روشنی می توان دریافت که ضعف و انحطاط مسلمانان در اثر اختلاف و تفرقه و فراموش کردن ارزشهای اصیل اسلامی به وجود آمد. در اثر نزاع و کشمکش، ضربه‌هایی سهمگین بر پیکر اسلام وارد آمد و امّت بزرگ و نیرومند اسلام به ملّت‌های کوچک و ضعیف تبدیل شد. در اثر اختلاف بود که کشور بزرگ و نیرومند «اندلس» از لیست کشورهای اسلامی حذف شد و در اثر اختلاف است که کشور فلسطین نیز دچار بحران شده و ساکنین مسلمان این کشور، آواره شده‌اند و لبنان مورد تهاجم اسرائیل غاصب قرار می‌گیرد و کشور افغانستان و عراق در بحران جنایات درد منشانه آمریکا بسر می‌برد. بر همین اساس است که امام علی ﷺ بالاترین عامل شکست و ذلت و سقوط امّت اسلامی را تفرقه و اختلاف دانسته و با کمال صراحت، فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکن را مستوجب قتل می‌داند، و نه تنها تفرقه‌افکن عینی و موجود را سزاوار چنین عقوبتی می‌داند، بلکه حتی کسی را که شعار تفرقه دهد و قدم نخستین شقّ عصای مسلمانان را بر دارد، سزاوار قتل می‌داند. چنان‌که در فرازی از یکی از خطبه‌هایش خطاب به مسلمانان چنین می‌فرماید:

«وَ اَلزَمُوا السَّواد الاَعظم، فَاِنَّ یَدَاللّهِ مَعَ الجَماعَه، وَ اِیّاکُم وَ الفُرقَه، فَاِنَّ الشّاد مِن النّاس لِلشیطان، کَما اَنَّ الشّاد مِن الغَنَمِ لِلذّئب».[۳]

---

۱. همان، ج ۵، ص ۲۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۶.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، خ ۱۲۷.

«به جمعیّت عظیم مسلمانان بپیوندید، که دست خدا [قدرت و عنایت خدا] با جماعت است، و از پراکندگی دوری کنید؛ زیرا آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان‌که گوسفند از گله درمانده نصیب گرگ بیابان است».

امام علی علیه‌السلام به قدری نسبت به گروه خوارج که موجب تفرقه در میان سپاه آن حضرت شدند و با شعارهای فریبنده برای خود دسته جدا کرده بودند، اظهار بیزاری نموده و می‌فرماید:

«اَلامَنْ دَعا اِلی هذا الشّعارِ فَاقْتُلُوا و لو کانَ تَحتَ عِمامَتی هذه».[1]

«آگاه باشید! کسی که به این شعار (اغواگر و تفرقه‌افکن خوارج) دعوت کند، گر چه در زیر عمامه من پناه آورده باشد، او را بکشید».

پیداست که شعار تفرقه موجب فتنه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «**و الفتنة اشدُّ من القتل**»؛[2] یعنی فتنه‌انگیزی از کشتن بدتر است؛ زیرا فتنه‌انگیزی ـ چنان‌که در ابتدای این مبحث گذشت ـ موجب سستی و از بین رفتن نیروها و در نتیجه غلبه دشمن می‌شود. در اثر اختلاف و نزاع، تمامی وقت مسلمانان گرفته شده و فرصت تفکر و عمل برای اهداف اصلی از ایشان سلب می‌گردد، در تمام دوران زندگی، مسائل اصلی، در حاشیه و مسائل فرعی، در متن زندگی قرار می‌گیرد. رقبا در همه زمینه‌ها، مسلمانان پیشی گرفته و در حقیقت، بدون درگیری‌های زاید، بر مسلمانان مسلط می‌شوند. طبیعت انسانی این‌گونه است که توانایی توجه به چند امر را به صورت مداوم ندارند. وقتی این فرقه مسلمان، تمام همتّش را درکوبیدن فرقه دیگر مصرف می‌دارد و در مقابل، رقیب اصلی ایشان، یعنی آن که اصول هر دو فرقه را برخلاف عقاید و اهداف خویش می‌بیند، طلایی‌ترین فرصت را پیداکرده و از غفلت حاصله برای رقبا، بیشترین

---

۱. همان، خ ۱۲۷.

۲. بقره: ۱۹۱.

استفاده برده و به تحکیم خویش می‌پردازد. گاه این درگیری‌های فرعی، به اشتباه، اصلی شمرده شده و گروه‌ها و احزاب مختلف که در اصول اعتقادات و اهداف اولیه مشترکند، یکدیگر را خطرناکتر از رقیب اصلی معرفی می‌نمایند و امنیّت کامل را به دشمن حقیقی می‌بخشد و در مقابل، ناامنی بی‌حد و حصری را برای افراد مختلف پای‌بند به اساس دین و نظام اسلامی، به ارمغان می‌آورند و این فاجعه‌ای است بزرگ که در سخنان گوهربار حضرات معصومان علیهم‌السلام از آن به تبدیل معروف به منکر و منکر به معروف یاد شده است؛ یعنی مشاهده می‌شود که افرادی (جناح و حزبی) برای کوبیدن (ترور شخصیت) فرد یا گروهی از مسلمانان، با دشمن اسلام و مقدسات پیمان می‌بندند. حال آن که دستور صریح شریعت نجات بخش اسلام که به کرّات و با الفاظ گوناگون بیان شده این است که:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افراد کافر [معاند] را به جای مؤمنین راستین، دوست خود قرار ندهید...».(۱)

امروزه انحطاط مسلمین از اختلاف دیرینه‌ای است که کمتر کسی در فکر علاج آن برآمده است. جوامع مسلمان هنوز به خود نیامده‌اند و بر نقاط اختلافی و نزاع‌انگیز، بیشتر پای می‌فشارند و این بیماری روانی، بیشتر محتاج علاج است تا بیماری‌های جسمی. این که دمیدن در کوره اختلاف، احساس شعف و گاه احساس پیروزی بشود، یک بیماری خطرناکی است که طبیبان حاذق را می‌طلبد تا پس از مدت‌ها تلاش و تلقین و پالایش متون فرهنگی، سلامت را به جامعه اسلامی برگردانند.

راهکارهای تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی

با توجه به مطالب یاد شده باید گفت شعار «اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی» کلیدی اساسی و نقطه عطفی برای ادامه بیداری و خیزش اسلامی است در این پیام رهبر فرزانه، وحدت در درجه نخست برای مسئولان نظام و فرهیختگان، اعم از دانشگاه و حوزه، همچنین فقها و نخبگان

---

۱. نساء: ۱۴۴.

و تمام کسانی که به نوعی با تربیون‌ها، کلاس‌ها و مجامع علمی و مراکز تبلیغی و فرهنگ سر و کار دارند، تعهدآور است؛ زیرا اندیشمندان جامعه و مجموعه افراد و سازمان‌هایی که به نوعی در هدایت فکری و سیاسی جامعه نقش دارند، می‌توانند تأثیرات به سزایی در تحقق این شعار داشته باشند، پس باید در عملکردهایشان مصالح ملّی را در نظر گرفته و مصالح شخصی و حزبی را فدای مصالح ملّی نکنند.

آنان مظّفند که بدور از هرگونه گرایش سیاسی، نکات تاریخی و فرهنگ کشورمان را به خوبی بشناسند و نقاط مشترک موجود را در میان گروه‌های مختلف رواج دهند. هر چند می‌دانیم که در جامعه فرهنگی متنوع ایرانی ـ اسلامی خرده فرهنگ‌های موجود، هویّت خویش را تعریف کرده و در عین حال با این فرهنگ بزرگ نیز همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب، گیلک، لک، ترکمن و... همه ایرانی‌اند و مسلمان و هویّت برتر خود را در ایران اسلامی جستجو می‌کنند و در این میان باید به این نتیجه مهم توجّه داشت که بی‌گمان توازن میان خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ ملّی، محصول بزرگی به نام اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی به همراه خواهد داشت.

شعار محوری سال ۱۳۸۶ دارای دو بخش اساسی است:

الف) اتّحاد ملی؛

ب) انسجام اسلامی.

در بخش اتّحاد ملّی ابتدا باید ضمن شناسایی عوامل همگرایی، موانع را نیز برطرف کرد موانعی، هم چون عدم وجود تساهل و مدارا، نبود فرهنگ رقابت سالم، حزب‌گرائی و عدم توجّه به منافع ملّی، عدم مشارکت مسئولانه مردم در امور کشور، فردگرایی منفی، یعنی توجّه به منافع فردی، همگی از عواملی‌اند که بر روند مثبت وحدت ملّی تأثیر گذارند.

ایران اسلامی متعلّق به همه ایرانیان است از همه قوم و هر نژاد و هر زبان و در سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی توجّه به حفظ حرمت اقوام مختلف اصیل ایرانی و جلوگیری از ایجاد فتنه و اختلاف بین اقوام از جمله ضروریّات حکومت اسلامی است. از این رو؛ تلاش در جهت

نهادینه ساختن ارزش‌های عام و مشترک میان اقشار و خرده فرهنگ‌های مختلف، تمرکززدایی از دولت و واگذاری امور به مردم در راستای مشارکت آنها رد نهادهای برنامه‌ریزی و...، گسترش عدالت اجتماعی و... راهکارهایی است که می‌توانند ما را در مسیر تحقق وحدت و اتّحاد ملّی یاری دهد.

اما در بخش دوّم یعنی، انسجام اسلامی، باید گفت: با توجّه به توطئه‌های پی‌درپی استکبار جهانی برای ایجاد اختلاف و تفرقه نژادی ـ مذهبی و ملّی بین کشورهای اسلامی شعار «انسجام اسلامی» حساسیت ویژه یا پیدا می‌کند.

دشمنان اسلام زمانی می‌توانند بر دولت‌ها و ملت‌های مسلمان چیره شوند که دنیای اسلام به جای توجّه به وجوه اشتراک، به سمت نقاط افتراق و اختلاف حرکت کند. بنابراین، احترام به مشترکات از جمله عوامل تحقق اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی است.

راهبردهای عملی برای تحقق انسجام اسلامی

۱ ـ فلسطین یک اصل مشترک بین تمامی کشورهای اسلامی است و می‌تواند یکی از محورهای انسجام اسلامی قرار گیرد؛

۲ ـ تلاش در جهت وحدت رسانه‌ای و تبلیغاتی جهان اسلام؛

۳ ـ بهره‌گیری شایسته از مراسم عبادی، سیاسی حج؛

۴ ـ بهره‌گیری شایسته از مجامع و سازمان‌های اسلامی در راستای انسجام اسلامی، هم‌چون سازمان کنفرانس اسلامی و... ؛

۵ ـ توجّه و تأکید بر مشترکات مذهبی و احترام به اندیشه‌های هر یک از مذاهب؛

۶ ـ ایجاد فضای گفتگو میان علمای فرق مختلف اسلامی با هدف تحقق انسجام اسلامی.

نتیجه بحث

از مطالب یاد شده در می‌یابیم که در سنّت ادیان توحیدی، «خدای یگانه» امّت مؤمن خود را نیز به «وحدت» و یک‌پارچگی و دوری از تفرقه فرا می‌خواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز که آخرین پیام‌آور در این سنت الهی است، رسالت خویش را بر بستر اتّحاد مؤمنان و ایمان آورندگان عملی ساخت. توصیه‌های مکرر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به رعایت «برادری» و «وحدت» و تأکید براین امر که برتری افراد به یکدیگر تنها در «تقوای» آنان است، حاکی از اهمیّت حفظ یکپارچگی و اتّحاد بین مسلمانان است. براین اساس، امّت واحده و بزرگ اسلامی برای تحقّق فرمان الهی و دستورات پیامبر خود و با اعتقاد به «**ید اللّه مع الجماعه**» حول اصول مشترکی چون توحید؛ ابعاد جهانی اسلام؛ قرآن کریم؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم؛ مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه؛ منافع مشترک: ارزش‌ها: حکومت و رهبری و...، گرد هم آمده‌اند.

این ایمان و اتّحاد امّت بود که مسلمانان را چنان تربیت کرده بود که فارغ از هر نوع دسته‌بندی و قوم‌سالاری، تحت لوای نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، برای اعتلای کلمه «**لا اله الا اللّه**» جانفشانی می‌نمودند و به برکت همین وحدت و انسجام اسلامی بود که خداوند پیروزی‌های روزافزون را بر مسلمانان عنایت می‌داشت. بنابراین، اتّحاد ملی و انسجام اسلامی رمز پیروزی و یک قانون عام و قطعی است؛ به طوری که اگر در جبهه حق «اختلاف» و در جبهه باطل «اتّحاد» حکمفرما باشد، به یقین، پیروزی از آن اهل باطل خواهد بود.

امروزه، انحطاط مسلمین از اختلاف دیرینه‌ای است که کمتر کسی در فکر علاج آن برآمده است. جوامع مسلمان هنوز به خود نیامده‌اند و بر نقاط اختلافی و نزاع‌انگیز، بیشتر پای می‌فشارد و این بیماری روانی، بیشتر محتاج علاج است تا بیماری‌های جسمی. این که از دمیدین در کوره اختلاف، احساس شعف و گاه احساس پیروزی بشود، یک بیماری خطرناکی است که طبیبان حاذق را می‌طلبد تا پس از مدت‌ها تلاش و تلقین و پالایش متون فرهنگی، سلامت را جامعه اسلامی برگردانند.

ناگفته پیداست که اختلاف و ناآگاهی مسلمین سبب سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی شده و شؤون اقتصادی و فرهنگی آنان را قبضه کرده است و ذخائر آن را غارت می‌کند؛ در حالی که مسلمانان موقعیت‌های جمعیتی و منطقه‌ای ممتازی دارند و از نظر طبیعی در شرایط خوبی بسر می‌برند و نیز از لحاظ استراتژیک در حساس‌ترین مناطق جهان زندگی می‌کنند و با سابقه‌ترین تاریخ و تمدّن و دانش را دارند. مهم‌تر از همه، باداشتن دین مشترک اسلام و کتاب قرآن کریم که می‌تواند جهان انسانیّت را به سعادت و کمال رهنمون گردد. بنابراین، کشورهای اسلامی و در صدر آنها جمهوری اسلامی ایران که بزرگ رهرو دولت کریمه است، باید برای محو استکبار جهانی و فرزند نامشروع وی (اسرائیل خون آشام) یدِ واحده شوند و در صدد زدودن طرح‌ها و نقشه‌های آنان را برآیند و با توجه به اوضاع کنونی جهان، مسئله اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی دینی میان مسلمین از ضروری‌ترین مسائل جهان اسلام است.

به امید آن روز که همه مسلمانان در حول دو یادگار وگوهر ارزشمند پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که همان قرآن و عترت پاکش می‌باشند گردآیند و بر تمام مشکلات غلبه نماید.

رابطه اخلاق دینی و انسجام در احادیث معصومین علیهم‌السلام

علیجان حسنی

مقدمه

در آغاز سال ۱۳۸۶ هجری شمسی ولی‌امر مسلمین جهان حضرت آیة الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با درایت و تدبیر والای خود این سال را سال «**اتحّاد ملی و انسجام اسلامی**» نامیدند، باتوجه به‌تحولات منطقه و فتنه‌انگیزی‌ها و تهدیدهای استکبار جهانی این نام‌گذاری بسیار بجا و مناسب بود. در شرایط فعلی یکی از ضروریات جهان اسلام و تنها راهکار برای مقابله با ابزارهای گوناگون تخریبی دشمن انسجام امت اسلام حول مشترکات‌شان می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با این نام‌گذاری، اذهان علما و دانشمندان اسلامی را متوجه مسئولیت خطیری نمود که قرآن‌کریم و ائمه معصومین علیهم‌السلام روی آن تأکید فراوان داشته است.

این مقاله با بررسی «**رابطه اخلاق دینی و انسجام اسلامی**» درصدد آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که: آیا لازمه متصف بودن به اخلاق دینی منسجم بودن به انسجام اسلامی است؟

در خاتمه این مقاله این فرضیه به اثبات رسیده است که لازمه متخلق بودن به اخلاق دینی و مؤدب بودن به آداب دینی، منسجم بودن به انسجام اسلامی است.

فصل اول
کلیات

در این فصل به آن‌چه که مقدمتاً برای ورود به بحث اصلی لازم است اشاره می‌نمائیم مانند ضرورت مسابقه و ویژگی‌های انسجام اسلامی، مطالب و موضوعاتی که دانستن آن‌ها در فهم این مقاله مفید واقع می‌شود در این فصل مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱ . کلید واژه‌ها

الف ـ انسجام اسلامی

یکی از واژگان اصلی که در این مقاله بکار برده شده است واژه «انسجام اسلامی» است. انسجام اسلامی به معنای اتّحاد، یکپارچگی، برادری، صمیمت، دوستی، همزیستی، عدم نزاع و دوری از تفرقه و جدایی همه مسلمانان است، از آنجایی که عامل تقرب و نزدیکی مسلمانان، اسلام و دین است لذا این‌گونه اتحاد و همگرائی منسوب به اسلام است و اسلامی خوانده می‌شود.

انسجام اسلامی دارای ویژگی‌های است که بعداً به آنها اشاره خواهد شد، فرق انسجام اسلامی با اتّحاد اسلامی این است که اتحاد به جنبه تعاملات داخلی و روابط بینابین عنایت دارد در حالی‌که انسجام اسلامی به گروه‌های خارجی وصف آرائی یک‌پارچه مسلمانان در برابر قدرت‌های غیراسلامی نیز اشاره دارد.

ب ـ اخلاق دینی

دومین واژه که باید قبل از وارد شدن به بحث اصلی در مورد آن توضیح داده شود واژه «اخلاق دینی» است، اخلاق دینی در این مقاله به معنای آداب زندگی، معاشرت و تعامل با دیگران از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام است اخلاق دینی به مجموعه اوامر نواهی ائمه و پیشوایان دینی گفته می‌شود که دارای کاربرد دوگانه دنیوی و اخروی است، احادیث اخلاقی راهکارهای

لازم را برای تمام امور زندگی بیان نموده است، تعداد زیادی از آیات قرآن‌کریم و حجم کثیری از احادیث ائمه علیهم‌السلام به بیان اخلاقیات و آداب اجتماعی اشاره دارد، در مجموعه‌های حدیثی، روایاتی که مربوط به آداب اجتماعی است تحت عنوان «کتاب العشره» گرد آوری شده است.

۵ ـ معصومین علیهم‌السلام

واژه سومی که در عنوان این مقاله بکار رفته است کلمه «معصومین» است، مقصود از این کلمه در این‌جا پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوازده امام شیعه می‌باشد. این مقاله سعی دارد با بیان دیدگاه‌های تربیتی و احادیث اجتماعی این بزرگان، کارائی آنها را در زمینه انسجام اسلامی بررسی نماید.

احادیثی که از منابع اهل‌سنت نقل می‌گردد برای تأیید دیدگاه شیعه است و به‌کاربردی بودن دیدگاه شیعه اشاره دارد. به این معنا که اگر موضوعی مورد توافق شیعه و اهل‌سنت باشد زمینه اتّحاد در آن موضوع بیشتر فراهم است و می‌تواند عاملی باشد برای انسجام اسلامی.

۲ ـ انسجام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

اگرچه موضوع اتّحاد مسلمانان سال‌ها است که مطرح می‌باشد و در هر زمانی توسط علما و سردمداران جهان اسلام روی آن تأکید شده است اما طراح نظریه «انسجام اسلامی» به‌شکل جدید، رهبر معظم انقلاب اسلامی است که در پیام نوروزی سال ۱۳۸۶ خود این سال را سال «**اتّحاد ملی و انسجام اسلامی**» نامیدند، ایشان با توجه به مقتضیات امروز جهان اسلام و با درنظر داشتن فتنه‌های استکبار جهانی راه مقابله با توطئه‌های دشمنان را انسجام اسلامی در سطح بین‌الملل می‌دانند، رهبر انقلاب وظیفه مسلمانان را در سطح بین‌الملل «انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه

آنها»[۱] برمی‌شمارد، رهبر انقلاب اسلامی معتقد است علمای جهان اسلام باید منشور انسجام اسلامی را تنظیم نمایند و آن را به مسلمان و پیروان مذاهب اسلامی عرضه نمایند، ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب وابسته به این یا فلان یا آن فرقه اسلامی نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند، تکفیر کند».

رهبر انقلاب تهیه منشور انسجام اسلامی را راهکار مؤثر برای مقابله با توطئه‌های امروز دشمنان می‌داند و خطاب به علما و روشنفکران جهان اسلام می‌فرماید:

«اگر شما این کار را نکنید نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد، می‌بیند دشمنی دشمنان را، می‌بیند تلاش آن‌ها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی».

ولی‌امر مسلمین با اشاره به زمینه‌های عظیم اتحاد مسلمانان، به اشتراکات جوامع اسلامی اشاره کرده می‌فرمایند:

«بنشینید اصول را بر فروع ترجیح دهید، در فروع ممکن است افراد یک مذهب با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند، مانعی ندارد، مشترکاتی بزرگی وجود دارد».

رهبر مسلمانان جهان با اشاره به بحث‌های علمی و نظریه‌پردازی‌های که در بین متخصصان اسلامی وجود دارد آنها را لازمه پیشرفت علم و دانش دانسته به علما توصیه می‌کنند که:

«خواص بین خودشان بحث‌های علمی را بکنند اما به مردم نکشانند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند، دشمنی‌ها را زیاد نکنند».[۲]

---

۱ . پیام نوروزی رهبر انقلاب اسلامی.

۲ . به نقل از سایت دفتر مقام معظم رهبری.

۳ ـ ضرورت انسجام اسلامی

یکی از ویژگی‌های دنیای امروز ما این است که فرهنگ‌ها در مقابل هم قرار گرفته است و عصر آزاد اطلاعات و دانش است، همگان به دانش و عقائد و باورهای دیگران دسترسی دارند و مردم در پذیرش باورهای صحیح مشتاق‌اند. به دلیل همین ویژگی است که اسلام در قرن اخیر نفوذ حیرت‌آوری پیدا کرده است و جوانان جویای معنویت را در سراسر جهان به خود جذب می‌کند.

در این میان دشمنان اسلام احساس خطر نموده و با استفاده از هر ابزاری درصدد است تا مانع نفوذ و گسترش اسلام گردد، یکی از ابزار دشمنان اسلام ایجاد اختلاف در بین مسلمانان است. آنان می‌خواهند با استفاده از تمایزات و تفارقاتی که در بین جهان اسلام وجود دارد مسلمانان را رو در روی هم قرار دهند.

در این شرایط حساس ضرورت حفظ اسلام ایجاب می‌کند که همه مسلمانان به این توطئه توجه داشته باشند و از اختلاف پرهیز نمایند.

الف ـ حفظ اسلام

حفظ اسلام یکی از ضروریات و واجباتی است که بر هر امر دیگر تقدم دارد، امروز بر اثر فتنه‌های مختلف و متعدد جهان خواران، اصل دین اسلام مورد هجوم قرار گرفته است لذا بر همه مسلمانان لازم است برای حفظ دین خود با حربه انسجام اسلامی توطئه دشمنان را خنثی نمایند.

ب ـ سفارش اصول:

کتاب، سنت، و عقل از اصول اسلامی بشمار می‌آید، یکی از اموری که مورد تأکید و سفارش همه این اصول است انسجام اسلامی است، برای هر محقق و صاحب بصیرت با مراجعه به اصول مذکور این حقیت روش می‌گردد که انسجام اسلامی وظیفه هر مسلمان است.

قرآن

قرآن کریم معتبرترین منبع اسلامی است که مورد توافق همه مذاهب اسلامی است، آن‌چه که در قرآن کریم خداوند به مسلمین دستور داده باشد بدون شک باید هر مسلمانی به آن تن در دهد، یکی از موضوعاتی که قرآن کریم به آن سفارش دارد انسجام مسلمانان و دوری از تفرقه و تشتت[۱] است، به عنوان نمونه به چند آیه در این زمینه اشاره می‌گردد:

۱. **﴿واعتَصِموا بِحَبلِ اللّٰهِ جَمیعًا ولا تَفَرَّقوا﴾**.

«همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید».

۲. **﴿اِنَّمَا المُؤمِنونَ اِخوَةٌ﴾**.

«مؤمنان با هم برادرند».[۲]

۳. **﴿شَرَعَ لَکُم مِنَ الدّینِ ما وصّیٰ بِهِ نوحًا والَّذی اَوحَینا اِلَیکَ وما وصَّینا بِهِ اِبرٰهیمَ وموسیٰ وعیسیٰ اَن اَقیموا الدّینَ ولا تَتَفَرَّقوا فیهِ﴾**.

«تشریع کرده است خداوند برای شما آن چه راکه از طرف اوست و سفارش نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام است و آن این است که دین را بپادارید و در مورد آن دچار تفرقه نشوید».[۳]

عقل

یکی دیگر از منابع دینی که به انسجام اسلامی تأکید دارد عقل است، عقل می‌گوید اگر مسلمانان دارای تفرقه باشند دشمنان اسلام از این طریق نفوذ کرده دین آنان را از آنان می‌گیرند. لذا برای حفظ دین خود باید به مشترکات اسلامی روی بیاورند و انسجام خود را حفظ نموده هوشیارانه با توطئه‌های دشمنان مقابله نمایند.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. حجرات: ۱۰.

۳. شوری: ۱۳.

معصومین علیهم‌السلام

پیشوایان دینی ما در طول تاریخ با آگاهی که از نقش معجزه‌آسای انسجام و اتحاد داشته‌اند روی آن تأکید داشته‌اند، از زمان پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تا دوران ائمه دوازده‌گانه شیعه، همیشه وحدت اسلامی به عنوان یک ضرورت جهت حفظ کیان دین مطرح بوده است، منابع شیعه و منابع سنی‌گویای این واقعیت است که اتحاد مسلمان مورد تأکید همه بزرگان دین بوده است، برای این‌که از اهمیت انسجام اسلامی در دیدگاه معصومین علیهم‌السلام مطلع گردیم به تعدادی از روایات فریقین در این زمینه اشاره می‌نمائیم:

منابع شیعه

در لابلای منابع شیعه به تبعیت از قرآن‌کریم احادیث زیادی به‌چشم می‌خورد که براساس آن‌ها مسلمین به انسجام و تعامل و سازش با هم سفارش شده است و از جدایی و تفرقه برحذر داشته شده است، در یکی از این روایت‌ها قرابت و نزدیکی و اتحاد مسلمین بمنزله صدقه دانسته شده است:

عن الصادق علیه‌السلام :

«صدقةٌ یحبه اللّه اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا و تقریب اذا تباعدوا».

«یکی از صدقه‌های که خدا دوست دارد اصلاح بین مردم در هنگام فساد و نزدیکی آنها در هنگام جدایی است».(۱)

منابع سنی

در منابع روایی اهل‌سنت نیز مضامین انسجام و برادری به‌چشم می‌خورد، در این منابع از جدایی

---

۱ . مشکاة الانوار، ص ۱۹۱ .

و تفرقه نهی شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لاتقاطعوا و لاتدابروا».

«ارتباطات خود را قطع نکنید و به همدیگر پشت ننمائید».(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«و لایحل لمسلم ان یهجرا خاه فوق ثلاث».

«جایز نیست مسلمانی بیش از سه روز با برادر مسلمان خود جدایی داشته باشد».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من هجرا خاه سنة فهو کسفک دمه».

«کسی که با برادر مسلمان خود یک سال قطع رابطه کند مثل کشتن اوست».(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لو ان رجلین دخلا فی الاسلام فاهتجر الکان احدهما خارجا عن الاسلام حتی یرجع».

«اگر دو مرد مسلمان با هم قطع رابطه نمایند یکی از آنان از دین خارج است تا مادامی که آشتی کنند».(۴)

عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :

---

۱ . الترغیب و الترهیب، ص ۴۵۴ .

۲ . صحیح مسلم، حدیث ۶۵۳۴ .

۳ . الترغیب الترهیب، ص ۴۵۷ .

۴ . همان، ص ۴۵۸ .

«**انا زعیم ببیت فی ربض الجنة لمن ترك المراء و ان كان محقا**».

«من خانه را در بهشت ضمانت می‌کنم برای کسی که از دعوا اجتناب کند ولو آن که حق با او باشد».(۱)

۴ ـ سابقه فعالیت‌های انسجامی

به دلیل اهمیت انسجام اسلامی و ضرورت آن برای مسلمانان این امر همیشه مورد عنایت پیشوایان دینی، علما، و سیاستمداران جهان اسلام بوده است.

یقیناً اولین بنیانگذار انسجام اسلامی پیامبر بزرگوار اسلام و پس از او ائمه‌طاهرین علیهم‌السلام می‌باشند اما در دوران معاصر می‌توان افراد، گروه‌ها و مراکز ذیل را در زمره پیشکسوتان انسجام اسلامی قرار داد:

۱ ـ شیخ شلتوت و دانشگاه الازهر با تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی.

۲ ـ آیة‌الله بروجردی و حوزه علمیه قم با کمک به تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی.

۳ ـ روشنفکران و علما و سیاسیون جهان اسلام که تلاش‌های زیادی را برای متحد نمودن صفوف مسلمانان به ثمر رساندند مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، علامه اقبال لاهوری، استاد مرتضی مطهری و... .

۴ ـ انقلاب اسلامی ایران و رهبر عالی‌قدر آن حضرت امام خمینی رحمه‌الله.

جمهوری اسلامی ایران تنها دولتی است که بطور رسمی در جایگاه یک حکومت، از همان ابتدای تأسیس خود ایده انسجام امت مسلمان را در مقابل دنیای کفر مطرح نمود، در ادامه همین باور و عقیده است که رهبر بزرگوار انقلاب سال ۱۳۸۶ را سال «**اتّحاد ملی و انسجام اسلامی**» نامیده است.

---

۱ . همان، ص ۴۰۶ .

۵ ـ ویژگی‌های انسجام اسلامی

مفهوم انسجام اسلامی که در بیانات مقام معظم رهبری مطرح گشته است دارای ویژگی‌های زیر است:

الف ـ بین فِرَق اسلامی است

از آنجائی که انسجام مورد نظر، اسلامی است لذا لزوماً بین فرقه‌های اسلامی باید باشد، اگر اتّحاد بین دو گروهی که یک طرف آن غیرمسلمان است برقرار گردد اسلامی نخواهد بود.

ب ـ دو طرف می‌خواهد

برای محقق شدن مفهوم انسجام باید دو طرف فرض گردد، به این معنا که یک طرف یا یک گروه به تنهائی نمی‌تواند انسجام را تحقق بخشد، اختلاف واتحاد هر دو به دو طرف احتیاج دارد.

ج ـ می‌تواند بین شیعه و شیعه باشد

گاهی اتحاد و انسجام بین دو طرفی فرض می‌گردد که هر دوی آنها شیعه است، زیرا ممکن است دو گروه شیعه در بعض زمینه‌های که دارای تمایز است دچار اختلاف گردند. لذا انسجام در مورد رفع اختلاف آنها مفهوم پیدا می‌کند.

د ـ می‌تواند بین سنی و سنی باشد

گاهی ممکن است اتحاد و انسجام بین دو گروه سنی باشد، ممکن است دو طرفی که هر دوی آنها سنی است براثر اختلافات قومی، منطقه ی، نژادی و... دچار تفرقه گردند که در این صورت انسجام برای آنها مفهوم پیدا می‌کند.

هـ ـ می‌تواند بین شیعه و سنی باشد

روشن‌ترین کاربرد انسجام در نزاع‌های عقیدتی است که بین شیعه و سنی وجود دارد، بیشترین خطرهای که جهان اسلام را تهدید می‌کند نزاع‌های است که ممکن است بین افراد جاهل شیعه و سنی وجود داشته باشد، دشمنان اسلام نیز با آگاهی از همین حساسیت‌ها روی این موضوع سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

انسجام اسلامی را که ولی امر مسلمین مطرح نموده‌اند شامل اتحادهای ضروری جهان اسلام بویژه اتّحاد بین شیعه و سنی می‌گردد.

فصل دوّم

انسجام اسلامی در عصر معصومین:

در این فصل به مفهوم انسجام اسلامی در عصر ائمه علیهم‌السلام اشاره می‌گردد، در دوران ائمه علیهم‌السلام یعنی تا قرن سه هجری مباحث انسجام اسلامی با بیان‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون وجود داشته است، شمه‌های از ضرورت و اهمیت اتّحاد مسلمین در سیره پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله که مورد پذیرش همه مسلمانان است و سیره ائمه علیهم‌السلام که مورد پذیرش شیعه است در همه اعصار مشاهده می‌گردد، زیرا زمینه‌های اختلاف و خطر تفرقه به عنوان یک تهدید، همیشه برای مسلمانان وجود داشته است، به دلیل مقتضیات زمان و تفاوت‌های که در عصر ائمه علیهم‌السلام با عصر حاضر وجود دارد، زبان و ادبیات مطرح شده برای انسجام اسلامی در آن زمان نیز متفاوت می‌باشد. در این زمینه به نکته‌های اشاره می‌گردد:

الف ـ جریان‌های سیاسی عصر ائمه معصومین علیهم‌السلام

همان‌طوری که در فصل گذشته بیان شد انسجام و اتّحاد طرفینی است و به دو طرف نیاز دارد، اگر بپذیریم که زمینه‌ای انسجام اسلامی در عصر ائمه علیهم‌السلام نیز وجود داشته است در آن صورت این سؤال مطرح می‌شود که آیا در زمان حضرات معصومین علیهم‌السلام جریان‌های مختلف سیاسی اسلامی وجود داشته است تا اتحاد آنها لازم بوده باشد؟

در جواب این سؤال عرض می‌نمائیم که با مراجعه به تاریخ صدر اسلام به جریان‌ها وگروه‌های برمی‌خوریم که تشتت و تفرقه بین آنها تهدیدی بود برای اصل دین اسلام و لازم بود که برای سلامت اصل دین، بین این جریان‌ها اتحاد و انسجام برقرار گردد.

به بعض از این جریان‌ها اشاره می‌گردد:

۱ ـ وجود قبیله‌های متعدد در زمان پیغمبر گرامی اسلام که زمینه اختلاف بین آنها وجود داشت.

۲ ـ وجود اختلافات قدیمی بین دو قبیله مسلمان اوس و خزرج در زمان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

۳ ـ وجود جناح بندی مهاجر و انصار در مدینه.

۴ ـ وجود جناح‌بندی بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم در مدینه و مکه.

۵ ـ وجود جریان بنی‌عباس و بنی‌هاشم.

۶ ـ نزاع بر سرخلافت اسلامی و وصایت بعد از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

موارد فوق نمونه‌ای از زمینه‌های اختلاف و تشتت بین مسلمین صدر اسلام است که برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش نفاق در بین مسلمانان، ائمه طاهرین علیهم السلام با بیانات و موضع‌گیری‌های مختلف مسلمین را بسوی انسجام و آرامش سوق می‌داده است.

ب ـ تعابیر ائمه علیهم السلام از جریان‌های سیاسی مخالف

یکی ویژگی‌های ائمه معصومین علیهم السلام این است که از مخالفین خود نیز با ادب یاد می‌کرده است، آنان اگرچه با تفکر انحرافی معارضین خود مبارزه می‌کردند و مخالف آن بودند اما هیچ‌گاه در برخورد با آنها اخلاقیات را فراموش نمی‌کردند. این نوع تعامل ائمه علیهم السلام برای جناح‌ها وگروه‌های امروزه مسلمین به عنوان الگو و سر مشق مطرح است تا در موضع‌گیری‌های جناحی با مخالفین خود ادب و احترام را رعایت نمایند.

جریان‌های سیاسی که بر ضد ائمه علیهم‌السلام موضع‌گیری داشته‌اند، با عناوین زیر در بیان ائمه علیهم‌السلام مورد اشاره قرار گرفته است:

۱ ـ غیرّنا.

۲ ـ مخالفینا.

۳ ـ اهل الخلاف.

۴ ـ الناس.

همان‌طوری که مشاهده می‌شود این الفاظ بسیار محترمانه و دارای مفاهیم بلند است.

ج ـ تفاوت‌های عصر ائمه علیهم‌السلام با دوران امروز

دوران ائمه علیهم‌السلام با عصر امروز تفاوت‌های اساسی دارد همین تفاوت‌ها باعث شده است که ادبیات دو عصر نیز متفاوت باشد، عوامل مختلف و متعدد در ایجاد این تفاوت‌ها نقش دارد که به بعضی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود.

تفاوت در مقتضیات

هر عصر و زمان، مقتضیات مخصوص به خود را دارد، ممکن است زمانی اقتضای امری را داشته باشد که زمان دیگر و عصر دیگر آن اقتضا را نداشته باشد، مقتضیات عصر ائمه علیهم‌السلام به دلائل زیر با مقتضیات دوران حاضر تفاوت دارد:

الف ـ کم بودن جمعیت مسلمانان.

ب ـ وابستگی و محدودیت سرزمینهای اسلامی.

ج ـ نزدیک بودن مسلمانان به عصر پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

د ـ کمبود علم و آگاهی و بی‌سواد بودن مردم.

هـ ـ نبود امکانات گسترش سریع اطلاعات و دانش.

و ـ نبودن تهدیدی‌های جدی و انتحاری برای اسلام.

تفاوت در ادبیات

بیان موضوعات در هر عصر و زمان ادبیات مخصوص به خود دارد، کارائی هر بیان، مخصوص به دوره خاص است، ادبیاتی که در دوران ائمه علیهم‌السلام کاربرد داشت با ادبیات امروز تفاوت دارد، زیرا ائمه علیهم‌السلام با عنایت به درک، اعتقادات، احساسات و نیازهای جامعه آن زمان اوامر و نواهی خود را بیان می‌فرمودند.

در زمینه انسجام اسلامی نیز بیان ائمه علیهم‌السلام با ادبیات امروز تفاوت دارد. یقیناً حکمت و فلسفه بسیاری از رفتار و گفتار ائمه علیهم‌السلام برای ما مجهول می‌باشد اما در گوشه و کنار متون تاریخی گهگاهی به نکته‌های برمی‌خوریم که بیانگر توجه ائمه علیهم‌السلام به انسجام اسلامی و تعامل با مخالفین است.

به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ـ تعامل امام علی علیه‌السلام با خلفای زمان خود.

۲ ـ صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه.

۳ ـ امام هفتم علیه‌السلام در روز عید نوروز به دستور منصور دوانیقی روی تخت می‌نشست و به مراجعین پاسخ می‌داد.[۱]

۴ ـ قبول ولایت عهدی مأمون توسط امام رضا علیه‌السلام.

۵ ـ تزویج ام‌الفضل دختر مأمون به امام جواد علیه‌السلام.

تفاوت در شدت ضرورت انسجام

یکی دیگر از تفاوت‌های عصر ائمه علیهم‌السلام با دوران حاضر در این زمان به دلیل آن‌که تمام دشمنان اسلام در همه زمینه‌ها فعال شده است تا اسلام را نابود کنند، انسجام و هوشیاری اسلامی ضرورت بیشتری پیدا کرده است. تهدیدهای که در دوران ائمه علیهم‌السلام برای اسلام وجود داشت

---

۱ . مفاتیح الجنان اعمال عید نوروز.

به دلایلی که قبلاً ذکر شد از شدت چندانی برخور دار نبود ولی امروزه این تهدیدها آن‌قدر جدی است که اگر مسلمین لحظه‌ای از آن غفلت کنند ضربه جبران ناپذیری به اسلام وارد خواهد شد.

فصل سوم

برداشت‌های انسجامی از احادیث اخلاقی معصومین علیهم‌السلام

آنچه که از لابلای مباحث گذشته روشن شد این است که انسجام و اتّحاد اسلامی در همه دوره‌ها مورد تأکید پیشوایان دینی بوده است. در این فصل از منظر جدید به دیدگاه ائمه علیهم‌السلام در مورد لزوم انسجام مسلمانان می‌پردازیم.

یکی از مواردی که در بیانات و سیره معصومین علیهم‌السلام درباره آن تأکید فراوان گذشته است آداب اجتماعی و اخلاق اسلامی است. بعضی از موضوعات اخلاقی به گونه‌ی است که کاربرد انسجامی نیز دارد. مثلاً وقتی در حدیثی از لعن مسلمانی نهی می‌شود یکی از مفاهیم آن این است که بطور اولی دو مسلمان نباید باهم بجنگند، هرگاه لعن و نفرین مسلمانان جایز نباشد کشتن مسلمانان، غارت کردن اموال، هتک حرمت او و... بطور قطع جایز نیست، به عبارت دیگر مقتضای این‌گونه احادیث اخلاقی فراخوانی مسلمین به همزیستی مسالمت‌آمیز و انسجام اسلامی است.

کسی که می‌خواهد به این‌گونه آداب و اخلاقیات پایبند باشد او باید از هرکاری که باعث ناراحتی مسلمان دیگر می‌شود اجتناب کرده و جامعه را بسوی آسایش، تعامل، انسجام و درک همدیگر سوق دهد.

ذیلاً به نمونه‌های از موضوعات اخلاقی که کاربرد دوگانه دارد و لزوم انسجام اسلامی از باب اولویت از آن استفاده می‌شود اشاره می‌گردد:

۱ ـ آداب معاشرت

یکی از اخلاقیات دینی که در کتاب‌های علما بطور مبسوط به آن پرداخته شده است «آداب معاشرت» است، احادیث متعدد از طریق ائمه طاهرین علیهم‌السلام بما رسیده است که به‌نحوه تعامل و رفتار یک مسلمان با همنوعان خود اشاره دارد، علما این احادیث را تحت عنوان «کتاب العشره» در آثار خود جمع‌آوری نموده‌اند، این احادیث به مسلمانان توصیه می‌کند که با برادران دینی خود همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت مطلوب داشته باشند.

مقتضای این احادیث با استفاده از قاعده اولویت، انسجام و اتّحاد اسلامی است زیرا کسی که می‌خواهد به این احادیث عمل نماید و با دیگران حسن معاشرت داشته باشد و از آزار و اذیت آنها اجتناب کند قطعاً باید از جنگ و خونریزی با آنان بپرهیزد و در محیط آرام و با آسایش و انسجام در کنار آنان زندگی نماید.

به احادیثی در این زمینه از منابع فریقین اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

در منابع شیعه احادیث متعددی وجود دارد که به حسن معاشرت با دیگران سفارش می‌کند مانند احادیث ذیل:

قال ابوعبدالله علیه‌السلام :

«علیکم بالصلاة المساجد و حسن الجوار للناس و اقامة الشهادة و حضور الجنائز».

«در مساجد مسلمین نماز بخوانید، با مخالفین حسن هم‌جواری داشته باشید، در شهادت و تشیع جنازه‌های آنان حاضر شوید».[۱]

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

قلت لابی‌عبدالله علیه‌السلام:

«کیف ینبغی لنا ان نصنع فیما بیننا و بین قومنا و فیما بین خلصائنا من الناس فقال تودون الامانة الیهم و تقیمون الشهادة لهم و علیهم و تعودون مرضاهم و تشهدون جنائزهم».

از امام علیه‌السلام در مورد ارتباط با مخالفینی که از اقوام ما است یا این‌که با آنان برخورد داریم پرسیدم، امام علیه‌السلام فرمود:

«امانت‌ها آنها را برگردانید، در شهادت‌ها، عیادت و تشییع جنازه‌های‌شان حاضر شوید».(۱)

سمعت اباعبدالله یقول... :

«اما یستحبی الرجل منکم ان یعرف جارة حقَّه و لایعرف حقَّ جارِه؟».

«آیا خجالت نمی‌کشد کسی که مخالفان، حق همسایگی او را ادا می‌کند اما او در این زمینه کوتاهی می‌نماید؟».(۲)

قال علیه‌السلام :

«تنظرون الی ائمتکم الذین تقتدون بهم فتصنعون ما یصنعون فواللّه انهم لیعودون مرضاهم و یشهدون جنائزهم و یقیمون الشهادة لهم و علیهم و یودون الامانة الیهم».

از امام علیه‌السلام در مورد روابط با مخالفین پرسیدم، امام فرمود:

«در این زمینه به امامان خود اقتداکنید که آنان از مخالفین عیادت می‌کنند، در تشیع جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند، شهادت می‌دهند و رد امانت می‌کنند».(۳)

---

۱. همان.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

۳. همان.

قال ابی‌عبدالله علیه‌السلام :

«صلوا عشائرکم و اشهدوا جنائزهم و عودوا مرضاهم و ادو حقوقهم فان الرجل منکم اذا ورع فی دینه و صدق الحدیث وادی الامانة و حسن الخلقه مع الناس قیل هذا جعفری فیسرنی ذلك ویدخل علی منه السرور و قیل هذا ادب جعفر و اذا کان علی غیر ذلك دخل علی بلاؤه و عاره و قیل هذا ادب جعفر».

«با نزدیکان خود ولو آن‌که از مخالفین باشد ارتباط داشته باشید در تشییع جنازه، عیادت، ادای امانت، راستگویی، ورع و حسن خلق پیشقدم باشید که اگر این‌طور باشید می‌گویند او «جعفری» است و من خوشحال می‌شوم و اگر غیر ازاین باشد بازهم می‌گویند این تربیت جعفری است و من ناراحت می‌شوم».(۱)

قال ابو عبداللّه علیه‌السلام :

«یا شیعة آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اعلموا انه لیس منا من لم یملك نفسه عند غضبه ومن لم یحسن صحبة و مخالفة من خالفة و مرافقة من رافقه و مجاورة من جاوره و ممالحة من مالحه».

«از ما نیست کسی که غضب خود راکنترل نکند و اهل همسایه داری، اخلاق، مصاحبت و سازش نباشد».(۲)

امام صادق علیه‌السلام پس از سفارش‌های لازم برای شیعیان خود در رابطه با نحوه تعامل با مخالفان به نقل از پدر بزرگوارشان می‌فرماید:

«ان الرجل من شیعتنا کان فی الحی فتکون و دائعهم عنده و وصایاهم الیه فکذالك انتم فکونوا».

---

۱. مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۳۷.

«شیعیان واقعی ما مرجع مخالفان بودند در امانت‌ها و وصیت‌های‌شان، امانت‌ها و وصیت‌ها را به آن می‌سپردند، شما هم این طور باشید».(۱)

منابع سنی

شبیه آن‌چه که به عنوان آداب اجتماعی در منابع شیعه ذکر شد در منابع سنی نیز وجود دارد، در احادیث متعددی که از طریق اهل‌سنت روایت شده است به حسن همجواری، تعامل با دیگران و سازش با مردم تأکید شده است.

۲ ـ مدارا با دیگران

یکی از اخلاقیات دینی که در منابع گوناگون شیعه و سنی دیده می‌شود مدارا و سازش با دیگران است، کارائی این صفت پسندیده در مورد انسجام اسلامی این است که اگر مسلمانی متصف به این صفت باشد و روحیه تعامل با دیگران را داشته باشد هیچ موقعی با مسلمان دیگر جنگ و درگیری نخواهد داشت زیرا کسی که بنا دارد با مردم اهل مدارا باشد بطور قطع بذر تفرقه را نمی‌کارد و دست خود را بخون کسی آغشته نمی‌کند.

به احادیثی از منابع فریقین در این زمینه اشاره می‌شود:

منابع شیعه

مدارا از صفات پیغمبر است:

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«امرنی ربی بمداراة الناس کما امرنی باداء الفرائض».

---

۱. مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۱.

«خداوند مرا به سازش با مردم امر کرده است همان‌طوری که به ادای واجبات امر نموده است».[۱]

جبرئیل فرمود یا رسول اللّه خدا می‌فرماید: دارِ خَلقی.

با بندگان من مداراکن.[۲]

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم:

«مداراة الناس نصف الایمان».

«سازش با مردم نصف ایمان است».[۳]

قال علی علیه السلام:

«رأس العقل بعد الایمان باللّه عزوجل مداراة الناس».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ایاکم و معاداة الرجال».

«به دنبال دشمنی با مردم نباشید».[۴]

«سلامه الدین و الدنیا فی مداراة الناس».

«سلامتی دین و دنیا سازش با مردم است».

«سلامة العیش فی المداراة».

«سلامتی زندگی در تعامل با مردم است».

---

۱. وسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۲. وسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۳. وسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۴. غرر الحکم، ص ۴۴۵.

منابع سنی

در منابع روایی اهل‌سنت احادیث متعددی وجود دارد که به مدارای با همه مردم سفارش می‌کند که در این قسمت به یکی از این احادیث اشاره می‌گردد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مداراة الناس صدقه».

«سازش با مردم ثواب صدقه دارد».[۱]

۳ـ اصلاح بین الناس

یکی از اخلاقیات دینی سفارش به صلاح ذات‌البین است. براساس این صفت پسندیده اگر بین مسلمانان کدورت و ناراحتی پیدا شد مسلمانان دیگر وظیفه دارند آنها را آشتی دهد و از ادامه جدایی آن دو جلوگیری نمایند.

کاربرد این خُلق حسنه در مورد انسجام اسلامی این است که اولاً وظیفه همه مسلمانان این است که خود را به این صفت پسندیده متصف نموده همیشه درصدد ایجاد صلح و دوستی بین هم باشند ثانیاً کسی که می‌خواهد ثواب اصلاح بین الناس را بدست آورد بطور اولی از ایجاد اختلاف بین مسلمین و اشاعه تفرقه و جنگیدن با مسلمانان باید اجتناب نماید.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

در منابع شیعه احادیث بسیار زیادی وجود دارد که در آن به صلاح ذات‌البین سفارش شده است، بهترین قدم قدمی را می‌داند که در این باره برداشته شود.

امام علی علیه السلام ضمن سفارش به اصلاح ذات‌البین با اشاره به فضیلت آن فرمود:

---

۱. مجمع الزوائد، ص ۳۸.

«**فانها افضل من عامة الصلاة و الصيام و الصدقة**».

«ثواب آن از یک سال نماز و روزه و صدقه بالاتر است».[۱]

عن الصادق علیه‌السلام:

«**صدقة يحبها اللّه اصلاح بين الناس**».

«یکی از صدقه‌ای که خدا دوست دارد اصلاح بین مردم است».[۲]

عنه علیه‌السلام :

«**ما عمل امرء عملا بعد اقامة الفرائض خير من اصلاح بين الناس**».

«بعد از آزادی واجبات، اصلاح بین الناس بهترین کار است».[۳]

منابع سنی

عن رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم :

«**كل يوم تطلع فيه الشمس يعدل (يصلح) بين اثنين صدقة**».

«هر روزی که با اصلاح بین مردم آغاز شود ثواب صدقه دارد».[۴]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«**افضل الصدقة اصلاح ذات البين**».

«بهترین صدقه‌ها اصلاح ذات البین است».[۵]

---

۱ . مشکاة الانوار، ص ۱۹۱ .

۲ . مجموعه ورام، ج ۲ ، ص ۱۷۷ .

۳ . الترغیب الترهیب، ص ۴۸۸ .

۴ . مجمع الزوائد، ص ۹۷ .

۵ . همان، ص ۴۷۹ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ما عُمِل شیء افضل من الصلاة و اصلاح ذات البین».

«هیچ عملی بهتر از نماز و اصلاح ذات البین نیست».(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«الا اخیرکم بافضل من درجة الصیام و الصلاة و الصدقة؟ اصلاح ذات البین».

«آیا خبر بدهم شما را به کاری که بهتر از نماز، روزه، و صدقه پاداش دارد؟ اصلاح ذات البین است».(۲)

۴ ـ حرمت لعن مسلمان

یکی از اخلاقیات دینی و آداب اسلامی این است که مسلمان باید زبان خود را درکنترل داشته باشد و به‌وسیله زبان خود به دیگران بی‌احترامی نکند و آنها را لعن ننماید، در احادیث متعددی که از طریق فریقین وارد شده است از لعن دیگران نهی شده است، کاربرد «حرمت لعن» در موضوع انسجام اسلامی این است که متأسفانه یکی از اموری که امروزه در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود لعن و نفرین همدیگر است. اولاً این رویه با احادیث و منابع و اخلاقیات دینی سازش ندارد. ثانیاً اگر کسی خود را به اخلاق دینی متخلق نماید و از لعن مسلمانان دیگر اجتناب کند بطور قطع با مسلمانان دیگر وارد جنگ نخواهد شد، کسی که از جنگیدن و رویارویی با مسلمانان اجتناب کند دقیقاً به مفهوم انسجام اسلامی عمل نموده است.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

---

۱. همان، ص ۴۸۸.

۲. همان، ص ۴۸۸.

منابع شیعه

ابیعبداللّه علیه‌السلام :

«ان اللعنة اذا خرجت من صاحبها ترددت بینه و بین الذی یُلعَن فان وجدت مساغا و الا رجعت الی صاحبها و کان احق‌ها».

«اگر کسی را لعنت کنی در صورت که آن لعن وجه شرعی نداشته باشد دوباره به صاحب لعن برمی‌گردد».(۱)

عن رسول اللّه علیه‌السلام :

«من لعن شیئا لیس له باهل رجعت اللعنة علیه».

«کسی که شخصی را لعنت می‌کند اگر وجه شرعی نداشته باشد آن لعن به خودش برمی‌گردد».(۲)

منابع سنی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«لایکون اللعانون شفعاء و لا شهداء یوم القیامة».

«کسانی که ورد زبانشان لعنت است در روز قیامت جزو شهیدان و شفیعان نخواهد بود».(۳)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«لایکون المؤمن لعّان».

«مؤمن لَعّان نیست».(۴)

---

۱ . وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۶۱۰ .

۲ . همان، ج ۹ ، ص ۱۳۶ .

۳ . جامع ترمذی، ص ۴۶۹ .

۴ . همان، حدیث ۱۹۷۷ .

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«لعن المؤمن کقتله».

«لعن کردن مؤمن مثل کشتن اوست».(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ مردی که تقاضای نصیحت کرده بود فرمود:

«اوصیك ان لاتکون لعاناً».

«وصیت من به تو این است که لعان نباش».(۲)

۵ ـ حرمت سب مسلمان

یکی از آداب دینی و اخلاقیات اسلامی حرمت سب مسلمان است، همه کسانی دوست دارند خود را به آداب دینی مزین کنند باید از سب مسلمانان دیگر اجتناب نمایند. کاربرد «حرمت سب مسلمان» در انسجام اسلامی این است که جائی که سب مسلمان حرام باشد. بطور قطع قرارگرفتن در مقابل مسلمان و جنگیدن با او حرام است و کسی که می‌خواهد طبق احادیث دینی از سب مسلمان اجتناب کند بطور اولی با هیچ مسلمانی نخواهد جنگید و همیشه درصدد انسجام مسلمین و زندگی مسالمت‌آمیز آنها خواهد بود.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

علی علیه السلام فرمود:

«انی اکراه لکم ان تکونوا سبابین».

«من دوست ندارم که شما اهل سب باشید».(۳)

---

۱ . ریاض الصالحین، ص ۱۴۰ .

۲ . همان، ۱۳۸ .

۳ . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله :

«من سبنی فاقتلوه و من سب اصحابی فقد کفر».

«کسی که مرا سب کند اور را بکشید کسی که اصحاب مرا سب کند کافر است».[۱]

رسول خدا صلی الله علیه و آله :

«من سب اصحابی فاجلدوه».

«کسی که اصحاب مرا سب کند او را تازیانه بزنید».

امام علی علیه السلام می‌فرماید بجای سب مخالفین این دعاها را بگوئید:

«اللهم احقن دمائنا و دمائهم».

«خدایا خون ما و آنها را حفظ کن».

«و اصلح ذات بیننا».

«خدایا بین ما را اصلاح کن».

«و اهدهم من ضلالتهم، حتی یعرف الحق مَن جهله، و یرعَوِی عن الغی و العدون مَن لهج به».

«خدایا گمراهان ما را از ضلالت باز دار تا جاهلان حق را بشناسند و آنان که اصرار بر دشمنی دارند بازگردند».[۲]

پیامبر گرامی اسلام در پاسخ به شخصی که از آن حضرت نصیحت خواسته بود فرمود:

«لاتسبوا الناس فتکسبوا العداوة لهم».

«مردم را سب نکنید که دشمنی‌ها را زیاد می‌کند».[۳]

---

۱. جامع الاخبار، ص ۱۶۰ .

۲ . نهج البلاغه، ۱۹۷ .

۳ . وسائل، ج ۸، ص ۶۱۰ .

پیامبر گرامی اسلام در وصیتی فرمود:

«**اوصیك ان لاتشرك باللّه و لاتعص والدیك و لاتسب الناس**».

«سفارش می‌کنم تو را که به خدا شرک نورزد، والدین خود را نافرمانی نکن، و مردم را سب ننما».[۱]

منابع سنی

رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«سب کردن مسلمانان مانند آماده شدن برای کشتن اوست».[۲]

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«**سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر**».

«سب مؤمن فسق است و قتل او کفر».[۳]

۶ ـ حرمت اخذ سلاح بر ضد مسلمان

یکی از منهیات دینی مسلح شدن در مقابل برادران مسلمان است، اگر کسی اسلحه در دست بگیرد تا با برادر مسلمان خود بجنگد فعل حرامی را مرتکب شده است، احادیثی بسیار جالبی در این زمینه وجود دارد که اگر مسلمانان تنها به همین حدیث‌ها عمل می‌کردند هیچ جنگ و درگیری در جهان اسلام اتفاق نمی‌افتاد.

کارائی این اخلاق دینی در موضوع انسجام اسلامی این است که: جامعه اسلامی اگر مقید به آداب دینی باشند تا جائی که مسلح شدن در مقابل همدیگر را حرام بدانند

---

۱ . مستدرک، ج ۹ ، ص ۱۳۶ .

۲ . الترغیب الترهیب، ص ۴۶۶ .

۳ . صحیح بخاری، حدیث ۴۴۶۰ ، سنن ابن‌ماجه، حدیث ۳۹۳۹ .

قطعاً در این جامعه روح انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز حاکم است و همه مسلمانان درصدد فراهم‌کردن محیط امن برای همدیگر هستند و در سایه دستورات دینی با صلح و صفا زندگی می‌نمایند.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«اذا التقی المسلمان بسیفهما علی غیر سنة فالقاتل و المقتول فی النار! قیل یا رسول اللّه هذا القاتل فما بال المقتول؟ قال لانه اراد قتلا».

«اگر دو مسلمان با اسلحه رو در روی هم قرار بگیرد هر دو اهل جهنم است زیرا یکی از آنها باید کوتاه می‌آمد و از این صحنه خارج می‌شد اما هر دو مقابل هم ایستادند و جنگیدند».[۱]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن نهی شدید از ریختن خون دیگران در فلسفه تحریم آن می‌فرماید:

«فانه لیس شیء اعظم من ذالك تبعة».

«ریختن خون دیگران تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد».[۲]

منابع سنی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لایحل لمسلم ان یروّع مسلما».

---

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۴.

۲. مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۲۰.

«جایزی نیست مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند».[۱]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لاتروعوا المسلم فان روعة المسلم ظلم عظیم».

«مسلمانی را نترسانید که ترساندن مسلمان ظلم عظیم است».[۲]

پیامبر اسلام فرمود:

«من اخاف مؤمناً کان حقا علی اللّه ان لایؤمنه من افزاع یوم القیامة».

«کسی که مؤمنی را بترساند سزاوار است که خداوند او را از ترس‌های روز قیامت ایمن نگرداند».[۳]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من نظر الی المسلم نظرة یخیفه فیها بغیر حق اخافه اللّه یوم القیامه».

«کسی که به مسلمانی نگاهی داشته باشد که او را بترساند خداوند او را در قیامت می‌ترساند».[۴]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من اشار الی اخیه بحدیدة فان الملائکه تلعنه».

«کسی که با اسلحه به برادر مسلمان خود اشاره کند ملائکه او را لعنت می‌کنند».[۵]

---

۱. الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۸۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. صحیح مسلم، حدیث ۶۶۶۶.

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«اذا توجه المسلمان بسیفهما فالقاتل و المقتول فی النار».

«هرگاه دو مسلمان با اسلحه مقابل هم قرار بگیرند قاتل و مقتول هر دو اهل جهنمند».(۱)

۷ ـ حرمت کافر خطاب کردن مسلمان

یکی دیگر از هنجارهای دینی این است که هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگر راکافر خطاب کند، مسلمانی که زبان او به گفتن شهادتین متبرک شده است و خداوند و مقدسات دین را قبول دارد چگونه می‌توانیم او را به کفر منتسب نمائیم، اتهام کفر برای یک فرد مسلمان جرم بسیار سنگینی بحساب می‌آید، پیشوایان دینی این نوع بی‌حرمتی‌ها را به شدت منع نموده است.

کارآئی این اخلاق بازدارنده دینی برای انسجام اسلامی در این است که اگر مسلمانان به این هنجار دینی عمل نمایند و هرگز همدیگر راکافر خطاب نکنند بطور اولی رودرروی هم سنگربندی نخواهند کرد، کسی که مقید است حتی برادر مسلمان خود راکافر خطاب نکند و از این بی‌حرمتی نسبت به او اباء می‌ورزد بطور قطع از بی‌حرمت‌های بزرگ‌تر مانند جنگیدن با برادر مسلمان و ریختن خون او خودداری نموده و درصدد سازش و انسجام با مسلمانان دیگر خواهد بود.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

اگرچه نتوانستم حدیثی راکه در آن به حرمت «کافرگفتن مسلمان» در منابع شیعه اشاره شده باشد پیدا نمایم اما یقیناً مضمون این حدیث در بین منابع شیعه وجود دارد زیرا احترام به مسلمانان از

---

۱ . همان.

اصول شیعه است و هیچ کس مجاز نیست به مسلمانی اتهام کفر وارد نماید.

منابع سنی

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«**اذا قال الرجل لاخیه یا کافر فهو کقتله**».[1]

«اگر کسی برادر مسلمان خود را کافر خطاب کند مثل این است که او را به قتل برساند».

۸ ـ تقیه

یکی از ناهنجاری دینی برای دوری از اختلاف بین امت اسلامی تقیه است، تقیه دوروئی و نفاق نیست بلکه بهترین گزینه برای اجتناب از تفرقه در بین مسلمانان است، طبق این نظریه، برای آن که صفوف متحد مسلمانان بهم نخورد می‌توان ظواهر اعمال عبادی را تغییر داد.

جوار تقیه در بین شیعه از مسلمات است اما در بین اهل‌سنت به دلیل آن که مبتلا به نبوده‌اند چندان شهرت ندارد.

کاربرد تقیه در انسجام اسلامی این است که مسلمانان وظیفه دارند از اعمالی که روابط آنها را خدشه‌دار می‌کنند بپرهیزند و اگر مسلمانی به مذهب دیگری اعتقاد دارد برای حفظ انسجام اسلامی از تقیه استفاده نماید، حفظ انسجام اسلامی بر هر امر دیگر تقدم دارد.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

---

۱ . الترغیب و الترهیب، ص ۴۶۵ .

منابع شیعه

در وسائل الشیعه جلد ۱۶ صفحه ۲۵۵ بابی وجود دارد بنام «**وجوب کف اللسان عن المخالفین و ائمتهم فی التقیه**» در آن باب احادیث بسیار زیادی از جمله این حدیث شریف را روایت می‌کند:

عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام :

«**ما ایسر ما رضی الناس به منکم: کفوا السنتکم عنهم**».

«چه آسان است آنچه که رضایت مخالفان شما را جلب می‌کند: زبان خود را از بدگویی مخالفان باز دارید و از تقیه بهره ببرید».

عَنْ اَبی عَبدِاللّه علیه‌السلام :

«**مُعاندة الاَعداءِ فِی ذئلاتِهِمْ و مماظتَهُمْ فِی غیرِ تَقِیَّة تَرک امرِ اللّهِ**».

«جنگیدن با مخالفین مسلمان و تلاش برای سقوط دولت آنها و عدم استفاده از تقیه، بمعنای نادیده گرفتن اوامر خدا است».(۱)

ابوعبداللّه علیه‌السلام :

«**ان تسعة اعشار الدین فی التقیة و لادین لمن لاتقیة له...**».

«نُه دهم دین در تقیه است کسی که اهل‌تقیه نیست دین ندارد».(۲)

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«**مَنُ لَم تَکُن لَهُ تَقِیَّةٌ وضَعَهُ اللّه**».

«کسی که تقیه ندارد خداوند او را خوار می‌گرداند».

ابی‌عبداللّه علیه‌السلام :

«**اتَّقوا عَلی دینکم فَاحفظوه بالتَّقیَّة فَاِنّهُ لاایمان لِمَن لاالتَّقِیَّةَ لَهُ**».

«دین خود را با تقیه حفظ کنید کسی که تقیه ندار ایمان ندارد».(۳)

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. من لایحضر، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳. کافی، ج ۳، ص ۳۱۸.

ابی‌عبداللّه علیه‌السلام :

«انَّما جُعِلَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحقَنَ بِهَا الدَّم».

«تقیه برای آن قرار داده شده است تا خون مسلمان نریزد».

منابع اهل‌سنت

اگرچه تقیه در منابع اهل‌سنت به‌گستردگی منابع تشیع وجود ندارد، اما با توجه به آن‌که در صدر اسلام نیز بحث تقیه مطرح بود و آیاتی در این زمینه نازل شده است (آیه ۲۸ غافر و ۱۰۶ نحل) یقیناً اهل‌سنت هم فی الجمله تقیه را قبول دارد.

تقیه علاوه بر امر شرعی امر عقلی نیز می‌باشد زیرا عقل می‌گوید هنگام تعارض دو مصلحت هرکدام مهم‌تر است آن را مقدم بدار. اگر مصلحت حفظ اسلام و وحدت مسلمین بامصلحت یک عبادت خاص مقایسه‌گردد یقیناً حفظ اسلام مهمتراست وباید ترجیح داده شود.

۹ ـ حسن خلق

یکی از آداب دینی «حسن خلق» می‌باشد، مفهوم این اخلاق دینی این است که با مسلمان دیگر برخورد مناسب داشته باشیم و با اخلاق خوب و گشاده‌رویی با دیگران مواجه گردیم، لازمه حسن خلق و دوستی و مودت با دیگران، اجتناب از نزاع و تفرقه و احترام متقابل است.

کارآئی حسن خلق در بحث انسجام اسلامی در این است که مسلمان که می‌خواهد خود را به این اخلاق حسنه متخلق‌گرداند هیچ زمانی در پی‌رویاروئی با نزاع با مسلمانان دیگر نخواهد بود. او همیشه سعی می‌کند با دیگران تعامل و مدارا داشته باشد، از آنجائی که داشتن اخلاق حسنه مورد سفارش بزرگان دین ما است و هر مسلمان تلاش دارد آن را بدست آورد، لذا مسلمان باید درصدد کسب انسجام اسلامی و آسایش جامعه اسلامی نیز باشند زیرا این دو لازم ملزوم هم‌اند.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

در مورد حسن خلق احادیث بسیار زیادی در منابع شیعه وجود دارد که به عنوان نمونه به یکی از آنها اشاره می‌گردد:

ابیعبداللّه علیه‌السلام :

«خالطوا الناس و آتوهم و اعینوهم و لاتجانبو هم وقولوا لهم کما قال اللّه تعالی و قولوا اللناس حسنا».

«با مسلمانان معاشرت داشته باشید به همدیگر کمک کنید گوشه‌گیر نباشید با آنها به نیکی و اخلاق خوش صحبت کنید».[۱]

منابع سنی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«ما من شیی‌ء اثقل فی المیزان من حسن الخلق».

«هیچ چیزی در ترازوی میزان سنگین‌تر از حسن خلق نیست».[۲]

قال رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«البر حسن الخلق».

«کسی که اخلاق حسنه دارد از نیکوکاران است».[۳]

---

۱ . مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۸ .

۲. سنن ابی داوود، حدیث ۴۷۹۹.

۳ . ریاض الصاحین، ص ۲۱۳ .

۱۰ـ حرمت و منزلت مسلمان

یکی از باورها و آداب دینی حرمت و منزلت مسلمان است، براساس این عقیده هر شخص مسلمان دارای منزلت و قداست در نزد خداوند است. لذا در برخورد با او باید به این مقام معنوی او توجه شود براین‌اساس بی‌حرمتی و توهین و هتک حرمت نسبت به هیچ مسلمانی جایز نیست.

کارآئی این باور دینی در موضوع انسجام اسلامی این است که اگر ما منزلت و حرمت مسلمانان را باور داشته باشیم به آنان هتاکی و بی‌احترامی نمی‌کنیم و بدین طریق یکی ار عوامل اختلاف در بین جامعه اسلامی از بین می‌رود و همچنین کسانی که به منزلت مسلمان اعتقاد دارند درصدد آن است که همیشه با مسلمانان تعامل صحیح داشته باشند و از آزار و نارضایتی آنان پرهیز نمایند.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

منابع شیعه

در منابع شیعه هر انسانی بما هو انسان و به عنوان این که آفریده‌ی از آفریده‌های خداوند است دارای حرمت می‌باشد، هر فرد مسلمان نیز قداست و حرمت مخصوص به خود را دارد، در احادیث شیعه بجای کلمه «مسلم» از واژه «مؤمن» در این زمینه بیشتر استفاده شده است.

منابع سنی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«**کل المسلم علی المسلم حرام عرضه و ماله و دمه**».

«خون، مال و عِرض مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است».[۱]

---

۱ . معجم ابن‌ماجه، حدیث ۳۹۳۳ .

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

«المسلم اخ المسلم لایظلمه و لایخذله و لایحقره».

«مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی‌کند، او را خوار و حقیر نمی‌گرداند».(۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من صلی الصبح فانه فی ذمة اللّه فمن قتله طلبه اللّه حتی یکبه فی النار علی وجهه».

«کسی که نماز صبحی را بجا آورد مسلمان بوده در ذمه خداوند است، اگر کسی او را بکشد خداوند انتقام او را مطالبه می‌کند و قاتل را در آتش مجازات می‌سازد».(۲)

۱۱ ـ ادخال سرور بر مسلمان

یکی از آداب دینی و فضائل اخلاقی خوشحال نمودن مسلمان است. اگر کسی مسلمانی را خوشحال نماید و وسیله فرح و سرور او را فراهم کند خداوند برای او پاداش خیر عنایت می‌نماید.

کاربرد این هنجار دینی در موضوع انسجام اسلامی در این است که همان اندازه که سرور و خوشحال نمودن مسلمان ثواب دارد ناراحت کردن و غمگین کردن او نیز عذاب دارد، یکی از کارهائی که مسلمانان را ناراحت می‌کند درگیری و جنگ و اختلافات بین مسلمین است، مسلمانان برای اینکه به احادیث ادخال سرور عمل کرده باشند باید از اختلافات بپرهیزند و با انسجام و وحدت اسلامی در کنار هم باصفا و صمیمیت زندگی نمایند.

به احادیثی در این زمینه اشاره می‌گردد:

---

۱ . الترغیب الترهیب، ج ۳، ص ۶۱۰ .

۲ . سنن ابن‌ماجه، حدیث ۳۹۴۶ .

منابع شیعه

اباعبداللّه علیه‌السلام:

«ایما مسلم لقی مسلما فسره سره اللّه عزوجل».

«هر مسلمانی که مسلمان دیگر را خوشحال نماید خدا او را خوشحال می‌گرداند».(۱)

عنه علیه‌السلام :

«مما یحب اللّه من الاعمال ادخال السرور علی المسلم».

«یکی از چیزهایی که خداوند دوست دارد ادخال سرور بر مسلمانان است».(۲)

منابع سنی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«من لقی اخاه المسلم بما یحب لیسره بذالک سره اللّه عزوجل یوم القیامة».

«کسی که برادر مسلمان خود را مسرور می‌گرداند خداوند در قیامت او را مسرور می‌گرداند».(۳)

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«ان من موجبات المغفرة ادخالك السرور علی اخیك المسلم».

«یکی از موجبات آمرزش خداوند ادخال سرور بر مسلمان است».(۴)

---

۱. وسائل، ج ۱۱، ص ۵۶۹.

۲. مستدرک، ج ۱۲، ص ۳۹۶.

۳. الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۳۹۴.

۴. همان، ص ۳۹۴.

نتیجه

از مجموع مباحثی که در این مقاله عرضه شد چنین نتیجه می‌گیریم که انسجام اسلامی از امورات مورد تأکید کتاب سنت و عقل است. علاوه براحادیثی صریحی که در این زمینه وجود دارد و مسلمانان را به وحدت و انسجام و همدلی فرا می‌خواند، از لابلای اخلاقیات دینی و آداب معاشرتی که توسط ائمه علیهم‌السلام مورد سفارش است می‌توان لزوم انسجام اسلامی را استنباط نمود، نتیجه متخلق بودن به اخلاقیاتی همچون مدارا، مصالحه، احترام متقابل، تقیه، حرمت سب و لعن و... تلاش برای برقراری انسجام اسلامی و صمیمیت دینی است.

منابع و مأخذ

۱ ـ ابن ماجه قزوینی، السنن.

۲ ـ ابی داوود، السنن.

۳ ـ بخاری، الصحیح.

۴ ـ ترمذی، الجامع.

۵ ـ تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ شمسی.

۶ ـ شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ شمسی.

۷ ـ طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، کتابخانه حیدریه نجف، ۱۳۸۵ قمری.

۸ ـ طوسی، التهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ شمسی، ۱۰ جلد.

۹ ـ عاملی، وسائل الشیعه، مکتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹ شمسی، چاپ هفتم، ۱۹ جلد.

۱۰ ـ عبدالعظیم منذری، الترغیب و الترهیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ قمری.

۱۱ ـ علی بن ابی‌بکر هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ قمری.

۱۲ ـ مسلم، الصحیح.

۱۳ ـ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۷ قمری، طبع اول، ۱۸ جلد.

۱۴ ـ نووی، ریاض الصالحین، دارالرائد العربی، بیروت، بی‌تا.

۱۵ ـ الکتب الستة، دارالسلام، عربستان، ۱۴۲۱ قمری، طبع ۳ .

راهکارهای قرآنی اتحاد امت
با نگاهی تاریخی به امت‌سازی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

اتحاد به عنوان مهم‌ترین راهبرد برای جامعه‌پذیری و امت‌سازی در آموزه‌های قرآنی و نبوی مورد اهتمام و توجه بوده است. برای ساخت امتی یگانه با ویژگی‌ها جامعه نمونه و برتر (امت شاهد) نیاز به بازسازی در بینش و نگرش مردمانی است که به‌طور فطری گرایش به اختلاف[۱] و استخدام دیگری و بهره کشی از هم نوع دارد.[۲] این مسئله در میان اقوام پراکنده جزیره عربستان به جهاتی تشدید می‌شود؛ زیرا محیط سخت و زمخت عربستان و کمبود منابع آبی و غذایی، دسترسی آسان و کامل به مواد و منابع مورد نیاز را کاهش می‌داد و رقابت را در میانشان تشدید می‌کرد. هر کس برای کوچک‌ترین مسئله به‌خود این اجازه را می‌داد که به کشتن طرف مقابل اقدام کند و برای شتری جنگ صد ساله راه‌اندازی نماید. همان‌گونه که بستر طبیعی و غریزی برای اختلاف در این منطقه جغرافیایی فراهم‌تر بود، عوامل همبستگی و اتحاد نیز تقلیل می‌یافت. گزارش‌های مؤرخان و قرآن براین مسئله دلالت می‌کند که عوامل واگرایی

---

۱ . مطهری، آشنایی با سوره‌های قرآن، سوره انفال.

۲ . علامه طباطبایی، المیزان.

اجتماعی در میان اقوام عربی ساکن در منطقه بیش از آن بود که همگرایی را تقویت کند و جامعه به شکل واقعی و درست آن را سبب گردد. جامعه مجموعه انسان‌هایی است که به علل و عوامل خونی، قبیله‌ای، نژادی و فرهنگی برای کسب اهداف و منافع عالی‌تر که امکان آن به‌طور فردی فراهم نیست گردهم می‌آیند و با کاهش واگرایی و عوامل ایجادی آن می‌کوشند تا به اشکال گوناگون چون قانون نوعی اتحاد را در محور اهداف مشترک پدید آورند. این عوامل در منطقه عربی و اقوام پراکنده آن چنان نادر و یا کم بوده است که تنها نوعی قبیله‌گرایی و جامعه ابتدایی خونی را ایجاد می‌کرد. از این‌رو در گزارش‌های تاریخی می‌یابیم که این اقوام در واحه‌ها و آبادی‌های پراکنده‌ای به‌گونه همزیستی را در پیش گرفته بودند که در اصطلاحات سیاسی امروز از آن به جنگ سرد و صلح مسلح یاد می‌کنند. در یثرب (مدینه) آن روز دو گروه خونی و قبیله‌ای زندگی می‌کردند که همواره سر نزاع و جنگ را باهم داشتند. هر چند که برخی عامل یهودیان عرب را عامل مهم و تأثیرگذار در دامن زدن به اختلاف میان اوس و خزرج می‌دانند ولی به‌نظر می‌رسد که این عامل تنها عامل برای اختلافات موجود در یک جامعه کوچک چند هزار نفری نبوده است؛ زیرا همین اختلاف در جامعه کوچک‌تر که می‌توان در اصطلاح امروزی از آن به شهرک یاد کرد دیده می‌شود. در طائف حالت صلح مسلح چند دهه بلکه شاید سده‌ای ادامه داشت و میان اقوام مکه نیز وضعیت بهتری تحقق نداشت. عصبیت و غرور قومی و مهر شدید به‌خون و اقوام نزدیک خونی نه برای همدلی و همراهی بلکه برای کسب برتری و برآورد نیازها به شدت وجود داشت. این همکاری‌ها و کمک‌ها به تعبیر استاد شهید مطهری مانند همکاری سرمایه‌دارهاست که با کسب هدف و دست‌یابی به آن کاهش می‌یابد و یا از هم فرو می‌پاشد. از این‌روست که می‌بینیم با افزایش قدرت اشخاص و یا برخی قبایل مانند ابوسفیان و قریش، ارتباط و همکاری و هماهنگی‌ها در خود مکه از هم می‌پاشد و هر کس می‌کوشد تا بهره‌ای بیش‌تر از اموال و قدرت را به خود اختصاص دهد. عصبیت در چنین جامعه‌ای نیز ابتدایی بود و هیچ‌گاه از قوم و خویش و در نهایت عشیره و گاه قبیله بالاتر نرفت و به عصبیت قومی و یا ملی تبدیل نشد. از این‌رو همگرایی و اتحاد در میان آنان نیز در مرز جامعه قبیله‌ای ماند و از آن فراتر نرفت.

پیامبر ﷺ در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کرد، جامعه ابتدایی فاقد هرگونه قانون نوشته شده‌ای که بتواند به تخاصمات و نزاعی ولو کوچکی پایان دهد. سنت‌های قبیله‌ای و قومی که با شدت مراعات می‌شد و در حکم قوانین نوشته شده و سخت‌تر از به مورد اجراگذاشته می‌شد، تنها در راستای حقوق اشراف و نخبگان جامعه بود. از این‌رو هرگاه با خواسته‌های اشراف در تضاد قرار می‌گرفت به آسانی کنار نهاد می‌شد و قوانین دیگری به‌طور دایم و یا مقطعی جایگزین می‌شد.

راهکارهای قرآنی برای همگرایی

پیامبر بر پایه آموزه‌های قرآنی نخست به بازسازی بینشی و نگرشی قوم اقدام کرد. برای این مهم در مفاهیم نیز دست برد و با استفاده از واژگان موجود در فرآیند زمانی و پیچیده‌ای مفاهیم جدیدی را به مردمان القاکرد. برای شناخت درست و تحلیل دقیق از عملکرد قرآنی پیامبر ﷺ در ساخت جامعه‌ای یگانه و امتی واحد به خوانش یکی از راهکارهای قرآنی که از سوی پیامبر عملیاتی شده است می‌رویم. بنابراین با توجه به عملکرد مثبت و سازنده این روش و شیوه در جامعه‌سازی و امت‌سازی، نگاهی گذرا به مسئله انصار و مهاجر و امت‌سازی در مدینه به عنوان جامعه نمونه و مسلمانان صدر اسلام در این شهر به عنوان امت نمونه و شاهد توجه می‌دهیم.

قرآن و امت‌سازی

امت در تعبیر و اصطلاح قرآنی، گروهی همسان در دین، آیین، زمان و مکان و دیگر مشترکات انسانی است.[1] این اصطلاح هر چند با جامعه در اصطلاح امروزی مشابهت‌هایی دارد ولی تفاوت‌های محسوسی نیز در میان است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. جامعه در اصطلاح جامعه شناختی، گروه سازمان یافته‌ای از اشخاص و افراد انسانی هستند که باهم در سرزمین

---

۱ . بقره: ۱۲۸ ؛ مائده: ۴۸ و مانند آن.

مشترک زندگی می‌کنند و با همکاری درگروه‌ها نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تأمین می‌نمایدند و با مشارکت در فرهنگی مشترک و یکسان به عنوان یک واحد اجتماعی از دیگر جوامع متمایز می‌شوند.[۱] اما امت گروه خاصی از پیروان یک دین یا یک‌عصر به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد و یا رویکرد فکری هستند.[۲] این امت در نگرش قرآنی دارای حیات و زندگی است که لحظه‌ای همانند زندگی انسان‌ها پایان می‌یابد.[۳] و به عنوان یک حقیقت دارای کتاب و نوشته مخصوصی است که در قیامت به سوی آن خوانده می‌شود.[۴] و دارای فهم و شعور است[۵] و برای عمل هر جامعه و امتی عذابی مشترک و عمومی است[۶] در ضمن قرآن برای امت‌ها، سنت‌هایی نیز اثبات می‌کند که می‌توان به سنت ارسال پیامبران، هلاکت امت پس از اتمام حجت و تغییر در سرنوشت امت‌ها بر اثر عملکرد جامعه و مانند آن اشاره کرد.

قرآن یکی از اهداف پیامبر را امت‌سازی برمی‌شمارد و نشان می‌دهد که چگونه و به چه روشی پیامبر به آن دست یافت و امت شاهد و نمونه‌ای را در مدینه ایجاد کرد که می‌تواند الگو برای جوامع دیگر به ویژه امت اسلامی در روزگار ما باشد که از معنا و مفهوم امت تنها اسم و نامی از آن و پوستین بدون محتوا به جا مانده است. از این‌رو برای دست‌یابی به امت اسلامی واقعی و مطلوب می‌بایست دوباره با الگوبرداری از روش پیامبر به ایجاد امت اسلامی واقعی و نمونه اقدام شود.

---

۱ . مبانی جامعه شناسی، مجید مساواتی، تبریز، ۱۳۷۲ ، ص ۱۴۲ .

۲ . المیزان، ج ۶ ، ص ۳۹ .

۳ . اعراف: ۳۴ .

۴ . جاثیه: ۲۸ .

۵ . انعام: ۱۰۸ .

۶ . غافر: ۵ .

قرآن امت اسلامی در عصر پیامبر را بهترین امت و جامعه‌ای دانسته است که تا آن زمان تشکیل شده بود. این امت وسط[۱] و شاهد و نمونه[۲] از چه خصوصیات و ویژگی‌هایی برخوردار بوده است که مورد ستایش خداوند قرار گرفته است؟

از ویژگی‌هایی که قرآن برای امت نمونه و شاهد بیان می‌کند، این است که در کارهای یک دیگر نظارت می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند،[۳] تعاون بر خیر و تقوا در میان ایشان اصالت دارد: ﴿**تعاونوا علی البر و التقوی**﴾، برداری ایمانی در میان ایشان در آن حد و اندازه است که از خود می‌گذرند و ایثار می‌کنند. در جستجوی وضعیت یک دیگری به تجسس و جاسوسی اقدام نمی‌کنند، غیبت و تهمت و افترا در میان‌شان نیست، اختلافات جزیی و کلی را با حکمیت و یا رجوع به قانون حل و فصل می‌کنند و در میان‌شان شمشیر قضاوت نمی‌کند، جان و مال و عرض یک دیگر را محترم می‌شمارند و امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را برای یک دیگر و جامعه فراهم می‌آورند و عوامل ایجادی آرامش و آسایش در جامعه را تقویت می‌کنند. در همه امور اصل بر تقوا و عدالت و قسط نهاده می‌شود و عفو و گذشت را حتی نسبت به قاتل درنظر می‌گیرند و اصالت را به قصاص و قتل نمی‌دهند هر چند که قصاص و امور دیگری از این دست حق ایشان است. به یک معنا از حق خویش برای تقویت همبستگی می‌گذرند و اصول همدلی و همراهی را در خود تقویت می‌کنند. از یک دیگر انتقام نمی‌گیرند و بسیاری دیگر از مسائلی که در قرآن بدان پرداخته و به تفصیل توضیح داده شده است.

---

۱ . بقره: ۱۴۳ .

۲ . همان.

۳ . آل‌عمران: ۱۰۴ .

مهاجران و انصار؛ واگرایی و همگرایی

انصار که اصطلاح خاصی در فرهنگ اسلامی و قرآنی است، بیانگر حالت عالی از همدلی و همگرایی و هم فکری امت اسلام است. اگر بخواهیم به مسئله اشاره داشته باشیم که بتواند بهترین شاهد برای امت‌سازی قرآنی پیامبر باشد همدلی و همگرایی است که در شکل و قالب انصار در مدینه شکل گرفت. انصار که نامی برای مسلمانان مدینه از اوس و خزرج به شمار می‌آید، در زمانی شکل گرفت که امت در حال شکل‌گیری بود. اوس و خزرج دو قبیله ساکن در شهر یثرب پیش از اسلام همواره در جنگ و ستیز بودند و هرگز جامعه مدینه به شکل درست آن پیش از ورود اسلام شکل نگرفت؛ زیرا دست‌کم سه گروه متخاصم در مدینه زندگی می‌کردند که اجازه پدیداری مفهوم جامعه را به این اشخاص نمی‌داد. در حقیقت گروه‌های متخاصمی بودند که تنها در یک سرزمین به جهت آب و آبادانی ابتدایی گرد آمده بودند و به جای همگرایی به رقابت می‌پرداختند. از این‌رو در برابر تهاجمات بیرونی بسیار ضعیف و سست عمل می‌کردند. پیامبر پس از ایجاد دگرگونی در بینش و نگرش مردم مدینه، به تقویت اصول همدلی همت گماشت و با برنامه دقیق و حساب شده‌ای توانست واگرایی را در میان ایشان از میان بردارد. پیامبر در پیمان‌های متعددی سران اوسی (بنی‌عبدالاشهل) و خزرجی (بنی‌سلمه) را به گونه‌ای در کنارهم نهاد که با هم یک دل و یک رنگ شدند. اختلاف چند دهه و یا سده تبدیل به وفاق و همدلی شد. این‌گونه شد که انصار به عنوان یک واژه برای دو قبیله متنازع شکل گرفت و پایه‌های اساسی امت نهاده شد. انصار به معنای یاران پیامبر به جای خزرجی و اوسی نشست و از این زمان است که می‌بینیم دیگر سخن از قومیت و قبیله در اسناد و گزارش‌های عصر نخست نیست و در همه جا به جای یاد کرد از قوم و قبیله از واژه و اصطلاح انصار یاد می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ برای از میان بردن اختلاف قومی و قبیله‌ای حتی در کاربرد واژگان دقت می‌کرد. کاربرد اوسی و خزرجی می‌توانست به اختلافات دامن بزند و یادکرد آن دامنه خاطرات گذشته را به امروز بکشاند. از این‌رو به جای کاربرد اوسی و خزرجی از واژه انصار استفاده کرد که بیانگر محتوایی دینی بود. کاربرد این واژه

در آیات قرآنی برای انصار نوعی احساس ویژه را در میان اهالی مدینه برمی‌انگیخت. در آیات مدنی قرآن‌کریم این واژه در ۷ مورد تکرار شده است که در آن از اقوام و گروه‌های ساکن مدینه خبر می‌دهد. مقایسه انصار با انصار حضرت عیسی علیه‌السلام می‌توانست حس معنوی ویژه‌ای را در میان بومیان مسلمان یثرب برانگیزد، به‌گونه‌ای که آنان خود را یاران و سربازان خداوند احساس کنند و برایمان و نگرش آنان به زندگی تأثیر عمیق و ژرف بر جای نهد.(۱)

ردیابی کاربرد این واژه نشان می‌دهد که مسلمانان بومی مدینه در سال‌های دوم و سوم به این نام جدید خوانده شدند. پیش از این آنان هر چند که به‌عنوان پناهندگان از اعتبار خاصی برخوردار شده بودند ولی به عنوان یک گروه همدل ایمانی از آنان یاد نشده بود. در زمان جنگ بدر آنان نه تنها به این مفهوم جدید اعتبار معنایی خاصی بخشیدند، از این‌رو به عنوان امتی همدل و همراه در عرصه اندیشه و عمل خودنمایی کردند و مورد ستایش خداوند قرارگرفتند.

این نخستین اقدام پیامبر در ساخت هسته نخست امت بود. در گامی بعدی با حضور مهاجران، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با ایجاد پیمان‌برداری میان انصار و مهاجر گام بعدی را برداشت. انصار به نوعی مهاجران را در مدینه پذیرفتند و آنان را هم‌چون برداران خونی و قبیله‌ای گرامی داشتند. کاستی‌هایشان را جبران کردند و زمینه ادامه زندگی و حیات ایشان را در مدینه فراهم آوردند. آنان مهمانسرای برای اسکان موقت مهاجران ایجاد کردند و از بهترین محصولات و امکانات خود برای پذیرایی مهاجران استفاده نمودند.(۲) برخی از ایشان در میان تیره‌های گوناگون انصار توزیع شدند و انصاریان در رقابت باهم دیگر براساس قرعه حمایت از خانواده‌های مهاجر را به‌عهده گرفتند.(۳)

---

۱ . آل‌عمران: ۵۲؛ صف: ۱۴ .

۲ . بقره: ۲۶۷ .

۳ . الطبقات، ج ۱۳ ، ص ۳۶۹ .

انصار دارایی و خانه خود را در اختیار مهاجران قرار داده و آنان را در محصولات کشاورزی خود شریک کردند و برخی از آنان زمین‌های پیرامون منازل مسکونی خود را به پیامبر بخشیدند. این روابط میان انصار و مهاجران با پیمان‌برداری تقویت شد.[۱] در آغاز برنامه براین بود تا از یک دیگر ارث برند که چنین نیز اتفاق افتاد تا این‌که بعدها احکام تغییر یافت و تنها خویشان از یک دیگر ارث بردند.[۲]

حمایت‌های همه جانبه انصار از مهاجران، روحیه همدلی و هم‌فکری را تقویت کرد و امت شاهد شکل گرفت. در گزارشی از پیامبر از این همدلی و رفتار شایسته میان انصار و مهاجران به محبت والدین به فرزند تشبیه شده است.[۳] البته گاه تنش‌هایی به علل مختلف به ویژه به جهت عامل نفاق رخ می‌داد که در آیات سوره منافقان به آن اشاره شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله کوشید تا با آشکار کردن روش‌های منافقان، ریشه‌های اختلاف را بخشکاند. این‌گونه شد که امت با تشکیل دسته انصار و مهاجران شکل گرفت. اندک‌اندک با ایجاد وفاق و ارتباط نسبی و مانند آن، انصار و مهاجر، ارتباط خویش را افزایش دادند. تجربه‌های مشترک، فرهنگ و تمدن مشترک و راه و روش و دین مشترک موجب شد تا این عوامل تقویت و تحکیم گردد.

---

۱ . همان، ج ۳، ص ۱۷۴ و ۵۲۳ و دیگر کتب سیره و تاریخ.

۲ . انفال: ۷۵ .

۳ . المستدرک، ج ۴ ، ص ۸۳ .

بازخوانی خاستگاه و ریشه‌های اختلاف امت
از نشانه تا معنا و اختلاف تا اتحاد

نشانه‌ها در بینش قرآنی از کارکردترین ابزار ارتباطی میان انسان و خدا از سویی و انسان و انسان از سوی دیگر به‌شمار می‌آیند. در تحلیل قرآنی آن چه در همه جا نمود دارد و خود را می‌نمایاند نشانه‌ها هستند. به سخنی دیگر ما جز با نشانه‌ها با چیز دیگری سر و کار نداریم. این مسئله اختصاصی به مسئله نشانه‌ها در زبان شناختی و یا عالم تدوین ندارد، بلکه در همه جا از عالم تدوین و واژگانی گرفته تا عالم تکوین و واقعیت بیرونی آن چه به‌گونه‌ای خود را به عنوان اصالت می‌بخشد، نشانه‌ها هستند.

هر چیزی در عالم آیه و نشانه‌ای از خداست. خداوند در تصریف و گرداندن آیات و نشانه‌ها می‌کوشد با زبان‌ها و روش‌های مختلف یک معنا را به انسان بنمایاند. در ورای همه این نشانه‌ها، توحید، الوهیت و مطلق و ربوبیت کامل خداوندی بیان می‌شود، و همه یک معنا را بیان می‌دارند.

یکی از علل تکرار آیات و تصریف آن با وجود وحدت معنایی اختلاف فهم و درک مخاطبان است. این مسئله همانند گذاشتن تابلوی خطر، چراغ راهنمای چشمک زن و گذاشتن سرعت‌گیر و مانند «آ» همه یک معنا را بیش‌تر نمی‌رسانند. این تنوع برای اختلاف در فهم

مخاطبان است تا در جاهای خطرناک گرفتار تصادف نشوند. کسی ممکن است نشانه اول را نبیند و یا نشناسد و یا با آن ارتباط برقرار نکند. به هرحال همه این نشانه‌های متعدد و متنوع تنها یک معنا را بیان می‌کند. این همان چیزی است که در قرآن از آن به تصریف الایات یاد می‌کند. گاه دیگر سخن از تکرار یک نشانه در جاهای مختلف است مانند آن که در سر یک چهار راه یا گذرگاه خطرناک در هر پانصد، دویست، صد و پنجاه متری یک نشانه را تکرار کنند تا مخاطب متوجه خطر و اهمیت آن گردد. آیات قرآنی گاه در یک سوره چند بار تکرار می‌شود تا یک معنا را به مخاطب بفماند. معنایی که از نظر قرآن بسیار مهم و ارزشمند است و غفلت از آن موجب هلاکت انسان می‌شود.

این‌ها نشانه‌هایی است که یک معنا را به خوانندگان و مخاطبان خود منتقل می‌کند. نشانه‌ها در نگرش و بینش قرآنی در کارکرد متفاوت دیگر نیز دارند. برخی از نشانه‌ها هویت‌ساز هستند. به این معنا که ماهیت واحدی را تشخص می‌بخشد و به آن هویت و شخصیت جداگانه‌ای می‌بخشد. از این دست نشانه‌ها می‌توان به مناسک و روش‌هایی اجرایی یک عبادت اشاره کرد. مساجد به عنوان یک نشانه هویت‌ساز برای اسلام به کار می‌رود، چنان که نشانه کلیسا یا کنشت چنین هویت بخشی را نسبت به مسیحیان و یهودیان ایفا می‌کند.

از نظر اسلام و قرآن همان‌گونه که فرهنگ‌های متفاوت و زبان‌ها و قومیت‌های متنوع پذیرفتنی است و به عنوان امری مقبول و مشروع مورد تأیید قرار می‌گیرد، هم‌چنین شرایع و روش‌های مختلف مورد تأیید است. قرآن در تأیید شرایع مختلف که بیانگر معنای واحدی است، می‌فرماید:

﴿لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا﴾.

«برای هریک از شما از انسان‌ها شریعت و روش خاصی قرار داده‌ایم».

هر یک از شریعت‌ها براساس یک نظام نشانه‌ای خاص می‌گیرد و تشکل می‌یابد. این نشانه‌های خاص به آن شریعت هویت خاص می‌بخشد. از این‌رو ما با شریعت خاص

عیسوی علیه‌السلام و یا موسی علیه‌السلام روبه‌ور می‌شویم. شریعت خاصی که با نشانه‌های خاص به خود هویت می‌بخشد و روش خاصی را برای بیان خود از میان نشانه‌های متنوع و متعدد بر می‌گزیند. این نشانه‌های مختلف برای آن است که هر کسی با توجه به قوه ادراکی و فهم خود بتواند به معنای فرای این نشانه‌ها دست یابد.

نشانه‌های مختلف عامل اتحاد

این نشانه‌ها و روش‌های مختلف و متنوع می‌بایست عاملی برای اتحاد باشد و یا به این منظور مورد توجه قرارگیرد. به این معناکه می‌بایست از نشانه‌های متنوع و مختلفی که وجود دارد عبور کرده و به معنای واحد و یگانه‌ایی که در فرای نشانه‌هاست دست یافت. معنایی که در ورای این نشانه‌هاست همان چیزی است که قرآن به عنوان اسلام از آن یاد می‌کند و می‌فرماید:

﴿ان الدین عندالله الاسلام﴾.

«دین در نزد خداوند واقعیت اسلام و حقیقت تسلیم است».

همان‌گونه که خداوند به اقتضای زمان و مکان و فهم مخاطبان، شرایع مختلف و نشانه‌های گوناگونی قرار داد و در ورای همه آن‌ها آن چه واحدست اسلام است؛ برای هر ملت فرهنگی و قومی نشانه‌های قرار داد تا بتواند با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی خود با اسلام به عنوان یک حقیقت نه تنها یک واقعیت تاریخی ارتباط برقرارکند. از این‌رو تنوع فرهنگی پذیرفته شده است و اسلام از این قابلیت و ظرفیت برخوردار است تا معانی خود را به نشانه‌های دیگر فرهنگی منتقل نماید. این مسئله در زبان نیز مطرح می‌شود. اگر همین حقیقت بالای زبانی برای انتقال مفاهیم و معانی و یا به جهت عدم ظرفیت عرب‌ها از پذیرش معانی از زبان یا فرهنگ دیگر و تعصبات بی‌جا نسبت به زبان و فرهنگ عربی موجب شده است تا قرآن به زبان عربی بیاید. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿**ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبن لهم**﴾.[۱]

«ما هر رسولی را به زبان قومش فرستادیم تا به زبان آنان برایشان آیات خداوند را تبیین کنند».

و نیز می‌فرماید:

﴿**و لو جعلنا قرآنا اعجمیا لقالوا لولا فصلت آیاته**﴾.[۲]

«اگر قرآن را به زبان غیرعرب می‌فرستادیم می‌گفتند چرا آیات قرآن تفصیل داده نشده است و روشن نشده و بی‌معناست».

و یا می‌فرماید:

﴿**ولو نزلنا علی بعض الاعجمین فقراه علیهم ما کانوا به مؤمنین**﴾.[۳]

«اگر قرآن را بر غیرعرب می‌فرستادیم و او آن را برایشان می‌خواند عرب‌ها به آن ایمان نمی‌آوردند و مؤمن به آیات آن نمی‌شدند».

بنابراین یکی از علل نزول قرآن به عربی توانایی زبانی می‌باشد ولی این بدان معنا نیست که لزوماً می‌بایست به این زبان نازل می‌شد؛ زیرا قرآن به صراحت بیان می‌کند که علل مختلفی وجود داشته است که قرآن به زبان عربی نازل شده است که یکی از آن‌ها زبان قوم پیامبر بودن و دیگر تعصبات قومی و زبانی و دیگری عدم ایمان آنان به کتبی است که به‌زبان عربی نباشد. این بدان معناست که این نشانه‌ها یعنی نشانه‌های که به شکل زبان عربی و فرهنگ عربی آمده است، تنها نشانه و زبانی نیست که قابلیت و ظرفیت انتقال معانی را دارا می‌باشد و دیگر فرهنگ‌ها و زبان‌ها از چنین ظرفیت و توانایی برخوردار نمی‌باشند؛ زیرا اگر این چنین بود شریعت عیسوی

---

۱. ابراهیم: ۴.

۲. فصلت: ۴۴.

۳. شعراء: ۱۹۸.

و یا موسوی نیز می‌بایست به زبان عربی منتقل می‌شد، در حالی که چنین نشد و بلکه آن چنان‌که قرآن گزارش می‌کند بیش‌ترین شرایع و نشانه‌های آسمانی و وحیانی از طریق زبان‌های دیگر به ویژه عبری و مانند آن منتقل شده است و شرایع آسمانی به زبان غیرعربی بوده است و بلکه خداوند به صراحت با بیان آن‌که عرب‌ها امتی امی و بی‌کتاب آسمانی بوده و از قوانین آسمانی برخوردار نبوده‌اند تبیین می‌کند که آنان امتی بودند که پیش از این پیامبری برایشان نازل نشده بود و دست‌کم از زمان حضرت اسماعیل علیه‌السلام تا حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدت چند هزار ساله‌ای از پیامبری برخوردار نبوده‌اند.

اگر گفته شود که این ظرفیت در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زبان و فرهنگ عربی به گونه‌ای پیدا شده است که دیگر زبان‌ها را به کناری نهاده است، این بدان معنا نخواهد بود که انتقال معانی از طریق نشانه‌ها و زبان‌های نشانه‌ای دیگر و یا نمادهای فرهنگی دیگر امکان‌ناپذیر است.

بنابراین هر فرهنگ و زبان فرهنگی با نشانه‌های اختصاصی و انحصاری خود از این ظرفیت و توانمندی برخوردار است تا به‌عنوان نشانه‌ها و علایم نمادین، معانی وحیانی و آسمانی را منتقل سازند.

به عنوان نمونه در زبان عربی از نشانه واژگانی صلاة برای بیان یک معنای خاص استفاده می‌شود. این معنا به صورت و شکل کلمات و حرکات و سکنات خود را نشان می‌دهد. صلاة خود به‌عنوان یک نشانه در زبان عربی بیانگر یک معنا و مفهوم خاصی است که ترکیبی از حرکات و اعمال و گفتارهای خاص آن را شکل می‌بخشد و به‌عنوان یک نماد به ظهور می‌رساند؛ ولی همین اعمال و حرکات و گفتار خود نیز نشانه‌ای از یک معنای دیگر است که در ورای این مجموعه قرار دارد که ما از آن صلاة یاد می‌کنیم؛ زیرا هدف و معنای واقعی این مجموعه همان عبودیت و پرستش خدای یگانه است. از این‌رو نمی‌توان مدعی شد که صلاة به عنوان نشانه‌ای برای بیان یک معنا (مجموعه حرکات و گفتارهای خاص دعایی) کامل‌تر از واژه نماز در زبان فارسی به عنوان یک نشانه فرهنگی برای همان معناست؛ زیرا همان‌گونه که واژه و نشانه صلاة این معنا را می‌رساند واژه نماز نیز از چنین ظرفیت و توانایی برخوردار می‌باشد. همان‌گونه که نماز در یک فرآیند از دعا به دعایی خاص منتقل شده است و مفهوم

پرستش خاص را می‌رساند واژه نماز نیز در یک فرآیند چنین تحول و تطوری را از سر گذرانده است.

نشانه‌ها هیچ‌گاه اصالت نداشته و نمی‌تواند به عنوان عامل مهمی چون اصل معنا درآید بلکه همه آن‌ها وسیله و ابزاری برای بیان معانی هستند. بنابراین هرگز در حدی مورد تأیید و تأکید قرار نمی‌گیرند که به جای معانی بنشینند و اصالت یابند. به عنوان نمونه کعبه نشانه‌ای از توحید و خانه خداست ولی کسی که به کعبه به عنوان اصل و معنا توجه نمی‌کند و براین باور نیست که اگر به سوی آن نماز می‌گذارد کعبه را می‌پرستد؛ زیرا کعبه‌پرستی نه تنها مشروعیت نداشته بلکه به عنوان شرک روشن امری نامشروع و گناهی بزرگ است. آن که در ورای این نشانه موردنظر است پرستش خداست. کسی که به سوی کعبه نماز می‌گزارد، کعبه را نمی‌پرستد، بلکه خدا را می‌پرستد و کعبه را تنها نشانه‌ای از توحید و وحدت می‌بیند. چنان‌که کسی که بر خاک (تربت و مهر کربلا و سنگ و چوب) نماز می‌گزارد نه خاک را می‌پرستد و نه سنگ و چوب را سجده می‌کند، بلکه آن را نشانه‌ای می‌یابد از پرستش خدا و در ورای سجده به خاک و به سوی کعبه پرستش خدا را نظر می‌آورد. هرگز از مسلمانی و یا شیعه‌ای شنیده نشده است که بگوید من خاک را می‌پرستم و یا کعبه را و یا تربت حسینی علیه‌السلام را می‌پرستم؛ زیرا پرستش آن‌ها مشکلی است که شیطان و ابلیس با آن روبه‌رو بوده است. ابلیس افزون برخودپرستی و نژادپرستی که از آن به صراحت سخن می‌گوید به مشکل دیگری روبه‌رو بوده است که عدم درک نشانه‌ها و ابزاری بودن آن بود. ابلیس نتوانست و نخواست از نشانه‌ها عبور کند و به معنا برسد و بر پایه محتوا و باطن و معنا تحلیل و عمل کند. ابلیس با این ادعا حاضر به سجده بر انسان (آدم علیه‌السلام) نمی‌شود. برخی از صوفیان ابلیس‌گرا در توجیه این عمل ابلیس می‌گویند که او از اهل توحید صرف و محض بوده است و حاضر نشده است که حتی یک سجده بر غیرخدا کند. بنابراین او حتی ذره‌ای به خداوند شرک نورزیده و از اخلاص بالا و توحید برتری برخوردار بوده است.

شگفت آن که ابن‌عربی در تفسیر انکار نبوت نوح علیه‌السلام از سوی قومش به این تحلیل تمسک می‌جوید که حضرت نوح علیه‌السلام انسانی تشبیه‌گرا بوده است و می‌کوشد خدا را به اموری تشبیه کند ولی قوم وی چون عقل‌گرا و از مرتبه تنزیه برخوردار بوده‌اند حاضر به پذیرش تشبیه

وی نشده و خدای منزه از صفات را می‌پرستیدند زیرا صفات اثباتی برخلاف صفات سلبی برخوردار از نوعی تشبیه و محدودساز است ولی قوم نوح اهل تنزیه بوده و خداوند را بر پایه صفات سلبی می‌پرستیدند. بنابراین حاضر به پذیرش دعوت نوح صفت‌گرا و تشبیه‌گر نشده و خود بر تنزیه خدا اصرار کرده و غرق توفان شده و به مقام محو رسیده‌اند.

در پاسخ گروه نخست باید گفت که ابلیس با سرباز زدن از سجده به آدم علیه‌السلام و استکبار از آن در حقیقت توحید را انکار کرده است؛ زیرا سجده بـه آدم علیه‌السلام و اطـاعت از امـر الهـی به معنای پذیرش توحید و الوهیت و ربوبیت مطلق خداوند بوده است و انکار آن به معنای خروج از حاکمیت الهی معنا و مفهومی نخواهد داشت. به نظر می‌رسد که ابلیس می‌بایست بسیار کودن بوده باشد که از ورای نشانه‌ها به معنا نرسیده و در ورای سجده به آدم سجده به خاک را ادارک نکرده باشد. وی با این کار ربوبیت مطلق الهی را انکار کرده است و نپذیرفته است تا شاگردی انسانی راکند که از خاک و عنصر پست‌تر آفریده شده است؛ زیرا سجده به آدم به معنای پذیرش ربوبیت واسطه‌ای انسانی بود که از سوی خدا به خلافت رسیده است. ابلیس می‌بایست بپذیرد تا انسانی خاکی به عنوان خلیفه الهی پرورش و ربوبیت او را به عهده گیرد و او را به کمال لایق برساند ولی وی از آن جایی که خود را از نظر نژادی برتر یافته است و انسان را عنصر خاکی و پست دانست، حاضر نشد تا تحت تسخیر و فرمان او درآید و به کمک خلیفه به کمال ذاتی و لایق خود رسد. شگفت این که چه بخواهد و چه نخواهد در مقام تکوین او مسخر انسان است و به کمک خلیفه الهی به کمال لایق خود رسید؛ هر چند که این کمال در وجه دیگر آن یعنی بازگشت به جباریت خداوند است به جای آن به رحمانیت و رحمیت او بازگردد؛ زیرا ابلیس لایق بیش از این نیست.

اما درباره قوم نوح علیه‌السلام باید گفت که اگر قوم نوح در مقام عقل و تنزیه که مقام ملایک و فرشتگان بوده قرار داشته و نوح در مقام تشبیه بوده است باید به این پرسش پاسخ داده شود که چرا قوم نوح ده‌ها بت را می‌پرستیدند که خداوند در سـوره نـوح از آنـها یـاد مـی‌کند. این غرق نه تنها غرق در وحدت وجود نیست بلکه غرق در نشانه‌ها وگمراه شدن در نشانه‌ها بوده است و آنان نتوانسته بودند تا ورای نشانه‌ها خدا را بیابند.

به هر حال هر یک از این نشانه‌ها به عنوان یک نشانه از ارزش و اعتبار برخوردارند و می‌بایست از آن‌ها عبور کرد. چنان‌که گفته شد در همه زبان‌ها و فرهنگ‌های انسانی این مسئله وجود دارد و هر زبان و فرهنگی از این ظرفیت برخوردارند و می‌توانند معانی دینی را برتابند و انتقال دهند. دین اسلام که یگانه دین از نظر خداوند است در زمان‌های مختلف و شرایط متنوع و گوناگون از طریق نشانه‌های قابل فهم افراد زمان و اشخاص مخاطب بیان شده است. زبان و فرهنگ عربی یکی از نشانه‌هاست و شاید کامل‌ترین و بهترین در بخشی از آن باشد ولی این به معنای آن نیست که دیگر نشانه‌ها باطل و یا ناتوان از انتقال معانی هستند.

قرآن همان‌طور که فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف را پذیرفته، هم چنین شرایع و نشانه‌های مختلف را نیز پذیرفته است. از این‌رو هر یک از فرهنگ یا توجه به ظرفیت‌های خود نشانه‌هایی را برای بیان همان معانی در خود همراه دارد؛ زیرا همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها ریشه انسانی و الهی دارد و این ظرفیت کم و بیش در همه آن‌ها نهاده شده است. از این‌رو همان‌گونه که زبان فارسی توانسته است با ظرفیت خود معانی قرآنی را برتابد، فرهنگ ایرانی نیز از چنین ظرفیتی برخوردار است؛ تنها چیزی که فرهنگ و زبان فارسی و ایرانی نیازمند آن است بازسازی نشانه‌ها با توجه به معانی قرآنی است؛ یعنی می‌بایست همان راهی را بپیماید که قرآن در طول بیست و سه ساله در تغییر و تطور فرهنگ و زبان عربی پیموده است و آن را به تکاملی رسانده تا بتواند معانی بلند قرآنی و وحیانی را برتابد و به دیگران منتقل نماید.

فرهنگ اسلامی یک فرهنگ نشانه‌ای است. بنابراین می‌بایست از آن گذشت و به حقیقت ورای این نشانه‌ها دست یافت؛ چنان‌که از معابد و مساجد و کنشت می‌گذریم و خدا را در ورای آن‌ها عبادت می‌کنیم. و یا از مناسک و نمادهای دینی چون نماز و روزه و حج و جهاد و خمس و زکات می‌گذریم و در همه آن‌ها وجه الله و خدا را می‌جوییم. البته می‌پذیریم که برخی از نشانه‌ها از قابلیت بهتر و بیش‌تری نسبت به برخی دیگر برخوردارند؛ چنان‌که چراغ خطر و راهنما از سرعت‌گیر از چنین ویژگی‌ای برخوردار می‌باشند و هرکدام از آن‌ها از نظر نشانه بودن و تأثیرگذاری از شدت وضعف متفاوتی بهره می‌گیرند. با این همه

اختلاف در درجه انتقال مفهوم از یک نشانه تا نشانه دیگر این بدان معنا نیست که در یک نشانه‌ای تعصب ورزیده و آن را اصالت بخشیده و بهره گیری از نشانه دیگر را شرک و باطل بدانیم و آن را تخطئه نماییم و به اختلافات بر پایه نشانه‌ها دامن بزنیم. بلکه می‌بایست از همه این نشانه‌ها گذشته و به معنای واحد ورای آن‌ها دست یابیم.

اختلافات روشی

قرآن نه تنها اختلاف فرهنگی و قومی را امری طبیعی برمی‌شمارد بلکه اختلافات روشی را تأیید می‌کند و آن را طبیعی و مفید و سازنده برمی‌شمارد. قرآن بیان می‌دارد که برای هر امتی روشی خاص قرار داده‌ایم چنان‌که برای هر امتی شریعت یعنی قانون‌های مرتبط با زمان و مکان و مقتضیات عصری قرار داده‌ایم. هدف از تنوع روشی و شریعتی بنابه بیان قرآن آموزن است تا هرکس با توجه به نشانه‌های موجود از آن‌ها گذشته و در فراسوی آن‌ها معنا را درک و فهم نماید. قرآن تأکید می‌کند که اگر می‌خواست می‌توانست این تنوع فرهنگی و روشی و قانونی را ازمیان برداشته و همگان را بر پایه روش و فرهنگ و قانون یگانه‌ای قرار دهد و به اجبار آنان را در یک مسیر هدایتی در آورد. بنابراین اختلاف روشی نه تنها زیانبار نیست بلکه مفید و سازنده است و هرکس بر پایه روش‌هایی که می‌تواند بفهمد و با آن کنار آید حرکت کرده و از نشانه‌ها به هدف دست یابد.

خاستگاه و ریشه اختلافات امت

اگر قرآن اختلافات فرهنگی، قومی، روشی و قانونی (شرایع) را پذیرفته است، پس چه چیزی خاستگاه و ریشه اختلافات کنونی در میان امت اسلام و یا شرایع وحیانی یعنی امت بزرگ اسلام که شامل همه شرایع وحیانی است، می‌باشد؟

به نظر می‌رسد که تأکید برخی از پیروان برخلاف دستور قرآن و ایات وحیانی برنشانه‌های خاص، خاستگاه بسیاری از اختلافات است. هرگاه پذیرفته‌ایم که هر شریعتی از یک

نظام نشانه‌ای برخوردار است که آن شریعت را از شرایع دیگر جدا و متمایز می‌سازد؛ بنابراین می‌بایست پذیرفته باشیم که نشانه‌ها اصالت نداشته و تنها از آن جهت مفید هستند که ابزار ارتباطی میان انسان و معنا هستند و یا به انسان‌هایی که خواستار تنوع می‌باشند و از درک و فهم‌های مختلف برخوردارند کمک می‌کند تا با روش‌ها و نشانه‌های مختلف به معنا برسند. این همان چیزی است که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«**نحن معاشر الانبیاء امرنا لاکلم الناس بقدر عقولهم**».

ما مأمور شده‌ایم تا بر پایه توان و ظرفیت عقول مردمان سخن بگوییم. در نهایت تأثیری که این نشانه‌ها به جا می‌گذارد، هویت‌بخشی و هویت‌سازی است. بنابراین نشانه‌ها نمی‌توانند به عاملی برای اختلاف تبدیل شوند مگر آن‌که کسانی بخواهند از آن‌ها بهره‌برداری نادرست کرده و به اختلافات ماهوی دامن زنند.

در هر شریعتی حتی شریعت اسلام نیز نشانه‌ها از چنین کارکردی برخوردارند و نمی‌بایست در درون شریعت برخی از نشانه‌ها را بر برخی دیگر اصالت و برتری بخشید و به این وسیله دیگران را تخطئه کرد. نشانه‌های درون شریعتی هر چند به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ زیرا برخی از نشانه‌ها به‌گونه‌ای هستند که نوعی هویت به جامعه و امت می‌بخشد مانند نشانه کعبه و یا نشانه مسجد و حج و مانند آن ولی این‌ها هیچ تمایز ماهوی را پدید نمی‌آورند؛ زیرا در شرایع دیگر نیز چنین نشانه‌های هویت‌بخشی وجود دارد که می‌توان از بیت‌المقدس در شریعت یهودی و نصرانی و کلیسا و کنشت و حج بیت‌المقدس یادکرد.

چنان‌که گفته شد زبان عربی همانند زبان فارسی یا انگلیسی و یا ترکی و یا فرانسوی است. بنابراین زبان عربی تمایزی با دیگر زبان‌ها نداشته و نشانه بودن در آن موجب نمی‌شود دیگر زبان‌ها از نشانه بودن بیرون روند. اگر دین اسلام به زبان عربی نازل شده است این قابلیت را دارد که به زبان نشانه‌ای دیگر نیز منتقل شود و نظام نشانه‌ای دیگری آن معانی را به انسان‌ها منتقل سازد. البته نظام نشانه‌ای زبان فارسی خود دارای بار فرهنگی و قومی خاص خود است ولی باز تولید معنا دراین نظام نشانه‌ای موجب نمی‌شود تا یک حق و دیگری باطل باشد و کسانی که از

این نشانه‌ها استفاده می‌کنند از شریعت و امت اسلام بیرون روند. چنان‌که وقتی ایرانیان نشانه نماز را به جای صلاة یا روزه را به جای صوم به‌کاربرده‌اند از دین اسلام بیرون نرفته‌اند و این نشانه‌ها چون همان معنای قرآنی را باز می‌تاباند هیچ مشکلی را پدید نمی‌آورد اکنون نیز اگر تصوف ایرانی نوعی زهد را بنمایاند به معنای بیرون رفتن از شریعت قلمداد نمی‌شود و نباید نیز چنین باشد.

قرآن به این مسئله توجه می‌دهد و بیان می‌دارد که حتی‌گاه ایجاد نشانه‌های جدید نیز باطل شمرده نمی‌شود اگر در راستای اهداف و معنای بلند توحیدی باشد. مسئله رهبانیت که از بدعت‌های پسندیده مسیحیان بوده و اشاره کرده و توضیح می‌دهد که این بدعت که از طریق نشانه‌ای دیگر انجام شده به جهت نگاه به نظام معنایی مقبول مورد تأکید بوده است هر چند که مسیحیان خود به این نشانه چنان‌که باید و شاید عمل نکرده‌اند و برخلاف آن رفتار نموده‌اند. بنابراین نظام نشانه‌ای که معنای دینی را باز نمایاند موجب نمی‌شود که به کار برندگان نشانه از دین بیرون رفته‌اند.

قرآن از این نشانه‌ها که نوعی هدایت را به‌دنبال می‌آورد به عنوان منسک و نماد یاد می‌کند. منسک که روش و شریعت و گاه به معنای نماد و نشانه به‌کار می‌رود، آن دسته از نشانه‌هایی هستند که به شریعت هویت خاصی می‌بخشند. بنابراین نمی‌بایست این نشانه‌ها موجبات اختلاف شوند و به آن دامن زنند. خداوند در آیه ۶۸ سوره حج می‌فرماید:

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكاً هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ﴾.

برای هر امتی نشانه‌های به عنوان مناسک قرار داده‌ایم تا آن را به عنوان روش بپیمایند پس نباید در این مسئله با تو اختلاف و منازعه کنند. به این معنا که اختلاف منسک و نشانه امری طبیعی است و نباید آن را عاملی برای اختلافات و تنازعات قرار داد.

قرآن تأکید می‌ورزد که همه این نشانه‌ها برای بیان معنا است و نباید معنا را فدای نشانه ساخت. از این‌رو می‌فرماید:

﴿ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا الله ...﴾.

هدف از مناسک یادکرد خداست. آن چه مهم است ذکر خدای واحد و یگانه‌ای است که فراسوی این مناسک و اعمال نشانه‌ای وجود دارد. پس اگر کسی قربانی می‌کند آن چه مهم است عمل پرسش خدای یگانه است. بنابراین نباید این نشانه‌ها و اختلافات روشی، منسکی موجب می‌شود تا گمراه شوید و به اختلافات و منازعات دامن بزنید.[۱]

۱. حج: ۳۴ .

اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز پیروزی

محمد آموزگار

﴿واعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرقوا﴾[۱]

مقدمه

وحدت از مقولات اساسی و حیاتی است که از ابتدای پیروزی انقلاب، مورد توجه جدی رهبران و نخبگان جامعه بوده است. گره خوردن این مقوله با کیان نظام جمهوری اسلامی و امنیت ملی و نیز چالش‌های فراروی آن، سبب شد تا امام عظیم الشأن و مقام معظم رهبری، طی دوران بیست و چند ساله انقلاب، همه گروه‌ها و آحاد ملت را به وحدت، هم‌دلی و مهربانی با یکدیگر دعوت کرده و پیوسته از وحدت به عنوان یکی از نیازهای ضروری جامعه یاد می‌کردند.

اساساً یکی از آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر جوامع انقلابی و نهضت‌ها، ویروس تفرقه و اختلاف در جمع وفاداران انقلاب و نظام بر آمده از آن است، تاریخ نهضت‌های صد ساله اخیر ایران، گواه این مطلب است، عامل شکست نهضت مشروطیت و... چیزی

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳ .

جـز تـفرقه، دو دسـتگی و نـفوذ عـناصر غـریبه در مـیان وفـاداران بـه نـهضت نـبود. سیاست «تفرقه بیندازو حکومت کن» به عنوان یکی از شگردهای مؤثر دشمن در ناکام ساختن نهضت‌ها در حافظه تاریخ این ملت و تمام مسلمین مضبوط است.

اینک نیز روند اوضاع و احوال و مسائل داخلی و سمت و سوی جریانات از یک سو، اوضاع و شرایط بین‌المللی و مطامع دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از سوی دیگر عواملی هستند که توجه به وحدت ملی و انسجام اسلامی را ضرورت بخشیده‌اند. توصیه‌ها و تذکرهای متعدد مقام معظم رهبری در چند سال اخیر به ویـژه در فـروردین سـال ۱۳۸۶ به مناسبت پیام نوروزی بیانگر نگرانی عمیق معظم‌له از وضـعیت مـوجود و پـیامدهای آن بر نظام جمهوری اسلامی است.

تفرقه

معنای تفرقه

«فرق» به معنای پراکندن، شکافتن، جداکـردن، بـین دو چـیز و جـزء جـزء سـاختن است. به صورت فعل در باب تفعّل یعنی جدا شدن، پراکنده شدن.

به صورت اسم «تفریق» یعنی ایجاد اختلاف کلمه به منظور افساد در دین، تفرقه افکنی و «تفرقه» به معنای جدایی انداختن، پراکنده ساختن و پراکندگی می‌باشد.

عوامل تفرقه

مواردی که به عنوان تفرقه می‌توان از آن‌ها نام برد همان دشمنان انسان و انسانیت می‌باشند که با توضیح مختصری به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

۱ ـ نفس و هواهای نفسانی

از آن جائی که حب نفس منشأ تمام خطاهاست لذا یکی از عوامل مهم و اساسی اختلاف

و تفرقه، اسارت در چنگال هوای نفس است. بسیاراند کسانی که حقایق و واقعیات را می‌بینند و راه درست را می‌شناسند و از اهمیت و ارزش وحدت و اتحاد آگاه‌اند اما به جهت آن‌که اسیر هواهای نفسانی خویش هستند، با انتخاب راه و روش نادرست در مسیر گمراهی حرکت می‌کنند و به اختلافالات دامن می‌زنند. این افراد کسانی هستند که از روی علم و به عمد به دنبال امیال نفسانی خود بوده و خلاف واقعیات حرکت می‌کنند. لذا به اختلاف گرائیده و باعث تفرقه می‌شوند.

۲ ـ شیطان

هرگونه فساد و درهم‌اندازی و از هم‌پاشیدگی در ملت‌های اسلامی و ایجاد تفرقه و نفاق حتی در میان اهل ایمان از کار و وسوسه‌های شیطان است که نگذارد بین مسلمین هم‌بستگی ایجاد شده و اتحاد برقرار گردد. چنان‌که خدای تعالی براین امر با بیان دقیق اشاره فرموده و عموم اهل ایمان را در ارتباط با این موضوع از پیروی کردن از گام‌های شیطان برحظر داشته و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾.[1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در مقام تسلیم و صلح و آرامش درآیند و به دنبال رهنمودهای شیطان نروید که او دشمن آشکار شما است».

باکمی دقت از تفسیر آیه مورد بحث می‌توان از این معنا استفاده کرد که تمام جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها در جهان با دخالت مستقیم شیطان برپا می‌شود که یا از طریق اختلافات قبیله‌ای و یا از راه اختلافات در عقائد مذهبی و دینی با وسوسه‌های خود مردم دنیا را به‌هم انداخته و ایجاد بلوا و آشوب می‌نماید و این شیطان است که از همان ابتداء خلقت عداوت و دشمنی خود را با فرزندان آدم آشکار کرده و آنان را در خصومت با یکدیگر ترغیب می‌نماید.

---

۱. بقره: ۲۰۸.

۳ ـ منافقین (دشمنان داخلی و غیرخودی‌ها)

یکـی از سـیاست‌های مـنافقین در دشـمنی خـود، ایـجاد اخـتلاف و تـفرقه‌افکـنی است. در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است:

﴿ لَوْ خَرَجُوا فِـيكُمْ مَـا زَادُوكُـمْ إِلَّا خَـبَالاً وَلَأَوْضَـعُوا خِـلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾.[۱]

«اگر منافقان همراه شما به جنگ بیرون آمـده بـودند جـز فسـاد (تردید و اضطراب) بر شما نمی‌افزودند و به سـرعت در مـیان شـما رخنه می‌کردند تا فتنه پدید آورند و در میان شما کسانی تأثیرپذیرند که به سخنان آنان گوش دل می‌سپارند و خداوند به ستمگران آگاه است».

از آیه شریفه استفاده می‌شود که حضور منافقان در جبهه جهاد عامل تضعیف روحیه‌ها و تفرقه و تردید بوده و تحرکشان بسیار سریع است و از آن‌جا که برخی مسلمانان دارای بینش عمیق نیستند و خطرشان را درک نمی‌کنند سریعاً تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته و روش آن‌ها ایجاد تفرقه است.

۴ ـ کفار (دشمنان خارجی)

تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ جهانی به هیچ وجه کشورهای مستقل و دارای ماهیت ایدئولوژیکی متفاوت را تحمل نمی‌کنند و برای تغییر رفتار و حتی سرنگونی چنین کشورهایی از انواع حیله‌ها و شگردها استفاده کرده‌اند. در این میان تاریخ ایران مملو از دخالت‌های کشورهای خارجی در سرنوشت این ملت است. ملت ایران شاهد انواع توطئه‌ها علیه دولت‌های مردمی و نهضت‌های اسلامی بوده‌اند. یکی از شگردهای قدرت‌های جهانی که

---

۱. توبه: ۴۷.

علیه نهضت‌های اسلامی به‌کار گرفته شد سبب ناکامی و شکست آن‌ها شد، سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن می‌باشد. این سیاست پس از پیروزی انقلاب در رأس دستور کار دشمن قرار گرفت ولی با درایت و هوش‌مندی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی قدس‌سره عقیم ماند. اما اکنون شواهد و ادله‌ها حاکی است که دستگاه تفرقه‌افکنی دشمن مجدداً به طور پیچیده و مدرن شروع به فعالیت کرده است.

مقام معظم رهبری در یکی از فرمایشاتشان اشاره به این مطلب داشته فرمودند:

«من می‌بینم امروز در خلال تبلیغات دشمنان که از بیرون مرزهای ما تبلیغ می‌کنند خط ایجاد اختلاف و تفرقه تعقیب می‌شود. البته اگر چه بعضی از آن‌ها دنباله‌هایی هم در داخل دارند و این طور نیست که یک‌سره بیرون این مرزها باشند نه شعب باریکی در داخل هست که اگر جرأت کنند آن را بیشتر هم خواهند کرد! از این آزادی که بحمداللّه در کشور هست دارند این سوء استفاده را می‌کنند (امّا) عمده مربوط به بیرون است. می‌بینم که خط تشنج، خط ایجاد اختلاف و تفرقه از طرف دشمن انقلاب و دشمن اسلام، از طرف مارهای زخم خورده، از طرف کسانی که انقلاب نفس آن‌ها را و جلوی مطامع آن‌ها را در طول سال‌ها متمادی گرفت، دارد تعقیب می‌شود».[۱]

انواع تفرقه

۱ ـ دینی: ایجاد اختلاف بین ادیان آسمانی مثل اختلاف انداختن بین اسلام و مسیحیت و راه‌اندازی جنگ‌های صلیبی.

۲ ـ مذهبی: ایجاد اختلاف بین مذاهب اسلامی مثل اختلاف انداختن بین شیعه و سنی و راه‌اندازی برادرکشی و جنگ‌های بین ملت‌ها و کشورهای اسلامی.

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۱/۲۸.

۳ـ قومی: ایجاد اختلاف بین اقوام ساکن در یک کشور مانند برافروختن آتش اختلاف بین کرد و ترک و فارس و بلوچ و... و مطرح کردن بحث خود مختاری در میان اقوام و گروه‌های مرزی.

۴ ـ حزبی: ایجاد اختلاف بین احزاب موجود در کشور مانند ایجاد اختلاف بین احزاب چپ و راست، میانه‌رو و تندرو و... .

۵ ـ سازمانی: ایجاد اختلاف بین سازمان‌ها و گروه‌های موجود در کشور مثل اختلاف انداختن بین حوزه دانشگاه، مجلس و شورای نگهبان، سپاه پاسداران و ارتش و... .

۶ ـ بین دولت و ملت: ایجاد اختلاف بین دولت و ملت با ناکارآمد جلوه دادن دولت از طریق جنگ روانی و ایجاد بی‌اعتمادی در مردم و این از بزرگ‌ترین اهدافی است که دشمن در نظر داشته و هرگونه اقدامی که لازم باشد را انجام می‌دهد.

ابزار تفرقه

دشمن برای ایجاد تفرقه از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند که عمده‌ترین این ابزار عبارت‌اند از:

۱ ـ جنگ روانی: در جنگ روانی دشمن سعی می‌کند با روش‌هایی مثل شایعه‌سازی، مأیوس کردن مردم، ایجاد شک در حاکمان، تحریف واقعیات و... ایجاد اختلاف و تفرقه نموده و نظام جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد تا آن را از موضع اصلی خود منحرف کند.

۲ ـ رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی: یکی دیگر از ابزار مهم دشمن در ایجاد اختلاف و تفرقه بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی مثل روزنامه، ماهواره، کتاب، نشریه، تلویزیون، رادیو و... می‌باشد. لذاست که بزرگ‌ترین بنگاه‌های خبری جهان و هم‌چنین بعضی از نشریات داخلی را در دست گرفته تا افکار عمومی را آن چنان که خود می‌خواهد تحت تأثیر قرار دهد.

۳ ـ طرح مفاهیم کلی و مشتبه در جامعه: مقام معظم رهبری در خصوص این امر مهم در یکی از بیانات خود در تاریخ ۱۳۷۸/۱/۲۶ فرمودند:

«یکی از چیزهایی که این وحدت را خدشه‌دار می‌کند، مفاهیم مشتبهی است که دائماً در فضای ذهنی مردم پرتاب می‌شود، هرکس هم به گونه‌ای آن‌ها را معنا می‌کند، یک عده از این طرف و یک عده از آن طرف جنجال اختلاف غیر لازم درست می‌شود. البته دشمن در همه این مسائل سود می‌برد و به احتمال زیاد در این مسائل یا در همه‌اش یا در بعضی‌اش دست هم دارد».

آثار تفرقه

تفرقه آثار مخرب بسیاری دارد که هیچ فرد و گروهی از آن در امان نخواهد بود:

۱ ـ زوال قدرت و شوکت: قرآن کریم درباره تنازع میان مسلمانان و و آثار شوم آن می‌فرماید:

«بایکدیگر نزاع نکنید، چون تنازع موجب ضعف و سستی شما می‌شود و با آمدن ضعف، عزّت و شکوه شما از بین می‌رود، بنابراین گرچه حفظ وحدت کار بسیار دشواری است لیکن شما این دشواری را تحمل کنید، چون خدا با صابران است و سرانجام در سایه صبر و استقامت موفق خواهید شد».

﴿ وَأَطِيعُوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾.[1]

۲ ـ ذلت و بردگی: همان طور که اشاره شد اختلاف و تفرقه باعث می‌شود تا قدرت و عزت که حاصل سال‌ها مبارزه و تلاش و خون هزاران جوان پاک است از بین رفته و دچار ذلت و در نهایت باعث بردگی شود که سال‌ها در نظام کفر در آن به سر می‌بردیم و این همان چیزی

---

۱. انفال: ۴۶.

است که دشمن در پی آن است، می‌خواهند تا با ایجاد تفرقه ما را ضعیف کرده و برده خود نمایند و آن‌چنان که می‌خواهند بر ما حکم برانند.

روش مقابله با تفرقه

در مقابله با تفرقه باید در جبهه کار کرد:

۱ ـ برخورد با عوامل تفرقه: در برخورد با عوامل تفرقه باید اقداماتی را به ترتیب به کار برد:

اول) ارشاد: باید سعی کرد در ابتدای کار عواملی را که در پی تفرقه‌افکنی هستند، ارشاد کرد شاید این کار را از روی جهالت و یا غفلت انجام می‌دهند.

دوم) مهلت: باید سعی کرد بعد از ارشاد عوامل اختلاف و تفرقه به آن‌ها مهلت داد تا به خود آیند و دست از کاری که انجام می‌دهند بردارند.

سوم) افشاگری: در صورتی که دشمن از عمل خود دست برنداشت باید چهره آن را برای مردم روشن ساخت تا مردم بدانند که نیت این افراد از کاری که می‌کنند ایجاد اختلاف و در نهایت کشاندن جامعه به ضعف و سستی و بردگی است و نیت خیری ندارند.

چهارم) برخورد: و اما اگر دشمن سرسخت از عمل دست برنداشت به مقدار لازم با آن برخورد کرده تا مجبور شود از عمل خود دست بردارد.

۲ ـ ایجاد وحدت: در این جبهه باید سعی شود میان نیروهایی که اختلاف افتاده و یا این بیم وجود دارد که تفرقه بیفتد وحدت و یگانگی ایجاد کرد. لذا این موضوع را به طور مستقل مورد بحث بررسی قرار می‌دهیم.

وحدت

معنای وحدت

«وحدت» در لغت به معنای یگانه شدن است و لغویان درباره معنای «اتحاد» گفته‌اند:

«اتحاد یکی شدن دو چیز موجود است».[۱]

بنابراین هرگاه چند چیز با حفظ خاصیت شخصی خود با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد.

اهمیت وحدت

حضرت علی علیه‌السلام وحدت را منت بزرگ خدای سبحان بر مردم دانسته است، آن‌جا که می‌فرماید:

«خداوند براین امت منت گذارده و بین آن‌ها الفت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند، این نعمتی است که احدی نمی‌تواند بهاء و قیمتی برایش بگذارد زیرا از هر بهایی گران قدر و از هر چیز پر ارزشی با ارزش‌تر است».

از چنین سخنانی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است می‌توان به اهمیت ویژه‌ای که مسئله وحدت و اتحاد دارد پی‌برد. لذا نباید از کوشش برای این امر دریغ ورزید. چراکه وحدت مایه بقای جامعه و رسیدن به آرمان‌های ملی و برداشتن موانع پیشرفت است، از این جهت است که مظاهر وحدت در احکام اسلامی فراوان است از جمله می‌توان به اقامه نماز جماعت، نماز جمعه، مراسم حج و... اشاره کرد.

البته این احکام نشان از اهمیت وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی است. از این‌دو باید نسبت به تحقق آن عنایت ویژه داشت.

---

۱. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۷۶.

عوامل و زمینه‌های وحدت

آن‌چه که می‌تواند زمینه‌ساز وحدت باشد این است که در تمام موارد اختلافی بر مشترکات تأکید شود و از موارد خاص و اختلافی پرهیز شود و اما موضوعاتی که می‌تواند در ایجاد وحدت به آن تأکید نمود عبارت‌اند از:

۱ ـ هدف مشترک.

۲ ـ اصول و مبانی مشترک.

۳ ـ سیاست‌ها و خط‌مشی مشترک.

و... .

بنابراین می‌باید در اختلافات دینی بر توحید، در اختلافات مذهبی شیعه و سنی برقرآن و پیامبر و اصل اسلام، در اختلافات قومی بر ملیت و تمامیت ارضی، در اختلافات حزبی و سیاسی بر اصل نظام اسلامی، در اختلافات سازمانی بر اصل تعالی نظام اسلامی و در اختلافات بین مردم و کارگزاران بر اصل نظام اسلامی تأکید شود و از اختلافات جزئی که به سلایق و تفکرات مختلف افراد و گروه‌ها برمی‌گردد، پرهیز کرد.

آثار وحدت

عمده‌ترین آثار وحدت عبارت‌اند از:

۱ ـ عزت و حاکمیت جهانی.

۲ ـ اقتدار و امنیت ملی.

۳ ـ رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه آثار وحدت را به زیبایی به تصویر می‌کشند:

«از کیفرهایی که در اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین واقع شده است، برحذر باشید و حالات آن‌ها را در خوبی‌ها و سختی‌ها همواره به یاد آرید، نکند شما مانند آنان باشید! پس آن‌گاه

که در تفاوت حال آنان به هنگامی که در خوبی بودند و زمانی که در شر و بدی قرار داشتند. اندیشه نمودید، به سراغ کارهایی روید که موجب عزت و اقتدار آنان شد و دشمنان را از آنان دور نموده، عافیت و سلامت به آن‌ها روی آورد و نعمت را در اختیارشان قرار داد وکرامت و شخصیت باعث پیوند اجتماعی آنان شد، یعنی از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدند و بر الفت و هم گامی گماشتند و یکدیگر را به آن توصیه و تحریض نمودند. از هر کاری که ستون فقرات آن‌ها را در هم شکست و قدرت‌شان را سست کرد. اجتناب ورزید، یعنی از کینه‌های درونی، بخل و حسادت و پشت کردن به هم، و ایجاد فتور و سستی بین جامعه سخت دوری گزینید. در شرح حال مؤمنان پیشین تدبر کنید که چگونه در حال آزمایش و امتحان بودند! آیا مشکلات بیش از همه بر دوش آنان نبود؟ آیا بیش از همه مردم در شدت و زحمت نبودند؟ آیا از همه جهانیان در تنگنای بیشتری قرار نداشتند؟ فرعون‌ها آنان را برده خویش ساخته بودند و همواره در بدترین شکنجه‌ها قرار داشتند. تلخی‌های روزگار را به آن‌ها چشاندند، و این هم چنان با ذلت هلاکت و مقهوریت ادامه داشت، نه راهی داشتند که از این وضع سرباز زنند و نه طریقی برای دفاع از خود می‌یافتند تا آن‌گاه که خداوند جدیت و استقامت و صبر در برابر ناملایمات به خاطر محبتش و تحمل ناراحتی‌ها از خوف و خشیتش را در آن‌ها یافت. در این موقع از درون حلقه‌های تنگ بلا راه نجاتی برای‌شان گشود و ذلت را به عزت و ترس را به امنیت تبدیل کرد، یعنی آن‌ها را حاکم، زمام‌دار و پیشوا گردانید. آن قدر کرامت و احترام از ناحیه خداوند به آنان رسید که حتی خیال آن را هم در سر نمی‌پروراندند. بنگرید آن‌ها چگونه بودند. هنگامی

که جمعیت‌های‌شان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یک‌دیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و مقصودهای‌شان همه یکی بودند. آیا آن‌ها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمام‌دار و رئیس همه جهانیان نشدند؟

راه‌کارهای عملی و نظرات راه‌بردی وحدت

برخی از تدابیر عملی که می‌تواند در تحقق وحدت مؤثر باشد عبارت‌اند از: تأکید بر مشترکات ادیان آسمانی، تأکید بر مشترکات مذهبی بین شیعه و سنی، تأکید بر مشترکات سیاسی بین احزاب وگروه‌ها، تأکید بر فرهنگ و تمامیت ارضی مشترک بین اقوام و قبائل، تأکید بر حفظ و حراست از اصل نظام اسلامی و... .

فراهم ساختن زمینه گفت‌وگو بین ادیان، مذاهب، احزاب، اقوام و قبائل و سازمان‌ها.

برخی نظرات راه‌بری که می‌تواند در تحقق وحدت مؤثر واقع شود عبارت‌اند از:

استفاده از رسانه‌های جمعی برای شفاف سازی در مسائل مشتبه، دشمن‌شناسی، فرهنگ‌سازی وحدت و یک‌پارچگی، خنثی سازی توطئه‌های دشمنان، پذیرش سلایق مختلف و نظرات متفاوت و سازنده، ارائه معیارها و ملاک‌های صحیح وحدت در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و جهانی، تأکید مراجع، علماء و نخبگان جامعه بر اهمیت وحدت و پرهیز از اختلاف، توجه به موضوع وحدت به عنوان یک راه‌کار عملی جهت مقابله با دشمن.

به امید روزی که تمام انسان‌ها در پرتو ظهور یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) وحدت و یگانگی را پیشه خود ساخته و به توحید و کمال لایق خود برسند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

منابع

۱ ـ قرآن کریم.
۲ ـ نهج البلاغه.
۳ ـ شمیم ولایت، آیةاللّه جوادی آملی.
۴ ـ وحدت، مواضع امام و رهبری، رفتار جناح‌ها، سیامک باقری.
۵ ـ واژگان پژوهی قرآن، دکتر محمود سرمدی.
۶ ـ نفاق در قرآن، سید احمد خاتمی.
۷ ـ حجاب‌های معرفت، حسین کریمی.
۸ ـ شیطان کیست، احمد زمردیان.
۹ ـ جامعه و تاریخ، آیة اللّه مصباح یزدی.
۱۰ ـ حدیث ولایت، مقام معظم رهبری.

عوامل همگرایی جهان اسلام

علی اکبر گندمکار

چکیده

همگرایی، تفاهم و همگامی مشترک جهان اسلام، وابسته به عوامل متعدد درونی و برونی بوده و هست. اصول همیشه مشترک بین مسلمانان، همانند: اصل بنیادی توحید، نبوت، وجود قرآن کریم، منافع بازار مشترک اقتصادی، سیطره‌ی دین اسلام در عصر ظهور و جهانی‌سازی، کنگره‌ی عظیم جهانی حج، فروعات دین چون نماز با اقسام متنوع، بیت‌المقدس به عنوان قبله‌ی اول مسلمین و مسئله‌ی حیاتی قدس در بین مسلمانان، از عوامل اصلی همگرایی در جهان اسلام است. شاید بتوان گفت که بیشتر عواملی که در همگرایی و بنیاد و بنیان‌های تقریب مذاهب اسلامی نقش دارد، به‌طورمستقیم و یاغیرمستقیم، ریشه در ابعاد گسترده و جهانی دین اسلام دارد. در شرایط کنونی، وظیفه‌ی مهم متفکّران اسلامی، عالمان و نخبگان مراکز مهم دینی و دانشگاهی شیعه و سنّی، و نیز احزاب و تشکّل‌های اسلامی جهان اسلام، آن است که با آسیب‌شناسی عوامل هم‌اندیشی

بیش از هر چیز به امر تقویت و جهت‌دهی افکار عمومی ملّت‌های اسلامی به سمت عدالت‌طلبی، اسلام‌خواهی و وحدت امّت اسلامی بپردازند. در این نوشتار با برشمردن عوامل اساسی همگرایی هم‌چون؛ یکتاانگاری، دین و شریعت اسلام ناب، اصل وجود کتاب مقدس، شخصیت جهانی پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و ابعاد گسترده سیره و سیرت حضرتش،کنگره جهانی حج، خلق مذاکره ومناظره‌های علمی میان اندیشمندان و متفکران فِرق ومذاهب اسلامی، جهت رفع یا کم کردن اختلافات در مسائل تشنج‌زا، سیره عملی وگفتار اهل‌بیت علیهم السلام به عنوان ثقل اصغر که هریک می‌تواند در جهت همگرایی، هم‌اندیشی وهمگامی مشترک جهان اسلام نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند، به چگونگی دلالت این عوامل بر همگرایی نیز پرداخته شده است.

در ادامه‌ی بیان و تشریح هرعامل، تلاش شده پیشنهاد و راهکار کاربردی برای تقویت بیشتر آن عامل یا رفع موانع برسر راه آن بیان گردد. با توجه به اینکه بررسی ریشه‌ها و اسباب همگرایی ملازم با شناخت ریشه‌های واگرایی و تشنج‌زا در بین فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است، از این‌رو در بخشی از این مقاله به بررسی مواردی از این قبیل، چون: عدم تکفیر و تفسیق خصوصاً در مسئله‌ی مهم خلافت و جانشینی پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است.

در پایان نگاهی بسیارکوتاه به آثار و نتایج همگرایی که خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد شده است.

کلیدواژه‌ها: همگرایی همبستگی، جهان اسلام، امةً واحدةً تقریب مذاهب اسلامی، اخوة، ألفت.

اهمیت و ضرورت موضوع

بررسی عواملی که می‌تواند در همگرایی و انسجام امت اسلامی، نقش سازنده، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز ایجاد کند، بدان حد اهمیت دارد که جزو نیازهای حیاتی و آنی ماست و نیاز به استدلال ندارد. زیرا گذشته از آموزه‌های دینی و تکالیف ملی و عقلانیّت سیاسی و خردمندی، امّت مؤمن مسلمان هم؛ این را می‌خواهد که هیچ‌کس انسجام اسلامی را به هم نزند و عوامل همگرایی را سست و تضعیف ننماید تا با حفظ توان بالقوّه و بالفعل امّت اسلامی و با جلوگیری از هدر رفتن نیروهای انسانی و منابع غنی طبیعی، در پرتو هم‌اندیشی و همگرایی به سرعت به اهداف بلند و والای اسلامی دست یافته و عزّت و پیروزی بزرگ جهان اسلام را نظاره‌گر باشیم.

اگر امّتی بخواهد زندگی سعادتمند و شرافتمندانه‌ای درعصر جهانی شدن داشته باشد، و پیشرفت عظیم در عرصه‌های گوناگون تکنولوژی، صنعت، فراصنعت و حیات خود ایجاد کند باید روح همفکری و همگامی مشترک را در خود تقویت و بباوراند.

غرض از انجمن و اجتماع جمع قواست

چراکه قطره چون شد متصّل به هم، دریاست

زقطره هیچ نیاید ولی چون دریا گشت

هرآنچه نفع تصوّر کنی در او، آنجاست

انسجام اسلامی دنیای اسلام؛ که زاییده‌ی شناسایی و تقویت ریشه‌ها و اسباب همگرایی است بدان‌سان اهمیت دارد که امیر مؤمنان مکرّر در دوران حکومت علوی‌اش رسماً اعلان نمودند که: نقد حکومت و حتی مخالفت با آن پذیرفتنی است تا آنگاه که انسجام و وحدت مسلمین شکسته نشود.[1]

---

۱. نهج‌البلاغه، خ ۱۶۹، ص ۳۲۴.

«اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» دو اصل مهم از اصول بنیادی جوامع اسلامی و دو حلقه اتصال از حلقه‌های زنجیره‌ی ثبات نظام‌های اسلامی است که متأسفانه به دلایلی در جهان اسلام خصوصاً بین دول اسلامی کمرنگ شده است و باعث وارد شدن آسیب‌های فراوانی در عرصه‌های مختلف؛ بر نظام‌های اسلامی و جهان اسلام شده است.

«انسجام اسلامی» یعنی ملت‌های مسلمان جهان با هم، با تکیه بر مشترکات دینی، متحد و همگام باشند.

بنابراین واژهٔ «انسجام» کلمه‌ای است که بالاتر از مسئلهٔ وحدت است؛ زیرا اگر وحدت در اندیشه، فکر، نیت وقلب است؛ انسجام یک وحدت رویه‌ای را در عمل و عکس‌العمل بیرونی تداعی می‌کند.

از این‌رو، انسجام اسلامی نه تنها در عرصهٔ داخلی بلکه با تأکید بیشتر در عرصهٔ منطقه و بین‌المللی جهان اسلام مدنظر می‌باشد. با توجه به توطئهٔ استکبار جهانی برای ایجاد تفرقهٔ نژادی، مذهبی و ملی بین کشورهای اسلامی، انسجام اسلامی یک شعارکلیدی است و ما امروز در منطقهٔ خاورمیانه و سطح بین‌المللی به شدت به آن نیازمندیم. آنگاه‌که تمام مجموعهٔ مذاهب و فرقه‌های اسلامی، ارتباط خود را با نگرشی بر محوریّت دوراندیشی و چشم‌انداز روشنی از آینده بر مبنای مشترکات همه جانبه یکدیگر تنظیم کنند، شاهد بلوغ سیاسی و رشد اخلاقی و معنوی درکشورهای اسلامی خواهیم بود. مسؤلان جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی، متفکران جهان اسلام، به ویژه علمای شیعه و اهل‌سنت باید با همفکری و همگرایی در جهت حفظ انسجام اسلامی که عامل مهم اقتدار هرچه بیشتر امت اسلامی است، بکوشند و در جهت خنثی‌سازی توطئه‌ها علیه جهان اسلام طراحی‌های لازم را انجام دهند.

مقدمه

جغرافیای سیاسی اسلام

مجموع مساحت جهان اسلام نزدیک به ۲۳ میلیون کیلومتر مربع است که این مساحت،

معادل یک‌چهارم کلّ خشکی موجود در جهان (۱۴۹کیلومتر مربع) می‌باشد، بیش از یک‌چهارم جمعیّت بشر یعنی بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر مسلمانند. کشورهای اسلامی بیش از دو سوّم منابع نفتی و یک‌چهارم منابع گازی و یک‌دهم منابع آهن و بسیاری از معادن دیگر همچون طلا و مس جهان را با نسبت‌های متفاوتی در اختیار دارند. طبق گفته‌ی دانشمندان، موقعیت جغرافیایی جهان اسلام درکره‌ی زمین به مثابه‌ی قلب جهان است و منابع انسانی موجود در جهان اسلام نزدیک به یک‌چهارم جمعیّت جهان است. همه‌ی این منابع، جهان اسلام را به یک نیروی دارای توان رقابت با سازمان‌ها و اتّحادیه‌های اقتصادی بزرگ جهان تبدیل کرده است. مرزهای فرهنگی دنیای اسلام نیز، بخش وسیعی از جهان را در برگرفته است. از سوی دیگر، سازمان کنفرانس اسلامی بعد از سازمان ملل و سازمان کشورهای غیرمتعهّد، با عضویّت ۵۷کشور اسلامی، بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی است. از نظر استراتژیک هم، جهان اسلام در حیاتی‌ترین نقطه کره‌ی زمین؛ یعنی مرکز خشکی‌های زمین و تلاقی راه‌های خشکی و دریایی قرار گرفته است. علاوه براین، کشورهای اسلامی از تونس در شمال غربی‌ترین نقطه‌ی آفریقا تا اندونزی در جنوب شرق آسیا و از قیرقیزستان و قزّاقستان در شمال آسیا تا زنگبار در جنوب شرق آفریقا مجموعه‌ای به هم پیوسته است.[1] در این میان هیچ کشور غیراسلامی به جز کشور کوچک و ساختگی اسرائیل وجود ندارد. از نظر تاریخی هم در حدود بیش از ۱۳ قرن، این مجموعه سرزمین‌ها و ملّت‌ها با سابقه‌ی تمدّنی کهن و پویا؛ و اعجاب‌انگیز برای غربی‌ها، یک امّت واحده بوده‌اند.

بنابراین از نظر جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و دینی، ضرورت همگرایی جهان اسلام حقیقتی است غیرقابل انکار؛ ولی درحال حاضر کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی آموزشی علاوه بر عقب‌ماندگی، در گسستگی بسیاری از همدیگر قرار گرفته‌اند. وابستگی سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی اغلب کشورهای اسلامی به کشورهای استعماری و امپریالیستی، بیش از همبستگی در بین کشورهای اسلامی است.

---

۱. عزیزی، عزت‌الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، فصل هشتم و نهم.

آری! بسیار شگفت‌آور است که مسلمانان در صدر اسلام با دست خالی امّا با چنگ به ریسمان الهی و اطاعت از قرآن و پیامبر ﷺ و انسجام و همدلی توانستند بر قوای دو امپراطور بزرگ ایران و روم غلبه نمایند، ولی امروز، با داشتن این همه امکانات، هر روز قطعه‌ای از پیکر کشورهای اسلامی با یورش دژخیمی، از تن جدا می‌شود. مقام معظّم رهبری در این باره بیان می‌دارند که:

«ما حرفمان این است ای مسلمانان عالم! در هر کجای دنیا که هستید اگر شما با هم دشمنی و مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان‌تان و دوستان‌تان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز هست، تفاوت خواهد کرد. امروز به علّت دشمنی دشمنان اسلام و سیاست‌ها و قدرت‌های بزرگ جهان به‌وسیله‌ی دولت‌های دست‌نشانده، کشورهای اسلامی غالباً دچار فقر و وابستگی و تشتّت هستند؛ در حالی که اگر شما باهم باشید و نیروهای‌تان را علیه یکدیگر مصرف نکنید، این نیرو، قدرت عظیمی است که از آن می‌شود برای بهتر کردن دین‌تان و دنیای‌تان استفاده کنید».

از این‌رو؛ ایجاب می‌نماید یک بار دیگر با بازخوانی سیر تاریخی وقایع جهان اسلام از صدر تاکنون، عوامل واگرایی و همگرایی امّت اسلامی را مطالعه کرده و نقاط ضعف و قوّت را دریابیم و در تقویّت عوامل همگرایی امّت و دولت‌های اسلامی بکوشیم.

عوامل همگرایی جهان اسلام

دانشمندان و جامعه‌شناسان برای ایجاد انسجام و همگرایی در جامعه، عواملی را مانند زبان، ملیّت، جغرافیا، فرهنگ و... مطرح کرده‌اند؛ ولی اسلام، گرچه این عناصر را نادیده نگرفته، امّا این عوامل عناصر اصلی نیستند. بدین‌جهت که این عوامل، ظاهری و صوری‌اند. گواه متقن برآن، همانا جنگ‌های داخلی و قومی جامعه است.

شهید مطهّری رحمه‌الله می‌فرماید:

«... مسلمانان مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتّحاد محکم گردد. مسلمانان؛ همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوّت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن؛ و قبله‌ی همه کعبه است. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم وبا شکوه وسابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه‌ی تمدّن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی به‌خوبی می‌تواند از آن‌ها ملّت واحد بسازد و قدرتی عظیم به‌وجود آورد [که در تعامل با قدرت‌های جهانی از مؤلفه‌های تعامل و هم‌سنگی قدرت برخوردار باشند.] خصوصاً این‌که در متن اسلام براین اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصّی آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌کند...».(۱)

با توجّه به مطالب بالا و تتبّع در قرآن و روایات، می‌توان عوامل و محورهای اتّحاد و همگرایی در بین امّت اسلامی را این‌گونه بیان نمود:

۱ـ نقش شریعت و دینمداری در همگرایی

دین مبین اسلام بلکه تمام ادیان توحیدی همان اصل وحدت‌بخش است و زمینه‌ی اشتراکات و همگرایی امّت را فراهم می‌سازد که اگر نباشد، اختلافات فردی، جامعه را از هم می‌پاشد.

---

۱. مطهری، مرتضی، شش مقاله، صص ۵ـ۴ با اندکی تصرف.

دین، به انسان‌ها اجازه می‌دهد که افراد، بر تمایلات خودخواهانه فائق آیند و به‌خاطر عشق به هموطنانشان، فراتر از خودخواهی عمل کنند و این (دین) همان شیرازه‌ی نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک، به هم‌دیگر پیوند می‌دهد. دین؛ سنگ‌بنای سامان اجتماعی است. از آن‌رو که دین اسلام، کامل‌ترین ادیان برای هدایت بشریّت است،[۱] روشن است که بهترین معیارها و محورها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امّتش پیشنهاد می‌دهد، بلکه فراتر از این، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همه‌ی ادیان توحیدی را به وحدت و انسجام میان ادیان می‌خواند.[۲]

قرآن برای آن‌که اثر شگفت‌انگیز و معجزه‌آسای دین اسلام را در ایجاد انسجام و همگرایی مسلمانان بیان کند، مسلمانان را به یاد وضعی که پیش از اسلام داشتند می‌اندازد و می‌گوید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنْ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...﴾.[۳]

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید مگر شما همان مردمی نبودید که باهم دشمن بودند و میان طوائف و قبایل‌تان همیشه جنگ‌های خونین برپا بود و به یکدیگر بر سر موضوعات پوچی مثل نژاد و جمعیت قبیله و ثروت و غیر این‌ها فخر می‌فروختید، این خدا بود که نعمت دین اسلام را به شما عطا فرمود و دل‌های همه‌ی شما را مثل براده‌های آهن به سوی آهن‌ربای پر قدرت الهی (اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله) جذب کرد و میان شما الفت و محبّت

---

۱. مائده: ۳.

۲. آل‌عمران: ۶۴ ﴿قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الاّ نعبد الاّ الله ولانشرك به شیا...﴾.

۳. آل‌عمران: ۱۰۳.

و برادری و برابری برقرار نمود و به سبب دین اسلام شما را یکپارچه کرد، و با سلاح دین، بر جهان کفر و استکبار فائق آمدید.(۱)

از این‌روست که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، در نکوهش کوفیان که به یاری محمّد بن ابی‌بکر در مصر نشتافتند، می‌گوید:

«**اما دین یجمعکم و لاحمیة تشحذکم ...**».(۲)

آیا دینی که شما را جمع متحّد سازد نیست؟ آیا غیرتی نیست که شما را به تلاش اندازد؟! این گفتار، بدان اشاره دارد که از ذاتیّات دین اسلام انسجام بخشیدن و همگرایی نمودن پذیرفتگان آن است، پس شما کوفیان دین را معتقد قلبی هستید و لکن دین‌مدار نیستید.

علاّمه محمّدتقی جعفری رحمه‌الله، منشأ حقیقی اتّحاد و انسجام و همگرایی امّت اسلامی را «دین» دانسته و می‌نویسد:

> «آن‌چه می‌تواند حیات انسانی را در این جهان هستی دارای فلسفه و هدف قابل قبول نماید دین است، اصول و مبادی کلّی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند، همواره در طول تاریخ متّحد بوده‌اند. بنابراین‌مبنای وحدت امّت اسلامی همان دین فطری انسانی است».(۳)

دین مقدس اسلام که بر مبنای متین عقلانی استوار است، با توجّه به رسالت خطیر جهانی مسلمین و با عنایت به انبوه دشمنان و مخالفان ایشان، اساس جامعه‌ی اسلامی را بربنیان مستحکم و استوار انسجام و یکپارچگی و هم‌اندیشی امّت، بنا نهاده و تمام مسلمانان را به‌عنوان یک امّت می‌خواند.

---

۱. ترجمه‌ی روان، نیز ر.ک: انفال: ۶۳.

۲. نهج‌البلاغه، خ ۱۸۰، ص ۳۴۳، ترجمه‌ی محمد دشتی.

۳. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۲ و ۲۰.

همبستگی و همگرایی، عامل پیوند قلوب آحاد مسلمانان است که علیرغم داشتن علایق، سلایق، زبان و نژادها، جهان اسلام را به یکدیگر متّصل می‌کند که در اسلام، محور این همگرایی دین و ارزش‌های دین است. بنابراین، شریعت اسلام به‌عنوان مجموعه قوانین الهی که برای هدایت بشریّت از سوی خداوند بر پیامبر خاتمﷺ نازل شده، یکی از عوامل مهم همبستگی و همگرایی امّت و جهان اسلام است. پرسشی در اینجا مطرح می‌شود که: اصولاً دین اسلام چگونه مایه‌ی وحدت و همبستگی مسلمانان سراسر دنیا است؟!

سه احتمال قابل بررسی است:

الف) آن‌که دین، همه را به همگرایی فراخوانده و بهره‌گیری از دستورات دین عامل اتحاد کشورهای مسلمان است.

ب) آن‌که هرگاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدّسات آن‌را زیر سؤال بردند، مسلمانان سراسر جهان، متّحد شده و از مقدّسات دفاع و پاسداری می‌کنند.

ج) آن‌که داشتن (دین واحد)، عامل وحدت است.

بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت و همگرایی است. بنا به گفته‌ی مفسران، (حبل الله) در آیه‌ی وحدت و همگرایی ﴿**و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا ...**﴾[۱] به‌کامل‌ترین مصداق یعنی «اسلام» تفسیر شده است.[۲] نقش اساسی دین اسلام در ایجاد أخوت و همگرایی میان مسلمانان، نخبگان، رهبران و دولت‌مردان آنان، به قدری بردشمنان و استعمارگران، مهم و گران است که برای نفوذ خود به کشورهای اسلامی، بیشترین سعی خود را جهت تضعیف دین اسلام به کار گرفته‌اند. گاهی با حربه‌ی ناکارآمدی دین در عرصه‌ی جامعه و سعادت دنیوی بشر؛ و تقابل آن با علم و صنعت؛ گاهی با تز جدایی دین از سیاست و حکومتداری (سکولاریزم)، گاهی با معرفی دین به‌عنوان «افیون ملّت‌ها»؛ گاهی با القاء این

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۳۶۵؛ روح‌البیان، ج ۲، ص ۷۲.

تفکّر خطرناک که علل عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمین، دین بوده است، به جنگ‌روانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای با دین برخاسته‌اند. اما غافل از این‌که وعده‌ی پیروزی جهانی شدن دین اسلام را شارع مقدّس بیان کرده‌اند که انّ وعدالله حقٌّ.

۲ ـ توحید

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل همگرایی در جوامع اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیّت و یگانگی خداوند است.[۱] یکتاپرستی و توجه به پروردگار واحد احد، شرک دینی راکه پرستش غیر اوست از بین می‌برد؛ چنان‌که شرک اجتماعی که حکومت غیرخدا بالاستقلال نه بالاذن و تبعیّت از غیر خداست نیز به‌وسیله‌ی یکتاپرستی از میان رخت می‌بندد. اصل توحید، همان ایمان به خداوند است که قلب‌های مؤمنان را به هم مهربان و هم‌سو می‌کند که گویا همه‌ی آن‌ها روح واحد دارند. قرآن کریم، مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی و ملّیتی و... را لغو نموده و تنها ایمان به خداوند را به‌عنوان مرز عقیدتی بیان نموده است:

﴿**انما المؤمنون أخوة ...**﴾.[۲]

امام خمینی‌ﷺ، منادی وحدت امّت اسلامی، همواره همه‌ی اقشار جامعه اعمّ از شیعه و سنّی، کرد و لر، ترک و بلوچ، فارس و عشایر با قومیّت‌های مختلف را به وحدت کلمه زیر پرچم توحید فرا می‌خواندند و می‌فرمود:

«مسلمانان در مذاهب گوناگون، دشمنان مشترک دارند، آنان در عین آزادی عقیده و بیان، و آزادی در انتخاب مذهب براساس عقل و منطق، همه در زیر پرچم توحید و رسالت محمّدﷺ، هم‌عقیده‌اند و آیین مقدّس اسلام در جهان دشمنان بسیار دارد، مسلمانان باید برای

---

۱. آل‌عمران: ۶۳؛ انبیاء: ۹۲.

۲. حجرات: ۱۰.

حفظ اسلام و دست‌آوردهای آن، در برابر دشمنان، در یک صف باشند و با اتّحاد ملّی و انسجام مکتبی، از کیان و عظمت خود نگهبانی کنند. پر واضع است که اگر آن‌ها در داخل جمعیت خود به صورت گروه‌های پراکنده درآیند، دشمن استعمارگر از تفرقه‌ی آن‌ها سوء استفاده کرده و به آن‌ها آسیب شدید می‌رساند. به عنوان مثال اگر مسلمانان در برابر اسرائیل که دشمن شناخته شده و خون‌خوار اسلام و مسلمین است، یکپارچه و متّحد باشند، هرگز این مولود نامشروع آمریکا نمی‌تواند به غصب و تجاوز خود ادامه دهد».(۱)

پس، می‌توان نتیجه گرفت که یکتاانگاری معرفتی، منجر به هم‌اندیشی و هم‌سان‌سازی رویه‌های فکری، عقیدتی، رفتاری خواهد شد؛ و همین امر علیرغم پذیرش تنوّعات سلیقگی و ذهنی، بستر را برای همگرایی کل‌نگرانه با اتّکاء به «توحید» فراهم می‌آورد.

۳ ـ نبوّت

یکی از عوامل همگرایی و هم‌اندیشی امّت اسلامی می‌تواند ایمان به پیامبر اکرمﷺ و نام مقدّس و یاد آن حضرت باشد. وجود نبی مکرّم اسلامﷺ، بزرگ‌ترین مایه‌ی وحدت و انسجام، در همه‌ی ادوار اسلامی بوده و امروز هم می‌تواند باشد. چون اعتقاد مسلمانان به حضرتش با چاشنی عاطفه و عشق آحاد مردم مسلمان به آن وجود أقدس توأم است. از این‌رو، مرکز و محور عواطف و عقاید همه‌ی مسلمانان است و همین، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمانان و نیز دیگر فرق اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. در مجموعه‌ی دین هیچ نقطه‌ی دیگری وجود ندارد که این‌طور از همه‌ی جهات عقلی، عاطفی، روحی، معنوی و اخلاقی مورد قبول، توافق و تفاهم همه فرق و آحاد مسلمانان باشد. قرآن، کعبه، عقاید

---

۱. موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینیﷺ)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲ و ۴۶.

و فرایض مشترکند، امّا هرکدام از این‌ها یک بعد از شخصیّت انسان را به خود متوجّه می‌کند. ولی آن‌چه که همه‌ی مسلمانان بر روی آن از لحاظ فکر و اعتقاد و مهم‌تر، از لحاظ عاطفی و احساس، تفاهم و اشتراک دارند وجود مقدّس پیامبر خاتمﷺ است. در صدر اسلام، مسلمانان مانند پروانه دور شمع وجود آن حضرت می‌گشتند و وجود پیامبرﷺ مسلمانان را مانند دانه‌های تسبیح به هم پیوند می‌داد. مسلمانان صدر اسلام، آن‌چنان پیامبر را دوست می‌داشتند که در جنگ‌ها برای حفظ جان آن حضرت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. دشمنان اسلام از وجود پیامبرﷺ به‌عنوان مهره‌ی اتّحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند؛ از این‌رو در جنگ احد برای ایجاد اختلاف، شایعه کردند که پیامبرﷺ کشته شده است. در عصر حاضر نیز دشمن در تهاجم و توطئه‌ی فرهنگی علیه اسلام، یکی از محورهایی راکه در دستور کار خویش قرار داده، اهانت به این رکن رکین اسلام است. اهانت سلمان رشدی مرتد و کشیدن کاریکاتور در روزنامه‌ی دانمارکی و... در اهانت به ساحت مقدّس پیامبر اسلامﷺ، بیانگر همین واقعیت است. امّا خشم و موضع‌گیری یکپارچه‌ی جهان اسلام، نشان داد که مسلمانان نمی‌توانند اهانت به ایشان را تحمّل کنند. از این‌رو این نقطه‌ی مرکزی و قطب محوری را باید بزرگ شمرده و از تمام ابعاد، تمرکز به آن‌را تشدید کرد. گرچه اختلاف در مسئله‌ی روز میلاد پیامبرﷺ که بدین جهت، هفته‌ی وحدت شکل گرفته، از موارد اختلافات بسیار جزئی است و شاید این مسئله به نوعی هماهنگی و انسجام بهتر مسلمانان را بهم بزند. امّا اگر در دنیای اسلام نسبت به این مسئله‌ی تاریخی که چندان جنبه‌ی عقیدتی ندارد یک مرجعی به‌وجود بیاید تا در این‌باره بررسی کند و قراین و شواهد و مدارک تاریخی را مورد بررسی و تحقیق قراردهد و در این‌باره قضاوت نماید و بالاخره یک طرف راکه احتمال حق بودنش قوی‌تر است بگیرد و در نتیجه یک روز را به نام پیامبر اکرمﷺ جشن و میلاد داشته باشند خیلی بهتر و با شکوه‌تر است. این‌گونه قدم‌های مثبت که می‌توان آن‌را در مورد قصه تلخ رویت هلال اوّل ماه رمضان و عید فطر به کار گرفت آثار عملی مهمّی را می‌تواند در انسجام بخشیدن به همگرایی جهان اسلام داشته باشد. در گذشته از وسایل ارتباطی جدید: رادیو، تلویزیون و... خبری نبوده و هر کس، بی‌خبر از جاهای دیگر

به وظیفه‌اش عمل می‌کرد. اما امروز که همه‌ی مسلمین مایل‌اند در مورد روز اوّل ماه مبارک رمضان، روز عید فطر و نماز وحدت‌بخش آن و غیره هماهنگ حرکت کنند، این اختلافات خیلی ضرر دارد. در مورد حج نیز وضع به همین صورت است و اختلاف در تعیین اوّل ماه مشکل‌ساز است. به جای این‌که ما از این مناسبت‌ها بیشترین استفاده را ببریم، گاهی متفرّق و متضرّر می‌گردیم و دعواها و اختلافات تجدید می‌شوند. اگر شک نداریم که جهان اسلام همواره به پیامبر مکرّم صلی الله علیه و آله، عشق می‌ورزند و او را از فرزندان و نوامیس خود بیشتر دوست دارند ﴿**النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم**﴾.[۱] او پدر امّت[۲] ونبیّ رحمت[۳] و سراپا رأفت و مهربانی است، در این‌صورت اگر در خانواده‌ای، فرزندان و أخلاف بزرگ خانواده باهم اختلاف و نزاع کنند، بی‌گمان ملالت و غبار غم را برقلب بزرگ خاندان نشانده و روح آن را آزرده‌اند. اکنون آیا وقت آن نرسیده که مسلمانان با فشردن دست یکدیگر و قلوب پیوسته و امّت واحده شدن در برابر اجتماع اتحادیه‌ی اروپا و استکبار علیه جهان اسلام، خاطر و قلب وجود پیامبری که خداوند تنها به خاطر ارسال و انزال این نعمت بر مسلمانان و مؤمنان منّت می‌نهد[۴] و او خود، نسبت به امّت اسلام «**حریص علیکم**»[۵] بود و در طول رسالت خویش آن قدر برای تعالی جامعه‌ی اسلامی و جهانی‌سازی اسلام کوشید که خداوند فرمود:

﴿**طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى**﴾.[۶]

خاطرش را شادمان سازند؟! پیامبر اسلام مکرّر از زبان قرآن خطاب به جامعه‌ی اسلامی می‌فرمود:

---

۱. احزاب: ۶.

۲. انا و علی ابوا هذه الامة.

۳. انبیاء: ۱۰۷ ﴿و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین﴾.

۴. آل‌عمران: ۱۶۴.

۵. توبه: ۱۲۸.

۶. طه: ۱ ـ ۲.

﴿و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا ...﴾.[۱]

و چه زیباست بدانیم که برخی از مفسّران در تفسیر مصداق این آیه گفته‌اند: مقصود از «**حبل الله**» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. این سخن، کلام حقّی است؛ زیرا خداوند دستور می‌دهد:

﴿و اطیعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم ...﴾.[۲]

و از خدا و فرستاده‌ی او «در فرامین مولوی آنها» فرمان برید و باهم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می‌گردید و تسلّط و حکومت‌تان از بین می‌رود. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی جهان اسلام را هشدار می‌دهند که:

«**ما اختلف امة بعد نبیها الاّ ظهر اهل باطلها علی اهل حقها**».[۳]

و نیز فرمود:

«**لاتختلفوا فان من کان قبلکم اختلفو فهلکوا**».[۴]

از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود در جهت همگرایی نقش مهمّی دارند، هیچ عاملی نباید اتّحاد و همبستگی امّت اسلامی را خدشه‌دار کند و با هرآنچه که باعث تفرقه و سستی اعتقادات و دین می‌شود باید مبارزه کرد حتی به قیمت تخریب مسجد ضرّار که در پوشش دین و مسجد علیه دین و مسجد برخاسته بودند. این حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان از اهتمام جدّی آن حضرت به وحدت امّت اسلامی دارد. بنابراین وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره و سیرت ایشان عامل پیوند اجتماعی و انسجام اسلامی است که آحاد افراد جامعه‌ی مسلمین را علیرغم داشتن علایق، سلایق ونیازها، به یکدیگر متصّل می‌کند.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. انفال: ۴۶.

۳. کنزالعمال، ج ۱، ص ۱۸۴، ج ۹، ص ۹۲.

۴. همان، ص ۷۷، ج ۴، ص ۸۹.

این‌جا پرسشی اساسی مطرح می‌گردد و آن این‌که: ما نیز معتقدیم که همه‌ی مسلمانان، وجود پیامبرﷺ را قبول دارند؛ امّا در رویکرد برون دینی، هرفرقه از فرق گوناگون مسلمانان (۷۳ فرقه) برای‌اثبات عقیده وایدئولوژی خویش، به‌بخشی‌یاآیه‌ای‌ازسیره‌ی‌پیامبراسلامﷺ تمسّک می‌کنند، در این‌صورت راه حلّ مشکل چیست؟ در این‌صورت چگونه پیامبرﷺ می‌تواند یکی از عوامل اصلی همگرایی جهان اسلام بوده باشد؟

در پاسخ سؤال مطرح شده، به اجمال می‌گوییم:

اوّلاً: ملاحظه می‌شود که حتی علیرغم وجود متن مشترک و ریشه‌های مشترک ادیان توحیدی، مواردی از اختلاف بین ادیان به‌ظهور رسیده است.

ثانیاً: همان‌گونه که در آینده به تفصیل خواهیم گفت؛ اختلاف‌نظر و برداشت‌های متفاوت؛ یک پدیده‌ی ضروری در مسائل نظری است که از آن به (اختلاف معقول) یاد می‌کنیم. با این‌حال همواره تعدادی از اصول کلّی در مسائل نظری، چه در قلمرو علوم و چه در فلسفه و اخلاقیّات و حقوق و اقتصاد و سیاست و چه در هنر و ادبیّات و غیر این‌ها مورد اتّفاق همه‌ی صاحب‌نظران قرار می‌گیرند. اگر اختلاف نظرها در تفسیر و تطبیق آن اصول کلّی دور از غرض‌ورزی‌ها و بازیگری‌های تصنّعی باشد، نه تنها هیچ‌گونه ضرری براتّفاق نظر در آن اصول کلّی مشترک وارد نمی‌آورد، بلکه موجب دقّت و گسترش بیشتر در معارف مربوط و برخورداری بهتر از آن اصول کلّی می‌گردد. تاریخ اسلام، در همه‌ی مسائل نظری شاهد اختلاف آرا و عقاید بوده است و این اختلاف، تا آن‌جاکه بر اصول کلّی مشترک اخلالی وارد نیاورده، رایج و مورد استقبال بوده است و حتی به‌عنوان یک امر ضروری تلقّی شده است. حتی در اصول کلّی مشترک مثل توحید، نبوت، رهبری بعد از پیامبرﷺ، معاد، صفات خداوندی و قرآن نیز مباحث نظری فراوان مطرح شده و نه تنها اغلب موجب آن نشده که متفکّران اسلامی یکدیگر را تکفیر کنند، بلکه عامل گسترش وعمق معارف حکمی وکلامی نیز گشته است. امّا اختلاف‌نظر در فروع مورد اتّفاق، مانند نماز، روزه، حج، جهاد، ابواب گوناگون

اقتصاد و کیفرها (حدود و دیات) و غیر آن‌که بسیار فراوان و رایج‌اند، بدیهی‌تر از آن است که نیازی به بحث و تحقیق داشته باشد.[۱]

۴ ـ کتاب مقدس

قرآن کریم، نور هدایت، مایه نجات و صلاح و اصلاح جوامع بشری و معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلام ﷺ یکی از عوامل مهمّ همگرایی و اتّحاد اسلامی است. گرچه برخی از اندیشمندان و مفسّران در تفسیر جزئی برخی از آیات، اختلاف‌نظر واختلاف در مصداق داشته و برداشت‌های متفاوت نه متضاد دارند، امّا اصل وجود قرآن به‌عنوان کتاب واحد، مورد قبول و اتّفاق جهان اسلام و مسلمین بوده و خود محور و عامل هم‌اندیشی و همگرایی آنان است. در قرآن، نیز از این کتاب الهی به‌عنوان عامل وحدت یاد شده است. چنان‌که در برخی از تفاسیر، مانند «المیزان»[۲] «تفسیر ابن‌کثیر»[۳] و «تفسیر الکبیر»،[۴] مقصود (یکی از مصادیق مهم و روشن) از «**حبل الله**» در آیه‌ی ﴿**و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا**﴾[۵] به خود «قرآن» تفسیر شده است که براین اساس، این آیه صریحاً چنگ زدن به معارف و دستورالعمل‌های قرآن را عامل اتّحاد و انسجام مسلمانان دانسته است. بر همین اساس، پیامبر اکرم ﷺ از قرآن و عترت به‌عنوان دو امانت گران‌بها یادکرده است.[۶] «ویلیام گلادستون» نخست وزیر سابق انگلیس در سال‌های میانی قرن نوزدهم در مجلس عوام انگلیس گفته بود:

---

۱. جعفری، علامه محمدتقی، مقدمه‌ی استراتژی وحدت در اندیشه‌های سیاسی اسلام (تلخیص و اقتباس)، ج ۱، ص ۲۶.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳. تفسیر ابن‌کثیر، ج ۸، ص ۳۹۷.

۴. تفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۲۷.

۵. آل‌عمران: ۱۰۳.

۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۷.

«تا زمانی که مسلمانان از قرآن پیروی می‌کنند، سیاست خارجی ما پیروزی چشمگیری ندارد و باید کتاب قرآن را که وسیله‌ی وحدت مسلمین است از آنان بگیریم».

امام خمینی﵀ فرمودند:

«قدرت‌های شیطانی مطالعه کردند و دیدند که قرآن کتابی است که اگر به آن عمل شود باید فاتحه‌ی غارتگری آنان خوانده شود».

هرگاه قرآن و آیات معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، یا به ساحت مقدّس آن کوچک‌ترین تعرّض و اهانتی گردد، همه‌ی مسلمانان پکپارچه و با جان و مال و تظاهرات جهانی از آن دفاع و پاسداری می‌کنند. از سوی دیگر قرآن علاوه برآن‌که خودمحور انسجام مسلمانان است همواره آنان را به همگرایی در تحقّق آرمان‌ها، توانمندی‌ها و شایستگی‌های قدرت جهان اسلام به‌عنوان برترین و کامل‌ترین دین الهی فراخوانده است که این دعوت نقش بنیادی در همبستگی و وحدت‌گرایی دارد. وحدت و یکپارچگی مسلمانان و لزوم اتّحاد و اتّفاق کلمه میان ایشان از اصول و تعالیم فرهنگ قرآنی است. در آیات بسیار متعدّدی از این کتاب روشن‌گر، ضرورت وحدت و همگرایی دنیای اسلام را یادآور شده و با واژگان مختلفی توصیه و تأکید شده است. نیز در موارد بسیاری با تعابیر متفاوتی به نفی و نهی از عوامل اختلاف و تفرقه پرداخته و با بیان علل و اسباب اختلاف و جدایی؛ مسلمانان را به انسجام و یکپارچگی دعوت کرده که جملگی بیانگر اهتمام ویژه‌ی اسلام به این امر بسیار مهم استراتژیکی و کلیدی در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی است. برخی از این واژگان عبارتند از: **و اعتصموا**[۱] **امة واحدة**[۲] **اخوة**[۳]

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. یونس: ۱۹.

۳. حجرات: ۱۰.

الّف بین قلوبکم[۱] **امة وسطا**[۲] **رابطوا**[۳] **تعاونوا**[۴] **مودة و رحمة**[۵] و... . نیز در جهت نفی و نهی از پراکندگی و تفرقه میان مسلمانان به تعابیری چون: **لانفرق**[۶] **فرقوا**[۷] **لاتنازعوا**[۸] **اختلفوا**[۹] **تقطعوا**[۱۰] **لاتفسدوا**[۱۱] **احزاب**[۱۲] **شیعاً**[۱۳] و امثال این‌ها برمی‌خوریم.

این در حالی است که این کتاب سعادت‌گر جوامع بشری، نه تنها امّت اسلامی، که اهل کتاب را به اتّحاد و همبستگی بر محور توحید فرا خوانده، آنان را توصیه به اجتناب از تفرقه می‌کند، قرآن کریم در باب دعوت اهل‌کتاب به اتّحاد، خطاب به پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلَّا اللهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً...﴾.[۱۴]

«بگو ای اهل کتاب، بیایید به کمک کلمه مشترک میان ما و شما

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.
۲. بقره: ۱۴۳.
۳. آل‌عمران: ۲۰۰.
۴. مائده: ۲ .
۵. روم: ۲۱ .
۶. بقره: ۱۳۶.
۷. انعام: ۱۵۹.
۸. انفال: ۴۶ .
۹. بقره: ۲۱۳.
۱۰. مؤمنون: ۵۳ .
۱۱. اعراف: ۵۶.
۱۲. زخرف: ۶۵؛ احزاب: ۲۲ .
۱۳. انعام: ۱۵۹.
۱۴. آل‌عمران: ۶۴ .

اتّفاق داشته باشیم و آن این‌است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...».

این آیه ضمن بیان ریشه‌ها و علل و اسباب پیدایش عوامل تفرقه‌افکن و جدایی امّت‌های خداپرست که اعتقاد مبتنی بر کفر و نفاق و عبودیّت غیرخدا و اطاعت اله‌ها از قبیل رنگ، جنس، شعب، ملّیت و نژاد عوامل تفرقه‌اند به آنان اعلان می‌فرماید که همه‌ی شما در اصل توحید، خود را مشترک می‌دانید؛ پس ادیان الهی با اتّحاد و همبستگی خویش این اصل مشترک را پاس داشته و در برابر دشمنان خدا و ادیان الهی؛ امّت واحده شوید.

۵ ـ مکّه‌ی معظّمه و همگرایی

مکّه‌ی مکرّمه محل پیدایش دین مبین اسلام و مرکز تجلی حق و یقین، بهترین مکان مقدس روی زمین برای تجمع مسلمین و خانه‌ی خدا درکعبه است و همه ساله مسلمانان در مراسم حج، از مشرق و مغرب در آنجا حضور می‌یابند. حج، محل التقای مسلمانان جهان و با معنویت‌ترین جایگاه برای ایجاد برادری و همدلی میان آنان و مظهر ارتباط و الفت آن‌هاست. مکّه‌ی معظّمه و فصل حج به حق یک فرصت طلایی تاریخی را برای موفقیت یک طرح همکاری و هم‌بستگی میان مسلمانان تشکیل می‌دهد. چون در آن‌جا همه‌ی اختلافات قومی، رنگ، نژادی، ملّی و مالی، مذهبی و غیره کاملاً رنگ باخته و ذوب می‌شوند و همه‌ی مؤمنان در آن‌جا در دریای سفید واحدی با هم شنا می‌کنند و در آن هرچه بیشتر می‌توانند در زمینه‌های روحی و عقیدتی، اجتماعی سیاسی، و فقهی علمی با هم نزدیک شوند. شاید برای گردآوری این شمار از مسلمانان با این تنوّع در مکان واحدی، میلیاردها دلار نیاز داشته باشد که در آن مسلمانان یکدیگر را ببینند و اعمال واحدی را بدون اختلاف چندانی در آن، انجام دهند. ما مسلمانان تنها یک اردوگاه سالانه و میلیونی داریم که می‌تواند با تشویق گفتگو و هم صحبتی، روابط دوستی میان همه ایجاد نماید و منجر به کاهش تشنّج و ایجاد کیان بزرگتری میان آن‌ها بشود. اهداف اساسی کنفرانس حج، که در آن‌جا مسلمانان از همه‌ی سرزمین‌های جهان گردهم می‌آیند، آن است که مردم

با یکدیگر آشنا شده و اوضاع یکدیگر را جویا شوند و در مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی و اقتصادی و عقیدتی باهم بحث کنند و مشکلاتی که با آن روبرو هستند به بحث گذارده و برای ارائه‌ی راه حل نهایی آن مشکلات بر پایه‌ی منافع اسلامی تلاش جدّی از خود نشان دهند. این همان سخن خداوند است که می‌فرماید:

﴿لیشهدوا منافع لهم ...﴾.[1]

تا شاهد منافع ملّی و بین‌المللی برای خود باشید. حج به تنهایی آن فصلی نیست که احساس عمیق به وحدت بزرگ اسلامی را ایجاد کند؛ بلکه «قبله» نیز چنین نقشی را ایفا می‌کند، آن‌گونه که یک مسلمان به هنگام اقامه نماز تصوّر می‌نماید که او یکی از میلیون‌ها نفری است که به چنین قبله‌ای و به سوی «بیت الله الحرام» ایستاده است. گذشتگان با یک جمله‌ی کوتاه، وحدت این امّت را توصیف کرده‌اند که مسلمانان را «اهل قبله» نامیده‌اند، چون همگی به‌سوی یک قبله نماز می‌گزارند و این «قبله» فصل مشترک همگان است. آری! مسلمانان نخستین، حج را وسیله‌ای برای معارفه وبررسی‌های دینی و سیاسی و اجتماعی قرار می‌دادند که این روش، پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان و اصحاب بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه‌ی وداع؛ که در آن خلاصه دقیقی از احکام اسلامی را بیان نموده، در عرفه ایراد کرده است. پیشوایان امّت اسلامی، نیز خود ریاست فصل حج را «امیر الحاج» برعهده می‌گرفتند. علمای حدیث، فقها و متکلّمان نیز، از فرصت حج و «کنگره‌ی عظیم حج» برای مبادله‌ی روایات و مسائل فقهی وکلامی باید بیش از پیش بهره‌مند شده و از آثار مثبت آن در راه وحدت و همگرایی مسلمانان استفاده ببرند.

۶ ـ اختلاف معقول آری؛ تکفیر و تفسیق نه

در مکتب اسلام، به پرهیز از اسائه ادب حتی نسبت به کفّار و مشرکان به‌خاطر بیم از توهین آن‌ها به اعتقادات و دین ما، توصیه شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

---

۱. حج: ۲۸.

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾.[۱]

«و آن‌ها را که کفّار به‌جای خدا می‌خوانند (مانند بت‌ها و اجنّه) دشنام ندهید که آن‌ها نیز از روی عداوت و نادانی به خداوند دشنام دهند...».

اختلاف‌نظر یک پدیده‌ی ضروری در مسائل نظری و پدیده‌ای طبیعی در مسائل عقیدتی است؛ آن‌گونه که، اختلافات نظری در بین صاحب‌نظران یکی از بدیهی‌ترین پدیده‌های معرفت پویاست. این پدیده به قدری شایع است که نمی‌توان حتی دو متفکّر صاحب‌نظر در یک رشته‌ی واحد را پیدا کنید که آن دو، در همه تعریفات و مواد استدلال و روش در همان رشته، اتفاق‌نظر داشته باشند. این؛ همان اختلاف معقول است که پیامبرﷺ فرمود: «**اختلاف امتی رحمة**»، اختلاف‌نظر در میان امّت اسلام مایه‌ی رحمت و پویایی است. در چنین اختلافاتی باید با سعه‌ی صدر برخورد نمود و هیچ‌یک دیگری را تکفیر و خارج از اسلام تلقّی نکند. با چنین دیدگاه و رویکردی است که مثلاً کتاب «تجرید الاعتقادات» تألیف خواجه نصیرالدین طوسی از بزرگ‌ترین عالمان شیعه مورد شرح ملاّ علی قوشجی از علمای معروف اهل‌سنّت قرار گرفته و کتاب «المحجة البیضاء» ملاّ محسن فیض کاشانی از مشاهیر علمای شیعی در شرح و تحقیق «احیاء العلوم» غزالی از نامی‌ترین علمای تسنّن تألیف و نگاشته شده است.

بنابراین در طریق وصول به وحدت معقول، نخستین گام، همانا وسعت یافتن دیدگاه متفکّران و شخصیّت‌های بزرگ اسلامی است و عامل اساسی این توسعه‌ی دیدگاه‌ها، رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصّب غیرمنطقی می‌باشد. از آن‌جا که اختلاف عقیده و دیدگاه در غیراصول دینی، به‌ایمان آسیبی نمی‌رساند و شخص را از اسلام خارج نمی‌سازد، فقها

---

۱. انعام: ۱۰۸.

و دانشمندان طراز اوّل جهان اسلام، با تأکید براصول دین و تکیه بر مشترکات موجود میان مذاهب اسلامی به صراحت اعلام می‌دارند که اختلافات فرعی و جزئی موجب کفر یا خروج از دین نمی‌گردد تا کسی به خود اجازه ندهد با حربه‌ی تفاوت دیدگاه عقیدتی، دیگران را متهّم به تکفیر و تفسیق نماید و چه‌بسا جان و مال و خون او را مباح بشمارد. از این‌رو با مطالعه و نگاه به آثار اندیشمندان مصلح مسلمان شیعه و سنّی درمی‌یابیم که یکی از عوامل مانع همگرایی و هم‌اندیشی و برداشتن اختلافات، همانا قصّه‌ی تلخ تاریخی تکفیر و تفسیق مذهبی، مذهب دیگر را و مسلمانی، مسلمان دیگر را دانستن است. استاد محمّد السعدی در کتاب «التکفیر فی المیزان القرآن و السنة» می‌گوید:

«تکفیر مردم، آن‌ها را اصلاح نخواهد کرد و مشکلات‌شان را حل نمی‌کند وآن‌ها را به‌راه راست ودرست باز نمی‌گرداند. بلکه برعکس، این تکفیر، موجب تخریب چهره‌های دین و نفرت مسلمانان و همه‌ی مردم از آن شده و به شیطان کمک می‌کند تا آن‌ها را پس از ناامید کردن فریب دهد».

امام ابوالحسن اشعری بنابه نقل احمد بن زاهر سرخسی، از نزدیک‌ترین یاران وی، در هنگام وفاتش یاران خود را جمع می‌کند و می‌گوید:

«شاهد باشید براین‌که من هیچ‌یک از اهل قبله را به‌خاطر گناهی تکفیر نمی‌کنم، زیرا همگی آنان به معبود واحد و یگانه‌ای توجّه دارند و اسلام تمامی آن‌ها را در برمی‌گیرد».[۱]

شیخ الاسلام مخزومی از امام شافعی همین مضمون را نقل می‌کند.[۲] ابن عیینه نیز می‌گوید:

---

۱. شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۴۱، مبحث ۵۸، بی‌تا.

۲. همان، ص ۱۴۲.

«اگر درندگان گوشت مرا بخورند برایم گـواراتـر است از ایـن‌که با عداوت کسی که به وحدانیّت خداوند مـتعال و نـبوّت مـحمّد صلی الله علیه و آله اعتقاد دارد از بین بروم».(۱)

براین اساس باید از فرهنگ تکفیر و انتساب فسق به دیگران از سر تعصّب در جامعه‌ی اسلامی پرهیز کرد.

و این فرهنگ تکفیر و تفسیق یک فرهنگ خطرناک و مرموز نفوذی در اندیشه‌ی اسلامی است که می‌توان بدعت‌گذار این تفکّر را مربوط به خوارج نهروان دانست.

برای رسیدن به همگرایی در سطوح خرد یا کلان آن نیازمند توجه به چـهار مـؤلّفه یا شاخصه‌ای است که در جامعه‌شناسی نظم، تحت عنوان «چهار ت» مطرح است که عبارتند از:

۱ ـ تفاهم نمادی؛

۲ ـ تنظیم سیاسی؛

۳ ـ تنظیم اجتماعی؛

۴ ـ تعمیم ساختاری.

سپس، برداشتن گام‌های چهارگانه در این حوزه‌ها، جهت وصول به همگرایی، درگرو قبول شخصیّت متقابل کنشگران توسّط یکدیگر است. این احترام به هویّت متقابل در قالب گروه‌های مختلف مذهبی در شاخصه‌های ذیل و در دو گروه آرایه‌های شکلی و آرایه‌های محتوایی از اهمیت برخوردارند.

آرایه‌های شکلی شامل مسایلی چون موارد ذیل می‌گردد:

ـ پرهیز از تکفیر، تفسیق و انتساب بدعت به یکدیگر.

ـ پرهیز از مؤاخذه‌ی یکدیگر در لوازم رأی در صورت روشن نبودن ملازمه.

---

۱ . شرف‌الدین موسوی، عبدالحسین، الفصول المهمه فی تالیف الأمة، ص ۴۴ ، دارالزهراء، بیروت، لبنان.

ـ پذیرفتن عذر یکدیگر در موارد مختلف.

آرایه‌های محتوایی را می‌توان مواردی این چنین برشمرد:

ـ آزادی انتخاب مذهب.

ـ آزادی پیروان مذاهب در اعمال شخصیه.

ـ آزادی مذاهب مختلف در بیان نظام‌مند دیدگاه‌های خود.

ـ آزادی تعاملات درون‌گروهی و میان‌گروهی مذاهب در صحنه‌ی تعامل با شرایع دیگر و... .

عدم جواز تکفیر در مسأله‌ی خلافت و امامت

اکنون می‌گوییم: یکی از مواردی که همواره اختلاف برانگیز بوده و در برخی مواقع، افراد یاگروه‌های تند و افراطی از شیعه و سنّی، به‌صورت آگاهانه یا جاهلانه، از روی تعصّبات و احساسات غیرمعقول و غیرمنطقی، دامن به آن زده و با حرکات ناشایست و ناشیانه‌ی خود، به آسیاب دشمن آب ریخته و باعث خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی اتّحاد ملّی و انسجام و همگرایی مسلمانان شده‌اند، مسئله‌ی خلافت و جانشینی پس از رسول اکرم ﷺ بوده است. لازم است بدانیم که: اگر بخواهیم دایره‌ی آموزه‌های دین مقدّس اسلام را تعیین کنیم، در ذیل دو عنوان کلّی مسائل اعتقادی و عملی می‌گنجد که هرکدام زیر عنوان‌های دیگری هم دارند.

مسائل اعتقادی خود به دو بخش ضروری و غیرضروری یا فرعی تقسیم می‌شوند [آن‌گونه که تقسیم مسائل فقهی هم، چنین است] هر کدام از این‌ها احکام جداگانه دارند، که نمی‌توان همه را یکسان دید و یکسان دانست. در مسائل اعتقادی ضروری یا همان‌که در لسان متکلّمان به اصول دین نام‌گرفته است، جایی برای اختلاف نظر نیست. مرز اسلام و کفر، باورمندی به همین امور است؛ ایمان به خدا، معاد، نبوّت عامّه و خاصّه. بنابر آیات قرآن، خروج از دین و اسلام وقتی است که شخص آن‌چه از جانب خدای متعال نازل شده را قبول

نداشته باشد:

﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنزَلَ اللهُ فَأُوْلَئِكَ هُمْ الْكَافِرُونَ﴾.[۱]

لذا خروج از اسلام زمانی صورت می‌گیرد که مخالف ضروریّات دین باشد.

در مسائل غیرضروری و نظری مجال اختلاف‌نظر هست و نمی‌توان کسی را ملزم به قبول یک تفسیر خاص کرد. در این‌صورت بر فرض اثبات نادرستی یک تفسیر یا برداشت که به صورت روش‌مند انجام گرفته، راهی برای تکفیر وجود ندارد و نمی‌توان به خاطر بیان نظری که به نظر خطا می‌رسد، صاحب‌نظر را تکفیر کرد. یکی از مسائلی که به اجماع مسلمانان جزو اصول دین نیست مسئله‌ی خلافت وامامت است، حتی شیعه که آن‌را جزو اصول می‌داند، برآن است که امامت مربوط به مذهب است نه اصول دین. به‌عنوان نمونه علّامه شریف‌الدّین، در این‌باره می‌نویسد:

«**قد اجمع اهل القبله علی آنهالیست من اصول الدین ...**».[۲]

آن‌گونه که عالمان سنّی هم‌چون امام غزالی (م ۵۰۵ ق)؛[۳] سیف‌الدّین آمدی و تفتازانی این‌گونه اظهار کرده‌اند:

«**و اعلم ان الکلام فی الامامة لیس من اصول الدیانات ...**[۴]

و لاخفاء فی ان ذلك (مباحث الامامة) من الاحکام العملیة دون

---

۱. مائده: ۴۴ .

۲. شرف‌الدین، عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، ص ۱۵۳ .

۳. غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، تعلیق و مقدمه، د. علی بوملحم، ص ۲۵۳ ، بیروت، دارالمکتبة الهلال، ط ۲ ، ۱۴۲۱ ق.

۴. آمدی، سیفخ الدین، غایة المرام فی علم الکلام، تحقیق و تعلیق، حسن محمود عبدالطیف، ص ۳۶۳، قاهرة، احیاء التراث الاسلامی،

الاعتقادیة».[۱]

از میان فقهای برجسته‌ی شیعه و اندیشمندان شیعی در قرن بیستم، شخصیّت‌هایی نظیر امام خمینی‌ﷺ و شهید محمّدباقر صدر، در منابع فقهی‌شان، به این مسئله پرداخته و انکار مسئله‌ی امامت را خروج از اسلام نمی‌دانند.

امام خمینی‌ﷺ می‌گوید:

«امامت به معنایی که نزد امامیّه وجود دارد از ضرورت‌های دین نبوده چون «ضرورت‌ها» عبارت از امور واضح و بدیهی از نظر همه‌ی طبقات مسلمین می‌باشند و شاید ضرورت از نظر بسیاری برخلاف آن باشد ... علاوه براین که جزو اصول مذهب‌اند و منکر آن از مذهب خروج کرده نه از اسلام».[۲]

نظیر این سخن را در کلمات شهید صدر می‌توان یافت.[۳]

۷ ـ گفتگو، سلامی برای خلق گفتمان و همگرایی اسلامی

یکی دیگر از عوامل همگرایی، هم‌اندیشی و همگامی مشترک شناخت فکری و عقیدتی مسلمانان نسبت به یکدیگر است. از آنجاکه گویند «**تعرف الاشیاء بأضدادها**»، در این مقال نیز بایسته است عوامل و ریشه‌های واگرایی و تفرقه را شناخت تا آن‌گاه با پیاده نمودن و اجرای نقطه‌ی عکس آن، به همگرایی میان مسلمانان دست یابیم. با این بیان کوتاه، می‌گوییم که: یکی از مسائلی که موجب شده است تا میان مسلمانان، جدایی بیفتد، بی‌اطلاعی آنان از آموزه‌های مذهبی یکدیگر و ناآگاهی آنان نسبت به تعالیم و احکام فقهی

---

۱. تفتازانی، شرح المقاصد، تحقیق و تعلیق عبدالرحمن عمیر، ج ۵، ص ۲۹۷.

۲. امام خمینی‌ﷺ، کتاب الطهاره، ص ۴۴۱.

۳. صدر، محمدباقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۱۵.

و فرعی مذاهب اسلامی است. در واقع همین جهل و بی‌خبری مسلمانان و نخبگان فکری از مبانی فقهی کلامی مذاهب اسلامی، زمینه‌ساز تصوّرات نادرست، اوهام و بدگمانی‌های فراوانی در میان مسلمانان نسبت به همدیگر شده است. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام که رفتار سیاسی اجتماعی‌اش بهترین الگو برای مسلمانان است تا در صورت اختلاف‌نظر با مقدم داشتن مصلحت همگان، راه تساهل و تسامح و معاشرت نیکو را در پیش گیرند و به‌منظور حفظ اصول اسلام و ارزش‌های دینی از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین جایگاه و منافع زودگذر و آنی خود چشم بپوشند و اختلافات فرعی را در مقابل اهمیت بسیار زیاد بنیان جامعه‌ی اسلامی و همگرایی جهان اسلام نادیده بگیرند می‌فرماید:

«و انما انتم اخوان علی دین الله، ما فرق بینکم الاخبث السرائر وسوء الضمائر، فلاتوازون و لاتناصحون و لاتباذلون و لاتوادّون».

«همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون پلید و نیّت زشت شما را از هم جدا نساخته است. نه یکدیگر را یاری می‌دهید و نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌دهید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید».(۱)

در این‌صورت است که نتیجه‌ی آن تهمت‌ها و افتراها به یکدیگر و در مواردی حتی یورش مسلحانه وکشتار بی‌رحمانه یکدیگر شده است. این امر باعث پیدایش نفاق و چند دستگی و ضعف و زبونی مسلمانان گشته است. به عبارتی؛ مسلمانان ضعیف‌اند، چون پراکنده‌اند و پراکنده‌اند، چون نسبت به عقاید و افکار همدیگر نادانند. امام خمینی قدس‌سره نیز می‌فرمود:

«من می‌خواهم مصالحه و صلح بدهم بین این طوایف؛ و بگویم همه‌ی این‌ها یک چیز می‌گویند... گاهی اختلافی که بین اهل‌نظر و اهل‌علم حاصل می‌شود به این جهت است که زبان‌های یکدیگر را درست نمی‌دانند،[توان برقراری ارتباط و مفاهمه‌ی زبانی یکدیگر

---

۱. نهج‌البلاغه، خ ۱۱۳، ص ۲۱۸، ترجمه‌ی محمددشتی، نیزجهت مطالعه‌ی‌بیشتر ر.ک: همان، خ ۱۴۱.

را به دلایل مختلف ندارند.] هرطایفه‌ای یک زبان خاصّی دارد. سه نفر بودند؛ یک فارسی، یک ترک و یک عرب. این‌ها راجع به نهارشان بحث کردند که چه بخوریم؛ فارس گفت: انگور، عرب گفت: خیر، عنب، ترک گفت: ما این‌ها را نمی‌خواهیم، ما اوزوم می‌خواهیم. این‌ها اختلاف پیدا کردند، برای این‌که زبان یکدیگر را نمی‌دانستند. یک نفر دیگری که هر سه زبان را می‌دانست، گفت: من می‌دانم غذای شما چیست. رفت و انگور آورد و همه گفتند: بله، ما همین را می‌خواستیم».

بنابراین یکی از عامل‌های همگرایی این است که مسلمانان با خردورزی و فهم و منطق درست، نسبت به همدیگر شناخت پیدا کنند والبته نخستین کسانی که باید به این شناخت، دست یابند، علما و اهل‌فکر و نظر از هر دسته‌ای از مسلمانان‌اند و دست‌یابی به این شناخت و به آموزه‌های مذهبی یکدیگر، راهی جز گفتگو، مناظره و همکاری علمی و جدال احسن ندارد.

سیّد جمال‌الدّین اسدآبادی نیز معتقد بود ابتدا خود علما و رهبران جامعه‌ی اسلامی از بلاد مختلف، در سطوح جهان، با هم مجتمع و مرتبط و متّحد شوند و به وحدت اسلامی در سطح رهبری، شکل بدهند. او می‌گفت:

«علما، خطبا و پیشوایان و وعاظ هر یک از کشورهای اسلامی، با یکدیگر ارتباط پیدا کنند و برای تجمّع خویش در اطراف جهان مراکز ارتباط و مشاوره به‌وجود آوردند تا برای ایجاد وحدت میان مسلمین دراین مکان‌ها جمع شوند و برای وحدت شئون اسلامی از احکام قرآن و مفاد احادیث صحیح کمک بگیرند تا به مقامی برسند که قرآن و دیانت اسلامی برای آنان تعیین کرده».[1]

---

۱ .اسدآبادی،سیدجمال‌الدین، عروة‌الوثقی، ج ۱، صص ۱۲۲ ـ ۱۲۱، ترجمه‌ی‌زین‌العابدین‌کاظمی‌خلخالی.

نیز می‌گوید با تشکیل مجمع عمومی مسلمانان، یکی از کارهای این مجمع و مجتمع علما و صاحب‌نظران اسلامی این است که:

«دعوت‌کنندگان و سخنرانانی به نقاط دوردست بفرستند و با کسانی که نزدیک‌تر هستند ملاقات و مذاکره کنند و از احوال بعضی از مسلمانان در مورد دین و ملیّت آنان آگاه باشند و یااین‌که از عوامل پریشانی و ضررهایشان مطّلع شوند».[۱]

بنابراین گفتگوی علمی و منطقی بین مذاهب اسلامی، موجب تحقّق نظام منسجم فکری نظری، روش‌مند و قوّت اندیشه‌ی اسلامی می‌شود.

منطق دیالوگ

به منظور تحقّق گفتگوی بین مذاهب شایسته است به مفهوم و معنای گفتگو و برخی لوازم و مقتضیات فرهنگ گفتگو و آداب و اصول آن اشاره‌ای کوتاه بشود.

گفتگو برخلاف جدال که یک معنا و بار منفی دارد ابزاری نیرومند برای ایجاد روابط و پیوندهای اجتماعی و زمینه‌ای مشترک برای جنبش سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ای و اقتصادی است. گفتگو همان بازگشت کلام و سخن میان طرفین است به گونه‌ای که سخن از طرف اوّل به طرف دوّم منتقل شود، سپس به‌طرف اوّل باز می‌گردد بی‌آنکه شنونده یا ناظر متوجّه شود که میان طرفین چیزی دال بر خصومت وجود دارد. پس گفتگوی منطقی، روش و اصولی دارد که چنان‌چه رعایت نشود به جدال تبدیل خواهد شد. قرآن کریم، بندگانی را مژده می‌دهد که گفته‌ها را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند.

﴿ فَبَشِّرْ عِبَادِي * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُوْلَئِكَ

---

۱. همان، ص ۱۲۲.

﴿الَّذِينَ هَدَاهُمْ اللهُ وَأُوْلَئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ﴾.[1]

«بشارت باد آن‌هایی را که سخنان را گوش فرا می‌دهند و از بهترین آن‌هاپیروی می‌کنند، آن‌ها هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها صاحبان خردند».

در گفتگو بنابر مفاهیم آیه‌ی مزبور، می‌بایست سه مرحله را که مترتّب بر یکدیگرند مورد توجّه قرار داد تا گفت‌وشنودها اثربخش و کارکرد همگرایانه را به دنبال داشته باشد. این مراحل سه‌گانه عبارتند از:

الف) تبلور فضای تبادل نظرها وگفته‌ها برای انسجام بخشیدن به گفت‌وشنود و موارد اختلاف.

ب) شنیدن و دل‌سپردن به گفتار با حسن نیّت و آگاهی یافتن از نکات و نیکوترین گفتگوها بدون پیش داوری ارزش مدارانه.

ج) پذیرش وتسلیم شدن در برابر سخن حقّ و حقیقت و پیروی از بهترین گفتارها.

بنا بربینش قرآن و سیرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام و سایر پیامبران الهی، علاوه برتوجّه به مراحل بالا، آن‌گاه به مطلوبمان که همدلی و همفکری و همگامی مشترک بین فرقه‌های اسلامی است دست می‌یابیم که آداب گفتگو و مناظره را رعایت کرده باشیم. اهم این آداب را می‌توان موارد ذیل شمرد:

۱ـ هم‌ترازی و مساوی بودن طرفین مناظره (برخورداری از جایگاه تساوی علمی و فهم زبان همدیگر).

۲ـ شنیدن ادّعا و تأمّل در آن ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِي * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ ...﴾.

۳ـ حاکمیّت فضای علمی و پرهیز از عاطفه، احساسات، تعصّب و نفی مطلق‌اندیشی.

۴ـ آغاز گفتگو با نکات مثبت مشترک و استفاده از آن در مناظره.

---

۱. زمر: ۱۷ـ۱۸.

۵ ـ پرهیز از طعن یکدیگر و دشنام و تحقیر و نیز پرهیز از سیاسی کردن گفتگو و سیاست‌زدگی.

۶ ـ شروع و پایان گفتگو با آرامش و نتیجه‌بخشی و... .

رعایت این اصول و آداب، آن‌چنان اشخاص و اندیشمندان را؛ اهل حق و انصاف به بار می‌آورد که منادی و طلایه‌دار اتّحاد و انسجام اسلامی، جناب شیخ بزرگوار مرحوم شلتوت می‌گوید:

«من در دانشکده‌ی شریعت، به‌صورت تطبیقی تدریس می‌کردم و در یک مسئله آرا و دیدگاه‌های تمام مذاهب اسلامی را مطرح می‌نمودم و چه‌بسا در میان آن‌ها، مذهب شیعه برجستگی بیشتری داشت و من، در موارد زیادی رأی مذهب شیعه را به‌خاطر دلیل قانع‌کننده‌ی آن، ترجیح می‌دادم و حتّی در مسائل زیادی مطابق آن مذهب فتوا دادم، از جمله در مورد وقوع سه طلاق با یک لفظ که در مذهب سنّی درست و در مذهب شیعه نادرست است و در قانون احوال شخصیه هم گنجانیده شده است».[۱]

پس برای وصول به همگرایی جهان اسلام، لازم نیست که دستورات یک مذهب خاص بر دیگران تحمیل شود یا تمام مذاهب در یکدیگر ادغام شوند و چیز سوّمی پدید آید.

بلکه می‌بایست مسلمانان و رهبران فکری‌شان اندیشمندان حوزه و دانشگاه در مسائل فرعی اختلافی، به جای این‌که نسبت به افکار و آرای همدیگر موضع منفی و بدبینانه داشته باشند، بایسته آن است تا براساس اصول اسلام، ضمن احترام به دیدگاه‌های یکدیگر و ارزیابی خوش‌بینانه، این مسائل را با نقد و تحلیل علمی و اقامه‌ی دلیل و برهان، نقض و ابرام نمایند و البته چنین تعاملی به تقویت مبانی اخوت دینی و تلطیف روح برادری اسلامی

---

۱. جمعی‌ازنویسندگان، دعوةالتقریب‌باتاریخ ووثایق،ص ۴۵، مصر، المجلس‌الاعلی‌لشئون‌الاسلامیة،۱۹۹۱.

می‌انجامد، زیرا تعمّق در مباحث، روشن می‌کند که اختلافی که امّت واحده را از یکدیگر جدا نموده بسیار کوچک‌تر و حقیرتر از آن است که به چنین فرجامی بیانجامد؛ افزون براین‌که، با علم و گفتگوی علمی می‌توان بسیاری از اختلافات را براساس حقّ و انصاف از میان برداشت و به اتّفاق نظر در مسائل فرعی و حدّاقل به آگاهی و شناخت از افکار و دیدگاه‌های همدیگر دست یافت.

سخن آخر در این بخش آن‌که: در عصر جهانی شدن ارتباطات، گفتگو و مذاکره‌های پیاپی و استمرار بخش متفکّران اسلامی در زمینه‌ی موضوعات متنوّع عقیدتی، کلامی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی می‌تواند کارآمدترین و بهترین راهکار برای تبدیل فرهنگ مشاجره و اختلاف به مصالحه و تفاهم قلمداد شده و روزنه‌ی امید درخشانی برای رهایی از بحران‌کنونی و چالش‌های سرنوشت‌سازی که تاکنون جهان اسلام در کلّیه‌ی زمینه‌ها با آن روبه‌رو بوده، ایجاد نماید که در این‌صورت با ایجاد زمینه‌ی تفاهم و حلّ مشکلات با همکاری و همدلی، گام‌های مؤثّری در روند بیداری و اتّخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز برای ایجاد جامعه‌ی انسانی بر پایه‌ی اصول اسلامی بردارد.

نتیجه مباحث گذشته

آنچه از جمع‌بندی اجمالی نسبت به آنچه که تاکنون در این مختصر به عنوان «برخی از عوامل همگرایی جهان اسلام» ذکر شد نکاتی چند بدست می‌آید که اهم آن عبارت است از:

۱ ـ تأکید بر اصول و نقاط مشترک

همان‌گونه که گفته شده است جهان اسلام دارای اصولی مشترک و پذیرفته شده‌اند که بالاتفاق مورد قبول تمام مسلمانان است و هیچ‌گونه اختلافی در کلیت آنها میان مسلمانان وجود ندارد. اهم این اصول ـ که هریک می‌تواند یکی از عوامل اثر بخش در همگرایی جهان اسلام باشد ـ عبارت‌اند از:

۱ ـ ایمان به خداوند متعال؛

۲ ـ ایمان به حضرت محمد بن عبدالله ﷺ به عنوان خاتم‌النبیین و پیامبر الهی؛

۳ ـ ایمان به قرآن بعنوان کتاب مقدس آسمانی؛

۴ ـ ایمان به کعبه بعنوان قبله مسلمانان؛

۵ ـ ایمان به شریعت اسلام بعنوان کامل‌ترین و آخرین دین الهی؛

۶ ـ ایمان به ضروریات دین؛

۷ ـ ارزش‌ها و شعائر اسلامی مشترک؛

۸ ـ منافع مشترک فرهنگی و اقتصادی و سیاسی؛

۲ ـ حفظ وحدت و همگرایی با وجود اختلافات معقول

توجه به این نکته لازم است که اختلافات جزئی در فروع را آن‌قدر با اهمیت و بزرگ جلوه ندهند تا به هم‌اندیشی و همگرایی آنان آسیب وارد نماید. زیرا اختلاف بمعنای تفاوت درک در مسائل فرعی با حفظ وحدت در اصول، منجر به پیدایش اختلاف در دل‌ها و دودستگی در صفوف و راهی برای فساد و بی‌عدالتی نخواهد شد مگر آنگاه که با تعصّبات و احساسات نامعقول و جهل و نادانی توأم گردد.

۳ ـ آثار و نتایج همگرایی

اندیشه وحدت و همگرایی مسلمانان جهان آثار و نتایج گوارایی را در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی در منطقه خاورمیانه بلکه در سطح بین‌المللی به ارمغان آورده که توجه بیش از پیش و بازگوکردن آن آثار؛ خود می‌تواند در تقویت این مهم نقش بسزایی داشته باشد و البته بیان معرفی و پرداختن به آثار و نتایج سازنده همگرایی و همگامی جهان اسلام خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد که از ظرفیت این مختصر خارج است.

۴ ـ سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام (ثقل اصغر) محور وحدت و همگرایی

با نگرشی واقع‌بینانه و ایده‌آل، یکی از محورهایی که می‌توان از آن بعنوان عامل همگرایی جهان اسلام نام برد اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام سیره و رفتارشان و سخنان آن پیشوایان و رهبران راستین مسلمانان می‌باشد که به تعبیر مولی الموحدین علی علیه‌السلام:

«هیچ‌کس در حفظ وحدت امت پیامبر و الفت آنان به یکدیگر، دلسوزتر از من نیست».

زیرا آنان مترجمان وحی و شارحان قرآن و در امتداد خط رسالت و نبوت قرار دارند.

سؤال و توهمی که اینجا بر ذهن می‌آید این است که بسیاری سنت و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام را مانع بزرگ نزدیکی و همگرایی مسلمانان تلقی می‌کنند بااین تصور که موضوع سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام در واقع ایجاد منبع دیگر تشریع در مقابل سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله است و بدیهی است که اختلاف منابع به اختلاف نتایج منجر می‌شود؟

نقد و پاسخ این توهم اجمالاً آن است که: ایمان به سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام نه تنها با تمسک جستن به سنت وسیره نبوی مخالفتی ندارد بلکه به معنای تحکیم سنت نبوی و پالایش آن از ناخالصی‌هایی است که در مسیر نقل آن ممکن است عارض گردد و مفاد آن درست بر عکس جلوه دهد. آن‌گونه که از نبوت دین اسلام و توحید به «**حبل الله**» یاد شده از اهل‌بیت علیهم‌السلام هم حتی در سخنان عالمان و رهبران غیرشیعی به «**حبل الله**» یاد شده است. امام شافعی می‌گوید:

«**آل‌النبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی ارجوبهم اعطی غدا بیدی الیمین صحیفتی**».[1]

«خاندان پیامبر دستگیر من هستند آنان وسیله تقرب من به خدایند امیددارم به‌خاطر آنان فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند».

---

۱. الصواعق المحرقة، ابن‌حجر، ص ۱۰۸.

پرداختن به شیوه و روش اهل‌بیت علیهم‌السلام برای حفظ وحدت و انسجام همگرایی مسلمانان آنچنان گسترده و پردامنه است که این هم نیز جای خود و مقاله‌ای دیگر را می‌طلبد.

پایان بحث آن‌که: امتی که دارای اتحاد و انسجام اجتماعی اسلامی است و با وحدت و همدلی به هم‌نوعان خویش در هر نقطه‌ای از دنیاکه باشدکمک‌کرده و همواره حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی دارد؛ دشمنانش جرأت نفوذ در چنین جامعه‌ای را ندارند. زیرا نه بایک حکومت و ملت که با یک امت واحده باید مبارزه کنند.

بنابراین این ثبات سیاسی برآمده از این اتحاد و انسجام اسلامی و همگرایی آنان حربه‌ای بسیارکارآمد در صحنه‌های بین‌المللی شده و دشمنان پیدا و پنهان جهان اسلام از طمع‌ورزی‌ها بازداشته می‌شوند.

افزون براین‌ها قدرت نفوذ اسلام «همانند صدر اسلام» در تغییرات سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی دنیا بیشتر شده و اعتبار جهانی شریعت اسلام روزافزون‌گشته و جاذبه این دین مبین جهانی مشتاقان حقیقت را به خود فرا خواهد خواند و وعده الهی که علو اسلام بر سایر ادیان است عملا به ظهور می‌انجامد.[۱]

سخن آخر آن‌که: امروزه بر رهبران دولت‌مردان و مجریان جهان اسلام است که علاوه بر تقویت و استمرار بخشیدن به سازمان‌کنفرانس اسلامی و مجامع گفتگو و مذاکره‌های عالمانه‌ی علمی در پی تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی (ایالات متحده اسلامی) در مقابل اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا بوده باشند. چون‌که راه برون‌رفت که در پرتو آن می‌توانیم پراکندگی مسلمانان را به اتحاد در درون یک دولت تبدیل کنیم تشکیل ایالات متحده اسلامی است. اگر در این مورد یک نظرسنجی انجام دهیم درمی‌یابیم که مسلمانان در این مورد متحدند.

---

۱. توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸ ﴿هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولوکره المشرکون﴾.

منابع

۱ ـ قرآن کریم.

۲ ـ نهج‌البلاغه، ترجمه: محمّد دشتی، لاهیجی، چاپ دوّم، ۱۳۸۰ .

۳ ـ جغرافیای سیاسی جهان‌اسلام، عزّت‌اللّه‌عزیزی، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، تهران، چ ۱، ۷۸.

۴ ـ الیواقیت و الجواهر، عبدالوهّاب شعرانی، بی‌تا.

۵ ـ صحیفه‌ی نور، امام خمینی‌ﷺ، تهران، مؤسّسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌ﷺ.

۶ ـ کنزالعمال فی سنن الاقوال والافعال، متقی هندی، مؤسسةالرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۷ ـ استراتژی وحدت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، احمد موثّقی، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲ ، پاییز ۱۳۷۵ .

۸ ـ شش مقاله، مرتضی مطهّری، صدرا، تهران، چ ۱۶ ، ۱۳۸۲ .

۹ ـ الفصول المهمة فی تألیف الامة، عبدالحسین شرف الدّین الموسوی، دارالزهرا، بیروت.

۱۰ ـ کتاب الطهارة، امام خمینی‌ﷺ، مؤسّسه‌ی اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ ق.

۱۱ ـ بحوث فی شرح العروة الوثقی، محمّدباقر صدر، مرکز الابحاث و الدراسات التخصیصة للشهید الصدر، قم، چ ۱ ، ۱۳۸۱ ش .

۱۲ ـ شرح المقاصد، تفتازانی، تحقیق و تعلیق، عبدالرحمن عمیره.

۱۳ ـ المسند، امام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

۱۴ ـ المیزان فی تفسیر القرآن، سیّدمحمّدحسین طباطبائی، قم، مؤسّسه النشر الاسلامی.

۱۵ ـ تفسیر ابن‌کثیر (تفسیرالقرآن الکریم)، اسماعیل بن کثیر، بیروت، دارالمعرفة ، ۱۴۱۲ ق.

۱۶ ـ تفسیر الکبیر (تفسیر فخر الرازی)، محمّد بن عمر، مصر، قاهره، عبدالرحمان محّمد، ۱۳۵۷ ق.

۱۷ ـ الاقتصاد فی الاعتقاد، الامام الغزالی، تعلیق و مقدّمه: د.علی بوملحم، دارالمکتبة الهلال، بیروت، لبنان، ط ۲ ، ۱۴۲۱ ق.

۱۸ ـ غایة المرام فی علم الکلام، سیف‌الدّین آمدی، تحقیق وتعلیق: حسن محمود عبداللطیف، قاهره، احیاء التراث الاسلامی.

۱۹ ـ عروة الوثقی، سیّدجمال‌الدّین اسدآبادی، ترجمه‌ی زین‌العابدین کاظمی‌خلخالی، تهران ، بی‌تا.

۲۰ ـ دعوة التقریب، جمعی از نویسندگان، مصر، المجلس الاعلی لشئون الاسلامیة، ۱۹۹۱ .

۲۱ ـ استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، جمعی از نویسندگان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چ ۱ ، ۱۳۸۴ ش.

۲۲ ـ مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، فضل بن حسن طبرسی، دارالمعرفة.

عوامل واگرایی جهان اسلام

نرگس قاسمی

چکیده

دین اسلام با ظهور پیامبرخدا حضرت محمدﷺ در قرن هفتم میلادی شکل‌گرفت و به سرعت گسترش یافت و ازسمت غرب تاکناره اقیانوس اطلس و از جانب شرق تاحواشی اقیانوس آرام پیش رفت. درحال حاضر، مجموعه جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را به طول ۱۱ هزارکیلومتر و عرض ۵ هزارکیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع دربرگرفته است.

در شرایط کنونی، جهان اسلام با دشواری‌های عمده‌ای روبرو است که در رأس آن مسئله فلسطین می‌باشد و در نیم قرن اخیر همواره مهم‌ترین مسئله جهان اسلام بوده است. وابستگی سران اغلب کشورهای اسلامی به استکبار جهانی، جهان اسلام را آشفته نموده و کشورهای مسلمان را به قدرت‌های مزبور وابسته نموده است. کشورهای عربی و آفریقای شمالی که از اکثریتی مسلمان برخوردارند شاهد سرکوبی شدید مبارزین مسلمان از سوی حکام دست نشانده هستند. در الجزایر به هنگامی که مسلمانان از طریق انتخاباتی کاملاً آزاد پیروزی شدند،

حکام این کشور به سرکوبی آنان پرداختن در تونس و مصر هرگونه حرکت اسلامی و تلاش مذهبی بشدت سرکوب می‌گردد در کشمیر مسلمانان توسط قوای امنیتی هند تحت تعقیب و آزار قرار دارند، صرب‌ها در بوسنی، هرزگوین در اقدامات خشن و وحشیانه‌ای به قتل عام مسلمانان پرداخته‌اند، کشتار شدید مسلمانان در تاجیکستان ادامه دارد. مسلمانان آذربایجان و نخجوان شرایط خاصی دارند. در مالزی، برمه، اندونزی، فیلیپین، بنگلادش، هند و کشمیر، سومالی و سودان و بسیاری از کشورهای دیگر دچار جنگ‌های داخلی، درگیری‌های مرزی و نزاع‌های قبیله‌ای هستند. اگربه موارد بالا شرایط اقلیت‌های مسلمان در کشورهای اروپایی، امریکای شمالی و لاتین، اقیانوسیه و استرالیار ا اضافه کنیم، شرایط جهان اسلام را بیشتر درک خواهیم کرد. از سوی دیگر غرب می‌کوشد با تحریک احساسات ملی و ایجاد احساس خطر از ناحیه‌های مرزی و ایجاد تشنج در نقاط استراتژیک آرامش و امینت‌خاطر را از مسلمانان گرفته تا مجال تفکر و اندیشیدن به مصالح جامعه در این سرزمین‌ها پیش نیاید.

دراین پژوهش به دنبال پاسخ این سئوالات هستیم که: چه عواملی موجب واگرایی در جهان اسلام است؟ این عوامل واگرایی در درون یا بیرون از مجموعه جهان اسلام قرار دارند؟ یا به عبارتی مجموعه‌ای از عوامل درون‌زا وبرون‌زا این واگرایی را موجب می‌شود؟

واقعیت آن است که عوامل و موانع متعددی بر سر راه «اتحاد مسلمانان» وجود دارند که هم به درون جامعه اسلامی باز می‌گردند و هم با نقش عوامل خارج جامعه اسلامی مرتبط است، که درد و بخش عوامل واگرایی درون‌زا و برون‌زا در جهان اسلام آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

کلیدواژه: جهان اسلام، واگرایی، درون‌زا، برون‌زا.

مقدمه

هم‌اکنون اسلام و دنیای سیاسی جغرافیائی آن مهم‌ترین موضوع بر سر راه جهانیِ‌سازی و توسعه‌طلبی سرمایه‌داری غرب محسوب می‌شود و به همین خاطر طرح‌ها و تئوری‌های فراوانی تهیه و بررسی می‌شوند.

تبلیغات منفی به گونه‌ای است که باکمال تأسف، اکثریت کشورهای اسلامی به جای آنکه تمامی تلاش خود را در جهت وحدت اسلامی به‌کارگیرند. مبتلابه گسست و واگرایی شده‌اند.

جهان اسلام در طول یکی دو قرن اخیر با توطئه مستکبران جهان با گسست‌هایی روبه‌رو بوده است که می‌توان این گسست‌ها را به چند دسته تقسیم کرد، یک نوع گسست ملت‌ها و کشورها براساس مرزهای جغرافیایی، نوع دیگر گسست سنت و مدرنیته به‌منظور ایجاد جریان‌های مختلف در جهان اسلام است. تهدیدهایی چون تجزیه کشورها، دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، سوءاستفاده از مقوله آزادی، حمایت از بنیادگرایی خطرناک، پشتیبانی از تروریست‌های وابسته به غرب که در کشورهای اسلامی فعالیت می‌کنند، طرح خاورمیانه بزرگ، گسترش اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی و موارد دیگر. همچنین مسائلی دردرون جهان اسلام وجود دارد که به کمک بدخواهان آمده است ودرراه همگرایی اسلامی پیچ وخم‌های فراوانی ایجاد کرده است. دراین رهگذر آنچه بیش ازپیش خودنمایی می‌کند واگرایی وگسست است که در جهان اسلام موجب عدم استفاده صحیح از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در این مجموعه بزرگ شده است.

جهان اسلام و موقعیت فعلی

دین اسلام با ظهور پیامبر خدا حضرت محمدﷺ در قرن هفتم میلادی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت واز سمت غرب تاکناره اقیانوس اطلس وازجانب شرق تاحواشی اقیانوس آرام پیش رفت. در حال حاضر، مجموعه جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را

به طول ۱۱ هزارکیلومتر و عرض ۵ هزار کیلومتر، باترکیبی بسیار متنوع دربرگرفته است.[۱] امروز بیش از ۵۰ کشور هستند که اکثریت جمعیت آنها مسلمان است. چهل کشور از آنها خود را رسماً کشور اسلامی قلمداد می‌کنند.[۲]

جمعیت مسلمانان در سراسر جهان امروز، به بیش ازیک میلیارد نـفر رسـیده است. براساس گمانه‌زنی‌های آماری، این جمعیت در ۲۵ سال آینده به‌دومیلیارد نفرخواهـدرسید.[۳] در مجموع می‌توان گفت ۲۴ درصد از مساحت کل جهان به کشورهای اسلامی اختصاص دارد. وسعت این کشورها بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر مربع است و از لحاظ موقعیت جغرافیایی و ذخایر و منابع بسیار، دارای امکانات و پتانسیل‌های بسیار فراوانی هستند. از این امکانات می‌توان برای همگرایی کشورهای اسلامی استفاده کرد.

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، جهان اسلام به چهار بخش کاملاً متفاوت، قابل تفکیک وبررسی است که عبارتند از:

۱ ـ مرکز جهان اسلام که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.

۲ ـ شمال جهان اسلام، که شامل آسیای مرکزی و قفقاز است.

۳ ـ غرب جهان اسلام، که شامل کشورهای شمال، شمال شرق و بـخش‌های دیگـر آفریقاست.

۴ ـ شرق جهان اسلام، که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تاکرانه‌های غربی اقیانوس آرام گسترش می‌یابد.[۴] درهرکدام ازاین بخش‌ها قلمرو اسلامی با مشکـلاتی روبـرو است که برای رفع آن نیاز به یک عزم و اراده اسلامی است.

---

۱. عزتی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳.

۲. درایسدل، بلیک، ۱۳۷۴، ص ۳۰.

۳. توال، ۱۳۸۰، ص ۳.

۴. عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵.

در وضع کنونی، جهان اسلام با دشواری‌های عمده‌ای روبرو است که در رأس آن مسئله فلسطین می‌باشد و در نیم‌قرن اخیر همواره مهم‌ترین مسئله جهان اسلام بوده است. وابستگی سران اغلب کشورهای اسلامی به استکبار جهانی، جهان اسلام را آشفته نموده و کشورهای مسلمان را به قدرت‌های مزبور وابسته نموده است. کشورهای عربی و آفریقای شمالی که از اکثریتی مسلمان برخوردارند و فرهنگ اسلام با تاریخ و سنت‌های مردمان این نواحی عجین گشته است بطور اسف‌انگیزی شاهد سرکوبی شدید مبارزین مسلمان از سوی حکام دست نشانده و مرتجع واحدهای سیاسی مذکور هستند. در الجزایر به هنگامی که مسلمانان از طریق انتخاباتی کاملاً آزاد پیروزی بزرگی را بدست می‌آورند حکام این کشور به سرکوبی آنان پرداخته و در تونس و مصر هرگونه حرکت اسلامی و تلاش مذهبی بشدت سرکوب می‌گردد و قوای امنیتی خانه به خانه، مبارزین مسلمان را تعقیب می‌کنند و آنقدر مسلمانان در تنگنا هستند که مجال هرگونه تحرک مذهبی از آنان گرفته شده است. در کشمیر مسلمانان توسط قوای امنیتی هند به شهادت می‌رسند. صرب‌ها در بوسنی، هرزگوین در اقدامی خشن و وحشیانه به قتل عام مسلمانان پرداختند، با وجود فروپاشی کمونیسم، هنوز رسوبات آن مشغول کشتار شدید مسلمانان در تاجیکستان می‌باشند. مسلمانان آذربایجان توسط ارامنه قتل‌عام می‌شوند. موحدین برمه توسط دولت بودایی این کشور به اجبار و زور از سرزمین‌های خود رانده و به بنگلادش پناه آورده‌اند. مسجد بابری که پایگاه مذهبی مسلمانان هند است توسط هندوهای افراطی و با حمایت پلیس این کشور به تلی از خاک تبدیل می‌شود. بسیاری از کشورهای دیگر دچار جنگ‌های داخلی، درگیری‌های مرزی و نزاع‌های قبیله‌ای هستند که سومالی و سودان نمونه بارز آنهاست مشکل دیگر اینکه در برخی از کشورهای اسلامی زمامداران، مرتکب محرمات اسلامی می‌شوند و از حدود الهی تجاوز می‌کنند و با استکبار و مظاهر شرک و کفر و ستم همکاری دارند. حکام این کشورها در جهت تأمین منافع غرب و اجرای سیاست‌های مستکبرین سرزمین‌های خود را از پیشرفت و توسعه بازداشته و فرهنگ و سیاست و نظام زندگی غیرالهی را بر مسلمانان تحمیل نموده‌اند در امور حکومتی و مسائل

اجرایی و اجتماعی خبری از قوانین اسلامی نیست و حتی اکثر این کشورها در قانون اساسی خود نامی از اسلام نیاورده‌اند. از سوی دیگر غرب می‌کوشد با تحریک احساسات ملی و ایجاد احساس خطر از ناحیه‌های مرزی و ایجاد تشنج در نقاط استراتژیک آرامش و امنیت‌خاطر را از مسلمانان گرفته تا مجال تفکر و اندیشیدن به مصالح جامعه در این سرزمین‌ها پیش نیاید و نیروهای مسلمان در این ناآرامی‌ها از توان بیفتند. کمک‌هایی که بسوی کشورهای اسلامی سرازیر می‌شود اغلب توسط عوامل حکومتی در جهت‌سرکوبی مسلمین و جلوگیری از جنبش‌های اسلامی به مصرف می‌رسد.[۱] اگر به آنچه بیان گردید شرایط اقلیت‌های مسلمان در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی ولاتین، استرالیا و چین را اضافه کنیم بخصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نشان از پریشانی در سراسر قلمرو جهان اسلام دارد که دولت‌ها و سازمان‌های اسلامی نتوانسته‌اند از حقوق هم‌مسلکان خود در سراسر جهان دفاع کنند اگرچه تلاش‌هایی هرچند کوچک در برخی مواقع مشاهده شده اما گسست وجدایی میان مسلمانان و دولت‌های اسلامی سبب گردیده که مسلمین در سراسر جهان و حتی درکشورهای خود تحت فشار قرارگیرند. اعمال زورگاهی ازطرف حکام دست نشانده بوده و یا سلطه جویان جهان این اقدام راانجام داده‌اند. گرچه در سال‌های اخیر تحرکاتی در جهان اسلام دیده شده است که آن هم به دلیل نارضایتی عمیق داخلی، وقایع مهم بین‌المللی که مسلمانان در آن قربانی اعمال غرب تلقی می‌شده‌اند و به قدرت رسیدن جنبش‌های رادیکال اسلامی[۲] بوده است، اما آنچه بیشتر خودنمایی می‌کند واگرایی وگسستی که در جهان اسلام مشاهده می‌گردد. دراین پژوهش برآنیم که عوامل آن رادر دو بخش مورد بررسی قرار دهیم.

---

۱ . گلی‌زواره، سرزمین اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲ . عزتی، ۱۳۷۸ ، چاپ اول .

الف ـ عوامل واگرایی درون‌زای جهان اسلام

باید اذعان نمود که از عوامل بسیار مهم و مؤثر در هر نوع گرایش به همگرایی یا واگرایی، مسائل فرهنگی و مسائل اعتقادی مذهبی می‌باشد. مذهب، زبان، خون، نژاد، خاک و مانند آنها همه از امور دو پهلو و سکه‌های دورویی هستند که هر یک می‌توانند عامل مؤثری در همگرایی یا واگرایی در جهان اسلام باشند.[1] بطور کلی آنچه از درون قلمرو اسلامی موجب واگرایی میان مسلمین می‌شود عبارتند از:

۱ ـ عمدتاً عامل درونی به سکون جوامع اسلامی و رها شدگی مسلمانان باز می‌گردد. مسلمانان دنیای امروز نقطه اصلی اتکای خود راگم کرده‌اند و در دایره هستی احساس سرگردانی می‌کنند. مسلمان، اینک با پدیده‌ای به نام «مدرنیسم» مواجه شده است که بدون هیچ زمینه‌ای باید آن را هضم کند و فضایی را تجربه کند که هرگز آن را ندیده و تنها راه نجات «بازگشت به خویشتن اسلامی» است؛ راهی که سیدجمال الدین افغانی و علامه اقبال و سایرین آن را تنها راه حل دانسته‌اند.

۲ ـ عنصر دیگری که رسیدن به «وحدت اسلامی» را با مشکل مواجه می‌کند، «ناسیونالیسم مدرن» است. در این نوع ملّی‌گرایی، مردم هر کشوری خود را برتر از همه می‌دانند و همه امکانات و منافع را برای خود می‌خواهند و به دیگر کشورهای اسلامی به دید رقیب می‌نگرند. اگرچه در گذشته نیز ملی‌گرایی وجود داشته است، امّا مسلمانان دیروز علیرغم وابستگی به یک سرزمین یا کشور، خود را جزئی از پیکر عظیم امّت اسلامی می‌دانستند، یعنی وطن‌دوستی تابع مسئله کلّی‌تری به نام «امت اسلامی» بود. به عنوان مثال؛ اختلاف در عرب یا عجم، سفید یا سیاه و ترک یا کرد بودن، مسئله‌ای است که اسلام برای رفع آن آمده است و این جریانات در سده‌های نخستین اسلامی بسیار کمرنگ بود چنانچه در صدر اسلام بلال سیاه‌پوست و سلمان فارسی در کنار سایر مردم جزیرةالعرب به عنوان امت اسلام می‌زیستند

---

۱ . فصلنامه معرفت، شماره ۲۲ .

و آن چه اهمیت داشت «مسلمان» بودن یک فرد بود. ناسیونالیسم جدید باعث بروز نزاع در میان کشورهای همسایه است. این نوع «ملی‌گرایی» ماهیت «اخوت اسلامی» را تضعیف می‌کند و به «امت اسلامی» آسیب می‌رساند. به‌طور مثال ناسیونالیسم و ملّی‌گرایی در حوزه خاورمیانه و کشورهای اسلامی باعث شده تا مثلاً ملّت اردنی، سوریه‌ای، عراق، ایرانی و... با یکدیگر در رقابتی سخت باشند و برای حفظ امنیت و حتّی پرستیژ ملی خود، در پی انباشت سلاح و خرید این تسلیحات از قدرت‌های خارجی برآیند.

۳ ـ دیگر عامل درونی که به خود مسلمانان باز می‌گردد، انحطاط فکری و فرهنگی و علمی است. در اثر «فقر علمی» اغلب افراد، کم‌سواد یا بی‌سواد هستند و وضعیت علم و دانش در کشورهای اسلامی تأسف‌بار است. گویی این مردم هیچ‌گونه پشتوانه‌ی علمی و مدنی نداشته‌اند و حال آنکه هنگامی که غرب در قرون وسطی دوران رکود را سپری می‌کرد، دامنه تمدن اسلامی تا دورترین نقاط جهان امتداد یافته بود.

ناآگاهی مردم از عوامل مهم حضور استعمار، باعث ظهور استبداد و بروز هرج و مرج است و این زمینه‌ای شد تا در اوایل قرن بیستم، کشورهای اسلامی از هم دورتر و دورتر شوند و اندیشه اتحاد به آرزویی محال تبدیل گردد.

۴ ـ عامل درونی دیگر، تعصب‌گرایی کور مذهبی است که مسلمانان را از تلاش برای نزدیک ساختن دیدگاه‌هایشان باز می‌دارد. در حالی که هیچ یک از رهبران مذاهب اسلامی به پیروان خود سفارش نکرده‌اند که برای حفظ مذهب‌شان عقاید خود را براساس تعصب شدید نسبت به دیگران یا دشمنی با سایر مذاهب استوار سازند. این تعصب‌گرایی مسلمانان را از یکدیگر دورتر و دورتر می‌کند. البته باید میان تعصب لازم و صحیح با تعصب غیرصحیح فرق گذارد.

۵ـ جهل و ناآگاهی مسلمانان از مذاهب یکدیگر؛ این هم مشکل دیگری در راه وحدت است نه تنها مسلمانان نسبت به مذهب خود تعصّب دارند بلکه به دنبال مطالعه سایر مذاهب هم نمی‌روند. اگر پیروان فرق اسلامی از ماهیت سایر مذاهب، آن چنان که بنیانگذاران حقیقی آنها

بیان داشته‌اند، آگاهی کامل داشته باشند بدون تردید بسیاری از تعصبات و بدبینی‌ها برداشته می‌شود.

۶ ـ عامل دیگرغیرمردمی بودن دولت‌های اسلامی است، استعمار با تسلّط اقتصادی و سیاسی خود در کشورهای اسلامی همیشه سعی می‌کند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم مهره‌های مورد نیاز خود را در این کشورها بر سر کار آورد. چنانچه می‌دانیم در اکثر بلاد اسلامی، سردمداران و حاکمان در جهت مصالح و منافع مردمی کار نمی‌کنند حتی آن دسته از کشورهای اسلامی که انتخابات دارند باز هم از دخالت قدرت‌ها بی‌نصیب نمی‌مانند. زندگی دنیا را به حیات جاویدان قیامت ترجیح می‌دهند و به جای اینکه به فکر تأمین حق و عدالت در جامعه و تأمین رفاه برای مسلمانان باشند، در پی جمع‌آوری مال و ثروت و دروغ و فساد هستند و این موجب تضعیف دولت‌های اسلامی است و وقتی سیاستمداران چنین باشند، هیچ وقت در پی وحدت اسلامی بر نمی‌آیند. چه اینکه این گروه از سیاستمداران برای دستیابی به متاع دنیا حاضرند حتی وحدت جهان اسلام را فداکنند و نیز برای حفظ جایگاه خود حاضر نیستند تهدیدات استکبار را نادیده بگیرند و به وحدت بگرایند و خود را فدای وحدت اسلامی نمایند.

۷ ـ دیگر عامل درونی غفلت از اولویت‌های جهان اسلام است. اگر توجه مسلمانان به مسائل مهم دنیای اسلام نظیر مسئله فلسطین، کشمیر، لبنان و... معطوف می‌بود و سعی همه بر این بود که در پی حل این مشکلات و مقابله با دشمنان برآیند، وحدت اسلامی خودبخود در میان ملت‌ها جریان می‌یافت. همچنین دولت‌های اسلامی همت و سعی خود را در استفاده از ظرفیت‌های موجود برای به تفاهم رسیدن مسلمانان به کار نمی‌گیرند. مثلاً سازمان کنفرانس اسلامی و بانک اقتصاد اسلامی و مجامع این چنینی می‌توانند در روند اتحاد جوامع مسلمان نقش بسزائی داشته باشند. اما متأسفانه وابستگی کشورها به قدرت‌های غرب باعث می‌شود از این ظرفیت‌ها به شکل نارسا استفاده شود و فقط شکل صوری داشته باشند. بی‌توجهی مسلمانان به اولویت‌هاست که باعث می‌شود مذاهب اسلامی برای مسائل کوچک‌تر باهم نزاع کنند و حاضر نشوند برای مسائل مهم‌تر با هم وفاق داشته باشند.[۱]

---

۱. مشعل، ۲۰۰۷.

۸ـ براثر قرن‌ها انحطاط، واگرایی و فقدان آموزش مناسب، ارزش‌های اسلامی نتوانسته است در رفتار افراد، جامعه، نهادهای حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در کشورهای اسلامی تبلور یابد. انحرافات بسیاری از هنجارهای اسلامی پدید آمده است. شماری از اعمال مغایر اخلاق، از قبیل عدم صداقت، فساد، اسراف‌کاری، ولخرجی و فقدان وقت‌شناسی و عدم وجدان کاری در میان مسلمانان رواج و ریشه یافته است؛ انحرافاتی که زیان‌های جبران‌ناپذیر بر توسعه و رفاه همگانی وارد آورده است. از این‌رو اقتصاد اسلامی باید اسباب این انحرافات را شناسایی و معرفی کند.

۹ ـ در میان کشورهای اسلامی، کشورهای مختلف با زمینه‌ها و استعدادهای متفاوت اقتصادی وجود دارند که هرکدام دارای پتانسیل‌های مهم اقتصادی در دنیا محسوب می‌شوند. برخی از آنها هستند که از نظر اقتصادی، شرایط خوبی ندارند و بعضی دارای امکانات فراوانی به لحاظ اقتصادی هستند که عدم توجه این کشورها به مردم محروم سایر نقاط قلمرو اسلامی موجب واگرایی و گسست بیشتر در جهان اسلام گردیده است. زیرا این دولت‌های ثروتمند که عمدتاً دارای ذخایرنفت هستند به جای سرمایه‌گذاری در جهان اسلام پول‌های خود را در بانک‌های اروپایی و یا امریکایی نگهداری می‌کنند و یا به سرمایه‌گذاری دراین کشورها می‌پردازند. ضمن این که علیرغم ظرفیت‌های فراوان، مبادلات بازرگانی در میان کشورهای اسلامی بسیار کم بوده و اکثریت این کشورها شرکای عمده تجاری خود را از میان دولت‌های اروپایی و امریکایی برمی‌گزینند.

۱۰ ـ اختلافاتی که بسیاری از آن ریشه در طبیعت، جغرافیا، زبان و فرهنگ‌های بومی وگوناگونی‌های طبیعی دارد، دستاویزی برای دوری‌ها و جدایی‌ها قرار می‌گیرد.

۱۱ ـ مهم‌ترین نوع گسست در جهان اسلام، گسست مذهبی است.[۱] امروزه در جهان اسلام اساساً چهار جایگاه ایدئولوژیک وجود دارند که عبارتند از: بنیادگرایی، سنت‌گرایی،

---

۱ . اعرافی، ۱۳۸۵، خبرگزاری مهر.

تجددگرایی و عرفی‌گرایی (سکولاریسم). هریک از این گروه‌ها دارای زیرگروه‌هایی هستند که گاهی اوقات تمایز بین گروه‌های اصلی را مبهم می‌سازند.

بنیادگرایان ارزش‌های مردم سالاری و فرهنگ معاصر غرب را کاملاً رد می‌کنند. این گروه خواهان یک دولت اقتدارگرا و زاهد برای پیاده‌سازی دیدگاه‌های افراطی خود درباره قوانین و اخلاقیات اسلامی هستند. آنها مایل به استفاده از نوآوری‌ها و فن‌آوری‌های مدرن بوده و نیز ابائی از توسل به خشونت ندارند.

در بنیادگرایی دو شاخه وجود دارد. شاخه اول «بنیادگرایی وفادار به نص قرآن» است که در فقه و شریعت اسلامی ریشه دارد. وهابی‌ها در عربستان سعودی نمونه‌ای از این دست هستند. شاخه دیگر «بنیادگرایی رادیکال» است که کمتر به نص قرآن وفادار می‌ماند و عمداً یا به دلیل عدم آگاهی از دکترین سنتی اسلام، آزادی‌های قابل ملاحظه‌ای برای خود قائل است. القاعده و طالبان به این زیرگروه تعلق دارند. سنت‌گرایان خواهان جامعه‌ای محافظه کار هستند. آنها نسبت به تجدد، نوآوری و تغییر بدگمان می‌باشند. این گروه نیز به دو زیرگروه تقسیم می‌شود.

ـ «سنت‌گرایان محافظه کار» معتقدند که باید به دقت و کاملاً از شریعت و سنت پیروی کرد. آنها یکی از نقش‌های دولت و مقامات سیاسی را تسهیل تحقق چنین خواسته‌ای می‌دانند. اما به‌طور کلی از اعمال خشونت و تروریسم طرفداری نمی‌کنند. بیشتر فعالیت‌های آنها بر کارهای روزمره جامعه متمرکز است. هدف اصلی آنها حفظ و پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و رفتار محافظه کارانه تا بیشترین حد ممکن می‌باشد. وجهه این افراد مخالفت با هرگونه تغییر است و در نظرشان وسوسه‌ها و آهنگ زندگی مدرن تهدیدهای بزرگی به شمار می‌روند.

ـ «سنت‌گرایان اصلاح طلب» معتقدند که به‌منظور حفظ بقا و جذابیت اسلام در طی زمان باید برخی تغییرات در نحوه اعمال سنت را قبول کنند. آنها آماده بحث درباره اصلاح و تفسیر مجدد قوانین اسلامی هستند. وجهه این افراد موافقت محتاطانه با تغییر است

و می‌کوشند برای حفظ روح قوانین اسلامی درباره نص قوانین از خود انعطاف‌پذیری نشان دهند.

تجددگرایان خواهان پیوستن جهان اسلام به جهان مدرن هستند. آنها می‌کوشند با انجام اصلاحاتی اسلام را با عصر مدرن منطبق سازند و به صورت فعالانه در جستجوی بیشترین تغییرات ممکن در درک نظری و عمل به اسلام هستند. به نظر آنها باید همه سنت‌های محلی و منطقه‌ای را که طی قرن‌های متمادی با اسلام آمیخته شده‌اند، دور ریخت. علاوه براین، تجددگرایان به سیر تاریخی قوانین اسلام معتقدند. یعنی اینکه آنچه در زمان حیات پیامبر به آن عمل می‌شد ترکیبی بود از حقایق دینی ابدی و نیز شرایط تاریخی مختص آن زمان که امروزه دیگر اعتبار ندارد. این افراد معتقدند که حتی تغییرات قابل ملاحظه و چشمگیر در دین اسلام که منعکس کننده گذشت قرن‌ها و شرایط اجتماعی کنونی است، نه تنها به هسته اصلی اسلام آسیب نمی‌رساند بلکه آن را تقویت می‌کند. ارزش‌های اساسی این گروه یعنی اهمیت وجدان فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدالت و آزادی به راحتی با هنجارهای مردم سالارانه و مدرن غرب انطباق می‌یابند.

عرفی‌گرایان (سکولارها) خواهان جدایی دین از سیاست به سبک نظام‌های مردم سالار غربی هستند و معتقدند که مذهب یک موضوع کاملاً شخصی است. آنها همچنین معتقدند که آداب و رسوم اسلامی باید با قوانین «این جهانی» و حقوق بشر منطبق باشند. به عنوان مثال کشور ترکیه که در آن مذهب تحت‌کنترل شدید دولت قرار دارد، معرف یک مدل سکولار در جهان اسلام است.

این جایگاه‌های ایدئولوژیک را باید به صورت بخش‌هایی از یک طیف پیوسته نگریست و نه به صورت طبقه‌بندی‌های جداگانه. در واقع مرز مشخصی بین این گروه‌های مسلمان وجود ندارد. مثلاً سنت‌گرایان برخی وجوه مشترک با بنیادگرایان دارند یا می‌توان متجددترین سنت‌گرایان را تقریباً جزو تجددگرایان دانست. افراطی‌ترین تجددگرایان نیز تقریباً شبیه سکولارها هستند. با این حال، گروه‌های اصلی مذکور دیدگاه‌های کاملاً متمایزی درباره

موضوعات کنونی جهان اسلام از جمله آزادی سیاسی و فردی، آموزش، وضعیت زنان، حقوق جزایی، مشروعیت اصلاحات و تغییرات و نهایتاً طرز تلقی درباره غرب دارند.(۱)

۱۲ ـ اختلاف بر سر رهبری جهان اسلام که دسته‌بندی‌های مختلفی را ایجاد می‌نماید نیز از جمله عوامل واگرایی است.

۱۳ ـ رکود و رخوت حاکم بر جهان اسلام، وجود نارسایی‌ها در نظام سیاسی مسلمانان است. اندکند کشورهای مسلمان دارای دولت مردم‌سالار به معنای واقعی، پاسخ‌گو در برابر مردم و مطبوعات آزاد و مستقل و محاکم دور از دخالت‌های سیاسی و قوانین منصفانه و غیرجانبدارانه‌ای که بر همگان و فارغ از قید قدرت و ثروت آن‌ها تطبیق شود. این وضعیت که در تضاد آشکار با ارزش‌های حکومتی اسلام قرار داشته حاصلی جز این ندارد.

۱۴ ـ بسیاری از دول اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی به‌ویژه کشورهای عربی با اقدامات منفعلانه در مسائل کشورهای اسلامی باعث گسست در جهان اسلام می‌گردند. برای مثال درماجرای حمله اسرائیل به لبنان عمق این واگرایی تا آنجاست که سید حسن نصرالله به صراحت با انتقاد از این موضوع به برخی از کشورهای عضو سازمان و دولت‌های عربی، می‌گوید:

«کشورهای عربی به‌ویژه مصر و اردن و عربستان عملیات مقاومت لبنان را ماجراجویی حساب نشده، توصیف کردند. اگر پوشش عربی نبود، عملیات اسرائیل در طی چند ساعت پایان می‌یافت، هیچ کسی برای دو نظامی وارد جنگ نمی‌شود؛ آنچه در حال حاضر وجود دارد (جنگ رژیم صهیونیستی) تحت پوشش و حمایت عربی و بین‌المللی است. جامعه بین‌المللی نه پوشش بلکه تصمیم برای حمله را به اسرائیل اعطا کرد، اعراب پوششی برای حملات اسرائیل فراهم کردند و این

---

۱. بنارد، ۲۰۰۴، ترجمه وحیدی مطلق.

رژیم را به این‌کار تشویق کردند، آنها به اسرائیل گفتند که این یک فرصت طلایی تاریخی برای نابودی مقاومت است. واهمه از قدرت پوشالی رژیم‌های استعماری و ترس از به خطر افتادن منافع شخصی برخی از سران کشورهای اسلامی تنها یکی از دلایل است».[۱]

۱۵ ـ عدم توجه به زمینه‌های موجود و منافع مشترک در راستای همگرایی و بی‌توجهی به نتایج مثبت این مسئله واگرایی بیشتر درجهان اسلام را موجب شده است.

ب ـ عوامل واگرایی برون‌زای جهان اسلام

مهم‌ترین عوامل بیرونی که موجب شکنندگی وحدت مسلمانان می‌گردند و باعث تضعیف جامعه اسلامی می‌شوند عبارتند از:

۱ ـ تفرقه‌افکنی استعمار در کشورهای اسلامی و کوشش برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی‌شان باعث دامن زدن به اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و نژادی میان مسلمانان و از هم‌گسیختگی جوامع اسلامی است. دولت‌های استعماری از راه دولت ـ ملت‌سازی، وابستگی فکری و اقتصادی و به کارگرفتن افراد وابسته در قسمت‌های حساس، زمینه‌ی جدایی کشورها و ملّت‌های مسلمان را فراهم می‌آورند.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند که دوران حضور مستقیم در کشورهای جهان سوم که غالب کشورهای اسلامی را نیز شامل می‌شود، به سرآمده و برای تداوم حفظ منافع خود باید، سرزمین‌ها را به قطعات کوچک‌تر تقسیم کنند و دولت‌های دست نشانده را در آن کشورها بر سر کار آورند. آنان با نادیده گرفتن عوامل اشتراک و اتحاد اقدام به دولت ملّت‌سازی نمودند. با حضور استعمار در این کشورها و دامن زدن به اختلافات قومی، قبیله‌ای و مذهبی درونی درکشورهای اسلامی، منافع قدرت‌های بزرگ آسان‌تر تأمین می‌شود و کنترل این‌گونه کشورها نیز بهتر انجام می‌گیرد.

---

۱ . آذربخش، ۱۳۸۵ سازمانی در چنبره تشریفات.

با تقسیم کشورهای جهان سوم به کشورها و ملت‌های کوچک‌تر، از آن پس استعمار سیاستی نوین در پیش گرفت که در عرف سیاسی از آن به عنوان تز «تفرقه بینداز و حکومت کن» یاد می‌شود و البته پیشتاز این جریان انگلیس بود. استعمار با ایجاد اختلاف میان اقوام و مذاهب، پایه‌های وحدت اسلامی را سست کرد. به‌عنوان مثال ایجاد دولت ـ ملت‌های ترکیه، عراق، سوریه، اردن، کویت، عربستان و... همه از نتایج حضور و سیاست‌های استعمار است که با تکّه‌تکّه کردن امپراطوری عثمانی، سرزمین اسلامی را به مناطق جغرافیایی و دولت‌های متعدد تقسیم کرد. همین‌طور از جمله اختلاف‌افکنی‌های مذهبی استعمار در سرزمین‌های اسلامی، گذشته از برنامه‌ریزی‌های وسیع در دور کردن دو مذهب شیعه و سنّی است که با ظهور این اندیشه‌ها وحدت مذهبی اسلام خدشه‌دار شد.

۲ ـ سلطه اقتصادی غرب، دیگر عامل تفرقه و جدایی است. در گذشته مسلمانان بر مهم‌ترین راه‌های تجاری جهان تسلّط داشتند و به تعبیر امروز راه‌های استراتژیک دنیا در کنترل مسلمانان بود و بر راه‌های دریایی و جاده ابریشم مسلط بودند، امّا اینک شاه‌راه‌های تجاری در دست قدرت‌های غربی است و تعریف تجارت و اقتصاد با گذشته متفاوت است. اقتصاد امروز مبتنی بر اطّلاعات، صنعت و تبدیل است و صنعت در اختیار کشورهای پیشرفته می‌باشد. کشورهای بزرگ و توسعه‌یافته غربی با در دست داشتن شالوده‌های اقتصاد جهانی در دست خود، به هر نحوی که اراده کنند، کشورهای جهان سوم و به خصوص دنیای اسلام را خط‌مشی سیاسی، فرهنگی می‌دهند. زیرا وابستگی اقتصادی دنیای اسلام به غرب آن قدر جهان اسلام را تضعیف ساخته که حتی سیاست و فرهنگ و دین را هم در این کشورها متأثر از وابستگی اقتصادی کرده است. از طرفی «اتحاد اسلامی» هم خطری جدّی برای دنیای غرب محسوب می‌شود لذا همواره اقتصاد را اهرمی برای شکل نگرفتن این اتحاد دانسته و مانع «وحدت» مسلمانان شده است.

به عنوان نمونه، اقتصاد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، گذشته از نفت تقریباً به‌طور کامل وابسته به کشورهای قدرتمند غربی است. در آفریقا هم کشورهای اسلامی متأثر از

سیاست‌های استعماری دوران گذشته، اقتصادی وابسته دارند. این وابستگی‌ها باعث می‌شود که قدرت‌های بزرگ از ظهور و بروز یک اتّحاد اسلامی که بتواند اقتصادی قدرتمند را در پی‌بیاورد جلوگیری کنند مثلاً بانک اقتصاد اسلامی و نیز سازمان کنفرانس اسلامی همیشه به‌علت کم‌کاری کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند پیشرفت و رونق قابل توجّهی داشته باشند چون اغلب دولت‌های اسلامی از سوی کشورهای بزرگ در فشار هستند و قادر نیستند به تمام معنا در پی تشکیل اتّحاد سیاسی اقتصادی اسلامی باشند زیرا با شکل‌گیری یک اقتصاد واحد اسلامی در میان کشورهای اسلامی، سرمایه‌گذاری‌های قدرت‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی تعطیل خواهد شد و این خطری است که اقتصاد استعماری را تهدید می‌کند.

۳ ـ تبلیغات منفی رسانه‌های گروهی جهان برای خدشه‌دار کردن هویت اسلامی، سال‌ها است که با بزرگ‌نمایی اختلافات، سعی در تاریک نمایی و کوچک‌انگاری آن نموده است[۱] و این اختلافات به واگرایی بیشتر در جهان اسلام انجامیده است.

۴ ـ عامل بیرونی دیگر، هجوم فرهنگی غرب بر جوامع اسلامی است. قدرت‌های بزرگ از راه تسلّط بر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی کوشش می‌کنند که عادات و آداب خود را در دیگر کشورها نیز رواج دهند و فرهنگ‌های دیگر ملل را تضعیف نمایند. این آشکار است که وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمان با رواج فرهنگ غرب از جامعه اسلام رخت بربندد، «اتحاد» که یکی از مظاهر فرهنگ اسلامی است، هیچ وقت در کشورهای اسلامی و بین مسلمین محقق نخواهد گشت. با تهاجم فرهنگی غرب، هویت فرهنگی مسلمانان به خطر می‌افتد زیرا رسوخ فرهنگ منحط غرب در کالبد فرهنگی جوامع مسلمان، باعث کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلام و تعطیل شدن حدود، تنگ نظری در علوم مذهبی، مسخ ارزش‌های عقیدتی و اخلاقی و نابسامانی آموزش و پرورش دینی خواهد شد و آن وقت است که همان آشفتگی و پراکندگی غربی که در جوامع مدرن حاکم است به‌طوری که انسان‌ها را

---

۱ . پورهاشمی، مجلات پگاه حوزه شماره ۱۷۴ .

ازهم دور ساخته است، در جوامع اسلامی نیز حاکم می‌شود و به‌طور مثال مسلمان دیگر پایبند به آن فرموده رسول اکرم ﷺ نیست که «کسی که صبح کند در حالی که به فکر امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست». زیرا تعلیمات اسلامی و مذهبی و هویت اسلامی از کالبد فرهنگی او رخت بربسته است.[1] غرب از همان زمانی که دولت اسلامی در اندلس و نواحی جنوب اروپا تأسیس شد به دشمنی با اسلام و مسلمین برخاست و به طرز وحشیانه‌ای تشکیلات اسلامی را درهم کوبید. در جنگ‌های صلیبی نیز تهاجمات وسیعی را بر علیه مسلمانان ترتیب داد و پس از آن غرب که از اقتدار دولت عثمانی بشدت متوحش شده بود با ایجاد دسیسه‌ها و ترتیب دادن توطئه‌هایی به تجزیه این دولت قدرتمند پرداخت و موجبات فروپاشی آن را فراهم ساخت و پس از آن به منظور بدست آوردن مواد خام، برای کارخانجات صنعتی و تأمین بازار محصولات خود به سرزمین‌های غنی و سرشار اسلامی چشم دوخت که در اولین قدم نیروهای معنوی و قدرت‌های مذهبی را سد راه خود می‌دید برای کوبیدن آنها تهاجم فرهنگی وسیعی را بر علیه این سرزمین‌ها ترتیب داد و فرهنگ فساد و فحشاء توسط ایادی استعمار و استکبار در بین ملت‌ها مسلمان ترویج گردید. فرهنگ مصرف‌زدگی روز به روز ملت‌های مسلمان را در مرداب وابستگی فرو برد. سلطه سیاسی استکبار بوسیله حکومت‌های دست نشانده و خودکامه در نقاط مسلمان‌نشین تثبیت گردید و بدین‌گونه استعمارگران سرزمین‌های مسلمان را قطعه‌قطعه کرده و در تمام ابعاد، بر آنها سلطه یافتند و چون مردمان این نواحی با عقیده مذهبی پیوند ناگسستنی داشتند و اسلام در اعماق روانشان ریشه دوانیده بود و نمی‌توانستند در فرصتی کوتاه آنان را از معنویت جدا سازند لذا از طریق دیگری وارد شدند و آن این بود که جنبه‌های ظاهری و تشریفاتی مذهبی را حفظ کردند و تعالیم اساسی راکه موجودیت واقعی دین بدان وابسته است از دین گرفتند و بین مسائل سیاسی و اجتماعی مردم از یک سو و مذهب از سوی دیگر انفکاک ایجادکردند. از این رهگذر حیله‌های استعمار تأثیر خود را بر فرهنگ مسلمین بخشید و پیروان

---

۱. مشعل، ۲۰۰۷.

همان آئینی که سلطه کفار را محکوم می‌کند و مسلمانان را به خشونت بر علیه متجاوزین تحریک می‌نماید و همان‌ها که به تعبیر قرآن بهترین امت بودند دروازه‌های خود را به سوی مهاجمین غربی گشودند و تسلیم فرهنگ غرب شدند. و با تبلیغات وسیع و گسترده و فراموش نمودن هویت‌خویش که مهم‌ترین سلاح استعمارگران بود پیوند خود را با معنویت از دست دادند و فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده و آماده پذیرش فرهنگ غرب شدند. نتیجه چنین حرکتی منجر به آن شد که در طول بیش از دو قرن کشورهای اسلامی به سفره بی‌مانع برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان علاوه بر غارت منابع و ذخائر مسلمانان فرهنگ و مواریث اصیل آنان را مخدوش کرده و مسلمین را از توسعه علمی و فرهنگی بازداشتند. با این وصف مردمان ساکن در کشورهای اسلامی با بهره گیری از اندیشه‌های اسلامی مبارزات سختی را بر علیه استعمار سامان دادند و در برابر قدرت بی‌رقیب استعمارگران قیام کرده و آنان را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های برحق خود نمودند. دول استعماری به منظور رهایی از موج جنبش‌های مردمی گرچه در ظاهر به کشورهای مزبور استقلال دادند ولی با شکل جدیدی از استعمار بطور غیرمستقیم سلطه خود را بر سرزمین‌های اسلامی ادامه دادند، به‌گونه‌ای که اکنون بیش از یک میلیارد مسلمان با وجود بهره‌مندی از ذخائر و منابع سرشار و قرارگرفتن در مناطق استراتژیک و سوق‌الجیشی، اغلب تأمین کننده منافع استکبار بطور غیرمستقیم هستند و حتی بدلیل تفرقه و تشتتی که بر آنان حاکم است از مبارزه با غاصبین صهیونیست که آواره گی ملت مظلوم فلسطین را موجب شده عاجزند و غده سرطانی مذکور همچنان در قلب کشورهای اسلامی با مساعدت استکبار و رفتارهای حکام مرتجع عرب مشغول تحکیم مواضع خود می‌باشد.[۱]

۵ ـ عدم آشنایی مذاهب از عقاید یکدیگر موجب می‌شود دشمنان اسلام و آنها که از تفرقه‌ها میان فرقه‌های اسلامی سود می‌برند. به واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف

---

۱ . گلی‌زواره، سرزمین اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

برانگیز را پررنگ‌تر کرده و مواردی را که موجب اتحاد بین مسلمانان می‌شود، نادیده گیرند. آنها ایجاد تفرقه در میان جوامع اسلامی را به عنوان بزرگ‌ترین و بهترین راهبرد برای تسلط و یا استمرار تسلط بر جوامع اسلامی برگزیده‌اند و از این طریق به همه اهداف استعماری و دشمنانه خود دست یافته‌اند. اتفاقاً شگفت همین است که چرا عموم اقشار جوامع اسلامی آن طور که شایسته است نسبت به فهم این راهبرد که حدود دویست سال سرنوشت آن‌ها را به تباهی کشانده است بلوغ و لیاقت و درایت کامل نشان نداده‌اند و نتوانسته‌اند بعد از ۲۰۰ سال پرونده وحدت را کامل کنند و باانسجام واقعی و سازمان یافته خود در مقابل راهبرد تفرقه‌افکنانه دشمنان به راهبرد وحدت توجه عملی و واقعی نشان بدهند تا امروز بعد از ۱۵۰ سال هنوز نیز عدم وحدت مشکل اساسی محسوب نشود. در این جا باید اعتراض کرد که دشمنان ما بهتر از ما توانسته‌اند به راهبردشان جامه عمل بپوشانند و میان جوامع اسلامی تفرقه ایجاد کنند. نشان موفقیت دشمنان نیز همین است که آن‌ها از طریق ایجاد تفرقه هنوز در حالت غلبه هستند و جوامع اسلامی نیز به دلیل ناتوانی در پیش بردن و عمل کردن به راهبرد وحدت هنوز در تفرقه می‌باشند. به عبارت دیگر تفرقه ما ضامن غلبه دشمن شده است، گاهی دشمنان اسلام در ایجاد تفرقه در میان جوامع و ملل اسلامی چنان موفق بوده‌اند که وضعیت جوامع و ملل اسلامی از حالت تفرقه معمولی و عدم معاضدت یکدیگر فراتر رفته و به حالت نزاع و درگیر شدن جوامع اسلامی با یکدیگر تبدیل شده است. معمولاً این وضعیت اوج رضایتمندی دشمن از اجرای راهبرد تاریخی ایجاد تفرقه است که در دوره‌هایی از تاریخ معاصر به وجود آمده است یعنی همان چیزی که هم اکنون نشانه‌هایی از آن در برخی مناطق و جوامع اسلامی پدید آمده است و گروهی از درون جهان اسلام آنها را به روش‌های مختلف یاری می‌دهند مثلاً برخی در لباس روشنفکری و دموکراسی بازی ظاهر شده و در این عرصه به مزدوری پرداخته‌اند برخی در لباس فعال سیاسی و فرهنگی و اجتماعی به خودنمایی و خیانت مشغول شده‌اند برخی جامه تعصب و حمیت جنون‌وار دینی به تن کرده و به اربابان استعمارگر خود خدمت نموده‌اند برخی از طریق خرافه‌سازی در خدمت به دشمن کمربسته‌اند. حتی برخی به ریا لباس عالمان و مفتیان را به تن نموده‌اند و با اظهارنظرهای خود به راهبرد دشمن در ایجاد تفرقه کمک بی‌بدیل کرده‌اند.

از حکومت‌ها و دولت‌هایی هم که همانند مزدوران مذکور بنیادشان به دست استعمارگران و دشمنان می‌باشد و با حرکت انگشت آن‌ها رفتار می‌کنند نیز برای محقق کردن راهبرد تاریخی وحدت انتظار چندانی نمی‌توانیم داشته باشیم. بنابراین فقط آن‌هایی که حیات و منافع آن‌ها و بنیادشان با دشمنان وابستگی ندارد باید به فکر پیشبرد راهبرد وحدت باشند. این افراد که شامل عموم ملت‌های مسلمان و عموم افراد غیروابسته به دشمنان و استعمارگران می‌باشند در صورتی می‌توانند راهبرد تاریخی وحدت را به پیش ببرند که اولاً نسبت به مفهوم وحدت و اهمیت آن درک کامل داشته باشند ثانیاً خود صاحب روح معنوی و اهداف الهی باشند.

امام خمینی‌ﷺ معتقدند در میان هیاهوی مستمر و پرشمار تفرقه‌افکنان داشتن معرفت و روح معنوی بهترین عاملی است که انسان را از گرفتار شدن در دام تفرقه‌افکنان نجات می‌دهد. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«ما باید دنبال تحکیم وحدت خودمان باشیم. ملت و دولت‌مان خیال نکنند که او دولت است و آن ملت. همه مال یک کاروان هستیم که روبه آن عالم می‌رویم و باید اطاعت خدا بکنیم و با هم باید باشیم. اگر این‌طور باشد پیروزی هیچ اشکال ندارد که نصیب‌تان می‌شود و این پیروزی‌ای است که خدا می‌دهد این نصرتی است که خدا می‌دهد او را ما با جان و دل قبول می‌کنیم چون هدیه خداست. و اگر خدای نخواسته این طور نباشد و ما با زور شمشیر فرض کنید و با زور تفنگ پیروز بشویم و پیروزی را از خودمان بدانیم این پیروزی نیست این شکست است حالا شما خیال می‌کنید پیروزی است اما اگر پرده برداشته بشود می‌بینید یک شکست بزرگ است باید باهم باشید. برای اطاعت خدا که فرموده است که باید با هم باشید وحدت باید داشته باشید اختلاف نباید داشته باشید. ما باید وحدت داشته باشیم یعنی حفظ کنیم وحدت را وحدت هست لکن ادامه می‌خواهد. ادامه باید بدهیم ما این وحدت را و او این است

که به حرف کسانی که خدای نخواسته می‌خواهند تفرقه بیندازند به حرف آنها گوش ندهیم اصلش. البته در هر جایی هستند اشخاصی که بخواهند که فساد بکنند لکن وقتی یک ملتی برای خدا وحدت را می‌خواهد ایجاد کند و واحد باشد با دیگران این دیگر گوشش به حرف این کسی که فساد می‌خواهد بکند بدهکار نیست. گوش آن آدمی بدهکار است که در او یک سستی هست در این جهت. در جهت معنویت و الهیت وقتی که یک سستی باشد آن وقت آن چیزهایی که گفته می‌شود در انسان تأثیر می‌کند. تأثیرش هم کم‌کم زیاد می‌شود یک وقتی انسان هم می‌شود از آن وری. اما اگر این جهت را محکم کردیم ما که ما برای خدا از خدا هستیم و برای خدا باید عمل بکنیم و به خدا مراجعه می‌کنیم انالله و انا الیه راجعون ما از اوییم به او برمی‌گردیم او فرستاده برمی‌گردیم اگر ما این را تحکیم کنیم در قلبمان که ما از او هستیم و هرچه او گفته است باید بکنیم. گفته است که با هم باید باشید که اگر باهم باشید کسی نمی‌تواند شما را چه بکند ما هم با هم باید باشیم برای اطاعت خدا».[۱]

تفرقه جهان اسلام ضامن غلبه تاریخی دشمنان برمسلمانان شده است و تا زمانی که این معادله منحوس برقرار می‌باشد امیدی برای خروج جهان اسلام از زیر سلطه غرب وجود ندارد. بنابراین تمام اهتمام مسلمانان باید صرف برهم زدن این معادله باشد و آن دسته از نیروها و هسته‌های مقاومت اسلامی که اهداف اسلامی دارند باید به جای پرداختن به یکدیگر و دامن زدن به نزاع‌های فرقه‌ای متعهدانه و متحدانه به دشمن مشترک بیندیشند.[۲]

---

۱ . صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۰۶ و ۲۰۷ .

۲ . گفتگوی روزنامه کویتی الأنباء پایگاه بینات دفتر آیةالله سید محمد فضل الله ۱۳۸۶/۳/۸ .

نتیجه گیری

به‌طور خلاصه باید گفت؛ عوامل و موانع متعددی بر سر راه «اتحاد مسلمانان» وجود دارند که هم به درون جامعه اسلامی باز می‌گردند و هم عوامل بیرونی را شامل می‌شوند.

عوامل باز دارنده وحدت جهان اسلام ازدرون را در مؤلفه‌های چون : قوم‌گرایی و نژادپرستی، انحطاط فکری، علمی و فرهنگی، تعصبات کورمذهبی، رکود و رخوت جوامع اسلامی، کمرنگ شدن هویت اسلامی، اختلاف در ماهیت طرز تفکر و اقتصاد، غفلت از اولویت‌های اسلامی، اقدامات منفعلانه برخی از سران کشورهای اسلامی در برخورد با حوادث جهان اسلام، انتخاب خط مشی‌های امنیتی متفاوت و برخی موارد دیگر باید جستجو کرد و برای رفع آنها قدم‌های اساسی برداشت. همچنین عوامل واگرایی برون‌زا در جهان اسلام در طول یکی دو قرن اخیر با توطئه مستکبران جهان برای ایجاد گسست با روش‌های مختلفی مانند تهاجم فرهنگی، وابستگی‌های اقتصادی، سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، تبلیغات سوء علیه هویت اسلامی و وجوداختلافات مذهبی در جهان اسلام صورت گرفته است.

اما واقعیتی که دراین رهگذر بیشترجلب توجه می‌کند این است که زمینه‌های بروز واگرایی را می‌باید ابتدا در درون جهان اسلام و سپس عوامل خارجی که با سوءاستفاده از شرایط و موقعیت درون جهان اسلام این جسارت را به خود داده‌اند، بررسی‌کرد.

منابع

۱ ـ آذربخش سید علی محمد، ۸۵/۵/۱۶ سازمانی در چنبره تشریفات.

۲ ـ بنارد چریل، کارشناس ارشد سیاسی در اندیشگاه رند، ترجمه وحید وحیدی مطلق.

Benard, Cheryl, Five Pillars of Democracy: How the West Can Promote an

Review, Spring 4002. Islamic Reformation, RAND

۳ ـ پولادی ابراهیم، گرانیگاه وحدت و انسجام اسلامی امانت‌داری و اخلاق‌مداری، منبع شهرالکترونیک همدان، سی فروردین ۱۳۸۶ .

۴ ـ توال فرانسو، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوق و نینی، چاپ دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۰ ، ص ۳ .

۵ ـ چپرا م.ع، آزمون اقتصاددانان اسلام، مجلات پگاه حوزه شماره(۷۱) ترجمه: سید اسحاق علوی.

۶ ـ چریل بنراد، ترجمه علی گل‌محمدی، عنوان اصلی این مقاله Five Pillars Of Democracy و برگرفته از سایت Rand می‌باشد.

۷ ـ خبرگزاری مهر، رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی، همگرایی و وحدت جهان اسلام در سایه اشتراکات در ۱۳۸۵/۱۱/۲۹ .

۸ ـ درایسدل آلاسدایرواچ. بلیک جرالد، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر انتشارات وزارت خارجه،۱۳۷۴ ، ص ۳۰ .

۹ ـ صحیفه امام، ج ۱۹ ص ۲۰۶ و ۲۰۷ .

۱۰ ـ عزتی عزت‌الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم: واحد تدوین کتب درسی، چاپ اول، ۱۳۷۸ .

۱۱ ـ عزتی عزت‌الله، ژئوپولیتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ ص ۱۶۳ .

۱۲ ـ عزتی عزت‌الله، ژئوپولیتیک درقرن بیست ویکم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵ .

۱۳ ـ فردوسی پورمجتبی، مجموعه مقالات وسخنرانی‌های همایش بین‌المللی جهان اسلام، فرصت‌هاو چالش‌ها انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۳ ، ص ۴۸ .

۱۴ ـ فصلنامه معرفت، شماره بیست و دو .

۱۵ ـ گروه سیاسی شبکه دری، جهان اسلام، فرصت‌ها و چالش‌ها، قسمت پنجم شرکت‌کننده‌گان: هاشمی ارزگانی: اسلام‌شناس و شخصیت علمی افغان در مشهد. عنایت الله یزدانی: استاد علوم سیاسی و روابط بین‌المللی در دانشگاه اصفهان.

۱۶ ـ گفتگوی روزنامه کویتی الأنباء پایگاه بینات دفترآیةالله سید محمد فضل الله، ۸۶/۳/۸ .

۱۷ ـ گلی زواره غلامرضا، سرزمین اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۸ ـ مشعل January 14th, 2007.

عوامل همگرایی جهان اسلام

نرگس قاسمی

چکیده

همگرایی پروسه‌ایست که به‌وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد وراغب می‌شوندکه وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... رابه سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهند. ائتلاف‌ها یا اتحاد گروهی از کشورها معمولاً با هدف بعضی مقاصد مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی شکل می‌گیرد. شرایط کنونی جهان اهمیت این همگرایی‌ها رادر سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد و جهان اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. دین اسلام با ظهور پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ در قرن هفتم میلادی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت و از سمت غرب تاکناره اقیانوس اطلس و از جانب شرق تا حواشی اقیانوس آرام پیش رفت. درحال حاضر، مجموعه جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را به طول ۱۱ هزار کیلومتر و عرض ۵ هزارکیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع را دربرگرفته است.

تعالیم دین مبین اسلام، فرمایشات و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام، احادیث و آثار به جای مانده از بزرگان دین و معنویت و از همه مهم‌تر روح بسیاری از آیات حیات‌بخش و روشنگر قرآن کریم، همواره بر موضوع اتحاد و انسجام میان مسلمین تأکید ورزیده‌اند. بعلاوه شرایط کنونی جهان اسلام ضرورت این همگرایی را بیشتر نموده است. نگاهی به سراسر قلمرو اسلامی نشان از مشکلاتی دارد که از آن جمله به شرایط مسلمانان در بوسنی، کوزوو و اقلیت‌های مسلمان سایر کشورهای اروپایی، در آسیای مرکزی جنگ داخلی تاجیکستان، جنگ بین ازبک‌ها و تاجیک‌ها، قزاق‌های مسلمان و روس‌های ارتدکس. در مرکز جهان اسلام مسئله فلسطین و آوارگان آن، شرایط خاص لبنان، تهاجم امریکا به دوکشور اسلامی عراق و افغانستان، در شرق و جنوب آسیاوضعیت مسلمان چین که شامل قوم اویغور و مسلمانی که درهیوزندگی می‌کنند شرایط ویژه مسلمانان اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند، برمه و بیش از صدمیلیون مسلمان درهند ایالت جامو وکشمیر هند، در افریقا مسلمانان سودان، نیجریه، الجزایر می توان اشاره کرد. اگربه موارد ذکر شده وضعیت اقلیت مسلمان امریکای شمالی ولاتین، اقیانوسیه و استرالیا را اضافه کنیم، ضرورت همگرایی جهان اسلام را بیشتر درک خواهیم کرد.

دراین پژوهش برآنیم که به این پرسش پاسخ دهیم که چرا جهان اسلام نیازمند همگرایی است؟ و برای رسیدن به همگرایی چه زمینه‌ها و بسترهایی در جهان اسلام وجود دارد؟

نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که زمینه‌ها و بسترهای فراوانی برای همگرایی در جهان اسلام وجود دارد که آنها را در شش محور نظامی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، علمی و مذهبی مورد بحث قرار داده‌ایم.

کلید واژه: اسلام، همگرایی.

مقدمه

با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، دگرگونی‌های مهمی در ساختار نظام بین‌الملل به‌وجود آمد که مهم‌ترین آنها تغییر نظام دو قطبی و تلاش امریکا برای ایجاد نظام تک‌قطبی بود. در موقعیت جدید، همگرایی منطقه‌ای به عنوان یکی از بهترین راهکارها برای مقابله با نظام تک‌قطبی امریکا، مورد توجه اکثر دولت‌ها قرارگرفت. شکل‌های مختلف همگرایی منطقه‌ای در بخش‌های مختلف به‌وجود آمد. همگرایی در روابط بین‌المللی، نظریه‌ای است که کشورها می‌کوشند براساس منافع مشترک در حوزه‌های مختلف باهم همکاری کنند.

مسئله وحدت وهمگرایی یکی از مهم‌ترین ایده‌هایی است که مسلمانان از روزگار آغازین اسلام تا به حال، بر مبنای تعالیم عالیه‌ی اسلامی و دیانت حقّه توحیدی پیگیر آن بوده و در مقابله با دشمنان اسلام و مسلمین یک تز و یک نظریه و یک استراتژی و برنامه، درابعاد مختلف، متناسب با مقتضیات زمان، آن را ارائه نموده‌اند.

در این مورد در متن منابع اصیل اسلامی بویژه در قرآن، واژه‌هایی چون «امت» و «امت واحده» به کار رفته است و در فقه و حقوق بین‌الملل اسلامی تحت عنون «دارالاسلام» و در اخلاق و اعتقادات اسلامی با عناوینی چون «الفت اسلامی»، «اخوت اسلامی»، «برادری دینی»، «همبستگی دینی»، «تقارن اسلامی» و در زبان سیاستمداران و رجال و مصلحین مسلمان نیز به نام‌هایی چون «وحدت اسلامی»، «اتحاد اسلامی»، «امت محمدیه»، «وحدت مسلمین» و اخیراً به زبان اصطلاحات سیاسی روز، در قالب‌هایی چون «بلوک اسلامی»، «جبهه یاکنگره اسلامی» و «انترناسیونالیسم اسلامی» و خلاصه در زبان غربیان «پان اسلامیسم» آمده و مطرح شده است.

تز «وحدت اسلامی» در اندیشه سیاسی بسیاری از علما واندیشمندان مسلمان به‌چشم می‌خورد و هریک به نوعی آن را بیان و تشریح کرده، راه‌حل‌ها و موانع موجود در راه وحدت را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند.

همگرایی و ضرورت آن در جهان اسلام

ارنست هاس پایه‌گذار نظریه همگرایی نظریه‌اش را چنین توضیح می‌دهد: پروسه‌ای که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان رابه سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهند.(۱) ائتلاف‌ها یا اتحادگروهی از کشورها معمولاً با هدف بعضی مقاصد مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی شکل می‌گیرد و برخی از آنها به‌لحاظ جغرافیایی پیوستگی داشته و برخی نیز ناپیوسته و جهانی‌اند.(۲) امروز اتحادها و همگرایی‌ها در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی براساس ضرورت‌ها و نیازها صورت می‌گیرد. جهان اسلام نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

دین اسلام با ظهور پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در قرن هفتم میلادی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت و از سمت غرب تاکناره اقیانوس اطلس و از جانب شرق تاحواشی اقیانوس آرام پیش رفت.

درحال حاضر، مجموعه جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را به طول ۱۱ هزار کیلومتر و عرض ۵ هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع دربرگرفته است.(۳) امروز بیش از ۵۰کشور هستند که اکثریت جمعیت آنها مسلمان است. چهل کشور از آنها خود را رسماً کشور اسلامی قلمداد می‌کنند.(۴)

جمعیت مسلمانان در سراسر جهان امروز، به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است. براساس گمانه‌زنی‌های آماری، این جمعیت در ۲۵ سال آینده به دو میلیارد نفر خواهد رسید.(۵)

---

۱. سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱.

۲. گودرزی‌نژاد، ۱۳۷۵، ج ۲.

۳. عزتی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳.

۴. درایسدل،بلیک، ۱۳۷۴، ص ۳۰.

۵. توال، ۱۳۸۰، ص ۳.

در مجموع می‌توان گفت ۲۴ درصد از مساحت کل جهان به کشورهای اسلامی اختصاص دارد. وسعت این کشورها بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر مربع است و از لحاظ موقعیت جغرافیایی و ذخایر و منابع بسیار، دارای امکانات و پتانسیل‌های بسیار فراوانی هستند. از این امکانات می‌توان برای همگرایی کشورهای اسلامی استفاده کرد.(۱)

از دیدگاه جغرافیای سیاسی جهان اسلام به چهاربخش کاملاً متفاوت، قابل تفکیک و بررسی است که عبارتند از:

۱ ـ مرکز جهان اسلام که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.

۲ ـ شمال جهان اسلام، که شامل آسیای مرکزی و قفقاز است.

۳ ـ غرب جهان اسلام، که شامل کشورهای شمال، شمال شرق و بخش‌های دیگر آفریقاست.

۴ ـ شرق جهان اسلام، که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تاکرانه‌های غربی اقیانوس آرام گسترش می‌یابد.(۲) این پهنه بزرگ جغرافیایی باتنوع انسانی و ظرفیت‌های گوناگون اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نظامی و امنیتی با توجه به شرایط جهانی و نیازهای داخلی خود به انسجام و همگرایی بیشتری باید بیندیشد. نگاهی به قلمرو اسلامی این ضرورت را اجتناب‌ناپذیر نشان می‌دهد. اهم مسائلی که درگستره جغرافیایی جهان اسلام وجود دارد عبارتند از:

مسلمانان بوسنی و مسلمانان کوزوو در جایی که صربستان علیه آلبانی وارد جنگ شده است، برای عکس‌العمل شدید آماده‌اند. در آسیای مرکزی بدترین اصطکاک‌ها به جنگ داخلی تاجیکستان مربوط است، که ماهیت ایدئولوژیکی، قومی و منطقه‌ای داشته وتقریباً

---

۱ . گروه سیاسی شبکه دری، جهان اسلام، فرصت‌ها و چالش‌ها، قسمت پنجم .

۲ . عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵ .

به خود مسلمانان منحصر است، یعنی بین ازبک‌ها و تاجیک‌ها و بین خود تاجیک‌ها، مرزهای روسیه با قزاقستان مسلمان دورنماهای پنهانی برای بروز مخالفت بین روس‌های ارتدکس و قزاق‌های مسلمان دارد.

جمعیت مسلمان چین با قومیت ترک موسوم به ترکان اویغور حدوداً هشت میلیون نفرند که در بخش غربی این کشور ساکنند. آنان از نظر فرهنگی بسیار نزدیک به ازبک‌ها درمرز شوروی سابق هستند. این قوم درطی سال‌های طولانی از «پاکسازی قومی» و فشارهای ناشی از اسکان بلاجبار چینی‌های هان در منطقه در رنج بود. قوم «اویغور» استقلال کامل از چین یا دست‌کم خودمختاری بیشتری را خواهان است. بیش از ده میلیون مسلمان در هیو زندگی می‌کنند،که زبان چینی را مانند زبان مادری صحبت می‌کنند و از نظر ظاهر، نوع لباس و بسیاری از آداب و سنن از چینی‌های «هان» به سختی قابل تشخیصند، با وجود این، خود را برمبنای مذهب، کاملاً یک ملیت و گروه جدا در چین می‌دانند. مراکز آنان در سراسر چین پراکنده است اما بیشترین تعداد آنان در استان «فینگسیا» در قسمت شمال و در مرکز چین ساکنند. قوم «هیو» احتمالاً برحقوق خود به عنوان یک اقلیت پافشاری زیادی دارد.

جمعیت مسلمانان در هندوستان با تأسیس یک حکومت اسلامی و مستقل در غرب و شرق پاکستان (بنگلادش امروز) و با مهاجرت تعداد بسیاری از مسلمانان هندی به پاکستان و بنگلادش به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. مسلمانان هند با هندوها به‌طور نزدیک و در حد قابل ملاحظه‌ای، به استثنای مذهب، از فرهنگ، غذا، موزیک و حتی زبان مشترکی بهره‌مندند. هیچ اختلاف قومی از اختلاف مذهبی بی‌بهره باقی نمی‌ماند. روابط براساس قدرت نیز از مهم‌ترین عوامل اختلاف محسوب می‌شود. بیش از صد میلیون مسلمان در هند (دومین جمعیت عظیم مسلمان در جهان) به زندگی به‌عنوان اقلیت دائمی محکومند. برای آنان به علت اینکه بسیار پراکنده‌اند،کمترین شانسی وجود ندارد که جدا شده یا در منطقه‌ای داخل کشور اعلام خودمختاری کنند. از آنجاکه اسلام براهمیت برپایی جامعه‌ای متحد تحت اصول اسلامی تأکید دارد، این نوع وضعیت اقلیت برای مسلمانان هند بویژه حکومت خودکامه هندوان

رنج‌آوراست. رشد ناسیونالیسم قدرتمند و حتی احزاب میهن‌پرست متعصب در هند، بدون هیچ‌راه حل مشهودی، چشم‌انداز یک جنگ واقعی و خونریزی عظیم‌تری را قریب‌الوقوع کرده است. هند از معدود کشورهای جهان است که در آن جمعیت عظیم مسلمانان به غیراز مهاجرت چاره‌ای ندارند.

ایالت جامو و کشمیر در هندکه دارای اکثریت بسیار با نفوذ مسلمان است، تنها منطقه وسیعی است که پتانسیل تجزیه‌طلبی در آنجا واقعی و بالا است. شورش مسلمانان در کشمیر به علت نارضایتی‌های عمیق کشمیری‌ها در حال پیشرفت است و با حمایت پاکستان و اقدامات امنیتی خشونت‌بار وخامی که بطور کلی به وسیله حکومت علیه آنان اعمال می‌شود، بیشتر تحریک می‌شود. مخالفت پیوسته هند مبنی براجازه هرگونه رأی‌گیری در منطقه تحت نظارت سازمان ملل برای سال‌ها علت اصلی اختلاف هند و پاکستان بوده است.

اسلام نسبتاً دیرتر به منطقه جنوب شرقی آسیا وارد شد. نفوذ اصلی آن در اندونزی، با بالاترین درصد جمعیت مسلمان در جهان و در مالزی است که نیمی از جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. گروه‌های کم‌جمعیت‌تر مسلمان در نواحی جنوبی تایلند و فیلیپین اسکان دارند.

اندونزی از زمان استقلال به این طرف حکومت کاملاً سکولار داشته است. اسلام‌گرایان و بدون شک بسیاری از اشخاص، شاکی هستندکه چرا از اکثریت مسلمان خواسته شده تا به دلیل اختلافی که با اقلیت‌های غیرمسلمان دارند، اسلام را به عنوان دین ملی در نظر نگیرند. بنابراین برای ترک ایدئولوژی ناسیونالیست قومی و سکولار تحریکاتی به نفع اسلام وجود دارد که این امر برای آینده سکولاریسم اندونزی آزمایش مهمی بوده است. مالزی با نیمی از جمعیت مسلمان و نیز مالایا نسبت به برخوردهای مذهبی وقومی در جامعه چند قومی و چند مذهبی خود بسیار حساس‌اند. موفقیت اقتصادی مالزی به فرونشاندن این برخوردهای فرهنگی بالقوه شامل نابرابری بسیار در موقعیت اقتصادی بویژه بین طبقه بازرگان چینی و جمعیت ماله کمک می‌کند. جالب توجه این است که مالزی در حال تبدیل شدن به یک محل احتمالی برای اتحاد پیروان دین کنفوسیوسی و منتقدان اسلامی فرهنگ غربی وضعف‌های قومی اجتماعی آن است.

کشوری مانند سودان میان شمال مسلمان و جنوب با مذاهب معتقد به اصالت روح و تا بخشی هم مسیحی شکاف ایجادکرده است. نیجریه که به مناطق مسیحی مسلمان‌نشین تقسیم شده نیز در چنین جنگی درگیر است. بسیاری از اسلام‌گرایان نیجریه درصدد تبدیل این کشور به یک کشور اسلامی هستند. اسلام احتمالاً یک عامل مهم در مسئله تجزیه‌طلبی در سراسر قاره خواهد بود.

در چند دهه اخیر، اسلام رشد بسیاری در آمریکای شمالی داشته، به‌طوری که پس از مسیحیت، به صورت دومین دین جهانی درآمده است. رشداسلام ناشی از مهاجرت تعداد بی‌شماری از مسلمانان و گرایش آمریکایی‌های آفریقایی به سازمان‌های مسلمان سیاه است. جمعیت جنبش اسلامی در بین آمریکایی‌های آفریقایی در حالی که کاملاً و بطور آشکار ضدیهود و نژادپرستی است، منبع مهمی از انضباط و قوانین اجتماعی در اختیار جوامع فقیری قرار می‌دهد که ساختارهای خانوادگی آنها فرو ریخته است.[۱] اگربه موارد ذکر شده وضعیت اقلیت‌های مسلمان درکشورهای اروپایی، امریکای شمالی ولاتین، اقیانوسیه و استرالیا را اضافه کنیم. ضرورت همگرایی جهان اسلام رابیشتر درک خواهیم کرد.

عوامل تسریع‌کننده وحدت مسلمانان را می‌توان چنین برشمرد:

۱ ـ نارضایتی عمیق داخلی؛

۲ ـ وقایع مهم بین‌المللی که مسلمانان درآن قربانی اعمال غرب تلقی می‌شده‌اند؛

۳ ـ به قدرت رسیدن جنبش‌های رادیکال اسلامی.[۲]

زمینه‌ها و بسترهای همگرایی در جهان اسلام

اتحاد می‌تواند خاستگاه‌های فکری، عقیدتی، اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی داشته باشد،

---

۱. عزتی، ۱۳۸۲، از ص ۲۱۸ به بعد.

۲. عزتی، ۱۳۷۸ ، چاپ اول.

می‌تواند به جوامع انسانی یا افراد مختلف شکل بدهد و آن را نهادینه کند و در نتیجه در لوای یک «اتحادیه» راه رسیدن به اهداف و مقاصد را کوتاه‌تر نماید. با نگاهی به پیشینه اتحادیه‌های بشری در طول تاریخ، این واقعیت به دست می‌آید که همواره اتحادها در سایه «منافع مشترک» شکل گرفته است و این منافع مشترک می‌توانسته اقتصادی، دفاعی، سیاسی یا فرهنگی و اعتقادی باشد. در دنیای امروز که با الگو و مدل «جهانی‌سازی» تعریف و شناسایی می‌شود، تمایل برای ایجاد اتحادیه‌های گوناگون بیشتر شده است. افزایش روبه‌رشد نیازها و خواسته‌های بشری، رشد سطح رفاه در سایه تکنولوژی مدرن، وجود زمینه‌های وابستگی متقابل و چند جانبه را افزایش داده است. این زمینه‌های وابستگی متقابل، به ایجاد سازمان‌ها یا مکانیسم‌هایی می‌انجامد که فضایی مطمئن و مستمر برای پاسخگویی به نیازهای بشری است.(۱)

در جهان اسلام زمینه‌های همگرایی بسیارند، لکن اهمّ اموری را که می‌توان به عنوان این زمینه‌ها و بسترها مطرح ساخت عبارتند از:

الف) زمینه‌ها و بسترهای سیاسی همگرایی در جهان اسلام

۱ ـ در درجه نخست دولت‌های اسلامی، الزاماً می‌بایست وحدت را به‌عنوان یک اصل مسلم باور کرده و آن را مبنای سیاست‌های عمومی خویش قرار دهند تا بتوان پیشرفتی در این زمینه داشت. یکی از مهم‌ترین نتایج این امر طراحی سیاستی است که بتواند امت اسلامی را به وحدت برساند، زیرا ما برای آینده هیچ راهی جز این اتحاد نخواهیم داشت. تمرکز دولت‌ها بر وحدت می‌تواند خنثی‌کننده تلاش‌های بیگانگان برای ایجاد اختلاف و استفاده از مسائل طائفی و مذهبی برای رسیدن به مقاصدشان باشد.(۲)

---

۱ . پورهاشمی، پگاه حوزه، ش ۱۷۴ .

۲ . جعفریان، ۱۳۸۶، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

البته برای تحقق این امر تصویب قوانینی توسط سازمان‌های پذیرفته شده اسلامی لازم است، که با متخلفین هم برخورد کند.

۲ ـ در جهانی که دو قطبی شدن و تک قطبی شدن، هر دو پاسخ مثبتی به تحولات جهانی نداده و اکنون پروژه جهانی‌سازی، آلترناتیو روش‌های قدیمی شده است، تلاش برای ایجاد «اتحادیه کشورهای اسلامی» سعی مبارک و درخشان خواهد بود و آمال و ایده‌های طولانی و بلندی را که بسیاری از اندیشمندان و علمای اسلامی در طول تاریخ اسلامی، انتظار می‌کشیدند، محقق خواهد ساخت. دنیای امروز که با ویژگی و مشخصه «جهانی‌سازی» شناخته می‌شود، صحنه‌های رقابت را، از عرصه‌های اقتصادی و سیاسی گرفته تا زمینه‌های اجتماعی و هنری و فرهنگی، گسترش داده است و برای «ماندن» و «جلو ماندن» در این رقابت‌های پیچیده، نیاز به «اتحاد» است، و تلاش برای ایجاد «اتحادیه کشورهای اسلامی» پاسخ مثبت به تأمین نیازهای مادی و معنوی و فکری جهان اسلام می‌باشد. به امید آن روز مبارک.[۱]

۳ ـ «سیاست خارجی» هماهنگ نیز یکی از زمینه‌های مؤثری است که می‌تواند تشکیل «اتحادیه کشورهای اسلامی» را تسهیل کند. در جهان اسلام موضوعات فراوانی است که اکثریت کشورهای اسلامی با آن هم‌عقیده‌اند و اشتراک‌نظر دارند؛ ولی چون به صورت هماهنگ و یکپارچه در جهان مطرح نمی‌شود، کارآیی و کارآمدی شایسته‌ای ندارد. موضوعاتی از قبیل اسرائیل، سیاست مداخله‌گرانه آمریکا، حمایت از ملت‌های مظلوم اسلامی و... مسائلی هستند که می‌توانند در چارچوب سیاستگذاری هماهنگ خارجی قرار گیرند. گرچه نهادهایی چون سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین نهادهایی است که می‌تواند در هماهنگی سیاست خارجی کشورهای اسلامی، نقش داشته باشد، ولی این مکانیسم وسیع که طبیعتاً بایستی سران کشورهای اسلامی در آن حضور داشته باشند، نمی‌تواند مکانیسمی فعال و مستمر و دائمی برای موضع‌گیری در مقابل پدیده‌های خارجی روزمره باشد. از این جهت

---

۱ . پورهاشمی، مجلات پگاه حوزه، شماره ۱۷۴ .

تقویت نهادهای فرعی یا ایجاد نهادهای دیگر در قالب هماهنگی سیاست خارجی میان کشورهای اسلامی، می‌تواند در رسیدن به وفاق سیاسی مؤثر باشد. امروزه که غرب، تروریسم را با اسلام برابر می‌انگارد و در رسانه‌های گروهی تلاش می‌کند ارتباطی مستقیم میان اسلام و تروریسم ایجاد کند، موضع‌گیری کشورهای اسلامی را در دفاع از فرهنگ اسلامی ضرورت داده است، زیرا دولت‌های اسلامی به عنوان مسئولان و مخاطبان اصلی این حرکت‌های تبلیغاتی می‌توانند از حریم فرهنگ اسلامی دفاع کنند و این مسئله نیز امروزه می‌تواند در دستیابی به یکپارچگی سیاست خارجی کشورهای اسلامی، مؤثر باشد.[۱]

۴ ـ اگر توجه مسلمانان به مسائل مهم دنیای اسلام نظیر مسئله فلسطین، کشمیر، لبنان و... معطوف می‌بود وحدت اسلامی خود به خود در میان ملت‌ها جریان می‌یافت.[۲] تلاش مضاعف دولت‌های اسلامی برای رفع مناقشات و مشکلات کشورهای اسلامی درگیر جنگ‌های داخلی و خارجی نظیر: فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان و... ضمن کمک به رفع تنش‌های موجود آنان را در رسیدن به همگرایی یاری خواهد کرد.

۵ ـ هماهنگی هرچه بیشتر کشورهای اسلامی در تدوین یک راهبرد مشخص و تأثیرگذار در مواجهه با تطمیع، تهدید، ارعاب و... قدرت‌های استعماری و زیاده‌طلب.

۶ ـ تلاش دولت‌های اسلامی برای تقویت هرچه بیشتر و ارتباط معنی‌دار و برنامه‌ریزی شده میان سازمان‌ها و ارگان‌هایی نظیر: اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، اوپک و... .[۳]

۷ ـ بی‌شک هیچ وحدت و اعتمادی بدون تمسک به مشترکات بین گروه‌ها و به‌تبع آن مذاهب اسلامی به وجود نخواهد آمد. تکیه بر اصول مورد قبول و باور مذاهب اساسی‌ترین

---

۱ . پورهاشمی، مجلات پگاه حوزه، شماره ۱۷۴ .

۲ . مشعل، ۲۰۰۷ .

۳ . خسروی ۱۳۸۶ روزنامه ایران، راهکارهای اتحاد ملی انسجام اسلامی .

راهکاری است که می تواند به وحدت بین مذاهب بینجامد. حاکم اسلامی با عنایت به این‌که ابزار قدرت و سازکار حکومت را در دست دارد می تواند نقش اساسی و کارسازتر از دیگران در این راهگذار ایفا کند.[۱]

۸ ـ باید توجه داشت که بروز تعصبات مذهبی، بیش از آن‌که از ناحیه اکثریت باشد که نیازی به آنها ندارد، از ناحیه جامعه اقلیتی است که در میان یک اکثریت زندگی می‌کند و تحت فشار آنهاست. دلیل این امر آن است که هر اقلیتی وقتی خود را در تهدید ببیند، روی مسائل خاص خود تکیه می‌کند و با شدت وحدت بیشتری به حفظ آنها می‌پردازد. بنابراین تا وقتی مشکل اقلیت‌ها حل نشود، و آنان احساس نکنند که می‌بایست روی تفاوت‌های خودشان برای حفظ هویت‌شان انگشت بگذارند، ماجرای اختلاف میان آنان و دیگران حل نخواهد شد. اقلیت باید احساس کند تفاوتی با دیگران ندارد و این امر تنها با اعطای حقوق حقه او امکان‌پذیر است.[۲]

۹ ـ روابط کشورهای اسلامی اگر معطوف به اشتراک عقیده، وحدت قبله، کتاب آسمانی و دیگر مشترکات باشد، اختلافات و زمینه‌های جدایی را کم می‌کند؛ اختلافاتی که بسیاری از آن ریشه در طبیعت، جغرافیا، زبان و فرهنگ‌های بومی و گوناگونی‌های طبیعی دارد. بنابراین نبایستی این گوناگونی‌های طبیعی، دستاویزی برای دوری‌ها و جدایی‌ها قرار گیرد و اعمال و رفتار این کشورها، خصومت‌آمیز تعبیر و تفسیر شود. بیش از هر چیز، همکاری‌های بین‌المللی کشورهای اسلامی، اگر معطوف به حسن نیت و حسن مفاهمه و درک عمیق نیازها و خواسته‌ها باشد، می‌تواند در تشکیل یکپارچگی و همسویی بین‌المللی مؤثر باشد. تجربه تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای، نشان داده است که گام اول در تشکیل این اتحادیه‌ها، تنظیم روابط

---

۱ . علوی مقدم، وظیفه حاکم اسلامی برای برقراری وحدت بین مذاهب اسلامی چیست؟ مجموعه مقالات کتاب وحدت، ص ۴۹ ، به نقل از مجله الازهر، ش رمضان ۱۳۷۷ هـ ق.

۲ . جعفریان، ۱۳۸۶، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دوستانه و همکاری‌های متقابل میان این کشورها است و در سایه همکاری‌های چندجانبه، می‌توان راه صعب‌العبور تشکیل اتحادیه اسلامی را هموار کرد.(۱)

ب) زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی همگرایی در جهان اسلام

اقتصاد در جهان امروز یک ارزش حاکم و پذیرفته شده است و ارزش‌های دیگر در مقابل آن کم ارج شده‌اند البته این بدان معنی نیست که اقتصاد زیربنا و محور تحلیل و تفسیر همه چیز قرار گیرد، لکن در یک نگرش واقع‌بینانه، می‌توان گفت: اقتصاد سالم کمک بزرگی برای حلّ مشکلات کشور و سامان‌دهی امور سیاسی، فرهنگی و غیر آن می‌باشد. پس هرچند اقتصاد زیربنا نیست، اما مشکل گشاست. چنانچه در امور شخصی و فردی نیز چنین است.

۱ ـ متأسفانه اقتصاد کشورهای اسلامی عمدتاً تک محصولی و عمدتاً برپایه نفت استوار است. تا چندی پیش، کشاورزی منبع اصلی درآمد ملی را در همه اکثر کشورهای اسلامی تشکیل می‌داد. در واقع، تنها درسی (یا پنجاه) ساله اخیر است که با رشد درآمدهای نفتی و صنعتی شدن، اهمیت نسبی کشاورزی در اقتصاد بعضی از کشورهای موردنظر رو به کاهش نهاده است.

اشکال از این جا ناشی می‌شود که کشورهایی که تا حدودی وضع اقتصادی بهتری نسبت به بقیه دارند صرفاً به فروش نفت متکی هستند. معنای آن این است که با پایان یافتن ذخایر نفتی، اگر چاره‌ای اساسی نیندیشیده باشند، مجدداً بر ویرانه‌هایی خواهند نشست که پیش از دستیابی به صنعت نفت بر آنها نشسته بودند. کافی است چند دهه پیش را به یاد آوریم که چگونه فقر گریبانگیر مردم مناطق خلیج فارس و بعضاً خاورمیانه بود. بنابراین، به منظور رسیدن به اقتصادی صحیح و مبتنی بر صادرات و احیاناً واردات حساب شده باید دوراندیشی کرد. بدین وسیله، ارزش همگرایی تا حدودی روشن می شود. زیرا مجموعه این کشورها می‌توانند بازار تولید و مصرف را در میان خود به وجود آورند و آنگاه دیگر نیازی نیست کشورهای صادرکننده

---

۱ . پورهاشمی، مجلات پگاه حوزه، شماره ۱۷۴ .

برای صدور محصولات خود به اقصی نقاط دنیا سفر کنند و عاقبت، آن را نفروخته بازگردانند یا به قیمت ناچیزی به فروش برسانند، بلکه بازار مصرف تولیدات هر محصولی، اعم از کشاورزی، صنعتی و غیر آن، تا میزان قابل توجهی از پیش مهیّا و قابل اعتماد است. بنابراین، هر یک از کشورهای دارای منافع اقتصادی اختصاصی و ملی هستند که با منافع اشتراکی و فراملی‌شان رابطه تنگاتنگی دارد. علاوه براینکه بازار تولید و مصرف به واسطه همگرایی اقتصادی تضمین می‌شود.(۱)

۲ ـ تعدادی از کشورهای اسلامی دارای اختلافاتی بر سر منابع ممتد در مرزهای خود هستند از جمله کشورهای عراق، سوریه و ترکیه بر سر دجله و فرات، مصر و سودان و فلسطین اشغالی بر سر نیل و ایران و عراق در مورد اروند رود چنانچه نظر برخی از متفکران معاصر نیز چنین است:

«... آب می‌رود که به عنوان یک ماده استراتژیک جای نفت را که به هر حال، عمر مفیدش در بسیاری از مناطق به پایان رسیده است بگیرد. رفع اختلاف و ایجاد تفاهم عامل همگرایی و همکاری می‌تواند باشد. همچنین برطرف نمودن اختلافات عملکردی در مرزها بر سر راه ورود و خروج کالا و مسافر می‌تواند راهگشا باشد».

۳ ـ زمینه‌های اقتصادی و مالی نیز می‌تواند عامل مهم و مؤثری برای تشکیل «اتحادیه کشورهای اسلامی» باشد. امروزه بسیاری از کشورهای اسلامی به تکنولوژی‌های فنی و تکنیکی مؤثری دست یافته‌اند که می‌توانند با تبادل و انتقال این تکنولوژی‌ها به کشورهای توسعه نیافته، کمکِ شایانی کنند. از سوی دیگر بسیاری از کشورهای اسلامی دارای ذخائر نفتی و گازی سرشاری می‌باشند که گردش صحیح و درست آن در میان کشورهای اسلامی، گامی مؤثر در پیشرفت اقتصادی این کشورها است و می‌تواند زمینه‌های مؤثر اقتصادی

---

۱ . فصلنامه معرفت، شماره ۲۲ .

را میان آنان فراهم سازد. در صورتی که گردش مالی و تجاری میان کشورهای اسلامی، نسبت به سایر کشورها گسترش یابد و این کشورها بتوانند تراز تجاری بالایی میان هم برقرار کنند، وابستگی‌های متقابلی ایجاد می‌شود که در نتیجه این وابستگی‌های متقابل، زمینه برای ایجاد یکپارچگی همه جانبه، فراهم می‌آید.

۴ ـ تشکیل اتحادیه پولی نیز که از چندی پیش مورد توجه برخی از رهبران کشورهای اسلامی قرار گرفته است، می‌تواند در رسیدن به یکپارچگی اقتصادی مؤثر باشد. «پول واحد» اسلامی نیز ابزاری کارآمد در این یکپارچگی اقتصادی به شمار می‌آید. در واقع یکپارچگی اقتصادی و تلاش برای رسیدن به اتحادیه مالی، می‌تواند در کاهش اختلافات اقتصادی میان کشورهای اسلامی مؤثر باشد. بدون تردید در میان کشورهای اسلامی، کشورهای مختلف با زمینه‌ها و استعدادهای متفاوت اقتصادی وجود دارند که هرکدام دارای پتانسیل‌های مهم اقتصادی در دنیا محسوب می‌شوند. از سوی دیگر کشورهایی نیز هستند که از نظر اقتصادی، شرایط خوبی ندارند. از این رو، گسترش مبادلات و معاملات اقتصادی میان کشورهای اسلامی، می‌تواند به توسعه همه کشورهای اسلامی کمک کند و با توجه به الگوها و معیارهای صحیح، امکان پیشرفت برای همه فراهم می‌آید.

۵ ـ کشورهای اسلامی می‌توانند از الگوی اقتصاد اسلامی برای معاملات و معادلات تجاری و دادوستدهای اقتصادی بهره گیرند، تن دادن به استانداردها و الگوهای دیکته شده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که جز به پیشرفت و رشد سرمایه‌داری غربی نمی‌اندیشد، آنها را از رسیدن به «اتحاد کشورهای اسلامی» باز می‌دارد. از این‌رو روابط اقتصادی میان کشورهای اسلامی که دارای منابع و زمینه‌های اقتصادی عظیمی است، می‌تواند در رسیدن به اتحادیه کشورهای اسلامی کمک شایانی نماید و این ایده بزرگ در میان کشورهای اسلامی به پیش شرط‌ها و بایسته‌هایی نیازمند است که در سایه آن می‌توان به آرمان بزرگ ملت‌های مسلمان جامه عمل پوشاند.

۶ ـ پول مشترک میان‌کشورهای اسلامی می‌تواند از سلطه تاریخی و هژمونی مالی دلار بکاهد. با به جریان افتادن پول واحد شرایط مساعد و هموارى برای اعلام «پول واحد اسلامی» ایجاد شده است. ایجاد پول مشترک، می‌تواند در افزایش حجم مبادلات تجاری میان‌کشورهای اسلامی نیز مؤثر باشد. امروزه با اینکه بسیاری از کشورهای اسلامی دارای رقم تجارتی و مالی سرسام‌آوری هستند، ولی گردش مالی میان آنها ناچیز است و بیش از آنکه کشورهای اسلامی در درون خود روابط تجاری و اقتصادی مستحکم‌تری داشته باشند، با دیگر کشورها روابط اقتصادی به مراتب بیشتری دارند و همین فاصله اقتصادی میان‌کشورهای اسلامی، انگیزه‌ها و تمایلات را برای وفاق و یکپارچگی کاهش می‌دهد.

۷ ـ از نظر سرمایه‌گذاری خارجی نیز کشورهای اسلامی با سرمایه‌گذاری می‌توانند زمینه‌های رونق اقتصادی را در کشورهای مسلمان ایجاد کنند؛ ضمن آنکه از آفت‌ها و عوارض منفی بکاهند.[۱]

با این‌همه، پتانسیل اقتصاد اسلامی بسیار عظیم است؛ اما انتظارات ما از آن در آینده نزدیک نباید در سطح بالا باشد. چه‌بسا ارتقای جوامع اسلامی دست‌کم در آینده نزدیک به سطح رفیع معنوی، که مطلوب اسلام و مورد توجه در تحلیل‌های اقتصاددانان مسلمانان می‌باشد، امکان‌پذیر نیست. از این گذشته، بر اثر فقدان منابع و پشتوانه سیاسی، نبود داده‌ها و دشواری اندازه‌گیری شماری از متغیرهای اجتماعی ـ اقتصادی و سیاسی شاید همه وظایفی که از اقتصاد اسلامی انتظار می‌رود، در زمان کوتاه عملی نباشد و حتی امکان دارد پس از تلاش‌ها و کوشش‌های بسیار، دست‌آوردهای چندانی فراچنگ نیاید. اما به هرحال این رشته در طول زمان و پس از گذار از فرایند تکاملی به مرحله بلوغ خواهد رسید. خوشبختانه، اقتصاد اسلامی از امتیاز بهره‌مندی از ابزارهای تحلیلی برخوردار است که به وسیله اقتصاد متعارف، اقتصاد اجتماعی، اومانیستی و نهادی و همین‌طور سایر رشته‌های

---

۱ . پگاه حوزه.

علوم اجتماعی، ساخته و پرداخته شده است.[۱]

۸ ـ ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش صنعت توریسم کشورهای اسلامی که علاوه برافزایش آگاهی‌های مردمان این کشورها نسبت به سایر نقاط قلمرو اسلامی درآمدزا نیز خواهد بود. زیرا پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های آنان شناخته خواهد شد.

ج) زمینه‌ها و بسترهای نظامی و امنیتی همگرایی در جهان اسلام

۱ ـ جلوگیری از کارهای افراطی و محکوم کردن اعمال غیرانسانی افرادی که جزو افراطی‌ها هستند، یکی از کارهایی است که باید دنبال شود. در قدم نخست این اعمال که به‌نام دفاع از مذهب علیه دیگران خشونت به خرج داده می‌شود باید محکوم گردد. به علاوه نباید برای آنها زمینه‌سازی صورت گیرد، یعنی از سوی افراد غیرمسؤول یا مسؤول مطالبی ابراز شود که نوعی پوشش مشروعیت‌گونه پنهانی برای آنها درست کند. بر دولت‌هاست تا عملاً در برابر این قبیل اعمال، حساسیت خاص نشان بدهند و چنان‌که پیگیری جدی نکنند، عاملان آن اعمال تصور خواهند کرد اعمال‌شان مورد تأیید برخی از دولت‌هاست.

این برخورد سرد، مشکل دیگری را هم پدید خواهد آورد و آن این که جناح مقابل برای به‌کارگرفتن خشونت توجیه مشروعی به‌دست می‌آورد و بعد از آن است که یک دور غیرقابل انتها پدید خواهد آمد که آغاز و شروع کننده مشخص نخواهد بود.

در اینجا باید گفت، رفتارهای وحشیانه‌ای که این روزها در عراق بر ضد شیعه به بهانه‌های مذهبی و سیاسی صورت می‌گیرد یا حرکت‌های تروریستی که در پاکستان برضد شیعه صورت می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید از سوی دولت‌های اسلامی محکوم شود. زیرا این قبیل مسائل درآینده فجایع دیگری را به‌دنبال خواهد داشت که در حال حاضر قابل پیش‌بینی نیست. به علاوه این قبیل رفتارها اگر با سکوت برگزار شود، دامنه‌اش

---

۱. علوی، مجلات پگاه حوزه، شماره ۷۱، دشوارترین آزمون اقتصاددانان اسلام.

به‌کشورها و جوامع دیگر هم‌کشانده می‌شود. زیرا وقتی در جایی امکان تلافی نباشد، این اقدام در جای دیگری دنبال می‌شود.(۱)

۲ ـ تشکیل نیروی پاسدارصلح اسلامی برای استقرار در مناطق بحرانی جهان اسلام و سایر مناطق.

۳ ـ بستن پیمان‌های نظامی و امنیتی میان‌کشورهای اسلامی در سطوح محلی و منطقه‌ای‌که در صورت نیاز به دفاع مشترک از سرزمین‌های اسلامی بپردازد.

۴ ـ حل اختلافات مرزی میان‌کشورهای اسلامی، زیرا یکی از دلایل اصلی درگیری و منازعات در سطوح مختلف است و در نتیجه ایجاد آرامش در مرزها زمینه‌های بیشتری برای ایجاد همگرایی اسلامی ایجاد می‌گردد.

۵ ـ با توجه به تعالیم اسلامی در ارتباط با دفاع مشروع تلاش برای خودکفایی نظامی واستفاده ازآن درجهت منافع مشترک جهان اسلام می‌تواند زمینه اعتماد و همگرایی اسلامی را بیشترکند.

د) زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی همگرایی در جهان اسلام

۱ ـ در حال حاضر بحث جهانی شدن بحثی فراگیر است. این رویه به دنبال یکسان‌سازی در جهان از طریق تبلیغ ارزش‌های اجتماعی و انسانی فراگیر است. مسلم این تجربه‌ها به‌کار ما می‌آید. ما باید در مقابل آن، نظریه جهانی شدن اسلامی را مطرح‌کنیم. یعنی اکنون‌که فضایی در جهت جهانی شدن فراهم آمده، دقیقاً آن را به سمت جهانی شدن اسلامی یا یک پارچه‌کردن جهان اسلام بکشانیم. طبعاً برای این‌کار باید ارزش‌های تعریف شده در اسلام را تا آنجاکه بتواند تمامی جهان اسلام و طوایف درونی آن را پوشش دهد، تعریف‌کنیم و بشناسانیم و براساس آنها نوعی جهانی شدن اسلامی را تبلیغ‌کنیم. با این‌کار، هم در مقابل جهانی شدن به سبک غربی‌ها ایستاده‌ایم و هم وحدت طوایف داخلی جهان اسلام را استوارکرده‌ایم.

---

۱ . جعفریان، ۱۳۸۶ .

۲ ـ هویت اسلامی در میان کشورهای مسلمان، می‌تواند محور و هدف مشترکی برای رسیدن به اتحاد میان کشورهای اسلامی باشد و کشورهای مسلمان را در سایه اعتقادات و ارزش‌های دینی، گردهم آورد و با تأکید بر مشترکات دینی، راه را برای رسیدن به «اتحادیه کشورهای اسلامی» هموار سازد. عنصر هویت در تشکیل بسیاری از اتحادیه‌های امروزی، نقش مهم و اساسی دارد. در تشکیل «اتحادیه اروپا» گرچه خواسته‌ها و نیازهای اقتصادی در جای خود، عامل مهمی برای تشکیل این اتحادیه بوده است، ولی هرگز نباید از عامل «هویت» در استقرار این اتحادیه غفلت کرد. احساس اروپایی بودن، احساس مشترکی است که میان کشورهای اروپایی، از ضعیف تا قوی وجود دارد. در میان کشورهای اسلامی نیز، احساس و هویت اسلامی به طور محسوس وجود دارد. گرچه تبلیغات منفی رسانه‌های گروهی جهان برای خدشه‌دار کردن هویت اسلامی، سال‌ها است که با بزرگ‌نمایی اختلافات، سعی در تاریک‌نمایی و کوچک‌انگاری آن نموده است؛ اما «احساس مسلمانی» و «هویت اسلامی» همچنان در میان مسلمانان، روز به روز در حال افزایش است. این احساس زمانی که در مقابل غیرمسلمانان قرار می‌گیرد، برجسته‌تر و نمایان‌تر می‌شود. از این‌رو «هویت» می‌تواند عنصری مهم و اساسی برای رسیدن به «اتحادیه کشورهای اسلامی» باشد؛ مشروط به آنکه اختلافات زبانی، قومی، اقتصادی و حتی منطقه‌ای، نتواند مانع از بروز احساس «ما» بودن و هویت مسلمانی، داشته باشد. از سوی دیگر، آگاهی‌های ملت‌های مسلمان درباره این هویت، می‌تواند بستری مناسب برای همگرایی‌ها و یکپارچگی‌ها میان آنان فراهم آورد.[۱]

۳ ـ یک اقدام اساسی برای وحدت، پدید آوردن شعارها و نمادها، برای وحدت است که می‌باید در دستورکار مراکز تبلیغی و رسانه‌ای قرارگیرد. برای این‌کار باید تمامی مراکز هنری آماده شوند. یک مثال خوب تاریخی، نشریه‌ای است که حدود پنجاه سال پیش از این در تهران با نام مسلمین به چاپ می‌رسید و نشریه‌ای وحدت‌گرا بود. دراین نشریه به‌اخبار جهان اسلام

---

۱. پگاه حوزه.

به طور یکسان نگاه می‌شد و به هیچ وجه طائفی‌گری در آن دخالت داده نمی‌شد. بحث هندوستان، اندونزی، مسائل آفریقا و غیر آن. اما جالب بود که به لحاظ شعاری، روی جلد آن، در حاشیه، در سه سمت بالا و چپ و راست، تصویر کوچک شده ده‌ها مسجد بزرگ جهان اسلام را که هرکدام از یکی از شهرهای برجسته در جهان اسلام بود، انتخاب کرده و تقریباً به صورت دائمی این حاشیه را روی جلد نشریه به چاپ می‌رساند. دنبال کردن بحث‌های مربوط به تمدن اسلامی و تبیین نظریاتی برای بازگشت به شکوه و عظمت جهان اسلام که معلول نوعی اتحاد میان اقوام و ملت‌های اسلامی در قرن چهارم و پنجم هجری بود، می‌تواند در آماده کردن اذهان امت برای وحدت و در نهایت رسیدن به مجد و عظمت پیشین مؤثر باشد.

۴ـ محققان و نویسندگان و رسانه‌ها درباره بیان ضرر و زیان اختلافات مذهبی در گذشته و این که تا چه‌اندازه خسارت‌بار بوده و هر بار سبب از میان رفتن نیرو و انرژی‌بخش مهمی از جهان اسلام شده، بدون آن که این اختلاف مشکلی را حل کرده و در بسته‌ای را گشوده باشد، تحقیق کنند و کتاب بنویسند و خبر و گزارش تهیه کنند. به عبارت دیگر، بیان تجارب تلخ اختلاف‌ها می‌تواند راه را برای ساختن ذهنیتی در جهت بی‌فایده بودن تکرار آن مسائل هموار کند. البته گفتنی است که برخی از طوایف، دقیقاً از این مسائل برای تعمیق و توسعه اختلافات استفاده کرده هر بار می‌کوشند تا با مرور بر آن تجربه‌ها، دیگری را مقصر نشان داده و زمینه را برای خشمگین کردن طائفه مقابل فراهم سازند.[۱]

۵ـ با ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها و نوشتن نمایش نامه‌ها، سفرنامه نیز می‌توان جهت ایجاد وحدت اسلامی زمینه‌سازی نمود. بهتر است این دست از آثار به زبان‌های مختلف ترجمه شوند و در اختیار مسلمانان قرار گیرند.

---

۱. جعفریان، ۱۳۸۶، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۶ ـ به‌نظر می‌رسد که «اسلام» به خوبی می‌تواند نقش وحدت‌آفرینی در میان کشورهای اسلامی ایفا کند؛ زیرا نقش همبسته‌سازی اسلام از این جهت است که عملاً تمام جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تجویز دستورات اخلاقی، تمامی مسلمانان را، بی‌توجه به نژاد یا زبان، به صورت یک جامعه معنوی (امّت) متحد درمی‌آورد. در سراسر دارالاسلام (قلمرو اسلامی) مسلمانان باید پنج رکن دین (یا تکالیف اصلی) را رعایت کنند. این باعث می‌شود که کلیه ساکنان منطقه از تجربیات مشابه بهره‌مند شوند. یکی از ارکان پنجگانه، نماز است که پنج‌بار در روز باید گذارده شود. شکل و محتوای این نمازها از نظر جغرافیایی تغییر چندانی نمی‌کند. مهم این است که کلیه مسلمانان در موقع نماز به طرف مکه می‌ایستند که این امر یگانگی آنها و نقش وحدت بخش اسلام را مورد تأیید قرار می‌دهد. کلیه مسلمانان باید به ایمان خود شهادت دهند با تکرار این جمله «لا اِلهَ اِلاّ الله» به نیازمندان و فقیران زکات بدهند، برای مدت یک ماه (رمضان) روزه بگیرند و دست کم، یک بار در طول عمر، برای زیارت (حج) به مکه بروند. نقش حج به ویژه، تقویت حس عمیق تعلق به جامعه اسلامی است. در سال‌های اخیر، بیش از دو میلیون مسلمان در یک هفته مقرّر به‌مکه رفته‌اند.

حج یکی از اشکال اصلی کنش متقابل فضایی در میان مسلمانان است و راهی است که با آن وحدت اسلام طی قرون متمادی حفظ شده است. نسبت بالایی از زائران مکه را اعراب تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۲ از ۸۵۳۵۵۵ نفر زائر خارجی (غیر سعودی)، تعداد ۳۹۶۸۸۲ نفر (۴۶ درصد) از کشورهای عربی آمدند.[۱]

هـ) زمینه‌ها و بسترهای علمی همگرایی در جهان اسلام

۱ ـ اولین و مهم‌ترین راهکار جهت همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه‌پردازان و عالمان دینی فرقه‌های اسلامی در کنارهم قرار گرفته،

---

۱. فصلنامه معرفت، شماره ۲۲.

گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسائل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا خیلی از مسائل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه‌های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند. عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان برداشت‌های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه‌های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه‌های اسلامی دارد. عدم آشنایی مذاهب از عقاید یکدیگر موجب می‌شود دشمنان اسلام و آنها که از تفرقه‌ها میان فرقه‌های اسلامی سود می‌برند. به واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف‌برانگیز را پررنگ‌تر کرده و مواردی را که موجب اتحاد بین مسلمانان می‌شود، نادیده گیرند.

۲ ـ یکی از شیوه‌های کاربردی در ایجاد وحدت اسلامی تدوین آثار علمی در قالب کتاب، مجله و روزنامه، نیز برگزاری نشست‌های علمی و تبادل‌افکار و نظریات است. در آثار علمی باید به عوامل وحدت و عوامل اختلاف پرداخته شده و مشکلات جهان اسلام بررسی گردد.

۳ ـ ایجاد دانشگاه‌های اسلامی که درآن گروه‌ها و فرق مختلف اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند و در آنجاپاسخ‌هایی برای نیازهای حال حاضر جوامع اسلامی و غیراسلامی یافت. البته اشتراکات اسلامی را تقویت و زمینه‌های همگرایی بیشتر را فراهم کند و البته تبادل استاد و دانشجو همچنین ایجاد رشته‌های جدید مورد نیاز می‌تواند راه‌گشا باشد.

و) زمینه‌ها و بسترهای مذهبی همگرایی در جهان اسلام

زمینه‌های فراوان همگرایی میان مسلمانان مانند دین اسلام، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله و کتاب آسمانی واحد درکنار دشمنان مشترک، این امکان و ضرورت را آشکار می‌سازد که مسلمانان صرفنظر از فرق مختلف می‌توانند و باید انسجام خود را حفظ کنند تا دشمنان اسلام، که نه شیعه برایشان

موضوعیت دارد و نه سنت، بر آنان سلطه پیدا نکنند. به عبارت دیگر، براساس تعالیم مکتب اسلام هر مسلمانی باید نسبت به برادران و خواهران ایمانی خویش مسئول باشد. بنابراین دایره وحدت فراتر از مرزهای جغرافیایی، نژادی، خونی و... می‌شود.[۱] به‌طورکلی تأکید دین اسلام بر همگرایی و زمینه‌هاو بسترهای آن به شرح زیر است:

۱ ـ و همگی به ریسمان محکم خداوندی چنگ زنید و پراکنده نشوید و به‌یاد آرید نعمت بزرگ خدا راکه شما باهم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی قرار داد و با نعمت خداوندی با یکدیگر برادر شدید و برلبه پرتگاه بودید، خداوند شما را از آن نجات داد.[۲]

به‌نظر می‌رسد کتاب خدا، که بیان خالق انسان‌هاست، می‌تواند محکم‌ترین ریسمان وحدت در جوامع بشری به‌شمار آید. اسلام بیش از همه، بر وحدت و همگرایی میان آحاد ملت‌ها و دولت‌ها تأکید دارد و قرآن شریف در چندین مورد می‌فرمایدکه شما انسان‌ها از نفس واحده یعنی یک فرد به‌وجود آمده‌اید. لذا، منظور خدای متعال آن است که مجدداً به اصل و فطرت خویش بازگشت نمایید و از جنگ و نزاع بر سر منافع شخصی بپرهیزید.[۳] بعلاوه امت در تعبیر و اصطلاح قرآنی، گروهی همسان در دین، آیین، زمان، مکان و دیگر مشترکات انسانی است.[۴] و به تعبیری دیگر امت گروه خاصی از پیروان یک دین یا یک عصر به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد یا رویکرد فکری هستند.[۵] قرآن یکی از اهداف پیامبر را امت‌سازی می‌داند. از ویژگی‌هایی که قرآن برای امت نمونه و شاهد بیان می‌کند این است که در کارهای

---

۱. افشار، ۸۶۱۳، همگرایی و همدلی، روزنامه رسالت.

۲. آل‌عمران: ۱۰۳.

۳. فصلنامه معرفت، شماره ۲۲.

۴. بقره: ۱۲۸؛ مائده: ۴۸ و مانندآن.

۵. المیزان، ج ۶، ص ۳۹.

یکدیگر نظارت می‌کنند، امربه معروف و نهی از منکر می‌کنند.[۱] تعاون بر خیر و تقوا در میان‌شان اصالت دارد، برادری ایمانی در میان ایشان در آن حد و اندازه است که از خود می‌گذرند و ایثار می‌کنند، در جستجوی وضعیت یکدیگر به تجسس و جاسوسی اقدام نمی‌کنند، از غیبت و تهمت و افترا پرهیز می‌کنند، گذشت را حتی در مورد قاتل در نظر می‌گیرند به عبارتی ازحق خویش برای تقویت همبستگی می‌گذرند.[۲] بطورکلی تأکید قرآن درایجاد وحدت به نقاط مشترک است وامت اسلامی را به یگانه شدن بر محور آنان فرا خوانده است.

۲ ـ مراجعه به سنت حضرت محمدﷺ از راهکارهای ایجاد و حفظ یگانگی و همگرایی در جهان اسلام است. «**فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول**». در روایت امیرالمومنینؑ به مراجعه به سنت پیامبر تعبیر شده است. پیامبرﷺ با توجه به عهده داربودن سمت شرح و تبیین قرآن درکنار مقام رسالت[۳] افزون برآن می‌تواند برطرف‌کننده منازعات و مشاجرات باشد و بدین سبب پذیرش داوری ایشان مورد تأکید قرآن است.[۴] سنت حضرت به صورت شارح قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن راکه خود ممکن است زمینه‌ساز پراکندگی باشد برطرف‌کند، چنانچه حضرت علیؑ برای نشان دادن اشتباه خوارج درکج فهمی از آیه «**ان الحکم الا الله**» از ابن‌عباس می‌خواهدکه با سنت با آنان به محاجه بپردازد.[۵]

۳ ـ بی‌تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه‌های اسلامی نقش بنیادی در وحدت اسلامی دارد، همان‌گونه‌که نقش اساسی در اختلافات مسلمانان دارد. اگر مجتهدان فتاوایی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر را صادر نمایند، زمینه‌های همسویی

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۴.

۲. آقاخانی، ۱۳۸۶ کیهان، اتحاد امت اسلام و راهکارهای قرآنی آن.

۳. نحل: ۴۴.

۴. نساء: ۶۵.

۵. نصیری، ۱۳۸۶، کیهان، عوامل وحدت‌آفرین از دیدگاه قرآن.

مسلمانان را فراهم می‌کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل‌سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده‌اند.

شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر مصر در زمان جمال عبدالناصر یکی از کسانی است که در فتوای معروف خود، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأییدکرد.[۱] فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل‌سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت.

۴ ـ آشنایی مسلمانان با آموزه‌های دینی زمینه‌ساز همگرایی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده‌اند. در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است: ﴿**انما المؤمنون اخوة...**﴾[۲] ﴿**واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا...**﴾.[۳] در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی و اتحاد اسلامی سفارش شده است.[۴] شخصیت‌هایی مانند امام راحل و علامه شرف‌الدین براین باور بودند که جهت «ایجاد وحدت اسلامی» آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکتهٔ قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی «جماعة التقریب بین المذاهب الاسلامیة» که در قاهره تشکیل شده، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی آشنایی پیداکنند.

۵ ـ گفتگوی تمدن‌ها قبل از طرح آن در حوزه جهانی، می‌تواند در درون جهان اسلام به معرض تجربه درآید. ایجاد وفاق در میان گرایش‌های فقهی و کلامی در جهان اسلام، نزاع‌ها و کشمکش‌های سنتی میان شیعه و سنی، (حنبلی، مالکی و...) راکاهش می‌دهد و همه مسلمانان را در تحت مفهومی بالاتر و جامع‌تر، مانند اسلام، تعریف می‌کند. همگرایی مذاهب اسلامی

---

۱. شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۱۱ ـ ۳۱۰.

۲. حجرات: ۱۰.

۳. آل‌عمران: ۱۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶.

به معنای نادیده‌گرفتن یا چشم‌پوشی از تفاوت‌های موجود میان مذاهب نیست؛ بلکه مهم، یافتن روش و مکانیسمی برای همزیستی و تعامل میان مذاهب اسلامی است. بسیاری از بدخواهانِ تقریب مذاهب اسلامی، درصددند که با بهره‌برداری از اختلاف‌های اعتقادی و فقهی میان مذاهب اسلامی، راه اتحاد اسلامی را سد نمایند و در این راه نیز به موفقیت‌های بسیاری رسیده‌اند. اما رشد آگاهی ملل و مردم مسلمان، می‌تواند فاصله‌ها و شکاف‌ها را کمتر کند و در محیطی آزاد و بدون دغدغه قومی، زبانی و تعصبات سنتی، موضع‌گیری واحدی در برابر سرنوشت جهان اسلام اتخاذ شود. از این‌رو یافتن زبانی که بتواند مذاهب اسلامی را در عمل به همدیگر نزدیک کند و مشترکات میان مذاهب را برجسته و بر آن تأکید نماید و تفاوت‌ها و اختلاف‌های میان مذاهب را در سطح اختلافات فقهی و کلامی کاهش دهد، ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو گفت‌وگوی تمدن‌ها گرچه در جای خود، مسئله مهم و حیاتی برای معرفی تمدن اسلام به سایر تمدن‌ها است، ولی در درون دین اسلام و فرهنگ اسلامی نیز نیاز به گفت‌وگو و تفاهم وجود دارد. بدیهی است که گفت‌وگو و تفاهم میان گرایش‌های مختلف اسلامی، به معنای حذف و طرد این گوناگونی‌ها نیست؛ بلکه مسئله مهم، یافتن راه‌های همکاری میان آنها است و همین یافتن راه‌های همکاری میان مذاهب اسلامی، می‌تواند در رفع سوء تفاهمات و سوء برداشت‌های سنتی میان آنها، مؤثر افتد و در نتیجه در ایجاد اتحادیه کشورهای اسلامی ایفای نقش کند.

۶ ـ یک گام مهم، ارائه پژوهش‌های عملی برای تبیین حقایق تاریخی از دیدگاه علمی بدون تعصبات مذهبی است. از آن جایی که بسیاری از تعصبات در اطراف مسائلی دور می‌زند که پایه علمی ندارد، این تحقیقات می‌تواند روشنگر بسیاری از نکات باشد. البته در این باره باید افرادی که خودشان از تعصب به دور هستند، کتاب و مقاله بنویسند و در نگارش هم حرمت همه چیز را پاس بدارند و در نوع نگارش، لطمه‌ای به عواطف و احساسات مذهبی نزنند. روشن است که نشر این قبیل پژوهش‌ها که باید با زبان کاملاً علمی نوشته شده و تحریک کننده نباشد، می‌تواند دست‌کم روی قشری از فرهیختگان تأثیر بگذارد و از طریق آنان به توده‌های مردم

منتقل شود. در سال‌های اخیر روشنفکران جهان اسلام، تألیفاتی در این زمینه داشته‌اند که گرچه برخی با واکنش‌های منفی مواجه شده، اما روی نسل جدید تأثیر خاص خود را داشته و می‌توان امید داشت که به مرور فراگیر شود.

۷ـ رهبران هر مذهبی، می‌بایست برای وحدت، زمینه‌سازی کنند. این کار در دو مرحله انجام می‌گیرد: اول ایجاد زمینه‌های ذهنی که اندیشمندان باید فراهم کنند. دوم توصیه‌های عملی و راهبردی که نمی‌تواند از سوی علمای درجه سوم و حتی دوم مطرح شود. این اقدام برای آن‌که به نتیجه برسد، باید از سوی بالاترین مقامات مذهبی که مورد اعتماد مردم و هم مذهبان خود هستند، اعلام شود. اظهارنظر در این باره از سوی دیگران ممکن است زمینه‌ای را فراهم کند، اما بسا تردیدهایی را هم به وجود می‌آورد. باید تلاش کرد تا رهبران مذهبی اصلی، رهبری جریان وحدت اسلامی را در دست بگیرند.

شاید همین جا نکته دیگری هم اهمیت داشته باشد و آن این است که نباید اصلاح صرفاً از سوی محافل روشنفکری مذهبی باشد. زیرا این جماعت در میان توده‌های مردم نفوذ چندانی ندارند و هر ازگاهی به لائیک بودن هم متهم می‌شوند. قشری که باید وحدت را بپذیرد و ترویج کند، قشری است که به‌طور مستمر به عنوان رهبر مذهبی، کار هدایت مردم را برعهده دارد. مردم به امام جماعت مسجد خود بیش از یک استاد دانشگاه بها می‌دهند. البته در این سال‌ها قدری فضا تغییر کرده اما همچنان این مسئله وجود داشته و خواهد داشت که اعتماد مردم به رهبران درجه اول مذهبی است که صرف‌نظر از قیل و قال‌های علمی، مسائل دینی را بسیار صریح و بدن تردید بیان می‌کنند.

۸ـ تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که در دنیای اسلام، همگرایی با تأکید روی عرفان و معنویت بسیار سریع فراهم می‌آمده است. زمانی که دنیای اسلام علائق عرفانی گسترده داشت، توانسته بود نسل‌ها و نژادها و طوایف مختلف را زیر سایه وحدتی فراگیر جای دهد و از آنان یک امت واحده که زبان یکدیگر را راحت می‌فهمیدند بسازد. تصوف منهای جنبه‌های منفی آن، به دلیل آموزه‌های معنوی و تأکیدی که روی جنبه‌های الهی موجود در انسان که مهم‌ترین

جنبه‌های مشترک انسان‌ها محسوب می‌شود دارد می‌توانست و می‌تواند زمینه این وحدت را در سرتاسر جهان اسلام فراهم کند. اگر در دستگاه تصوف اصلاحاتی صورت بگیرد و شکل حزبی آن که فرقه‌سازی است و خود اسباب مخالفت و معارضت است کنار گذاشته شده و تنها آموزه‌های اصلی آن در رواج معنویت به عنوان مهم‌ترین هدف دین مورد توجه قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود که به مقدار زیادی همگرایی و وحدت اسلامی موردنظر فراهم آید. شاید همین امر سبب آن شد تا در مصر مسئله تقریب پذیرفته شده اما در سعودی که تفکر وهابی شدیداً ضد فلسفه و تصوف است نه.

۹ ـ نکته دیگر آن است که عالمان و اندیشمندانی که در تلاش برای وحدت میان مسلمانان هستند، می‌بایست از اظهارنظرهایی که سبب تحریک هم مذهبان آنان می‌شود جلوگیری کنند. در واقع آنان باید توجه داشته باشند که روی یک لبه باریک و در عین حال تیز حرکت می‌کنند. آنان باید مراعات احساسات مذهبی هر دو طرف را بکنند. هرگاه آنان، اظهاراتی بکنند که تحت عنوان اصلاح‌طلبی نوعی مخالفت با عقاید و باورهای پذیرفته شده داشته باشد، طبعاً نقش آنان دیگر نقشی وحدت آفرین نیست. بسا این کارها لازم باشد اما نه از زبان کسی که دنبال وحدت است. این کار را باید علمای اصلاح‌طلب انجام دهند و تبعات آن را هم بپذیرند. اما کسی که طالب وحدت است، اگر در این زمینه‌ها اظهارنظر کند، سبب برآشفتن هم مذهبان خود شده و آنان را نسبت به اهداف خود مشکوک می‌کند.[۱]

۱۰ ـ مناسک حج به عنوان یک مراسم مذهبی ـ سیاسی برای انسجام و همگرایی هرچه بیشتر میان مسلمانانی که هر ساله از سراسر جهان در این گردهمایی بزرگ معنوی شرکت می‌کنند، می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

---

۱. جعفریان، ۱۳۸۶، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نتیجه‌گیری

در این ایام دشواری که امت اسلامی را آشوب و اضطراب فراگرفته و در برابر خطرهای پی‌درپی که حال و آینده سراسر این قلمرو را دستخوش توفان کرده، بیش از پیش نیاز مبرم مسلمانان به وحدت و متحدکردن صفوف متفرق و همگرایی است. این امر از آن‌رو ضروری است که مسلمانان باید در حرکت به سوی آینده و ترسیم سرنوشت تاریخی و ادای مسئولیت‌هایشان مسیر خود را بشناسند و به خویشتن اعتماد کنند. این همگرایی نباید تنها به صورت یک شعار یا جمله زیبا جلوه‌گر شود، بلکه باید در تار و پود اندیشه، فکر و زندگی، راه و روش ما خودنمایی کند زیرا زمینه‌ها و بسترهای آن در جهان اسلام موجود است و نیاز به باروری و به صحنه عمل کشیدن دارد. این وحدت رکن اساسی برای آینده است. و جز با بذل عنایت فکری و درپی آن با تلاش مستمر همگانی مسلمین چه در میان مردم وچه در سطح دولت‌های و با وجدانی خاص محقق نخواهد شد. اگر وحدت حقیقی بنیان‌گذاشته شود و استوار گردد، نمونه والگویی پدید می‌آید که می‌توان بدان اقتدا کرد.

منابع

۱ ـ قرآن کریم.

۲ ـ آذربخش، سید علی‌محمد، نقش سازمان کنفرانس اسلامی در حل و فصل بحران‌های جهان اسلام چیست؟ سازمانی در چنبره تشریفات ۱۳۸۵/۵/۱۶ .

۳ ـ آقاجانی، علی، اتحاد امت اسلامی و راهکارهای، روزنامه کیهان، ۱۳۸۶/۳/۲۲ .

۴ ـ بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۱۱ ـ ۳۱۰ .

۵ ـ پورهاشمی، سیدعباس، مجلات پگاه حوزه، شماره ۱۷۴ ، اتحادیه کشورهای اسلامی، عوامل بازدارنده و راهکارهای پیشبرد.

۶ ـ تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۹ .

۷ ـ تفسیر نمونه، ج ۳ ، ص ۴۶ .

۸ ـ توال فرانسوا، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوق ونینی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰ ، ص ۳ .

۹ ـ جعفریان، رسول، دوازده پیشنهاد راهبردی برای تحقق انسجام اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ .

۱۰ ـ چرام، ع، دشوارترین آزمون اقتصاددانان اسلام، ترجمه: سید اسحاق علوی، مجلات پگاه حوزه، شماره ۷۱ .

۱۱ ـ خسروی، حسن، راهکارهای اتحاد ملی انسجام اسلامی، روزنامه ایران ۱۳۸۶/۲/۲ .

۱۲ ـ درایسدلااسدایرواچ، بلیک جرالد، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴ ، ص ۳۰ .

۱۳ ـ روزنامه رسالت، اسدالله افشار، ۸۶/۱/۲۴ ، سال ۸۶ سال همگرایی و همدلی.

۱۴ ـ سیف‌زاده، سیدحسین، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشرسفیر، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱ .

۱۵ ـ عزتی، عزت‌الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم: واحد تدوین کتب درسی، چاپ اول، ۱۳۷۸ .

۱۶ ـ عزتی، عزت‌الله، ژئوپولیتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ ، ص ۱۶۳ .

۱۷ ـ عزتی، عزت‌الله، ژئوپولیتیک درقرن بیست ویکم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲ ، ص ۱۵۵ .

۱۸ ـ علوی مقدم، محمد، وظیفه حاکم اسلامی برای برقراری وحدت بین مذاهب اسلامی چیست وحدت در قرآن، مجموعه مقالات کتاب وحدت، ص ۴۹ ، به نقل از مجله الازهر، ش رمضان ۱۳۷۷ ه ق.

۱۹ ـ فردوسی‌پور، مجتبی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی جهان اسلام، فرصت‌ها و چالش‌ها تهران، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۴ .

۲۰ ـ فصلنامه معرفت، شماره ۲۲ .

۲۱ ـ هاشمی ارزگانی: اسلام‌شناس و شخصیت علمی افغان در مشهد. یزدانی، عنایت‌الله: استاد علوم سیاسی و روابط بین‌المللی در دانشگاه اصفهان.

۲۲ ـ نصیری، علی، عوامل وحدت‌آفرین از دیدگاه قرآن، روزنامه کیهان، ۱۳۸۶/۳/۲۶ .

۲۳ ـ ماهنامه صفا، دراه وحدت فقهی مسلمانان، وحدت و همگرایی، ۱۳۸۶/۲/۱۰ .

۲۴ ـ هاگت پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران، سمت.

وحدت و انسجام در قرآن کریم و سیرهٔ نبوی

زهرا خلفی

﴿ واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جميعاً وَ لاتَفَرَّقُوا﴾[۱]

در عصر حاضر که مستبدان و اَبَرقدرتان جهان تلاش می‌کنند که جهان اسلام و مسلمین را در زیر یوغ استعمار و استبداد، خرد و نابود سازند، در این زمان حسّاس که امپریالیسم شرق و غرب می‌کوشند سلطه و قدرت خود را با نمایش تسلیحاتی بر مسلمین جهان عرضه نمایند و با صدور سرمایه به کشورهای زیرسلطه و کشمکش بر سر تسلّط برآنها پیشرفت نظام سرمایه‌داری و قدرت‌های مالی و انحصاری خود را نشان دهند، ملّت‌های اسلام باید یکی شوند و دست در دست هم، زنجیروار اجازه ندهند که سلسلهٔ وحدت ازهم بپاشد و باید در برابر اجانب و عمّال اجانب با ایمان راسخ و اتّکال به خدا مقاومت ورزند.

مسلمین جهان باید از خواب غفلت بیدار شوند. جامعهٔ خواب‌آلوده و بی‌تفاوت باید خواب غفلت‌زدگی و مخموری خود را در چشم بشکند. یک میلیارد جمعیّت اسلامی با اتّفاق و اتّحاد می‌توانند از هجوم و نفوذ زورمندان جلوگیری کنند.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

پشــه چــو پــر شـد، بـزند پـیل را　　با همه تندی و صلابت که اوست
مــورچگــان را چــو بــود اتّــفاق　　شــیر ژیـان را بـدرانـند پـوست[۱]

مسلمین همگی در تحت پرچم توحید هستند و همین پرچم توحید با دست‌های پیوسته و واحد می‌تواند در برابر سیل کِبر و کفر، استوار و پـابرجـا بـرافـراشـته گـردد و بـرفراز بـام اتّحاد مسلمین به اهتزاز درآید.

آیات منوّر الهی، گفتار کسانی را که به تثلیث قائلند برابر شرک می‌داند و با عـبارت ﴿**اِنَّما اللهُ اِلهٌ واحِدٌ**﴾[۲] به مردم می‌نمایاند که وحدت کلمه خیر و رستگاری آنان را تأمین می‌کند و نـیز ﴿**کانَ الناسُ اُمةً واحدةً**﴾[۳] و ﴿**رَبَّکُمُ الَّذی خَلَقَکُمْ مِـنْ نَـفْسٍ واحِـدَةٍ**﴾[۴] نشانگر آن است که وحدت، زبان حق و اختلاف زبان شیطان است و مسلمین از جنود خدا هستند و هرگز با تفرقه و ایجاد مفارقت میان افراد خود را جزو لشکر ابلیس قرار نمی‌دهند.

دست‌های ناپاکی سعی دارند که آحاد ملّت‌های مسلمان رااز هم بپاشند و با طرح مسائل پوچ و بی‌معنا آنها را بـه جـان هـم بـیندازنـد و از آب گـل‌آلود مـاهی بگـیرند و بـا شـعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» به مطامع شوم خود نایل گردند. باید هوشیاری و بیداری مسلمانان جهان نقشه‌های ریاکارانهٔ آنها را نقش برآب سازد و با هم‌دلی و هم‌بستگی بیشتر سدّ راه آنان گردد و فریب‌های آنان را خنثی نماید. اتّفاق و اتّحاد مسلمین جهان تعالی و پیشرفت آنان را مهیّا ساخته و آنان را به سمت و سوی رستگاری و پیروزی می‌کشاند.

حُسنت به اتّفاق ملاحت جهان گـرفت　　آری به اتّفاق جهان می‌توان گرفت[۵]

---

۱. گلستان، ص ۳۰۰.
۲. نساء: ۱۷۱.
۳. بقره: ۲۱۴.
۴. نساء: ۱.
۵. دیوان غزلیّات حافظ، ص ۱۲۰.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه وحدت اسلامی کوشش وافری مبذول داشت و جماعت و اتّفاق را خیر و تفرقه را عذاب و مایهٔ رنج مردم می‌دانست[۱] و بین مسلمانان عقد اخوّت و برادری بست. از نخستین گام‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در ورود به مدینه پی‌ریزی زندگی اجتماعی اسلامی بود و پس از ساختن مسجد که مرکز تعلیم و تربیت و اجتماعات اسلامی بود، بین دو قبیلهٔ «اوس» و «خزرج» که سال‌ها در حال جنگ و خون‌ریزی بودند، صلح و آشتی برقرار کرد. بین «مهاجران» و مردم مدینه که مهاجران را در خانه‌های خود پذیرفته بودند، یعنی «انصار» پیمان برادری برقرار کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله، توحید اسلامی و پیوند اعتقادی و برادری را جایگزین روابط قبیلگی کرد و از مردمی کینه‌توز و بی‌خبر از نظام اجتماعی و قانون، جامعه‌ای متّحد و برادر به وجود آورد.[۲]

آیین محمّدی نه تنها وحدت خالق را در میان مشرک و بت‌پرست ایجاد نمود، بلکه وحدت امّت و مخلوق را نیز به وجود آورد که همه یکی شدند و شکل ساختمان واحد به خود گرفتند.

این نظام جدید را محمّد صلی الله علیه و آله سیزده سال با سخت‌ترین مقاومت‌ها و دشمنی‌های قریش در مکّه پی‌ریزی کرد.

این نظم جدید تمام مؤمنین را جامعهٔ واحد ساخت ولو این‌که از قبایل مختلف تشکیل شده و در مواضع و محل‌های بسیار دور و مجزای از یکدیگر قرار گرفته بودند.

مذهب اسلام در واقع نیروی صحیح و سالم التصاق دهنده‌ای شد که ابتدا قبایل و عشایر و سپس اقوام و ملل خارجی را طوری بهم چسباند و جوش داد که حکم نیروی واحد و جامعهٔ یگانه‌ای پیدا کردند. جامعه‌ای که هیچ قوّه و نیرو نمی‌توانست آنها را از یکدیگر جدا کند.

---

۱. نهج‌الفصاحه، بخشی از شمارهٔ ۱۲۰۲.

۲. چهارده اختر تابناک، ص ۳۷.

پیامبر ﷺ پیوسته به انصار دستور می‌داد که به برادران مهاجر خود که همه چیز خود را در مکّه گذارده‌اند کمک و همراهی کنند. عبدالرّحمن بن عوف بدون دیناری به مدینه رسیده بود. انصاری سعید که در عقد «پیمان برادری» برادر خواندهٔ او شد تمام دارایی خود را در اختیار وی گذاشت.

محمّد ﷺ در هفته‌های اول ورود به مدینه تمام سعی و توجّه خود را بدان معطوف داشت که نه تنها زمزمهٔ رقابت و اختلافی که میان مهاجرین و انصار به وجود آمده بود، برطرف سازد، بلکه آنها را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کند و اساس این بنیان و نظم جدید را محکم نماید. او می‌دانست که نیروی بزرگ از پیوستگی و اتّصال نیروهای کوچک به دست می‌آید.

روزی از طرف پیامبر ﷺ به تمام مسلمانان و مؤمنین اطّلاع داده شد که همگی برای نماز مغرب در صحن مسجد حضور یابند. مسلمانان همیشه شوق دیدار رسول خدا را داشتند و همه شب برای دیدار وی و انجام نماز در مسجد حاضر می‌شدند. ولی این خبر که به آنها رسید اشتیاق‌شان را زیادتر کرد، همگی حاضر شدند. به دنبال پیامبر نماز گزاردند. بعد از نماز محمّد ﷺ برای آنان صحبت کرد. از خدای یگانه گفت. از مأموریت رسولش گفت. از اعمال نیک و نیّت پاک گفت. از برادری و مساوات که اساس وحدت معنوی مسلمانان است، گفتگو کرد و از پاداشی که مهاجرین و انصار در مقابل خدمات خود به اسلام خواهند یافت شرح مبسوطی بیان کرد و سپس چنین اظهار داشت:

«ای مسلمانان و ای مؤمنین! قسمتی از شما به مکّه آمدید و در عقبه در دل شب با من بیعت کردید و مرا به شهر خود فرا خواندید. قسمت دیگر از آغاز پیدایش اسلام به دین خدا درآمدید و در این راه هرگونه ناملایمی را تحمّل کردید و خلوص نیّت و پاکی ایمان خود را نشان دادید. من اکنون به شما اعلام می‌دارم که شما افراد مهاجر و انصار برادر یکدیگر هستید. این برادری شما در آسمان‌ها منعقد شده واکنون من آن عهد تقدیر و قضا را که بر لوحهٔ ابدیّت مانند

علم الهی نقش بسته است به شما اعلام می‌دارم. هرکدام برخیزید و برادر خود را انتخاب کنید».

این بیانات تأثیر بسیار عمیقی در حاضرین کرد. غلغله در میان آنان به وجود آورد. آقا و نوکر، بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر جملگی برادر یکدیگر شدند.

حمزه عموی رسول الله با زید بن حارثه غلام آزاد شدهٔ خود برادر شد. سلمان فارسی که تازه از قید رقیّت یهودی نجات یافته بود برادر ابو درداء شد و بلال غلام ابوبکر برادر ابورویحه شد.

سایرین هم هرکدام برادران خود را فی المجلس انتخاب کردند و در این جمعیّت پانصد نفری روحی از همکاری و صداقت به وجود آمد که همه خود را حتّی در دارایی و اموال برادر مؤمن خودش یکی دانستند.

آن وقت محمّد برخاست و از میان جمعیّت دست علی راگرفت. او را از میان مسلمانان بیرون کشید و با صدای محکم و پر ارادهٔ خود گفت:

«این هم برادر من».[۱]

اگر تمام قشرهای ملّت‌های اسلام به حکم ﴿**إِنَّما المُؤمِنونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ**﴾[۲] گردن نهند. اَبَرقدرتان هرگز نمی‌توانند کوچک‌ترین ضربه‌ای به عالم اسلام وارد نمایند. ملّت اسلام اگر بخواهند می‌توانند حیله‌ها و دسیسه‌های قدرت شیطانی را سرکوب نمایند چون می‌دانند «**يدُ اللهِ مَعَ الجماعةِ**» است و از یک قطره هیچ‌کاری برنمی‌آید، بلکه از قطرات باران سیل عظیم راه می‌افتد و سدّ بزرگ را می‌شکند و دریاها به وجود می‌آورد.

اگر دو یار موافق دو دل یکی سازد — فلک به یک تن تنها چه می‌تواند کرد؟
زدانا تو نشنیدی این داستان — که برگوید از گفتهٔ باستان
که گر دو برادر نهند پشت پشت — تن کوه را باد ماند به مشت[۳]

---

۱. پیامبر، بخشی از صص ۵۳۸ تا ۵۴۳.

۲. حجرات: ۱۰.

۳. امثال و حکم، ج ۱، ص ۳۰.

بـخشی از خـطبهٔ پـیامبرﷺ در حـجةالوداع در مـورد اتّـحاد و بـرادری مسـلمانان با یکدیگر بود. در این مورد فرمود:

«هان، مسلمان برادر مسلمان است، پس هیچ چیز برای مسلمان در حقّ برادرش روانیست مگرآنچه راکه بر خود نیز روا می‌داند».[۱]

اسلام بانی عقد اخـوّت است و مسـلمانان جـهان در زیـر پـرچـم پـرافـتخار اسـلام و دستورات نورانی خدای متعال با وحدت و برادری می‌توانند دست قدرت‌های بزرگ راکه هیچ فکری جز مصلحت خود و چپاول کردن ذخایر ملّت‌های ضعیف ندارنـد، قـطع کـنند. همان‌گونه که از یک گل بهار و از یک پرستو تابستان نمی‌شود و یک دست صـدا نـدارد، مسلمانان هم اگر بخواهند به تنهایی در برابر دشمنان اسلام اقدام نمایند، راه به جایی نخواهند برد و «من» تا «ما» نشود، فریادش به جایی نخواهد رسید و به قول حمید مصدّق:

چه کسی می‌خواهد
من و تو ما نشویم؟
خانه‌اش ویران باد!
من اگر ما نشوم، تنهایم
تو اگر ما نشوی، خویشتنی
از کجاکه من و تو
شور یک پارچگی را در شرق
باز بر پا نکنیم؟ از کجاکه من و تو مشت رسوایان را وا نکنیم؟
من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی‌خیزند من اگر بنشینم
تو اگر بنشینی چه کسی برخیزد؟ چه کسی با دشمن بستیزد؟
چه کسی پنجه در پنجهٔ هر دشمن دون آویزد؟[۲]

---

۱. پیام پیامبرﷺ، ص ۱۰۵.

۲. گزینه اشعار حمید مصدق، صص ۳۹ ـ ۴۰.

محمّد ﷺ به وسیلهٔ پیمان برادری روابط مؤمنین را به عالی‌ترین درجه محکم ساخت و نقشهٔ منافقان را که می‌خواستند روابط مسلمانان اوس و خزرج و مهاجر و انصار را تیره کنند بی‌اثر نمود و از این مرحله اطمینان کامل حاصل کرد و تمام توجّه و همّ خود را جهت تشکیل امّت واحد اسلامی و عقد قرار داد با یهود و سایر قبایل مدینه به کاربرد و برای اوّلین بار بود که قسمتی از قبایل عرب به نام امّت واحدی نامیده شد و با این رشته‌های محکم به هم متّصل گردیدند و برای نخستین دفعه بود که عرب‌ها به عقد قراردادی به این قدرت و قوّت در همکاری موفّق آمدند.

این پیمان برادری و این پیمان تدافعی که در فاصلهٔ کمی از زمان منعقد گردید، مؤمنان را نه تنها از هجوم قریش سرمایه‌دار راحت کرد و از این رهگذر آنها را آسوده خاطر نگاه داشت، بلکه مجال داد که به تشکیلات داخلی و اجرای قوانین الهی که توسّط پیامبرشان نازل می‌گردید مشغول شوند. غالب احکام و قوانین بعد از این پیمان نازل گردید و مسلمانان با هم‌بستگی و هم‌یاری یکدیگر در اجرای آنها کوشیدند.

پیامبر ﷺ در میان مؤمنین یک عقیده و یک ایمان و یک نوع اتّصال باطنی به وجود آورد. آنان یک نور واحد، بهشت واحد، خدای واحد و زندگی واحدی که آغاز و انجام آن یک نوع و یک رنگ شده بود در مقابل چشم ظاهر و چشم باطن خود می دیدند. علاوه براین‌ها تشکیل امّت واحد و عهد برادری تأثیر جداگانه‌ای در فردفرد آنان کرده بود.

هنگامی که منافقین می‌خواستند میان «اوس» و «خزرج» شعله‌ی جنگ را دوباره برافروزند و این دو طایفه با سلاح‌های خود مثل گذشته رویاروی هم قرار گرفتند، پیامبر ﷺ به میان آنان رفت و روی سنگ مرتفعی قرار گرفت و صدای او با این کلمات بلند شد:

«ای گروه مسلمانان، الله، الله، آیا دوباره به دورهٔ جاهلیّت برگشتید و من میان شما هستم؟ آیا به دورهٔ جاهلیّت برگشتید بعد از آن که خدا شما را به اسلام هدایت و رهبری کرد؟ آیین اسلام را به شما عطا نمود؟ عادت‌ها و کارهای جاهلیّت را از شما برید. شما را از کفر نجات داد. میان دل‌های شما الفت و محبّت برقرار ساخت».

هریک از این کلمات مانند نور خورشید بود که غبار و ابرکینه و حسّ برادرکشی را از روح و دل آنها زدود.

شمشیرها به غلاف‌های خود بازگشتند. یک مرتبه به دل آنها وحی الهی آمد که این تفتین و افساد از ناحیهٔ شیطان است و این دام از جانب دشمنان.

ناگهان اوسی‌ها و خزرجی‌ها یکدیگر را در آغوش گرفتند و بلند بلند گریستند.

رسول خدا آنها را نوازش و تحسین نمود و به طرف شهر حرکت کرد. این گروه دو قبیله هم با اطاعت و انقیادی که از دل و جان آنها برمی‌خاست به دنبال وی روان گشتند.

برق شمشیرها جای خود را به برق اشک‌های شادمانی سپرد و بدین‌گونه آتش مکر و تفتین شائس بن قیس (یهودی نفاق انداز) خاموش شد.[۱]

آری! سیرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله در حفظ و انسجام وحدت میان مسلمانان این‌گونه بود. اتّفاق و وحدت از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله رحمت بود که هر دولتی از اتّفاق است و هر بی‌دولتی از نفاق.

دو دل یک شود بشکند کوه را　　پراکندگی آرد انبوه را

حضرت علی علیه السلام، در ستایش فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله او را الفت دهندهٔ دل‌ها و زدایندهٔ کینه‌ها معرفی می‌نمایاند و می‌فرماید:

«به برکت وجودش، خداوند، کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی‌ها را با او خاموش ساخت. به واسطهٔ او در میان دل‌ها الفت افکند (و افراد دور افتاده را در سایهٔ آیینش برادر ساخت) و نزدیکانی را (که در ایمان با او هماهنگ نبودند) از هم دور ساخت».[۲]

---

۱. پیامبر، صص ۵۸۶ ـ ۵۸۷.

۲. المعجم المفهرس، نهج‌البلاغه، خطبه ۹۶.

مسلمانان که خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتاب‌شان یکی است باید با پشتیبانی و هم‌بستگی یکدیگر از اسلام دفاع نموده و به یاری کشورهای اسلامی ضعیف و کم‌درآمد بشتابند بدین ترتیب بنیاد و شالوده‌ی ممالک اسلامی را استوار و پابرجا نگاه دارند و به مخالفان اسلام اجازه ندهند که به حریم مقدّس مسلمانان تجاوز نموده وجان وثروت و مال آنان را به غارت ببرند.

اقشار ملّت‌های مسلمان با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بی‌شمار مستکبران موضعی خصمانه گرفته و از اشکال‌تراشی و تفرقه‌اندازی که به سود دشمنان است بپرهیزند. آنان باید همواره هشدارهای قرآن و سیرهٔ رسول الله را مدّنظر داشته باشند و آگاه و بیدار در ترویج اسلام و قرآن بکوشند.

مسلمانان حافظان وحدت و انسجام اسلام می‌باشند. هر فرد مسلمان مسؤول است که در برپایی این انسجام بکوشد. بدخواهان و مغرضین باید شناسایی شوند و اجازه نیابند که در صفوف مسلمین رخنه بیفکنند.

ائتلاف مسلمین یعنی نمایش قدرت اسلام. باید آگاهانه عمل نمود تا نقطه ضعفی به دست دشمنان اسلام ندهند زیرا آنان مترصّدند که از تفرقه و اختلاف سوء استفاده نموده و به نفع خود جریان آب را به حرکت درآورند. به هوش باید بود که وحدت مسلمین جهان موهبتی الهی است که می‌تواند اساس اسلام را پایدار نگاه دارد ولی تفرقه و اختلاف به سرنگونی آن کمک می‌کند و به فرمایش علی علیه‌السلام:

«از پراکندگی بپرهیزید که انسانِ تنها بهرهٔ شیطان است چنان‌که گوسفندانِ تک رو طعمهٔ گرگ!».[1]

---

۱. همان، بخش هشتم، خطبه ۱۲۷.

نتیجه

همان‌گونه که پیامبرﷺ با درایت و هوشیاری به عقد برادری میان قبایلی که سالیان سال باهم نبرد کرده و دشمنان خونی یکدیگر به شمار می‌رفتند، در همان گام‌های نخستین همّت ورزید و ادامهٔ حیات دینی و سیاسی را اتّحاد و وحدت مسلمین تشخیص داد، پس مسلمین جهان با پیروی و تبعیّت از پیامبر خود، هوشمندانه جهت اتّحاد و انسجام میان مسلمانان کمر اهتمام بسته و با تلاش‌های پیاپی ریسمان هم‌بستگی و هماهنگی میان مسلمانان را محکم‌تر و منسجم‌تر ببافند.

منابع و مآخذ

۱ ـ احمدی بیرجندی، احمد، چهارده اختر تابناک، مؤسّسة چاپ وانتشارات آستان قدس رضوی، چاپ‌نهم.

۲ ـ پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان، چاپ اوّل، ۱۳۷۴ .

۳ ـ خرّمشاهی، بهاءالدّین، انصاری، مسعود، پیام پیامبرﷺ، انتشارات جامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۶ .

۴ ـ دکتر خطیب رهبر، خلیل، دیوان غزلیّات حافظ، انتشارات صفی علیشاه، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۸ .

۵ ـ دکتر خطیب رهبر، خلیل، گلستان سعدی، انتشارات صفی علیشاه، چاپ سوّم، ۱۳۶۴ .

۶ ـ دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳ .

۷ ـ رهنما، زین العابدین، پیامبر، جلد ۱ و ۲ ، چاپخانهٔ آتشکده، چاپ چهاردهم.

۸ ـ محمّدی، محمّدکاظم، دشتی، محمّد، المعجم المفهرس لِالفاظ نهج البلاغه، نشر امام علی‌علیه‌السلام، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ .

۹ ـ مصدّق، حمید، گزینهٔ اشعار، انتشارات مروارید، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ .

اتحاد و انسجام رمز پیروزی

صالح حسن‌زاده

چکیده

اسلام دین وحدت و همبستگی است. یکی از پیام‌های اصلی قرآن نیز مسئله اتحاد میان مسلمانان و مبارزه با هرگونه عوامل تفرقه است.

رمز پیروزی مسلمانان صدر اسلام به زعامت و رهبری پیامبر عظیم‌الشأن اسلام بر مثلث شرک، یهود و نفاق، عامل وحدت و انسجام آنان بوده است.

یکی از راهکارهای اسلام برای تشکیل امت واحد، عرضه و ارائه خط‌مشی هماهنگ و سازگار در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است؛ عبادت و نیایش در اسلام نیز بیشتر برای ایجاد وحدت به صورت گروهی و جمعی انجام می‌گیرد. اصول و قواعد یاد شده مورد تأکید شدید قرآن، روایات و سیره عملی پیامبر ﷺ و دیگر معصومان است.

اسلام برای تحکیم وحدت، ضمن طرد تفرقه با عوامل تفرقه‌افکن به شدت مبارزه می‌کند. به‌نظر اسلام توحید و اطاعت از پیامبر ﷺ عامل وحدت، و شرک و نفاق عامل تفرقه است.

صلح خواهی هم که یکی از موضوعات پر سر و صدا و شعار عصر حاضر است، بدون وحدت و انسجام دینی حاصل نخواهد شد. صلح حق‌مدار و واقعی تنها با وحدت دینی و با قیام و ظهور حضرت مهدی «عج» ظهور خواهد یافت و این نیز مورد تأکید آیات و روایات است.

همان‌گونه که وحدت آثار و برکات سودآور و شیرینی دارد، تفرقه نیز دارای آثار ویرانگر و مخربی است و باید از آنها اجتناب کرد.

امروز وظیفه مسلمانان در کنار حفظ وحدت، مبارزه با درگیری‌های ناشی از تفرقه است و جلوگیری از سبّ و لعن بزرگان قوم و ناصبی و مشرک خواندن همدیگر ضروری است و غفلت و اشتباه در این خصوص برای دین ما و نسل ما زیانبار خواهد بود.

این مقاله تمام مباحث و اصول یاد شده را با تکیه بر قرآن و روایات مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

کلید واژگان: انسجام، وحدت، پیروزی ، تفرقه، شکست.

مقدمه

یکی از پیام‌های قرآن مسئله اتحاد میان مسلمانان و مبارزه با هرگونه عوامل تفرقه است. حبل خدا وسیله اتحاد و یگانگی است.

قرآن با اشاره به اوضاع اندوهبار گذشته، مسلمانان را به نعمت بزرگ اتحاد و برادری دعوت می‌کند.

خداوند در قرآن تألیف قلوب را از افعال خود می‌داند و مؤمنان و عابدان واقعی باید از باب تخلق به صفات الهی ضمن پیوستن به صفوف مؤمنان و مسلمانان از عوامل تفرقه بپرهیزند: «و همگی به ریسمان خدا[قرآن و اسلام] چنگ زنید و پراکنده

نشوید و نعمت خدا را به‌یاد آورید که چگونه دشمن بودید و میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید ...».[۱]

اهمیت وحدت در روایات

اهمیت و نقش وحدت در بقای جامعهٔ مؤمنان در روایات هم، مورد تأیید قرار گرفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان‌اند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد».[۲]

همچنین فرمود:

«مؤمنان همچون یک روحند».[۳]

ضرورت وحدت و انسجام

از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان، انسجام و وحدتِ صفوف مسلمانان است. اهمیت این انسجام امروزه در نبردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر کسی پوشیده نیست.

قرآن دشمنان اسلام و مسلمین را در سوره صف، آیه ۴ به سیل ویرانگر تشبیه می‌کند که تنها با سدّ فولادین می‌توان آن را مهار کرد. بنیان مرصوص، بنیان و ساختمانی است که در آن هیچ‌گونه رخنه و شکاف نباشد. جامعه اسلامی هم وقتی می‌تواند به استقلال کامل برسد که در آن هیچ تفرقه، فاصله طبقاتی و عوامل رخنه نباشد. افراد این جامعه باید چنان متحد گردند که گویی یک واحد بیش نیستند، همگی باید تبدیل به یک دست و مشت عظیم و محکم شوند که یک جا فرق پراستکبار دشمن را درهم کوبیده و آن را متلاشی سازد.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۴۵ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۳.

۳. همان.

باید توجه داشت که وحدت و انسجام تنها با گفتار و شعار به دست نمی‌آید، بلکه نیاز به عمل و تلاش دسته جمعی دارد. رهبران فکری و سیاسی جوامع اسلامی باید برای رسیدن به آن، به تفاهم برسند و با عوامل تفرقه و نفاق با قاطعیت مبارزه کنند.

برپا دارندگان نماز و مُعطیان زکات به سخن قرآن[۱] برادران دینی‌اند. تلاش و کوشش به هر نحو ممکن برای ایجاد و تحکیم آن لازم است و متقابلاً مبارزه با عوامل تخریب این وحدت و اخوت و انسجام دینی از احکام قرآن است. سردمداران کفر در رأس این عوامل‌اند:

«... با پیشوایان کفر پیکار کنید که آنان به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند».[۲]

اسلام دین وحدت و یگانگی

اسلام اصل واساس کلی حیات را در سایه وحدت و انسجام، همکاری و همگامی می‌داند. براساس شواهد و مدارک تاریخی، اسلام روح ابتدایی و قبیله‌ای را طرد کرد و در جای آن جامعه متحد اسلامی را مستقر ساخت. آن‌چنان‌که از سیاق قرآن و سنت پیامبر استفاده می‌شود، طرز فکر اسلام ایجاد وحدت و الفت در سطح جهانی و بین‌المللی است.

اسلام برای ایجاد وحدت و تشکیل امت واحد، خط مشی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هماهنگ را عرضه می‌کند و حتی عبادت را هم به صورت هماهنگ و جمعی عرضه می‌کند:

﴿ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ و ...﴾.

دستور به عبادت جمعی در آیات و روایات فراوان از این جهت است که اسلام راضی نیست که جهان و جوامع در آتش تفرقه بسوزند. لسان واحد، قبله واحد در عبادت راهی است برای به هم نزدیک کردن انسان‌ها.

---

۱. توبه: ۱۱.

۲. توبه: ۱۲.

توصیه‌ها به وحدت و انسجام

همچنان‌که اشاره رفت، اسلام دین وحدت و همبستگی است و همواره در تلاش برای ایجاد و تحکیم آن. آیات قرآن و روایات و نیز عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان شاهد صدقی است بر آن. به چند مورد از آن‌ها اشاره شد، چند مورد دیگر را نیز به شرح زیر ارائه می‌دهیم:

۱ـ از نظر قرآن

آیات متعددی در قرآن گویای وحدت و همبستگی میان مردم و مسلمانان است از جمله آیه:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِي﴾.(۱)

«امت اسلام امت واحده است و باید از خدا بترسید (تفرقه نکنید)».

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي﴾.(۲)

«امت اسلام امت متحد است و باید به سوی یک معبود حرکت کنید».

۲ـ از نظر روایات

روایات اسلامی که از پیامبر و حضرات ائمه در این باب وجود دارد آن‌چنان وسیع و پر دامنه است که جمع و تدوین آن در یک مقاله کوتاه ممکن نیست. آنچه از جمع روایات به دست می‌آید، این است که اسلام اصرار دارد این اصل را به اثبات برساند که یکی از اهداف غایی رسالت اسلامی ایجاد برادری و وحدت در میان جوامع و انسان‌ها می‌باشد.

این روایات ضمن ملامت ومذمت شدید تفرقه‌افکنان و اختلاف‌گرایان،به همبستگی،

---

۱. مؤمنون: ۵۲.

۲. انبیاء: ۹۲.

پرهیز از تجاوز به همدیگر، رعایت حقوق همدیگر، اجتناب از جدال و نزاع و به وحدت کلمه و توحید در عمل، توصیه می‌نمایند.[۱]

۳ ـ از نظر عمل

از لحاظ عملی، پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بینیم که برای ایجاد وحدت و همبستگی چگونه خود را به رنج افکند و چسان سختی‌های زندگی را حتی با گروه لجوج منافقان بر خود تحمیل نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کوشید که گروه‌های پراکنده و متعارض را در کنار هم جمع کند و آشتی‌شان دهد. برآن‌ها آیات وحدت بخواند و دشمنی‌شان را از میان بردارد. پیامبر در عمل رنج‌های طاقت‌فرسا را به جان می‌خرید. اما پراکندگی امت را هرگز پذیرا نمی‌شد.[۲]

معصومان ما نیز می‌کوشیدند عوامل تفرقه را از میان بردارند و همگان را به سوی یگانگی و وحدت سوق دهند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شهادت مدارک مسلم تاریخی ۲۵ سال خلافت حقش را مغصوب دید و برای اینکه در سایه تفرقه‌ها وحدت اسلامی درهم نپاشد دم برنیاورد.[۳]

سیره و رویه دیگر معصومان هم مانند سیره پیامبر و علی علیه السلام می‌باشد.[۴]

---

۱ . ر.ک: نهج‌البلاغه، الدکتور صبحی الصالح، بیروت، ۱۳۷۸ هـ ق. صص ۶۷ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۹۹ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۰ ، ۱۸۳ ، ۱۸۸ و ۲۵۸ .

۲ . ر.ک: الصحیح من سیره النبی، جعفر مرتضی عاملی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ ؛ تاریخ تحلیلی صدر اسلام، محمد نصیری، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ج ۵ ، ۱۳۸۴ .

۳ . ر.ک: ترجمه وتفسیرنهج‌البلاغه، جلد دوم، علامه محمد تقی جعفری رحمه الله، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۵۸ .

۴ . ر.ک: سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ .

دستور اکید اسلام در باب اجتناب از تفرقه

اسلام طارد تفرقه و دشمن آن است از آن جهت که اختلاف و تفرقه نیروهای سازنده جامعه را پراکنده‌کرده و زمینه سازندگی را از میان می‌برد. در اثر تشتت و تفرقه و درگیری و منازعات قومی و مذهبی، موجبات تسلط دشمنان اسلام بر جامعه مسلمانان فراهم می‌گردد. به همین جهت اسلام اعتبارات قومی و نژادی را محکوم می‌کند و همه را در زیر دین واحد، قرآن و قبله و پیامبر واحد حفظ می‌کند.

اسلام تفرقه را از عمل شیطان می‌داند، همان شیطان که محرک عصیان‌ها، بیچارگی‌ها و درگیری‌های قومی و نژادی و ملی‌گرایی است.

قرآن کریم روحیه حزب‌بازی را به شدت منع می‌کند:

﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾.[۱]

قرآن با دعوت به پرستش خدای یگانه، تفرقه، تحزب و تخاصم را از میان برمی‌دارد:

﴿... وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾.[۲]

«خدای ما و خدای شما یکی است و ما همه تسلیم خدا و مسلمانیم».

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ...﴾.[۳]

«کسانی که ایمان به خدا و رسولان او دارند، جدایی و تمایزی بین هیچ یک از آنان قائل نشده‌اند».

﴿مِنْ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾.[۴]

---

۱. مؤمنون: ۱۴۳.

۲. عنکبوت: ۴۶.

۳. نساء: ۱۵۲.

۴. روم: ۳۲.

«آنها دچار منازعات دینی‌اند و دسته دسته‌اند، تو هرگز از آنها نیستی».

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللهِ وَمَا أَنَا مِنْ الْمُشْرِكِينَ﴾.(۱)

«بگو چنین است راه من، با آگاهی و بینایی شما را به سوی خدا دعوت می‌کنم، من و هرکس پیرو من باشد از شرک و شریک‌سازان متنفریم».

براساس این آیات و نظایر آنها، راه اسلام و مسلمانان وحدت و راه شرک و مشرکان تفرقه است و شیطان و شیاطین شرق و غرب از عوامل دعوت به شرک و تفرقه‌اند. قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان دستور می‌دهد که راه خود را از کسانی که می‌خواهند آئین خود را جدای از دیگران بگیرند و دسته و شعبه بسازند، جدا سازند.

قرآن اهل کتاب، یهود و نصاری را نیز به وحدت و دوری از شرک دعوت می‌کند:

«به اهل کتاب بگو بیایید در جهت کلمه‌ای که میان شما و ما مشترک است، توافق کنیم و آن این‌که جز خدا کسی را عبادت نکنیم و چیزی و کسی را با او شریک نسازیم و غیر از خدا هیچ کس را رب و ارباب خود نسازیم».(۲)

به این صورت قرآن انحصارطلبی و عزیز بی‌جهت بودن، خواه اهل کتاب، خواه مسلمان را سخت می‌کوبد و صریحاً اعلام می‌دارد که خدا و بهشت اختصاص به کسی ندارد و هرکس کار بد کند، کیفر خواهد دید و هر کسی کار خوب انجام دهد و مؤمن باشد وارد بهشت خواهد شد.(۳)

---

۱. یوسف: ۱۰۸.

۲. آل‌عمران: ۵۷.

۳. نساء: ۱۲۲ـ۳؛ مائده: ۷۳.

قرآن با هرگونه برتری جویی بی‌جهت در این دنیا مخالف است و خانه آخرت را تنها به کسانی می‌دهد که در پی برتری‌جویی و فساد در روی زمین نباشند.[۱]

نکته دقیقی که در این آیات قرآن بر آن تأکید می‌کند این است که نمی‌گوید زیر بیرق، مثلاً، پیامبر اسلام جمع شوید، بلکه تأکید قرآن آن است که ای اهل کتاب و مسلمانان زیر پرچم خدا جمع شوید و پیامبرﷺ همانند پیامبران دیگر یک دعوت‌کننده به آن است. فقط و فقط خدا را بنده باشید و او را رب خود بدانید، از طریق هر پیامبری که آن را فرا می‌گیرید. تنها مواظب باشید که کلمه واحد پیامبران را پاره‌پاره و متفرق و اختصاصی نکنید. نشانه عظمت و حقانیت مکتب اسلام هم همین جاست. این بارزترین تفاوت میان پیامبران و سیاسیون و فلاسفه و رهبران این جهانی است. آنان همگی می‌گویند زیر فرمان یا داخل مکتب و مرام من بیایید، در حالی‌که پیامبران و در رأس آنان، پیامبر اسلام همه را به سوی خدای یگانه دعوت می‌کنند. و برای خود دار و دسته مخصوصی که متمایز و مافوق سایرین باشد، درست نمی‌کنند. از این جهت قرآن مؤمنان صالح سایر پیامبران را مکرر مسلمان می‌خواند.[۲] اصلاً نامگذاری و تأسیس اسلام را از ابراهیم که پدر انبیاء است می‌داند:

﴿... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ...﴾.[۳]

صلح متکی به وحدت دینی

یکی از موضوعاتی که در عصر حاضر روی آن بیشتر صحبت می‌شود و سر و صدای زیادکرده، مسئله «صلح» است. اما این صلح‌خواهی، که سر و صدای آن از اقصی نقاط جهان به صورت شعار بلند است و برای ایجاد آن مجامع پر طمطراق بین‌المللی را درست کرده‌اند، وابسته و منتهی به «امت واحد» یا مسئله حکومت جهانی واحد است که به صورت مصلح آخرالزمان در غالب

---

۱. قصص: ۸۳.

۲. بقره: ۱۲۷ ـ ۱۲۶؛ یونس: ۷۴ ـ ۷۲؛ آل‌عمران: ۴۵؛ نمل: ۴۵.

۳. حج: ۷۷.

ادیان وعده داده شده و در مکتب تشیع صراحت یافته است. صلح خواهی به صورت شعار، در برابر حملات کشورهای مقتدر به ملل ضعیف، یک نوع درد دل کردن و مسکن طلبیدن است در حالی‌که حکومت واحد جهانی یک نوع ارائه راه حل عقلانی و چاره‌جویی نهایی است.

به اعتقاد ما بدون تشکیل امت واحد، آن‌گونه که انبیاء خواسته‌اند و قرآن آن را تعریف کرده است، صلح پایدار در دنیا برقرار نخواهد شد.

زیرا وقتی که خداپرستی واقعی در کار نباشد، حتماً خودپرستی در صورت‌ها و مقیاس‌های مختلف حکومت خواهد کرد و نتیجه خودپرستی به ناچار جنگ در غالب صلح‌خواهی است؛ کاری که امروز آمریکا و متحدان او انجام می‌دهند. اگر هم به فرض خودپرستی به جنگ منتهی نشود و با تدابیر خاص و سر و صدای رسانه‌ای چند صباحی صلح و آرامش را در جایی برقرار سازند، مطمئناً آن چیزی جز دنیاپرستی و حفظ منافع دول قدرتمند نخواهد بود و از همین دنیامداری جهت‌دار است که جهان امروز در بحران‌های فکری، روانی و اخلاقی می‌سوزد.

صلح حق‌مدار و واقعی تنها با ظهور حضرت حجت، امام عصر «عج» در آینده نه چندان دور ظهور خواهد یافت و این همان چیزی است که از آیات و روایات مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی (حضرت مهدی «عج») استفاده می‌گردد.[۱]

دامنه وحدت در اسلام

همان‌گونه که دیدیم دامنه وحدت در اسلام وسیع و شامل همه مسائل انسانی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، امور دنیوی و اخروی می‌گردد. وحدت در زندگی اسلامی یک اصل است نه شعار و در هر جا که امکان باشد، باید آن را مطرح کنیم. اسلام علاوه

---

۱ . ر.ک: قیام امام مهدی علیه السلام در قرآن و اخبار، نگارش صالح حسن‌زاده در مجله زبان و ادب، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۶ ، سال دوم ۱۳۷۷ .

بر ارائه راهکارهایی برای رسیدن به وحدت، مبارزه با تفرقه و عوامل تفرقه‌افکن را در دستورکار خود دارد. اساس این است که هر جامعه‌ای که دچار تفرقه شود محکوم به فنا و نابودی خواهد بود. از نظر قرآن راز پیروزی مسلمانان صدر اسلام به رهبری پیامبر عظیم‌الشأن بر مثلث شرک، یهود و نفاق، اتحاد و انسجام در میان سربازان اسلام و تفرقه و پراکندگی در میان سربازان دشمن بوده است.[۱]

آثار زیانبار تفرقه

تفرقه در ذات و درون خود آثار مخرب و ویرانگری دارد که ذکر و بررسی همه آنها در این مقاله ممکن نیست. به‌ناچار به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌گردد:

۱ ـ موجب منازعات و تعارضات است.

۲ ـ نیروهای سازنده را روبه روی هم قرار می‌دهد و قوای آنان را از میان می‌برد.

۳ ـ تفرقه، گروه‌های متخاصم را در برابر انظار دیگران خوار و ناچیز جلوه می‌دهد.

۴ ـ با اختلاف و تفرقه نه تنها مشکلات حل نمی‌گردند، بلکه هر روز پیچیده‌تر و بحرانی‌تر می‌شوند.

نتایج و وظیفه مسلمانان امروز

۱ ـ طرح مباحث درباره وحدت و تلاش برای آن در همه ادوار حیات اسلام برای مسلمانان ضروری بود و امروز ضروری‌تر است.

۲ ـ واجب است مسلمانان و در رأس آنان رهبران فکری، مذهبی و فرهنگی در تمامی زمینه‌ها هشیاری و بیداری خود را حفظ کرده و نگذارند درگیری‌های ناشی از تفرقه دمار از

---

۱ . ر.ک: قرآن: سوره‌های توبه، فتح، حشر و ... . امروز نیز اگر مسلمانان جهان متحد باشند بر کفر و شرک و یهود پیروز می‌گردند.

روزگـار مـا بـرآورنـد. غـفلت و اشـتباه در ایـن خـصوص آثـار زیـانباری بـرای خـود مـا و نسل‌های آینده ما خواهد داشت.

۳ـ باید به هر شکل ممکن به طرد و لعن همدیگر، سبّ و نفرین بزرگان قوم و ناصبی و مشرک خواندن همدیگر خاتمه دهیم. این‌ها نقشه‌های دشمن برای ایجاد عداوت و شکستن وحدت میان مسلمانان است و از همین جهت بازار تهمت، افترا، تکفیر و نـزاع بسـیار گـرم و داغ است. باید با تدبیر و درایت و هشیاری، ریشه ایـن عـلل را خشکـاند و از مـیان بـرد و به جای آن درخت وحدت و حسن نیت و احترام متقابل کاشت.

۴ـ امروز دشمن ضربت خورده است. همه راه‌ها را برای سرکوبی اسلام آزمایش کرده و کـمتر بـه نـتیجه رسـیده است. ضـروری است راه‌هـای دیگـر تـفرقه را شـناسایی کـرده و از ریشه بخشکانیم. اگر امروز این کار را نکنیم، فردا دیر خواهد بود.

۵ـ هر روز آیه ذیل را بخش‌بخش بخوانیم و به مضمون آن عمل کنیم:

ـ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً؛

ـ وَلَا تَفَرَّقُوا؛

ـ وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُـنْتُمْ أَعْـدَاءً فَأَلَّـفَ بَـيْنَ قُـلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً؛

ـ وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنْ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا.[1]

آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمين.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳ .

منابع

۱ ـ قرآن.

۲ ـ نهج‌البلاغه، تحقیق الدکتور صبحی الصالح، بیروت، ۱۳۸۷ هـ ق.

۳ ـ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲ .

۴ ـ تفسیر نمونه، ج ۳ زیر نظر آیةالله مکارم شیرازی.

۵ ـ شرح و تفسیر نهج البلاغه، جعفری، محمدتقی، چاپخانه صدری، تهران، ۱۳۵۸ .

۶ ـ الصحیح من سیره النبی، جعفر مرتضی عاملی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۲ .

۷ ـ تاریخ تحلیلی صدر اسلام، نصیری ، محمد، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۴ .

۸ ـ سیری در سیره ائمه اطهارعلیهم‌السلام ،مطهری، مرتضی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ .

۹ ـ قیام امام مهدی «عج» از نظر قرآن واخبار،حسن‌زاده، صالح، در مجله زبان وادب، دانشگاه‌علامه طباطبایی، سال دوم، ۱۳۷۷ ، شماره ۶ .

اتحاد و انسجام اسلامی در نهج‌البلاغه

محمود حسین‌زاده خراسانی

مقدمه

اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی دخالت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه ی اسلامی نقش دارد غفلت نورزیده است.

یکی از عوامل تکامل مادی و معنوی امت اسلامی مسئله‌ی انسجام و اتحاد اسلامی است که مخالفین درتلاش هستند که این نقطه اساسی را از بین ببرند.

مخالفین اسلام و مخالفین کشورهای اسلامی که همان ابرقدرت‌های چپاول‌گر بین‌المللی هستند، چون از اسلام و بیداری ملّت‌ها در پرتو تعلیمات سعادت‌بخش اسلام، می‌ترسند، به تدریج و با ظرافت درکشورهای اسلامی و به دست افرادی از خود این ملّت‌ها، رخنه نموده‌اند و یا از بین بردن اتحاد، آنها را به دام استثمار انداخته‌اند.

حال در جنین فضائی باید کوشید تا با برخورداری از تعالیم ارزشمند اسلام و بیانات گوهر بار ائمه‌ی هدی، جلوی این توطئه‌های دشمن را سد نمود.

امام علی﵇ و فرزندان پاکش با رفتار و اعمال خویش و با از خودگذشتکی درصدد اتحاد هرچه بیشتر جامعه اسلامی برآمدند. امیرالمؤمنین علی﵇ به صراحت به این پیشتازی در ایجاد وحدت اشاره نموده‌اند:

«... ولیسَ رجلٌ ـ فاعلم ـ اَحَرصَ علی جماعة اُمَّةِ محمدٍ و اُلفَتِها مِنّی».[۱]

عبدالمتعال صعیدی یکی از برادران اهل‌سنت و استاد دانشگاه الازهر تحت مقاله‌ای به عنوان «علی بن ابیطالب و تقویت بین مذاهب» آن حضرت را اوّلین بنیانگذار تقریب بین‌مذاهب خوانده و می‌نویسد:

«در این فضیلت بزرگی برای علی بن ابیطالب رضی‌اللّه عنه و کرَّم اللّهُ وَجَهه است که اوّلین بنیانگذار تقریب بین مذاهب بود بلکه با وجود اختلاف‌نظر، وحدت و یگانگی خود را حفظ کنند و برادروار زندگی نمایند و هرکس برادرش را نسبت به رأی و نظرش آزاد گذارد، چه این که صاحب‌نظر یا نظرش صائب است و مأجور و یا خطاست و معذور».

ایشان در ادامه می‌افزاید:

«نخستین اختلاف میان مسلمین، اختلاف بر سر خلافت بود و علی رضی‌اللّه عنه با آن که می‌دانست از دیگران برخلافت سزاوارتر است[۲] ولی با ابوبکر و عمر و عثمان به مدارا رفتار نمود».[۳]

همچنین پیشتازی امام علی﵇ باعث شد تا نگارنده موضوع مقاله‌ی خویش را «وحدت در نهج‌البلاغه» انتخاب نماید.

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۶۶۱ ، نامه ۷۸ .

۲ . «لقد عَلِمتم اَنی اَحقَ النّاس بما من غَیری». نهج البلاغه، ص ۱۲۲ ، خطبه ۷۴ .

۳ . استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱ ، ص ۱۳۷ .

تاریخچه

در همان ماه‌های نخستین ورود پیامبرﷺ به شهر مدینه، اولین منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی صورت گرفت[۱] که در این منشور از روابط میان مسلمانان با یهود و اهل‌کتاب و دیگران سخن به میان آمده است.

یکی دیگر از مصادیق وحدت ملی و اسلامی در سال دوم هجرت در قضیه مؤاخات که بین مهاجرین و انصار صورت گرفت. این برادری و مؤاخات بدان حد بود که هر مسلمانی برادرِ مسلمان خود را بر خویش مقدم می‌داشت.[۲]

بخش اول

انسجام اسلامی

فصل اول: ضرورت و اهمیت وحدت و پرهیز از تفرقه

مبحث اول: ضرورت وحدت

۱ـ اعتصام به حبل الله

حضرت علی‌علیه‌السلام در وصیت‌شان به حسنین‌علیهماالسلام این‌گونه فرموده‌اند:

«... اُصیکما و جَمیعَ وَلدی و اهلی و مَن بَلَغهُ کتابی، بِتَقوَی اللّهِ و نَظمِ اَمرکُم و صَلاحِ ذاتِ بَینَکُم، فَاَنّی سَمِعتُ جَدَّکُماﷺ یَقولُ: صَلاحُ ذات البَینُ اَفضَلُ من عامَّة الصَّلاة و الصَّیامِ».[۳]

و در کشف الغمة فی معرفة الائمة چنین آمده است:

«اُصیکَ یا حَسنُ و جمیعَ وَلدیَ و مَن بَلَغَهُ کِتابی، بِتَقوَی اللهِ رَبّکم

---

۱. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۷۱.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۵۸، نامه ۴۷.

و لاتَمُوتُنَّ الّا و اَنتُم مَسلِمُونَ ﴿واعتَصِموا بِحَبلِ اللّهِ جَميعًا ولا تَفَرَّقوا[۱]﴾ فَاَنِّی سَمِعتُ رَسُول اللّه یَقُولَ: انَّ صَلاحَ ذات البَینِ اَفضَلُ مِن عامَةِ الصَّلاةِ و الصّیامِ».[۲]

«شما را و تمام فرزندان و خاندانم را وکسانی که این وصیت به آنها می‌رسد به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم زیرا من از پیامبرﷺ شنیدم که فرمودند: اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است».

۲ ـ وجوب وحدت

امام علی علیه‌السلام در عباراتی از نهج‌البلاغه تشبیه بسیار زیبایی نموده‌اند وکسانی راکه از جامعه روی گردان هستند را به گوسفند جدا مانده از گله مثال زده‌اند؛ زیرا قطعاً با جدایی از اجتماع، نابودی نیز خواهد بود همچنان‌که در صحراگوسفند رها شده و تنها خوراک گرگ است.

«... و اَلزِموا السَّواد اَلاَعظَم، فانَّ یَدَ اللّهِ مَع الجَماعةِ و ایّاکُم و الفُرقَه فَانَّ الشّاذَّ مِن النّاسِ لِلشّیطانِ کَما اِنَّ الشّاذَّ مِنَ الغَنَمِ للذِّئبِ...[۳]».[۴]

همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشیدکه دست خدا با جماعت است.

---

۱ . آل‌عمران.

۲ . کشف الغمه فی معرفة الائمة، ج ۱ ، ص ۴۳۱ .

۳ . نهج‌البلاغه، ص ۲۴۰ ، خطبه ۱۲۷ .

۴ . قال رسول اللهﷺ: «ایها الناسُ علیکم بالجماعة و ایّاکُم و الفرَقَه». میزان الحکمه، ج ۱ ، ص ۴۰۶ .

۳ ـ خیر در جماعت است

«... فایّاکُم وَ التَّلَوُّنَ فی الدّین: فانَّ جَماعُ فیما تَکرَهونَ مِن الحَقِّ خَیر مِن فُرقَة فیما تُحبُّونَ مِن الباطِلِ اِنَّ اللّه سبحانه لَم یُعطِ اَحَداً بِفُرقَة خَیراً مِمَّن مَضی و لامِمَّن بَقی».(۱)

از چندگانگی در دین حذرکنید، که همبستکی و وحدت در راه حق «گر چه کراهت داشته باشید» از پراکندگی در راه باطل «گر چه مور علاقه شما باشد» بهتر است، زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است.

۴ ـ فلسفه بعضی از احکام الهی

بی‌شک دین مبین اسلام عبادات جمعی را نسبت به عبادات فردی برتر داده است و حتی بسیاری از احکام عبادی اسلام جنبه و بعد سیاسی نیز دارند. مثلاً در باب فلسفه نماز عید فطر این روایت وارد شده است که:

«لِیَکُونَ للمُسلمینَ مُجتَمِعاً یَجتَمِعُونَ فیه».(۲)

حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه، فلسفه حج را فقط ایجاد وحدت اسلامی معرفی می‌نمایند:

«و الحَجَّ تَقَربة لِلدّینِ...».(۳)

مبحث دوم: ضرورت دوری از تفرقه

۱ ـ نهی از تفرقه

حضرت علی علیه‌السلام در طول دوران خلافت‌شان برخورد شدیدی با اهل تفرقه داشته‌اند و به خاطر همین در جای جای نهج‌البلاغه از تفرقه نهی فرموده‌اند. ایشان در برخورد با خوارج که گروهی

---

۱. نهج‌البلاغه، ص ۳۳۸، خطبه ۱۷۶.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۷، حدیث ۴.

۳. نهج‌البلاغه، ص ۶۸۲، حکمت ۲۵۲.

منحرف بودند آنها را سفارش به اتحاد و همدلی می‌نمودند:

«...و اَلزِموا السَّوادَ اَلاَعظَمِ: فانَّ یَدَاللهِ مَع الجَماعَةِ و ایّاکُم و الفُرقَةِ».(۱)

«همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر نمایید».

۲ ـ حذف عوامل ایجاد تفرقه

امام علیه‌السلام برحذف هرگونه تفرقه تأکید می‌نمایند، حتی نسبت به افرادی که، فقط انگیزه تفرقه را در مردم ایجاد می‌کنند:

«...اَلا و مَن دعَا الی هذا الشّعارِ فَاقتُلُوهُ و لَو کانَ تَحت عمامَتی هذه».(۲)

«آگاه باشید هرکسی که مردم را به این شعار تفرقه و جدایی دعوت کند او را بکشید هر چند زیر عمامه من باشد».

۳ ـ مبارزه با عوامل تفرقه‌زا

اسلام ضربه‌های زیادی از همان ابتدای رشد از حزب نفاق و منافقین دیده است، وجود عبداللّه بن اُبَی‌ها و تشکیل مسجد ضرار و ضربه‌هایی که امام علیه‌السلام از این احزاب خطرناک دیده است باید به درستی مورد توجه قرار بگیرد:

«... اُحِذرُکُم اَهلَ النِّفاقِ، فَاَنَّهُم الضّالُونَ المُضلُّونَ...».(۳)

«شما را از منافقون می‌ترسانم زیرا آنها گمراه و گمراه کننده‌اند».

---

۱. نهج البلاغه، ص ۲۴۰، خطبه ۱۲۷.

۲. همان.

۳. نهج البلاغه، ص ۴۰۶، خطبه ۱۹۴.

فصل سوم: معنای وحدت (مقصود از وحدت)

مقصود از این بحث معنای اصطلاحی وحدت است. لذا براین اساس با برهان سبر و تقسیم[۱] مراد و مقصود از وحدت کاملاً روشن خواهد شد.

اگر مراد از وحدت، وحدت مطلق یعنی من جمیع الجهات باشد و معنای آن، این باشد که اتفاق در تمام عقائد و معارف و احکام اسلامی با همه جزئیات، در این صورت این مورد، محال است و اگر مراد از وحدت، وحدت مصلحتی و عارضی باشد این وحدت بر اثر عوامل خارج از دین ایجاد می‌شود و معمولاً با از بین رفتن آن عامل خارجی وحدت نیز از بین می‌رود. اما از آنجایی که به دنبال وحدت مستمری هستیم. لذا قسم سومی از وحدت می‌ماند و آن، وحدت معقول است به این معنی که اتحاد بر متن مشترک دین اسلام که فراگیرنده همه فرقه‌ها باشد مثلاً: ایمان به توحید الهی اجمالاً، ایمان به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ایمان به قرآن کریم و ایمان به معاد اجمالاً و... .

بنابراین شاید بتوان وحدت را این‌گونه معنی نمود: تأکید بر اصول مشترک از اسلام به طوری که باعث اخوت اسلامی و وحدت اسلامی باشد.[۲]

فصل چهارم: مبانی وحدت

پس از این‌که یثرب پایگاه مسلمانان شد و برادری میان مهاجرین و انصار اعلام گردید موقع آن رسیده بود که اسلام دومین مرحله موجودیت خود را اعلام کند زیرا تا به آن روز فقط مسئله‌ی توحید مطرح شده بود و حال نوبت آن رسیده بود که جنبه‌ی سیاسی ـ اجتماعی آن نیز اندک شکل بگیرد[۳] و حکومتی براساس دین پدید بیاید. دین اسلام دارای عناصر و ارکانی است که هرکدام از آنها منشأ هماهنگی و یکپارچگی امت اسلامی را فراهم می‌نماید.

---

۱ . الوحده الاسلامیه عناصرها و موانعها، ص ۲۴ .

۲ . همان، ص ۲۵ .

۳ . تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۷۱ .

۱ ـ قرآن (کتاب) «کتابُهُم واحد»[۱]

یکی از اساسی‌ترین مبانی ایجاد وحدت، کلام الهی، قرآن است که در بین مذاهب و فرق اسلامی بلاشک پذیرفته شده است و می‌تواند و شایسته است که به عنوان اولین مبنای وحدت قلمداد شود. البته باید اذعان نمود که مراد از کتاب، آیات محکم الهی است زیرا در آیات متشابه بین مذاهب و فرق اختلاف وجود دارد.

اگر مردم رهبری قرآن را کنار بگذارند و از آن جز خطوطی باقی نماند،[۲] دچار تفرقه و پراکندگی خواهند شد.

«...فَاجتَمعَ القَومُ علی الفُرقه و افتَرقُوا علی الجَماعَة کَانَّهُم اَئمَّةُ الکتاب وَ لَیسَ الکتابُ اِمامَهُم فَلَم یَبقِ عِندَهُم مِنهُ الا اِسمُهُ و لایَعرفُونَ الا خَطَّهُ وَ زَبَره...».[۳]

مردم در آن روز، جدایی و تفرقه هم داستان در اتحاد یگانگی پراکنده‌اند. گوئی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست. پس از قرآن جز نامی و نشانی نزدشان باقی نماند و آنان جزء خطی از قرآن نشناسند.

حال که وضعیات قرآن بین مسلمین به این صورت در آمده است که کسی به آن توجه نمی‌کند، باید کوشید تا قرآن بین مسلمانان، احیا شود و همه فِرَق اسلامی بر این محور اساسی اسلام چنگ بزنند و متفرق نشوند.

از این‌رو امام علیه‌السلام علت پذیرش حکمیت بین «ابو موسی اشعری» و «عمروعاص» را تنها برای این موضوع می‌پذیرند که قرآن و آنچه قرآن به آن نهی می‌کند احیا سازند و می‌فرمایند: علت پذیرش حکمیت تنها برای این بود که آن چه را قرآن زنده کرده زنده سازد و آنچه را قرآن مرده خوانده بمیرانند در ادامه سخنان‌شان می‌فرماید:

---

۱ . نهج‌البلاغه، ص ۶۲ ، خطبه ۱۸ .

۲ . «یأتی علی الناس زَمان لایبقی فیهم مِن القرآن الا رسمُهُ». نهج‌البلاغه، ص ۷۱۶، حکمت ۳۶۹ .

۳ . نهج‌البلاغه، ص ۲۷۰ ، خطبه ۱۴۷ .

«...احیاؤُهُ الاِجتِماعُ عَلیهِ وَ اماتَتُهُ الافتراقُ عَنه...».[۱]

«زنده کردن قرآن این است که دست وحدت به هم دهند و به آن عمل کنند و میراندن، پراکندگی و جدایی است».

۲ ـ نبوت (وجود مقدس پیامبرﷺ)

یکی دیگر از عناصر اساسی دین و عامل ایجاد وحدت وجود نازنین پیامبرﷺ است که خداوند متعال ایشان را وسیله الفت و مهربانی میان مسلمانان قرار داده است. حضرت علی‌علیه‌السلام یکی از ویژگی‌های پیامبرﷺ را عامل ایجاد وحدت و الفت و نابودکننده کینه و دشمنی معرفی می‌نماید:

«...دَفَنَ اللّه بِهِ الضَغائِنُ و اَطفاَ بِهِ التَواثِرَ، ألفَ بِهِ اِخواناً...».

«خدا به برکت وجود او کینه‌ها را دفن و آتش دشمنی را خاموش کرد و با او میان دل‌ها الفت و مهربانی ایجاد نمود».

امام علی‌علیه‌السلام در نکوهش اهل رأی که براساس رأی خود قضاوت می‌کردند و احکام متفاوتی از یک موضوع می‌دانند، فرمودند: که چطور می‌شود که خدایشان یکی باشد و پیامبرشان یکی و کتاب‌شان هم یکی، ولی احکام متفاوت در یکم قضیه‌ی واحد صادر می‌کنند، به عنایت به این سخن، حضرت یکی از مبانی وحدت را نبوت و ذات مقدس پیامبر می‌دانند.

«... الهُهُم واحد و نَبِیُّهُم واحدٌ و کِتابُهُم واحدٌ...».[۲]

«و حُکِیَ عَنهُ ابُوجعفر محمدُ بنِ علی، الباقرعلیه‌السلام انّهُ قال: کانَ فی الارض اَمانان من عذابِ اللّه و قَد رَفَعَ احدِهُما فَدُونَکمُ الآخر

---

۱. نهج البلاغه، ص ۲۴۲، خطبه ۱۲۷.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۷۸، خطبه ۹۶.

فتَمَسَّکوا به، اَمّا الاَمانُ الذّی رُفِع فهُو رَسول اللّه صلی الله علیه و آله و اَمّا الامـانُ الباقی فالاستغفار...».[۱]

با توجه به این دو عبارت نورانی، هم شخصیت و ذات و وجود حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ایجاد وحدت است و هم مقام نبوت ایشان (شخصیت حقوقی) باعث ایجاد وحدت بین امت اسلامی شده است. (نورٌ علی نورٍ)

جان سخن اینکه یکی از فلسفه‌ها و علل بعثت پیامبر خاتم ایجاد وحدت است و امام علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

«...الی اَن بَعِثَ اللّهُ سُبحانَهُ، مُحمداً صلی الله علیه و آله رسول الله لانجازِ عدّته و اتمام نُبُوته... و اهلُ الارض (الارضین) یومئذٍ مِلَل مُتفَرّقَة و اَهواء مُنتشرةٌ و طَرائق مُتَشتّةٌ... فَهداهُم بِهِ من الضَّلالة و انـقضَهم بِـمکانِهِ من الجهادلَةِ...».[۲]

«تا این که خدای سبحان برای وفای به وعده خویش، و کامل کردن دوران نبوّت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد... روزگاری کـه مـردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خـواسـته‌های گـوناگـون و روش‌هـای متفاوت بودند پس خداوند متعال مردم را به وسیله محمد صلی الله علیه و آله از این گمراهی‌ها نجات داد و هدایت کرد و از جهالت رهایی بخشید».

در مضمون همین خطبه‌ای که بیان شد، در جایی دیگر می‌فرمایند:

«...فلَمَّ اللّهُ بِهِ الصِدعَ و رَتَق بِهِ الفتقَ و الف بِهِالشمل بـین ذوی الارحام، بَـعدَ العـداوة الواغـرة فـی الصُّـدُورِ و الضـغائن القـادحَة فی القلوب...».[۳]

---

۱. نهج البلاغه، ص ۶۴۲، حکمت ۸۸.

۲. نهج البلاغه، ص ۳۸، خطبه ۱.

۳. نهج البلاغه، ص ۴۶۸، خطبه ۲۳۱.

«او شکاف‌های اجتماعی را به وحدت اصلاح و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و پس ازآن‌که آتش دشمنی‌ها و کینه‌ها، برافروخته، در دل‌ها راه یافته بود میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد».

۳ ـ رهبری

الف) مقصود از رهبر، در تعاملات بین مذاهب

شاید بتوان گفت که رهبری در اسلام، برای ایجاد وحدت دو معنی دارد:[۱]

۱ ـ رهبری ابدی و صامت: قرآن و سنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله که تمام مذاهب بر این امر متفقند و به این معناست که هدایت و ارشاد تعلیم و تربیت مسلمانان را در بردارند.

۲ ـ رهبر متغیر (وحی) (وجود حضرت پیامبر عظیم الشأن).

ب) جایگاه رهبری

بی‌شک یکی از ارکان حرکت اجتماعی و انقلابات مردمی وجود رهبر است، «**لابد للناسِ مِن اَمیرِ بِر اَو فاجِر**»،[۲] با نگاهی به انقلاب‌های غیرایدئولوژی یکی که درصده‌های اخیر اتفاق افتاده است نقش رهبر، برجستگی خلص خود را دارد. در انقلاب‌های دینی قطعاً جایگاه رهبری در ایجاد اتحاد و حرکت به سوی هدف، نقشی برجسته‌تر است. در تشبیه بسیار زیبایی امام علیه السلام این نقش عالی و برجسته را به صورتی روشن و ملموس، تصویر نموده‌اند:

«**... مَکانُ القَیِّمِ بِالاَمر، مکانُ النّظامِ من الخرز، یجمَعُهُ و یَضُمُّهُ فانِ انقَطَعَ النّظامُ تَفَرَّقَ الخَرَزَ و ذَهَبَ، ثُمّ لَم یَجمع بِحذافیرِه اَبَداً...**».[۳]

---

۱ . الوحده الاسلامیه عناصرها و موانعها، ص ۲۴ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۹۲ ، خطبه ۴۰ .

۳ . نهج البلاغه، ص ۲۶۸ ، خطبه ۱۴۶ .

«جایگاه رهبری چون ریسمانی محکم است، که مهره‌ها را به هم متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد، اگر این رشته از هم بُگسلد، مهرها پراکنده و هرکدام به سوئی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع نخواهند شد».

۴ ـ مردم

مسلماً هر حرکت و رشد و پیشرفتی به نیروهای اجرایی محتاج و نیازمند است. همان‌طور که در بحث قبلی اشاره شد، رهبر مانند ریسمان محکمی است که مهره‌ها را به هم محکم می‌کند. بنابراین وجود رهبری و وجود مردم لازم و ملزوم یکدیگرند زیرا وجود رهبری معنا ندارد الّا با وجود مردم و برعکس (البته فی الجمله).

تا زمانی که مردم حرکت نکنند وجود رهبری حتی با مدیریت قوی و دارا بودن و شرایط ممتاز رهبری، هم نمی‌تواند باعث حرکت و ایجاد جریاناتی شود. لذاست که حضرت در نکوهش عدم فرمانبرداری مردم کوفه از رهبر و در نهایت شکست جبهه حق می‌فرمایند:

«...انّی وَ اللّه لاظنُّ اَنَّ هولاءِ القَوم سَیُدالُونَ مِنکُم بِاجتماعِهِم عَلی باطِلِهِم و تَفَرُّقِکُم عَن حَقِّکُم و بِمَعصیتِکُم امامَکُم فِی الحقّ و طاعَتِهِم امامَهُم فِی الباطِلِ...».[1]

«سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی به شما غلبه می‌کنند زیرا آنها در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید! شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آنها امام خود را در باطل فرمانبر دارند!».

---

۱ . نهج‌البلاغه، ص ۷۱، خطبه ۲۵ .

پر واضح شد که نقش مردم نقش اساسی در حرکت‌هاست تا جایی که امام علیه السلام از مردم عاجزانه تقاضا می‌کنند که به او در جهت رسیدن به اهدافش یاری نمایند.

«... اَقُومُ فیکُم مُستَصرِخاً و اُنادیکُم مُتغوّثاً، فلا تسمعونِ لی قولاً و لاتطیعونَ لی امراً...».[1]

«در میان شما برخواسته‌ام فریاد می‌کشم و عاجزانه از شما یاری می‌خواهم امّا به سخنان من گوش نمی‌سپارید و فرمان مرا اطاعت نمی‌کنید».

فصل پنجم: ابعاد مختلف وحدت

۱ـ وحدت در عقاید

بلاشک برای مردمی که می‌خواهند اتحاد داشته باشند باید ایدئولوژی و عقاید مشترکی را تصوّر و فرض نمود. بنابر اجماع اکثریت علماء یا کل علماء اسلامی یک مسلمان باید به سه اصل عقایدی معتقد باشد که عبارتند از: توحید، نبوت، معاد. انکار یکی از این اصول سه‌گانه یقیناً باعث خروج فرد از دائره‌ی اسلام خواهد شد، اما عقاید فرعی که مختص به مذاهب خاصی است، از اصول دین محسوب نمی‌شوند بلکه از اصول آن مذهب خاص به حساب می‌آیند.

امام علیه السلام در برخورد با مردم شام به این عوامل مشترک اعتقادی اشاره می‌فرمایند:

«...وَ الظاهِرُ اَنّ ربَّنا واحّد و نَبِیَّنا واحد و دَعوتَنا فی الاسلام واحدة...».[2]

«... خدایمان یکی و پیامبران یکی است و دعوت ما در اسلام یکی است...».

---

۱. نهج البلاغه، ص ۹۲، خطبه ۳۹.

۲. نهج البلاغه، ص ۵۹۶، نامه ۵۸.

یا در بیانی دیگر در نکوهش از اختلاف رأی عالمان در احکام قطعی اسلامی می‌فرمایند:

«...الهُهُم واحدٌ و نَبِیّهم واحدٌ و کتابُهُم واحدٌ...».[۱]

امام علیه السلام با این بیان می‌خواهد ایجاد اختلاف را مورد سؤال قرار دهند و این که چرا وقتی منابع احکام قطعی اسلام یکی است، بازهم اختلاف بوجود آمده است و در واقع این استفهام یک نوع استفهام توبیخی است.

۲ ـ وحدت در فروع

در فروع دین باید توجه ویژه‌ای نمود که جزئیات فروع مورد توجه قرار نگیرند زیرا اگر بناشد که بحث از جزئیات مطرح شود، در این صورت حتی در عملی مثل چگونگی وضو که هر روزه مسلمانان با آن برخورد داشتند نیز، اختلافات زیادی دیده خواهد شد.

لذا باید آن فروعی را لحاظ نمود که صریح قرآن است و یا توسط سنت قطعیه واجب شده یا نهی شده است؛ مثل صلاة و صوم و زکاة و حج و جهاد.

امام علیه السلام نیز برخی از این احکام مشترکه که در ضمن بیان فلسفه‌ی آنها، اشاره می‌نمایند:

«... و الصّلاةَ و الزکاةَ...و الصّیامَ... و الحَجَّ... و الجَهادِ... و الامر بالمَعرُوف... و نهی عن المُنکَر... و صلَة الرِحم...و القِصاصَ... و اقامَةِ الحُدُودِ... و ترکَ شُربِ الخَمرِ... و مُجانبةَ السّرقَةِ... و تَرکَ الزَّنی... و تَرکَ اللّواطِ... و الشّهاداتِ... و ترک الکِذبِ... و السّلامَ... و الامانَةَ...».[۲]

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۶۲ ، خطبه ۱۸ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۶۸۲ ، حکمت ۲۵۲ .

پر واضح است که امام به فلسفه احکام مشترکی اشاره نمودند که مورد وفاق مذهب مختلف است.

۳ ـ وحدت در رهبری

با توجه به این‌که این بحث درگذشته بیان شد از تکرار آن خودداری می‌شود.

۴ ـ وحدت در ملکات اخلاقیه

طبیعتاً مجموعه‌ای از بشر که در عقائد و اعمال و اهداف و رهبری، مشترک باشند در ملکات اخلاقیه نیز مشترک خواهند شد. بسیاری از نصوص بیانگر این اشتراکات اخلاقی هستند از جمله مانند صدق، امانت، وفا به عهد، عفت البطن و الفرج، احسان، دوستی، احترام به یکدیگر، حرمت ظلم، اعانت بر یکدیگر، الفت مدارا با یکدیگر و... .[۱]

البته باید این واقعیت مورد توجه قرارگیرد که همه مسلمانان در این صفات و خلقیات از درجه واحدی برخوردار نیستند و به قولی صفات اخلاقی ذات تشکیکند.

امام علیه السلام یکی از عوامل سقوط جامعه را نداشتن اخلاق یا کمی اخلاق یا بد اخلاقی می‌دانند:

«**...اَخلاقُکُم دقِاق...**».[۲]

«اخلاق شما پست بود و عامل سقوط جامعه شما شد».

امام علیه السلام در جایی دیگر علت سقوط جامعه انسان را بد اخلاقی جوانان معرفی می‌کنند:

---

۱ . الوحدة الاسلامیة عناصرها و موانعها، ص ۳۳ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۵۶، خطبه ۱۳ .

«...و فَتاهُم عارِم...».[۱]

«جوانان‌شان بد اخلاق بودند».

۵ ـ وحدت در هدف

امروزه می‌توان اهداف کشورهای اسلامی را در دو هدف خلاصه نمود:

۱ ـ پیشرفت جهان اسلام؛

۲ ـ پیروزی بر دشمنان.

اما یک سری از اهداف دیگری وجود دارد که دانشمندان اسلامی به آن اشاره نموده‌اند که به نظر نگارنده برگشت آنها به همین دو هدف اساسی است و این اهداف از این قرارند: «گسترش حاکمیت دینی، گسترش حاکمیت بندگان صالح در زمین، امر به معروف و نهی از منکر، براندازی فساد، کمک به مجروحین، نابودی فتنه و...».[۲]

اشتراک در هدف، به قدری مهم است، که می‌تواند عامل بسیار تأثیرگذاری در زمینه ایجاد اتحاد باشد که حتی ممکن است دو دشمن را در کنار یکدیگر قرار دهد.

امام علیه‌السلام اشتراک در اهداف را یکی از عوامل وحدت می‌دانند:

«... فَانظُرُوا کَیفَ کانُوا، حیثُ کانَت الاَملاءُ مُجتَمِعَة... و البَصائِرُ نافذَة و العَزائِمُ واحدة الم یَکونُوا اَرباباً فی اَقطار الاَرضینأ و مُلُوکاً علی اَرقابِ العالمین».[۳]

پس اندیشه کنید که چگونه بودند؟ آن گاه که وحدت اجتماعی داشتند و اهداف و خواسته‌های آنان یکی... و نگاه‌های آنان به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و یکسو بود آیا در آن حال مالک سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۴۷ ، خطبه ۲۳۳ .

۲ . الوحدة الاسلامیة عناصرها و موانعها، ص ۳۳ و ۳۲ .

۳ . نهج البلاغه، ص ۳۹۴ ، خطبه ۱۹۲ .

۶ ـ وحدت فرهنگی

به دنبال اشتراک در عناصر گذشته، اشتراک فرهنگی نیز حاصل خواهد شد. مسلماً با تعاملات فرهنگی کشورهای اسلامی از یک سو، و با نگرش اسلامی از سوی دیگر، می‌توان به یک فرهنگ جامع در امت اسلامی رسید.

در این زمینه برخورد امام علیه‌السلام با فرهنگ‌های زیر مجموعه‌ی فرهنگ اسلامی یک برخورد مترقّی است، امام علیه‌السلام به مالک اشتر نخعی که دارای فرهنگ حجازی است و قرار است فرماندار مصر شود که دارای فرهنگ جداگانه و خاص خودش است، می‌نویسد که معیار در پذیرش فرهنگ‌های زیر مجموعه فرهنگ اسلامی این است که سه شرط داشته باشد:

۱ ـ ارزشمند و صحیح باشد.

۲ ـ سبب ایجاد الفت بین مسلمین شود.

۳ ـ عامل اصلاح جامعه باشد.

«...و لاتَنقُض سُنة صالحة عَمِلَ بها صُدُورُ هذِه الأُمّة و اجتمعَتَ بِها الألفَةُ و صَلَحَت عَليها الرعيّةُ و لاتُحدثَنَّ سنة تَضُرُّ بِشيء مِن ماضى تلك السُنن...».[1]

آداب و فرهنگ پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، برهم مزن و آدابی که به سنت خوب گذشته زیان وارد می‌کند پدید نیاور.

از دیدگاه امام علیه‌السلام نه همه سنتّ‌ها و فرهنگ‌ها اصالت دارند و نه همه فرهنگ‌ها را باید ترک و طرد کرد، بلکه با ارزیابی صحیح باید آداب و سنن و فرهنگ‌های نیکو را محترم شمرد.

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۵۷۲، نامه ۵۳ .

فصل ششم: عوامل تقویت وحدت

۱ ـ پیروی از قانون الهی (قرآن)

امام علیه السلام که برای حفظ وحدت بعد از جریان سقیفه سکوت نمودند و علت سکوت خود را علاوه بر وحدت امت اسلامی، تن دادن به قضاء الهی بیان می‌فرمایند:

«رَضینا عِن اللهِ قَضاءَهُ و سلَّمنا للّه اَمرهُ...».[۱]

«در برابر خواسته‌های خدا راضی و تسلیم فرمان او هستم».

این امام بزرگوار علیه السلام سکوت و قعودش را رضای الهی و تسلیم فرمان او بودن، معرفی می‌کنند. از سوی دیگر امام علیه السلام قیامش را نیز برای رضای خدا و اطاعت فرمان الهی بیان می‌کند.

«... و مَضَیتُ بِنُورِ اللّهِ حینِ وَقفوا...».[۲]

«و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمای نور خدا (قرآن) به راه افتادم».

۲ ـ لزوم توجه به اصول

متأسفانه بیشتر برخوردهای مذهبی به علت عدم توجه به اصول و بزرگ نمایی فروع رخ داده است، به خصوص توسط عوام ناآگاه، که گاهی آلت دشمنان اسلام قرار می‌گیرند و دست به تحریکاتی می‌زنند که سودی جز برای دشمنان اسلام ندارد.

امام علیه السلام می‌فرماید: هرجا که جزئیاتی باعث سست شدن اصول شوند باید آنها کنار گذاشته شوند:

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۹۰، خطبه ۳۷ .

۲ . همان.

«**اذا اَضَرَّتِ النَوافِلُ بالفَرائِضِ فَارفُضُوها**».[۱]

«اگر فروع به اصول ضرر می‌رسانند آنها را ترک کنید».

۳ ـ عدالت و برابری

حکومتی پا برجاست و پا برجا می‌ماند که قوام آن به عدالت اجتماعی باشد.

یکی از عناصر اساسی دین اسلام که در کتاب و سنّت تبلور می‌یابد مسئله‌ی عدالت و تساوی و برابری بین تمام اقشار مردم است:

﴿**اعدلوُا هُوَ اَقربُ للّتقوی**﴾.[۲]

پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز تأکید عملی و قولی در این زمینه داشته و می‌فرمایند:

«**لا فَضل لاَحدَ علی احدا الا بالتّقوی**».[۳]

امام علیه السلام در جواب کسانی که در رابطه با برخورد برابر با مردم اعتراض می‌نمودند، فرمودند:

«**...امّا ما ذَکَرتما من اَمر الأُسوَة، فَاَنَّ ذلكَ اَمر لَم اَحکُم اَنا فیه بِرأیی و لاولیتُهُ هِوی مِنّی بَل وَجَدتُ اَنا و اَنتُما ما جاءَ بِهِ الرسوُل صلی الله علیه و آله...**».[۴]

اما اعتراض شما که چرا با همه به تساوی رفتار کردم این روشی نبود که به رأی خود یا با خواسته‌ی دل خود انجام داده باشم بلکه من و شما این‌گونه رفتار را از دستورالعمل‌هایی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آموختیم.

---

۱. نهج البلاغه، ص ۶۶۴، حکمت ۱۵۵.

۲. مائده: ۸.

۳. نهج الفصاحة، حدیث ۳۱۱۲.

۴. نهج البلاغه، ص ۴۲۶، خطبه ۲۰۵.

نوع برخورد امام علیه السلام با زراندوزان و غارت‌گران بیت‌المال در روز دوّم خلافت این‌گونه است:

«... وَ اللّه لَو وَجَدتَه قَد تُزوجِ به النساة و ملک به الاماءُ لزذدتُه فانَّ فی العَدلِ سِعَة و مَن ضاقَ علیه العدلُ فالجوُرُ علیه اضیَقُ».(۱)

«به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبش برمی‌گردانم اگر چه آنها را مهریه زنان قرار داده و یا کنیزانی خریده باشید زیرا عدالت گشایش برای عموم است، آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است».

این عدالت علی علیه السلام است که جمله معروف «زیدّ عدلّ» را در کتابهای نحوی نیز وارد نموده و حمل است معنی را بر ذات جائز نموده و شهادتش نیز به خاطر شدن در عدالتش بوده است.

۴ ـ برخورد مسالمت آمیز و گفتگو بین مذاهب

الف) گفتگو بین مذاهب با توجه به مشترکات: امام علیه السلام در گفتگو با مردم شام و دیدار با آنها جلوگیری از تفرقه و جنگ، نوشته‌ای مرقوم فرمودند و در این نوشتار از مشترکات بین دو گروه کمک گرفته و آنها را متوجه به این نکته نمودند تا زمانی که عامل مشترک در بین باشد، باید جلوی هر گونه جنگ و تفرقه را گرفت.

«و الظاهرُ انَّ ربَّنا واحد و دَعوتنا فی الاسلام واحدة...».(۲)

«در ظاهر پروردگار ما یکی، پیامبر ما یکی و دعوت ما در اسلام یکی است».

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۵۸ ، خطبه ۱۵ .

۲ . همان، ص ۵۹۶ ، نامه ۵۸ .

با توجه به کلمه‌ی «الظاهر» نکته‌سنجی امام روشن می‌شود، که ایشان بر اصل مشترکات تکیه نفرموده‌اند. لذا اگر قرار باشد در همین اصول مشترکه بحث از جزئیات این اصول به میان بیاید، قطعاً اختلاف زائیده خواهد شد. مثلاً اگر شخصی بگوید این خداکه ما و شما آن را قبول داریم و آنرا «واحد»[۱] می‌دانیم آیا این صفت واحد، عین ذات است یا زائد بر ذات، اگر زائد بر ذات است آیا قدیم است یا حادث؟ و همین طور هَلُمَّ جَرّ تا اینکه سر از اختلاف درآوریم.

و از همین روش در پیمان نامه‌ای بین قبیله ربیعه و یمن استفاده نمودند.

«...انَّهم علی کتابِ اللّه، یَدعُونَ الیه و یَأمرُونَ بِهِ».[۲]

«آنان پیرو قرآنند و به کتاب خدا دعوت می‌کنند و به انجام دستورات آن فرمان می‌دهند».

ب) گفتگوی تخصصی با علماء: هرچه بین دانشمندان گفتگو شود و تضارب آراء پیش بیاید، به دنبال آن فوائدی خواهد آمد که در آبادی و آبادانی جامعه و اصلاح آن بسیار مؤثر خواهد بود. یکی از این فوائد، تشخیص راه صحیح، در تصمیم‌گیری‌هاست.

«مَن اِستَقبَلَ وُجُوهَ الآراءِ، عَرَفَ مَواقِعَ الخَطَأ...».[۳]

آن کسی که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند راه صحیح را از خطا خوب می‌شناسد.

امام علیه‌السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرماندار مصر می‌نویسند و در آن مالک را به تعامل با دانشمندان و علماء امر می‌فرمایند:

«... وَ اَکثِر مَدارَسَةَ العُلَماءِ و مُناقَشَةَ الحُکَماءِ فی تَثبیتَ ما صَلَحَ اَمرُ بِلادِكَ و اِقامَةَ ما استَقامَ بِهِ الناسُ قَبلَكَ...».[۴]

---

۱. واحد یعنی کیش بمرکب.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۱۶، نامه ۷۴.

۳. نهج البلاغه، ص ۶۶۶، حکمت ۱۷۳.

۴. نهج البلاغه، ص ۵۷۲، نامه ۵۳.

با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه‌ی آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم است و قانونی است که درگذشته نیز وجود داشت.

درگفتگو باید از جدال‌های بی‌مورد خوداری نمود؛ زیرا جدال مایه‌ی آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم است و قانونی است که درگذشته نیز وجود داشت.

درگفتگو باید از جدال‌های بی مورد خود داری نمود؛ زیرا جدال مایه‌ی آبروریزی و تحقیر است:

«**مَن ضَنَّ بِعِرضِهِ فلیَدَعِ المراءَ**».(۱)

«هر کسی از آبروی خود بیمناک است از جدال بپرهیزد».

از طرفی هم اختلاف آفت اندیشه درست است و یقیناً در سایه اختلاف اندیشه به خطا می‌رود:

«**الخلافُ یَهدِمُ الرَأیُ**».(۲)

«اختلاف نابودکننده اندیشه است».

۵ ـ تعاون و همکاری

نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله مؤمنین را همکار یکدیگر و باعث استواری یکدیگر می‌دانند.

قال النبی صلی الله علیه و آله:

«**المُؤمن للمُؤمِنِ کَالبُنیانِ المَرصُوصِ یَشُدُّ بَعضُهُ بَعضاً**».(۳)

«یک مسلمان برای مسلمان دیگر در حکم پایه‌ای محکم است که او را یاری می‌کند».

---

۱. نهج البلاغه، ص ۷۱۴، حکمت ۳۶۲.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۷۴، حکمت ۲۱۵.

۳. نهج الفصاحة، حدیث ۳۱۰۳.

امام باقر علیه‌السلام در خطاب به زُهریَ این‌گونه بیان می‌فرمایند:

«امّا علیكَ اَن تَجعَلَ المُسلِمینَ مِنكَ بِمنزِلَةِ اَهلِ بَیتكَ فَتَجعَلُ كَبیرَ هُم بِمَنزِلَةِ والدَكَ و صَغیرهُم بِمَنزِلَةِ وَلَدِكَ و تَربَكَ بِمَنزِلَةِ اَخیكَ...».[۱]

از یک طرف با توجه به روایت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله و روایت امام باقر علیه‌السلام که مسلمانان را به منزله یک خانواده در نظرگرفته‌اند و از طرفی دیگر، امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«اَیُّهَا النّاس انَّهُ لایَستَغنِی الرَّجُلُ و اِن كانَ ذامال عَنَ عِترَتِهِ و دِفاعُهُم بِاَیدیهم و اَلسِنَتِهِم و هُم اَعظمُ النّاسِ حیطَة مِن وَرائِه و اَلمَّهُم لشَعثِهِ و اَعطفَهُم علیه عِندَ نازلَة اذا نَزَلت بِهِ».[۲]

ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشان خود بی‌نیاز نیست، که از او با زبان و دین دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی را می‌زدایند و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پر عاطفه‌ترین مردم می‌باشند.

لذا مسلمین باید تعاون و همکاری داشته باشند و با گفتار و رفتار از یکدیگر دفاع کنند و از یکدیگر حمایت و با هم مهربانی رفتار نمایند، زیرا امت اسلامی یک خانواده بزرگ هستند. پیران امت، پدران و خردسالان امت فرزند امتند و همه با هم برادرند.

۶ ـ دشمن‌شناسی

یکی از خطراتی که امروز امت اسلامی و کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند عدم توجه به مقوله‌ی دشمن‌شناسی است. بسیاری از کشورهای اسلامی با دشمنان امت اسلامی رابطه

---

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۳۰.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۶۸، خطبه ۲۳.

دوستانه برقرار نموده‌اند و این عدم شناخت دشمن از سوی بعضی از کشورها، ضررهای فراوانی بر پیکره‌ی امت اسلامی وارد نموده است. این‌که مسئله فلسطین بعد از این همه سال هنوز از طرف کشورهای اسلامی لاینحل مانده است بر همین اساس است.

امام علیه‌السلام طرقی را برای شناخت دوست و دشمن و بازشناسی آنها از یکدیگر معرفی می‌کنند که اگر امت اسلامی هم‌اکنون این ملاکات را شاخص قرار دهند دوست و دشمن مسلمانان کاملاً شناخته می‌شوند.

«اَصدِقاؤكَ ثَلاثَة و اَعدائُكَ ثَلاثَة فَاَصدِقاؤُكَ: صِديقُكَ و صَديقُ صَديقِكَ و عَدُوُّ عَدُوكَ و اَعدائُكَ: عَدُوّكَ عَدُوُّ صَديقِكَ صَديقُ عَدُوّكَ».[1]

دوستان تو سه‌گروهند:

۱ ـ دوست تو.

۲ ـ دوست دوست تو.

۳ ـ دشمن دشمن تو.

و دشمنان نیز سه‌گروهند:

۱ ـ دشمن تو.

۲ ـ دشمن دوست تو.

۳ ـ دوست دشمن تو.

۷ ـ عبرت آموزی از گذشتگان

تاریخ و دانستن وقایع تاریخی، انسان را در انتخاب موضوع، در شؤون مختلف حیات بشری

---

۱ . نهج‌البلاغه، ص ۷۰۰، حکمت ۲۹۵ .

تا درصد بالایی به سر منزل مقصود هدایت می‌نماید و کنکاش در علت سقوط و آسیب‌شناسی جوامع گذشته قطعاً می‌تواند راهکارهای مناسبی برای پیشرفت جامعه اسلامی نمایان سازد.

امام علیه‌السلام در خطبه قاصعه به آسیب‌شناسی امت گذشته پرداخته‌اند و این نتیجه‌گیری را برای آیندگان نموده‌اند که علت پیروزی و شکست ملت‌های گذشته چیزی جز وحدت و تفرقه نیست و ما را به پندآموزی و عبرت‌گیری و تفکر در این وقایع دعوت می‌نماید:

«احذَروُا اَن تَکُونُوا اَمثالَهُم! فَاذِا تَفکَّرتُم فی تَفاوُتِ حالَیهم، فَالزَموُا کُلَّ اَمر لَمَت العِزَّة بِهِ شأَنَهُم و زاحَت الاَعدادُ لَهُ عَنهُم و مُدَّت العافیهُ بِهِ علیهم و انقادَت النعمَةُ لَهُ مَعَهُم و وَصَلَتِ الکَرامَةُ عَلیه حَبلَهُم مِنَ الاجتنابِ لِلفُرقِهِ و اللّزوُمِ للاُلفَةِ وِ التَّحاضِّ علیها وَ التّواصِی بِها وَ اجتَنبِوُا کُلَّ اَمر کَسَر فَقرتَهُم و اَوهَنَ مُنتهُم...».[1]

«از کیفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند و بر امت‌های پیشین فرود آمده خود را حفظ کنید و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آورید و بترسید که همانند آنها باشید! پس آنگاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید به دنبال چیزی باشید که عامل عزت آنها بود و دشمنان را از راه‌شان برداشت و سلامت و عافیت زندگی را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و همدلی گماشتند و یکدیگر را به وحدت امر می‌نمودند و به آن سفارش می‌کردند و از کارهایی که پشت آنها را شکست و قدرت آنها را درهم کوبید اجتناب کنید».

---

۱. نهج البلاغه، ص ۳۹۲، خطبه ۱۹۲.

۸ ـ عمل‌گرایی و دوری از شعارزدگی

برای رسیدن به وحدت امت اسلامی باید تلاش نمود و از هیچ عملی فروگزار ننموده در صده‌های اخیر حرکات زیبایی در این زمینه از طرف علماء شیعه و سنی صورت‌گرفته است:

«علمائی چون شیخ مراغی، مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم، محمود شلتوت، محمد حسین کاشف الغطاء، سید شرف الدین موسوی، آیة‌الله بروجردی، سید هبة‌الدین شهرستانی، محمد تقی قمی و...».[۱]

در سال‌های اخیر نیز توسط کشورهای اسلامی به خصوص ایران و مصر برای ایجاد وحدت عملی، تلاش‌های فراوانی شده است، به‌طور مثال در الازهر مصر مذهب شیعه‌ی امامی و زیدی تدریس می‌شود. در ایران نیز دانشکده‌هایی وجود دارد که به علوم منقول و معقول مذاهب اربعه اهل‌سنت می‌پردازند.[۲] تشکیل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب توسط ایران در همین راستا بوده است.

امام علیه‌السلام یکی از شرائط رهبر جامعه اسلامی را عمل‌گرایی مطرح می‌نمایند:

«و کُنتُ اَخفَضُهُم صَوتاً و اَغلاهُم فِوتاً فَطِرتُ بعنَانِها وَ استبدَدتُ برهَانِهَا...».[۳]

در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود اما در مقام عمل برتر و پیشتاز بودم و زمام امور را به دست‌گرفتم و جلوتر از همه پروازکردم.

در دومین روز خلافت خطبه‌ای در نفی فور مالیسم[۴] ایراد نمودند که حتی موجب اعتراض طلحه و زبیر را فراهم آورد.[۵]

---

۱ . الوحدة الاسلامیة فی الاحادیث المشترکة، ص ۳۲ .

۲ . الوحدة الاسلامیة فی الاحادیث المشترکة، ص ۳۲ .

۳ . نهج‌البلاغة، ص ۹۰ ، خطبه ۳۷ .

۴ . Formalism .

۵ . منظور خطبه ۱۵ است که سیاست اقتصادی امام را بیان می‌کند. امام در این خطبه از بازگردان بیت‌المال در هر شرایطی سخن به میان می‌آورند.

در سال ۳۸ هجری وقتی ضحاک بن قیس از طرف معاویه به کاروان حجّاج بیت‌اللّه حمله کرد و اموال آنان را به غارت برد، امام علیه‌السلام علّت این شکست را در شعار زدگی و عدم توجه به عمل‌گرایی می‌داند و بیان می‌کند:

«ایّها النّاسُ المُجتَمِعَةُ اَبدانُهم، اَلمُختَلِقَةُ اَهواهُم، کَلامُکُم یوهی الصُمَّ الصَّلابَ و فیکم یُطمِعُ فیکم الأعداءَ تَقُولوُن فی مَجالِسَکُم کَیتَ کَیتَ فاذا جاءَ القِتالُ قُلتُم حِیدیِ حَیادِ...».[1]

ای مردم کوفه بدن‌های شما در کنار هم، ولی افکار و خواسته‌ها شما پراکنده است، سخنان ادعائی شما سنگ‌های سخت را می‌شکند ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می‌کند، در خانه‌هایتان که نشسته‌اید، ادعا و شعارهای تند سر می‌دهید اما در روز نبرد می‌گویید جنگ از ما دور شو و فرار می‌کنید.

۹ ـ نفی برتری قومیتی و نژادی

اگر با ذره بینی قویّ و شامه‌ای فوق‌العاده، اسلام مورد بررسی قرار بگیرد چیزی از برتری قبیله‌ای و فضیلت نژادی دیده و استشمام نمی‌شود، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیان شیوائی به‌طور کلی برتری نژادی را نفی می‌کنند:

«لا فَضلَ لِعَربیّ علی عَجَمِیّ و لا لِعَجَمِیّ علی عَرَبی و لا لِلاَبیَضِ عَلی الاَسوَدِ و لا لِلاَسوَدِ عَلی الاَبیضِ ـ و در بعضی از روایات ـ علی الاَحمَرِ».

---

۱ . نهج‌البلاغه، ص ۷۸ ، خطبه ۲۹ .

بعضی از اعراب به تصور این‌که چون زبان عربی، زبان دین است، توهّم نمودند که شاید بر دیگران فضیلت دارند ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله این مسئله را نیز نفی نمودند:

«اَیُّهَا النّاسُ اَنَّ العَرَبیَّةَ لَیسَت بِاَبٍ والِد و اِنَّما هُو لِسان ناطِق فَمَن تَکَلَّمَ بِهِ فَهُو عَرَبیّ اَنَّکُم وَلَدُ آدَمَ و آدَمُ مِن تُرابٍ و اَکرَمَکُم عِنداللّهِ اَتقاکُم».[۱]

در این حدیث شریف تنها عامل برتری و فضیلت، تقوی معرفی شده است.

امام علیه السلام در طی نامه‌ای به مالک اشتر به او هشدار می‌دهند که مبادا مسئله نژاد و دین و چیزهای دیگر، در دادن حقوق مردم لحاظ بشود:

«... اَشعِر قَلبَکَ الرَحمَةَ لِلرَّعیَّة وَ المَحَبَّةَ لَهُم و اللُّطفَ بِهِم و لاتَکُونَنَّ عَلیهِم سُبُعاً ضَاریاً تَغتَنِمُ اَکلَهُم فَاَنَّهُم صِنفَانِ؛ امّا اَخٌ لَکَ فِی الدّینِ اَو نَظیر لَکَ فِی الخَلقِ...».[۲]

قلبت را مالامال از رحمت بر مردم گردان و با همه دوست و مهربان باش، مبادا هرگز چونان حیوان درنده‌ای باشی که خوردن آنها را غنیمت بشماری زیرا مردن دو دسته‌اند؛ یا برادر دینی تواند یا در آفرینش همانند تو می‌باشند.

۱۰ ـ دوری از تکفیر و رعایت حرمت مسلمانان

حرمت مال و خون و آبروی مسلمان توسط فریقین مورد تأکید قرارگرفته است ولی این‌که مسلمانان به چه‌کسی اطلاق می‌شود تا حرمت داشته باشد؟ سؤالی است که باز ذکر دو روایت از فریقین به آن پاسخ داده می‌شود.

الف) روایتی از برادران اهل‌سنت:

---

۱ . بحارالانوار، ج ۶۷ ، ص ۲۸۸ .

۲ . نهج‌البلاغه، ص ۵۶۶ ، نامه ۵۳ .

«ابوُمالِك عَن اَبیه قالَ: سَمِعتُ رَسُوول اللّهِ صلی الله علیه و آله بَقوُلُ: مَن قالَ لااِلهَ اِلاَّ اللّهُ و کَفَر بِما یُعبدوُنَ مِن دوُنِ اللّهِ حَرُمَ مالُهُ و دَمُهُ، و حِسابُهُ عَلی اللّهِ».(۱)

ب) روایتی از اهل‌بیت علیهم‌السلام:

«فی خبر سفیان بن المسط قال صادق علیه‌السلام: هو الظّاهِرُ الّذی علیهُ النّاسُ، شَهادَةُ اَن لااِلهَ اَلّا اللّهُ وَحدَهُ لاشَریكَ لَهُ و اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ و اِقامةُ الصَّلاةِ و ایتاءُ الزَکاةِ و حجُّ البَیتِ و صِیامُ شِهرِ رَمَضانَ الحدیث».(۲)

در هر دو روایت از دو طریق شهادت به یگانگی خداوند و نبوت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و انجام فرامین الهی نشانه‌های یک مسلمان معرفی شده است؛ بنابراین باید کوشید مبادا به هر بهانه‌ای از مهر تکفیر استفاده شود و مسلمانی دیگری را کافر بداند.

امام علیه‌السلام در نخستین سخنرانی خود در آغاز خلافت در سال ۳۵ هـ این خطبه را ایراد فرمودند و در این خطبه مردن را به حرمت و احترام مسلمان توجه دادند:

«... فَضَّلَ حُرمَةَ المُسلِمِ عَلی الحُرَمِ کُلِّها و شَدَّ بِالاخلاصِ و التَّوحیدِ حُقُوقَ المُسلمین فی مَعاقِدِهَا...».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله حرمت مسلمان را بر هر حرمت دیگری برتری داد و براساس اخلاص و توحید، حقوق مسلمانان را استوار نمود».

---

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۴.

۳. نهج‌البلاغه، ص ۳۲۰، خطبه ۱۶۷.

در عبارت «**شَدِّ بِالاخلاصِ حُقُوقَ المُسلمینَ فی مَعاقِدِهَا**»[۱] شاید مراد از این عبارت همان باشد که در روایت امام صادق علیه‌السلام گذشت، که اگر کسی قائل به شهادت بر خداوند باشد و شریکی برای او قائل نشود، مسلمان است و از حقوق یک مسلمان برخوردار خواهد شد.

فصل هفتم: عوامل ایجاد تفرقه

به‌طور کلی عبور از خط قرمزی‌های موجود در هر جامعه، باعث ایجاد انحراف می‌شود و اوّلین زاویه انحراف در هر جامعه‌ای تفرقه می‌باشد.

بنابراین هر حرکتی و عملی که به وحدت ملّی و اسلامی، ضربه وارد کند، انحراف تلقی می‌شود و محکوم خواهد بود. در کشور مانیز بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی وحدت کلّی یکی از خطوط قرمز نظام اسلامی ایران معرفی شده است.

۱ ـ دین‌گریزی

شاید بتوان اوّلین عامل ایجاد تفرقه را دین گریزی دانست زیرا دین، از مبانی وحدت است و اگر بنا از پای بست کژ نهاده شود تا ثریّا می‌رود دیوار کژ.

«**...فَالکتابِ و اَهلُهُ فی ذلِکَ الزَّمانِ فی النّاس و لَیسا فیهم، و مَعَهُم، لِانَّ الضَّلالَةَ لاتُوافقُ الهُدی و اِنِ اجتَمعا فاجتَمَعَ القومُ علی الفُرقَةِ وَ افتَرَقُوا عَلَی الجَماعَةِ کَانَّهُم اَئمِةُ الکِتابِ و لَیسَ الکِتابُ اِمامَهم...**».[۲]

«پس قرآن و پیروانش در میان مردم‌اند امّا گویا حضور ندارند با مردمند ولی مردم از آنها بریده‌اند زیرا گمراهی و هدایت،

---

۱. نهج البلاغه، ص ۳۲۰، خطبه ۱۶۷.

۲. نهج البلاغه، ص ۲۷۰، خطبه ۱۴۷.

هرگز هماهنگ نشوند، اگر چه کنار یکدیگر قرار گیرند، مردم در آن روز در جدائی و تفرقه هم داستان و در اتحاد پراکنده‌اند».

در صورت جدائی مردم از دین و دینداران چیزی جز تفرقه نسیب چنین مردمی نمی‌شود و بزودی شکست گریبانگیر آنها خواهد شد.

۲ ـ جابجایی حق و تکلیف مردم و رهبری

در صورتی که مردم از رهبرشان اطاعت نکنند و مردم بدون توجه به علم و منطق، نظرات خویش را بر رهبر منتخبِ خود تحمیل نمایند، دار این صورت با جابجا شدن این حق و تکلیف، رکنی از ارکان جامعه یعنی رهبری نقش خود را از دست می‌دهد و از آنجائی که نقش رهبری نقش اساسی ای است بدون شک تاریکی تفرقه بر جامعه سایه خواهد افکند:

«... و اَعظَم مَا افتَرضَ (سُبحانَهُ) مِن تِلكَ الحُقوقِ حَقُّ الوِالی عَلَی الرَّعیَّة و حَقُّ الرَّعیَّةِ عَلی الوالی فریضة فَرَضَ اللّهُ سُبحانِهُ لِكُلّ علی كُلّ... اذا اَدّت الرَّعیةُ الی الوالی حَقَّهُ و ادِّی الوالی الیَها حَقَّها، عَزَّ الحَقُّ بَینَهُم و قَامَت مِنهاجُ الدّینِ... و اِذا غَلَبَتِ الرَّعیةُ والیها و اَجحَفَ الوالی بِرِعَیَّتِه وَ اختُلَفَ هُنالِكَ الكَلمَةُ...».[1]

در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبری بر مردم و حق مردم بر رهبر است. حق واجبی که خدا آن را لازم شمرد و آن را عامل پایداری و پیوند ملّت و رهبر و عزّت دین قرار داد امّا اگر مردم بر حکومت چیره شوند و یا زمام دار، بر مردم ستم کند، وحدت کلمه بهم خواهد خورد.

---

۱. نهج البلاغه، ص ۴۴۲، خطبه ۲۱۶.

۳ ـ نفاق

امام علیه السلام در ذیل نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر هنگام عزیمت وی به مصر این گونه مرقوم فرمودند:

«...و لَقَد قالَ لی رَسوُلُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: اِنّی لااَخافُ عَلی اُمَّتی مِؤمِناً و مشرکاً و لِکّنی اَخاف عَلیکم کُلَّ مُنافقِ عالِمِ الّسانِ، یَقوُلُ ما تَعرِفوُن و یَفعَلُ ما یُنکِروُنَ».[1]

«پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به من فرمودند: بر امت اسلام نه از مؤمن و نه از مشرک هراسی ندارم... و لکن من بر شما از منافق می‌ترسم که درونی دو چهره دارد و زبانی عالمانه، گفتارش دل پسند و رفتارش زشت و ناپسند است».

شاید توهّم شود که چنین شخصی (منافق) چه خطری ممکن است داشته باشد؟ ولی امام صلی الله علیه و آله ما را از منافقین برحذر داشته‌اند و می‌فرمایند:

«فَاَنَّهُم الضّالّونَ المُضلُّونَ وَ الزّالّوُنَ یَتَلَوَّنوُنَ اَلواناً و یَفتنُّونَ اِفتِناناً و یَعمِدُونَکمُ بِکُلّ عِماد و یَرصُدوُنَکُم بِکُلَّ مِرصاد...».[2]

«منافقون هم گمراه هستند و هم گمراه کننده، خطاکارند و به خطا کاری تشویق می‌کنند به رنگ‌های گوناگون ظاهر می‌شوند از ترفندهای گوناگون استفاده می‌کنند برای شکستن شما از هر پناهگاهی استفاده می‌برند و در هرکمین‌گاهی به‌شکار شما نشسته‌اند».

یکی از فتنه‌هائی که زائیده منافقین صدر اسلام است و ما امروزه هنوز از آن دچار آسیب می‌شویم بحث احادیث جعلی است که اگر این عمل منافقین نبود شاید امروزه بین مسلمانان اتحاد و همدلی را نظاره می‌کردیم:

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۴۴۲ ، خطبه ۲۱۶ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۴۰۸ ، خطبه ۱۹۴ .

«... رَجُلٌ مُنافِقٌ مُظهِرُ الایمانِ مُتَصِنِّعٌ بِالاِسلامِ لایَتانَّمُ و لایَتَحَرَّجُ، یَکذِبُ عَلی رَسولِ اللّهِ مُتَعَمِّداً...».[۱]

اوّلین قسم از اقسام راویان از دیدگاه علی علیه‌السلام منافقانند که تظاهر به ایمان می‌کنند و نقاب اسلام برچهره دارند ولی نه از گناه می‌ترسد و نه از آن دوری می‌جوید و از روی عمد به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دروغ نسبت می‌دهند.

و بالاخره این که منافق با همین حربه‌ها سعی در سقوط امّت اسلامی دارد، امام علیه‌السلام یکی از علل سقوط جامعه را همین مسئله‌ی نفاق ذکر می‌کنند:

«...وَ دینُکُمُ النِّفاقُ...».[۲]

۴ ـ جهل

الف) جهل عامل اختلاف: بیشتر نزاعاتی که بین مذاهب مختلف وجود دارد ناشی از جهلی است که مذاهب مختلف نسبت به یکدیگر دارند و باعث می‌شود مسائلی چون لعن، تکفیر، سب، کینه توزی و... مطرح شود:

«لَو سَکَتَ الجاهِلُ مَا اختَلَفُ النّاسُ».[۳]

«سبب بسیاری از اختلافات سخنان ناآگاهانه است».

سید شرف الدین الموسوی جمله زیبائی دارند:

«المُسلِمُونَ اِذا تَعارَفُوا تَآلَفُوا».[۴]

---

۱. نهج‌البلاغه، ص ۴۳۲، خطبه ۲۱۰.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۵۶، خطبه ۱۳.

۳. بحارالانوار، ج ۷، ص ۸۱.

۴. الوحدة الاسلامیة عناصرها و موانعها، ص ۴۸.

ب) دوری از جاهل عالم نما:

«... و رَجَلٌ قَمَشَ جَهلاً مُوضِعٌ فی جُهّالِ الأُمَّةِ، عادٍ فی اَغبَاشِ الفِتنَةِ... و قَد سَمّاهُ اَشبَاهُ النّاسِ عَالِماً، وَ لَیسَ بِهِ...».[۱]

یکی از دشمن‌ترین آفریده نزد خدا مردی است که مجهولاتی به هم یافته در میان انسان‌ها نادان امت جایگاهی پیداکرده است در تاریکی تفرقه و فتنه فرو رفته است آدم‌نماها او را عالم نامیدند البته عالم نیست.

ج) ره‌آورد جهل:

«مَن تَرَکَ قَولَ لااَدری اُصیبَت مَقاتِلُهُ».[۲]

«کسی که از گفتن لا ادری (نمی‌دانم) روی گردان است و به جهل خویش عمل کند به هلاکت و نابودی می‌افتد».

د) فرزندان جهل:

۱ ـ طعنه زدن و دادن القاب زشت: دادن القاب زشت در قرآن نهی شده است:

﴿ولا تَنابَزُوا بِالاَلقـابِ﴾.[۳]

متأسفانه در این حج و غیر آن به شیعیان القابی چون رافضی، قبوریون و... توسط شرطه‌های عربستان داده می‌شود و این خود مولودی از جهل به ساحت مقدس شیعیان است.

۲ ـ کینه‌ورزی و خوی عیب‌گیری: بعضی از مردم همّ و غمّشان این است که دائماً «هل من مبارز» می‌خوانند و دائم از عیوب و اختلافات کنکاش می‌نمائید مثلاً اختلاف نحویین در مسئله‌ای را ناشی از اختلاف مذهبی می‌دانند و شاید بتوان گفت که این خوی ناپسند از کینه توزی نشأت می‌گیرد.

---

۱. نهج البلاغه، ص ۶۰، خطبه ۱۷.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۴۲، حکمت ۸۵.

۳. حجرات: ۱۱.

امام علیه‌السلام در بیانی یکی از اسباب سقوط جامعه اسلامی مسأله کینه ورزی می‌دانند:

«...قَد اِصطَلَحتُم عَلَی الغِلِّ فیمّا بَینَکُم...».[۱]

«مردم گویا به خیانت و کینه ورزی اتفاق دارید».

۳ ـ لجاجت:

«اللِّجاجَةُ تَسِلُّ الرَّأیَ».[۲]

«لجاجت و پافشاری روی عقیده اندیشه را سُست می‌کند».

۵ ـ عامل خارجی

الف) ایجاد تفرقه توسط دشمن: از آنجائی که استکبار به این نتیجه رسیده است که امروز تمام عناصر مورد نیاز برای پیشرفت و توسعه‌ی امت اسلامی فراهم است و دریافته‌اند که تنها چیزی که می‌تواند جلوی این توسعه را بگیرد ایجاد تفرقه است. بارها ما این جمله را از استعمارگران شنیده‌ایم که «اختلاف بیاندازد و حکومت کن».[۳]

امام علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«...اِنَّ الشّیطانَ یُسَنِّی لَکُم طُرُقَهُ وَ یُریدُ اَن یَحِلَّ دینَکُم عُقدَة و یُعطِیَکُم بِالجَماعَةِ الفُرقَةَ و بِالفُرقَةِ الفِتنَةِ...».[۴]

دشمن راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی‌یکی بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی به پراکندگی شما بیافزاید و به سبب تفرقه طرح براندازی را در سر می‌پروراند.

---

۱. نهج‌البلاغه، ص ۲۵۲، خطبه ۱۳۳.

۲. همان، ص ۶۶۶، حکمت ۱۷۹.

۳. فرق تسدّ ـ الواحدة الاسلامیة عناصرها و موانعها، ص ۵۳.

۴. نهج‌البلاغه، ص ۲۳۰، خطبه ۱۲۱.

ب) تهاجم فرهنگی یکی از راه‌های نفوذ دشمن:

«فَاِنَّما اَهلَكَ مَن قَبلَكُم انّهُم مَنَعُوا النّاسَ الحَقَّ فَاشتَروَهُ وَ اخَذُوهُم بِالباطِلِ فَاقتَدوَهُ».(۱)

«همانا ملت‌های پیش از شماد به هلاکت رسیدند بدان جهت که، حق مردم را نپرداختند سپس دنیا را با رشوه دادن بـه دست آوردنـد و مردم را به راه باطل بردند و آنان نیز اطاعت نمودند».

در ذیل عبارت داریم که دشمنان مردم را به باطل هدایت کردند و آنها نیز قبول نمودند، در شبیه خون فرهنگی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر مردم هدف، مرعوب شدن آنها و تن دادن مردم به فرهنگ مهاجم است، در صورتی که مردم فرهنگ مهاجم را به هر دلیل نپذیرند فرهنگ مهاجم کاری از پیش نخواهد برد یا حداقل تأثیر آن ناچیز خواهد بود.

۶ ـ زورمداری و قانون‌شکنی

«... و اذا غَلَبَتِ الرَّعیَّةُ و اَجحَفَ الوالی بِرعَیَّتِه وَ اختَلَفَ هُنالِكَ الكَلِمَةُ...».(۲)

«اگر مردم قانون‌شکنی نمایند و مدیریت اجتماعی نیز زورمداری را سرلوحه کار خویش قرار دهد وحدت کلمه به هم خواهد خورد».

۷ ـ بدعت

الف) فتنه و تفرقه زائیده بـدعت: در بـیان پـیدایش فـتنه‌ها و انـحراقـات اجـتماعی و در نهایت تفرقه، امام علیه السلام می‌فرمایند:

---

۱. نهج البلاغه، ص ۶۲۱، نامه ۷۹.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۴۲، خطبه ۲۱۶.

«انّما بَدءُ وُقُوعِ الفِتَنِ اَهواء تُتَّبَعُ و اَحکام تُبتَدَعُ».[۱]

«همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها هواپرستی و بدعت‌گزاری در احکام آسمانی است».

ب) بدعت‌گزار دشمن‌ترین آفریده نزد خدا:

«اِنَّ اَبغَضَ الخَلائِقِ الی اللّهِ رَجُلانِ: رَجُلٌ وَ کَلَهُ اللّهُ الی نَفسِهِ فَهُوَ جائِرٌ عَن قَصدِ السَّبیلِ مَشغُوفٌ بِکَلامِ البِداعَةِ و دُعاءِ ضَلالَةٍ فَهُوَ فِتنَةٌ...».[۲]

دشمن‌ترین افراد نزد خداوند دوگروهند: گروهی که خدا آنها را به خودشان واگذاشته است آنها از راه راست دور افتاده‌اند و دل‌شان شیفتهٔ بدعت است و مردم را به‌گمراهی هدایت کرده و به فتنه می‌کشانند.

۸ ـ پیروی از هوای نفس و غرور

الف) پیروی از هوای نفس: هواپرستی انسان را به فتنه دعوت می‌کند و عامل تفرقه و مانع رشد است.

۱ ـ وقوع در فتنه:

«انّما بَدءُ وُقُوعِ الفِتَنِ اَهواء تُتَّبَع...».[۳]

«یکی از علّت‌های تفرقه‌زائی تبعیت از هوای نفس است».

۲ ـ مانع رشد:

«اِنَّ اَخوَفَ ما اَخافُ عَلیکُم اِثنانِ؛ اتِّباعُ الهَوی و طُولُ الاَمَلِ».[۴]

---

۱. نهج‌البلاغه، ص ۱۰۲، خطبه ۵۰.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۶۰، خطبه ۱۷.

۳. نهج‌البلاغه، ص ۱۰۲، خطبه ۵۰.

۴. نهج‌البلاغه، ص ۷۸، خطبه ۲۸.

امام علیه‌السلام می‌فرماید از دو چیز برای شما نگران هستم که شما را از رشد و تعالی باز دارد یکی اتّباع از هوی نفس و دیگر در ازایِ آرزو.

ب) غرور: حضرت علی علیه‌السلام یکی از عوامل سقوط امت‌ها را مسئله‌ی غرور بیان می‌فرمایند و غرور را باعث خودخواهی و عدم پندپذیری می‌دانند:

«وَ تَاهُ بِكُمُ الغُرُوُرُ».(۱)

«غرور شما را به هلاکت می‌کشاند».

«بينَكُم و بَينَ المَوعِظَةِ حِجابٌ مِنَ الغِرَّةِ».(۲)

«میان شما و پند پذیری پرده‌ای از غرور و خود خواهی وجود دارد».

۹ ـ دوستی با کشورهای بیگانه و دوری از کشورهای اسلامی

امروزه بیشتر کشورهای اسلامی تعاملات خویش را در ابعاد گوناگون با کشورهای غیرمسلمان انجام می‌دهند. لذا همین امر باعث دوری کشورهای اسلامی از یکدیگر شده است. هرچه تعاملات کشورهای اسلامی در ابعاد مختلف بیشتر شود، نزدیکی و تقریب و در نهایت اتحاد بوجود خواهد آمد.

امام علیه‌السلام در نکوهش از مسلمانانی که از امت اسلامی فاصله می‌گیرند و به آغوش دشمنان اسلام پناه می‌برند می‌فرمایند:

«... قَطَعتُمُ الاَدنی و وَصَلتُمُ الاَبعَد...».(۳)

«با کشورهای اسلامی قطع رابطه کردید و با کشورهای غیراسلامی پیوند برقرار نمودید».

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۲۵۲ ، خطبه ۱۳۳ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۶۹۸ ، قسمت ۲۸۲ .

۳ . نهج البلاغه، ص ۳۱۸ ، خطبه ۱۶۶ .

فصل هشتم: آثار وحدت و تفرقه

الف ـ آثار وحدت

۱ ـ ایجاد قدرت برای مسلمانان: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم:

«...وَ هُم یَدٌ علی مَن سِواهُم».[۱]

قال علی علیه السلام:

«...فَاِنَّ یَدُ اللّهِ عَلَی الجَماعَةِ».[۲]

۲ ـ حکومت بر جهان:

«آلم تَکُونُوا اَرباباً فی اَقطارِ الاَرضینَ وَ مُلُوکاً عَلی اَرقابِ العَالَمینَ».[۳]

«هنگامی که بنی‌اسرائیل وحدت کلمه داشتند، آیا آنها مالک و سرپرست زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟».

ب ـ آثار تفرقه

آثار اخروی تفرقه در روایات، برای ایجاد تفرقه آثار اخروی نیز بیان شده است از جمله؛ کسی که از جماعت دوری گزیند گنهکار می‌میرد[۴] یا با مرگ جاهلی می‌میرد[۵] یا دست بریده محشور می‌شود.[۶]

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۲. شرح نهج‌البلاغه، ج ۸، ص ۱۱۲.

۳. نهج‌البلاغه، ص ۳۹۴، خطبه ۱۹۲.

۴. نهج الفصاحة، حدیث ۱۲۲۴.

۵. نهج الفصاحة، حدیث ۲۸۵۵.

۶. کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

امّا آثار دنیوی تفرقه:

۱ ـ شکست: امام علیه السلام وحدت دشمن و تفرقه جبهه خودی را سبب شکست، معرفی می‌کنند:

«... وَ اِنّی وِاللّهِ لَاَظُنُّ اَنَّ هؤُلاءِ القَومَ سَیُدالُون مِنکُم بِاجتماعِهِم علی باطِلِهِم و تَفَرُّقکُم...».[۱]

«به خدا من یقین دارم که دشمن بر شما چیره خواهد شد به خاطر این که آنها بر باطل خویش وحدت دارند و ما متفرقیم».

امام علیه السلام پس از شکست خوارج و برای بسیج مردم برای مبارزه با شیطان در فرازی می‌فرمایند:

«... غُلِبَ وَاللّهِ المُتَخاذِلُونَ...».[۲]

«بر خدا سوگند شکست برای کسانی است که دست از یکدیگر می‌کشند».

۲ ـ ذلّت و جنگ‌های مذهبی:

«حینَ وَقَعَتِ الفُرقَةُ... تَفَرقَّوُا مُتَحارِبینَ...قَد خَلَعَ عَنهُم لِباسَ کَرامَتِهِ و سالَبَهُم عَضارَةَ نِعمَتِهِ...».[۳]

«از یکدیگر جدا شدند در حالی که دشمن هم شدند و خداوند لباس کرامت و عزت را از تنشان بیرون آورد و سنت‌های شیرین را از آنان گرفت».

---

۱ . نهج البلاغه، ص ۷۲، خطبه ۲۵ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۸۶، خطبه ۳۴ .

۳ . نهج البلاغه، ص ۳۹۴، خطبه ۱۹۲ .

فصل نهم: راهکارهای ایجاد وحدت

۱ ـ ایجاد عوامل تشویق

یکی از وصایای امام علیه‌السلام هنگام ضربت خوردن به امام حسن و حسین علیهماالسلام توصیه به اصلاح ذات البین است سپس می‌فرماید:

«...سَمِعتُ جَدِّکُما یَقُولُ: صَلاحُ ذاتِ البَینِ اَفضَلُ مِن عَامَةِ الصِّلاةِ و الصِّیامِ».(۱)

یکی از عناصر روانی ایجاد انگیزه در انسان، به بحث اتحاد و یک‌پارچگی با نگاه اجتماعی نگریسته‌اند و از سوی دیگر ثواب این عمل را برتری به یک سال نماز و روزه قرار داده‌اند. پس می‌توان این نتیجه راگرفت که این ثواب خود عامل مهم تشویقی در ایجاد وحدت است.

بنابراین دولتمردان کشورهای اسلامی می‌توانند عوامل تشویق مادی و معنوی در نظر بگیرند و کسانی راکه می‌توانند با انجام هر عملی، مسیر وحدت را به نوعی هموار نمایند، تشویق کنند.

۲ ـ قانون‌گذاری در زمینه ایجاد وحدت

در فرازی از نهج‌البلاغه امام علیه‌السلام امر ایجاد عوامل وحدت عوامل تفرقه، می‌نمایند:

«... عَلیکُم بِالتَّواصُلِ وَ التَّباذُل وَ ایّآکُم و التَّبادُرَ وَ التَّقاطُعَ...».(۲)

اگر این امر حضرت در بعد کلان اجتماعی ملاحظه سود وظیفه مدیریت اجتماعی ایجاب می‌کند که سیاست‌های کلی‌ای را به صورت قوانینی وضع نمایند که سبب ایجاد وحدت ملی و اسلامی شود. بر همین اساس در قانون اساسی کشور ایران در اصل ۱۱ براین امر تکیه نموده

---

۱. نهج‌البلاغه، ص ۵۵۸، خطبه ۴۷.

۲. همان.

است و اصل چنین است:

بـر حکـم آیـهٔ ﴿اِنَّ هـذهِ اُمَّـتُکُم اُمَّـة واحِـدة و اَنَـا رَبُّکُـم فَـاعبُدُون﴾[۱] همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلان خود را برپایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد.

۳ ـ شناسائی عوامل تقویت‌کننده وحدت و تمرکز روی آنها

در رهنمود امام علیه‌السلام در مقابله با فتنه‌ها و انحرافات می‌فرماید:

«... فَلاتَکُونُوا اَنصارَ الفِتَنِ و اَعلامَ البِدَعِ و اَلزَمُوا ما عُقِدَ عـلیه جَعلُ الجَماعَةِ و بُنِیَت عَلیه اَرکانُ الطّاعَةِ...».[۲]

«پس سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت نباشید و آن چه را پیوند امت اسلامی بدان استوار است و پایه‌های طاعت برآن پایدار است برخود لازم شمرید».

در بحث عبرت‌گیری از گذشتگان نیز اشاره‌ای به این مبحث شد.

۴ ـ مقابله به مثل در برابر دشمنان و ایجاد تفرقه بین آنها

هر زمانی آلات و ادوات جنگی خود را می‌طلبد. اگر امروز دشمنان امت اسلامی بوسیله ایجاد تـفرقه بـا ابـزارهـای گـوناگـون، سـعی در انـهدام امت اسـلامی را دارنـد بـر اسـاس آیـهٔ ﴿وَاَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ﴾[۳] باید مسلمانان نیز سعی نمایند به این ابزارهای ایجاد تفرقه دست بیابند و مقابله به مثل نمایند.

---

۱. انبیاء: ۹۲.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۲۷۹، خطبه ۱۵۱.

۳. انفال: ۶۰.

در جنگ احزاب که در سال ۵ هجری رخ داد و در آن گروه‌های مختلفی برای نابودی اسلام متحد شده بودند پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله از تاکتیک ایجاد تفرقه اختلاف در صفوف دشمن استفاده نموده‌اند. دو تن از مسلمانان که اسلام خود را آشکار نکرده بودند از یک سو با بنی‌قریظه و از سوی دیگر با غطفان مرتبط شدند و آن دو قبیله را نسبت به یکدیگر بدبین کردند[۱] و همین امر باعث شکست دشمن در جنگ احزاب شد.

امام علیه السلام هم به همین تاکتیک اشاره دارند و امروزه نیز در ادبیان سیاسیون این عمل را به انداختن توپ در زمین حریف تعبیر می‌نمایند:

«**... رُدُّوا الحَجَر مِن حِیثُ جَاءِ فِانَّ الشَّر لایَدفَعُهُ اِلّا الشَّرُّ...**».[۲]

امام علیه السلام می‌فرماید: سنگر را از همان جائی که دشمن پرت کرده، بازگردانید که شرّ را جز شرّ پاسخی نیست. در این حکمت نورانی امام علیه السلام یکی از تاکتیک‌های مبارزه با دشمن را انداختن توپ در داخل زمین دشمن می‌داند و با جمله حصریه بیان می‌کند که فقط و فقط شرّ را شرّ نابود می‌کند.

بخش دوّم
اتحاد ملّی

باید خاطر نشان شود که از آنجائی که اکثریت مردم کشورمان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و از طرفی اکثر مواردی که در بخش نخست ارائه شد مسائلی کلی، مربوط به اصول حفظ جامعه بودند. لذا همان موارد نیز باید در بحث اتحاد ملّی سریان و جریان داشته باشد.

---

۱. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۹۳.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۷۰۴، حکمت ۳۱۴.

فصل نخست: عوامل ایجاد اتحاد ملّی

مبحث اول: عوامل ایجاد اتحاد ملّی در بُعد حکومتی

۱ ـ وجود رهبر با تمام شرایط لازم

همچنان که در بخش اول گذشت مَثَل رهبر مانند ریسمان محکمی است، که سبب اتحاد یک جامعه می‌شود لذا باید دارای شرایط خاصی باشد:

«...وَ قَد عَمِلتُم انَّهُ لایَنبِغی اَن یَکُونَ، لِوالی عَلَی الفُروجِ وَ الدِّماء وَ المَغانِمِ وَ الاَحکامِ و اِمامَةِ المُسلمینَ البَخیلُ... و لا الجاهِلُ... و لا الجافِی... و لا الحائِفُ... و لا المُرتَشی... و لا المُعَطِّلُ».[1]

شرایط رهبری از دیدگاه امام علی در این خطبه:

۱ ـ بخیل نباشد؛

۲ ـ عالم باشد؛

۳ ـ عادل باشد؛

۴ ـ رشوه خوار نباشد؛

۵ ـ مجری قانون باشد.

باید تمامی این شرایط جمع در رهبری باشد تا بتواند به وظائف خویش به نحو صحیحی عمل کند در غیراین صورت امام علیه‌السلام در ادامه می‌فرماید «**فیُهلِکَ الأَمَّةُ**» ملّت نابود خواهند شد.

۲ ـ خدمت صادقانه به مردم

امام علیه‌السلام در نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان چنین می‌نویسند:

«... اِنَّ عَمَلَکَ لَیسَ لَکَ بمطعَمَة و لکنَّهُ فی عُنِقک اَمانَةٌ لَیسَ لَکَ اَن

---

۱. نهج البلاغه، ص ۲۸۴، خطبه ۱۳۱.

تَفتاتَ فی رَعیّة...».[۱]

«فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نباشد بلکه مسئولیت، امانت سنگینی است، تو حق نداری به مردم استبداد بورزی. وقتی مسئول خادم مردم شد، زمانی مسئولیت خویش را صحیح انجام می‌دهد که صادقانه خدمات نماید و از انجام خدمت کوتاهی نورزد».

۳ ـ احترام به رسوم قومیت‌های مختلف

امام علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر مالک را امر می‌کنند که:

«... لاتَنقُص سُنَّة صالِحَة عَمِلَ بِها صُدُورُ هذِهِ الأُمَّةِ و اجتَمعَتَ بِها الأَلفَةِ...».[۲]

«آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملّت مسلمان با آن پیوند خورده و مردم با آن اصلاح شدند برهم نزن».

در نگاه حضرت هر سنت پسندیده‌ای که باعث ایجاد وحدت و اصلاح کار مردم شود باید تقویت گردد.

۴ ـ نفی قوم‌پرستی و رعایت حقوق اقلیت

امام علیه‌السلام در جائی دیگر از نامه خود به مالک اشتر، خواستار برابری رفتار با تمام مردم بصورت مساوی است و مردم را در برابر قانون برابر می‌دانند و می‌فرمایند:

---

۱ . نهج البلاغه، ۴۸۴ ، نامه ۵ .

۲ . نهج البلاغه، ص ۵۷۲ ، نامه ۵۳ .

«...اِمّا اَخٌ لَکَ فِی الدّینِ اَو نَظیر لَکَ فِی الخَلقِ...».[۱]

«یا در جامعه که زندگی می‌کنی مردم مسلمان هستند که برادر دینی تواند یا غیرمسلمان که برادر نوعی تو هستند».

براساس قانون کشورمان ایران در اصل ۹ به صراحت به برابری اقوام و قبائل از هر مذهبی اشاره شده است.

مبحث دوم: عوائل ایجاد اتحاد ملّی در بُعد مردمی

امام علیه السلام علل سقوط جامعه انسانی را موارد ذیل می‌دانند:

«... وَ اعلَمُوا رَحِمَکُمُ اللّهُ انَّکُم فی زَمان، القائِل فیهِ بِالحَقِّ قَلیلٌ وَ اللِّسانُ عَنِ الصِّدقِ کَلیلٌ و اللازِمُ لِلحَقِّ ذَلیلٌ اَهلُهُ مُعتَکِفُونَ عَلَی العِصیانِ، مُصطَلِحُونَ عَلَی الادِهَانِ فَتاهُم عارِمٌ و شائِبُهُم آثِمٌ و عالِمُهُم مُنافِقٌ و قارِئهُم مُماذِقٌ لایُعَظِّمُ صَغیرُهُم کَبیرَهُن و لایَعُولُ غَنِیَّهُم فَقیرَهُم...».[۲]

«۱ ـ کسی که حق بگوید کم است؛ ۲ ـ زبان‌ها از راستگوئی عاجزند؛ ۳ ـ حق‌طلبان بی‌ارزشند؛ ۴ ـ مردم قانون شکنند؛ ۵ ـ سازشکارند؛ ۶ ـ جوانان بداخلاقند؛ ۷ ـ عالمان منافقند؛ ۸ ـ پیران گنهکارند؛ ۹ ـ نزدیکان سودجویند؛ ۱۰ ـ توانگران به‌فکر فقرا نیستند».

اگر این اسباب در جامعه بوجود آید قطعاً آن جامعه از ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی، علمی و... از هم خواهد گسست.

---

۱. نهج البلاغه، ص ۵۶۶، نامه ۵۳.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۷۰، خطبه ۲۳۳.

کتابنامه

۱ ـ قرآن.

۲ ـ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء الکتب العربیة.

۳ ـ الحسینی، شهاب الدین، الوحدة الاسلامیة، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة، ۱۳۸۴.

۴ ـ حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحئیل مسائل الشریعة، اباتری ۱۳۸۳ .

۵ ـ دشتی، نهج البلاغه، قم، پارسیان، ۱۳۷۹ .

۶ ـ ری‌شهری، میزان الحکمة، دار الحدیث، قم.

۷ ـ سید الشریف رضی، نهج البلاغة، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۲ .

۸ ـ فیض الاسلام، شرح نهج‌البلاغة، تهران، ۱۳۷۳ .

۹ ـ کلینی رازی، الکافی، طهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰ ـ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، وفا، بیروت.

۱۱ ـ مسلم بن الحجاج النیشابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت.

۱۲ ـ موثقی سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ .

۱۳ ـ واعظزاده الخراسانی، الواحدة الاسلامیة عناصرها و موانعها، طهران، ۱۳۸۶ .

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو قرآن کریم

علی شریعتی

مقدمه

جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که امروزه جهان اسلام با آن دست به‌گریبان است وحدت اسلامی است. اگر ادعا کنیم حساس‌ترین مسئله‌ای که امامان شیعه در طول زندگانی، برای تحقق آن در عالم خارج براساس قرآن کریم و سنت نبوی اهتمام داشته‌اند، وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی در چارچوب کلی جهان اسلام است سخنی به‌گزاف نگفته‌ایم. هدف آن بزرگواران محافظت از عظمت و شکوه این موجودیت در برابر دشمنان و درکمین نشستگان اسلام بود. نیز در اندیشه تحقق بخشیدن به مصلحت برتر اسلام در ساختن امت و شکوفایی مثال زدنی آن در حرکتی شتابنده و روشن به سوی خداوند متعال بودند. شکی نیست که این شکوفایی جز در فضایی آکنده از دوستی و گفتار نیک و برخوردهای سازنده قابلیت نمی‌یابد. جوی که در آن از کینه‌توزی و تعصبات کور و جدایی میان فرق و مذاهب نباشد و پدیده‌های جاهلیت زده‌ای که برون داد طبیعی اعمال هواپرستانه پاره‌ای از حکام گمراه و سلاطین ستمگر است که زمام امور مردم را غاضبانه در دست گرفته و در زمین خدا به مصداق قرآن دامنه ستم و تباهی را گسترش می‌دهند به چشم نخورد.

در آغاز سالی که از سوی مقام رهبری به عنوان سال هم‌بستگی و مشارکت نامیده شده به بررسی نکاتی چند پیرامون راه‌کارهای وحدت و هم‌بستگی می‌پردازیم. وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها برای حضور و ایستادگی در رویارویی تمدن‌ها است ولی این وحدت شدیداً نیازمند انگیزه و زمینه است.

انگیزه‌های وحدت اسلامی

۱ ـ وحدت اسلامی فراهم‌کننده قدرتی حقیقی است که می‌تواند پس از خداوند متعال، تکیه‌گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد؛ زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت‌های استراتژیک مهم، روحیه معنوی بالا، و فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری پیشرفته‌ای در نگرش به زندگی؛ برخوردار هستند، اما چنان‌چه میان این اجزا و عناصر پراکنده هماهنگی ایجاد نکنند، این مجموعه عظیم، بیش از طعمه‌ای در چنگال دشمنان نخواهد بود.

۲ ـ وحدت اسلامی می‌تواند زمینه‌های گسترده‌ای برای پژوهش و بحث و بررسی و اجتهاد و استنباط از منابع اسلامی را هم آورد و بدین وسیله به رویارویی‌های فکری و فرهنگی و حل مشکلات انسانی که ثمره پیشرفت‌های مادی و تحولات علمی اجتماعی است مدد رساند روشن و بدیهی است که چنین امکان وسیعی برای تحقیقات و بررسی‌ها تنها در سایه آرامش و تفاهم و آزادی ابراز عقیده و ارج و احترام اندیشه و تلاش‌های دوستانه و برادرانه، به وقوع می‌پیوندد.

۳ ـ وحدت اسلامی می‌تواند زمینه‌های رشد و پیشرفت را در تمامی جنبه‌های مادی و معنوی فراهم کند.

زمینه‌های وحدت اسلامی

الف) ارائه دیدی کلی و عمومی راجع به نقش دین در زندگی و این که آیا دین تنها رابطه‌ای روحی و پیوندی قلبی میان انسان و خدا و اعمال عبادی و اصول اخلاقی است که انسان بدان پای‌بند باشد؟ یا حوزه تأثیر گذاری دین، گسترده‌تر و فراتر از دین، در برگیرنده تمامی جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی و اداری و سیاسی و ارتباطات انسانی در زندگی است.

ب) اتخاذ موضعی کلی در قبال حقوق بشر در اندیشه و عمل و اعمال عبادی مسلمانان و حقوق اجتماعی پیروان مذاهب اسلامی، به‌طور یکه اولاً نتوان اتباع این و آن مذهب را از حقوق اساسی‌شان که همراه دیگر شهروندان مسلمان در لزوم برخورداری از آن‌ها مشترکند و صرفاً به خاطر انتساب به مذهبی خاص، محروم ساخت. و ثانیاً مسئله انتساب به مذهب خاص، به امتیاز یا نقطه ضعفی به نفع یا ضرر اشخاص، تبدیل نگردد.

ج) داشتن دیدگاهی کلی در قبال دشمنان اصلی اسلام، چه در جنبه اعتقادی مانند جریان الحاد و اباحی‌گری اخلاقی یا در جنبه‌های سیاسی هم‌چون جریان کفر جهانی.

د) اختلافات مذهبی که باید با نگاهی کلی و روشن بدان نگریست تا بتوان برخورد صحیحی با آن‌ها صورت داد، چون وحدت را در این زمینه به معنای متحدکردن تمامی مذهب در یک مذهب مشترک گرفتن، هیچ مفهوم صحیحی ندارد بلکه اصولاً در این زمینه نخست باید آراء پیروان مذهب و آیین‌های عبادی و شخصی‌شان را محترم شمرد و آنگاه روش‌های تحقیق و بررسی و اسلوب‌های نقد و گفت‌وگو را به دور از غرض‌ورزی‌ها و شک و گمان‌ها متحد ساخت.

ح) هماهنگ کردن دیدگاهی کلی راجع به اساس ساختار حکومت اسلامی و نقش آن در زندگی سیاسی اجتماعی، به‌طور یکه مانند عرصه دموکراسی در جهان معاصر، تناقضی میان اشکال مطروحه برای حکومت پیش نیاید.

وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن

قرآن کریم موضوع وحدت و اختلاف را تفضیلاً مورد بحث و بررسی قرار داده است. از یک سو فرایند اختلاف را در تاریخ انسان همراه با علل و عوامل پیدایش و راه کار برچیدن آن، مطرح ساخته و از سوی دیگر مسئله وحدت و یک‌پارچگی را در کنار اصول و راه‌های دستیابی به همبستگی، ارائه کرده است و همین طور، پدیده وحدت و اختلاف در جامعه اسلامی و خود راه کار ظهور اتحاد در بین مسلمانان، از نگاه قرآن دور نمانده است.

۱ ـ فرآیند وحدت و اختلاف در تاریخ انسان از دیدگاه قرآن

در یک نگاه کلی این فرآیند به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

الف) اختلاف و وحدت به مثابه پدیده‌ای انسانی.

ب) اختلاف و وحدت در میان ادیان الهی.

در مورد شاخه اول، قرآن کریم اساساً زندگی را به سان جامعه‌ای برشمرده که رفتارها و روابط هم‌گون و یکسانی را در آغاز پی ریخته است.

مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت و با آن کتاب خود را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آن‌چه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که (کتاب) به آنان داده شده پس از آن‌که دلایل روشن برای آنان آمد ـ به خاطر ستم و حسدی که میانشان بود، هیچ کس در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آن‌چه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد و مردم جز یک ملت نبودند، پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آن‌چه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد.

قابل ذکر است که شرایط خاص حاکم بر زندگی انسان و محیط زندگی او، با توجه به میزان نیازها و خواسته‌های او، با پیدایش و استمرار وحدت، سازگاری تام داشته باشد.

هر قدر بر وسعت دایره امکانات و توان انسان افزوده می‌شود همان اندازه نیز از توان او برنفوذ و تسلط او بر زمینه‌های جدید حیات اجتماعی که گاه با ساید عرصه‌ها در تناقض است، کاسته و در نتیجه امکان وصول به اتحاد را با دشواری بیشتری روبرو می‌کند. سطح فرهنگ و دانش بشری نسبت به ابزارها و اسبابی که افاق و مقاصد نوینی در جلوی چشم آدمیان می‌گشاید در این زمینه بی تأثیر نیست.

در آغازین مرحله زندگی انسان که فطرت خدادادی بر آدمی تسلط تام دارد و در شرایط مناسب، او را به جلو هدایت می‌کند، می‌توان تصور کرد که پاره‌ای تجاوزات فردی ناشی از هوا و هوس گاه پیش آید اما خیلی زود پس از خاموشی آتش کینه، حسد، خشم و یا شهوت، به فطرت پاک خویش برگردد. قرآن کریم در این باره از حادثه فرزندان آدم گفتگو می‌کند. با پشت سر گذاشتن این مرحله و عبور از برهه زمانی مشخصی که جامعه انسانی در آن اثناء به تدریج شکل کامل‌تری به خود می‌گرفت و بر جمعیت نیازها و خواسته‌هایش می‌افزود، دوران اختلاف آغاز گردید. آن‌چه در این زمینه استنباط می‌توان کرد، آن‌که بشریت همواره در تمامی دوران‌های زندگی خویش، محکوم قانونی به نام قانون اختلاف بوده است.

و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی‌که پیوسته در اختلافند مگر کسانی که پرودگار تو به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است. براین مبنا، باید گفت: اختلاف همچون واقعیتی خارجی، پیوسته در مراحل گوناگون تاریخی، حضور خود را حفظ کرده و خود معلول قانون دیگری است که خداوند در زندگی انسانی حاکم کرده است. چنین قانونی را باید تنها راه پرورش و تکامل امت‌ها و افراد صالح دانست که با اختیار و خواست خویش، علی رغم روییدن خواست‌ها و پیدایش نیازها، در این مسیر گام نهاده‌اند، این دنیای پر زرق و برق در عین حال، کوره امتحان آدمی و فرصت عمل برای دست‌یابی به کمال روحی و معنوی او نیز هست.

«آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟». «همان (خدایی) که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدام‌تان نیکو کار ترید».

حاصل آن‌که علت اصلی پیدایش اختلاف در میان انسان، هوا و هوس اوست که خداوند آن را هم‌چون نیروی جاذبه‌ای که در فرآیند اراده و اختیار، با نیروی عقل و فطرت برابری کند، قرار داده است. و در صورت هواپرستی آدمی و خروج از راه هدایت و عقل‌گرایی به دلیل تعدی هواپرستان بر مردم و مجموعه هستی و نیز به سبب تضاد مصالح افراد و رقابت‌های ناصحیح در رسیدن به جاء و مقام و قدرت و شهوت، پیدایش اختلاف، امری کاملاً طبیعی است. بر طبق آموزه‌های قرآن کریم، این نوع اختلاف، نخستین اختلافی بوده است که از بستر تاریخی انسان سر بر آورده و ملائک بنا به طبیعت آفرینش او، انتظار آن را داشته‌اند.

اختلافاتی که منشأ هوا و هوس داشت در فضایی پدیدار شد که زندگی انسان دگرگون گشته و در ضمن تحولی عمیق، پیچیدگی و ترکیب در آن پدید آمده بود. در نتیجه، آدمی دیگر با تکیه بر اندیشه و استعدادهای خویش، به تنهایی نمی‌توانست بر مشکلات پیچیده و عمیقی که در زندگی با آن‌ها روبه‌رو می‌شد فایق آید این تحول با ظهور تحولی دیگر یعنی نزول کتب آسمانی و بعثت پیامبران مقارن گشت. هدف آن بود که مردم به راه صلاح و هدایت رهنمون شوند و پیامبران به حق و عدالت درباره اختلاف‌ها و نزاع‌های آدمیان حکم دهند. گذشته از این‌ها قرآن کریم به قصد از میان بردن اسباب اختلاف و گشودن راه تکامل در پیش پای یکایک افراد و جوامع انسانی و آگاه ساختن و پند آموزی به آدمیان دو سنت دیگر را پایه‌گذاری کرده است:

۱ ـ سنت مغفرت‌طلبی و توبه و بخشایش تا همیشه راه بازگشت آدمی از گناهان و اشتباه‌ها باز باشد.

۲ ـ سنت انتقام در دنیا برای افراد و گروه‌ها به هنگام شدت گرفتن انحراف‌ها و افزایش گناهان تا موجبات پند پذیری نسل‌های آینده فراهم گردد.

و اما در مورد شاخه دوم؛ یعنی اختلاف وحدت در میان ادیان آسمانی، براساس نظرگاه قرآن‌کریم، وحدت و اتحاد باید بر پایه اصولی مشخص و با وسایل و ابزارهای شناخته شده باشد که به‌طور اختصار به آن اشاره می‌شود. در حقیقت تحقق وحدت در میان آدمیان منوط به وجود پاره‌ای وجوه مشترک است که نقطه آغازین وحدت قرارگیرد:

الف) ایمان به خدا و وحی آسمانی و نبوت‌ها و روز رستاخیز.

ب) پذیرش عزت و کرامت انسان و احترام به او و آزادی عقیده و اندیشه و عمل وی.

براین اساس هرگز نمی‌توان از اتحاد واقعی مؤمنان باکافران سخن گفت. بلی ممکن است گاه در اثر پاره‌ای ضرورت‌ها درکنار هم گرد آیند وکشوری واحد، محل تجمع آنان قرارگیرد و صلح و آرامش در میان آنان برقرار گردد اما این اتحاد حقیقی نیست. شرک به خدا و انکار خدا، مانعی درونی و تناقضی اجتماعی بر سر راه اتحاد است.

شاخصه‌های وحدت میان ادیان الهی

قرآن‌کریم به موازات تلاش برای تصحیح انحرافات بنیادینی که دامن‌گیر پیروان اهل‌کتاب شده که در آیاتی چون (مائده/ ۷۷، ۸۱؛ آل عمران/ ۸۱، ۱۸۷؛ بقره/ ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۸۶، ۱۷۴) به آن تصریح گردیده، چارچوبی را برای وحدت میان ادیان الهی در طول تاریخ مشخص نموده است تا رابطه‌ای روحی و روانی میان مسلمانان و پیروان آئین‌های دیگر محفوظ بماند. از طرفی زمینه لازم برای هم‌زیستی اجتماعی و سیاسی را برای ادیان آسمانی فراهم سازد و از دیگر سوکلیه معتقدان به خدا روز رستاخیز را بر یک صف در مواجهه با بت‌پرستان و مشرکان و ملحدان قرار دهد. ابعاد و شاخصه‌های این چارچوب خاص عبارت‌اند از:

۱ ـ ایمان به خدای یکتا و وحی آسمانی و روز بازپسین و کتاب‌ها و رسالت‌های پیامبران.

۲ ـ تأکید بر وحدت پیامبران و پیام‌های آسمانی.

همه پیامبران و پیام‌های آسمانی از یک منشأ گرفته‌اند. این منشأ خداوند متعال است. پیامبران هم موظف بوده‌اند پیام‌های الهی را به بشر ابلاغ کنند، در تربیت و اصلاح او بکوشند، به نیکی و هدایت و صلاحش رهنمون گردند و از بدی و فساد و گمراهی باز دارند.

۳ ـ دعوت همگانی.

۱ ـ ۳ ـ دعوت همگان به سوی اجرای احکام ثابت الهی مشترک در تورات و انجیل به قصد روشن ساختن میزان اتحاد و تقارب میان ادیان، به خصوص این‌که این شریعت‌ها مکمل هم‌دیگر بوده‌اند آیات مربوط به وجوب روزه، چگونگی قصاص و پرهیز از رباخواری نمونه‌ای از این دعوت‌هاست.

۲ ـ ۳ ـ دعوت به مراجعه به تورات و انجیل به هنگام حل و فصل اختلافاتی که دامن‌گیر اهل کتاب می‌شد و توجه به مواردی که میان تورات و انجیل و قرآن مشترک است.

۳ ـ ۳ ـ دعوت مردم به مراجعه به دانشمندان اهل ذکر و معرفت از اهل کتاب با هدف تبیین حقایق اسلام.

۴ ـ ۳ ـ دعوت به پذیرش آیین اسلام و اصول آن و حرمت نهادن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قایل شدن به اصل توحید ابراهیمی برای اسلام و تأکید بر موقعیت ممتاز ابراهیم علیه السلام در آیین محمد صلی الله علیه و آله با توجه به این‌که ابراهیم پدر پیامبران بنی‌اسرائیل و فرستاده‌ای است که آئین‌های آسمانی به او منتهی می‌گردد.

براین پایه تأکید می‌شود که نام «اسلام» از طرف ابراهیم علیه السلام است و او خود، مسلمان تسلیم محض خدا و حنیف است و یهودی و نصرانی نیست.

۵ ـ ۳ ـ فراخوانی اهل کتاب بر پذیرش رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله به واسطه تأکید بر بشارت‌هایی که پیامبران و کتاب‌های آسمانی پیشین داشته است قرآن کریم بارها متذکر این

حقیقت شده است. یکی از این موارد، در سوره اعراف و در سیاق گفتگو راجع به موسی است و مورد دیگر در سوره صف جای دارد.

۴ ـ فرایند وحدت در جامعه اسلامی؛ این فرایند در سه رهیافت قابل بررسی است.

۱) اصولی که قرآن برای وحدت در جامعه اسلامی پایه‌ریزی کرده است؛

۲) ابزارهایی که قرآن به منظور تضمین بقای این بنیان الهی، تحقق، پایداری و مراقبت از آن به پیامبر اکرمﷺ و آدمیان معرفی کرده است؛

۳) پی‌آمدها و آثار تحقق وحدت در جامعه اسلامی.

اصول وحدت اسلامی

اصل اول: یکتاپرستی

این اصل در اشکال مختلف تصویر می‌شود:

الف) صحنه اتحاد همگان از رهگذر چنگ زدن به ریسمان خداوند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن‌گونه که حق پرواکردن از اوست پرواکنید، و نمیرید مگر در حالی که تسلیم فرمان او باشید. و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که دشمن یک‌دیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایه نعمت او با هم برادر شدید؛ و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن رهانید. این گونه، خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که هدایت یابید».

ب) صحنه پدیدار شدن انس و الفت میان قلب‌ها و هم‌دلی به واسطه عامل غیبی:

«و اگر بخواهند با پیشنهاد صلح تو را فریب دهند، خدا برای تو بس است. اوست که تو را به یاری خود و به وسیله مؤمنان تأیید کرد. و میان

دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر همه آن‌چه در زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا میانشان الفت برقرار کرد. به راستی او عزت‌مند و حکیم است».

اصل دوم: پیروی از پیامبر اکرمﷺ

اهمیت مسئله برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل و اصول اعتقادی و اخلاقی و مصالح سیاسی و اجتماعی است که به پاره‌ای از آن‌ها به صورت گذارا اشاره می‌شود:

الف) حضرت رسول اکرمﷺ مقام تبلیغ رسالت را بر عهده دارد و سخنان او ناشی از منشأ و حیانی است:

«و از روی هوس سخن نمی‌گوید. این قرآن جز وحیی که به او می‌شود نیست».

«هرکس اطاعت پیامبر کند، در حقیقت اطاعت خدا کرده است؛ و هر کس روی بگرداند، تو مسئول نیستی، و تو را به عنوان نگهبان آنان نفرستاده‌ایم».

ب) رسول کسی است که در عین دارا بودن مقام نبوت و تبلیغ، مسئولیت جامعه را نیز برعهده دارد.

معنای چنین سخنی آن است که اطاعت از رسول در واقع، از یک جنبه، نشانه پای‌بندی به حاکمیت سیاسی اسلامی و گویای اهمیت نقشی است که قرآن و اسلام برای این حاکمیت در جامعه قایل است.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از این پیامبر و کسانی از خودتان که متولیان امر شما هستند فرمان برید؛ و اگر در چیزی با یکدیگر اختلاف پیدا کردید، اگر به خدا و روز واپسین ایمان

دارید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است. آیا نظر نیفکنده‌ای به کسانی که می‌پندارند به آن‌چه به سوی تو و آن‌چه پیش از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، در حالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر به‌ورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند».

زمینه‌های اطاعت از «رسول» بسیار گسترده و متعدد است و مصالح اجتماعی عمومی، خواسته‌های فردی خاص، مسائل روزمره آنی و انواع موضوعات دائم و پایدار را در بردارد. هم‌چنین تأثیر طبع؛ نظرات و اجتهادات مختلف، رسوب‌های اعتقادی فکری اخلاقی و فشارهای اجتماعی و اقتصادی را در این پیروی و اطاعت، نباید از نظر دور داشت. یکی از مهم‌ترین آثار اطاعت از خدا و رسول، برچیده شدن نزاع و اختلاف و تحقق وحدت در میان مسلمانان است.

«و خدا و پیامبرش را فرمان برید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت شما را از بین برود، و صبر کنید که خدا با صابران است».

اصل سوم: حفظ روابط عاطفی میان رهبری و مردم

یکی از پایه‌های مهم وحدت اسلامی، حفظ موقعیت ممتاز رهبری دینی در جامعه است در این عرصه و حوزه قانون‌مند، وحدت اسلامی شکوفا می‌شود. مبدل کردن حالت‌های خشک و بی روح، به پیوندهای پر طراوت روحی و معنوی و عاطفی که دوستی و مودت و احساسات پاک انسانی در آن موج زند بر عهده رهبری اسلامی است بدین‌سان رهبری، نقش عظیمی را در حفظ و استمرار بقای وحدت اسلامی ایفا می‌کند.

«پس به سبب رحمتی که از جانب خداست با آنان نرم‌خوی شده‌ای، و اگر درشت‌خوی و سنگ‌دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر، و برایشان آمرزش بخواه، و در کار اداره جامعه با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد».

«همانا برای شما پیامبری از خودتان آمده است که رنج بردن شما بر او دشوار است و بر هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان بسیار دل‌سوز و مهربان است».

اصل چهارم: اخوت دینی

اخوت دینی از دیدگاه قرآن، زمینه شکوفایی وحدت اسلامی است و به آن نمود اجتماعی و ارزش انسانی می‌بخشد وحدت میان اشیاء نیازمند چارچوبی واحد است که آن‌ها را درکنار هم گرد آورد. خون، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، زمین، خاک، مصالح و منافع، ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی، دیدگاه قرآن در این زمینه‌ها، همه بر این مبنا استوار است که بشریت از اصلی واحد برخوردار است.

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.بی تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. به یقین، خدا دانا و آگاه است».

«جز این نیست که مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان سازش دهید و از خدا پروا بدارید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید».

اصل پنجم: موازین اخلاقی

محتوای کلی تعالیم اسلامی، محتوایی اخلاقی است، فلسفه قیام رسول اکرم ﷺ به تتمیم مکارم اخلاق تفسیر است موازین اخلاقی دارای شاخصه‌هایی چون وفاداری در عهد و پیمان، اجرای عدالت، ترویج فضیلت‌ها و... است که هر یک در سنگ بنای خیمه وحدت اسلامی سهم قابل توجهی دارند.

سخن آخر

ابزارهای تحقق وحدت اسلامی

مجموعه ابزارهایی که قرآن کریم در مقام تحقق بخشیدن به وحدت و وفاق عمومی در میان آحاد جامعه انسانی و اسلامی از آن سخن گفته اختصاراً به شرح زیر است:

دعوت و تبلیغ با شیوه حکمت و موعظه حسنه صلح و آشتی و تلاش‌های خیرخواهانه؛ گذشت و بخشایش؛ ایستادگی در برابر دشمنی و تجاوز؛ تکیه بر علم و دانش در مواجهه با حوادث.

امید است در سایه دستورهای سازنده دین اسلام و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب جلوه‌های حقیقی اتحاد و هم‌بستگی آحاد در جامعه را شاهد باشیم.

والعاقبة للمتقین.

نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی

جعفر ساسان

خلاصه مقاله

مقاله حاضر به بررسی نقش مساجد در انقلاب اسلامی می‌پردازد. با توجه به اینکه پیش زمینه هر انقلابی بسیج سیاسی توده‌هاست و به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران حوزهٔ انقلاب، در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم، نقش سه عنصر رهبری، ایدئولوژی و سازمان جدی است. بنابراین در مقاله حاضر به بررسی کارکردهای مسجد بعنوان سازمان و تشکیلات انقلاب پرداخته می‌شود.

هرچند که مسجد دارای کارکردهای گوناگونی در جامعه است اما در این مقاله به کارکردهای آن در سه حوزه رسانه‌ای، ارتباطی، حمایتی، پشتیبانی و فرهنگی، هویتی، پرداختی می‌شود.

کلیه واژه‌ها: مسجد، انقلاب، بسیج، سازماندهی.

طرح مسئله

مسجد از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مساجد در نظام سیاسی اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته، بلکه داراي کارکردهاي سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... بوده‌اند.

در ایران همزمان با ورود اسلام مساجد شکل گرفتند و پس از آن یکی از نهادهای تأثیرگذار در زنگی مردم ایران بوده‌اند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی اجتماعای ایرانیان در ادوار مختلف، مانند قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوهرشاد و انقلاب اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کردند.

در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع و اعتراض مردم و شکل‌گیری تظاهرات علیه رژیم شده بود. در واقع تجمع جمعیت که عامل مهمی در شکل‌گیری توده‌هاست و نقش بسزایی در شکل‌گیری تظاهرات و اعتراضات مردمی علیه رژیم شاه داشت از مساجد ریشه می‌گرفت.

بطور معمول، در اکثر انقلاب‌ها، مکان‌های عمومی نظیر باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه یا شبکه‌های مخفی حزبی عامل تجمع افراد بوده‌اند و در انقلاب اسلامی، مساجد بطور آشکاری همین کار ویژه را ایفا نمودند.

مساجد عمده‌ترین ابزار روحانیت برای ارتباط با اقشار مختلف جامعه بودند که از این طریق ایدئولوژی انقلاب و پیام روحانیت به گوش مردم می‌رسید. همچنین عامل اصلی بسیج تجار و بازاریان، مساجد بودند که به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار در قیام‌ها و اعتراضات مردمی، مسجد مرکز تشکل و سازماندهی بازاریان بود. بنابراین در انقلاب اسلامی، مساجد بعنوان یکی از ارکان عمده انقلاب یعنی سازمان و پایگاه اجتماعی گروه‌های مخالف رژیم در کنار دو رکن دیگر یعنی رهبری و ایدئولوژی به نقش آفرینی پرداختند و بعنوان یک نهاد مدنی بومی با ارائه کارکردهای گوناگون توانستند در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن، نقش بسیار مهمی در جامعه ایفا کنند و قابلیت مذهب و نهادهای مذهبی را به نمایش بگذارند.

سؤال اصلی

سؤال اصلی این پژوهش این است که در دوره شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲ـ۱۳۵۷) مساجد چه نقشی داشتند و چه کارکردهایی ارائه کردند؟

فرضیه

فرضیه پژوهش این است که در انقلاب اسلامی، مساجد بعنوان سازمان و تشکیلات انقلابی، با ارائه کارکردهای رسانه‌ای ـ ارتباطی، حمایتی ـ پشتیبانی و فرهنگی ـ هویتی توانستند در غیاب سازمان‌های بسیج‌گر، مهم‌ترین نقش را در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم برعهده بگیرند.

مفاهیم پژوهش

۱ ـ مسجد: نهادیست که بعنوان عبادتگاه مسلمانان شناخته می‌شود و دارای کارکردهای گوناگون در جامعه است.

۲ ـ انقلاب: عبارتست از تغییرات سریع، وسیع و همه جانبه در ارکان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه که معمولاً با خشونت همراه است.

۳ ـ بسیج: فرایندی است که طی آن یک جمعیت منفعل به جمعیت فعال تبدیل می‌شود و باگردآوری امکانات به منازعه انقلابی می‌پردازد.

۴ ـ سازماندهی: عبارتست از یگانگی در تعقیب منافع از راه تأمین هویت مشترک و همبستگی.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: صلاحیت و قابلیت مسجد بعنوان یک نهاد بومی و پایگاه اجتماعی.

متغیر وابسته: بسیج سیاسی و سازماندهی مردم در انقلاب اسلامی.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه‌های نهادگرا یا سازمان‌گراست که نقش سازمان و تشکیلات را در بسیج و سازماندهی انقلابی مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی بستگی به آن دارد که سازمان جنبش چگونه طراحی و بکارگیری شود و تا چه حد در بسیج موفق باشد. یکی از این نظریات مربوط به چارلز تیلی است که در کتاب خود به نام «From Mobilization to Revolution» به‌تشریح آن پرداخته است. مفروضیه اصلی تیلی این است که عرصه سیاست چیزی جز منازعه گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی نیست و این منازعه در همه سطوح جامعه‌سازی و جاریست. او علل و انگیزه‌های منازعه را براساس مدل جامعه سیاسی یا هیات حاکمه و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را براساس مدل بسیج توضیح می‌دهد. او هر گروه و جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه سیاسی و گروه‌های منازعه گر یا ائتلافی از گروه‌های منازعه گر که به طرح دعاوی خود می‌پردازند تقسیم می‌کند.(۱)

وی معتقد است آنچه میزان توفیق هریک از گروه‌ها را تعیین می‌کند عبارتست از: منابع تهدید و اجبار، منابع اقتصادی، منابع هنجاری یا ارزشی (همبستگی، وفاداری درون گروهی) و دیگر منابع مفید جامعه.

این گروه‌ها پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند.(۲)

از نظر تیلی:

---

1 . charles tilly, From Moblization to Revolution, London: Adison Wesley (1978), P:52

2 . Ibid, P: 57

«مهم‌ترین عنصر هر انقلاب بسیج سیاسی توده‌ها بوده و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و توده مردم مهم‌ترین ارکان هر بسیج سیاسی هستند».[۱]

حال با توجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی که سازمان و تشکیلات را یکی از ارکان هر انقلاب می‌داند به ارائه کارکردها و کار ویژه‌های سازمان در بسیج سیاسی می‌پردازیم که بشرح زیر است:

۱ـ سازمان بایستی قادر باشد ارتباط دقیق و منطقی میان انقلابیون با یکدیگر، انقلابیون با توده مردم و این دو را با رهبری برقرار نماید. همچنین رساندن اخبار و اطلاعات از کار ویژه‌های سازمان است.

۲ـ کار ویژه دوم سازمان، پشتیبانی مالی و تدارکاتی و در واقع بسیج منابع و امکانات است.

۳ـ کار ویژه سوم، ایجاد همبستگی و هویت مشترک در میان توده‌هاست. سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را در زیر یک چترگرد آورده و در بین افراد جامعه ایجاد یگانگی کند.

حال به بررسی عملکرد مساجد براساس کار ویژه‌های فوق می‌پردازیم:

۱ـ کارکرد ارتباطی رسانه‌ای مسجد

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضاء جامعه گونه‌ای از ارتباطات سازمانی و ساختاری، هرچند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها

---

۱ . شجاع احمدوند، فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، درمجموعه‌مقالات انقلاب اسلامی‌وریشه‌های آن، چ اول (تهران، نهاد رهبری، ۱۳۷۴) ص ۶۰ .

با اعضاء جامعه، ارتباط برقرار نموده و شرایط بسیج را مهیاکنند. اگر در جامعه‌ای هیچ نوع نهاد یا سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد و مردم بصورت ذره‌گونه و پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی میان اعضاء جامعه در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، رهبران انقلابی بدلیل عدم ارتباط با توده‌ها قادر به بسیج نخواهند بود.

در نتیجه باید حداقلی از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج فراهم گردد.

حال که ضرورت ارتباطات در بسیج و انقلاب انکارناپذیر است باید دید که مسجد چه نقشی در این زمینه ایفاکرده است؟ آیا در عصری که عصر انقلاب ارتباطات و به تعبیر مک لوهان «دهکده جهانی» نام‌گرفته است، مسجد می‌تواند با قدمتی ۱۴۰۰ ساله با رسانه‌های ارتباطی نوین به رقابت بپردازد؟

در پاسخ به این سوالات ابتدا نگاهی به وضعیت رسانه‌های نوین اعم از مکتوب، دیداری و شنیداری و ورود آنها به ایران داریم و سپس به مقایسه مسجد با آنها،کار ویژه‌های ارتباطی مسجد را در بسیج سیاسی مرود بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

از ورود رسانه‌های جدید به ایران حدود دو قرن می‌گذرد. در دهه اول قرن نوزدهم رسانه‌های چاپی وارد ایران شدند که با سلطه حکومت قرین شدند و حکومت قاجار بویژه در دورهٔ ناصرالدین شاه سعی کرد با اعمال انحصار،کنترل و سانسور در این رسانه‌ها، از آنها بعنوان ابزار ارتباطی خود بهره بگیرد.

ظهور تلگراف نیز در اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی در ایران سبب تحولات بسیاری شد. این کانال ارتباطی که برای تحقق اهداف امپریالیستی و استعماری بریتانیا در ایران توسعه یافت، به تقویت حکومت مرکزی در داخل و توسعه اهداف استعماری منجر شد. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزدهم این دو رسانه مهم در تقابل با مردم و فرهنگ و اعتقادات آنها قرارگرفتند.

با روی‌کار آمدن حکومت پهلوی، بهره‌گیری از فناوریهای نوین ارتباطی نظیر رادیو، علاوه بر مطبوعات و تلگراف در دستورکار قرارگرفت و با تأسیس خبرگزاری پارس، ارتباطات اجتماعی به انحصارکامل دولت درآمد. این سیاست‌ها در دوران محمدرضا شاه نیز ادامه یافت و با تاسیس تلویزیون در سال ۱۳۳۹، این رسانه جدید نیز به رسانه‌های قبلی اضافه شد. سیطره‌کامل رژیم پهلوی بر رسانه‌ها و ترویج ایده‌ها و الگوهای موردنظر رژیم که با فرهنگ اکثریت جامعه همخوانی نداشت باعث شدکه‌کانال‌های ارتباطی سنتی جدا ازکانال‌های ارتباطی مدرن و مستقل از حکومت به فعالیت بپردازند و نیازهای ارتباطی جامعه از طریق این‌کانال‌ها تأمین شود. این امر بویژه پس از قیام ۱۵ خرداد و ظهور امام خمینی‌ﷺ بعنوان رهبر نهضت و ظهور مساجد بعنوان پایگاه نهضت اسلامی، جدی‌تر شد.

یکی از دلایل موفقیت مسجد درکارکرد رسانه‌ای خود بهره‌گیری از ارتباطات چهره به چهره بودکه با توجه به فرهنگ شفاهی جامعه ایران، این امر بسیار تأثیرگذار بود.

ویلیام هاکتن با بررسی تجربه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی تأکید می‌کندکه:

«آنچه در ایران روی و ادبی سیابقه بود چون از ارتباطات چهره به چهره، ارتباطات سنتی، راهپیمائی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب استفاده می‌شد».[۱]

دلیل دیگر به مسئله مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش آنها توسط مردم برمی‌گردد. با توجه به اینکه رسانه باید حامل پیامی برای مخاطب خود باشد، هرچه این پیام با فرهنگ و اعتقادات جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در حالی‌که رسانه‌های نوین از ابتدا با طراحی بیگانگان وارد ایران شده بودند و در ادامه نیز مروج فرهنگ بیگانه بودند، از مشروعیت چندانی در جامعه برخوردار نبودند.

---

۱ . ناصر باهنر، رسانه‌ها و دین، چ اول (تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵) ص ۶۸ .

اما مسجد با قدمتی ۱۴۰۰ ساله که حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادات جامعه بود از مشروعیت بالایی در جامعه ایران برخوردار بود. به گفته حمید مولانا:

«مسجد در جامعه اسلامی بعنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره بعنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بعد تزکیه معنوی که بعنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است».(۱)

در واقع انقلاب اسلامی از دیدگاه فرهنگ و ارتباطات، واکنشی علیه جریان غالب در رسانه‌های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن، ارتباطات سنتی بر کانال‌های مدرن ارتباطی پیروز شد.

«این واقعه مهم نشان داد که در کشورهای اسلامی بویژه در ایران، رسانه‌های سنتی، هم گفتاری و هم مکتوب، نه تنها در مقابله و رویارویی با رسانه‌های جدید وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه اخیر پیدا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نشانه بارز آن در عصر حاضر است زیرا این انقلاب مرهون تحرک و ابتکار زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و می‌باشد».(۲)

دلیل دیگر موفقیت مسجد بعنوان یک رسانه، بهره‌گیری از رسانه‌های نوین در جهت اهداف انقلاب بود. در واقع مسجد بعنوان پایگاه و منبع ارتباطات انقلابی،

---

۱. همان، ص ۴۱.

۲. حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه (تهران، مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱) ص ۸۵.

علاوه بررسانه‌های نسل اول یا رسانه‌های شفاهی و چهره به چهره از طریق موعظه و خطابه، رسانه‌های نسل دوم و سوم مانند کتاب، جزوه، اعلامیه و کاست‌های حاوی پیام‌های رهبر انقلاب را نیز در اختیار داشت و از ترکیب رسانه‌های گوناگون توانست ارتباط میان رهبری و توده‌ها را برقرار سازد. آلوین تافلر در کتاب جابجایی در قدرت می‌نویسد:

«درک این مطلب که مذهب سازمان یافته، صرفنظر از هر چیز دیگری که باشد، رسانه‌ایست انبوه، کمک می‌کند تا بسیاری از جابجائی‌های قدرت معاصر را تبیین کنیم».

و سپس در مورد انقلاب اسلامی می‌نویسد:

«در ایران آیة‌الله خمینی، نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق به الله + نفرت از امپریالیسم + مخالفت با سرمایه‌داری انقلابی که خاورمیانه را به کانون بالقوه جنگ و درگیری تبدیل ساخت».

سپس ادامه می‌دهد:

«اما آیة‌الله خمینی به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر در یک حرکت پرشور واحد دست زد. وی همچنین رسانه‌های موج اول یعنی موعظه‌های چهره به چهره روحانیون برای مؤمنان را با تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد، نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سیاسی که در مساجد بطور مخفی توزیع می‌گردید و در همانجا پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان قیمت تکثیر می‌گردید. شاه برای مقابله با آیة‌الله خمینی از رسانه‌های موج دوم یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون استفاده می‌کرد. به محض اینکه آیة‌الله خمینی توانست شاه را

سـرنگون کـند و کـنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی ایـن رسانه‌های متمرکز موج دومی را نیز در اختیار گرفت».[۱]

یکی دیگر از عوامل موفقیت مسجد بعنوان پایگاه ارتباطی، مصونیت آن در برابر حملات رژیم بود. در حالی‌که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن به شدت برخورد می‌کرد و اجازه اظهار وجود به آنها نمی‌داد، اما مسجد به دلیل قداست و حمایت مردمی از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانست در پوشش مذهب، فعالیت‌های انقلابی را نیز پیگیری کنند.

حسنین هیکل در این باره می‌نویسد:

«در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آنها نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد، زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب به‌گرد زندگی مردم عادی یک حصار امنیتی می‌کشد که مسجد و قرآن سمبل‌های آن به شمار می‌روند».[۲]

در نهایت باید گفت که گستردگی شبکه مساجد در سراسر کشور از بزرگترین شهرها تا روستاها، این امکان را بوجود آورده بود که پیام‌ها و ارتباطات انقلابی به راحتی در سراسر

---

۱ . آلوین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، چ چهارم (تهران، مترجم، ۱۳۷۲) ص ۵۴۳ .

۲ . حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه: حمید احمدی (تهران، الهام، ۱۳۶۳) ص ۲۳۶ .

کشور پخش شود و همه مردم در ارتباط با مواضع انقلابی و پیام‌های رهبری انقلاب قرارگیرند. جان.دی. استمپل از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد:

«یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. درک شور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت».(۱)

در نتیجه مسجد به دلایلی که ارائه شد توانست در جریان بسیج انقلابی، بعنوان پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریانات مخالف رژیم عمل کند و تنها نهادی بود که از دولت مستقل بود و تنها گزینه ممکن برای بسیج مردم بود.

در واقع کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب یعنی رهبری و ایدئولوژی نیز بسیار مهم بود زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب مسجد بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام﵀، این ارتباط قطع نشد از طرف دیگر ایدئولوژی انقلاب که ملهم از اندیشه سیاسی شیعه بود از طریق مسجد گسترش می‌یافت.

۲ ـ کارکرد حمایتی پشتیبانی مسجد

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در منازعه با حکومت مستقر آن است که به لحاظ مادی و اقتصادی به نظام حاکم وابستگی نداشته و مستقل باشد. هر نهضتی برای سازماندهی و اقدامات انقلابی نیازمند منابع مالی فراوانی است، زیرا در هر انقلابی تعداد زیادی از افراد

---

۱ . جان.دی.استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه: منوچهر شجاعی (تهران، رسا، ۱۳۷۸) ص ۶۸ .

درگیر مبارزه و مقدار زیادی اقدامات پنهان انقلابی وجود دارد که باید از لحاظ مالی تغذیه شوند.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز مخارج خود را از طریق سرقت یا کمک‌های اعضاء خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریک‌های انقلابی رایج‌تر است. اما با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلابی اسلامی متکی به دین اسلام بود، این روش‌ها نمی‌توانست در آن جای داشته باشد، البته چنین نیازی نبود زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد بازار مهم‌ترین عامل این استقلال بود.

بازار در جوامع اسلامی خصوصاً در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محافل دینی از قبیل حوزه‌های علمیه، مساجد و هیئت‌های مذهبی داشته است. این نزدیکی و آمیختگی تنها به بعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبود بلکه فراتر از آن نوعی همبستگی و تجانس فکری فرهنگی را میان بازار و مسجد در صف‌بندی‌های اجتماعی ـ سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند میان این دو نهاد فراتر از ارتباط آنها با سایر اقشار و نهادها از جمله نهاد حکومت یا ارگ بوده است. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی ـ اجتماعی دویست سال اخیر ایران بخوبی مشاهده کرد. براساس مستندات تاریخی در هیچ یک از جنبش‌های تاریخ معاصر رایران همچون جنبش تنباکو، قیام مشروطه و انقلاب اسلامی، این دو نهاد در برابر یکدیگر قرار نگرفته، بلکه در تمامی صف‌بندی‌های جبهه واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تشکیل داده‌اند. بر همین اساس قصد داریم به ریشه‌های تاریخی این اتحاد و پیوند پرداخته و نقش آن را در بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بررسی نمائیم.

مسجد و بازار دو نهاد از نهادهای اجتماعی‌اند که ابتدا در شهرها پدید آمده‌اند. کارکرد و شرایط ظهور این دو نهاد بگونه‌ای بوده است که اساساً جز در اجتماعات شهری امکان وجود و تداوم نمی‌یافته‌اند. احمد اشراف در مورد وضعیت کالبدی و فضایی شهرهای اسلامی می‌گوید:

«شهر اسلامی به لحاظ کالبدی متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازارها بوده است که محل استقرار و جایگاه عناصر متشکله اجتماع شهری یعنی عمال دیوانی، علما و بازاریان بوده است».(۱)

ساخت کالبدی شهرهایی که در دوره اسلامی و توسط فرمانروایان مسلمان بنیان نهاده شد نیز بخوبی حضور برجسته این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد:

«شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند و پایه اصلی داشت، یکی مسجد جامع ودیگری بازار. مساجد جامع در شهرها همواره دو کارکرد سیاسی و مذهبی داشت و عموماً در کنار مقر فرمانروایان و والیان قرار داشت و بعضاً مرکز اجتماعات سیاسی و رسمی هم بوده است و معمولاً در کنار آن مدرسه علمیه شهر واقع بود و بالاخره بازار که آن را احاطه می‌کرد».(۲)

مدینه که در دوره اسلامی در مقابل شهرستان بکار می‌رفت گذشته از موفقیت دیوانی، دارای نقش مذهبی مهمی نیز بود. از اینرو مسجد آدینه یا مسجد جامع به تدریج به یکی از ارکان اصلی جوامع شهری بدل شد، تا جایی که شاخصه تمیز تجمعات شهری از اجتماعات غیر شهری داشتن مسجد جامع گردید. بدین معنی که استقرار و توطن مقامات مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه نماز جمعه در یک سکونتگاه مستلزم آن بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

---

۱ . احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، دوره قاجاریه (تهران، پیام، ۱۳۵۹) ص ۲۳ .

۲ . همان، ص ۱۸ ـ ۱۹ .

با اینکه ارگ درکنار مسجد و بازار و بعنوان یکی از سه نهاد عمده شهری بوده است اما اعمال دیوانی در یک ویژگی شاخص با علما و بازاریان تفاوت داشتند و آن خاستگاه اجتماعی آنان بوده است. علما و بازاریان عموماً خاستگاه شهری داشته‌اند اما عمال دیوانی هرچندکه در شهرها اقامت داشته‌اند عموماً تبار ایلیاتی داشته و خاستگاه غیرشهری آنان کاملاً مشهود است و شاید یکی از دلایل اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار یا علما و بازاریان در مقابل حکومت‌ها، همین یگانگی ریشه و خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران نیز در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته و این امر بویژه با ورود استعمار به ایران پررنگ‌تر شد. در دوران حاکمیت سلسله قاجار، نحوهٔ تکامل دولت با علما و اعطای امتیازات اقتصادی به بیگانگان باعث شدکه ضمن باز شدن پای طرف خارجی به مناسبات قدرت در ایران، دو طرف دیگر مسئله یعنی مسجد و بازار نیز در موضع تخاصمی با دولت قرار بگیرند. نمونه بارز این صف‌بندی را در واقعه رژی و جنبش تحریم تنباکو که در آن محور مسجد بازار در یک صف واحد در مقابل شاه و طیف خارجی قرارگرفتند نمایان شد. استمرار این صف‌بندی به نهضت مشروطه منجر شدکه برای اولین بار اقتدار پادشاه را به چالش طلبید.

اتحاد مسجد بازار در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه مبنی بر نوسازی به سبک غربی و ترویج ابتذال و بی‌بند و باری در جامعه و تحت فشار قرارگرفتن اقشار مذهبی و بویژه بازاریان این امر موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد گردید. این اتحاد باعث شدکه در انقلاب اسلامی، بازاریان و بازار بعنوان یک نهاد سنتی، نقش بسزایی چه از لحاظ مالی و اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی ایفاکنند.

از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. با توجه به اینکه بازاریان اولاً گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چندین هزار مغازه داشتند و ثانیاً با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند، هرگاه‌که اتفاقی

می‌افتاد، بازار را بسته و در مساجد تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا می‌نویسد:

«تنها کانال بسیج بازاریان در اتحاد با سایر گروه‌ها، مساجد بودند».(۱)

«مساجد محل امنی برای بازاری‌ها فراهم کرده بودند تا گردهم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته و فشارهای حکومت را افشاکنند».(۲)

از لحاظ اقتصادی نیز بازار نقش مهمی در پشتیبانی و حمایت از مبارزات انقلابی و انقلابیون داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲ ـ ۱ ـ ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی

بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها در شهرهای بزرگ درکنار بازار و توسط بازاریان ساخته می‌شد. ساخت حدود ۵۰ مسجد کوچک و بزرگ در محدوده بازار تهران در دوره‌های مختلف دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مساجد نیز به نام بانیان آنها نام‌گذاری شده است، مانند: مسجد جلیلی، مسجد سید عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلورفروش و... .

---

1 . Misagh parsa, social origin of Iranian Revolution, Rutgress university press, (1989) P: 94

2 . Ibid , P : 125

۲ ـ ۲ ـ تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزه

تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مساجد و کمک بازاریان به آنها یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود که در این رابطه اسنادی نیز وجود دارد.

«یکی از صندوق‌هایی که به افراد محتاج قرض می‌دهد و آن‌را با قسط ماهیانه دریافت می‌کند، صندوق قرض‌الحسنه جاوید واقع در خیابان خسروی‌نو و صندوق دیگری در بازارسرای محمدیه است که بیشتر به طلاب و روحانیون وام می‌دهد و ظاهراً اساس تشکیل این صندوق بر همین مبنا بود. در این صندوق چند نفر از بازاریها و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و شیخ ابراهیم طالبیان نظارت دارند».[۱]

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در خاطرات خود می‌نویسد:

«ضمناً بنیاد خیریه رفاه را هم درست کردیم که پوشش خوبی بوده برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی برای همان کارهای امدادی سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گیری بیشتر از آنها بعنوان پایگاه مبارزه».[۲]

---

۱ . مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، شهید هاشمی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۵۹۹ .

۲ . اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد (تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶) ص ۲۳۳ .

۲ ـ ۳ ـ پرداخت هزینه هیئت‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه

با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان، آنها خود را ملزم به پرداخت وجوهات شرعیه به علما و حوزه‌های علمیه می‌دانستند. و اگر از پرداخت مالیات به دولت سرباز می‌زدند در پرداخت وجوهات شرعی بسیار مقید بودند. استمپل می‌نویسد:

«به هر حال بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمیه و نیز تا ۸۰ درصد هزینه گذران زندگی روحانیون توسط همین تجار تامین می‌گردد».(۱)

موارد فوق بیانگر نزدیکی و پیوند مسجد و بازار و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی است. در حالی‌که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مساجد برطرف می‌کردند، باکمک‌های خود نیز نیازهای مساجد را برطرف کرده و مبارزات مردمی را از طریق مساجد وسعت می‌بخشیدند.

۳ ـ کارکرد فرهنگی ـ هویتی مساجد

همان‌طور که اشاره شد یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سیاسی و سازماندهی توده‌های انقلابی، ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج نابع عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کار ویژه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۳ ـ ۱ ـ رابطه مسجد روحانیت

رابطه مسجد و روحانیت رابطه دیرینه‌ایست. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد،

---

۱ . استمپل، همان، ص ۶۹.

مردم با حضور در مسجد و دیدار با پیامبر، سؤالات و مشکلات خود را در میان می‌گذاشتند و مسجد مرکز تمام فعالیت‌های جامعه اسلامی بود، اما با گذشت دوران اولیه و گسترش علم فقه و حدیث، کم‌کم جریانات علمی در جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشتند و روحانیت به عنوان کارگزاران مذهب، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیمات اسلامی ر ا برعهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از تعالیم دین و مسجد و تأسیس دارالحکومه، مساجد مردمی بعنوان نهادی مستقل پا به عرصه وجود گذاشتند. در ایران بویژه از دورهٔ صفویه و با دعوت از روحانیون سایر کشورها، طبقه جدیدی از روحانیت شکل گرفت که دارای انسجام و تشکیلات بود و بسیاری از امور مردم از جمله آموزش، قضاوت، امور ثبتی و مالی برعهده آنان بود.

در تاریخ سیاسی ایران، روحانیون توانستند با برخورداری از چند ویژگی در قیام‌های ضداستبدادی و ضد استعماری نقش تعیین کننده‌ای ایفاکنند. دکتر ازغندی معتقد است که:

«روحانیون در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکل‌های سیاسی، سازمان یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. روحانیون منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است».[1]

بنابراین بهره‌گیری روحانیت از مساجد باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، مساجد بعنوان پایگاه و تشکیلات مبارزه همانند صدر اسلامی ایحاء شود و به نقش آفرینی جدی بپردازند. در این بین نقش امام خمینی‌ﷺ بعنوان احیاءگر مساجد در عصر حاضر بسیار تأثیرگذار بود و در تمام مراحل مبارزه تمامی اقشار جامعه را به بهره‌گیری از مسجد مو احیای

---

۱ . علیرضا (ازغندی)، تاریخ تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران، چ اول (تهران، سمت، ۱۳۷۹) ج ۱، ص ۱۳۰ ـ ۱ .

مجدد آن دعوت می‌کرد. این امر باعث شد که گرایش مردم به مساجد بیشتر شود و طرح مسائل سیاسی توسط روحانیون و وعاظ، مساجد را از جنبه عبادی صرف خارج ساخته و تمامی کارکردهای مسجد فعال شوند.

۳ ـ ۲ ـ مسجد و تحول اندیشه دینی

یکی از اتفاقات نادری که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیر روحانی در مساجد در کنار روحانیون بود. در حالی‌که در گذشته منبر و خطابه و وعظ مختص روحانیون بود، اما در این دوران با دعوت روحانیت روشن بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مساجد باز شد و باعث شد تحول جدی در عرصه اندیشه دینی به وجود آید. شاید یکی از دلایل این کار، تجربه‌آموزی روحانیون از نهضت مشروطه باشد. در جریان مشروطه در حالی‌که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محافل سری و انجمن‌ها و مجامع فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت و همراهی مردم و از پایگاه مساجد شروع شده و در نهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سردرآورد. این انحراف باعث شد که نتیجه قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت منجر به روی کار آمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد در ایران شود.

بهره‌گیری علمای آگاه و روشن‌بین همچون آیة‌الله طالقانی، شهید مطهری، شهید مفتح، شهید بهشتی و... از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی نظیر دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و... باعث شد که اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر شود و چهره جدیدی از اسلام معرفی شده و غبار تحجر از چهره دین زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع بعنوان راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی به سلاح فکری جدیدی مجهز شده و در مقابل تفکرات مارکیستی قدعلم کنند و در نهایت گفتمان سیاسی ایدئولوژیک شیعه بعنوان گفتمان غالب درآید.

۳ ـ ۳ ـ مسجد و حفظ هویت دینی جامعه

هویت به منزله شناسنامه ملی یک جامعه به معرفی شخصیت آن جامعه می‌پردازد. هویت دینی در جامعه ایران از گسترش و عمق بالایی برخوردار است و تلاش‌های مخالفان دین تاکنون نتوانسته است که آنرا کمرنگ کند. دکتر نقیب‌زاده می‌نویسد:

«هویت مذهبی گسترده‌ترین (از نظر تعداد باورمندان و ژرف‌ترین) از نظر ذهنی و همچنین اجتماعی هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد».(۱)

سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود باعث شد که علما دست به فعالیت‌هایی از جمله توسعه نهادهای مذهبی و تأسیس مساجد بزنند. اوج فعالیت‌های رژیم در قالب برنامه به اصطلاح انقلاب سفید بود که هدف رژیم از این اقدام، حرکت در مسیر تعیین شده از سوی آمریکا و غربگرایی هرچه بیشتر بود.

«در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران (تا یک اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی وی تهیه کند) سرعت بخشید و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش گیرد».(۲)

این اقدامات رژیم با واکنش شدید علما و مردم به رهبری امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روبرو شد. اما رژیم با اقدامات دیگر از جمله جشن‌های شاهنشاهی،

---

۱ . احمد نقیب‌زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱ (تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۱) ص ۲۰۴ .

۲ . محمد امجد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، ترجمه: حسین مفتخری، چ ۱ (تهران، باز، ۱۳۸۰) ص ۸۱ .

تغییر تقویم هجری و... در پی زدودن مظاهر دینی و فرهنگی اسلام از ایران و کمرنگ کردن هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ منهای اسلام و مظاهر فرهنگی غرب بود. در حالی‌که تمام توان رژیم در این راه بکارگرفته شده بود و همه محافل و مجامع از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و... در این راستا قدم برمی‌داشتند، اما نیروهای مذهبی در جبهه مقابل با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی از طریق پایگاه مساجد، هم به نفی اقدامات رژیم در مقابله با آن پرداخته بودند و هم در پی اثبات و ارائه فرهنگ اسلامی به زبان روز بودند و از این راه به حفظ هویت جامعه می‌پرداختند.

۴ ـ مسجد و جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که یک جامعه، فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌سازد و یا روندی است که بوسیله آن فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند و تغییر می‌کند.

درکشور ایران با توجه به اکثریت مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره به چهره، یکی ازکارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، مساجد و نهادهای مذهبی هستند. بدیهی است مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد ولی در جوامع و ادیان مختلف تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد از مهم‌ترین نهادهایی است که با ارائه کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... نقش اساسی در جامعه‌پذیری دارد.

تقابل فرهنگ سیاسی شیعه بلکه از طریق مساجد و نهادهای مذهبی مانند حسینیه‌ها و تکایا تبلیغ می‌شد با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی، باعث تحول شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد و مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد. این امر باعث شدکه رژیم با بحران مشروعیت مواجه شد و زمینه انقلاب فراهم گردد.

۵ ـ مسجد و حفظ همبستگی در جامعه

یکی از ویژگی‌های مسجد که در انقلاب اسلامی نیز بطور بارزی جلوه‌گر شد، این بود که تمامی اقشار جامعه از هر صنف و گروه، در مسجد حضور می‌یافتند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. در واقع مسجد از آنجاکه خانه خداست و به هیچ گروه و طبقه و حزب خاصی بستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هرکس می‌تواند متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و... آن استفاده کند. ورود به مسجد نه کارت عضویت می‌خواهد و نه هیچ ویژگی خاصی از جمله سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و... این ویژگی منحصر به فرد باعث شده که مسجد در مقایسه با نهادهای سیاسی ـ اجتماعی مدرن از جمله احزاب، تشکل‌های سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و... از جذابیت بیشتری برخوردار شده و به عبارتی سهل‌الوصول‌تر از سایر نهادها باشد. نیکی کدی درباره استفاده قشرهای گوناگون از مساجد می‌نویسد:

> «طبقه وسیعی از تحصیل‌کرده‌ها، دانشجویان، طبقه سیاسی جدید و تهیدستان شهر تحت تأثیر و سازماندهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند».(۱)

بنابراین حضور تمامی اقشار جامعه در مساجد باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه قیام و انقلاب را فراهم کرد.

---

۱ . نیکی. آر.کدی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، ترجمه: حسینعلی نوذری، روزنامه ایران، ش ۴۶۵ ، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸ ، ص ۶ .

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این پژوهش بدست آمد بیانگر این است که در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد هرچند که بعنوان یک نهاد سنتی در جامعه قلمداد می‌شوند و دارای قدمتی ۱۴۰۰ ساله هستند اما با ارائه کارکردهایی متناسب با نیاز روز جامعه توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی بربایند و به عنوان ستون فقرات و سازمان انقلاب به ایفای نقش بپردازند.

این کارکردها بویژه در سه حوزه رسانه‌ای ـ ارتباطی، حمایتی ـ پشتیبانی و فرهنگی هویتی باعث شد که فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی شیعه به گفتمان غالب و رایج در جامعه بدل شود و انقلابی اسلامی در ایران شکل بگیرد. انقلابی که هرچند در عصری مدرن و در زمانه به حاشیه رفتن دین از سیاست و اجتماع شکل گرفت اما از تمامی نهادها و نهادهای مذهبی بهره جست و شگفتی صاحبنظران و تحلیل‌گران مسائل سیاسی را برانگیخت.

نقش مسجد
در نزاغ دین و جهانی شدن

مجتبی فرهنگیان

چکیده مقاله

این مقاله مشتمل بر یک مقدمه، دو بخش و نتیجه پایانی است. در مقدمه اشاره به مسجد و نقش آن در حوزه‌های مختلف شده است. و نکته مهم آن تبلور اصاله‌الجمع و اصاله‌الفرد بصورت همزمان در مسجد و ترسیم انسان کامل در این گردونه است.

در بخش اول: به تعاریف جهانی شدن و ارائه تعریف مدنظر و خصوصیات جهانی شدن و چالشهای فرا روی آن و در بخش دوم: به تعریف دین و کارکردهای آن و سپس چالش دین و جهانی شدن و نحوه شکل‌گیری مقاومت‌های فرهنگی و هویت‌های معارض جهانی شدن می‌پردازیم و بطور کلی اینکه دین یک خصلت نرم‌افزاری با گستره جهانی دارد و لذا در مقابل گفتمان مسلط جهانی‌سازی یک گفتمان معارض را سامان می‌دهد که هویت‌های متفاوت را بوجود می‌آورد و از حاشیه به متن می‌کشاند و در پایان

به نقش مسجد در گردونه این نزاع و چگونگی تحول مساجد از یک وضعیت مکانی محدود به وضعیت رسانه‌ای جهانی اشاره می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که جهانی شدن علی‌رغم تهدیداتش یک‌فضای مذهبی‌جدید رابوجود می‌آورد که جهان‌گستر خواهد شد.

مقدمه

پس از نوزایی معرفتی و آغاز بازاندیشی انسان پیرامون چیستی‌ها و چرایی‌های چندگانه از هستی‌شناسی تا انسان‌شناسی نکته‌ای که به عنوان معضله مشترک انسان و ادیان مطرح بود. سؤال از «اصالة الجمع» و یا «اصالة الفرد» بودن در محضر آن دین بود و تقدم روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی. باگذار از پیچش‌های فلسفی و توصیف تاریخی این بحث مراد خویش را بیان می‌داریم. در اسلام تنها نقطه‌ای که می‌تواند اصالت فرد و جمع را تجمیع نموده و باهم مورد تأکید قرار دهد مفاهیم و مکانت‌های تأسیسی توسط اسلام است. مکان مورد نظر مسجد می‌باشد مسجد محلی برای تجلی خودسازی فردی یعنی رابطهٔ خالق و مخلوق است و غایت آن هم فردسازی براساس سامانه‌های معرفتی اسلامی است تا فرد قادر باشد در حوزهٔ گفتار، کردار و اندیشه خویشتن را به آرمان مدل‌های اسلامی نزدیک‌کند و شاید بتوان گفت غایتش تربیت انسان کامل است. آموزهٔ کانونی مسجد در این راستا، گزاره‌های عبادتی، عقیدتی و اخلاقی هستند که منجر به تحولات درونی و نهادینه شدن این آموزه‌ها در درون فرد می‌شود.

با خروج فرد از جامعه یعنی جایی که محل تعلق‌های اوست و هنجارهای اجتماعی بر او تحمیل می‌شوند و پاره‌ای رفتارها وگفتارها و نهایتاً اندیشه‌سازی‌ها، وضعیت روانی رفتاری او را رقم می‌زنند فرد با بریدن از این نظم بستهٔ هنجاری که مولود فرهنگ محیطی است که برای او ایجاد علقه می‌کند وارد مکانی می‌شود که فارغ از تعلق‌های خود ساخته و دگر ساخته است. هم به جهت مسمی «مسجد» و هم از نظر موقعیت فیزیکی و معماری مسجد اولین کاری که می‌کند خلع ید از نظم طبقاتی و ارزش‌گذاری براساس نقش‌های اجتماعی و وظایف وکارکردها

است. جامعه و تقسیم کار اجتماعی دست به طبقه‌بندی و قشربندی اجتماعی می‌زند که میزان ارج و منزلت اجتماعی انسان‌ها براساس نقش‌های پذیرنده و متعاقباً طبقه‌ای است که در آن جای می‌گیرند اما آموزهٔ کانونی مسجد منجر به دگرگونی بنیادین مفهومی شده و شاخصهٔ مقبولیت و منزلت و محبوبیت را امری روانی ـ درونی تفسیر می‌کند و ارزش‌گذاری اجتماعی ـ طبقاتی را مردود می‌شمارد. این اولین چرخهٔ گسست انسان از علقه‌های اجتماعی پیشادینی است و اساساً اولین سازهٔ همگون‌سازی و همگون‌سازی انسان‌ها براساس رفتارهای ضد محیطی است که از فرایند نهایی معرفت بخشی و فرمی تشویقی ـ تنبیهی استفاده می‌کند و از سویی بشارت رستگاری می‌دهد که جهان شمول و تمام شمول است یعنی تمام انسان‌ها را فارغ از جنس و طبقه و نژاد خطاب می‌دهد (تشویق) از سویی قاعده‌های محیطی ـ هنجاری را که براساس مؤلفه‌های قدرت ـ ثروت و وراثت شکل گرفته است به محاجه می‌کشاند و نادیده می‌انگارد و پیروان این نگرش را تهدید به عذاب می‌کند. (تنبیه) و این اولین زمینه برای انقلاب روانی افراد است که با ایجاد تشکیک و سؤال پیرامون ساخت اجتماعی و سیاسی و معرفتی منجر به دگرگونی نگرش می‌شود از همین منظر فرهنگ نیز به عنوان بایستهٔ هنجاری طبیعتاً مورد تشکیک و نقد قرار می‌گیرد. با این مقدمه می‌توان مسجد را نهادی دانست که نقشی انتقادی ـ نظارتی و انقلابی نسبت به گذشتهٔ پیشادینی یا موقعیت تاریخی دارد و نقش اصلاحی خودسازی نسبت به آینده و موقعیت فرهنگی دارد. حال رابطهٔ ظریف فرد و جامعه در همین راستا می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد. وقتی خودسازی فردی صورت می‌گیرد، تغییرات رفتاری، گفتاری و اندیشگی نیز حاصل می‌آید که این‌ها وجهه‌های برونی و نمادین هستند که بیش از آن‌که فردی باشند در حوزه تعاملات اجتماعی و کنش‌های کنشگران مورد توجه و بازیافت قرار می‌گیرند. پس این دگرگونی‌های فردی منجر به دیگرگونی‌های اجتماعی می‌شود. لذا جامعه نیز مورد نقد و اصلاح قرار می‌گیرد. پس مسجد روایت‌های اجتماعی را نیز بازسازی می‌کند. مهم‌تر این که بخش عمده‌ای از قاعده‌ها و روشهای کلان اجتماعی سیاسی و اقتصادی در اسلام با محوریت مسجد شکل یافته است. چون اولین نهاد حکومت در اسلام نیز مسجد بوده است. مسجد به عنوان

نهادی که انسان‌ها با اتکا به نظام دانایی خود رویکردهای پیش‌رو را مورد مطالعه و راهبری قرار می‌دهند و فرصت‌ها و چالش‌ها و تهدیدها را با مشاورت و معاونت یکدیگر و با محوریت نص بهینه‌سازی می‌نمایند، کانون مشورت می‌باشد. اصلی‌ترین کارکرد فرا فردی و فرا عبادی مسجد کارکرد سیاسی یا معطوف به قدرت است که علاوه بر تبیین قدرت متافیزیکی و ماوراء طبیعی نظارت عمومی را نیز در هیئت امر به معروف و نهی از منکر سامان می‌داد و این همان درهم تنیدگی سرشت‌های فردی و سرنوشت‌های جمعی که در مسجد مورد تحلیل و تحکیم قرار می‌گرفت. پس مسجد یک عنصر مهم سیاسی که نه تنها قدرت را نظارت می‌کرد بلکه در قدسی ماندن آن یا مشروعیت‌بخشی ماورایی نیز نقش دارد و اساساً هم بستهٔ شریعت ـ نظارت یا رویکرد قدسی با ایجاد انگاره‌های عرفی تداوم پیدا می‌کرد. تمام گزاره‌های هنجاری و آموزه‌های اخلاقی مرسوم نیز مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گرفت از آن جهت که فرهنگ محیطی مبتنی بر بایسته‌های قومی ـ نژادی و آمیزه‌های خرافه‌ای و جهل‌آلود بود. رویکرد دین شالوده شکنانه بود و مسجد کانون بروز این ساخت‌شکنی و جایگزینی معرفتی محسوب می‌شد که با ایجاد نظم معرفتی هم سان در پیروان خود مبتنی بر روش‌های سه بخشی ادراکی شناختی و عاطفی و عملیاتی با نهادینه کردن و درونی‌سازی کردن آموزه‌ها یک نظم هنجاری معطوف به غایت معنایی با استفاده از یک سیستم برهانی ایجاد می‌نمود که از سویی مبناشکنی گذشته‌گرایانه داشت و از سویی دیگر مبناگروی آینده تکرانه ارائه می‌داد. آموزه‌های دینی مبتنی بر فطرت هستند. در اسلام گزاره‌های جامعه‌گرایانه‌ای چون عدالت مبتنی بر خواست‌های طبقات عموم جامعه بود و از سویی کاملاً سیستماتیک و عقلانی برای گروه‌های بالا دست اجتماعی بود. لذا توانست نظام پیروان خود را توسعه داده و یک وسعت جغرافیایی هم‌سان ایجاد نماید. آنچه گذشت کارکردهای اجمالی روانی و اجتماعی مسجد بود این نقش تا ورود مدرنیته به کشورهای اسلامی تداوم داشت اما مدرنیته حامل دگرگونی‌های بنیادین در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی (از معرفت تا جامعه) شد و اساساً منجر به شیفت معرفتی از هستی‌شناسی به انسان‌شناسی بود مسجد که غایتی هستی شناسانه داشت با پرسش‌های ناگشودهٔ مدرنیته

در پی یافتن پاسخ‌هایی چند وجهی برآمد تا هم انسان صاحب اختیار بر سرنوشت خود باشد و هم قاموس تکلیف رخت برنبندد اما در مدرنیته هنوز عنصر زمان و مکان که مسجد سخت در حصار آن در بند است رخت برنبسته بود و هنوز مسجد به عنوان یک رسانه در میان رسانه‌های رقیب پیروان خود را سامان می‌داد اما جهانی شدن دیگر صرفاً چرخش معرفتی نبود بلکه امحاء عنصر زمان و مکان و تراکم فضا بود که این امر منجر به در هم تنیدگی فرهنگ‌های متضاد، ایجاد هویت‌های چند بخشی و سیال و تولید انسان‌های یک ساحتی می‌شود که اساساً حوزه‌های فضای مذهبی را محاصره و محدود می‌کند و این‌ها نکاتی هستند که به ظاهر تعارض ذاتی مسجد و آموزه‌هایش را با جهانی شدن و دستاوردهایش به ذهن می‌رسانند اما اندکی دقیق‌تر این دو مقوله را مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا ببینیم آیا جهانی شدن می‌تواند بستری برای انتقال پیام‌های مسجد به عنوان ابر رسانهٔ مسلمانان باشد و قدرت تنفس و فرصتی برای این رسانه در میان رسانه‌های رقیب ایجاد کند و یا تهدیدی جدی است که پرخاش یا انزوا تنها راه رویارویی با آن است و شاید هم در دنیایی که خلأ معنویت احساس می‌شود مسجد می‌تواند با استفاده از تکنولوژی‌های محصول جهانی شدن پیام‌های خود را به عنوان گفتمان مسلط به کاربران جهانی ارائه نماید و در میان هویت‌های متشتت هویتی همگن در میان منشورهای حقیقت بخش معرفتی ارائه نماید. مسجدی که به دنبال تشکیل پیروان هم سان است و ایجاد نظام تابع پیرو می‌کند و جهانی شدنی که محلی برای سرکشی و طغیان است چگونه با هم کنار می‌آیند. فرضیه این مقاله قدرت خلاقانهٔ حضور مسجد در این زمان و فراتر از آن تبدیل شدنش به گفتمانی مسلط در مرحلهٔ بعد علی‌رغم حضور تهدیدهای جدی و تنگناهای واقعی می‌باشد. ابتدا مفاهیم کلیدی را بررسی اجمالی نموده و سپس فرضیه خود را تحلیل می‌نماییم.

بخش اول: جهانی شدن (Globalization)

از جهانی شدن تعاریف فراوانی شده است و از جنبه‌های مختلف مورد پرداخت قرار گرفته است. جهانی شدن به عنوان یک ایده هم در اندیشهٔ مکاتب دینی و هم در رویای جهان‌گستر

امپراطوری‌ها، تاریخچه‌ای بس طولانی و هم زمان ظهور ادیان بزرگ و ابرقدرت‌های جهان‌گستر دارد. اما آنچه امروزه مدنظر است به وضعیت خاص تاریخی باز می‌گردد که قدمت آن به ظهور صنعت جهانی ارتباطات باز می‌گردد. که منشأ پیدایش انتقال‌های جدید (دیوید هلد و همکاران ۱۹۹۹) و ظهور فضای جهانی جدید شده است. همانطور که ذکر شد چشم‌اندازهای متفاوتی به این موضوع شده است پاره‌ای اندیشمندان هم چون جیمسون (۱۹۹۸) با نگاه صنعتی به تحلیل جهانی شدن پرداخته است. نک‌چونگ (۱۹۹۸) ادبیات گفتمان جهانی را مورد بررسی قرار داده است. مفاهیم ابزاری جهانی شدن جنبهٔ دیگری است که مورد توجه جامعه‌شناسی چون‌گیدنز (۲۰۰۱ و ۱۹۹۹) قرارگرفته است. و یا جودی در مقاله اخیر خود از جهانی شدن در قلمرو حقوق صحبت می‌کند که البته آن را با حقوق بین‌الملل متمایز می‌نماید. جامعه‌شناسان سیاسی به مفهوم قدرت در مدار جهانی پرداخته‌اند (من ۱۹۹۶ و هلد و همکاران ۱۹۹۹). گروه عمده دیگری (هرست و تامسون ۱۹۹۶) حوزه‌های اقتصادی جهانی شدن را مورد بررسی قرار داده‌اند و در نهایت فرهنگ گراها (رابرتسون ۱۹۹۲، فیدرستون ۱۹۹۵) ابعاد فرهنگی جهانی شدن را توسعه داده‌اند.[۱]

گیدنز بارهیافت کارکردگرایانه به تحلیل جهانی شدن می‌پردازد و جهانی شدن را تقاطع و ارتباط «حاضر و غایب» و یا فعالیت از راه دور می‌داند. مهم‌ترین بعد جهانی شدن را ارتباطات می‌داند که منشأ هم سانی فضای جهانی شده و ارتباطات بین فردی، فرد باگروه وگروه باگروه را متحول نموده است و ظهور تکنولوژی منجر به ایجاد «جامعه شبکه‌ای جهانی» شده است[۲] که از نتایج آن شبکه‌ای شدن ارتباطات جهانی در سطح محلی و جهانی و دگرگونی مفهوم زمان و مکان است و لذاکل جامعهٔ جهانی در قلمرو ارتباطات قلمرو صنعت ارتباطات است و همین امر باعث به وجود آمدن فضای مشترک واحد شده است که زیست جهان بومی شدهٔ جهانی

---

۱ . جهانی شدن و دین / مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی / دکتر سعید رضا عاملی، ص ۴ و ۱۳۳ .

۲ . مراجعه شود به کتاب جهانی شدن رویش / مقاله جهاین شدن و فضای مذهبی/ سید صدر عاملی.

شدنی مشترک را توسط مراجع تصمیم‌گیر محدود و متعدد سامان می‌دهد اما تعریفی که بتواند با موضوع موردنظر متناسب باشد تعریفی است که دکتر نحاس ارائه داده است. وی سه قرائت اصلی را از جهانی شدن به شرح زیر بیان می‌کند.

۱ ـ ویژگی خصوصیت عصر جدید سلطهٔ تکنولوژی ارتباطات است که انتقال داده‌ها و تخصص‌ها را آسان می‌سازد و نتیجه‌اش هم‌گرایی و اعتلاف جهانی است.

۲ ـ فناوری جدید ارتباطات تازه‌ترین دستاوردهای فرهنگی در همهٔ کشورهای جهان را به‌گسترهٔ جغرافیایی جهانی منتقل می‌کند و فرهنگ واحد و در عین حال جدیدی را جانشین تنوع و تعین‌های فکری و فرهنگی منطقه‌ای می‌کند که نتیجه‌اش حاکمیت فضای فرهنگی جدید و مشابه در گسترهٔ گیتی است.

۳ ـ تکنولوژی داده‌ها با سرعتی اعجاب‌آور به‌گونه‌ای توسعه می‌یابد که در افق آینده و شاید همین امروز مرزهای علمی و قومی را می‌شکافد و مدیریت واحدی را در عرصهٔ سیاست جهانی جایگزین مدیریت‌های کشوری و منطقه‌ای می‌کند.[۱]

شالودهٔ سخن نحاس در باب جهانی شدن در سه موضوع :

۱ ـ علمی؛

۲ ـ فکری و فرهنگی؛

۳ ـ سیاسی و مدیریتی است.

پاره‌ای از اندیشمندان معتقدند که جهانی شدن دو روی یک سکه است که یک روی آن جهان‌گستری و فضای مشترک و هم‌سان جهانی است و روی دیگر آن محلی شدن، بومی شدن و بروز و ظهور قومیت‌ها و فرهنگ‌ها و خرده ایدئولوژی‌هاست که منجر به شکاف‌های هولناک در عرصه‌های مذکور در سطح جهان می‌شود با نظرداشت این فرضیه گزارهٔ دوم تعریف نحاس

---

۱ . ر . ک : نحاس، حرج، جهانی شدن، انسان‌شناسی و آزادی در تربیت، ترجمهٔ طاهره اختری، روزنامه انتخاب، ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۹ .

که دم از هویتهای واحد و فرهنگ واحد می‌زند قدری دشوار می‌آید و باید به نوعی تخصیص و تقیید روی بیاوریم البته تعاریف جامعه‌شناسی از جهانی شدن نیز وجود دارد که ما را به غایت مد نظر نزدیک می‌کند. رابرتسون معتقد است که جهانی شدن دارای پیامدهای فرهنگی زیادی است که فشار زیادی بر جوامع تمدن‌ها و سنت‌ها در راستای دگرگونی آنها در جهاتی که با باورها و نهادهای هویتی آنان در تعارض است می‌آورد. در این میان دین به عنوان آموزهٔ کانونی فرهنگ در تقابل یا تعامل با جهانی شدن قرار می‌گیرد و تأثیر و تأثر فضاهای دینی همچون مساجد با جهانی شدن مورد توجه است.

گیدنز نیز ازمنظر کارکردگرایانه و با زاویه‌ای فرهنگی جهانی شدن را تعریف می‌کند:

«تقویت مناسبات اجتماعی که محل‌های دور از هم را، چنان به‌هم ربط می‌دهد که هر واقعه تحت تأثیر رویدادی که به آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و بر عکس».(۱)

در نتیجه به قول تاملینسون:

«جهانی شدن با تلاقی حضور و غیاب (محوزمان)، با در هم بافتگی رویدادها و مناسبات اجتماعی «دوردست» با بافت‌های محلی سر و کار دارد».(۲)

در جهانی شدن فروریزی مرزها تنها دامان مرزهای علمی و جغرافیایی را نمی‌گیرد بلکه مرزهای عقیدتی و ایدئولوژیک نیز دچار فروریزی می‌شوند. حصار خصوصی ادیان که مخاطبین خود را یک دست و همسان سامان می‌داد و غنای معرفتی، رفتاری، ادراکی می‌بخشید دچار مهمان ناخوانده و سارق مهاجمی شده است که با ساز و برگ‌های مجهز و شالوده شکن خود تمام یقینیات مؤمنان را رشته می‌کند و طوفانی از بحران معرفتی بر ذهن او سیطره می‌یابد

---

۱ . گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیست، محسن ثلاثی، ص ۷۷ .

۲ . تامیلسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، ص ۲۵ .

و در این وضعیت ادیان هرچه از متن دینی خود به سمت سنت‌های دینی (منابع درجه دوم دینی) حرکت کنند با بحران بیشتری مواجه هستند چون که غیر عقلانی تر و غیر منطقی تر جلوه می‌نمایند و نیز به قول ماکس وبر[۱] اگر تک ساحتی باشند معضلات فراتری دارند، تنها ادیان عقلانی و دو ساختی (یعنی صرفاً مناسک و آئین‌های عبادی و فردی را تئوریزه نکنند بلکه بعد اجتماعی نیز داشته باشند) توان رویارویی با این موج شکننده را دارند و همچنین اگر لایه‌های معنوی این ادیان در قبال لایه‌های شریعتی تحلیل رفته باشد دچاز فروپاشی، هضم و یاگوشه‌نشینی می‌شوند. در این وضعیت هر دین و فرهنگی در بستری قرار می‌گیرد که غیر تهدیدکننده و تهدیدکننده آن در همان بستر وجود دارد. لذا شاهد ظهور هویت‌های موزائیکی و چند ضلعی سیال، غیر شفاف و کدر و... هستیم که منجر به حاکم شدن فهم‌های نسبی می‌شوند و این حالت فضا را برای استنشاق پیام‌های تک مرکزیت دینی سخت و نفس‌گیر می‌کند.

بدین ترتیب فرایند جهانی شدن بواسطهٔ سرزمین زدایی، پیوندهای فرهنگ و دین با مکان را تضعیف می‌کند و نظام‌های معنایی را از لنگرگاه محلی خود آزاد می‌سازد.[۲]

جهانی شدن عصر فراهای فروکشیده و فروهای فرا شده است که تمام باورها را در آینه زمان می‌شکند و منشور مشوشی ارائه می‌دهد که قدرت تشخیص «خود مشخص» را از هرکسی می‌گیرد و فاصلهٔ خود و غیر را در ترک‌های این آینه به تشویش و ابهام همان تصویر «خود» قابل تشخیص است.

جهانی شدن نوعی ارتباط مجازی مبتنی بر محو فضا مکان و زمان است حال آنکه مسجد یک ارتباط دو سویه و رو در رو و واقعیتی است مبتنی بر حضور مسلط و به تعبیری در انحصار فضا مکان و زمان به همین جهت رابطه‌های شناختی نیز متفاوت از ادراک مجازی و سیال و در انحصار خصلت‌های درونی شده و تکرارپذیر می‌باشد که منجر بـه نـوعی از ایـمان گـروی

---

۱ . وبر دین بودا را تک ساحتی و دینی چون اسلام را دو ساختی می‌داند.

۲ . جهانی شدن و دین، عرضی سازی یا قدسی‌سازی، محمد رضا تاجیک، ص ۳۷ .

و مبناگروی خاصی می‌شود نزاع حریم خصوصی و عمومی درگذشته و ارتباط آن با آزادی فردی و دینی و محو این حریم توسط جهانی شدن معظلهٔ دیگری فراروی دین است که واگویه‌ای دیگر را رقم می‌زند. دین کانونی‌ترین و در واقع نقطهٔ نهانی فرهنگ است و نیز درون سازی یک ساختار تمدنی و رابطهٔ آن با تحولات پیرامون مبتنی بر نوع تلقی و بینش مذهبی به نظر تنگاتنگ می‌آید وقتی فهم عرفی شد درگردونهٔ تحولات ارتباطی متغیر و متحول می‌شود و دگرگونی یا دگر دیسی معرفتی بوجود می‌آید. آنگاه نگرش‌های مذهبی و حوزهٔ انتظارات از دین و نهایتاً گسترهٔ شریعت نیز مورد ارزیابی و بازخوانی قرار می‌گیرد و اینجاست که مسجد یا فرصت بازنمایی دوباره اجتماعی فراتر از فرم‌گرایی و مناسک‌پردازی بی روح می‌یابد و یا حاشیه‌نشین تمدنی خواهد بود که هر ازگاهی تنها از منظر تاریخی برای تحلیل وضعیت و موقعیت معماری آن توسط عده‌ای خاص مورد مطالعه قرار می‌گیرد ولی با توجه به آنچه که در مورد مسجد در صفحات پیشین گذشت خصلت فعال‌بخشی مسجد در حوزهٔ روانی و اجتماعی می‌تواند در صورت استفاده صحیح تکاپوی دیگری را برای این نهاد هویت ساز رقم بزند.

جهانی شدن نزاع‌های فراوانی را از سوی محققین بر سر همین موضوع برانگیخته است. پاره‌ای جهانی شدن را یک پروژه می‌دانند که دارای فاعل مشخص است و غایت معینی را با استفاده از برنامه‌ها و طرح‌های از پیش طراحی شده دنبال می‌کند. لذا از آن به «آمریکایی شدن»، «غربی شدن» یا «جهانی سازی» تعبیر می‌کنند.

۲ ـ دسته‌ای دیگر آن را یک پروسه می‌دانند که بعلت پیشرفت ارتباطات و تکنولوژی بوجود آمده و فاقد یک فاعل مشخص و غایت مشخص است و صرفاً فرایندی است که هر کسی می‌تواند در آن نقش داشته باشد. فرض این مقاله این است که جهانی شدن نه صرفاً یک پروژه است و نه پروسه. جهانی شدن گر چه بستری است فراهم شده ولی قدرت‌های بزرگ در پی هدایت و راهبری آن هستند اما رویکرد نرم‌افزاری آن زمینه را برای بروز تمدن‌های معارض و حضور فعالانه گفتمان‌اندیشی این تمدن‌ها فراهم می‌آورد که ایران اسلامی یکی از این تمدن‌هاست.

در تقسیم‌بندی دیگر جهانی شدن را دو ساختی می‌دانند:

۱ـ ساخت سخت‌افزاری: یعنی تکنولوژی ارتباطات منشأ متراکم شدن ارتباطات و ظهور جهانی مجازی شده است.

۲ ـ ساخت نرم‌افزاری: اطلاعاتی که در این سخت‌افزار مبادله می‌شود.

در مدرنیسم شاهد ظهور جهان مرکز شدیم که غرب مرکز آن بود. از سویی جهان پیرامون نیز شکل گرفت که کشورهای توسعه نایافته و مستعمره و به تعبیری جهان سوم آن را شکیل می‌دانند و تمام تصمیمات و رفتارها و الگوهای فرهنگی از جهان مرکز به سایر نقاط ارسال می‌شد اما جهانی شدن زمینه را برای مرکزیت زدایی غرب و جهان چند مرکزی فراهم کرده است.

قرائن و شواهد جملگی حاکی است که در دههٔ اخیر زمینه برای مرکزیت گرایی اسلام فراهم شده است و این نکته خود فرصتی است که رویهٔ نرم‌افزاری جهانی شدن در خدمت ما قرار می‌دهد.

ویژگی‌های جسمانی شدن

در پایان این بخش ویژگیهای جهانی شدن را می‌توان اینگونه نام برد:[۱]

۱ ـ جهانی شدن فرایندی گسسته و منفک در یکی از وجوه اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی نیست. بلکه این پدیده همبسته‌ای منسجم است که در تمام عرصه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.

۲ ـ جهانی شدن اساساً چالش گراست؛ چون قلمرو بسیاری از مفاهیم اجتماعی و سنتی مانند: نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعیت، فرهنگ، حاکمیت و هویت را در نور دیده و زمینه را برای باز تفسیر آنها فراهم ساخته است.

---

۱ . باری آکسفورد، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ترجمه حمیرا شیر زاد.

۳ـ ما در جریان جهانی شدن، نه با یک وضعیت غایی، بلکه با فرایند شدن‌ها سر و کار داریم یعنی جهانی شدن ناپایدار و متغیر.

۴ـ جهانی شدن نه شر است و نه خیر بلکه فرصتی است که هم می‌تواند منجی باشد و هم مهلک.

۵ـ این فرایند پدیده‌ای است تناقض نما که با مفاهیم دوگانهٔ جهانی ـ محلی، همگرایی ـ واگرایی، جهان‌گرایی ـ منطقه‌گرایی، تنوع و یکسان سازی روبروست اما این مفاهیم دوگانه در مقابل هم قرار ندارند بلکه در تقویت و تأیید با یکدیگر به سر می‌برند.

بخش دوم: دین و جهانی شدن

منظور از دین در اینجا دین اسلام است که به قول وبر دو ساحتی است، از آن جهت که این دین در عرصه‌های گوناگون زندگی چون اجتماع، سیاست و حکومت حضور می‌یابد و برای متغیرهای زمانی و مکانی، خوانشی پویا دارد و با عنصر اجتهاد حصار زمان و مکان را برمی‌دارد پس در عرصه جهانی شدن هم وارد. گود محاجه و مبارزه می‌شود. اگر بخواهیم تعریفی ساده و کامل ارائه کنیم شاید بتوان گفت:

> «روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخری و جهات دایمی حقیقی باشد، تأمین می‌نماید، پس در شریعت باید قانونهایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد».[۱]

حال باید سراغ این نکته را گرفت که آیا ادیان توان نوزائی، نوخوانی و تحول مبتنی بر فهم زمان و مکان و حرکت با اقتضائات زمان را در پروسه جهانی شدن دارند یا خیر. انسان امروز در برابر سلطه مدرنیته که در خلأ ارزشها پدیده‌ای بنیادگراست به دامان دین

---

۱ . طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲ ، ص ۱۸۷ .

با معرفتی پناه می‌برند که اولاً معنویت را به آنها برگرداند تا به آرامش برسند و ثانیاً واژه‌هایی چون عدالت اجتماعی و... که حلقه‌های مفقوده در اندیشه‌های مدرن هستند را برای آنها تئوریزه، طراحی و عملیاتی نماید. به نظر تنها کانونی که این گزاره‌ها را از درون خود به صورت عمیق داراست گوهر دین می‌باشد. اما برای فهم بهتر، رویکرد در دین نسبت به جهانی شدن را بصورت خلاصه بررسی می‌کنیم.

در خصوص رابطه دین و جهانی شدن و واکنشهای ایندو نسبت به یکدیگر سه دیدگاه کلی قابل طرح کنند:[۱]

۱ ـ نگرش بدبینانه: پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی معتقدند جهانی شدن از فرآورده‌های مدرنیته است و چون چالش میان سنت و مدرنیته منجر به گسست مبانی سنت شد و از سوئی جهانی شدن محصول سلطه غرب است پس در پی صدور ارزش‌های غربی به دیگر جوامع است لذا جهانی شدن همان «غربی شدن» یا «آمریکایی شدن» است و در واقع این گروه معتقد به «جهانی سازی» یا جهانی کردن هستند تا جهانی شدن.

۲ ـ نگرش خوش بینانه (منفعلانه): شتاب جهانگستری آنچنان سریع است که نه تنها یارای مقاومت با آن نیست بلکه گوشه نشینی نیز ممکن نمی‌باشد و تنها راه پیشرفت سوار شدن برگردونه جهانی شدن است. این نگرش هیچ توجهی به فرهنگ‌های بومی و داشته‌های خودی نمی‌کند. در واقع به هضم و ادغام فرهنگ می‌اندیشد. و رویکردی منفعلانه نسبت به جهانی شدن دارد.

۳ ـ نگرش خرد ورزانه (گزینش گرایانه): مبنا و اساس نظریه‌پردازی در این دیدگاه عقل و دستاوردهای آن است. در واقع فواید و مضرات جهانی شدن را در ترازوی خرد می‌گذارد و بجای برخورد منفعلانه یا واگرایانه با آن برخوردی منطقی، چینشی و فعالانه دارد و بجای آنکه خود را به موج طوفانی لایه‌های معرفتی و... جهانی شدن تسلیم نماید، در آن حضور فعال داشته

---

۱ . ر . ک: سجادی، سید عبدالقیوم، «استراتژی‌های کلان جامعه دینی در برخورد با جهانی شدن».

و کانون‌های معرفتی خودش که متکی به آموزه‌های جهانشمول دینی و انسانی هستند ارائه می‌دهد تا خلاءهای ناشی از جهانی شدن هدایت شده را پر نماید و بهجای استفاده از ابزارهای غیرعقلانی از ابزار گفتمان استفاده نموده و با رویکردی نرم‌افزاری وجهۀ خود را مـی‌نماید که این مقاله نگرش سوم را مطلوب خود می‌داند.

فضای مذهبی

بیرچ و همکاران (۱۰۰ : ۲۰۰۱)[۱] به فضای مذهبی[۲] به‌عنوان یک جایگاهی که می‌تواند منعکس کننده تحولات ساختاری جامعه از دورۀ سنتی به دوره مدرنیته باشد، نگاه کرده‌اند و از همین منظر می‌توان پاسخ فضای مذهبی را در مواجهه با فرایند جهانی شدن مورد مطالعه قرار داد. البته مذهب به عنوان یک پدیده اجتماعی بدون ارتباط با سایر ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه قابل فهم نیست. منتهی از آنجاکه انعکاس تغییرات مدرنیته و جهانی شدن به صورت برجسته‌ای در فضای مذهبی نمود پیداکرده است، می‌توان از این طریق روند تغییرات را بصورت برجسته‌تری مورد مطالعه قرار داد.

مذهب عمومی‌ترین خصیصه اجتماعی است که در کانون توجهات همه جوامع بوده است. لذا هر نوع تغییری در این حوزه منعکس کنندۀ «تغییر در حوزه عمومی» نیز محسوب شود، از جهت دیگر «هویت‌های دینی» نیز که یک «محصول دینی» و در عین حال برآیند «تعامل دین، جامعه و فرهنگ» هستند و در بستر فضای دینی شکل می‌گیرند، به نوعی تحت تأثیر و یا عامل اثرگذار بر فضای مذهبی نیز محسوب می‌شوند. بنابراین، فهم نسبت جهانی شدن با فضای مذهبی منعکس کنندۀ کیفیت پاسخ جامعۀ دینی به جهانی شدن در قالب هویت‌های

---

1. David Birch etal
2. Religious Sphere

متفاوت خواهد بود.[۱]

فضای مذهبی در ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ عمومی است که در گذشته اساساً دین فرهنگ عمومی را تشکیل می‌داد. هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی و نیز نهادهای اجتماعی حضور دین کاملاً ملموس و پر سیطره بود. اما با گذر از جامعه سنتی به مدرن، دین نیز ادعای پرهینه خود را وانهاده و حرکتی خزنده به سمت سکولاریزاسیون در بیشتر سطوح شکل گرفت که البته این انتقال یک انتقال ساختاری بود.

«همانطور که قوت فضای عمومی، منشأ تولید قدرت افکار عمومی و به عبارتی تجلی «قدرت مردم»[۲] است. قدرت فضای مذهبی، نمود اقتدار دین در یک جامعه است».[۳]

بهمین جهت باید تحلیل مفهومی و دقیق‌تری از فضای مذهبی ارائه داد.

به نظر می‌رسد اقتدار دین برآیند پنج قدرت اساسی است:

۱ ـ قدرت نفس دین:[۴] پیام و محتوای دینی، نقش بسیار مهم در تأثیر بر پیروان و پیشی گرفتن از سایر ادیان دارد. پیام دینی موضوع مورد مطالعه خیلی از اندیشمندان از جمله وبر بوده است. او در مورد اسلام معتقد است که اسلام به دلیل ماهیت اجتماعی و سیاسی آن مرجع قدرت و قوت گسترده خواهد شد. لذا اسلام که در حوزه‌های فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای برنامه است. به عنوان یک «منبع و مرجع قدرت» محسوب می‌شوند.

---

۱ . صدر عاملی، سعید، مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی»، کتاب جهانی شدن و دین، ص ۱۳۷ .

۲ . منظور از قدرت همان تعبیر راسل از قدرت است یعنی «اثر اراده شده» که نماد مدیریت سیاسی است و از امتداد سخن می‌گوید.

۳ . عاملی، سعید رضا، جهانی شدن و فضای مذهبی، ص ۱۳۹ .

۴ . همان، ص ۱۴۰ .

لذا اولاً توجه به پیام‌های دینی و ثانیاً انطباق آن پیام‌ها با نیازهای جامعه انسانی نقش مهمی در فضاسازی مذهبی دارد.

۲ ـ قدرت نهادینه دینی:[۱] قدرت نهادینه دینی از یک سو به نقش سازمان دینی (چاوس، ۱۹۹۴) و از سوئی به ریشه‌دار بودن مفاهیم اعتقادی، ارزشی و معرفت‌های دینی در یک جامعه توجه دارد.

سازمان‌های دینی اجتماعات دینی حل مسائل و برگزاری مناسک و مراسم. البته امروز تضعیف سازمان‌های دینی برگرفته از سرعت ارتباطات و تحول در سازمان‌های اجتماعی است که نقش سازمان‌های دینی را کمرنگ‌تر می‌کند. لذا سازمان‌های دینی برای انطباق مجبور به تحول هستند که این تحول ترس نوعی دور شدن از سنت‌های دینی را القاء می‌کند. لذا «پارادوکس نوسازی سازمانی و حفظ شکل سنتی دینی» منشأ التقاط و اختلال فراوانی می‌شود.

۳ ـ قدرت فردی دین:[۲] قدرت فردی دین به اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و نوع ارتباط فرد با مسئولیت‌های دینی باز می‌گردد. ضعیف شدن قدرت فردی دینی، مربوط می‌شود به ضعیف شدن نقش دینی در عمل فردی (چاوس، ۱۹۹۴) دو دیدگاه درخصوص ماهیت تغییرات خصوصاً در حوزه فهم دینی و به تبع آن در فضاهای مذهبی در دوره جهانی شدن مطرح گردیده است:

۱ ـ دیدگاه اول که رویکرد فلسفی و معرفت شناسانه دارد بر این مبنا تأکید می‌ورزد که تغییرات مذهبی معلول فرایندهای معرفتی و شناختی است. (سروش، ۱۳۷۵).

۲ ـ دیدگاه دوم که متأثر از رویکرد جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی است، براین مبنا تأکید می‌کند که تغییر بنیادین جهت (ویلنتی، ۲۰۰۰) معرف کالایی شدن زندگی با ارزش‌های نظامی

---

۱ . همان، ص ۱۴۰ .

۲ . همان، ص ۱۴۱ .

سرمایه‌داری و فرهنگ مصرف‌گرایی غربی است (ترنر،۱۹۹۴، عاملی، ۲۰۰۲) طبق این نظر تحولات فهم مذهبی و تحولات عمل مذهبی برگرفته از «تکثرگرایی معرفتی» نیست بلکه معلول «تکثرگرایی فرهنگی» می‌باشد که منجر به تغییرات غیرارادی در تمام حوزه‌ها و خصوصاً دین می‌شود. شاید از همین جهت است که به گفته برایون ترنر (۱۹۹۳) نقش گفتمان‌های روشن‌فکری در جهان معاصر کمرنگ شده است. که منجر به جابجایی جدید در حوزه «نخبگان اجتماعی» شده است.

۴ ـ قدرت مدنی دین:[۱] قدرت مدنی دین را می‌توان به مجموعه «قوانین و مقررات مربوط به مردم» و «نهادهای مدنی» و نسبت آنها با قوانین مورد نظر دین عامه مردم در یک جامعه مرتبط نمود. میزان قدرت مدنی دین مربوط به میزان نفوذ تعالیم دینی در قوانین و مقررات مدنی و همچنین نقش تعالیم و معارف دینی در برنامه‌های نهادهای مدنی یک جامعه می‌باشد.

یکی از کارهای الگوهای غربی با مدل‌های توسعه که در جهانی شدن نیز شتاب فراگیرتری می‌گیرد عبارتست از الگوسازی‌های غیر دینی در حوزه توسعه نظام بوروکراتیک، و قوانین شهری و مدنی.

اما در اسلام شیعی می‌بینیم که قدرت مدنی دین بسیار بالاست، بطوری‌که حتی نظم بوروکراتیک و قوانین شهری و مدنی نیز باید از صافی گزینش دینی رد شوند و در واقع از حوض دین غسل نمایند.

۵ـ قدرت اجتماعی دین:[۲] قدرت اجتماعی دین، نسبت وسیعی با نقش دین در جامعه، عرصه‌های سیاسی و بسیج و تأسیس نهضت‌های اجتماعی و سیاسی دارد. میزان اقتدار نهضت‌های دینی ارتباطی تنگاتگ با قدرت اجتماعی دین برقرار می‌کند.

---

۱ . همان، ص ۱۴۳ ـ ۱۴۲ .

۲ . همان، ص ۱۴۶ .

قدرت اجتماعی دین به نوعی به «نقش اجتماعی دین» و یا به تعبیر پیتر برگر (۶۲:۱۳۸۱) به انتظاراتی که از نقش دین در جامعه وحود دارد باز می‌گردد. شرایط مادی‌گرایانه جهان امروز منشأ ظهور نهضت‌های دینی شده است. به‌گونه‌ای که یکی از بارزترین جلوه‌های قدرت جتماعی دین، ظهور جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی دینی موسوم به بنیادگرایی اسلامی، و مسیجی در جهان معاصر است.

(هوگلند ۱۹۸۲، والت ۱۹۹۲، بریجیکیان ۱۹۹۲، جلائی پور۱۳۸۲، منوئل کتلز ۱۹۹۷) از این نهضت دینی بعنوان بازخورد جهانی شدن، در قالب «هویت‌های مقاومت» یاد می‌کنند.

گیدنز به بنیادگرایی اسلامی به عنوان برجسته‌ترین نمود بنیادگرایی دینی اشاره می‌کند و معتقد است که بنیادگرایی اسلامی، از یکسو بازتاب فشارهای ارزشی نظام سکولارمدرن و از سوی دیگر متأثر از ابعاد سنتی دین اسلام است. (گیدنز ۵۵۸ : ۲۰۰۱)

نکته قابل تأمل اینکه قوت و ضعف نهادهای اجتماعی مذهب نسبت جدی با زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه دارد. نوع تعامل نظام سیاسی با مذهب، پیشینه فرهنگی، عوامل فراملی و بین‌المللی و نظام آموزش و پرورش از جمله عواملی است که بر چگونگی نهادهای اجتماعی مذهبی اثر جدی می‌گذارد. فضای مذهبی، زمینه ظهور هویت‌های اجتماعی دینی را فراهم می‌آورد. هویت‌های اجتماعی لزوماً از یک ماهیت مشترک برخوردار نیستند، ولی ضمن تجزیه هویت‌های اجتماعی، نمودهای عینی مشترک را در قالب هویت‌های خاص پیدا می‌کنند. کستلز (۱۹۹۷) از جمله کسانی است که هویت‌های اجتماعی را در عصر جهانی شدن بر سه نوع هویت تقسیم می‌کند[۱]:

۱ ـ هویت‌های مقاوم؛

۲ ـ هویت‌های مشروعیت یافته؛

۳ ـ هویت تولیدی یا بازسازی شده.

---

۱ . همان، ص ۱۴۶ .

حال که نگاهی اجمالی به قدرت‌های منبعث از دین که در واقع منبع اقتدار دین هستند داشتیم، رویکرد دین نسبت به جهانی شدن یا بازتاب جهانی شدن در دین را بررسی می‌کنیم. به نظر می‌رسد که پاسخ جوامع دینی نسبت به «جهانی شدن از بالا» فقط در انطباق و سازگاری و یا همسان سازی با فرهنگ غرب نیست بلکه فشار و سلطه غرب منشأ شکل‌گیری «مقاومت فرهنگی و دینی» و برجسته شدن سنت‌های دینی در فضای دینی جوامع شده است.

در واقع اگر از طرفی شاهد روند (جهانی شدن از بالا هستیم) اما یک روند معکوسی سامان یافته است که منجر به ظهور جنبش‌ها و نهضت‌های مخالف این نوع جهانی شدن هستند. به گفته گیدنز شاهد جهانی شدنهای معکوس هستیم که «جهانی شدن از پایین» می‌باشد. کانون نرم‌افزای. این نوع از جهانی شدن دین و نهادهای دینی هستند.

> «این نوع نهضت‌های اجتماعی در قالب مقابله با روحیهٔ سلطه جهانی (روادس، ۲۰۰۳) و جست و جو برای عدالت فراگیرتر جهانی (باقلیوالا، ۲۰۰۲) و همچنین در شکل نهضت‌های اجتماعی محیط زیست‌گرا (روستی، ۲۰۰۴) و یا نهضت‌های فمینیستی ظهور پیدا کرده است».(۱)

در این میان نهضت‌های اصول‌گرایانه و بنیادگرای دینی از مهم‌ترین وجوه جهانی شدن معکوس هستند که بصورت موازی جهانی شدن حرکت می‌کنند اما با غایتی متفاوت.

نهضت‌ها و جنبش‌های دینی، جنبش‌هایی هستند که بدنبال تغییر در سازمان‌های دینی، انقلاب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطح دولت ـ ملت‌ها، احیای سنت‌های دینی و الهی و تغییر در روند حاکم بر جهان ظهور پیدا می‌کنند. که تفاوت نهضت‌های دینی با نهضت‌های اجتماعی در تأکید بر معیارهای ارزشی و دینی در اولی است و وجه اشتراک آنها جمعی بودن هر دو است.

---

۱ . عاملی، سعید رضا، جهانی شدن و فضای مذهبی، ص ۱۵۶ .

در فضای جهانی شدن، مهم‌ترین نهضت دینی که منجر به انقلاب شد. انقلاب اسلامی ایران بود که برخلاف جامعه شناسان معروف چون وبر، دورکهایم و مارکس که ادعای حاشیه نشینی دین را داشتند، انقلاب اسلامی ایران بود که برخلاف جامعه‌شناسان عامل تغییری بزرگ در جامعهٔ ایران و به تبع آن درکل جهان و منجر به احیاء دین‌گروی و دین‌گرایی در سراسر جهان شد، البته این به محتوا و ماهیت دین برمی‌گردد چون دین یاکنش‌گراست و یاکنش‌پذیر.

الف) دین کنش‌پذیر: با هجمه مدرنیته و انفعال سنت دین نیز دو موضع می‌گیرد دین در این موضع کنش‌پذیر شده و در مقابل گزاره‌های مدرنیسم دچار نوعی انعطاف یا سردرگمی و نهایتاً از موضعی انزواگرایانه یا تطابق‌گرایانه وارد می‌شود.(۱)

ب) دین کنشگر: یعنی در مقابل پدیده مدرنیته موضع فعال‌گرفته است و نه تنها به مقابله با آن برمی خیزد بلکه خود راهکار ارائه نموده و برنامه‌های راهبردی را به‌پیروان خود ارائه می‌دهد. ظهور پدیدهٔ «بنیادگرایی» نوعی کنش‌گری در برابر یکسان‌سازی فرهنگی و هویتی در سطح جهان به شمار می‌رود.(۲) بارزترین نمونه این کنشگری، انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که این انقلاب علیه مدرنیته و در راستای احیاء و بازخوانی اصلاح‌گرایانه سنت بود و مهم‌تر اینکه با اتکاء به اندیشه شیعی و قوانین شیعی به بار نشست.

یکی دیگر از نقش‌های دینی که در قدرت اجتماعی و مدنی ذکر آن رفت قدرت هویت‌سازی توسط دین است. دین جزء عناصرکلیدی ساخت هویت است حتی بعضی هویت دینی را بعنوان هویت مستقل مطرح می‌کنند. وقتی بحران هویت توسط جهانی شدن بوجود می‌آید بصورت طبیعی بازگشت جهانی ادیان زنده می‌شود که این بازگشت به دو جنبهٔ مهم از فرایند جهانی شدن، یعنی جهان به عنوان یک نظام واحد همگن و نیز نسبیت‌گرایی فرهنگی است.

---

۱ . کیانی، داوود، فرهنگ جهانی، اسطوره یا واقعیت.

۲ . گل محمدی، احمد، جهانی شدن و بحران هویت.

مارتین آلبرو دربارهٔ نقش «جوامع محلی دینی» در جهان معاصر می‌گوید: «نامعلومی و فقدان قطعیت دربارهٔ وجود جامعه اغلب «ناایمنی هستی شناختی» Ontological Insecurity نامیده شده است، یعنی فقدان اعتماد به واقعیت پیرامون که از ناایمنی نداشتن کار یا سلامت بنیادی‌تر است!

مهم‌ترین تغییری که در خصوص جهانی شدن و دین متصور هست، تغییری است که در ساختار جامعه به وجود آمده است و به نوعی مفهوم جامعهٔ بومی، فضای عمومی بومی و در پی آن فضای مذهبی و هویتهای اجتماعی تغییر کرده است، این تغییر محصول یکپارچگی «بستر اجتماعی و فرهنگی» جهان معاصر و به عبارتی همانطور که گذشت محو فاصلهٔ حاضر و غایب و تراکم فضاهای جدا افتاده قدیم است.

با توجه به فضای موجود نوعی از «قبیله گرایی جهانی» در حال شکل‌گیری است و محدودهٔ فضای عمومی فراتر از دولت ـ ملتها هستند. بالطبع حصار فضای مذهبی نیز گستره‌ای به وسعت جهان را در بر می‌گیرد البته گر چه به نظر جهانی شدن قدرت مدنی و قدرت سیاسی دین را به چالش می‌کشاند ولی با توجه به خلأهای بوجود آمده ناشی از جهانی شدن قدرت فردی و اجتماعی جهانی شدن دین گسترش می‌یابد که در صورت مدیریت هدایت شده و معناگرایانه تسخیر و تصرف قدرت سیاسی و مدنی نیز امری ممکن می‌آید.

عواملی که موجب برجسته‌تر شدن فرایند معکوس جهانی شدن هستند و آن را از حاسیه به متن مقاومت و پیروزی می‌کشانند عبارتند از:

۱ ـ عامل اول: جنبهٔ انعکاس داشتن تنوع فرهنگی متأثر از جهانی شدن که منشأ انعکاس تفاوت‌های بین فرد و جامعه بومی با «دیگری» می‌شود.(۱)

۲ ـ عامل دوم: جنبهٔ سلطه‌آمیز بودن جهانی شدن‌های از بالا به پائین که عکس‌العمل

---

۱ . عاملی، سعید رضا، مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی، ص ۱۵۹ ـ ۱۵۸ .

طبیعی[۱] آن برجسته شدن هویت‌های مقاومت است.

۳ ـ عامل سوم: روحیهٔ نوگرایی محض جهانی شدن آمریکایی که تمام تاریخ و فرهنگ گذشته تمدنی را نادیده می‌انگارد و بازتاب چنین خوانش‌های، عکس‌العمل‌های منفی و چکشی می‌باشد.[۲]

این سه عامل معرف قوی شدن «هویت‌های اجتماعی» می‌باشند. که این هویت‌ها نیز از ابعاد سه گانه:

۱ ـ تمایزگرایی؛

۲ ـ سلطه ستیزی؛

۳ ـ استمرار هویتی[۳] برخوردارند.

نوگرایی گرچه از یکسو منجر به نشاط و تنوع می‌شود ولی اگر این نوگرایی در هویت سرایت کند منجر به نوعی «گم گشتگی و نوستالژیای هویتی» می‌شود. لذا روندهای معکوس از قدرت و قوت بیشتری برخوردار خواهد شد. با توجه به روند رو به رشد «هویت‌های مقاومت» و جهانی شدن معکوس (از پائین به بالا) نوعی از ارزش‌های مشترک الهی که مورد قبول همهٔ ادیان است در حال تجلی اجتماعی است که منجر به نوعی از «عام‌گرایی دینی» شده است. Religious universalism

مفاهیمی چون عدالت، ظلم ستیزی، توجه به کرامت انسانی، نفس سلطهٔ غیر الهی در کانون این نگرش وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین روند معکوس جهانی شدن، جهانی شدن‌های ارزشی می‌باشد.

---

۱ . همان.

۲ . همان.

۳ . همان.

شیعه مذهب کنشگر

شیعه نیز به مانند بقیه مذاهب و ادیان دارای پیام فرامرزی و فرازمان است و مؤلفه‌های آن فراتاریخی و جهانشمول است. دو عنصری که شیعه را متمایز می‌کند:

۱ ـ اصل عدالت و عدالت اجتماعی؛

۲ ـ نظریه امامت بعنوان راهبرد سیاسی، این دو عنصر که از سوئی مهمترین خلأ و دغدغه بشری (عدالت) را نه صرفاً به عنوان توصیه اخلاقی بلکه بعنوان بایسته‌های نظام‌مند و تمدنی برای تمام بشریت و همه تمدن‌ها طراحی می‌کند و از سوئی ساز و کار آنها در تفکر امامت و ولایت معصوم تعبیه می‌کند که به نظر پارادیمی آرمان واقع است که هیچ تفکر و مذهبی بدان نپرداخته و این چنین سیستماتیک آن را بصورت جهانی و فراتاریخی طراحی ننموده است. برای توضیح این مطلب به چند مؤلفهٔ کلیدی شیعه اشاره می‌کنیم تا بحث قالبی واضح‌تر بیابد.

۱ ـ عقلانیت: شیعه بیشترین ملازمت با عقل را دارد. کثرت فیلسوفان شیعه گواه این مدعاست. سیره عقلانیه مستقلات عقلیه، ملازمات عقلیه از مباحث کلیدی اصول هستند حتی بعضی از کتب حدیثی شیعه مانند اصول کافی نیز با «باب جهل و عقل» شروع کرده‌اند البته عده‌ای معتقدند بین عقل وبری (ابزار) و عقل فلسفی تفاوت است اما از تفکر شیعی عقل ابزاری نیز مورد توجه و تأکید می‌باشد. و با توجه به سیر عقلانی در جهانی شدن به‌نظر می‌رسد تفکر شیعی بیشترین و بهترین تعامل را می‌تواند با انسان امروزی و جامعهٔ امروزی داشته باشد.

اجتهاد و فهم مقتضیات زمان و مکان

۲ ـ اجتهاد:[۱] نظریه پردازان فرهنگ و اندیشه براین باورند که برخی اصول اندیشه، بر اثر گذر زمان دچار فراموشی و فرسودگی می‌شوند لذا نیازمند اصلاح و دگر تفسیری هستند.

---

۱ . سید باقری، سید کاظم، جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین ص ۵ ـ ۳۵۴ .

اجتهاد یکی از اصولی است که در مذهب شیعه نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کند و با نگرش منطقی و عقلی و فهمی نوشونده و تکاملی، دستورات دین، همگام با مقتضیات زمان و مکان می‌گردد. لذا در زمان‌های مختلف، این اصل، راهگشای بسیاری بن بست‌ها و مشکلات خواهد بود.

بر همین اساس است که می‌توان از دستورهای اصیل و واقعی اسلام، براساس احتیاجات روز حکم کرد و لذا در دوره جهانی شدن نیز این فهم نو شونده می‌تواند جوابگوی بسیاری از مسائل شود.

هشام شرابی اجتهاد را در برقراری تحلیل عقلی در حوزه باز فهمی دین می‌داند:

«حاصل فرجامین (احیاء اجتهاد) برقراری تحلیل عقلی به مثابهٔ شرط اولیه تفسیر بود. این کار نه تنها راه را برای برقراری دوباره اصل داوری مستقل (اجتهاد) باز کرده بلکه اقتدار سلسله سران سنتی ریشه‌دار را نیز مورد تردید قرار داده این گذر به جنبش اصلاح‌طلبی نیرو و تحرک زیاد می‌بخشید».(۱)

شهید مطهری با طرح سلسله قوانین ثابت و متغیر درباره اجتهاد می‌گوید:

«اسلام یک نوع رمز و یک دستگاه متحرکی در داخل خود قرار داده که خودش از ناحیهٔ خود تغییر می‌کند، نه از ناحیه کسی دیگر که مثلاً علما بیایند تغییر بدهند، علما فقط می‌توانند آن تغییرات را کشف کنند نه این که تغییر بدهند».(۲)

---

۱ . شرابی، هشام، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۳۱ .

۲ . مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲ ص ۱۴ .

شهید صدر، اجتهاد را برای بازفهمی نظام عقیدتی اسلام لازم می‌داند تا هم در اصول و هم در فروع، از آن مددگیرد و بتواند با آن اسلام را مطابق با نیازهای واقعی زمان عرضه کند.(۱)

دو عنصر مهم در جهانی شدن که برای اجتهاد مورد تمسک و خوانش قرار می‌گیرند:

۱ ـ سنت؛

۲ ـ عقل.

عقل مهم‌ترین عنصر برای ارتباط معنادار و همه جانبه با دنیای مدرن است که از لایه‌هایی از:

۱ ـ آمپریسم؛

۲ ـ پوزیتیوسم و ادراکات حسی و تجربی در حوزه معرفتی سود می‌جوید گرچه بین عقل جدید که مبتنی بر خرد جدید است و عقل مورد استعمال در قوانین فقهی تفاوت است اما مبانی مشترک هستند. لذا عنصر اجتهاد در فرایند جهانی شدن نقش اساسی برای حمل سنتها به دروازه جهانی شدن دارند.

۲ ـ نظریه فطرت: در اندیشه شیعی خلقت تمام انسان‌ها براساس فطرتی است که این فطرت طالب خداشناسی و خداگرایی می‌باشد پس آدمیان پذیرش ذاتی برای توحید عملی و نظری دارند. فراتر اینکه برخی قائل به فطری بودن نبوت پیامبر اسلام و ولایت ائمه‌اطهار علیهم‌السلام نیز می‌باشند لذا انسان‌ها در بدو تولد گرایش پذیرفتن مهم‌ترین رکن شیعی که اساس ادیان آسمانی نیز هست (توحید) را دارا می‌باشند.

۳ ـ عدالت: یکی از اصول پنج گانه شیعی عدالت می‌باشد. محوری‌ترین مؤلفه ممتاز مذهب شیعی از سایر مذاهب و ادیان مفهوم عدالت است که دو ساختی است هم عدالت در نفس را مطرح می‌کند (فردی و درونی) و هم عدالت بیرونی یا اجتماعی را یعنی «وضع کل شیء فی موضعه» طرح می‌کند.

---

۱ . نصری، عبدالله، انقلاء بشر از دین، ص ۱۶۴ .

عدالت در حوزه اجتماعی و سیاسی خصوصاً عدالت سیاسی که منجر به پارادیمی از سیستم‌های سیاسی می‌شود که به تفکر امامت و در زمان غیبت به نظریه ولایت فقیه منجر می‌شود. اساسی‌ترین اصول در تفکر شیعی است که سایر اصول شیعی را نیز تعریف و تبیین می‌کند. عدالت در تفکر شیعی وجهه‌ای هستی شناختی نیز دارد. «**و بالعدل قامت السموات و الأرض**» آرمان نهانی و نهائی شیعه نیز در قالب عدالت طراحی شده است امام زمان صرفاً برای ایجاد قسط و عدالت بصورت جهانی ظهور می‌کند پس عدالت در پارادیم Paradaim شیعی خصلتی فرازمانی دارد و جدی‌ترین گزاره جهانی که تبدیل به یک‌معضله و حلقهٔ مفقوده شده است نایابی و کم یابی عدالت است و هر چه گسترهٔ جهانی شدن وسیع‌تر می‌شود دغدغهٔ عدالت نیز فراگیرتر می‌گردد. مکاتب بشری با تمام تلاششان در حوزهٔ نظریه‌پردازی اجتماعی نتوانستند مشکل عدالت را سامان دهند. اندیشمندانی چون جان راولز که نظریهٔ عدالت توزیعی لیبرالیستی را تبیین نموده‌اند دچار ناکامی در اجرای این نظریه شده‌اند از آن جهت که علوم اجتماعی و سیاسی به صورت هم بسته هستند و گسست در هم بستگی علوم منجر به تعارض‌های ذاتی اجتماعی و بحران‌های درون زا می‌شود. اصالت کاپیتالیستی و سرمایه محوری و رویکردهای مرکانتیلیستی Mercantilisty نه تنها منجر به عدالت توزیعی «راولزی» نمی‌شود بلکه تضاد طبقاتی ایجاد کارتل‌های بزرگ و شکاف‌های عظیم شمال و جنوب محصول آن است تنها تفکری که عدالت را به صورت فرائیسمی و از منظری ساختاری جهانی تبیین می‌کند شیعه است اصلی‌ترین بحران جهان معاصر خلأ عدالت، اخلاق، معنویت است، سه ضلعی که اساس تفکر شیعی را سامان می‌دهند. با نظر داشت: جهانی شدن معکوس و نیز جهانگرایی فرایند پذیرش این سه عنصر را بصورت تزایدی ـ تسریعی معنا می‌بخشد پس در آینده نزدیک شاهد نوعی معناگرایی شیعی در گسترهٔ جهانی خواهیم بود.

۵ ـ مهدویت: اعتقاد به مصلح آخرالزمان و ایجاد حکومت جهانی براساس عدل و به منظور نجات بشر از ظلم و جود که اصطلاحاً «فلسفه مهدویت» نامیده می‌شود، مختص شیعه نیست و همهٔ ادیان مدلی از آن را دارند. خصوصیت شیعه کنشگری مثبت در این

رابطه‌است و آن زمینه‌سازی و بسترسازی برای این‌امرکه‌اصلاح‌اجتماعی خصیصهٔ‌ذاتی آن‌است.

۶ ـ ولایت فـقیه: مـحکم‌ترین تـئوری در بـاب سـیستم حکـومتی مـذهب شـیعه «تئوری ولایت فقیه» می‌باشد. این تئوری که اکنون از پشتوانه قدرت نـیز بـرخـوردار است داعیه نوعی از حکومت جهانی را با اتکاء به نظریه‌های جهان محور خود دارد. دانائی و عدالت مقوم‌های این نظریه هستند که آن از گستره جغرافیایی خاص (ایران) فراتر می‌بخشند.

در واقع تئوری ولایت فقیه با تکیه بر عناصر، عدالت، جهاد و اجتهاد خواستار ایجاد نظام سیاسی است که زمینه ساز ظهور منجی می‌گردد. و چون ظهور منجی جهانی است پس این تئوری در حوزه عمل نه فقط ایران که تمام کشورهای اسلامی و بلکه نظام بین‌الملل می‌داند.

۷ ـ فرازمان و مکان بودن پیام تشیع: پیام‌های شیعی فرازمانی و فرامکانی و برای مخاطب عام می‌باشد. جهانشمول بودگی پیام‌های شیعی رویکردی نمادین یافته است و اساساً با تمدن‌ها و قیام‌ها ره‌آوردی بشری به ارمغان می‌آورد. پیام عاشوراکه منجر به یک تراژدی بشری تاریخی شد و نظریه پایان تاریخ با پایان جهان که منجر به ظهور مصلح عدالت‌گستر می‌شود پیام‌های شیعی هستند که اساساً در عصر فراها کاربرد دارند.

بازخوانی «زیارت وارث» نشان دهنده فراتاریخی بودن پیام شیعی است.

در پایان اشاره‌ای داریم به نقش مساجد در نزاع بین دین و جهانی شدن. همان‌طورکه در آغاز گفته شد مسجد کانون اصلی اسلام از جهت عبادی، نیایشی، آموزشی، عقیدتی و معرفتی و حتی حوزه‌های جانبی چون نظام سیاسی (پایگاه حکومت)، نـظامی (پـایگاه جـهاد) و... بوده است.

و نقش خود را بصورت فراگیر برای مخاطبین خود انجام داده است. قبل از مدرنیته در کنار مساجد یک نهاد آموزشی بنام مدارس ایجاد شد که نقشهای آموزشی تخصصی چون (آموزش کلام، فقه و فلسفه و...) از مسجد گرفت و آن را به صورت منحصر در اختیار گرفت. اما مدارس هم نتوانست نقش آموزش عمومی مسجد را از آن بگیرد. اما معضله اصلی مدرنیته و پیامد آن جهانی شدن بود. با خصوصیاتی که در مورد جهانی شدن ذکر شد کاملاً واضح است

که جهانی شدن از حیث نرم‌افزاری بستری غیردینی و ضددینی دارد و از حیث سخت‌افزاری و رسانه‌ای نیز دارای شتاب وسیع و فراتر از حد تصوری است که عرصه را برمساجد تنگ می‌کند. امروز رسانه‌های جدید هیچ زحمتی به مخاطب نمی‌دهند و در حوزه خصوصی مخاطب رخنه نموده و با بمباران اطلاعاتی و سلب آرامش فکری از او قدرت هر نوع تصمیم‌گیری را از او می‌گیرند و در واقع نوعی از «حقیقت مجازی» را برای او رقم می‌زنند که فرد در دنیای مجازی زندگی کند و ادراکات او نیز مجازی می‌شوند. با نشان‌گرفتن لایه‌های عاطفی و حسی مخاطب نظام معرفتی او را مختل نموده و نوعی از معرفت هدایت شده وکنترل شده را به خورد مخاطب می‌دهند که منجر به افکار سازی در حوزه جامعه می‌شود و بالاخره با انبوهی از مخاطبین روبرو می‌شویم که منبع تغذیه واحد و هدایت شده‌ای آنها را تبدیل به (موجودات شعورمند هدایت شده) می‌کند و تنها به محرک‌های خاصی که توسط منبعی محدود القاء می‌شود پاسخ می‌دهند. لذا دنیایی همگن و همسان ایجاد می‌کنند اما این یک روی روایت است روی دیگر آن در بخش‌های پیشین تحت عنوان جهانی شدن معکوس توضیح داده شد. نیز گفتیم جهان معاصر گر چه از حیث اقتصادی و تجاری فروشکسته است و به سمت یکسان سازی سیاسی می‌رود اما تنها سنگری که هنوز فتح نشده است و مقاومت می‌کند «عرصه فرهنگ» است و قدرت‌های بزرگ که بدنبال جهانی‌سازی هستند نه تنها نتوانسته‌اند مقاومت‌های فرهنگی راکنترل کنند بلکه مقاومت‌های فرهنگی از حاشیه به متن آمده‌اند و امروز خود تبدیل به «متن‌های هژمون» یاگفتمان‌های مسلط شده‌اند در واقع لایهٔ نرم‌افزاری در جهانی شدن هنوز در کشاکش نزاع بین دین‌گرایی و مادی‌گرایی، معرفت و احساس حق و باطل، حقیقت و مجاز، بومی‌گری، محلی‌گرایی و جهانی گرایی می‌باشد. اما مهم‌ترین نزاع، دین و آموزه‌های جهانی‌سازی اندیشه‌های محدود بشری (لیبرالیسم) می‌باشد که امروزه خیزش جنبش‌های دینی و مقاومت فرهنگی شکننده‌ای که برای جهانی سازی وجود دارد عرصه را به سمت فرهنگی شدن یا دین‌گرایی انسان معاصر پیش می‌برد. منظور از دین، اسلام است و خصوصاً قرائت شیعی با توجه به خصوصیاتی که دارد و ذکر شد که در حال حاضر تنها قرائتی

که می‌تواند انسان معاصر را نجات دهد و بستر آرامش روانی برایش ایجاد نماید[۱] تفکر شیعی است چون دو ساختی است و لبه اجتماعی آن تیزتر از ساخت فردی‌اش است. حتی قرائت عرفانی انسان معاصر نیز به قرائت عرفانی شیعی نزدیکتر است مضافاً که امروزه تفکر شیعی از یک نظام سیاسی که تبدیل به یک روند تبلیغاتی و سیاست‌گذاری جهانی شده است نیز برخوردار است. حال با توجه به مسائل مذکور مسجد اولین و اساسی‌ترین کانون است که آموزه‌های دینی و نرم‌افزاری را می‌تواند به جامعه جهانی القاء نماید گرچه مسجد دارای مکان مشخص و مخاطبین خاص است اما مسجد دو کار انجام می‌دهد:

۱ ـ ساماندهی معرفتی مخاطبین خاص و ایجاد نظام ارتباطی (چهره به چهره) که کارآمدترین نظام ارتباطی و مبتنی بر معرفت حقیقی است نه (مجازی) نظام معنایی خود را در جامعه گسترش می‌دهد.

۲ ـ مسجد می‌تواند از رسانه‌های جدید به عنوان ابزار استفاده نماید. مهم‌ترین خصلت مسجد تولید پیام است و پیام یک نرم‌افزار است که می‌تواند از طریق نظام ارتباط محدود و مشخص (چهره به چهره/ خود مسجد) به مخاطب برسد و هم می‌تواند از ابزارهای پیام‌گستر چون رسانه‌های مدرن استفاده نماید. اگر این فرضیه راکه رسانه‌های تکنولوژیک به خودی خود و صرفاً از این جهت که ابزار هستند خنثی می‌باشند و این پیام است که غایت و نوع آنها را مشخص می‌کند، بپذیریم در آن صورت رسانه‌های جدید و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی ابزارهایی هستند که می‌توانند در خدمت مساجد نیز قرار بگیرند و نظام معنایی اسلام را به جهانیان ارائه دهند و کاربران را با شبکه‌ای از لایه‌های معرفت یقینی آشنا سازند که حاوی یک رویکرد معنوی برای انسان معاصر گریزان از هجمه است.

در جهان معاصر دو خلأ کاملاً مشهود و جهانی است:

---

۱. مصطفی ملکیان / عقلانیت و معنویت.

۱ ـ خلأ معنویت و ارزش‌های انسانی و الهی.[۱]

۲ ـ خلأ عدالت.

در صفحات پیشین ذکر شد که ممیزه تفکر شیعی نسبت به دیگر ادیان و فرق برجستگی ایندوگزاره است و کانون تبلیغ این دو، مساجد می‌باشند و مساجد با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای جدید می‌توانند در میان رسانه‌های رقیب ایفای نقش نموده و سنگر فرهنگی در قالب «مقاومتهای فرهنگی» ایجاد نماید که دارای پشتوانه معرفتی است و پیام آن نیز جهانشمول است و مخاطبین جهانی دارد.

این نقش آفرینی‌ها منوط به بازاندیشی در رسالت مسجد و نحوه تعامل مسجد و جامعه و نظام ارتباطی آن و استفاده مساجد از رسانه‌های جدید است.

نتیجه‌گیری

گرچه جهانی شدن یک تهدید است اما فرصتی می‌آفریند و آن تبدیل شدن گزاره‌های دینی به گزاره جهانی البته گزاره‌های دینی خود جهانی هستند اما از جهت اینکه فرصت ابراز وجود جهانی می‌یابند منظور است. و مسجد کانونی برای نشر این معارف است و می‌تواند از رسانه‌های مدرن استفاده ابزاری نماید و ایجاد یک بستر فرهنگی کند که در صورتی که این بستر فرهنگی غالب شود نظم اقتصادی سیاسی و اجتماعی خاص خود را تولید می‌کند و همین امر زمینه را برای ظهور مصلح جهانی مهیا می‌کند.

مسجد برآمد یک نظم سنتی است یعنی آفریننده یک مدل ارتباطی است که در بستر نظم خاص که معروف به دوران سنتی است شکل گرفته است کارکردهای آن نیز بالطبع کارکردهای عطوف به فرایندهای محیطی یا Content زمینه محور است اما امروز که در عصر مدرنیته و فراتر از آن در چالش جهانی شدن قرار گرفته‌ایم بازخوانی نقش مسجد ضرورتی بدیهی بنظر می‌رسد.

---

۱ . مراجعه شود به کتاب عقلانیت و معنویت / مصطفی ملکیان.

صفحات پیشین اشاره شد که نقش مسجد یک نقش ماهیت‌گر است یعنی رسالت مسجد تعمیق باورهای دینی و بیشتر تکیه و تأکید بر لایه‌های معرفتی است که منجر به دروشدن هویت ایمانی می‌گردد و همین امر هویت اعتقادی و نیایشی را نیز سامان می‌دهد. اما گذر تاریخ این نقش مسجد را از او گرفته است و بیشتر مسجد در پی کارکردهای نیایشی جلوه‌گر می‌شود تا ساختارهای درونی‌سازی.

لذا با بازگشت مسجد به رسالت اصلی خود یعنی کارکرد معرفت‌بخشی و سپس ساماندهی هویت‌های آئینی ابتدا رویکرد نرم‌افرازی و معناشناختی مسجد تقویت می‌شود و سپس مساجد در گردونهٔ نزاع رسانه‌ها می‌توانند سربلند عمل نمایند و سپس با محتوای معرفتی خود می‌تواند از دیگر رسانه‌ها بعنوان ابزار استفاده نماید و پیام‌های خود را از محدوده زمان و مکان رها نموده و بتواند بازتابی جهانی داشته باشد.

نتیجه این‌که جهانی شدن گرچه خلق محدودیت می‌نماید ولی فرصتی برای بازنمایی آموزه‌های دینی می‌آفریند که در صورت احیاء دوباره نقش مسجد شاهد خلق هویت جدید دینی در قالب هویت‌های مقاومت خواهیم بود.